# نشانه های ظهور امام زمان (عج)

ترجمه: الملاحم و الفتن

گردآوری از: سید بن طاووس علیه الرحمة



ترجمه و تحقیق و اعراب گذاری از: سید مهدی آیت اللهی

Scanned by CamScanner

# نشانه‌های ظهور امام زمان (عج)

ترجمه: الملاحم والفتن

از: سیدبن طاووس

ترجمه و تحقیق و اعراب گذاری

از: سید مهدی آیت اللهی

Scanned by CamScanner

بسم الله الرحمن الرحیم

تقدیم به

پیشگاه خورشید منظومه انسانی

## حضرت مهدی (عج)

ای امید ناامیدان جهان و ای پناهگاه مظلومان تاریخ و ای رهبر آزادگان که جهان بخاطر تو برپاست و عاشقان دلباخته دیدارت و شیفتگان حکومت عدل آفرینت همه به عشق تو در انتظارند.

خدمتگزار آستانت - سید مهدی آیت‌اللهی

قم - ۸۳/۲/۱۵

Scanned by CamScanner

# فهرست مطالب


**حدیث ۱**: پیامبر (ص) از همه‌ی رویدادها تا قیامت آگاه است. ۲۹
**حدیث ۲**: علی (ع) از همه‌ی رویدادها تا قیامت آگاه است. ۲۹
**حدیث ۳**: علی (ع) فرمود: خداوند برای این امت پنج فتنه قرار داده است. ۳۱
**حدیث ۴**: فتنه‌ای به وجود خواهد آمد که اندیشه‌ها را از کار خواهد انداخت. ۳۱
**حدیث ۵**: رسول خدا فرمود: شما را از هفت فتنه پس از خود می‌ترسانم. ۳۳
**حدیث ۶**: رسول خدا فرمود: پس از من چهار فتنه واقع خواهد شد. ۳۵
**حدیث ۷**: رسول خدا فرمود: در امّت من چهار فتنه خواهد آمد. ۳۷
**حدیث ۸**: علی (ع) فرمود: چهار فتنه به وقوع خواهد پیوست. ۳۷
**حدیث ۹**: رسول خدا فرمود: پس از من فتنه‌هایی خواهد بود. ۳۹
**حدیث ۱۰**: رسول خدا فرمود: فتنه‌ای واقع خواهد شد که اندیشه‌ها را از کار خواهد انداخت. ۳۹
**حدیث ۱۱**: رسول خدا فرمود: هرج و مرج وکشتار بین‌مردم‌حاکم خواهد شد.۴۱
**حدیث ۱۲**: علی (ع) فرمود: در آخرالزّمان مردم مانند حیوانات خواهند شد. ۴۱
**حدیث ۱۳**: در آخرالزّمان مردم آرزوی مرگ می‌کنند. ۴۳
**حدیث ۱۴**: در آخرالزّمان مردم در آرزوی نجات‌اند. ۴۳
**حدیث ۱۵**: حضرت علی (ع) به حوادث بعد از خود اشاره دارد. ۴۵


Scanned by CamScanner

**حدیث ۱۶:** پیرامون خلافت امام حسین (ع) و پیامدهای آن. ۴۹
**حدیث ۱۷:** رسول خدا فرمود: روز قیامت گروهی از مردم مقام والایی دارند. ۴۹
**حدیث ۱۸:** سرزنش پیامبر از عایشه از شرکت در جنگ با علی (ع). ۵۱
**حدیث ۱۹:** دستور پیامبر به عاشیه برای بازگشت از جنگ. ۵۱
**حدیث ۲۰:** سخن پیامبر در ظهور حضرت مهدی (عج). ۵۳
**حدیث ۲۱:** بعد از مروان خلافتی نخواهد بود تا آنکه مهدی ظهور کند. ۵۳
**حدیث ۲۲:** منادی آسمان سخنی راجع به امیرالعصب دارد. ۵۵
**حدیث ۲۳:** علی (ع) فرمود: من برای اقامه‌ی حق می‌جنگم. ۵۵
**حدیث ۲۴:** علی (ع) فرمود: بزودی معاویه بر شما حکومت خواهد کرد. ۵۷
**حدیث ۲۵:** حکومت بنی‌امیّه صد سال طول خواهد کشید سپس حکومت آن‌ها پایان می‌پذیرد. ۵۷
**حدیث ۲۶:** سخن پیامبر پیرامون مروان و هلاک امّت، به دست او ۶۵
**حدیث ۲۷:** لعن پیامبر نسبت به مروان و فرزندان او ۶۵
**حدیث ۲۸:** سخن پیامبر راجع به مروان ۶۵
**حدیث ۲۹:** سخن پیامبر راجع به بنی‌امیّه ۶۷
**حدیث ۳۰:** سخن علی(ع)راجع‌به‌بنی‌امیّه بدوام‌حکومت آن‌هابه‌خاطر حفظ وحدت. ۶۷
**حدیث ۳۱:** سخن علی(ع) پیرامون نابودی بنی‌امیّه به خاطر اختلاف بین آن‌ها ۶۹
**حدیث ۳۲:** سخن ابن‌عبّاس راجع به نابودی بنی‌امیّه ۶۹
**حدیث ۳۳:** برافراشته شدن پرچم‌های سیاه از خراسان ۶۹
**حدیث ۳۴:** کلام رسول خدا پیرامون مرگ اسلام با ظهور پرچم‌های بنی‌العباس ۷۱
**حدیث ۳۵:** کلام پیامبر به اینکه خلفای بعد از من به تعداد نقباء موسی هستند. ۷۱
**حدیث ۳۶:** کلام رسول خدا به ادامه‌ی حکومت تا آن که دوازده نفر از قریش حکومت کنند. ۷۱
**حدیث ۳۷:** عبداللّه بن عمر گفت: پس از رسول خدا تا قیامت، حکومت پایدار نخواهد ماند. ۷۳
**حدیث ۳۸:** عبدالله بن عمر گفت: از من لقب دوازده خلیفه به وجود خواهد آمد. ۷۳
**حدیث ۳۹:** ابن‌عبّاس به گروهی که نزد او بودند گفت: به خدا سوگند که از ما خلفایی خواهد بود. ۷۳
**حدیث ۴۰:** بیان ترس و خوف بین حکومت‌ها. ۷۳
**حدیث ۴۱:** سخن راهب مسیحی راجع به حاکمان، در تورات. ۷۵

Scanned by CamScanner

**حدیث ۴۲:** کلام ابن‌عبّاس در احترام به مردم فارس و ایران. ۷۵
**حدیث ۴۳:** کلام رسول خدا پیرامون پوشیدن لباس سیاه. ۷۷
**حدیث ۴۴:** کلام رسول خدا در مذمّت از بنی‌العبّاس. ۷۷
**حدیث ۴۵:** مذمّت از شیعیان بنی‌امیّه و بنی‌العبّاس. ۷۷
**حدیث ۴۶:** پیرامون عدم کمک و یاری به بنی‌العبّاس. ۷۹
**حدیث ۴۷:** کلام علی (ع) در دوری از اصحاب درد و بلا. ۷۹
**حدیث ۴۸:** کلام رسول خدا پیرامون هجوم مردمی از مشرق. ۸۱
**حدیث ۴۹:** پیرامون حکومت بعد از بنی‌امیّه. ۸۱
**حدیث ۵۰:** ظهور مردمی از مشرق. ۸۳
**حدیث ۵۱:** برافراشته شدن پرچمی از خراسان. ۸۳
**حدیث ۵۲:** کلام علی (ع) در باره‌ی هلاکت آن مردم. ۸۳
**حدیث ۵۳:** بنی‌العبّاس کلید هر شر و زشتی‌اند. ۸۵
**حدیث ۵۴:** ظهور فتنه‌ای مرگبار. ۸۵
**حدیث ۵۵:** کلام رسول خدا پیرامون فتنه‌ای از مشرق و مغرب. ۸۷
**حدیث ۵۶:** کلام رسول خدا پیرامون برتری زنان بربر بر مردانشان. ۸۷
**حدیث ۵۷:** ظهور پرچم‌های زرد و فرار از دست آن‌ها. ۸۷
**حدیث ۵۸:** رفتار زشت یهودیان با مسلمانان. ۸۹
**حدیث ۵۹:** سفارش رسول خدا پیرامون امر به معروف و نهی از منکر. ۸۹
**حدیث ۶۰:** ظهور پرچم‌های سیاه از مشرق و زرد از مغرب. ۹۱
**حدیث ۶۱:** ظهور فتنه‌ای از مشرق و فتنه‌ای مغرب. ۹۱
**حدیث ۶۲:** راحتی مردم پس از انقراض دولت بنی‌العبّاس. ۹۳
**حدیث ۶۳:** شدّت و سختی در زمان خلافت بنی‌العبّاس. ۹۳
**حدیث ۶۴:** کلام رسول خدا پیرامون ظهور فتنه تا قیام قائم. ۹۵
**حدیث ۶۵:** ظلم و ستم خلفای عبّاسی و فریاد منادی آسمان. ۹۵
**حدیث ۶۶:** ورود ترک به جزیرةالعرب و مرگ آن‌ها با طاعون. ۹۷
**حدیث ۶۷:** ورود ترک‌ها به دجله و فرات و نابودی آن‌ها. ۹۷
**حدیث ۶۸:** خروج دوباره‌ی ترک‌ها و نابودی آن‌ها. ۹۹
**حدیث ۶۹:** کلام رسول خدا درباره‌ی قیام ترک‌ها از آذربایجان و سپس ورود به کنار فرات. ۹۹
**حدیث ۷۰:** جنگ سفیانی با ترک‌ها. ۱۰۱

Scanned by CamScanner

**حدیث ۷۱:** تجاوز ترک‌ها به حریم مردم و قیام آن‌ها علیه ترک‌ها. ۱۰۱
**حدیث ۷۲:** ظهور صیحه‌ی آسمانی در رمضان و جنگ و خونریزی در ماه شوّال ۶۷
**حدیث ۷۳:** وقوع زلزله در دمشق و هلاکت مردم. ۱۰۳
**حدیث ۷۴:** ظهور سرخی در آسمان و طلوع ستاره‌ای از مشرق که نشانه‌ی انقراض بنی‌العبّاس است.. ۱۰۷
**حدیث ۷۵:** پس از رؤیت ستاره‌ای از مشرق و رسیدن بنی‌العبّاس به خراسان به خدا پناه برید.. ۱۰۷
**حدیث ۷۶:** پیدایش ستاره‌ی دنباله‌دار در ماه صفر. ۱۰۹
**حدیث ۷۷:** پیدایش علامتی در ماه رمضان و وقوع جنگ در ذیقعده. ۱۰۹
**حدیث ۷۸:** ظهور عمودی از نور در ماه رمضان و جنگ و فتنه در ذیقعده. ۱۱۱
**حدیث ۷۹:** ظهور علامتی در رمضان و غارت حاجی‌ها در ذیحجه. ۱۱۱
**حدیث ۸۰:** ظهور صدایی در رمضان و فریاد منادی آسمان. ۱۱۳
**حدیث ۸۱:** ظهور عمودی از آتش از طرف مشرق. ۱۱۳
**حدیث ۸۲:** ظهور علامتی در رمضان و اختلاف بین مردم. ۱۱۵
**حدیث ۸۳:** سلطنت سفیانی دوم و پیدایش علامتی در آسمان. ۱۱۵
**حدیث ۸۴:** وقوع دو حادثه در ماه رمضان. ۱۱۵
**حدیث ۸۵:** ظهور ستاره‌ی دنباله‌دار پیش از ظهور مهدی (عج). ۱۱۷
**حدیث ۸۶:** آفتاب گرفتگی در رمضان پیش از ظهور مهدی (عج). ۱۱۷
**حدیث ۸۷:** هلاکت بنی‌العبّاس و پرتاب ستاره‌ها و سقوط یکی از آن‌ها. ۱۱۹
**حدیث ۸۸:** ظهور صدای شدید و وحشتناکی در ماه رمضان. ۱۱۹
**حدیث ۸۹:** در هم کوبیده شدن شام و نابودی مردم توسّط دشمن. ۱۲۱
**حدیث ۹۰:** وقوع فتنه‌ای در شام که پایانی ندارد آنگاه مهدی(عج) ظهور خواهد کرد. ۱۲۱
**حدیث ۹۱:** پس از وقوع فتنه در مغرب به سوی یمن کوچ کنید. ۱۲۳
**حدیث ۹۲:** وقوع آشوب در بنی‌اسرائیل و پناه بردن به کوه ابراهیم. ۱۲۳
**حدیث ۹۳:** بین مشرق و مغرب فتنه‌ای واقع خواهد شد که تمامی مسلمانان را در بر می‌گیرد. ۱۲۳
**حدیث ۹۴:** اهل حجاز از فتنه و آشوب مصون خواهند بود. ۱۲۵
**حدیث ۹۵:** دور بودن از فتنه تنها راه نجات است. ۱۲۵
**حدیث ۹۶:** سکوت، تنها راه نجات از شر و فتنه است. ۱۲۵

Scanned by CamScanner

**حدیث ۹۷:** ظهور مهدی در مکّه و نابودن شدن دشمنان او. ۱۲۷
**حدیث ۹۸:** ظهور بیرق‌های سیاه از خراسان و خروج مهدی (عج). ۱۲۷
**حدیث ۹۹:** ظهور مردی از بنی‌هاشم و نابودی بنی‌امیّه به دست او. ۱۲۹
**حدیث ۱۰۰:** با سر و صدا در شام سفیانی از بین خواهد رفت. ۱۲۹
**حدیث ۱۰۱:** بلند شدن صدای مهیبی در فضا و نابود شدن سفیانی دوم. ۱۲۹
**حدیث ۱۰۲:** خروج سفیانی. ۱۲۹
**حدیث ۱۰۳:** حکومت سفیانی. ۱۳۱
**حدیث ۱۰۴:** سفیانی و کشتار مردم مصر. ۱۳۳
**حدیث ۱۰۵:** مصر مانند بصره نابود خواهد شد. ۱۳۳
**حدیث ۱۰۶:** جنگ بنی‌العبّاس در زوراء. ۱۳۵
**حدیث ۱۰۷:** خروج سفیانی و کشتار مردم. ۱۳۵
**حدیث ۱۰۸:** اسارت زنان بنی‌العبّاس. ۱۳۷
**حدیث ۱۰۹:** کشتار مردم کوفه توسّط سفیانی. ۱۳۷
**حدیث ۱۱۰:** شکست سفیانی توسّط بنی‌العبّاس. ۱۳۹
**حدیث ۱۱۱:** ظهور پرچم‌های سیاه از مشرق. ۱۳۹
**حدیث ۱۱۲:** ظهور بیرق‌های سیاه از خراسان به همراه مهدی (عج). ۱۴۱
**حدیث ۱۱۳:** ظهور شعیب‌بن‌صالح قبل از خروج مهدی (عج). ۱۴۱
**حدیث ۱۱۴:** شعیب‌بن‌صالح طرفدار حضرت مهدی (ع) است. ۱۴۳
**حدیث ۱۱۵:** ظهور حضرت مهدی (عج) و جنگ او با سفیانی. ۱۴۳
**حدیث ۱۱۶:** خروج نوجوانی زردرنگ با پرچم حضرت مهدی (عج). ۱۴۳
**حدیث ۱۱۷:** اطاعت حاکم شام از حضرت مهدی (عج). ۱۴۵
**حدیث ۱۱۸:** قیام حضرت مهدی (عج) و پیروزی او. ۱۴۵
**حدیث ۱۱۹:** شکست گروه اوّل به دست پرچمداران سیاه. ۱۴۷
**حدیث ۱۲۰:** شکست سپاه مشرق به دست حضرت مهدی (عج). ۱۴۹
**حدیث ۱۲۱:** همراهی شعیب‌بن‌صالح با حضرت مهدی (عج). ۱۴۹
**حدیث ۱۲۲:** بیعت مردم با حضرت مهدی (عج). ۱۵۱
**حدیث ۱۲۳:** نابودی بنی‌العبّاس. ۱۵۱
**حدیث ۱۲۴:** خروج گروهی از مشرق. ۱۵۳
**حدیث ۱۲۵:** کشتار مردم مدینه به دست سفیانی. ۱۵۳
**حدیث ۱۲۶:** کشتار بنی‌هاشم به دست لشکر سفیانی. ۱۵۵

Scanned by CamScanner

**حدیث ۱۲۷**: قتل نفس زکیّه. ۱۵۵
**حدیث ۱۲۸**: علامتی برای قتل مردم مدینه. ۱۵۵
**حدیث ۱۲۹**: کشتار مردم مدینه به دست سفیانی. ۱۵۵
**حدیث ۱۳۰**: قتل بنی‌هاشم در مدینه به دست سفیانی. ۱۵۷
**حدیث ۱۳۱**: گروهی مرکب‌های خود را به درخت خرما می‌بندند. ۱۵۷
**حدیث ۱۳۲**: جنگ شدید در مدینه پس از بیعت با حضرت مهدی (عج). ۱۵۹
**حدیث ۱۳۳**: ظهور حضرت مهدی (عج). ۱۵۹
**حدیث ۱۳۴**: خروج حضرت مهدی (عج) پس از بازگشت ترک به شمال. ۱۶۱
**حدیث ۱۳۵**: فروش دختران در برابر خدا. ۱۶۱
**حدیث ۱۳۶**: فریاد منادی از آسمان که حق با آل‌محمّد (ص) است. ۱۶۳
**حدیث ۱۳۷**: خروج مهدی پس از نابودی صاحب منضبان. ۱۶۳
**حدیث ۱۳۸**: مرگ بنی‌امیّه به دست مردی از بنی‌هاشم. ۱۶۳
**حدیث ۱۳۹**: فریاد منادی آسمان که امیرش فلانی است. ۱۶۵
**حدیث ۱۴۰**: فریاد منادی آسمانی و فریادی دیگر از زمین. ۱۶۵
**حدیث ۱۴۱**: ظهور فتنه و هلاکت مردم. ۱۶۷
**حدیث ۱۴۲**: ظهور فتنه‌ای در شام. ۱۶۷
**حدیث ۱۴۳**: منادی می‌گوید امیرش فلانی است. ۱۶۷
**حدیث ۱۴۴**: سخن عبدالملک مروان. ۱۶۷
**حدیث ۱۴۵**: فریاد منادی در محرم که برگزیده خدا فلانی است. ۱۶۹
**حدیث ۱۴۶**: قتل نفس زکیّه. ۱۶۹
**حدیث ۱۴۷**: ظهورکف دستی از آسمان. ۱۷۱
**حدیث ۱۴۸**: فریاد منادی آسمانی که حق با آل‌محمّد است. ۱۷۱
**حدیث ۱۴۹**: فریاد منادی آسمانی که اولیاء خدا اصحاب مهدی‌اند. ۱۷۳
**حدیث ۱۵۰**: حمله‌ور شدن مردم در منی و کشتار یکدیگر سپس ظهور حضرت مهدی (عج). ۱۷۳
**حدیث ۱۵۱**: حضرت مهدی از اولاد فاطمه است. ۱۷۵
**حدیث ۱۵۲**: جنگ قبایل در ماه ذیقعده. ۱۷۵
**حدیث ۱۵۳**: ظهور حضرت مهدی پس از مأیوس شدن مردم. ۱۷۵
**حدیث ۱۵۴**: بیعت مردم عراق و شام با حضرت مهدی (عج). ۱۷۷
**حدیث ۱۵۵**: بیعت مردم با حضرت مهدی بین رکن و مقام. ۱۷۷

Scanned by CamScanner

حدیث ۱۵۶: پس از خروج سفیانی مردم در آرزوی حضرت مهدی‌اند. ۱۷۷
حدیث ۱۵۷: ظهور حضرت مهدی در مکّه بوقت عشاء. ۱۷۹
حدیث ۱۵۸: ظهور حضرت مهدی با دوازده هزار نفر. ۱۸۱
حدیث ۱۵۹: متفرّق شدن مردم شام و ظهور حضرت مهدی (عج). ۱۸۱
حدیث ۱۶۰: ظهور حضرت مهدی با نه بیرق. ۱۸۳
حدیث ۱۶۱: به زمین فرورفتن لشکریان سفیانی. ۱۸۳
حدیث ۱۶۲: به زمین فرورفتن لشکریان سفیانی در شام. ۱۸۵
حدیث ۱۶۳: قتل بنی‌امیّه و بنی‌العبّاس به دست حضرت مهدی. ۱۸۵
حدیث ۱۶۴: حضرت مهدی از مکّه به تعداد اصحاب بدر که ۳۱۴ نفرند ظهور می‌کند. ۱۸۷
حدیث ۱۶۵: سرانجام سفیانی خلافت را به حضرت مهدی واگذار می‌کند. ۱۸۷
حدیث ۱۶۶: جنگ حضرت مهدی با مردم. ۱۸۹
حدیث ۱۶۷: چرا مهدی را مهدی می‌گویند؟ ۱۸۹
حدیث ۱۶۸: بیرون آوردن تورات و انجیل از انطاکیه. ۱۸۹
حدیث ۱۶۹: باز پس گرفتن اموال غصبی توسّط حضرت مهدی. ۱۹۱
حدیث ۱۷۰: بیرق رسول خدا با حضرت مهدی است. ۱۹۱
حدیث ۱۷۱: بر بیرق مهدی نوشته شده است بیعت برای خداست. ۱۹۱
حدیث ۱۷۲: بذل و بخشش به مستمندان از طرف حضرت مهدی (عج). ۱۹۳
حدیث ۱۷۳: بهترین مردم، حضرت مهدی است. ۱۹۳
حدیث ۱۷۴: چرا مهدی را مهدی نامیده‌اند؟ ۱۹۵
حدیث ۱۷۵: رضایت ساکنین آسمان و زمین از حکومت حضرت مهدی ۱۹۵
حدیث ۱۷۶: حضرت مهدی گنج‌ها را استخراج می‌کند و تقسیم می‌نماید. ۱۹۷
حدیث ۱۷۷: حضرت مهدی جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. ۱۹۷
حدیث ۱۷۸: مردم به دور حضرت جمع شده و مطیع او می‌شوند. ۱۹۷
حدیث ۱۷۹: حضرت مهدی زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. ۱۹۹
حدیث ۱۸۰: حضرت مهدی به نیکوکاران پاداش می‌دهد. ۱۹۹
حدیث ۱۸۱: در زمان مهدی صغیر آرزو دارد کبیر باشد. ۱۹۹
حدیث ۱۸۲: مردم در زمان حضرت مهدی (عج) متنعم به نعمت‌ها هستند. ۲۰۱
حدیث ۱۸۳: ایمان عدّه‌ای از یهودیان به مهدی. ۲۰۱
حدیث ۱۸۴: بی‌نیازی مردم در زمان حضرت مهدی. ۲۰۳

Scanned by CamScanner

**حدیث ۱۸۵:** خداوند کار مهدی را در یک شب اصلاح می‌نماید. ۲۰۳
**حدیث ۱۸۶:** حضرت مهدی مالک گنج‌های نهفته در کعبه می‌شود. ۲۰۵
**حدیث ۱۸۷:** شکست ترکان به دست حضرت مهدی. ۲۰۵
**حدیث ۱۸۸:** جنگ نوجوانی در زیر لوای حضرت مهدی. ۲۰۵
**حدیث ۱۸۹:** پیشانی و صورت حضرت مهدی نورانی است. ۲۰۷
**حدیث ۱۹۰:** چهره‌ی حضرت نورانی است. ۲۰۷
**حدیث ۱۹۱:** حضرت مهدی تسلیم دستورات خداوند است. ۲۰۷
**حدیث ۱۹۲:** حضرت مهدی از اهل بیت پیامبر است. ۲۰۹
**حدیث ۱۹۳:** حضرت مهدی جوانی از قریش است. ۲۰۹
**حدیث ۱۹۴:** حضرت مهدی شصت ساله به نظر می‌رسد. ۲۱۱
**حدیث ۱۹۵:** ابروهای حضرت‌مهدی‌باریک‌با قامتی‌موزون‌و چشمانی‌درشت است. ۲۱۱
**حدیث ۱۹۶:** پیامبر فرمود: اسم مهدی اسم من است. ۲۱۱
**حدیث ۱۹۷:** پیامبر فرمود: اسم حضرت مهدی اسم من است. ۲۱۱
**حدیث ۱۹۸:** معصوم فرمود: نام مهدی نام محمّد است. ۲۱۳
**حدیث ۱۹۹:** پیامبر فرمود: اسم مهدی اسم من است. ۲۱۳
**حدیث ۲۰۰:** پیامبر فرمود: نام مهدی نام پدر من است. ۲۱۳
**حدیث ۲۰۱:** حضرت مهدی مردی است از قریش. ۲۱۳
**حدیث ۲۰۲:** مهدی از فرزندان فاطمه است. ۲۱۵
**حدیث ۲۰۳:** حضرت علی فرمود: مهدی مردی است از ما. ۲۱۵
**حدیث ۲۰۴:** سفیانی مکّه را مانند واقعه حرّه خراب می‌کند. ۲۱۵
**حدیث ۲۰۵:** فرورفتن لشکر شام به زمین. ۲۱۷
**حدیث ۲۰۶:** زنده‌به‌گور شدن لشکر شام نشانه‌ی ظهور حضرت مهدی است. ۲۱۷
**حدیث ۲۰۷:** فرورفتن لشکر اعزامی به مکّه و به زمین فرورفتن. ۲۱۷
**حدیث ۲۰۸:** قتل نفس زکیّه. ۲۱۹
**حدیث ۲۰۹:** زنده به گور شدن لشکر دوازده هزار نفری. ۲۱۹
**حدیث ۲۱۰:** زنده به‌گور شدن لشکر در بیداء نشانه‌ی ظهور حضرت مهدی است. ۲۲۱
**حدیث ۲۱۱:** ظهور امام زمان با علامتی همراه خورشید. ۲۲۱
**حدیث ۲۱۲:** خروج حضرت مهدی با ظهور علامتی از طرف مغرب. ۲۲۳
**حدیث ۲۱۳:** خروج حضرت مهدی همراه با خروج سفیانی. ۲۲۳
**حدیث ۲۱۴:** خروج حضرت مهدی پس از پر شدن جهان از ظلم و ستم. ۲۲۳

Scanned by CamScanner

**حدیث ۲۱۵:** خروج حضرت مهدی پس از کفر مردم. ۲۲۵
**حدیث ۲۱۶:** خروج حضرت مهدی پس از یک کشتار وحشتناک. ۲۲۵
**حدیث ۲۱۷:** حضرت مهدی پس از ظهور چهل سال می‌ماند. ۲۲۵
**حدیث ۲۱۸:** عمر حضرت مهدی سی سال خواهد بود. ۲۲۵
**حدیث ۲۱۹:** حکومت هشت یا نه ساله‌ی حضرت مهدی. ۲۲۷
**حدیث ۲۲۰:** مدّت حکومت مهدی هشت یا نه سال خواهد بود. ۲۲۷
**حدیث ۲۲۱:** حکومت حضرت مهدی هفت سال خواهد بود. ۲۲۷
**حدیث ۲۲۲:** عمر حکومت حضرت مهدی هفت یا نه سال خواهد بود. ۲۲۹
**حدیث ۲۲۳:** روایاتی که عمر حکومت حضرت مهدی هفت سال می‌داند. ۲۲۹
**حدیث ۲۲۴:** عمر حکومت حضرت مهدی هفت یا نه سال خواهد بود. ۲۲۹
**حدیث ۲۲۵:** روایتی‌که عمر حکومت حضرت‌مهدی هفت‌سال و چند ماه می‌داند. ۲۲۹
**حدیث ۲۲۶:** مدّت حکومت حضرت مهدی چهارده سال خواهد بود. ۲۳۱
**حدیث ۲۲۷:** روایتی که مدّت حکومت حضرت مهدی را چهل سال می‌داند. ۲۳۱
**حدیث ۲۲۸:** صدای آسمانی که مردم به بیعت با حضرت فرا می‌خواند. ۲۳۱
**حدیث ۲۲۹:** قبل از ظهور حضرت مهدی کسی نام خدا را نمی‌برد. ۲۳۳
**حدیث ۲۳۰:** حضرت مهدی بیت‌المقدّس را تعمیر می‌کند و چهل سال حکومت می‌نماید. ۲۳۳
**حدیث ۲۳۱:** حاکم بیت‌المقدّس هند را فتح می‌کند. ۲۳۵
**حدیث ۲۳۲:** پادشاه بیت‌المقدّس مالک تمام جواهرات هند می‌شود. ۲۳۵
**حدیث ۲۳۳:** فتح شهرها و قسطنطنیه و غنائم آن‌ها. ۲۳۷
**حدیث ۲۳۴:** خروج دجّال قبل از حضرت مهدی (عج). ۲۳۹
**حدیث ۲۳۵:** ظهور حضرت عیسی از دروازه دمشق. ۲۴۱
**حدیث ۲۳۶:** ظهور حضرت عیسی از جانب آسمان. ۲۴۳
**حدیث ۲۳۷:** حضرت مهدی از فرزندان فاطمه است. ۲۴۳
**حدیث ۲۳۸:** علی (ع) فرمود: مهدی امّت از ماست. ۲۴۳
**حدیث ۲۳۹:** ابن‌عبّاس می‌گوید: حضرت مهدی از خانواده‌ی ما است. ۲۴۵
**حدیث ۲۴۰:** حضرت علی (ع) می‌فرماید: مهدی از ما است. ۲۴۵
**حدیث ۲۴۱:** رسول خدا فرمود: مهدی از عترت من است. ۲۴۷
**حدیث ۲۴۲:** مهدی از ماست و طبق سنّت من می جنگد. ۲۴۷
**حدیث ۲۴۳:** رسول خدا فرمود: مهدی از عترت من است. ۲۴۷

Scanned by CamScanner

حدیث ۲۴۴: ظهور حضرت مهدی از طرف مشرق. ۲۴۹
حدیث ۲۴۵: عیسی‌بن‌مریم در پشت سر حضرت مهدی نماز می‌خواند. ۲۴۹
حدیث ۲۴۶: رسول خدا فرمود: مهدی مردی است از من. ۲۴۹
حدیث ۲۴۷: رسول خدا فرمود: مهدی از ما اهل‌بیت است. ۲۵۱
حدیث ۲۴۸: حضرت مهدی پس از ظهور پنج فتنه خروج می‌کند. ۲۵۱
حدیث ۲۴۹: حضرت مهدی پس از ظهور سه فتنه خروج می‌کند. ۲۵۱
حدیث ۲۵۰: دجّال با هشتاد هزار نفر خروج می‌کند. ۲۵۳
حدیث ۲۵۱: خروج ترک‌ها که قربانی اعظم در میان آن‌هاست. ۲۵۳
حدیث ۲۵۲: ملّت ترک شما را از کوفه می‌رانند. ۲۵۳
حدیث ۲۵۳: قوم ترک مردم عراق را بیرون می‌رانند. ۲۵۵
حدیث ۲۵۴: جنگ با قوم ترک بر شما لازم است. ۲۵۵
حدیث ۲۵۵: قوم ترک اوّلین گروهی هستند که وارد مدینه می‌شوند. ۲۵۷
حدیث ۲۵۶: عمر به مسلمین می‌گفت: قوم ترک را رها سازید. ۲۵۷
حدیث ۲۵۷: با بیرق‌های زرد وارد مصر می‌شوند. ۲۵۷
حدیث ۲۵۸: آتشی که در آخرالزّمان مشاهده می‌شود. ۲۵۷
حدیث ۲۵۹: شعله ور شدن آتش فتنه در یمن. ۲۵۹
حدیث ۲۶۰: آتشی از حجاز روشن می‌شود. ۲۵۹
حدیث ۲۶۱: آتشی از عدن برخاسته می‌شود. ۲۶۱
حدیث ۲۶۲: چهل شب در مشرق آتش و دود خواهد بود. ۲۶۱
حدیث ۲۶۳: دستور به هجرت مردم از یمن. ۲۶۱
حدیث ۲۶۴: در آخرالزّمان ملّت ترک یا سودان شورش می‌کنند. ۲۶۳
حدیث ۲۶۵: قوم ترک وارد دجله و فرات می‌شوند. ۲۶۵
حدیث ۲۶۶: ملّت ترک وارد جزیرةالعرب می‌شوند. ۲۶۵
حدیث ۲۶۷: مردم عراق قوم ترک را نابود می‌کنند. ۲۶۵
حدیث ۲۶۸: برای قوم ترک دو حمله است. ۲۶۷
حدیث ۲۶۹: بزودی قوم ترک و سودان، اهل سیستان و خراسان می‌رانند. ۲۶۷
حدیث ۲۷۰: قوم ترک در سرزمین بصره فرود می‌آیند. ۲۶۷
حدیث ۲۷۱: اهل بصره به سه گروه تقسیم می‌شوند. ۲۶۹
حدیث ۲۷۲: چشمان قوم ترک مثل قورباغه و صورتشان مانند زره‌پهن است. ۲۶۹
حدیث ۲۷۳: قوم ترک چشمانی کوچک و صورتی چرمین دارند. ۲۶۹

Scanned by CamScanner

حدیث ۲۷۴: به زودی قوم ترک، شما را از خاک عراق می‌رانند. ۲۷۱
حدیث ۲۷۵: قوم ترک به محلّی که گیاهی خوش‌بو دارد خواهند رفت. ۲۷۱
حدیث ۲۷۶: برای قوم ترک دو شورش است. ۲۷۱
حدیث ۲۷۷: قوم ترک با سرعت وارد شهر فرات می‌شوند. ۲۷۳
حدیث ۲۷۸: قوم ترک از بین خواهند رفت. ۲۷۳
حدیث ۲۷۹: قوم ترک اسب‌های خود را کنار شط‌العرب می‌بندند. ۲۷۳
حدیث ۲۸۰: قوم ترک بر مردم عراق می‌شورند. ۲۷۳
حدیث ۲۸۱: یکی از علائم نزدیکی قیامت جنگ با قوم ترک است. ۲۷۵
حدیث ۲۸۲: عجم از رسیدن آذوقه به مردم عراق جلوگیری می‌کنند. ۲۷۵
حدیث ۲۸۳: قیامت زمانی خواهد بود که شما با قوم ترک بجنگید. ۲۷۵
حدیث ۲۸۴: قیامت برپا نمی‌شود تا آنکه شما با ملّت ترک بجنگید. ۲۷۷
حدیث ۲۸۵: در زمان حمله‌ی ترکها گرانی زیاد خواهد شد. ۲۷۷
حدیث ۲۸۶: در آخرالزّمان زنا و سکته شایع خواهد شد. ۲۷۹
حدیث ۲۸۷: در دوره‌ی آخرالزّمان هرج و مرج زیاد خواهد شد. ۲۸۱
حدیث ۲۸۸: خلافت بنی‌امیّه صد سال طول خواهد کشید. ۲۸۳
حدیث ۲۸۹: امّت مسلمان همچون امّت‌های گذشته گرفتار خواهند شد. ۲۸۳
حدیث ۲۹۰: عیسی‌بن‌مریم از دروازه‌ی دمشق ظاهر می‌شود. ۲۸۵
حدیث ۲۹۱: عیسی‌بن‌مریم از آسمان فرود می‌آید و دجّال را می‌کشد. ۲۸۷
حدیث ۲۹۲: مردی باریک پا که جلوی سرش بی‌مو است کعبه را خراب می‌کند. ۲۸۷
حدیث ۲۹۳: مردی از حبشه با ساق پای باریک کعبه را خراب می‌کند. ۲۸۹
حدیث ۲۹۴: تخریب کعبه توسّط مردم حبشه. ۲۸۹
حدیث ۲۹۵: مردی اصلع با کلنگ به جان کعبه افتاده است. ۲۸۹
حدیث ۲۹۶: کعبه دو بار ویران می‌شود. ۲۸۹
حدیث ۲۹۷: مردم حبشه گنج‌های فرعون را استخراج می‌کنند. ۲۹۱
حدیث ۲۹۸: مردی حبشی به ویران کردن کعبه می‌پردازد. ۲۹۱
حدیث ۲۹۹: تخریب کعبه به دست مردی حبشی. ۲۹۱
حدیث ۳۰۰: برای دابّه سه خروج است. ۲۹۳
حدیث ۳۰۱: برای دابّه سه خروج است. ۲۹۵
حدیث ۳۰۲: همراه دابّه عصای موسی و انگشتر سلیمان خواهد بود. ۲۹۷
حدیث ۳۰۳: دابّه دارای موی انبوه و چهار پا می‌باشد. ۲۹۷

Scanned by CamScanner

**حدیث ۳۰۴:** دابّه حیوانی است که سر او به آسمان می‌رسد. ۲۹۷
**حدیث ۳۰۵:** دابّه از شکافی که در صفا است بیرون می‌آید. ۲۹۷
**حدیث ۳۰۶:** اشرار صد و بیست سال سلطنت و حکومت می‌کنند. ۲۹۹
**حدیث ۳۰۷:** بعد از طلوع آفتاب از مغرب ۱۲۰ سال باقی می‌ماند. ۳۰۱
**حدیث ۳۰۸:** خروج دابّه بعد از طلوع آفتاب خواهد بود. ۳۰۱
**حدیث ۳۰۹:** دنیا مجموعه‌ای است از مجموعه‌ی آخرت. ۳۰۷
**حدیث ۳۱۰:** دنیا شش هزار سال خواهد بود. ۳۰۷
**حدیث ۳۱۱:** وهب نقل می‌کند دنیا شش هزار سال است. ۳۰۷
**حدیث ۳۱۲:** نقل شده که رسول خدا فرمود: دنیا هفت هزار سال است. ۳۰۷
**حدیث ۳۱۳:** رسول خدا فرمود: اسلام با غربت آغاز شده و دوباره به غربت باز خواهد گشت. ۳۰۹
**حدیث ۳۱۴:** رسول خدا فرمود: علم را دریابید پیش از آن که از دست بدهید ۳۰۹
**حدیث ۳۱۵:** رسول خدا فرمود: خداوند به‌عقل دستور داد عقب برو عقب رفت. ۳۱۱
**حدیث ۳۱۶:** روزی مردم اندیشه خود را از دست می‌دهند. ۳۱۱
**حدیث ۳۱۷:** دو قبری که گرفتار عذاب بودند. ۳۱۳
**حدیث ۳۱۸:** انکار مرگ پیامبر توسّط عدّه‌ای از صحابه. ۳۱۳
**حدیث ۳۱۹:** علی (ع) فرمود: این مردم بودم که ریشه‌ی فتنه را کندم. ۳۱۵
**حدیث ۳۲۰:** جنگ با ناکسین و قاسطین و مارقین به دستور رسول خدا بود. ۳۱۷
**حدیث ۳۲۱:** علی علیه السلام فرمود: رسول خدا به من گفت به زودی امّت با تو بی‌وفایی می‌کنند. ۳۱۷
**حدیث ۳۲۲:** رسول خدا به‌زنان خود فرمود: کدام یک از شما لشکرکشی می‌کنید؟ ۳۱۹
**حدیث ۳۲۳:** مرگ طلحه به دست مروان در جمل. ۳۱۹
**حدیث ۳۲۴:** کلام امیر به زبیر. ۳۱۹
**حدیث ۳۲۵:** خطبه‌ی معاویه در کوفه. ۳۲۱
**حدیث ۳۲۶:** سخن رسول خدا به عمّار. ۳۲۱
**حدیث ۳۲۷:** بیعت صحابه با علی (ع). ۳۲۳
**حدیث ۳۲۸:** بیعت یاران پیامبر با علی (ع). ۳۲۳
**حدیث ۳۲۹:** اویس قرن در صفّین با علی بود. ۳۲۳
**حدیث ۳۳۰:** اعتراض مردی به پیامبر و پاسخ حضرت به او. ۳۲۳
**حدیث ۳۳۱:** پیرامون صلح امام حسن با معاویه. ۳۲۵

Scanned by CamScanner

حدیث ۳۳۲: اعتراض بعضی از صحابه به امام حسن. ۳۲۷
حدیث ۳۳۳: خبر مرگ معاویه به علی و انکار حضرت. ۳۲۷
حدیث ۳۳۴: سخن پیامبر در بدر به معاویه. ۳۲۹
حدیث ۳۳۵: پیامبر فرمود: هرگاه معاویه را بر منبر من دیدید او را بکشید. ۳۲۹
حدیث ۳۳۶: علی علیه السلام فرمود: معاویه فرعون عصر خود و عمروعاص هامان‌اوست ۳۲۹
حدیث ۳۳۷: سلمان می‌گوید: رسول خدا فرمود: امت من سه گروه می‌شوند ۳۲۹
حدیث ۳۳۸: رسول خدا به‌علی فرمود: امّت بعد از من با تو بی‌وفائی می‌کنند. ۳۳۱
حدیث ۳۳۹: پیامبر به علی فرمود: باغ بهشت تو از همه زیباتر است. ۳۳۱
حدیث ۳۴۰: سخن حضرت علی به یاران خود. ۳۳۳
حدیث ۳۴۱: سخن حضرت علی پیرامون عرفطه. ۳۳۵
حدیث ۳۴۲: کلام رسول خدا درباره‌ی امام حسین(ع). ۳۳۵
حدیث ۳۴۳: کلام حضرت علی پیرامون شهادت فرزندش حسین(ع). ۳۳۷
حدیث ۳۴۴: کلام حضرت علی علیه السلام به فرزندش حسین علیه السلام. ۳۳۹
حدیث ۳۴۵: کلام معاویه در باره‌ی جمع نبودن خلافت با نبوّت. ۳۴۱
حدیث ۳۴۶: کلام ابن‌عبّاس به معاویه. ۳۴۵
حدیث ۳۴۷: کعب می‌گوید: نام حضرت مهدی در تورات است. ۳۴۷
حدیث ۳۴۸: سؤال از حضرت باقر در باره‌ی عمربن‌عبدالعزیز. ۳۴۷
حدیث ۳۴۹: کلام امام باقر در باره‌ی عمربن‌عبدالعزیز. ۳۴۹
حدیث ۳۵۰: امام باقر فرمود: عمربن‌عبدالعزیز نجیب بنی‌امیّه است. ۳۴۹
حدیث ۳۵۱: عمر بن عبدالعزیز درآمد فدک را بین فرزندان فاطمه تقسیم کرد. ۳۴۹
حدیث ۳۵۲: درآمد فدک فقط مربوط به فرزندان فاطمه است. ۳۵۱
حدیث ۳۵۳: پاسخ عمربن‌عبدالعزیز به سهل. ۳۵۱
حدیث ۳۵۴: سخن راهب به عبدالعزیز. ۳۵۱
حدیث ۳۵۵: سخن حضرت پیرامون حوادثی که بر زید خواهد گذشت. ۳۵۳
حدیث ۳۵۶: هشام‌بن‌عبدالملک زید را به دار آویخت. ۳۵۳
حدیث ۳۵۷: عبدالله‌بن‌عمر گفت: به زودی فتنه‌ای برپا خواهد شد. ۳۵۳
حدیث ۳۵۸: رسول خدا فرمود: بدترین قبایل بنی‌امیّه‌اند. ۳۵۵
حدیث ۳۵۹: حضرت علی (ع) فرمود: بدترین مردم بنی‌مغیره و بنی‌امیّه‌اند. ۳۵۵
حدیث ۳۶۰: حکومت بنی‌امیّه پس از هشتاد و نه سال به دست مردم مشرق زمین نابود می‌شود. ۳۵۷

Scanned by CamScanner

**حدیث ۳۶۱:** هر دوازده امام از قریش‌اند. ۳۵۷
**حدیث ۳۶۲:** حضرت علی (ع) فرمود: از دو دجّال از فرزندان حضرت فاطمه برحذر باشید. ۳۵۹
**حدیث ۳۶۳:** حضرت علی (ع) به فرزندان خود فرمود: هیچ کدام از شما در طلب حکومت مباشید. ۳۶۱
**حدیث ۳۶۴:** عثمان‌بن‌عفان گفت: خلافت به اولاد علی نخواهد رسید. ۳۶۱
**حدیث ۳۶۵:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: سلطنت نصیب فرزندان حضرت علی نخواهد شد. ۳۶۱
**حدیث ۳۶۶:** از رسول خدا روایت شده که به علی فرمود: سلطنت به فرزندان تو نخواهد رسید. ۳۶۱
**حدیث ۳۶۷:** ام‌سلمه از رسول خدا نقل می‌کند که فرمود: فرزندان فاطمه به حکومت نخواهند رسید. ۳۶۳
**حدیث ۳۶۸:** پس از شهادت زید حضرت علی (ع) فرمود: شنیدم که رسول خدا فرموده خلافت نصیب فرزندان حضرت فاطمه نخواهد شد. ۳۶۳
**حدیث ۳۶۹:** کلام ابن‌عبّاس پیرامون پرچم‌های سیاه. ۳۶۳
**حدیث ۳۷۰:** کلام ابن‌عبّاس در تسلّط قوم ترک. ۳۶۵
**حدیث ۳۷۱:** از رسول خدا روایت شده که فرمود: در بصره نمانید. ۳۶۷
**حدیث ۳۷۲:** حوادثی که بر بصره خواهد گذشت. ۳۶۹
**حدیث ۳۷۳:** حمله‌ی ترک‌ها به بصره. ۳۷۱
**حدیث ۳۷۴:** حوادثی که توسّط ترک‌ها به بصره خواهد گذشت. ۳۷۳
**حدیث ۳۷۵:** خروج طاطم و کشتار مسلمانان. ۳۷۳
**حدیث ۳۷۶:** به زودی ترک‌ها بر عراق مسلّط می‌شوند. ۳۷۵
**حدیث ۳۷۷:** هلاکت قوم عرب. ۳۷۷
**حدیث ۳۷۸:** حوادثی که در گرو رفتار مسلمانان است. ۳۷۹
**حدیث ۳۷۹:** تخریب مسجدی در عراق. ۳۸۱
**حدیث ۳۸۰:** کلام رسول خدا در گرفتار امّتش. ۳۸۳
**حدیث ۳۸۱:** کلام رسول خدا در اطاعت امّت خود از گذشتگان. ۳۸۳
**حدیث ۳۸۲:** حوادثی که در بصره پیش خواهد آمد. ۳۸۵
**حدیث ۳۸۳:** فتنه بزرگی که بر مردم بصره خواهد گذشت. ۳۸۵
**حدیث ۳۸۴:** فتنه‌ی بزرگی به اسلام خواهد رسید. ۳۸۷

Scanned by CamScanner

**حدیث ۳۸۵:** همانطور که مردم دسته‌دسته به دین خدا وارد شدند دسته‌دسته خارج خواهند شد. ۳۸۹
**حدیث ۳۸۶:** بر مردم بصره مصیبت بزرگی خواهد رسید. ۳۸۹
**حدیث ۳۸۷:** جنگ مسلمانان با قوم ترک. ۳۹۱
**حدیث ۳۸۸:** جنگ مسلمانان با ملّت ترک. ۳۹۳
**حدیث ۳۸۹:** از رسول خدا نقل شده که فرمود به‌زودی شما با قوم ترک می‌جنگید. ۳۹۳
**حدیث ۳۹۰:** از رسول خدا نقل شده که فرمود به زودی عرب در برابر عجم قرار می‌گیرد. ۳۹۳
**حدیث ۳۹۱:** تسلّط عجم بر عراق. ۳۹۵
**حدیث ۳۹۲:** برای ظهور حضرت مهدی علائمی است. ۳۹۵
**حدیث ۳۹۳:** حضرت علی(ع) در بصره فرمود: هرچه می‌خواهید از من بپرسید. ۳۹۷
**حدیث ۳۹۴:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: در بغداد فتنه‌ای برپا خواهد شد. ۳۹۹
**حدیث ۳۹۵:** شعیب می‌گوید: می‌توانم صفات حضرت مهدی برایت بگویم. ۴۰۱
**حدیث ۳۹۶:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: ظهور مهدی پس از فراگیری ظلم و ستم است. ۴۰۱
**حدیث ۳۹۷:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: فرزندمن جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. ۴۰۱
**حدیث ۳۹۸:** در عصر حضرت مهدی مردم مانند انگشتان درکنار هم‌اند. ۴۰۳
**حدیث ۳۹۹:** ظهور حضرت مهدی پس ازکشته شدن نفس زکیّه است. ۴۰۳
**حدیث ۴۰۰:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: مردی از عترت من خروج می‌کند که نامش نام من است. ۴۰۵
**حدیث ۴۰۱:** اگر دنیا بیش از یک روز باقی نمانده باشد آن روز طولانی خواهد شد تا مهدی ظهورکند. ۴۰۵
**حدیث ۴۰۲:** در باره‌ی ندای آسمانی. ۴۰۷
**حدیث ۴۰۳:** صدای آسمانی در ماه رمضان. ۴۰۷
**حدیث ۴۰۴:** ظهور حضرت مهدی ازکرخه. ۴۰۹
**حدیث ۴۰۵:** عمر حضرت مهدی هفت یا هشت یا نه سال است. ۴۰۹
**حدیث ۴۰۶:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: فرزند من جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. ۴۱۱
**حدیث ۴۰۷:** پیرامون فتوحات حضرت مهدی. ۴۱۱

Scanned by CamScanner

**حدیث ۴۰۸:** فتح انطاکیه به دست حضرت مهدی. ۴۱۳
**حدیث ۴۰۹:** ذلّت و خواری برای دشمنان خدا به دست حضرت مهدی. ۴۱۵
**حدیث ۴۱۰:** پیرامون ویرانی بغداد. ۴۱۵
**حدیث ۴۱۱:** صیحه‌ی آسمانی در ماه رمضان. ۴۱۷
**حدیث ۴۱۲:** صدای وحشتناکی در ماه رمضان. ۴۱۹
**حدیث ۴۱۳:** گتفار حضرت علی (ع) پیرامون مهدی. ۴۱۹
**حدیث ۴۱۴:** گفتار حضرت علی پیرامون صفات یاران مهدی. ۴۲۱
**حدیث ۴۱۵:** کلام رسول خدا پیرامون فرزندان مهدی. ۴۲۱
**حدیث ۴۱۶:** قیام سفیانی و ندای آسمانی. ۴۲۳
**حدیث ۴۱۷:** کلام حضرت علی (ع) پیرامون تعداد یاران مهدی. ۴۲۳
**حدیث ۴۱۸:** کلام رسول خدا پیرامون حکومت مهدی. ۴۳۷
**حدیث ۴۱۹:** کلام رسول خدا پیرامون ظهور فتنه و خروج دجّال. ۴۳۷
**حدیث ۴۲۰:** کلام رسول خدا در باره‌ی دجّال. ۴۳۹
**حدیث ۴۲۱:** خروج دجّال از سمت مشرق. ۴۴۳
**حدیث ۴۲۲:** عیسی پشت سر حضرت مهدی نماز می‌خواند. ۴۴۳
**حدیث ۴۲۳:** پیرامون ظهور آتشی از حجاز. ۴۴۵
**حدیث ۴۲۴:** خبر از وقایع و حوادث آینده توسّط پیامبر. ۴۴۹
**حدیث ۴۲۵:** کلام رسول خدا در این که در آن روز بهترین فرزندان دخترانند. ۴۴۹
**حدیث ۴۲۶:** ظهور فتنه‌ای که مردم یکدیگر را می‌کشند. ۴۵۱
**حدیث ۴۲۷:** کلام حضرت علی (ع) در این که خداوند در این امّت پنج فتنه قرار داده است. ۴۵۱
**حدیث ۴۲۸:** به زودی کلیّه‌ی امّت‌ها شما را محاصره می‌کنند. ۴۵۳
**حدیث ۴۲۹:** دوری از اصحاب رأی. ۴۵۳
**حدیث ۴۳۰:** تقسیم امّت اسلامی به فرق مختلف. ۴۵۵
**حدیث ۴۳۱:** رسول خدا فرمود: هر کس در راه من باشد از آتش جهنّم دور خواهد بود. ۴۵۵
**حدیث ۴۳۲:** به زودی آتشی ظاهر خواهد شد. ۴۵۵
**حدیث ۴۳۳:** قبل از قیامت آتشی در حجاز برپا می‌شود. ۴۵۷
**حدیث ۴۳۴:** قبل از قیامت آتشی از جانب مردم ظاهر می‌شود. ۴۵۷
**حدیث ۴۳۵:** سر و صدایی در رمضان و بیدارشدن خفتگان. ۴۵۷

Scanned by CamScanner

**حدیث ۴۳۶:** ظهور فتنه و انقلاب در ماه رمضان. ۴۵۷
**حدیث ۴۳۷:** رمضان قلب سال است. ۴۵۹
**حدیث ۴۳۸:** برای حادثه‌ی ماه رمضان علامتی خواهد بود. ۴۵۹
**حدیث ۴۳۹:** از علامت قیامت بلندشدن ماه در تمام ایّام است. ۴۵۹
**حدیث ۴۴۰:** از علائم نزدیکی قیامت بلندبودن ماه است. ۴۵۹
**حدیث ۴۴۱:** حضرت علی (ع) فرمود: مرد حبشی را می‌بینم که کعبه را خراب می‌کند. ۴۶۱
**حدیث ۴۴۲:** رسول خدا فرمود: مردی از اهل‌بیت من قیام خواهد کرد. ۴۶۱
**حدیث ۴۴۳:** دنیا به پایان نمی‌رسد تا این که فرزندی از من قیام کند. ۴۶۱
**حدیث ۴۴۴:** گمراهی امت اسلام. ۴۶۳
**حدیث ۴۴۵:** ظهور پرچم‌های سیاه. ۴۶۳
**حدیث ۴۴۶:** کلام رسول به گسترش ظلم و ستم بعد از او. ۴۶۵
**حدیث ۴۴۷:** رسول خدا فرمود: به زودی بعد از من ستم فراگیر خواهد شد. ۴۶۵
**حدیث ۴۴۸:** رسول خدا فرمود: به زودی عجم‌ها بر عرب‌ها مسلّط خواهند شد. ۴۶۷
**حدیث ۴۴۹:** رسول خدا فرمود: به زودی عجم‌ها همچون شیر بر شما مسلّط می‌شوند. ۴۶۷
**حدیث ۴۵۰:** پیامبر فرمود: اوّل کسی که سنّت مرا تغییر خواهد داد مردی از بنی‌امیّه است. ۴۶۷
**حدیث ۴۵۱:** رسول خدا فرمود: هر دین آفتی دارد و آفت اسلام بنی‌امیّه است. ۴۶۷
**حدیث ۴۵۲:** رسول خدا فرمود: دنیا تمام نمی‌شود تا این که فرزند من ظاهر شود. ۴۶۹
**حدیث ۴۵۳:** رسول خدا فرمود: مردی از عترت من قیام خواهد کرد. ۴۶۹
**حدیث ۴۵۴:** رسول خدا فرمود: دنیا به آخر نمی‌رسد تا این که فرزند من قیام کند. ۴۶۹
**حدیث ۴۵۵:** پیامبر فرمود: همانطورکه دین با ما شروع شد به ما هم ختم خواهد گردید. ۴۶۹
**حدیث ۴۵۶:** رسول خدا فرمود: مهدی من به هنگام اختلاف امّت ظهور خواهد کرد. ۴۷۱
**حدیث ۴۵۷:** حضرت علی (ع) فرمود: مهدی از ما اهل‌بیت است. ۴۷۱
**حدیث ۴۵۸:** پیامبر فرمود: مهدی از ما اهل‌بیت است. ۴۷۳
**حدیث ۴۵۹:** حضرت علی (ع) فرمود: مهدی از عترت پیامبر است. ۴۷۳
**حدیث ۴۶۰:** ابن‌عبّاس گفت: مهدی از قریش است. ۴۷۳

Scanned by CamScanner

**حدیث ۴۶۱:** رسول خدا فرمود: مهدی سیمای بسیار زیبایی دارد. ۴۷۳
**حدیث ۴۶۲:** گفته شده که بر پرچم مهدی نوشته شده است بیعت برای خداست. ۴۷۵
**حدیث ۴۶۳:** رسول خدا فرمود: کار دین با ما آغاز شد و با ما هم به پایان خواهد رسید. ۴۷۵
**حدیث ۴۶۴:** رسول خدا فرمود: مهدی در میان امّت من است. ۴۷۷
**حدیث ۴۶۵:** رسول‌خدا فرمود: مهدی به هنگام اختلاف امّت من ظاهرخواهد شد. ۴۷۷
**حدیث ۴۶۶:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: مهدی در میان امّت من است. ۴۷۹
**حدیث ۴۶۷:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: طول عمر مهدی ده سال خواهد بود. ۴۷۹
**حدیث ۴۶۸:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: طول عمر مهدی هشت یا نه سال می‌باشد. ۴۷۹
**حدیث ۴۶۹:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: طول عمر حضرت مهدی هفت سال می‌باشد. ۴۸۱
**حدیث ۴۷۰:** پیرامون صفت بخشش‌های حضرت مهدی. ۴۸۱
**حدیث ۴۷۱:** حضرت مهدی مال را می‌بخشد و در خرج آن سختگیری می‌کند. ۴۸۱
**حدیث ۴۷۲:** نقل شده که خروج حضرت مهدی با علامتی از خورشید همراه است. ۴۸۳
**حدیث ۴۷۳:** عیسی پشت سر مهدی نماز می‌خواند. ۴۸۳
**حدیث ۴۷۴:** حضرت علی (ع) فرمود: هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیّت مرده است. ۴۸۵
**حدیث ۴۷۵:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: هر کس بدون شناخت امام بمیرد به مرگ جاهلیّت مرده است. ۴۸۵
**حدیث ۴۷۶:** حضرت علی فرمود: به دستور پیامبر با ناکثین و قاسطین و مارقین جنگیدم. ۴۸۵
**حدیث ۴۷۷:** رسول خدا فرمود: هر وقت معاویه را در منبر من دیدید گردن او را بزنید. ۴۸۷
**حدیث ۴۷۸:** رسول خدا فرمود: هرگاه معاویه را بالای منبر من دیدید او را بکشید. ۴۸۷
**حدیث ۴۷۹:** رسول خدا فرمود: هرگاه معاویه را بر منبر من دیدید او را به قتل برسانید. ۴۸۷
**حدیث ۴۸۰:** فرمان پیامبر به علی در باره‌ی جنگ با منافقان مسلمان. ۴۸۹
**حدیث ۴۸۱:** ورود ترک‌ها به بصره و هلاکت آن‌ها. ۴۹۱
**حدیث ۴۸۲:** ترک‌ها حکومت عرب را از بین می‌برند. ۴۹۳

Scanned by CamScanner

**حدیث ۴۸۳:** سخن پیامبر به اماسلمه پیرامون تربیت حسین (ع). ۴۹۳
**حدیث ۴۸۴:** کلام حضرت علی در صفّین پیرامون شهادت فرزندش حسین ۴۹۵
**حدیث ۴۸۵:** حضرت علی فرمود: یکی از فرزندان کعب با حسین کشته می‌شود. ۴۹۵
**حدیث ۴۸۶:** گفته شده است که هنگام شهادت حسین آسمان خون گریست. ۴۹۵
**حدیث ۴۸۷:** ابن‌عبّاس گفت: رسول خدا را در خواب دیدم که خون حسینش را در شیشه دارد. ۴۹۷
**حدیث ۴۸۸:** نقل شده که حضرت علی در صفّین خاک کربلا را گرفت و بوسید و گریست. ۴۹۷
**حدیث ۴۸۹:** آتشی که در عصر عبیداللّه‌زیاد اتفاق افتاد. ۴۹۹
**حدیث ۴۹۰:** عماره می‌گوید: سر عبیداللّه‌زیاد را در بالای نیزه دیدم. ۴۹۹
**حدیث ۴۹۱:** ابن‌زیاد می‌گفت: در دارالاماره دیدم از سر حسین خون می‌آمد ۵۰۱
**حدیث ۴۹۲:** به عبدالملک مروان گفته شده روز شهادت حسین زیر سنگ‌های بیت المقدّس خون بود. ۵۰۱
**حدیث ۴۹۳:** زهری می‌گفت: روز شهادت حسین زیر سنگ‌های بیت‌المقدّس خون بود. ۵۰۱
**حدیث ۴۹۴:** ابن‌شهاب می‌گوید: روز شهادت حسین زیر هر سنگی خون می‌جوشید. ۵۰۱
**حدیث ۴۹۵:** به عبدالملک مروان نوشته شده روز شهادت حسین زیر هر سنگی خون بود. ۵۰۳
**حدیث ۴۹۶:** رسول خدا از منبر به زیر آمد و فرزندانش حسن و حسین را در آغوش گرفت. ۵۰۳
**حدیث ۴۹۷:** جابر نقل می‌کند که از رسول خدا شنیدم که می‌گفت در آخرالزّمان مردم دسته‌دسته از اسلام خارج می‌شوند. ۵۰۳
**حدیث ۴۹۸:** از رسول خدا نقل‌شده که فرمود: به‌زودی مردم مکّه اخراج می‌شوند. ۵۰۵
**حدیث ۴۹۹:** خداوند قومی را از مشرق می‌فرستد تا بنی‌امیّه را بکشند. ۵۰۵
**حدیث ۵۰۰:** از حضرت علی نقل شده که فرمود: در آینده وضع به‌گونه‌ای خواهد شد که شهادت به بیگانگی خداوند نتوان داد. ۵۰۷
**حدیث ۵۰۱:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: زندگی در مدینه تلخ خواهد شد. ۵۰۹
**حدیث ۵۰۲:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: مردم مدینه شهر را ترک می‌کنند. ۵۰۹
**حدیث ۵۰۳:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: مردم مدینه به خاطر گشایش زندگی

Scanned by CamScanner

شهر را ترک می‌کنند. ۵۰۹
**حدیث ۵۰۴:** خرابی مصر در زمان ظهور حضرت مهدی. ۵۱۱
**حدیث ۵۰۵:** اخراج مردم کوفه و رنج از بی‌غذایی. ۵۱۱
**حدیث ۵۰۶:** امکان ظهور مهدی از سمت مشرق یا مغرب. ۵۱۱
**حدیث ۵۰۷:** سخن ابن‌عبّاس از آمدن مهدی. ۵۱۳
**حدیث ۵۰۸:** مهدی از فرزندان فاطمه است. ۵۱۳
**حدیث ۵۰۹:** سخن ابن‌عبّاس پیرامون آمدن حضرت مهدی. ۵۱۵
**حدیث ۵۱۰:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: پس از من دوازده خلیفه از قریش می‌آیند. ۵۱۵
**حدیث ۵۱۱:** از رسول خدا نقل شده که فرمود: بعد از من دوازده خلیفه از قریش می‌آیند. ۵۱۵
**حدیث ۵۱۲:** از رسول خدا به آمدن دوازده خلیفه از قریش روایت شده است. ۵۱۷
**حدیث ۵۱۳:** خروج مهدی پس از قتل نفس زکیّه است. ۵۱۷
**حدیث ۵۱۴:** اهل کوفه در زمان مهدی با سعادت‌ترین مردمند. ۵۱۹
**حدیث ۵۱۵:** پیرامون فرار ابوسفیان به خاطر بلای طبیعی. ۵۱۹
**حدیث ۵۱۶:** خواندن دعا به هنگام گرفتاری. ۵۲۱

Scanned by CamScanner

## سید بن طاووس کیست؟

در شبی از سال ۵۸۹ هجری قمری آسمان حلّه ستاره باران بـود و صفای دیگری داشت و در خانه سعد الدین ابو ابراهیم سر و صدایی بود گویا در این شب نوزادی از دختر ورام بن ابی فـراس دانشـمند مـعروف حـله و مؤلف کتاب مجموعهٔ ورام دیده به جهان می‌گشود و خانه آل طاووس را شاد می‌ساخت پدرش نام او را علی و کنیه‌اش ابوالقاسم و لقبش رضی الدین گذاشت وی از طرف پدر نسبش به شیخ طوسی می‌رسید زیرا ابوابـراهـیم دختر زاده شیخ بود هر چند که بعضی از مورخین این نظر را قبول ندارند به هر حال دیری نگذشت که ورام دانشمند حلّه و خورشید فروزان عراق دیده از جهان فرو بست و همه شیعیان را داغدار ساخت و علت آنکه این خاندان به طاووس معروف شدند آن بود که جد نخست آنها محمّد بن اسحاق چون مانند طاووس از نظر سیما و چهره زیبا ولی از نظر پا ناموزون بود به‌این لقب شهرت یافت.

سید رضی الدین پس از آنکه دوران کودکی را پشت سر گذاشت در خدمت اساتیدی هـمچون پـدر و عـلی بـن یـحیی و حسـین بـن احـمد و دانشمندان دیگر به تحصیل پرداخت. او در حله مدارج گوناگون علمی را بسرعت پشت سر گذاشت و فقیه شهر حله شد پدر او ابو ابراهیم که خود را در برابر این ستاره فروزان حله مسئول می‌دانست با هماهنگی بـا هـمسرش مقدمات ازدواج او را با دختری بنام زهرا خاتون فرزند ناصر بن مهدی وزیر

Scanned by CamScanner

شیعی آن دوران فراهم آورد و با این ازدواج آل طاووس در شادمانی فرو رفت ولی متأسفانه این شادمانی دوام نداشت و در سال ۶۲۰ ابوابراهیم جهان را بدرود گفت و آل طاووس را در غم و اندوه فرو برد و در حریم پیشوای مؤمنان علی‌ علیه‌السلام بخاک سپرده شد.

بتدریج آوازه شهرت علمی رضی الدین سراسر عراق را در بر گرفت و نامه‌های فراوانی از بغداد بسوی حله سرازیر شد و از وی دعوت بعمل آمد تا در مرکز حکومت بخدمات بپردازد هرچند که او تمایلی به نزدیک شدن به دربار خلفای عباسی را نداشت ولی دعوت دوستان و احساس مسئولیت وی را به آنسوی کشاند.

پس از آنکه سید در بغداد مستقر شد المستنصر خلیفه عباسی از او خواست تا مقام فتوای دارالخلافه را بعهده بگیرد اما سید ابن منصب را نپذیرفت و این سرپیچی برای او گران تمام شد ولی سرانجام لطف خداوند وی را از گزند خلیفه مصون نگه داشت کشمکش بین خلیفه و سید همچنان ادامه داشت تا آنکه خلیفه مجددا از وی خواست که سرپرستی علویان را بعهده بگیرد و امور آنها را حل و فصل کند و چون سید می‌دانست که در زیر این مقام، نقشه‌ای در کار است این بار باز پاسخ منفی داد و وقتی وزیر او محمّد بن احمد بن علقمی‌که دوستدار اهل بیت بود از او خواست که این مقام را بپذیرد و به آنچه که خداوند می‌پسندد عمل کند در پاسخ او گفت: تو چرا خودت به آن‌چه که پروردگارت را خوشنود می‌سازد عمل نمی‌کنی؟ بیقین اگر چنین کاری ممکن بود تو به کار می‌بستی مدتی گذشت باز خلیفه دست از پافشاری خود برنداشت و به سید پارسای حله پیشنهاد پست وزارت را داد ولی این بار هم نپذیرفت و در پاسخ او گفت: اگر مانند وزرای گذشته بدون توجه به رضایت خداوند و پیامبرش حکم برانم در راه فساد گام برداشته‌ام و اگر بخواهم بکتاب خدا و سنت پیامبر عمل کنم خوشایند شما و اطرافیان شما نخواهد بود و منجر به قتل من خواهد شد پس بهتر است که از این مقام بگذرم و به راهی که رضایت خداوند در آن است

گام بردارم.

وی در سال ۶۴۱ به حله بازگشت و پس از مدتی راه نجف را در پیش گرفت و مدت سه سال در آنجا بتدریس پرداخت سپس به کربلا آمد و در آنجا رحل اقامت افکند. از مرحوم سید بن طاووس کتابهای فراوانی به یادگار مانده که از جمله آن همین کتاب است و سایر آثار ایشان در اینجا جای بحث آنها نیست.

هنگامی که مغولان به بغداد حمله کردند و آنجا را تسخیر نمودند سید به بغداد بازگشت تا در کنار مردم ستمدیده باشد و بتواند به آنها کمکی نماید فرمانروای مغول در سال ۶۵۶ هجری قمری از سید رضی الدین طاووس خواست که مقام نقابت علویان را بپذیرد ولی وی به فرستاده خان مغول جواب منفی داد و هنگامی که خواجه نصیر الدین طوسی از ماجرا آگاه شد پیک از اطلاع رساندن به خان بازداشت و به او گفت درنگ کن که من سید را راضی می‌کنم سرانجام خواجه با گفتگو با سید رضی الدین، وی را بقبول درخواست خان راضی کرد و از پیک خواست که پاسخ مثبت فقیه بزرگ حله را به خان مغول برساند.

سید پس از قبول این مقام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد و مردم گروه گروه جامه سیاه که شعار عباسیان بود از تن خارج کردند و جامه‌های سبز که شعار علویان بود پوشیدند و بسوی خانه سید سرازیر شدند.

شاعران و قصیده سرایان در مجلس سید حضور می‌یافتند و وی را ستایش می‌کردند و به تدبیر او آفرین می‌گفتند.

ولی افسوس که این منصب زود گذر بود و پس از سه سال در بامداد دوشنبه پنجم ذیقعده سال ۶۶۴ چشمانش از این جهان فرو بست و به دیار باقی شتافت و شیعیان از هر سو به پایتخت سرازیر شدند و پس از انجام مراسم جسدش را با احترام ویژه به خاک نجف سپردند.

قم - سید مهدی آیت اللهی

۸۱/۱۰/۵

Scanned by CamScanner

## الباب ١

فِيمَا نَذْكُرَهُ مِنْ كتابِ الفِتَن لنَعِيمِ بنِ حَمّاد
أنَّ النَّبِي «صلى الله عليه وآله» عَلِمَ بِمَا هُوَ كائنٍ إلىٰ يَوْمِ الْقيامَة.

١. قالَ: حَدّثنَا الْحَكَمُ بْنُ نافِع عَنْ سَعيدِ بْنِ سَنان، قالَ: حَدّثنا أَبُو الزّاهرِيّة عَنْ كَثيرِ ابْنِ مُرَّة أبِي شَجَرَة الْحَضْرَمِي عَنْ اِبْنِ عُمر، قالَ:

**قَالَ: رَسُولِ اللهَ(ص): «إِنَّ اللهَ رَفَع لِيَ الدُنْيا فَأَنا أنظُرُ إِلَيْها وَ إِلَى مَا هُو كائِنُ فِيهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيامَة كَما أنْظُرُ إِلَى كَفِّي هَذِهِ»**

(كنز العمّال ج ١١ / ص ٣٧٨ / حديث ٣١٨١٠).

## الباب ٢

فِيمَا نَذْكُرُه مِنْ كِتَاب الْفِتَنِ لنَعِيمِ بْنِ حَمَّاد
مِنْ مَعْرِفَة مَوْلانَا علي عليه السلام بِالْفِتَنِ إِلَى قِيَام السَّاعَةِ.

٢. قَالَ: حَدّثنَا أَبُو هَارُونِ اَلكُوفي عَنْ عَمْرُو بْنِ قَيْسِ الْمُلَائي عَنِ الْمِنْهَالِ بْن عَمرو عَنْ زِرِّ بْنِ حُبَيشْ سَمِع عَلِيّاً يَقُول:

**«سَلُونِي فَوَاللهِ لاتَسْأَلُوني عَنْ فِئَةٍ خَرجَتْ تُقَاتِلُ مِأَة أَو تَهْدِي مِأَة اِلّا أَنْبأتكُمْ بِسائِقِها وقائِدِها وَ ناعِقِهَا مَا بَيْنَكُم وَ بَيْن السَّاعَةِ»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٤٠ ـ ٤٥).

Scanned by CamScanner

## باب اول

آنچه که نعیم در کتاب فتن ذکر می‌کند که پیامبر ﷺ به آنچه که تا قیامت اتفاق می‌افتد آگاه است

۱. ابن عباس از رسول خدا ﴿ﷺ﴾ روایت کرده که فرمود: خداوند، عالم دنیا را به من نمایاند و من به او نگریستم و در آن دیدم آنچه را که روز قیامت واقع خواهد شد همانند آن که به کف دست خود بنگرم.

## باب دوم

**آنچه که نعیم در کتاب فتن ذکر می‌کند که علی ﷺ به آنچه که تا قیامت واقع خواهد شد آگاه است.**

۲. زر بن حبیش می‌گوید: از امیرالمؤمنین علی ﴿ﷺ﴾ شنیدم که می‌فرمود: (هر چه می‌خواهید) از من بپرسید بخدا سوگند نمی‌رسد از گروهی که خروج کند و با صد (نفر) جنگ کند یا صد (نفر) را هدایت نماید مگر اینکه من به شما خبر می‌دهم از رهبر و سر دستهٔ آن و فریاد زن آن به آنچه که تا قیامت بین شما واقع خواهد شد.

Scanned by CamScanner

## الباب ٣

فِيمَا نَذْكُرُه مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِنَعِيمِ بْنِ حَمَّاد
عن عَلِي(ﻉ) في خَمْس فِتَنٍ يَصِيرُ الْنَاسُ فِي
الْخَامِسَةِ كَالْبَهائِمِ.

٣. قَالَ: حَدَّثَنا أبو أُسامة، حَدّثنا الأَعْمَش، قالَ: حَدّثَنا مُنْذِرُ الثَّوري عَنْ عَاصِمِ بنِ ضَمْرة عَنْ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِب(ﻉ) قَالَ:

«جَعَلَ اللهُ فِي هَذِه الأُمَّةَ خَمْسَ فِتَنٍ: فِتْنَةَ عامّةَ ثُمَّ فِتْنَةُ خَاصَّة ثُم فِتْنَةُ عَامَّةِ ثُمَ فِتْنَةُ خَاصَّةِ ثم الْفِتْنَةُ السَّوداءُ الْـمُظْلِمة الَّتي يَصِيرُ النَّاسُ فِيها كَالْبَهَائِمْ» (مستدرك حاكم ج ٤ / ص ٤٣٧).

## الباب ٤

فِيمَا نَذْكُرُه مِنْ كِتَاب الْفِتَنِ لنَعِيمِ بْنِ حَمَّاد
عَنِ النَّبيّ(ﺹ)، أنّه تَكُونَ فِتْنَةُ يَعْرُجُ فِيها بِعُقُولِ الرِجَال.

٤. قَالَ: حَدَّثنا جَرِيرُ بْنُ عَبْدُ الْحَميد عَنْ لَيثِ بْنِ أَبِي سُلَيْمَ، قالَ: حَدَّثَنِي الْثِقَةُ عَنْ زَيْدِ بْنِ وَهَبَ عَنْ حُذَيفةِ بْنِ الْيَمان، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ الله(ص): «تَكُونُ فِتْنَةُ ثُم تَكُونُ جَمَاعَةُ ثم تَكُونُ فِتْنَةُ ثُم تَكُونُ جَماعَةُ ثم فِتْنَةُ يَعْرُجُ فِيها عُقُولُ الرِجَال»

(كنز العمّال ج ١١ / ص ١٧٩ / حديث ٣١١٢٦).

Scanned by CamScanner

## باب سوم

**نعیم در کتاب فتن خود ذکر می‌کند که علی(علیه السلام) فرمود: پنج فتنه برای مردم واقع خواهد شد که در پنجمین آن، مردم (از نظر خلق و خوی) مانند حیوانات خواهند شد.**

**۳.** عاصم بن ضمره از علی(علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: خدا در این امت پنج فتنه قرار داده:

۱ ـ فتنه عمومی ۲ ـ سپس فتنه خصوصی ۳ ـ سپس فتنه عمومی ۴ـ سپس فتنه خصوصی ۵ـ سپس فتنه سیاه و تاریکی که مردم را از نظر رفتار مانند حیوانات می‌سازد.

## باب چهارم

**آنچه که نعیم در کتاب فتن خود ذکر کرده که پیامبر فرمود: فتنه‌ای بوقوع خواهد پیوست که اندیشه بزرگان، از حل آن ناتوان خواهد بود**

**٤.** حذیفه بن یمان از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: فتنه‌ای بر پا خواهد شد آنگاه گروهی ظاهر خواهند شد سپس فتنه دیگری پیدا خواهد شد، آنگاه گروه دیگری ظاهر می‌شوند سپس فتنه‌ای دیگر برپا خواهد شد که اندیشه‌ها در آن رشد خواهد کرد.

Scanned by CamScanner

## الباب ٥

فِيمَا نَذْكُرُه مِنْ كِتَابِ الْفتَنِ لِنعيمِ بْنِ حَمَّاد
يَتَضَمّنُ سَبْعَ فِتَنٍ عَنْ النَّبِيّ «صلى الله عليه وآله».

٥. قالَ: حَدّثَنا يَحيىٰ بْنُ سَعِيْدِ الْعَطّار، قال: حَدّثَنا الْحَجّاج رَجُل مِنّا عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ عَيّاش، قَال: قَالَ عِبْدُاللهِ بْنِ مَسْعُود: قالَ لَنا رَسُولُ الله(ص):

«أُحَذِّرُكُم سَبعَ فِتَنٍ تكُونُ بَعْدي: فِتْنَةٌ تُقبِلُ مِن المدينة و فِتْنَةٌ بِمَكه وَ فِتْنَةٌ تُقْبِلُ مِنَ الْيَمنِ وَ فِتْنَةٌ تُقْبِلُ مِنَ شامِ وَ فِتْنَةٌ تُقْبِلُ مِنَ المَشرِق، وَ فِتْنَةٌ مِنْ قِبَل الْـمَغرب، وَفِتْنَةٌ مِنْ بَطْنِ الشَام، وَهِي فِتْنَةُ السُفْيانِي».

قَال ابْنُ مَسعُود: مِنْكُم مَنْ يُدرك أوَّلَهَا، وَمِنْ هَذِه الأُمّة مَنْ يُدرك آخِرَهَا.

قَال الْوَليدُ بْنِ عَيّاشَ: فَكَانَتْ فِتْنَةُ الْـمَدِينة مِـنْ قِـبَلِ طَـلْحَة وَ الْزُبَير، وَفِتْنَةُ مَكَّة فَتنةَ ابنُ الزُّبَيرَ، وَفِتْنَةُ الْيَمن مِنْ قِبَل نَجْدة، وَفَتْنَةَ الشَام مِنْ قِبَل بَني أُميّة، وفِتْنةُ المَشْرقِ مِنْ قِبَلِ هؤلاء.

(كنز العمّال ج ١١ / ص ١١٦ / حديث ٣٠٨٤٠).

قُلْتُ أنَا: لَعلّه يعني الْعَبّاس ؛ لِأَنّ وِلايَتَهُم كانَتْ مِنْ قِبَل المَشْرِق.

Scanned by CamScanner

# باب پنجم

## نعیم در کتاب فتن خود بیان می‌کند که پیامبر فرمود: که هفت فتنه میان مردم بوقوع خواهد پیوست

۵. عبدالله بن مسعود می‌گوید: رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) به ما فرمود: من شما را از آن هفت فتنه‌ای که بعد از من برپا می‌شود می‌ترسانم:

۱ ـ فتنه‌ای که از مدینه آغاز می‌شود.

۲ ـ فتنه‌ای که از شام بر پا می‌شود.

۳ ـ فتنه‌ای که در مکه برپا می‌شود.

۴ ـ فتنه‌ای که از یمن برپا می‌شود

۵ ـ فتنه‌ای که از مشرق پیدا می‌شود

۶ ـ فتنه‌ای که از طرف مغرب آشکار می‌شود

۷ ـ فتنه‌ای که از مرکز شام برپا می‌شود و آن فتنه سفیانی است.

ابن مسعود می‌گوید: بعضی از شما نخست آن فتنه را درک می‌کنید و عده‌ای از این امت آخر آن را درک خواهند کرد.

ابن عباس می‌گوید: فتنهٔ مدینه، همان بود که از طرف طلحه و زبیر اتفاق افتاد و فتنه مکه، همان فتنهٔ ابن زبیر بود. و فتنهٔ یمن از طرف نجده که مربوط به نجدة بن عامر حنفی بود. و فتنه شام از طرف بنی امیه پیدا شد. و فتنه مشرق از طرف این گروه است.

(ولید بن عیاش می‌گوید:) شاید منظور از این گروه، بنی عباس باشد زیرا که سلطنت آنها از طرف مشرق بوده.

Scanned by CamScanner

# الباب ٦

## فِيمَا نَذْكُرُه مِنْ كِتَاب الْفتَنِ لنَعيِمِ بْنِ حَمَّاد عَنِ النَّبيّ (ﷺ) فِي ذِكْرِ أَرْبَعَ فِتَن يَصفُ شِدّةَ الرَّابِعَة مِنْها.

٦. فَقَالَ: حَدَّثَنا يَحْيىٰ بنِ سَعِيد الْعَطّار عَنْ ضَرَارِ بْنِ عَمْرو، عَنْ إسحَاق بْنِ عَبْدُالله ابْنِ أَبِي فَرْوَةِ عَمَّنَ حَدَّثَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةِ، قَال: قَالَ رَسُولُ الله (ص):

«لَتَأْتِيَكُم بَعْدِي أَرْبَعَ فَتِنٍ:

الأُولىٰ: يُستَحَلُّ فِيها الدَماء،

والثانية: يُستَحَلُ فِيها الْدّماءُ وَالأَمْوال،

والثالثة: يُسْتَحَلُّ فِيها الْدِمَآء والأَموالُ والْفُروجِ،

والرابعة: صَمّاءُ عَمْياءُ (التى لا سبيل الى تسكينها) مُطْبِقَةُ تَمُور مُور الْـمَوج في الْبَحر حَتّى لايَجِدُ أَحَدُ مِنَ النَّاس مِنْها مَلْجَأً، تَطِيفُ بِـالشَام، وَتَغْشىٰ الْعراق، وتَخبِطُ الْجَزِيرةَ بِيَدِهَا وَ رِجْلِها، تُعْرَكُ الأُمَّة فِيهَا بُالْبَلَاء عَرْكَ الأَديمِ، لايَسْتَطِيعُ أَحَدُ مِنَ النَّاس يَقُول فِيها:

مَه مَه، (اكفف) لَا يَرْفَعُونَها من ناحية إلاّ انفَتَقَتْ مِنْ ناحية أُخْرَى»

(كنزالعمال ج ١١/ ص ١٦٣/ حديث ٣١٠٤٧).

Scanned by CamScanner

## باب ششم

**نعیم در کتاب فتن خود ذکر می‌کند که چهار فتنه بین مردم واقع خواهد شد که چهارمی آن از همه آنها سخت‌تر است.**

۶. ابوهریره از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: بعد از من چهار فتنه برای شماپیدا خواهد شد.

در فتنه اول: (ریختن) خونها، حلال خواهد شد.

و در فتنه دوم: (ریختن) خونها و (غصب) اموال حلال می‌شود.

و در فتنه سوم: (ریختن) خونها و (غصب) اموال و ناموس مردم حلال خواهد شد.

فتنه چهارم: فتنه‌ای است شدید و تاریک که حرکت آن نظیر حرکت کشتی است در دریا، بطوری که برای هیچکس از شر آن گریزی نیست. از شام شروع می‌شود و عراق را فراخواهد گرفت و جزیرة العرب را درهم خواهد کوبید. در آن فتنه مردم نظیر پوستی که دباغی شود دچار بلا می‌شوند و در آن موقع هیچ فردی توان ندارد به فتنه انگیزان بگوید: بس است و دست نگهدارید، از هر ناحیه‌ای که آن فتنه را رفع کنند از ناحیه دیگری سر درمی‌آورد.

Scanned by CamScanner

## الباب ٧

فِيمَا نَذْكُرُه مِنْ كِتَاب الْفتَنِ لنَعيمِ بْنِ حَمَّاد أيضاً
عَنِ النَّبِيّ(ﷺ) فِي ذِكْرِ أَرْبَعَ فِتَنٍ وَ تَعظيمِ الْفِتْنَة الرابعَةَ.

٧. قال: حَدَّثنا الْحَكَمُ بْنُ نافِع عَنْ جَرَّاحِ عَنْ أرطَأةِ بْنِ الْـمُنْذر، قَـال: بَـلَغْنَا أنَّ رَسُولَ الله(ص)، قال:

«يَكُونُ فِي أُمَّتِي أَربَعَ فِتَن: فَالأُولىٰ يُصيبُهُم فِيها بَلاءُ حَـتَى يَـقُولَ الْـمُؤمن: هَذِه مُهلِكَتي، ثُم تَنْكَشِفُ، وَالثَّانية حَتَى يَقُولَ الْـمُؤمِن: هَذِه مُهلِكَتي، والثَالثة كُلَّما قِيل: اِنْقَطَعَتْ، تَمَادَتِ الْفِتْنَة، والْرابِـعَة يَـصِيرُون فِيها إِلىٰ الْكُفر، إذا كَانَتْ الإِمّعة مَعَ هَذا مرّةً وَمَعَ هَذا مرّةً بلا إمام ولا جَماعة». (كنز العمّال ج ١١ / ص ١٦٤ ـ ١٦٤ / حديث ٣١٠٥٠)

## الباب ٨

فِيمَا ذَكَرُهُ نَعيمِ بْنِ حَمَّاد مِنْ كِتابِ الْفِتَن وَذَكَرَ الْأرْبع فِتَن،
وَحَدِيثَ الْـمَهدِي وَلَمْ يَسُمُّه، رَوَاهُ عَنْ عَلِي(ع).

٨. قَالَ: حَدّثَنا ابْنُ وَهَب عَنْ إبْن لَهيعَة عَنِ الْحَارِثِ بنِ يَزيد، قال: سَمِعْتُ عَبْدَاللهِ بْنِ زُرَيرِ الغَافِقِي يَقُولَ: سَمِعْتُ عَلِيّاً يَقُولَ:

«اَلفِتَن أَربَع: فِتْنَةُ السَّرَّاء، وَفَتْنةُ الضَرَّاء، وَفَتْنَةُ كَذا ـ فَذَكَر مَعْدنَ الذَّهَبِ ـ ثُم يَخرُجُ رَجُلُ مِنْ عِتْرَةِ النَّـبِيّ(ص)، يُـصْلِحُ الله عَـلى يَـدَيْه أَمْرَهُم» (كتاب الفتن ج ١ / ص ٥٧ / ٩٤).

Scanned by CamScanner

## باب هفتم

**حماد در کتاب فتن خود ذکر می‌کند که چهار فتنه در میان مردم واقع خواهد شد که چهارمی آنها از همه بزرگتر است.**

۷. ارطاة بن منذر می‌گوید: به ما چنین رسیده که پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: در امت من چهار فتنه پیدا خواهد شد. در فتنهٔ اول: بلائی به آنها می‌رسد که مؤمن می‌گوید این فتنه سبب نابودی من خواهد شد و سپس آن فتنه ظاهر می‌شود. و در فتنه دوم نیز، مؤمن می‌گوید: این فتنه سبب نابودی من می‌شود. و در فتنه سوم: هر چه می‌گویند این فتنه قطع نخواهد شد و همچنان ادامه خواهد یافت. فتنهٔ چهارم: موقعی آنها را در برمی‌گیرد که این امت بدون داشتن امام و سرپرست، گاهی با این (شخص) و گاهی با (شخص) دیگری خواهد بود.

## باب هشتم

**نعیم در کتاب فتن خود ذکر می‌کند که علی(علیه السلام) فرمود: چهار فتنه انجام خواهد گرفت و در پایان، کار مردم بدست مهدی (عج) اصلاح خواهد شد**

۸. ابن زریر غافقی می‌گوید: از علی بن ابیطالب(علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: فتنه‌ها چهار نوع‌اند اول: فتنهٔ نیزه و عصا، دوم: فتنهٔ کذا (آنگاه) معدن طلا را ذکر کرد تا اینکه مردی از عترت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خروج کند و خدا کار این امت را به دست او اصلاح فرماید.

Scanned by CamScanner

## الباب ٩

فِيما نَذكُرُه مِنْ كِتابِ الْفتَن لِنَعِيم بن حمّاد
عَنِ النبيّ ﷺ فِي ذكْرَ الْفِتَنِ إلى أن يَخرُجَ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِه.

٩. قال: حَدّثَنا الْوَليدُ بْنُ مُسْلم عَنْ إسْماعِيل بنِ رَافِع عَمَّن حَدَّثَهُ عَنْ أَبي سَعيدِ الْخُدرِي، قَال: قَالَ رَسُولُ الله(ص):

«سَتَكونَ بَعْدِي فِتَنٌ، مِنها: فِتنَةُ الأَحْلاس (جمع حلس و هو الكساء الذى يلى ظهر البعير) يَكُونُ فِيها حَرْبُ (الغضب) وَهَرَبُ ثُم بَعْدَها فِتَن أَشَدُّ مِنها، ثُم تَكُونُ فِتْنَة كُلَّما قِيلَ: إنْقَطَعَتْ تَمادَتْ حَتى لايَبْقَ بَيْتُ إلاّ دَخَلَتْه وَلامُسْلِم إلاّ صَكّته (ضربته) حَتى يَخْرُجَ رَجُلُ مِنْ عِتْرَتِي»

(كنز العمّال ج ١٤ / ص ٢٦٩ / حديث ٣٨٦٨٥).

## الباب ١٠

فِيما نَذكرُهُ مِنْ كِتابِ الْفِتَن لِنَعِيم
أنّ فِي الْفِتْنةِ الثّالِثة لَا تَكادُ تَرَى عَاقِلاً.

١٠. قالَ: حَدّثَنا جَرير بْنُ عَبْدُ الحَمِيد عَنْ لَيثِ بْن أَبِي سَلِيْم، قَال: حَدَّثَنِي الثِقَّةِ عَنْ زَيْدِ بنِ وَهَب عَنْ حُذَيفَةَ بْنِ الْيَمان، قالَ: قالَ رَسُولُ الله(ص):

«تَكُونُ فِتْنَةٌ يَعْرُجُ فِيها عَقُولُ الرِجَال حَتَى لَا تَكـادُ تَـرَى رَجُـلاً عَاقِلاً» وَذكَر ذَلِك فِي الفِتْنَةِ الثَّالِثَة (كنز العمّال ج ١١ /ص ١٧٩ /حديث ٣١١٢٦).

## باب نهم

### نعیم بن حماد در کتاب فتن خود بیان می‌کند که پیامبر فرمود: فتنه‌ای بوقوع خواهد پیوست تا اینکه مردی مصلح از عترت او ظاهر خواهد شد

۹. ابوسعید خدری از حضرت محمد بن عبدالله(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: بعد از من فتنه‌هایی به وجود می‌آید از جمله فتنه بزرگان است که در آن جنگ و گریزی خواهد بود و بعد از آن فتنه‌هایی است که از آنها شدیدتر خواهد بود. آنگاه فتنه‌ای پیدا می‌شود که هر چه می‌گویند قطع نمی‌شود و همچنان ادامه پیدا می‌کند تا اینکه هیچ خانه‌ای بدون فتنه باقی نمی‌ماند و هیچ مسلمانی نیست جز اینکه او را می‌کشند تا آنکه مردی از عترت من خروج کند.

## باب دهم

### نعیم بن حماد در کتاب فتن خود بیان می‌کند که در فتنه سوم دیگر عاقلی وجود نخواهد داشت.

۱۰. حذیفة بن یمان از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرد که فرمود: فتنه‌ای برپا خواهد شد که اندیشهٔ اندیشمندان بگونه‌ای متوقف می‌شود که بعید به نظر می‌رسد عاقلی دیده شود و فرمود: این موضوع در فتنه سوم اتفاق خواهد افتاد.

Scanned by CamScanner

## الباب ١١

فِيما نَذكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَن لِنَعِيمْ
فِي هَرَج يَكُون بَيْنَ يَدَيَ السَّاعَة.

١١. قالَ: حَدَّثَنَا عَبدُ الْوَهّاب الثَّقَفي عَنْ يُونس عَن الْحَسَن عَنْ أَبِي مُوسى الْأَشْعَرِي، قَالَ: ذَكَرَ رَسُولُ الله(ص) هَرَجاً بَينَ يَدَيَ السَّاعَة حَتى يَقتُلَ الرَّجُلِ جَارَهُ وَأَخاه وَابْنَ عَمِّهِ، قَالُوا: وَمَعَنا عُقُولُنا؟ قال:

«تُنزَعُ عُقُولُ أَكْثَرِ أهلِ ذَلك الْزَمان، ويُخْلَفُ لَهُم هَباءُ (الشئ الذى تراه فى ضوء الشمس) مِنَ النَّاس يَحْسِبُ أَحَدُهُم أنَّه عَلَى شَيء وَلَيْسَ عَلَى شَيْء».

(كنز العمّال ج ١١ / ص ١٣٠ / حديث ٣٠٩٠٩).

## الباب ١٢

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتابِ الْفِتَن لِنَعِيمْ
أنّ الْفِتْنَةَ الْخَامِسَةَ يَكُونُ النَّاسُ فِيها كَالْبَهَائِم.

وَقَد تَقَدَّمَ الْحَدِيث، وَهَذا فِيه زِيادَةٌ وَبِطَرِيق أُخْرى.

١٢. قالَ: حَدَّثَنا أبوثور وعَبدُ الرَّزّاق عَنْ مَعْمَر عَنْ طَارِق عَنْ مُنْذِر الثَّوري عَنْ عَاصِم بْنِ ضَمْرَة عَنْ عَلي(ع)، قَالَ:

«فِي الْفِتنةِ الْخَامِسةِ الْعَمْياء الصَّمّاءِ الْمُطْبِقَة يَصِيرُ النَّاسُ فِيهَا كَالْبَهَائِم» (كتاب الفتن ج ١ / ص ٥٢ ـ ٧٨).

## باب یازدهم

### نعیم بن حماد ذکر می‌کند که پیامبر فرمود: هرج و مرجی میان مردم واقع خواهد شد

۱۱. یونس از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود: بین مردم فتنه‌ای واقع می‌شود که مرد همسایه و برادر و پسر عموی خود را می‌کشد. از آنحضرت پرسیدند: آیا مردم آن زمان عاقل اند فرمود: عقل بیشتر آنان گرفته می‌شود و بجای آنها افراد ناباب و بی ارزشی جایگزین می‌شوند و هر یک از آنها گمان می‌کند که برای خود ارزش و شخصیتی دارد. در حالیکه هیچ چیز نیست.

## باب دوازدهم

### نعیم بن حماد در کتاب فتن خود بیان می‌کند که علی(ع) فرمود: در فتنه پنجم، مردم مانند حیوانات خواهند بود

۱۲. عاصم بن ضمره از حضرت علی بن ابیطالب(ع) رایت کرده که فرمود: در پنجمین فتنهٔ که کور و تاریک است، مردم مانند چهار پایان (مطیع و بی‌عقل) می‌شوند.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٣

فِيمَا نُشِيرُ إِلَيه مِنْ أَنَّهُ تَأتِي فِتَنٌ يَمُرُّ الإِنْسَانُ بِالْقَبْرِ فَيَتَمَعَّكَ عَلَيه، مِثْلُ الدَابّة، ويَقُولُ: يا لَيْتَنِي كُنْتُ مَكَانَك.

١٣. وَذَكَرَ نَعِيمُ بْنُ حَمّاد فِي كِتابِ الْفِتَن أَحَادِيثُ كَثِيرة مَعْنَاهَا أَنَّهُ يَأتي فِي الفِتَنِ زَمَانٌ يَتَمَنّى الإِنسَانُ الْـمَوتَ، ويَأتِي القَبر فَيَتَمَعَّكَ عَلَيه (فيدلكه)، كَالْدابّة، وَيَقُولُ: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَكانَكَ (كتاب الفتن ج ١ / ص ٧١ ـ ٧٢).

١٤. وَفِي بَعْضِها: نَجَوْتَ نَجوتَ يا لَيْتَنِي كُنْتُ مَكَانكَ، رُوِىَ بَعْضَها عَنِ النَّبِيِّ(ص)، وَرُوِىَ بَعْضَها مُرسَلةً، وَمعْنَاهَا عَنهُ صَلَواتُ الله عَـلَيْهِ وَآلِه. (كتاب الفتن ج ١ / ص ٧٢ـ ٧٣ـ ١٤٩ – ١٥٠)

Scanned by CamScanner

# باب سیزدهم

**نعیم بن حماد می‌گوید: فتنه انسان را آنچنان در بر می‌گیرد که خود را مثل چهارپایان به قبر می‌مالد و می‌گوید: ای کاش مثل تو بودم**

۱۳. نعیم بن حماد ذکر کرده که: زمانی می آید که در فتنه‌های آن، انسان آرزوی مرگ دارد و چون چهارپایان خود را به قبر می‌مالد و می‌گوید: ای کاش من به جای تو مرده بودم.

۱٤. و در بعضی روایات دارد که می‌گوید: نجات یافتی نجات یافتی ای کاش بجای تو بودم بعضی این روایات را از رسول خدا نقل شده و بعضی از آنها مرسله نقل شده.

Scanned by CamScanner

# الباب ۱۴

## فِيما اِحْتَجَّ بِه الْحَسَنُ بْنُ عَلي عَلَيهِمَا السَّلام فِي صُلْحِ مُعَاوِيَة عِنْدَ فِتْنَةٍ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِنَعِيمِ بْنِ حَمّادَ.

**۱۵.** قالَ: حَدّثَنا ابْنُ فُضَيْل عَنِ السَّرِي بْنِ إسْماعِيلِ عَنِ الشَّعْبِي عَنْ سُفيانِ بْنِ اللَيْل، قَالَ: أَتَيْتُ حَسَنَ بْنَ عَلي بَعْدَ رُجُوعِهِ مِنَ الكُوفَةِ إلى الْـمَدينَة، فَقُلْتُ لَهُ: يا مُـذِلَّ الْـمُؤمِنين، فَكَانَ مِمّا اِحْتَجَّ عَلَيَّ أنْ قَالَ: «سَمِعْتُ عَلِيّاً يَقُول: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ(ص) يَقول:

لا تَذْهَبُ اللَيالِي وَالأَيامَ حَتَى يَجتَمِعَ أمرُ هَذِهِ الأُمَّة على رَجُلٍ وَاسِعِ السُّرْم (واسع الدبر) ضَخْمُ الْبُلْعُم (مسرف فى اللاموال و الدماء) يأكُلُ وَلا يَشْـبَع وَهُو مُعَاوِيَة، فَعَلِمْتُ أنَّ أمْرَ اللهِ واقِعُ، وَ خِفْتُ أنْ تَجـرِيَ بَـيْنِي وَبَـيْنَهُ الدِمَاء، واللهُ مَا يَسُرّنِي [بَعْدَ إذْ سَمِعْتُ هَذَا الْحَديثِ أنَّ لِي الدُنيَا وَمَا طَلَعْتُ عَلَيهِ الشَّمْس وَالْقَمَر] وَإنِّي لَقَيْتُ تَعَالى بِمُحجَمَةِ دَم امرئ مُسْلِم».

(كنز العمّال ج ۱۱ / ص ۳۴۸ / حديث ۳۱۷۰۸).

وَرَوى نَعِيمُ حَدِيْثُاِجتِماعِ الأُمّة عَلى مُعَاوية مِن ثَلاث طُرُق عَـنِ الْـنبيّ(صلى الله عليه وآله).

أَقُول:

فَإنْ قَالَ قَائِلَ: فَقَدْ عَلِمَ مَولانا عَلِي(ع) مَا عَلِمَهُ الْحَسَن(عليه السلام)، فَلأَيّ شيٍء حَارَبَ مُعَاوية وَ سُفِكَت بَيْنَهما الْدِمَاء؟ فَالْجَواب مِن وُجُوه:

مِنها: أنَّ مَوْلانا عَلِيّاً(عليه السلام) كَانَ مَأمُوراً بِمُحارَبةِ النَّاكِثِيْن، وهُمْ: طَلْحَة وَالْزُبَير وَعائِشَة، وَالْقَاسِطِين و [هُمْ] معاوِية وأصحَابُهُ، وَالْمارِقِين وهُمْ أهْلُ النَّهْرَوان، فَفَعَل مَوْلانا عَلِي(عليه السلام) مَا أُمِرَ بِه.

وَمِنها: أنَّ مَوْلانَا عَلِيّاً(عليه السلام) لَمّا أَخْبَرَ أنَّ الأَمْرَ يَنتَهِي إلى مُـعَاوية وَبَـنِي أُمِيَّةَ سُئِلَ عَنْ مُحارِبته لَهُ مَعَ العِلْم بِذَلِك، فَقَالَ: أُبلى عُذْراً فِيما بَيْنِي وبَيْنَ الله

# باب چهاردهم

## نعیم بن حماد می‌گوید: آنچه را که حسن بن علی(علیه السلام) پیرامون فتنه‌ای که پیامد آن، صلح با معاویه بود بیان فرموده است

**۱۵.** سفیان بن لیل می‌گوید: خدمت حسن بن علی(علیهما السلام) آمدم وقتی که از کوفه به مدینه بازگشته بود به حضرت عرض کردم: ای ذلیل کنندهٔ مؤمنین (چرا با معاویه صلح کردی؟) حضرت فرمود: از پدرم شنیدم که او از رسول خدا روایت می‌کرد که حضرت فرمود: چهل روز دیگر نمی‌گذرد که این امت به دور مردی جمع می‌شوند که روده‌ئی دراز و گلویی گشاد دارد می‌خورد ولی سیر نمی‌شود و آن معاویه خواهد بود، پس من دانستم که امر خدا واقع شدنی است، (لذا) ترسیدم که بین من و او خونهائی ریخته شود، بخدا سوگند پس از آنکه این حدیث را از رسول خدا شنیدم دوست نمی‌دارم که همه دنیا و آنچه که آفتاب و ماه بر آن می‌تابد برای من باشد و من خدای را ملاقات کنم در حالی‌که به اندازه حجامت خون مسلمانی بوسیله من ریخته شده باشد.

ابونعیم حدیث اجتماع امت را به دور معاویه، از رسول‌خدا(صلی الله علیه و آله) به سه طریق روایت کرده است:

من می‌گویم اگر کسی اشکال کند و بگوید حضرت علی(علیه السلام) این مطلبی را که از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در ترک جنگ نقل کرده و امام حسن(علیه السلام) به آن استناد کرده می‌دانسته که بالاخره مردم دور معاویه را خواهند گرفت پس برای چه آن حضرت با معاویه جنگ کرد و آن همه خونها در بین آنها ریخته شد؟! در پاسخ چند وجه است، **اول:** اینکه مولای ما علی(علیه السلام) مأمور بوده با سه دسته جنگ کند: ۱ـ ناکثین که طلحه و زبیر و عایشه باشند. ۲ـ قاسطین که معاویه باشد. ۳ـ مارقین که اهل نهروان باشند. پس آن حضرت مأموریت خود را انجام داد.

**دوم:** وقتی که مولای ما علی(علیه السلام) خبر داد که سلطنت به معاویه و بنی امیه خواهد رسید از آن حضرت پرسیده شد، پس چرا شما با معاویه جنگ نمی‌کنی در حالیکه می‌دانی سلطنت به او منتهی می‌شود؟ فرمود: من بین

Scanned by CamScanner

عَزَّوَجلَّ، وَسَيَأْتِي الْحَدِيث بِذلك فِيمَا أَخْبَرْناه عَنْ نَعِيم بْنَ حَمّادَ، وَ مِنْ كِتَابِ الْفِتَن لِلسَلِيلِي.

ومِنها: أَنَّ مَوْلانَا عَلِيّاً(ﻉ) كَانَ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَتَى لَمْ يُحَارِب مُعَاوية اشْتَبَهَ الأَمْرِ فِيمَا يَقَعُ مِنْ مُعَاوِية وَبَنِي أُميّةَ، وَيَحْسِبُ كَثِيرُ مِنَ النَّاسِ أَنَّهُ قَدْ رَضِيَ بِوِلايَتِهِ.

وَمِنهَا: أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِي ... مِنْ طُرُقِهِم وَطُرِقنَا كَالْتَواتُر، وَنُوردُها هُنا مِنها ... الَّذي لِنَعِيْمِ بْنِ حَمّادِ الثِّقَة الَّذي أَثْنَوا عَلَيه، فَقَالَ: حَدّثنَا هَشِيْم عَنْ يُونس عَنِ الْحَسَنَ قَالَ، قَالَ رسُولُ اللهِ(ص) لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِي: «اِبْني هَـذَا سَيِّد، وَسَيُصْلِحَ اللهُ عَلَى يَـدَيه بَـيْنَ فِـئَتَيْنِ مِـنَ الْـمُسْلِمِينَ عَظِيمَتَيْنَ» (صحيح بخارى ج ٨ ص ١٢٦ حديث ٧١٠٩)

و مِنها: أَنَّ صُلْحَ الْحَسَنِ بْنِ عَلي عَلَيهِما السَّلام لِمُعاوِية كَانَ مَنْسُوباً فِي الْحَدِيث إِلى الله جَلَّ جَلالُهُ حَيثُ قَالَ النَّبِيّ(ﷺ): «يُصْلِحُ الله» فَـإِذا كَانَ اللهُ جَلَّ جَلالُهُ هُو الَّذِي يُصلِحُ عَلَي يَدَيه فَأَيَّ دَرْكِ يَبقَ عَلَيه؟

Scanned by CamScanner

خود و خدای خویش عذری دارم که موجه است و بزودی حدیث در این باره از ابن حماد و از کتاب فتن سلیلی خواهد آمد.

**سوم:** اینکه علی﴿علیه السلام﴾ می‌دانست که اگر با معاویه نجنگد امر بر مردم دربارهٔ اعمال معاویه و بنی امیه مشتبه می‌شود و بسیاری از مردم گمان می‌کنند که حضرت علی نسبت به خلافت معاویه راضی بوده است.

**چهارم:** اینکه حسن بن علی﴿علیه السلام﴾ مأمور به صلح بود و در این باره روایاتی از طریق اهل سنت) وارد شده که ما آنها را در اینجا وارد می‌کنیم: از آن جمله در کتاب (نعیم بن حماد) که مورد توجه آنهاست از هشیم از یونس از امام حسن﴿علیه السلام﴾ از رسول خدا﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ روایت کرده که فرمود: این فرزند من حسن بن علی﴿علیه السلام﴾ بزرگوار است و خداکار دو دسته بزرگ از مسلمین به دست او اصلاح می‌کند.

و از جمله علل صلح امام حسن﴿علیه السلام﴾ با معاویه حدیثی است که رسول خدا﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ از جانب خداوند فرموده است «خداوند اصلاح می‌کند» در اینصورت وقتی خداوند کار را بدست امام حسن ﴿علیه السلام﴾ اصلاح فرماید دیگر آنحضرت نیازی به صلح نداشته است. (بلکه از جانب خدا مأمور به صلح بوده است.) ولی برای حضرت علی﴿علیه السلام﴾ چنین چیزی که منسوب بخدا باشد نیامده تا حضرت جنگ نکند.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٥

فِيما نَذْكُرُه مِنْ كِتابِ الفِتَنِ لِنَعِيمِ بْنِ حَمّاد

فِي أَنَّ مَوْلانا الْحَسَنِ بْنِ عَلِي عليه السلام وَالأَئِمَّة مِنْ أَهلِ البَيتِ عليهم السلام كَانُوا يُرِيدُونَ الْخِلافَة كَمَا أَمرَهُم اللهُ جَلَّ جَلالُهِ وَعَلَى الْوَجهِ الّذِي يَخْتارُهَالَهُم، وَ مُعاوِيَة وَ زِياد كَانُوا يُرِيدُونَها بِالْـمُغالِبَة.

١٦. قالَ: حَدّثَنا صَدَقَةُ الصَنعَانِي عَنْ رِباحِ بْنِ زَيدٍ عَنْ مَعمر عَنْ اِبْن طَاوُوس عَنْ أَبِيه عَنْ اِبْن عَبَاس، قَالَ:

لَمّا أُصِيبَ عَلي وَ بايَعَ النَّاسُ الحَسَنَ، قَالَ: قَالَ لِي زِياد: أَتُرِيد أَنْ يَستَقِيمَ لَكُم الأَمر؟ قَالَ: قُلتُ: نِعَمْ، قَال: فَاقْتُل فَلاناً وَفُلاناً وَفُلاناً ثَلاثَة مِنْ أَصحَابِه، قَالَ: قُلْتُ: أَلَيْسَ قَدْ صَلُّوا صَلَاةَ الْغَداة؟ قَالَ: بَلَى، قَالَ: قُلْتُ: فَلا واللهُ مَا إلى ذَلِكَ سَبِيْل (كتاب الفتن ج ١ / ص ١٧٠ و ٤٤٣).

## الباب ١٦

فِيما نَذْكُرُه مِن كِتابِ الفِتَنِ لِنَعِيمِ بْنِ حَمَّاد

مِنْ قَول النَّبِيّ ﴿صلى الله عليه وآله﴾: «لَيَرفَعَنّ لَهُ رِجالُ مِنْ أَصْحَابِه يَوم الْقِيامة، وَ يُقَال لَهُ: إِنّكَ لاتَدْرِي مَا أَحْدَثُو بَعْدَكَ».

١٧. قالَ: حَدَّثنَا أَبو خَالِد الأَحْمر عَنْ أَبِي مَالِك الأَشْجَعِي عَنْ أَبِي حازِم عِنْ أَبِي هُرِيرَة، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله صلى الله عليه وآله:

«لَيَرْفَعَنَّ لِي رِجَالُ وأَنَا عَلَى الْحَوض حَتَى إذا عَرَفُونِي وَعَرَفْتُهُم، اِخْتَلَجُوا دُونِي، فَأَقُولَ: يا رَبّ أَصحَابِي، فَيُجِيبُنِي مُجِيبُ إِنّكَ لاتَدْرِي

## باب پانزدهم

### آنچه نعیم بن حماد در کتاب فتن خود بیان می‌کند درباره خلافت امام حسن و اهل بیت علیهم السلام که آنها خلافت را براساس دستورات خداوند می‌خواستند ولی معاویه و زیاد با جنگ و خونریزی

۱۶. ابن عباس می‌گوید: موقعی که علی﴿علیه السلام﴾ را شهید کردند و مردم با امام حسن﴿علیه السلام﴾ بیعت نمودند زیاد به من گفت: می‌خواهی که امر (خلافت برای امام حسن﴿علیه السلام﴾ دوام پیدا کند؟ گفتم آری گفت: پس سه نفر از اصحاب او رابه قتل برسان گفتم مگر آنها امروز نماز صبح را نمی‌خواندند؟ گفت آری گفت: در اینصورت من راهی برای کشتن آنها را نمی‌یابم.

## باب شانزدهم

### آنچه نعیم بن حماد در کتاب فتن خود بیان می‌کند در اینکه پیامبرﷺ فرمود: «روز قیامت مردانی از یاران او قیام والایی دارند. و به او گفته شد نمی‌دانی که چه حوادثی بعد از تو رخ خواهد داد»

۱۷. ابوهریره می‌گوید: رسول خدا﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ فرمود: که من نزد حوض (کوثر) می‌باشم مردانی بلند می‌شوند که آنها مرا می‌شناسند و من هم آنها رامی شناسم آنگاه آنها را از نزد من می‌برند و من می‌گویم: خدایا! یاران مرا

Scanned by CamScanner

مَا أحدَثُوا بَعْدَك» (صحيح بخاري ج ٨ ص ١١١ حديث ٧٠٤٩)

وَرَواهُ أيضاً بإستِنادِ آخَرَ عَنْ حُذَيفة عَنِ النَّبيِّ ﷺ

(كتاب الفتن ج ١ / ص ٨٧ و ٢٠٠).

وَرَواهُ أيضاً بإستِنادِ آخَرَ عَنْ الْحَسن عَنِ النَّبيِّ ﷺ

(كتاب الفتن ج ١ / ص ٩٤ / ٢٢٢).

## الباب ١٧

### فِيما نَذكُرُهُ مِنْ كِتابِ الفِتَنِ لِنَعِيم فِي تحذِير النَّبيِّ ﷺ لِعَائِشة مِمّا خَالفَتْهُ فِيه.

١٨. قَالَ: حَدَّثنا يَزِيدُ بْنِ هَارُون عَنْ أَبِي خَالِد عَنْ قَيْسِ بْن أَبِي حازِم عَنْ عائِشَة عَنِ النَّبِيِّ(ص)، وَالْعَوام بْن حَوشَبْ عَنْ إبراهِيم التَيْمي عَن النَّبِيِّ(ص): أَنَّهُ قَالَ لِأَزْواجِه: «أَيَتكُنَّ اللَتِي تَنْبَحُهَا كِلَابُ الْحَوأب؟» فلمّا مَرَّتْ عَائِشَة نَبحَتِ الْكِلاب، فَسَأَلَتْ عَنْهُ، فَقِيلَ لَهَا: هَذَا مَاءُ الْحَوْئَبْ (موضع فى طريق البصره)، قَالَتْ: مَا أَظُنُّنِي إلاّ رَاجِعَة، قِيلَ لَهَا: يَا أُمَّ الْمُؤمِنين إنّمَا تَصْلَحِين بَيْنَ النَّاس.

(مسند أحمد ج ٧ / ص ١٤٠ / حديث ٢٤١٣٣).

١٩. وَحَدَّثَنا عَبد الرَّزاق عَنْ مَعمر عَنْ اِبْن طَاوُوس عَنْ أَبِيه أنَّ رَسُولُ الله(ص) قَالَ لِنِسائه:

«أَيَتكُنَّ تَنْبَحُهَا كِلابُ ماء كَذا وكذا؟ إيّاك يا حُمَيراء» يعني عائِشة.

(كنز العمّال ج ١١ / ص ٣٣٤ / حديث ٣١٦٧١).

Scanned by CamScanner

کجا می‌برند؟ پس گوینده‌ای به من می‌گوید: نمی‌دانی که اینها بعد از تو چه گناهانی انجام داده‌اند.

و باز به طریق دیگری از حذیفه از پیامبر روایت کرده است و باز به طریق دیگری از امام حسن از پیامبر روایت کرده است.

## باب هفدهم

### آنچه نعیم بن حماد در کتاب فتن خود از سرزنش پیامبر به عایشه سخن گفته است.

۱۸. عایشه می‌گوید: رسول خدا(ﷺ) به زنان خود می‌فرمود: کدام یک از شما آن زنی خواهد بود که سگهای (حوئب) بر او پارس می‌کنند؟ از این رو وقتی عایشه گذارش به سرزمین حوئب افتاد (مکانی در راه بصره) که سگها پارس می‌کردند پرسید اینجا کجاست؟ گفتند: اینجا حوئب است، گفت چاره‌ای جز بازگشت نیست به عائشه گفته شد: یا ام‌المؤمنین تو (با ادامه سفرت) میان مردم اصلاح می‌کنی.

۱۹. معمر بن طاووس از پدرش و او از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که حضرت به زنان خود فرمود:

کدامیک از شماهاست که سگهای حوئب بر او پارس می‌کنند؟ ای حمیراء و ای عائشه تو از این کار پرهیز کن.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٨

فِيما نَذكُرُه مِنْ كِتابِ نَعِيم بْنِ حَمَّاد
مِنْ أَمْرِ الْـمَهْدِي عليه السلام.

٢٠. فقالَ: حَدَّثَنا الوَلِيدُ بْنُ مُسْلم عَنْ إبنِ لَهِيعَة عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْن قَيْسِ بْن جَابِرِ الصَّدَفِي، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله(ص):
«يكُونُ بَعْدِيَ خُلَفاءَ، وَبَعْدَ الْخُلَفاءُ أُمَراء، وَبَعدَ الأُمـراءِ مُـلُوكُ، وَبَعدَ الْـمُـلُوكِ جَبابِرة، وَبَعْدَ الْجَبابِرة رَجُلُ مِنْ أَهْلِ بَـيْتِي يَمْـلأُ الأَرضَ عَدلاً، وَمِنْ بَعْدِهِ الْقَحْطَانِي، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا هُوَ دُونَه»

(كنز العمّال ج ١٤ / ص ٢٧٤ / حديث ٣٨٧٠٤).

## الباب ١٩

فِيما رَواهُ نَعِيم بنِ حَمَّاد
فِي أَنَّهُ لا خِلافَةَ بَعدَ حِمارِ بَنِي أُمَيَّة حَتَى يَخْرُجَ الْـمَهْدِي.

٢١. قَالَ: حَدَّثَنا الْوَليد وَرشدين عَنْ إبْن لَهِيْعَة عَنْ زَرْعَـةِ عَـنْ صَباحِ، قَالَ: لا خِلافَةَ بعْدَ حِمارِ بَنِي أُمَيَّة حَتَى يَخْرُجَ الْـمَهدِي

(كتاب الفتن ج ١ / ص ١٠٤ و ٢٥١).

## باب هجدهم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود دربارهٔ ظهور مهدی (عج) سخن گفته است

۲۰. قیس بن جابر صیدانی از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: بعد از من جانشینانی خواهد بود و بعد از آنها حاکمانی خواهند آمد و بعد پادشاهانی می‌آیند و پس از آنها فرمانروایانی ستمگر و خود خواهانی می‌آیند آنگاه مردی از اهل بیت من خواهد آمد که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و بعد از آن حضرت، مردی از قحطان و یمن ظهور خواهد کرد سوگند به آن خدایی که مرا به حق فرستاده که کسی غیر از او نیست.

## باب نوزدهم

### آنچه نعیم بن حماد در کتاب فتن خود گفته به اینکه خلافتی برای بنی امیه نخواهد بود تا مهدی ظهور کند.

۲۱. صباح می‌گوید: بعد از خلافت حمار بنی امیه (مروان) خلافتی نیست تا اینکه مهدی خروج کند.

توضیح: *مراد از حمار در اینجا الاغ نیست بلکه به معنی قرن است یعنی پس از گذشت یک قرن از خلافت بنی امیه (مروان) دیگر برای آنها حکومتی نخواهد بود تا آنکه فرزندم مهدی ظهور کند چون مروان تنها خلیفه اموی است که زیاد عمر کرده است.* (سفینة‌البحار قمی - کلمه مروان)

## الباب ۲۰

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمِ بْنِ حَمَّاد عَنْ مُنَادِي السَّماءِ.

**۲۲.** قَالَ: حَدَّثَنا الْوَلِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ جَرّاح عَنْ أرْطأة، قَالَ:

أَمِيرِ العُصَب (العُصَب جمع عصبه بمعنى العصابه) لَيْسَ مِنْ ذِي وَلا ذه وَلكِنَّهُم يَسْمَعُونَ صَوْتاً مَا قَالَهُ إِنْسُ وَلَا جَان: بايِعُوا فُلاناً بِاسْمِهِ لَيسَ مِنْ ذِي وِلا ذه وَلكِنّهُ خَلِيفَةُ يَمَاني، قَالِ الوَلِيد: وَفِي عِلْم كَعْب أَنَّهُ يَمَانِي قُرَشي، وَهُو أمِيرُ الْعُصَب، والعُصب: أَهْلُ الْيَمَن وَمَنْ تَبَعَهُم من سَائر الَّذِين أَخرجُوا مِن بَيت المُقدّس (كتاب الفتن ج ١ / ص ١٢١).

## الباب ۲۱

فِيماذَكَرَهُ نَعِيمِ بْنِ حَمَّاد مِنْ تَعرِيف مَوْلانا عَلِيعليه السلام لِمَا يَجْرِي حَالُهُ مَعَ مُعاوِيَة.

**۲۳.** فَقَال: حَدَّثَنَا اِبْنُ وَهَب عَنْ حَرْمَلَةِ بْنِ عمْران عَنْ سَعِيد بْنِ سَالِمِ [عَنْ أَبِي سَالِمِ] الْجَيْشَانِي، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيّاً بالْكُوفة يَقُول:

«إِنِّي أُقَاتِلُ عَلَى حَقّ لِيَقُومَ وَلَنْ يَقُومَ وَالأَمْرَ لَهُم» قَالَ: فَقُلْتُ لِأَصْحَابِي: مَا الْمَقَام هَا هُنا وَقَدْ أَخْبَرَنا أَنّ الأَمْرَ لَيسَ لَهُم، فَاسْتَأْذَنّاهُ إِلى مِصْر، فَأَذِنَ لِمَنْ شَاءَ مِنّا، وَأَعْطَى كُلَّ رَجُلِ مِنّا أَلَفَ دِرْهَم، وَأَقَامَ مَعَهُ طَائِفَة مِنّا (كتاب الفتن ج ١ / ص ١٢٧ حديث ٣٠٤).

Scanned by CamScanner

## باب بیستم

### آنچه که نعیم در کتاب فتن خود از منادی آسمان سخن می‌گوید

**۲۲.** ارطاة می‌گوید: امیرالعُصَب از مرد است نه از زن ولکن آنها صدایی می‌شنوند که آنرا نه انس گفته و نه جن، آنها می‌گویند با فلانی بیعت کنند در حالی که او از امیرالعُصَب نیست ولکن خلیفهٔ یمانی است. ولید می‌گوید: کعب می‌داند که یمانی قرشی است و او امیر العُصَب است و آن کسی که تابع آنها می‌شود و او از کسانی است که از بیت المقدس خروج می‌کنند.

## باب بیست و یکم

### آنچه که نعیم بن حماد پیرامون جریان برخورد علی(علیه السلام) با معاویه بیان می‌کند

**۲۳.** أبی سالم جیشانی می‌گوید در کوفه از امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: من برای حق می‌جنگم تا پا برجا بماند و هرگز اقامه نخواهد شد و امر (خلافت) با آنهاست به یاران خود گفتم: اینجا جای ماندن نیست و حال آنکه این (علی(علیه السلام)) خبر می‌دهد که امر (خلافت) با اینها (علی(علیه السلام)) نیست، ما از آن حضرت اجازه خواستیم که به مصر برویم و آن حضرت هم به هر یک از ما که می‌خواست اجازه داد و به هر کدام از ما هزار درهم عطا کرد و طایفه‌ای از ما با او روانه کرد.

## الباب ۲۲

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمُ بْنُ حَمَّاد أَيْضاً مِنْ تَعرِيف
مَوْلانا عَلِي عليه السلام لَهُم بِوِلايَةِ مُعَاوِيَة.

۲۴. قَالَ: حَدَّثَنا هُشَيْم عَنِ الْعَوَّام بْنِ حُوشَب عَنْ أَبِي صَادِقٍ عَنْ عَلِي، قَالَ: «إِنَّ مُعاوِيَة سَيَظْهَر عَلَيكُم» قَالُوا فَلِمَ نُقَاتِلُ إِذاً؟ قَالَ: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بِرٍّ أَو فَاجِرٍ» (كنز العمّال ج ۵ / ص ۷۷۹ / حديث ۱۴۳۶۶).

## الباب ۲۳

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم بْنِ حَمَّاد أَنَّ بَنِي أُمَيَّةَ يُفْتَتَحُونَ بِمِيم
وَيُخْتَمُونَ بِمِيم.

۲۵. قَالَ: حَدَّثَنا عَبدالله بْن مَرْوانَ عَنْ أَرطَأةِ بْن الْمُنذَر، قَالَ: حَدَّثَنِي تَبِيعُ ابْنُ اِمْرأةِ كَعبٍ عَنْ كَعْبٍ، قَال: مُلْكُ بَنِي أُمَيَّةَ مِائَةَ عَام، لِبَنِي مَرْوَان مِن ذَلِكَ نَيِّف وَسِتُّونَ عَاماً لَا يَذْهَبُ مُلْكُهُم حَتَى يَنزَعُوه بِأَيدِيهِم ثُمَّ يُرِيْدُونَ سَدَّه فَلَا يَسْتَطِيعُونَه كُلَّمَا سَدُّوهُ حَتَى مِنْ نَاحيةٍ اِنْهَدَمَ مِنْ نَاحِيةٍ، يُفتَحونَ بِمِيم (و هو معاويه) وَيُخْتَمُونَ بِمِيم، (و هو مروان بن محمد) وَلا يَذهبُ مُلْكُهُم حَتَى يَخْلَعَ خَلِيفَةَ مِنْهُم فَيُقتَلَ و يُقْتَلُ جِملاه، وَ يُقْتَلُ حِمارُ الْجَزِيرة (لجرئته فى الحروب) الأصهب مَرْوانَ ثُم يَنْقَطعُ مُلْكُهُم وَعلى يَدَيه هَدم الأكليلِ (كتاب الفتن ج ۱ / ص ۱۹۴ و ۵۲۵).

## باب بیست و دوم

### آنچه که نعیم بن حماد پیرامون سخنان علی(علیه‌السلام) درباره حکومت معاویه بیان می‌کند

**۲۴.** أبی صادق از حضرت امیرالمؤمنین روایت کرده که فرمود: معاویه به همین زودی بر شما مسلط خواهد شد، گفتند پس برای چه مـی‌جنگیم؟ فرمود: «مردم ناچارند که امیری داشته باشند چه خوب باشد و چه بد.»

**توضیح:** *شاید توجه به حکومت معاویه برای این باشد که او اولین پایه‌گذار حکومت اموی است).*

## باب بیست و سوم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود دارد از اینکه آغاز حکومت بنی امیه به میم و پایان کارشان هم به میم خواهد بود

**۲۵.** کعب می‌گوید: خلافت بنی امیه صد سال است که شصت سال و اندی از آن مربوط به بنی مروان است خلافت بنی امیه از بین نـمی‌رود تـا اینکه خودشان آن را ریشه‌کن کنند و برای استواری آن موفق نخواهند شد زیرا از هر طرف که آن را محکم و استوار کنند از طرف دیگر ویران خواهد شد خلافت بنی امیه به میم آغاز شده و به میم هم ختم خواهد شد. *(چون اولین خلیفه بنی امیه معاویه و آخرین آنها هم مروان بوده است)* خلافت بنی امیه از بین نمی‌رود تا اینکه آخرین نفر آنها به همراه اطرافیانش کشـته شـوند و مروان نیز کشته شود و بعد از آن خلافت آنها از بین می‌رود و تاج خلافت به دست مروان نابود می‌شود.

Scanned by CamScanner

# الباب ٢٤

فِيما نَذْكُرُه مِنْ حَال عَبداللهِ بْنِ سَلام وَكَعبِ الأَحْبَار:
أَنَّهُما مِنْ خَوَاصّ مَوْلانَا عَلي عليه السلام.

اعْلَم أَنّي وَجَدْتُ مَنْ أَدْرَكْتَه مِنَ الْـمَنسُوبين إلى الْعَلْم مِنْ شِيعَة أَهل الْبَيتِ عَلَيْهِمُ السَّلام يَعْتَقِدُونَ أَنّ عَبدَاللهِ بْن سَلامَ وَكَعبَ الأَحبَار مِنَ الْمخَالِفِينَ لأَهل بَيْتِ النُّبُوّة، وَرُبّما تَوَقَّفُوا عَنْ أَخْبارِهمَا لأَجـلِ هَـذَا الاِعْتِقَاد، فَرَأَيْتُ أَنّي أَذْكَرَ فِي هَذَا الْكِتاب بَعْضَ مَا عَرَفْتُه فِي تَحقِيق هَذَا الْبَاب، وَأَنّ عَبْدَاللهِ بْنِ سَلام وَكَعْبَ الأَحْبَارِ كَانَا مِنْ خَواصّ مَوْلانا عَلي عَلَيهِ أَفْضَلُ السَّلام.

وَلَعّل بَعضَ مَا يَذْكُرُونَه عَنْهُما مِنَ الْـمَلاحِمِ الّتِي يَحْتَمِلُ أَنَّها عَنْ مَولانا عَلي عليه السلام وَلَمْ يَسْنِدُوهَا إِلَيه تَقيّةً وَيَكُونُ عَنْهَ صَلَواتُ الله عَلَيه.

فَمِن ذَلك مَا رَأَيتُ فِي المُجَلَّدة الأُولى مِنْ كِتابِ «أنباء النُحاة» تَأْلِيف عَلِي بْنِ يُوسُف الشَّيبَانِي إجمَاع من أشَارَ إِلَـيه أَنَّ مَـوْلانَا عَـلِياً عليه السلام هُـو الْـمُبتَدِئ بِعلْمِ النَّحوَ وَشَرَحَ ذَلك.

ثم ذَكَر عَبدُالله بن سَلام، فَقَال: لمّا وُلِيَّ عَلي الْخَلافة بَعدَ عُثْمان أَرَاد الاِنْحِدار إلى الْعراقَ، قَالَ لَهُ عَبْدُاللهِ بْنِ سَلام: أَقم عِـنْدَ مَـنْبَرَ رَسُـول الله(ص)، وَلا أَرَاه يَحْرُزك، وَلا تَنْحَدِرُ إلى الْعِراق، فَإنّك إنْ انْحَدَرْتَ لَمْ تَرْجَع، فَهمَّ بِهِ ناسُ مِنْ أَصحابِ عَلِي، قال: «دَعوه إِنَّه مِنّا أهل البَيتَ» فَانْحَدَر إلى الْعراق، فَكَانَ مِن أَمرِه مَاكَانَ. فَلَمّا قُتل قال عبدالله بن سَلام: هذِه رَأْس الأَرْبَعينَ، وَسَيكونَ صُلْح، وَمَا قَتَلَتْ أمّة نَبيّها إلاّ قَتَل اللهُ مِنْهُم سَبْعِينَ أَلْفاً، وَلاَ قَتَلُوا خليفةً ـ أوْقالَ: خَلِيفَتَهم ـ إلاّ قَتَل اللهُ بِهِ مِنهُم خَمْساً وثَلاثِينَ أَلفاً (إنباه الرواة على أنباه النحاة ج ١/ص ٣٩ـ٤٦ و٤٧).

Scanned by CamScanner

# باب بیست و چهارم

## بیان نعیم بن حماد دربارهٔ کعب الاحبار و عبدالله بن سلام به اینکه هر دو از یاران نزدیک حضرت علی﴿علیه السلام﴾ بودند

من با هر یک از علماء شیعهٔ اهل بیت﴿علیهم السلام﴾ تماس گرفتم فهمیدم معتقدند که عبدالله بن سلام و کعب الاحبار از مخالفین اهل بیت بوده‌اند و چه بسا که بخاطر همین اعتقاد از (استدلال به) اخبار و روایاتی که از این دونفر نقل شده خودداری می‌نمایند پس من لازم دانستم آنچه راکه در این باره تحقیق کرده‌ام در این کتاب بیاورم.

عبدالله بن سلام و کعب الاحبار از یاران خاص مولای ما علی﴿علیه السلام﴾ بوده‌اند و شاید آن روایاتی که از این دو نفر دربارهٔ ملاحم وقتی نقل شده و به طور احتمال می‌گویند که آن روایات از مولای ما علی﴿علیه السلام﴾ است و شاید علت آنکه سند آنها به حضرت منتهی نمی‌شود از باب تقیه باشد و آن روایات از آن حضرت باشند.

یکی (از دلیلهائی که این دو نفر از خواص آن حضرت بوده‌اند) این است که در جلد اول کتاب (ابناء النحاة) تألیف یوسف شیبانی دیدم که مولای ما علی﴿علیه السلام﴾ اول کسی است که علم نحو و شرح آنرا بنیانگذاری کرد، بعد از آن می‌گوید: وقتی که علی ﴿علیه السلام﴾ بعد از عثمان متولی خلافت شد و ارادهٔ حرکت به سوی عراق کرد عبدالله بن سلام به آن حضرت عرض کرد: نزد منبر رسول خدا﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ باش (درمدینه بمان) هر چند که نمی‌بینم حافظ تو باشند و بطرف عراق مرو که اگر بروی باز نخواهی گشت، عده‌ای از یاران علی﴿علیه السلام﴾ به او حمله کردند، امیرالمؤمنین﴿علیه السلام﴾ فرمود: او را واگذارید که او از ما اهل بیت است، پس علی﴿علیه السلام﴾ به سوی عراق رفت و کار او آنطور شد که عبدالله پیش‌بینی کرده بود پس از شهادت حضرت، عبدالله بن سلام گفت: این اول چله است و به زودی بعد از این صلح خواهد شد، هیچ امتی پیامبر خود را نمی‌کشد مگر اینکه خدا هفتاد هزار از آنها را بکشد و خلیفهٔ او را نمی‌کشد مگر اینکه خدا به جهت آن، سی و پنج هزار نفر از آنها را بکشد.

Scanned by CamScanner

أَقُول: وهَذَا يَقْتَضِي أَنَّ إِعْتقادَ عَبدِاللهِ بْن سَلَام أَنَّ الْخَلِيفةَ عِندَهُ بَعدَ النَّبِيِّ صَلَواتُ الله عَلَيه وآلِه مَولانا عَلِي عليه السلام ؛ لِأَنَّه ذكَر هَذا الْحَدِيث فِي قَتْل الْخَلِيفة عِندَ قَتْلِ عَلِي عليه السلام وَلَمْ يَتمكّن هَذا الحِبْر [من] ذكَرَه لِقَتْلَ أَبِي بَكْرِ بِالْسَمّ وَلَا قَتْلَ عُمرَ وَلَا عُثْمان.

Scanned by CamScanner

مؤلف گوید: قول عبدالله بن سلام، اقتضاء می‌کند که او بر این عقیده است که بعد از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) مولا و خلیفه ما علی است، زیرا که او حدیث قتل خلیفه را موقع قتل علی(علیه السلام) ذکر کرده و بهنگام قتل ابوبکر با سم و قتل عمر و عثمان از آن نام نبرده است

Scanned by CamScanner

## فصل

وَأَمّا أَنّ كَعْبَ الأَحْبار كَانَ مِنْ خَوَاصِّ مَوْلانَا عَلِيعليه السلام فَإِنِّي وَجَدْتُ ذَلِك فِي مُجَلَّدٍ عَتِيق اِسمُهُ مَناقِبُ الإِمام الْهَاشِمي أَبِي الْحَسَن عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبعليه السلام رَوايَة أَبِي عُمرِ مُحَمّدِ بنِ عَبدُالْواحِد الْلُغَوِي صَاحَبُ ثَعْلَبَ، وَربَّمَا كَانَتْ الْنُسْخَة فِي حَياةِ أَبِي عُمر الزَّاهِد الراوِي لَهَا، فَقَال ما هَذا لَفظُهُ: وَمِنْه عَبدُ خَيّر، قَالَ: أَخبرنِي كَعبُ، قَالَ:

كُنْتُ عِندَ عَلِي صَلَواتُ الله عَلَيه ذَاتَ يَوم، فَقَامَ زَائِراً لِعُمر رَحمَه اللهُ، قَالَ: وَ كُنتُ بَعدُمَا أَسلَمْتُ، قَالَ: فَقَال لِي عَلِي: «أَسلِم تُسْلَم» قَالَ: فَأَسْلَمْتُ، قَالَ فَرَفعَ عُمرِ الدرّة عَليَّ، قَالَ: فَقَال لَهُ عَلِيعليه السلام: «ما تُريدُ مِنه أَلَيس قَد أَسْلَم؟» قَالَ: فَقَال لَهُ عُمر: وأَنْتَ يَا سَيدِي عَليَّ مَعَه؟! قَالَ: فَقَالَ: «مَا فَعَل حَتى تَعْلُوه بالدرّة؟» قال: نعم هَذا رَأيَ الْـمُصْطَفى (ص)، وَلَو كَانَ مُوسى فِي أيّامِ مُحمَّد(ص)، لَمَا وَسَعَهُ أَن يَتَخَلّفَ عَنهَ حَتى يُعينُهُ عَلَى الْكُفّارَ، وَمن جَحَد التَوحِيد ثُمَ أَدْرَكَ بَعدَ النَّبِيّ(ص) خَلِيفَةَ رَسُولِ اللهِ فَمَا أَسْلَمَ عَلى يَدِه، ثُمَ أَسلَمَ عَلَى يَدِي أَنا، قَالَ: فَقَال: صَدَقْتَ ... عَلَى كَعب، فَقَالَ: قَد قَطَعَكَ، فَقَال كَعْبُ، إِنّمَا تَربَّصَتْ حَتى أَتَبَيَّنُ ... التَوراة، قَالَ: قَرأْتَ فِي التَوراة ... ذِكرَ مُحَمّدَ(ص) و ذِكْرَ مَنْ مَعَه ... فَقَالَ: نَعم قَرَأْتُ فِي التَوراة أُمّةَ مُحمَّد(ص) ... يَكُونونَ صُفوفاً فِي الحُرُوبَ وَصفُوفاً فِي الصَلاة، يَذكُرونَ الْجَبّار عَزّ وَجلّ فِي كُلِّ وَقتِ، وَرَأَيْتُ فِي التَّوراة ـ وإلاّ فَعَمِيتا، يَعني عينيه ـ سَطراً مَكْتُوباً مُحمّد ميد، وَبعدَه علُواناً علواناً، وَبعدَه فَطم فطم، وبعده شبّر شَبّر، وبعدهُ شبِيراً شبِيراً، فَأَسْلَمْتُ.

## فصل

اما کعب الاحبار نیز از خواص مولای ما علی(ع) بود، زیرا که من در کتابی قدیمی به نام (مناقب الامام الهاشمی ابی الحسن علی بن ابیطالب) روایت از محمد بن عبدالواحد لغوی دیدم که گفت: کعب به من خبر داد که روزی در خدمت علی(ع) بودم، شخصی به زیارت عمر بلند شد، کعب گوید: پس از آنکه من اسلام آورده بودم علی(ع) به من فرمود: اسلام اختیار کن تا در امان باشی! من اسلام آوردم که ناگاه عمر تازیانه‌اش را برای من بلند کرد، علی(ع) به عمر فرمود: از او چه می‌خواهی مگر اسلام نیاورده؟ عمر به علی(ع) گفت: ای سید من تو با او بودی (که او را عفو کردم) امیرالمؤمنین فرمود: گناه او چه بود که تازیانه برای او بلند کردی؟ عمر گفت: بلی این شخص، رسول خدا(ص) را دیده است (و اسلام اختیار نکرده) و اگر حضرت موسی هم در زمان حضرت محمد می‌بود نمی‌توانست از (دین) آن حضرت تخلف نماید تا اینکه معین او باشد و علیه کفار اقدام نماید و کسی که منکر توحید شود و بعد از رسول خدا(ص) خلیفه او درک کند و به دست او اسلام نیاورد، پس به دست من اسلام می‌آورد؟ فرمود: راست گفتی پس آن حضرت به کعب توجهی کرده فرمود: عمر برایت دلیل دندان‌شکنی اقامه کرد.

کعب در جواب گفت: من صبر کردم تا تورات را بررسی کنم تا ببینم در آن راجع به حضرت محمد(ص) چیزی هست؟ عمر گفت: آیا تو در تورات خوانده‌ای که از حضرت محمد(ص) و آنهائی که با او هستند ذکری شده باشد؟ گفت: آری در تورات خوانده‌ام که صفهایی از امت محمد(ص) مشغول جنگند و صفهایی هم در نمازند، در همهٔ اوقات ذکر خدای جبار را می‌گویند. و در تورات دیدم که این سطر نوشته شده بود که محمد می‌آید و بعد از او علی و سپس فاطمه و آنگاه حسن و حسین از این رو من اسلام اختیار کردم وگرنه کور باشد آن چشمی که آن را ندیده باشد.

Scanned by CamScanner

## الباب ۲۵

فِيما ذكره نعيم بنِ حمّاد فِي كِتاب الفتن
مِن أنَّ هَلاكَ عَامّة أُمّة عَلَى يَد بَني أُميّة.

**۲۶.** قالَ: حَدّثنا عَبدُالله بنِ مَروان الْـمَرْواني عَنْ أبي بَكرِ بنِ أبِي مَريم عَنْ رَاشدِ بنِ سَعْد أنَّ مَرْوانَ بْنَ الْحِكَم

**لمّا وُلِدَ رُفِعَ إلى رَسُولِ الله (ص) لِيَدعُو لَهُ فَأَبى أَنْ يَفعَل، ثمّ قَـال: «اِبنُ الزَّرْقَاء - هَلاكُ عَامّة أُمّتي عَلَى يَدْيه وَيَدي ذُرِيّته»**

(كتاب الفتن ج ۱ / ص ۱۲۹ حديث ۳۱۰).

## الباب ۲۶

فِيما ذكَرهُ نعِيم بنِ حمَّاد فى كتاب الفتن مِن لَعْنِ النّبِيّ ﷺ
لَبَني أُميّة.

**۲۷.** قَالَ: [حَدَّثَنَا] أبُوا الْـمُغيرة عَن اِبنُ عَيّاش عَنْ عُبَيدِالله بنِ عَبيدِ الْكَلاعِي، حَدَّثَني، بَعْضُ أشْياخِنَا أنَّ رَسُول الله (ص) لَمَّا نَظَر إلَيه لِيَدْعُو لَه، قَالَ:

**«لَعَن اللهُ هَذَا وَما فِي صُلْبه ﴿إلاّ الّذينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّـالِحات وَقَليلٌ مَا هُم﴾»** (كتاب الفتن ج ۱ / ص ۱۲۹ حديث ۳۱۱).

**۲۸.** وَقالَ نَعيم: حَدَّثنا عَبدالرزّاق عَن أَبيه عَن ميناء مَولى عَبدالرَّحمن بْنِ عوف، قَالَ: كَان لا يُولَد لأحَد مُولُود إلاّ أُتِي بِه النَّبِيّ (ص)، فدعا لَه، فأُدخل عَلَيه مَروان بنِ الحكم، فَقَال:

**«هو الوزغُ ابْنِ الوزغ، الْـمَلعُونُ بْن الْـمَلْعون»**

(كتاب الفتن ج ۱ / ص ۱۳۱ حديث ۳۱۷).

Scanned by CamScanner

## باب بیست و پنجم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود پیرامون هلاکت عموم امت بدست بنی امیه آورده است.

**۲۶.** ابوبکر بن ابی مریم از راشد بن سعد می‌گوید: وقتی که مروان حکم متولد شد او را نزد رسول خدا آوردند که در حق او دعاء کند حضرت از دعا کردن خودداری کرد و فرمود: مرگ امت من بدست همین ابـن زرقـا (کبود چشم) و فرزندان او خواهد بود.

## باب بیست و ششم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب خود از لعن پیامبر دربارهٔ بـنی امـیه آورده است

**۲۷.** ابومغیره عبیداله بن عبید از بزرگان خود نقل کرده است که روزی پیامبر به چهره مروان نگریست تا برایش دعا بخواند ناگهان فرمود: خدا او و فرزندانش را لعنت کند مگر آنهائیکه اهل ایمان و عمل صالح‌انـد. و آنـان افراد کمی هستند.

**۲۸.** نعیم گفت: عبدالرزاق از پدرش و او از میناء نقل می‌کند که هیچ نوزادی متولد نمی‌شد جز اینکه او را برای دعا خدمت رسول خدا می‌بردند تا آنکه مروان حکم را نزد آنحضرت آوردند حضرت نگاهی به او کرد و فرمود:

او وزغ بن وزع و ملعون پسر ملعون است.

Scanned by CamScanner

# الباب ٢٧

## فِيما ذكَرهُ نَعِيم بن حَمَّاد
## مِنْ شَهادة النَّبيّ (ﷺ) بِعَداوَةَ بَنِي أُميّة لِأَهلِ بَيْتِه.

**٢٩.** قالَ: حَدَّثنَا الْوَليدُ بْنُ مُسْلِم عَنْ أَبِي رَافِع إسماَعِيل بْنِ رَافِع، قَالَ: أَبو سَعِيد الخُدرِي: قَالَ رَسُول الله (ص):

**«إنّ أهلَ بَيتِي سَيلقَون مِنْ بَعدِي مِن أُمّتِي قَتلاً (و تشريداً) وإِنَّ أَشَدَّ قَومٍ لَنَا عَداوةً بَنو أُميّة وَبَنُو الْـمُغَيرةَ وَبنُو مَخْزومَ»**

(كنز العمال ج ١١ / ص ١٦٩ / حديث ٣١٠٧٤).

**وَذَكرَ نَعِيم أَحَادِيث عَظِيمة فِي ذَمِ بَنِي أُميَّة بَعضُها جُملةً وبَعْضُهَا بِأَسمائِهم**

(كتاب الفتن ج ٢ / ص ١٢٩ ـ ١٣٣ حديث ٣١٠ و ٣٢٨).

# الباب ٢٨

## فِيمَا نَذكُره مِنَ الأحادِيثَ الّتِي رَوَاها
## نَعِيم بنِ حَمَّاد فِي زَوَالِ مُلْكِ بَنِي أُميّة.

**٣٠.** قَالَ: حَدَّثنَا اِبنُ وَهَب عَن حَرْمَلةِ بْنِ عِمْران عَنْ سَعِيدِ بنِ سَالِم عَنْ أَبِي سَالِم الجَيشَاني أَنَّهُ سَمِعَ عَلياً يَقُول:

**«اَلأَمر لَهُم حَتى يَقْتُلو قتَلَهُم وَيَتَنافَسُوا بيْنَهم، فَإِذا كَانَ ذَلِك، بَعَث اللهُ عَلَيهِم أَقْواماً منَ الْـمَشرِق فَقتَلوهُم بَدَداً** (واحداً بعد واحد) **وأَحصُوهم عَدَداً، واللهُ لايَملِكُونَ سَنَةً إلاّ مَلَكْنا سَنتَين، وَلا يَمْلِكُونَ سَنَتين إِلَّا مَلَكنا أَرْبَعاً»**

(كنزالعمال / ج ١١ / ص ٣٦٤ / حديث ٣١٧٥٦).

Scanned by CamScanner

## باب بیست و هفتم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود پیرامون شهادت پیامبر در دشمنی بنی امیه با اهل بیت او آورده است

**۲۹.** ابوسعید خدری از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: پس از من اهل بیتم به سبب ظلم و ستم و امت، گرفتار قتل و تفرقه خواهند شد و شدیدترین دشمنان ما بنی امیه و بین مغیره و بنی مخزوم خواهند بود.

و ابونعیم احادیث زیادی در مذمت بنی امیه نقل کرده که بعضی شامل همه آنهاست و بعضی از آنها با نام از ایشان یاد کرده‌اند.

## باب بیست و هشتم

### آنچه که نعیم بن حماد پیرامون زوال حکومت بنی امیه آورده است

**۳۰.** ابوسلام جیشانی می‌گوید از علی(علیه السلام) شنیدم می‌فرمود: کار خلافت برای آنها (یعنی بنی امیه) تا زمانی که کشندهٔ خود را بکشند و همچون مسابقه گزاران در پی قتل یکدیگرند در چنین شرایطی خداوند گروهی را (یعنی ابومسلم خراسانی را) از طرف مشرق می‌فرستد تا آنها را یکی یکی بکشد و به خدا سوگند که آنها یک سال خلافت نخواهند کرد جز اینکه ما دو سال خلافت خواهیم کرد و آنها دو سال خلافت نمی‌کنند جز اینکه ما چهار سال خلافت خواهیم کرد.

Scanned by CamScanner

**٣١.** وَ قالَ: حَدَّثنا عَبدُالرزَّاق عَنْ مَعمَر عَنْ أَيُّوب عَن اِبن سِيرين عَنْ عُـبَيدة، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيّاً يَقُول:

«لا يَزالُ هَؤلآء آخِذِينَ بِثَبَج (الوسط) هَذا الأَمر مَالَمْ يَخْتَلِفُوا بَيْنَهُم، فَإذا اخْتَلَفُوا خَرَجَتْ مِنْهُم فَلَم تَعُدْ إلَيهم إلى يَومِ القِيَامة» يَعني بني أُميّة هَذا لفظِ الحَدِيث. (كنز العمّال ج ١١ / ص ٣٦٤ / ٣١٧٥٧).

**٣٢.** وَرَواهُ أيضاً بِإسنَاده عَنْ هِنْد بِنْتَ الْـمَهلَب أنَّ عَكْرَمة مَـولى ابـنُ عَـبَاس أَخبرَهَا ـ وَكَانَ يَدخُلُ عَلَيها كَثِيراً ويُحَدِّثُها ـ قَالَ: قَالَ اِبْنُ عَبَاس:

لَا يَزال هَذا الأَمر فِي بَنِي أُميَّة مَا لَمْ يَخْتَلَف بَينَهم رُمْحان، فَإذا اَخْتَلَف بَيْنَهم رُمْحان، خَرَجَتْ مِنهم إلى يَوم الْقِيامَة

(كنز العمّال ج ١٤ / ص ٨٧ / حديث ٣٨٠١٢).

## الباب ٢٩

فِيما ذَكَرُهُ نَعِيمِ بنِ حَمَّاد فِي كِتابِ الفِتَن فِي خرُوجِ بَنِي العَباس.

**٣٣.** قَال: حَدّثنا ضَمَرةِ بنِ رَبِيعَة عَن عَبدُ الواحِد عَنِ الزُّهرِي، قَالَ:

بَلَغنِي أَنَّ الرايات السُود تَخرُجُ مِن خِراسان، فَإذا هَبَطَتْ مِنْ عَقَبةِ خُراسَان هَبَطَتْ بِنَعْيِ الإِسْلام، فَلا تَرُدَّها إلاّ رَايَات الأَعاجِم مِنْ أَهـل المَغْرِب. (كنز العمّال ج ١١ / ص ٢٦١ /حديث ٣١٤٦١)

أَقُول أَنَا: وَذَكَر أَبو نَعِيمِ الْحافِظ فِي الُجَلَّدِ الْخَامِسِ مِن كِتَابِ حِليةُ الأَولِياء فِي تَرجُمَةِ مَكْحُول بِإسنادِه عَنْ سَعِيد بنِ المُسَيّب:

Scanned by CamScanner

**۳۱.** عبیده می‌گوید: از علی(علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود؟ بنی امیه تا زمانی که بین آنها اختلافی به وجود نیاید خلافت می‌کنند و زمانی که بین آنها اختلافی به وجود آمد خلافت و حکومت از دست می‌دهند و تا ابد به آنها باز نخواهد گشت.

**۳۲.** هند دختر مِهْلَب از ابن عباس روایت کرده که گفت: همیشه خلافت با بنی امیه خواهد بود و تا زمانی که بین آنها اختلافی به وجود نیاید حکومت تا قیامت از آن ایشان خواهد بود و وقتی که بین آنها اختلافی بوجود آید خلافت از دست آنها خارج خواهد شد.

## باب بیست و نهم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود پیرامون خروج بنی العباس آورده است

**۳۳.** زهری می‌گوید: به من خبر رسیده که بیرقهای سیاهی از طرف خراسان برافراشته خواهد شد، وقتی که آن بیرقها از گردنهٔ خراسان سرازیر شدند خبر مرگ اسلام را آورده‌اند و آن بیرقها را بر نمی‌گردانند مگر بیرقهای عجم‌هایی که از اهل مغرب باشند.

من می‌گویم: که حافظ ابونعیم در جلد پنجم کتاب حلیة الاولیاء چنین حدیثی را از سعید بن مسیب نقل کرده است که متن آن این است:

Scanned by CamScanner

**٣٤.** قَالَ: لمَّا فُتِحت أَدَانِي خُراسان بكى عُمرُ بنُ الْخَطاب، فَدَخَل عَلَيه عَبدُ الرَّحمنِ بْنِ عَوف، فَقَالَ:

مَا يَبكِيكَ يَا أَمِير الْـمُؤمِنين؟! وَقَد فَتَح عَلَيكَ هَذا الفَتح، فَـقَال: وَمَالِي لَا أَبكِي لَوَدَدْتُ أَنَّ بَيْنَنا وَبَينَهُم بَحْراً مِـن نَـار، سَمِـعْتُ رَسُـولَ الله(ص) يَقُول: «إِذَا أَقْبَلَتْ رَايَاتُ وَلَد العَباس من عَقَبات خُـرَاسـان جَاؤوا بِنَعْيِ الْإِسلام، فَمَن سَـارَ تَحْتَ لِـوَائِـهِم لَمْ تَـنَلهُ شَـفَاعتِي يَـوْمَ الْقِيامَة» (كنزالعمّال ج ١١ / ص ٢٦٩ / حديث ٣١٤٨٦).

## الباب ٣٠

فِيما نَذكُرُه مِن عَدَدِ الخُلَفَاءِ بَعدَ رَسُولِ الله ﴿ﷺ﴾.

فَقَال نَعِيم بنُ حَمّاد فِي كِتابِ الفِتَن مَا هَذَا لَفظُه:

بَابُ عِدَّةِ مَا يُذْكَرُ مِنَ الْخُلَفَاءِ بَعدَ رَسُولِ الله(ص) فِي هَذِه الأُمَّةَ.

**٣٥.** حَدَّثَنا عِيسى بنُ يُونس، حَدَّثَنا مُجَالِدِ بن سَعيد عَن الشُعَبِي عَنْ مَسروق عَنْ عَبدُالله بنِ مَسعُود، قَالَ: قَـال رَسُـولُ الله(ص): «يَكُـونُ بَعدِي مِنَ الخُلَفاءِ عِدَّةَ وَ نُقَباءِ مُوسى» (كنزالعمال، ج ١٢، ص ٣٣، حديث ٣٣٨٥٩).

**٣٦.** وَقَال نَعِيم فِي كِتَابِ الفِتَن أَيضاً: حَدَّثَنا أَبُو مُعَاوِية عَن دَاودِ بْنِ أَبِي هِند عَنِ الشُعَبِي عَنْ جَابِر بنِ سَمُرَة، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله(ص):

«لَا يَزالُ هَذَا الأَمرُ عَزيزاً إِلى اِثْنيَ عَشَر خَليفَة كُلُّهُم مِنْ قُرَيش»

(كتاب الفتن لابن حماد، ج ١/ ص ٩٥/ ٢٢٥).

Scanned by CamScanner

**۳۴.** سعید بن مسیب می‌گوید: وقتی که خراسان را فتح کردند عمر بن خطاب گریه کرد: عبدالرحمن بن عوف نزد عمر آمد و گفت:
یا امیرالمؤمنین چرا گریه می‌کنی در صورتی که چنین پیروزی نصیبت شده است؟ عمر گفت: چرا گریه نکنم و حال آنکه دوست داشتم بین ما و آنها دریای آتشی باشد، شنیدم از رسول خدا﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ که می‌فرمود: موقعیکه بیرقهای بنی عباس از گردنه‌های خراسان نمایان شود خبر مرگ اسلام را می‌آورند، پس آن اشخاصیکه زیر بیرق آنها بروند شفاعت من به آنها نخواهد رسید.

## باب سی‌ام

### آنچه که نعیم بن حماد درباره تعداد خلفای بعد از پیامبر آورده است

نعیم بن حماد در کتاب فتن خود سخنی دارد که این بیان اوست بابی که در آن از تعداد خلفای بعد از رسول خدا ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ در این امت بیان شده است.

**۳۵.** ابن مسعود از رسول خدا﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ روایت کرده که فرمود: عدهٔ خلفاء بعد از من به تعداد نقباء مولی هستند.

**۳۶.** نعیم در کتاب فتن خود از جابر بن سمرة از رسول خدا ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ چنین نقل کرده است که رسول خدا فرمود: پیوسته خلافت ادامه پیدا می‌کند تا آنکه دوازده نفر خلیفه حکومت کنند که همگی آنها از قریش‌اند.

Scanned by CamScanner

٣٧. وَقَالَ نَعِيم أَيْضاً: حَدَّثَنا يَحيى بنِ سَلِيم عَن عَبدُاللهِ بنِ عُثمانِ بن خُثَيم عَنْ أَبِي الطُفَيل، قَالَ: أَخَذَ عَبدُاللهِ بْنِ عَمْرو بِيَدِي، فَقَال:

**يَا عَامِرُ بْنُ وَاثِلةَ! اِثْنَا عَشَر خَلِيفةَ مِن كَعْبِ بـنِ لؤي، ثُم النَّـقْف والْنِقاف، (القتل والقتال) لَنْ يَجْتَـمِعَ أَمـرُ النَّـاس عَـلَى إمـامِ حَـتَى تَـقُومُ السَّاعَة**

(كنز العمّال ج ١١ / ص ٢٥٢ / حديث ٣١٤٢٠).

٣٨. وَقَال نَعِيم فِي كِتَابِ الفِتَن أَيْضاً: حَدَّثَنا اِبْنُ وَهَب عَنْ ابْنِ لَهِيعَة عَنْ مُحَمَّدِ بنِ زَيدِ بْنِ مُهاجر، قَالَ: أَخبَرَنِي طَلْحَةُ بنُ عبدُاللهِ بْنِ عَوفَ، قَالَ:

**سَمِعْتُ عَبْدَاللهِ بْنِ عُمر يَقُول وَنَحنُ عِندَه نَفَرُ مِن قُرَيش كُلُّنا مِنْ بَنِي كَعْب ابْنِ لؤي، فَقَالَ: سَيَكونَ مِنكُم يَا بَنِي كَعب اِثْنَا عَشَر خَلِيفَة**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٩٥ / ٢٢٧).

٣٩. وَقَالَ نَعِيم بنُ حَمّاد فِي كِتابِ الفِتَن: حَدَّثَنا الْوَلِيدِ بْنِ مُسلِم عَنْ عَبدُ المَلِك ابْنِ أَبِي غُنَيَّة، حَدَّثَنا المِنْهَال عَنْ سَعِيدِ بْن جُبَير عَنْ ابْنِ عَبَاس،

**أَنَّهُم ذَكَرُوا عِنْدَه اِثْنَى عَشَر خَلِيفَة ثُم الأَمير، فَقَال اِبنُ عَبَاس: واللهُ إنّ مِنّا بَعدَ ذَلِك السَّفّاح وَالـمَنصور وَالْـمَهدِي يَدْفَعُها إلى عِيسَى بـنِ مَريم**

(كنز العمّال ج ١١ / ص ٢٤٦ / حديث ٣١٣٩٨).

٤٠. وَقَال نَعِيمُ بنُ حَمّاد: حَدَّثَنا عَبْدُ الصَّمَدِ بن عَبدُ الْوَارِث عَن حَمّادِ ابْنِ سَلَمَة عَن يَعْلى بنِ عَطاء عَنْ بُجَير بْنِ أَبِي عُبَيدَة عَنْ سَرْجِ اليَرْمُوكي، قَالَ:

**أَجِدُ فِي التَوراة أَنَّ لِهَذِه الأُمَّة اِثْنَيَ عَشَر رَبِّياً (ملكا) أَحَدُهُم نَـبِيُّهم، فَإذا وَفَتِ العِدَّة طَغَو وَبَغَوا، وَوَقَعَ بَأْسُهُم بَيْنَهُم**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٩٦ و ٢٣٠).

Scanned by CamScanner

۳۷. ابوطفیل گوید: عبداللّه بن عمرو دست مرا گرفت و گفت: ای عامر بن واثله دوازده خلیفه از نسل کعب بن لوی به وجود خواهد آمد آنگاه بین آنها جنگ و خونریزی ادامه خواهد داشت و هرگز حکومت پایداری بین مردم تا قیامت انجام نخواهد گرفت.

۳۸. محمّد بن زید بن مهاجر نقل می‌کند که طلحة بن عبدالله بن عوف برایم چنین گفت: من و چند نفر از قریش از بنی کعب بن لوی نزد عبداللّه بن عمر بودیم، پس عبداللّه ابن عمر گفت: ای بنی کعب به زودی از شما دوازده خلیفه به وجود خواهد آمد.

۳۹. ابن عباس به گروهی که نزد او بودند و سخن از خلفاء دوازده گانه و امیر آنها میراندند ـ گفت: به خدا سوگند بعد از این، از ما سفاح و منصور و مهدی به وجود می‌آیند تا آنکه منتهی به ظهور عیسی بن مریم شود.

۴۰. سرج یرموکی می‌گوید:
من در تورات یافتم که برای امت دوازده نفر تربیت یافته‌اند که یکی از آنها نبی آنهاست، پس وقتی که آن عده از بین رفتند بقیه طغیان و ستم می‌کنند و خوف و ترس میان آنها حکومت خواهد کرد.

Scanned by CamScanner

٤١. وَقَالَ نَعِيم بنِ حَمّاد: حَدَّثَنا أَبُو الْـمُغيرة عَن اِبْنِ عَيَّاش، حَدَّثَنَا الثِقَات عَنْ مَشَايِخنَا

أَنَّ (نشوعاً سأل) كَعْب عَنْ عِدَّةِ مُلُوكِ هَذِهِ الأُمّة، فَقَالَ: أَجِـدُ فِي التَورَاة اِثْنيَ عَشَرَ رَبيّاً (كتاب الفتن لابن حماد ج ٢ / ص ٦٩٦ / حديث ١٩٧٥).

## الباب ٣١

فِيما ذكرهُ نَعِيمُ بنِ حَمّاد فِي كِتابِ الفِتن مِنْ ذمّ الرايَات السُود.

٤٢. قَالَ: حَدَّثَنا دَاودُ بنِ عَبدُ الْجَبّار الكُوفي عَنْ سَلَمَةِ بنِ مجْنُون، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا هُرَيرة يَقُول: كُنْتُ فِي بَيتِ ابْنِ عَبَاسِ، فَقَال:

اِغْلِقُوا الْبَاب، ثُمَّ قَال: هَا هُنَا مِنْ غَيرِنا أَحَدُ؟ قَالُوا: لَا، وَكُنْتُ فِي نَاحِيَةِ مِنْ القَوم، فَقَال ابنُ عَبّاس: إِذا رَأيتُمْ الرايات السُّود تَجِيءُ مِـنْ قِبَل الْـمَشرِقَ فَأَكْرِمُوا الفُرْس؛ فَإِنَّ دَوْلَتَنا فِيهِم.

قَالَ أَبُوا هُريرة: فَقُلْتُ لِابنِ عَبّاس: أَفَلا أُحَدِّثُكَ مَـا سَمِـعْتُ مِـنْ رَسُول الله(ص)؟ قَال: وَإِنّكَ لَهَا هُنا، قُلْتُ: نِعَم، قَالَ: حَدِّث، فَقُلْتُ: سَمَعْتُ رَسُولَ اللهِ(ص) يَقول: «إِذا خَرجَتِ الرَّايات السُـود فَـإِنّ أَوَّلَهَـا فِـتْنَة وَأَوْسَطَهَا ضَلَالَة وَأخِرَهَا كُفْر» (كنز العمّال ج ١٤ / ص ٨٩ / حديث ٣٨٠١٩).

Scanned by CamScanner

**۴۱.** ابن عیاش می‌گوید:
بزرگان ما نقل کرده‌اند که نشوعا (راهب و عالم مسیحی) از کعب از تعداد پادشاهان این امت و حاکمان آنها پرسید و او در پاسخ گفت: من در تورات دوازده نفر تربیت یافته را دیدم.

## باب سی و یکم
### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود از مذمت پرچمهای سیاه آورده است

**۴۲.** سلمة بن مجنون می‌گوید: از ابوهریره شنیدم که می‌گفت: در خانه ابن عباس بودم او دستور داد که دربها را ببندید آنگاه گفت:
آیا غیر از ما شخص دیگری است؟ گفتند: خیر. آنگاه گفت: وقتی پرچمهای سیاه را دیدید که از ناحیه مشرق برافراشته شده است مردم فارس (ایرانیان) را گرامی دارید زیرا دولت ما در میان آنهاست.
آنگاه ابوهریره گفت: پس آنچه را که از رسول خدا شنیدم به ابن عباس گفتم: آیا می‌خواهی برایت بازگو کنم؟
گفت: آیا تو هم بودی؟
گفتم: آری گفت: بگو، گفتم: از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمود: وقتی که بیرقهای سیاه خارج شوند اول آنها فتنه و نیمه آنها ضلالت و گمراهی و آخر آنها کفر خواهد بود.

Scanned by CamScanner

## الباب ۳۲

فِيما ذكَرهُ نَعِيم بْنِ حَمَّاد فِي كِتابِ الفِتَن مِن ذمّ بَنِي العَبّاس.

**٤٣.** قَالَ: حَدَّثنا عَبدُ الْخَالِق بنِ زَيدُ الدَمِشْقِيّ عَن أَبِيه عَنْ مَكْحُول، قَـالَ: قَـالَ رَسُولُ الله(ص):

«مَالِي وَلِبَني الْعَبّاس شَيَّعُوا أُمّتي، وَأَلْـبَسُوهُم ثِـيَابَ السَّـوداء، أَلبَسَهُم الله ثِيَابَ النّار» (كتاب الفتن لابن حماد، ج ۱، ص ۲۰۳ / ۵۵۲).

## الباب ۳۳

فِيما ذكَرهُ نَعِيم بن حَمّاد فِي كِتابِ الفِتن مِن ذمّ بَنِي العَبّاس.

**٤٤.** قَالَ: حَدَّثَنا عَبدُالله بنِ مَروَان عَن رَاشِد بنِ دَاوُد الصَنعَانِي عَن أَبِي أَسماء عَن ثَوبَان عَنِ النَّبِيّ(ص)، قَالَ:

«مَالِي وَلِبَني الْعَبّاس شَيَّعُوا أُمّتي، وَسفَكُوا دِمَـاءَهُم، وأَلْـبَسُوهُم ثِيابَ السَّواد، أَلبَسَهُمُ اللهُ ثِيَابَ النّار» (كتاب الفتن لابن حماد ج ۱/ص ۲۰۵ و ۵۵۸).

## الباب ۳۴

فِيما ذكَرهُ نَعِيم بنِ حَمّاد فِي كِتاب الفِتَن أيضاً
مِن ذمّ بَنِي أُمَيّة وَ بَنِي العَبّاس عَن النَّبِي ﴿ﷺ﴾.

**٤٥.** حَدَّثَنا نَعِيمُ عَن عَبدِالله بْنِ مَرْوَان، حَدَّثَنا مُحَمّدُ بنُ سَوَار عَنْ عَبْدِالله بنِ الْوَلِيد عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَلِي، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله(ص):

«وَيلٌ لِأُمّتِي مِنَ الشِيعَتَيْن: شِيعَةُ بَنِي أُمية وَ شِيعَةُ بَـنِي الْـعَبّاس، وَرَايَةُ ضَلَالة» (كتاب الفتن لابن حماد ج ۱ / ص ۲۰۶ و ۵۶۱).

Scanned by CamScanner

## باب سی و دوم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود از مذمت خلفای بنی‌العباس آورده است

**۴۳.** مکحول از رسول خدا(ص) روایت کرده که فرمود: من با بنی عباس چه کرده‌ام که امت مرا تعقیب نموده و به آنها لباس سیاه می‌پوشانند؟ خدا لباس آتشین به آنها (بنی عباس) بپوشاند.

## باب سی و سوم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود از مذمت بنی العباس آورده است

**۴۴.** راشد بن داوود از رسول گرامی اسلام ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ روایت کرده که فرمود: با بنی عباس چه کرده‌ام که امت مرا تعقیب می‌کنند و خون آنها را می‌ریزند و لباس سیاه به آنها می‌پوشانند؟ خدا لباس آتشین به آنها بپوشاند.

## باب سی و چهارم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود از مذمت بنی امیه و بنی العباس از پیامبر نقل کرده است

**۴۵.** محمد بن علی از پیامبر اکرم﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ روایت کرده که فرمود: وای بر دو فرقه از شیعیان امتم: شیعه بنی امیه و شیعه بنی‌العباس و پرچم گمراهی که با آنهاست.

Scanned by CamScanner

## الباب ٣٥

فِيما ذِكرُهُ نَعِيم بن حَمَّاد فِي كِتاب الفِتَن أيضاً
مِن النَّهي عَن نَصر رَاية بَنِي العبّاس الأُولى وَالثَانِيَة.

٤٦. قَالَ نَعِيمُ عَنْ عَبدِ الْقُدُوس عَنْ اِبْنِ عَيَّاش عَنْ ثَعْلَبَةِ بنِ مُسْلِم الْخَثْعَمِي عَنْ عَبْدِالله بْنِ أَبِي الأَشْعَثِ، قَالَ:

تَخْرُجُ لِبَنِي الْعَبّاس رَأيَتَان، إحْدَاهُما أَوَّلُها نَصْر، وَأخِـرُها وِزْرٌ، لا تَنْصُرُوها لا نَصَرهَا الله، وَ الاُخْرَى أَوَّلُها وِزْرٌ، و آخِرُهَا كُفر، لا تَنْصُروها لا نَصَرَهاالله

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٠٩ / حديث ٥٧١).

## الباب ٣٦

فِيما ذكرُهُ نَعِيم بنِ حَمَّاد مِن حَدِيث الْتُرْك وَالْزَنْج.

٤٧. حَدَّثنا نَعِيم عَن وَليد بْنِ مُسلِم وَرِشْدين عَنْ ابنِ لَهِيعَةَ عَنْ أَبِي قُبَيل عَن أَبِي رَومان عَن عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِب، قَالَ:

«إِذا رأَيتُم الرَّايَاتِ السُود فَاَلْزِمُوا الأَرْضَ، فَلَا تَحرَّكُوا أَيـدَيكَم وَلَا أَرْجُلَكُم، ثُم يَظْهَرُ قَومُ صِغَار لا يُؤْبَه لَهم، قُـلُوبُهم كـزُبُرِ الْحَـدِيد، أَصْحَابُ الدَولَة، لا يَفُونُ بِعَهْدِ وَلَا مِيثَاقِ يَدْعُون إلى الْحَقّ وَلَيْسُوا مِن أَهْلِهِ، أَسماؤُهم الْكُنى، وَنِسْبَتَهم الْقرى، شُعُورُهم مُرخاة كَشُعُور الْـنِسَاء حَتَى يَخْتَلِفُوا فِيَما بَينَهُم، ثُمَّ يُؤتي اللهُ الحَقَّ مَنْ يَشَاءُ»

(كنزالعمال، ج١١، ص ٢٥٣، حديث ٣٠١٥٣٠).

Scanned by CamScanner

## باب سی و پنجم
### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن پیرامون دوری از پرچمهای بنی العباس نقل کرده است

**٤٦.** عبدالله ابی اشعث گوید:
از بنی عباس دو بیرق برافراشته می‌شود که نخستین آنها پیروز و دیگری وزر و بال خواهد بود، آنان را یاری نکنید خدا هم یاریشان نخواهد کرد. و دیگری اولش و زر و بال و آخرش کفر خواهد بود آنها را یاری نکنید و خدا هم آنها را یاری نخواهد کرد.

## باب سی و ششم
### آنچه که نعیم بن حماد از حدیث ترک و زنجی نقل کرده است

**٤٧.** ابورومان از علی بن ابیطالب«علیه السلام» روایت کرده که فرمود:
وقتی که بیرقهای سیاهی را دیدید از زمین جدا نشوید و دست و پای خود را حرکت ندهید *(کنایه از آن است که آماده جنگ نشوید)* پس گروهی کوچک آشکار می‌شوند که به آنها توجهی نمی‌شود، دلهای آنها چون آهن است، اصحاب درد و بلاء هستند، به عهد و پیمانی وفادار نیستند، مردم رابه سوی حق فرا می‌خوانند ولی خود اهل حق نیستند، اسامی آنها باکنایه و رمز است و نسب آنها پوشیده و نامعلوم می‌باشد موهای آنها نظیر موی زنها نرم و سست است، تا اینکه بین آنها اختلاف به وجود می‌آید پس از آن، خداوند حق را به هر کس که بخواهد می‌دهد.

Scanned by CamScanner

## الباب ٣٧

فِيما ذِكرُهُ نَعِيم فِي كِتابِ الفِتَن: إذا سَمِعْتُم بِنَاس
يَأْتُونَ مِن الْـمَشرِقِ أو كورِها، فَقَد أَظلَّتَكْمُ السَّاعَة.

٤٨. حدّثَنا نَعِيمُ عَنْ عَبدِالله بْنِ وَهَبْ عَنْ حَمْزَةِ بْنِ عَبدُ الْوَاحِد، حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَمرو بن حَلْحَلَة عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَمْرو بْنِ عَطَاء عَنْ عَبْدِالله بْنِ صَفْوَان ابْنِ أُمَيَّة عَنْ حَفْصَةِ زَوْجِ النَّبِيّ عَنِ النَّبِيّ(ص)، قَالَ:

«إذَا سَمِعْتُم بِنَاسٍ يَأْتُونَ مِنْ قِبَل الْـمَشرِقَ أو كُورِها يَعْجُبُ النَّاسُ مِنْ زِيِّهِم، فَقَد أَظَلَّتكُم السَّاعَة» (كنزالعمال، ج ١٤، ص ٢٢٨، حديث ٣٨٥٠٧).

## الباب ٣٨

فِيما ذكرهُ نَعِيم فِي كِتابِ الفِتَن
فِي مجِيء جَالب الوَحش يُعذّب الله بِه الأمّة.

٤٩. حَدَّثَنا نَعِيم عَن عُثْمَانِ بْنِ كَثِير عَنْ مُحَمّدِ بْنِ مُهَاجِر، قَالَ: حَدَّثَنا عِيسَى بْـنُ عَطِيَّةِ الْخولَاني عَنْ راشِدِ بْنِ دَاوُد، رَفَعَ الحَدِيث.

قَالَ: بَعدَ هَلَاكِ بَنِي أُميّة يَجِيء جَالِبُ الوَحْش يَجْـتَمِعُ إِلَـيه أَهْـلُ الأَرضِ مِنْ زَوَايَاها الأَربَع يُعَذِّبُ اللهُ بِهِم هَذِهِ الأُمّة.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١/ص ٢١١ حديث ٥٧٨).

Scanned by CamScanner

## باب سی و هفتم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود پیرامون کوچ کنندگان از مشرق می‌گوید

**۴۸.** حفصه زوجهٔ رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) از آن حضرت روایت کرده که فرمود:

وقتی که شنیدند مردمی از طرف مشرق می‌آیند که دارای رأی نیکی هستند و مردم از هیکل آنها شگفت زده می‌شوند قیامت شما فرا رسیده است.

## باب سی و هشتم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود راجع به آمدن وحشی نقل می‌کند

**۴۹.** عیسی بن عطیه از راشد بن داود روایت نقل کرده که

گفت: پس از نابودی بنی امیه «جالب وحش» می‌آید و خدا از چهار گوشه جهان، اهل زمین را به سوی او می‌فرستد که این امت را بوسیله آنها کیفر کند.

## الباب ٣٩

فِيمَا ذِكرُهُ نَعِيم فِي كِتابِ الفِتَن مِن الفِتْنَة الحَالِقة تَحلِق الدّين.

**٥٠.** حَدّثنا نَعِيمُ عَنْ عَبدِ الْقُدّوس عَنْ سَعِيدِ بْنِ سَنَان عَنْ أَبِي الْزاهِرِيَة عَنْ حُذَيفَةِ بْنِ الْيَمان، قَال:

يَخْرُجُ رَجُلُ مِنْ قِبَلِ الْـمَشْرِقِ يَدْعُو إِلى آل محمّد، وَهُوَ أَبْعَدُ النَّاسُ مِنْهُم، يَنْصِبُ عَلَامَاتَ سَودَاء، أَوّلُهَا نَصْر، وَ آخِرُهَا كُفر، يَتْبَعَه خُشارَةُ الْعَرَبْ وَسَفَلَةُ الْـمَوَالِي وَالْعَبِيد الأُبّاق ومُرّاق الآفَاق، سِيمَاهُمُ السَّواد، وَدِينُهُم الْشِرك، وَأَكثَرُهُم الجُدْعُ؛ قلت: وَمَا الْجُدْعُ؟ قالَ: القُلْفُ. ثُمَّ قالَ حُذَيفَة لابْنِ عُمَر: لَسْتَ مُدْرِكَهُ يَا أَبَا عَبدُ الرَّحْمَن، فَقَالَ عَبدُالله: وَلَكِنْ أُحَدِّثُ بِهِ مِنْ بَعْدِي، قَالَ: فِتنَةُ تُدعَى الْحَالِقة تَحْلِقُ الْدِين، يَهْلِكُ فِـيهَا صَرِيحُ الْعَرَب وَصَالِحُ الْـمَوَالِي وَأَصْحَابُ الْكُنُوز وَالْفُقَهَاء، وَتَنْجَلِي عَنْ أقلّ مِن القَليل (كنزالعمال / ج ١١ / ص ٢١٩ / حديث ٣١٢٩٧).

## الباب ٤٠

فِيمَا ذِكرُهُ نَعِيم فِي كِتابِ الفِتَن مِن أَنّ هَلاك بَنِي العَبّاس مِن حَيث بَدأ مُلْكُهُم.

**٥١.** رَوَاهُ بِإِسْنَادِه عَنِ الْحَسَن وَابْنِ سِيرين قَالا:

تَخْرُجُ رَايةُ [سَودَاء] مِنْ قِبَل خُرَاسان، فَلَا تَزَالُ ظَاهِرَةً حَتَى يَكونَ هَلَاكُهُم مِنْ حَيثُ بَدَأَ مِنْ خُرَاسَانِ (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢١٢ و ٢١٣).

**٥٢.** وَرَوَى بِإسنَادِه عَنْ عَلِي، قَالَ:

«هَلَاكُهُم مِنْ حَيثُ بَدَأَ» (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢١٣ و ٥٨٣).

Scanned by CamScanner

## باب سی و نهم
### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود از آشوب و ویرانگری بیان می‌کند

**۵۰.** «حُذَیفة بن یمان» می‌گوید:
مردی از طرف مشرق خروج می‌کند و مردم را به سوی آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) فرا می‌خواند در صورتی که دورترین مردم به آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) است علامتهای سیاهی نصب می‌کند که اول آنها پیروزی و آخر آنها کفر است: پست‌ترین افراد عرب و غلامهای زر خریدی که از اطراف جهان گرد آمده‌اند تابع او خواهند شد علامت آنها سیاهی است و دین آنها شرک است و بیشتر آنها «جُدع» خواهند بود. گفتم: جدع یعنی چه؟ گفت: یعنی ختنه نشده. آنگاه حذیفه به ابن عمر گفت: تو زمان آن مرد را درک نخواهی کرد، عبدالله ابن عمر گفت: ولی به شما خبر می‌دهم که بعد از من فتنه‌ای برپا خواهد شد و سال خطرناکی خواهد آمد که عرب خالص و مردم نیکوکار و صاحب گنجها و فقها در آن نابود می‌شوند. و این حادثه به زودی به وقوع خواهد پیوست.

## باب چهلم
### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود از هلاکت بنی العباس می‌گوید

**۵۱.** حسن و ابن سیرین روایت می‌کنند:
بیرقی از طرف خراسان برافراشته می‌شود که پیوسته چیره و پیروزند تا اینکه نابودی آنها از همان مکانی که ظاهر شده بودند آغاز می‌شود.

**۵۲.** و نیز از علی(علیه السلام) روایت کرده است که هلاکت آنها در همان مکانی است که ظاهر شده بودند.(خراسان)

Scanned by CamScanner

## الباب ٤١

فِيمَا ذكَرهُ نَعِيم مِنْ ذِهَاب مُلْك بَنِي الْعَبَّاس.

**٥٣.** حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا عَبدُاللهِ بْنِ مَروَان عَنْ أَبِيه عَنْ كَعْب، قَالَ:

**إذا مَلِكَ رَجُلُ مِنْ بَنِي الْعَبَاس يُقَالَ لَهُ: عَبدُالله، وَهُو ذُوالْعَين الآخِرَة مِنْهم، بِهَا أُفْتُتِحُوا وَبِها يُخْتَمَون، فَهُو مِفْتَاحُ الْبَلَاء وَسَيْفُ الْفَنَاء،**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٦١ حديث ٧٤٢).

## الباب ٤٢

فِيمَا ذكَره نَعِيم مِنَ الفِتْنَةِ الْعَمْياء

التّي تَدُوسُ الْأَرض كَدُوس الْبقَرَ.

**٥٤.** قَالَ: حَدَّثَنا: نَعِيم، حَدَّثَنا الْوَلِيد عَنْ عَبدُ الجَبَّارِ بْنِ رَشيدَ الأَزْدِيَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَبِيعةَ الْقَصِير عَنْ تَبِيع عَنْ كَعب، قَالَ:

**الْغَرِبيَةُ هِيَ الْعَمْياءَ، وَإنَّ أَهْلَها الْحُفَاة العُراة، لَا يُدينُونَ لله دَيْناً، يَدوُسُونَ الأَرضَ كَمَا يَدُوسُ الْبَقَر البِيدَر، فَتعوَّذُوا بِاللهِ أَنْ تُدْرِكُوهَا.**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٦٤ / حديث ٧٥٥).

Scanned by CamScanner

## باب چهل و یکم

### آنچه که نعیم بن حماد از نابودی حکومت بنی العباس بیان می‌کند

**۵۳.** کعب می‌گوید:

مردی از بنی عباس، خلافت می‌کند که او را عبداللّه می‌گویند و او آخرین نفر آنهاست که ذوالعین است (یعنی اسم او عین است) بنی عباس با عین شروع شدند و با عین پایان می‌پذیرند پس آن کلیدهای بلاء و شمشیر فناء خواهد بود.

توضیح: *شاید مراد از بنی‌العباس یکی از بازماندگان این نسل باشد و شاید کسی باشد که خوی و رفتار عباسیان داشته باشد که حکومت آنها با ظلم و ستم همراه بوده است.*

## باب چهل و دوم

### آنچه که نعیم بن حماد از فتنه کور سخن می‌گوید که زمین را مانند گاو لگدکوب می‌کند

**۵۴.** کعب می‌گوید:

(فتنهٔ) غریبه‌ای است و اهل آن پابرهنه و لخت خواهند بود و هیچ دینی را بخاطر خداوند نمی‌پذیرند، زمین را با پا می‌کوبند همانطور که گاو، خرمن را می‌کوبد، اگر آنها را درک کردید به خدا پناه ببرید.

Scanned by CamScanner

# الباب ۴۳

## فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِن تَعَوُّذِ النَّبِيّ(ﷺ) مِنْ فِتنَةِ الْـمَشرِقِ ثُمَّ الْـمَغْرِب.

**۵۵.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا بَقِية عَنْ صَفْوانَ عَنْ أَبِي الْوَلِيد الأَزهرِ ابْن عَبدُالله الْهُوزَنِي عَنْ عِصْمَة بْنِ قَيس

صَاحِبِ النَّبِي(ص)، أَنَّه كَانَ يَتَعَوذُ بِالله مِنْ فِتْنَةِ الْـمَشرِقَ ثُمّ فِتنَةِ الْـمَغرِبَ فِي صَلَاتِه

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱ / ص ۲۶۵ / حديث ۷۵۸).

# الباب ۴۴

## فِيمَا ذكَره نَعِيم مِنْ مَدْحِ نِسَاءِ الْبَرْبَرْ.

**۵۶.** قَالَ بِإِسْنَادِه: قَالَ رَسُولُ الله(ص):

«نِسَاء الْبَرْبَرْ خَيرُ مِنْ رِجَالِهِمْ، بُعِثَ فِيهِم نَبِيُ فَقَتَلُوه فَتوَلّتِ الْنِسَاءُ دَفْنَهُ»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱ / ص ۲۶۵ / حديث ۷۶۱).

# الباب ۴۵

## فِيمَا ذِكرُهُ نَعِيم مِن التحذِير مِنَ الرَّايَات الصَـفراء إِذا بَـلَغَتْ مِصْر.

**۵۷.** قَالَ: حَدّثَنا نَعِيم، حَدّثَنا ضَمُرَة عَنِ الأَوزاعِي عَن حَسَّان أو غَيره، قَالَ:

يُقَال: إِذا بَلَغت الرَّايَات الصَفر مِـصْر، فَـاهْرِبْ فِي الأَرض جَـهْدَك هَرْباً، وَإِذَا بَلَغك أَنَّهُم نَزَلُوا الشَّام وَهِي السُرَّة فَـإِن اِسْـتَطَعْتَ أَنْ تَـلْتَمس سُلّماً فِي السَّمَاءَ أَوْ نَفَقاًفِي الأَرضِ فَافْعَلْ

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱ / ص ۲۷۱ / حديث ۷۷۷).

Scanned by CamScanner

## باب چهل و سوم

### آنچه که نعیم بن حماد از فتنه مشرق و مغرب سخن گفته که پیامبر به خدا پناه می‌برد.

**۵۵.** عصمة بن قیس از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که حضرت در نماز خود فرمود: از فتنه مشرق و مغرب بخداوند پناه می‌برم.

## باب چهل و چهارم

### آنچه که نعیم بن حماد از ستایش زنان بربر ذکر می‌کند

**۵۶.** نعیم از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: زنان بربر از مردان آنها بهترند، زیرا پیامبری در میانشان برانگیخته شد مردان آنها او را کشتند و زنان متصدی دفن او شدند.

## باب چهل و پنجم

### آنچه که نعیم بن حماد در رسیدن پرچمهای زرد به مصر ذکر می‌کند

**۵۷.** حسان می‌گوید:

چنین رسیده که وقتی بیرقهای زرد به مصر رسیدند فرار کن وقتی آنها به وسط شهر شام رسیدند اگر بتوانی لازم است که نردبانی را تهیه کنی و به آسمان بالا روی و یا به زمین فرو روی *(حاکی از شدت ظلم و ستم طاقت فرساست)*

Scanned by CamScanner

## الباب ٤٦

فِيمَا ذِكرَهُ نَعِيمُ بْنِ حَمَّاد مِنْ أَنَّ أَشَدَّ الْبَلَايَا وَالْفِتَن الشَّرقِيَّة.

٥٨. قَالَ نَعِيمُ بنَ حَمَّاد فِي كِتَابِ الْفِتَنِ مَا هَذَا لَفْظُه:

قَالَ اِبنُ عَيَّاش: وَأَخْبَرنِي الْأَزْهَرُ بْن رَاشِد، عَنْ أَبِي الزَّاهِرِية، قَالَ: لَيسَ مِنْ أَهْلِ ذِمَّتِكُم قَومُ أَشَدُّ عَلَيكُم فِي تِلْكَ الْبَلَايَا مِنْ أَهْلِ الشَرقِيَّة أَصْحَاب الْمِلْح وَالْغُسُول، إنّ الْمِرأة مِنْ نِسَائِهِم لَتَطْعَن بِإِصْبَعِها فِي بَطَنْ الْمَرأَة مِنْ نِسَاء الْمُسلِمِين وَتَقُول: جزيَانا، شِمَاتَةً بِها، تَقُولَ: أَعْطُوا الْجِزَيةَ (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٤٢ / ٦٨٣).

## الباب ٤٧

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيم مِنْ إِدالَةِ الْعَجَمِ عَلَى الْعَرَب.

٥٩. حدَّثَنا نَعِيم عَنْ عَبدِاللهِ بنِ وَهَب عَنْ يَحْيَى بن عَبدِاللهِ بنِ سَالِمٍ عَنْ عَبدِاللهِ بْنِ عُمَر عَنْ الْحَسَنَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهُ صَلَّى عَلَيه وَسَلَّم:

«لَتَأْمُرَنّ بِالْمَعرُوف وَلَتَنْهُنَّ عَنِ الْمُنكَر أَوْ لَيَبْعَثَنَّ اللهُ عَلَيكُم العَجَمُ فَلَيَضْرِبَنَّ رِقَابَكُم وَلَيأْكُلَنَّ فَيئَكُم وَلَيَكونَنَّ أُسْداً لا يَفِرُّونَ».

Scanned by CamScanner

## باب چهل و ششم

### آنچه که نعیم بن حماد پیرامون شدیدترین مصیبت و بلاهای شرقی ذکر می‌کند

**۵۸.** ابو زاهر از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: بعضی از اهل ذمه *(یهودیانی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کردند و مالیات می‌پرداختند)* رفتارشان نسبت به شما سخت‌تر از اصحاب شرق نیست زنی از زنان آنها با انگشت خود به شکم زنی از زنان مسلمان می‌زند و با تحقیر و سرزنش به او می‌گوید: جزیه دهید.

## باب چهل و هفتم

### آنچه که نعیم بن حماد از تسلط عجم بر عرب ذکر می‌کند

**۵۹.** عبدالله بن سالم از عبدالله بن عمر و او از حسن بن علی نقل می‌کند که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خدا عجم را بر شما مسلط می‌کند که گردن شما را بزنند و غنیمت و خراج شما را بخورند و چون شیر *(در مقابل شما استقامت نموده)* و فرار نمی‌کنند.

Scanned by CamScanner

## الباب ٤٨

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنَ التَحذِير
مِن الرَّايَاتِ السُود وَالصَّفر إذا التَقَيا فِي سُرَّةِ الشَّام.

٦٠. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثنا عَبدُاللهِ بنِ مَروَان عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمرو بنِ شُعَيب عَن أَبِيه، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عَبدِاللهِ بن عُمَر حِينَ نَزَل الْحُجَّاج بِالكَعبة، فَسِمعتُهُ يَقُول: إذا أَقبَلتِ الرَّايات السُود مِنَ الْمَشرِق وَالرَّايَاتِ الصَفر مِنَ المَغرِب حَتَى يَلْتَقُوا فِي سُرَّة الشَّام ـ يعنِي دِمشق ـ فَهُنالِكَ الْبَلَاء، هَنالِكَ الْبَلَاء (كنزالعمال /ج ١١ / ص٢٥٢ / حديث ٣١٤٢٢).

## الباب ٤٩

فِيمَا رَوَاهُ نَعِيم عَنِ النَّبِيّ«ﷺ» مِن شِدَّةِ فِتْنَةِ المَشْرِقِ وَالمَغْرِب.

٦١. قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثنا يَحيَى بْنِ سَعِيد العَطَّار، حَدَّثَنا الْحَجّاج عَنْ عَبدِاللهِ بنِ سَعيد عَنْ طَاوُوس عَنْ اِبْنِ عَبَّاس عَنِ النَّبِيّ(ص)، قَالَ:

«إذَا أَقْبَلَتْ فِتنَةُ مِنَ الْمَشرِق وَفِتْنَةُ مِنَ الْمَغْرِب وَأُلتَقَوا بِبَطْنِ الْشَام، فَبَطْنُ الأَرضِ يومَئِذٍ خَيرُ مِنْ ظَهْرِهَا»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٧٣ / حديث ٧٨٨).

Scanned by CamScanner

## باب چهل و هشتم

### آنچه که نعیم بن حماد از برخورد پرچمهای سیاه و زرد در دمشق اعلام خطر می‌کند

۶۰. عمر و بن شُعیب از پدرش روایت کرده که گفت:
زمانی که حاجیان در کعبه حضور داشتند بر عبدالله بن عمر وارد شدم، شنیدم که می‌گفت: وقتی که بیرقهای سیاهی که از طرف مشرق و بیرقهای زردی که از طرف مغرب ظاهر می‌شوند و در وسط شهر شام یعنی دمشق با یکدیگر برخورد می‌نمایند وقت فرا رسیدن بلا و مصیبت است.

## باب چهل و نهم

### آنچه که نعیم بن حماد از رسول خدا پیرامون شدت فتنه مشرق و مغرب بیان می‌کند

۶۱. ابن عباس از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
موقعی که فتنه‌ای از طرف مشرق و فتنه‌ای از طرف مغرب برپا شود و با هم در دمشق برخورد نمایند. زندگی زیر خاک و زمین بهتر از روی زمین است. (یعنی مرگ بهتر از زندگی است).

Scanned by CamScanner

## الباب ٥٠

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم بنِ حَمَّاد فِي كِتابِ الْفِتَن
مِنْ أَنَّ النَّاسَ لاَ يَزَالُونَ فِي فِتَن حَتَى يَقُومَ الْمَهْدِي.

٦٢. حَدَّثَنا نَعِيم عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبدِالله التَاهِرَتي عَن عَبدِ السَّلَامِ بْنِ مُسلِمَة، عَن أَبِي قَبِيل، قَالَ:

لَا يَزَالُ النَّاسَ بِخَيرٍ فِي رَخَاءٍ مَالَمْ يَنْقَضْ مُلكُ بَنِي العَبَّاس، فَإِذَا انقَضَى مُلْكُهم لَمْ يَزَالُوا فِي فِتَن حَتَى يَقُومَ المَهْدِي

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ /ص ٢١٤ /حديث ٥٨٧).

## الباب ٥١

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمُ بْنِ حَمَّاد
مِن شَرِّ دَولَة بَنِي العَبَاس وَبَعدَها المَهدِي.

٦٣. حَدَّثَنا نَعِيم عَنْ أَبِي يُوسفُ الْمَقْدِسِي، وَكَانَ أَصْلُه كُوفِّياً، حَدَّثَنا فِطر بْنِ خَلِيفَة عَنْ مُنذِر الثَوري عَن اِبنِ الْحَنَفِيَة، قَالَ: يَمْلِكُ بَنُو العَبَاس حَتى يَيْأَسَ النَّاسُ مِنَ الْخَير، ثُم يَتَشَعَّبُ أَمْرُهُم، فَإِن لَمْ تَجِدُوا إِلاّ جُحْر عَقْرب فَادْخلُوا فِيه، فَإِنَّهُ يَكُونُ فِي النّاس شَرٌّ طَوِيل حَتَى يَزُولَ مُلْكُهُم وَيَقُومَ الْمَهْدِي (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢١٧ / حديث ٥٩٩).

Scanned by CamScanner

## باب پنجاهم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود دربارهٔ ناراحتی و رنج مردم بیان می‌کند تا اینکه مهدی موعود قیام کند

**۶۲.** ابوقتیل می‌گوید:

مادامی که خلافت بنی عباس منقرض شده باشد زندگی خوش مردم برقرار خواهد بود و وقتی که خلافت آنها منقرض شد مردم همیشه دچار فتنه خواهند بود تا مهدی(ع) قیام کند.

## باب پنجاه و یکم

### آنچه که نعیم بن حماد از شر دولت بنی العباس و قیام حضرت مهدی سخن می‌گوید

**۶۳.** ابن حنفیه می‌گوید:

بنی عباس همچنان خلافت می‌کنند تا این که مردم از خیر و خوبی مأیوس شوند، پس از آن، میان آنها تفرقه می‌افتد، اگر در آن موقع سوراخ عقرب یافتید خود را در آن مخفی کنید (*نموداری از شدت سختی و رنج*) زیرا مردم گرفتار شر و فتنه طولانی می‌شوند تا اینکه خلافت آنها از بین برود و مهدی (عج) قیام کند.

Scanned by CamScanner

## الباب ٥٢

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمِ بنِ حَمَّاد مِنَ الْهَرَج
بَعدَ الخَامس وَالسَّابع مِنْ بَنِي الْعَبَّاس حَتَى يَقُومَ الْـمَهدِي.

٦٤. حَدَّثنا نَعِيمُ عَنْ اِبْنِ أَبِي هُرَيرَةِ الشَّامي عَن أَبِيه عَنْ عَلي بنِ أَبِي طَلْحَة عَنْ ابنِ عَبَاس، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله ﷺ:

«إِذَا مَاتَ الْخَامِسُ مِنْ أَهلِ بَيتِي فَالْهَرَجُ الْهَرَج حَتَى يَمُوتَ السَّابع ثُم كَذلك حَتَى يَقُومَ الْـمَهْدِي». (كنزالعمال، ج١١ ،ص ٢٤٧، حديث ٣١٤٠٠)

قَالَ نَعِيم: بَلَغَنِي عَنْ شَرِيك أَنَّهُ قَالَ: هُو ابنُ الْعفر ـ يَعنِي هَارُون ـ وَكَان الخَامِس، وَنَحنُ نَقُول: هَذَا السَّابع، واللهُ أَعْلَم أَقُول أَنَا: إِنَّهُ السَّابِع بَعدَ الثَلاثِين. (كتاب الفتن لابن حماد، ج١، ص ٢١٧ /حديث ٦٠٠).

## الباب ٥٣

فِيمَّا ذَكَرَه نَعِيم بنِ حَمَّاد فِي كِتَابِ الْفِتَنِ فِيمَا يَجْرِي بَعدَ السَّابع مِن بَنِي الْعَبّاس حَتّى يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاء.

٦٥. حَدَّثَنا إِدرِيس الْخَولانِي عَنِ الوَلِيدِ بْنِ يَزيد عَن أَبِيه عَنْ شُفَى الأَصبَحِي، قَالَ:

يَلِي خَمْسَةُ مِنْ وَلَدِ الْعَبّاسَ (مُلوكُ) جَبَابِرةَ، وَيلُ لِلأَرضِ مِنْهُم عِندَ مَوتِ السَّابع مِنْهُم، يَثُبُّ عَلَيها واثِب شِبْهَ الأَسَد، يَأْكُل بِفَمِهِ وَيَفسُدُ بِيَده، وَالسَّمَاوَاتِ تَضِجُّ إِلى اللهِ مِمَّا يُهراق عَلىَ الْأَرض مِنَ الدمَاءَ، يَمْلِكُ غَداتِين أَو ثَلاثَة، ثُم يَلِي وَالِي مِنْ بَعضِ إخوَةِ الْهَالِك يَأْخُذُ الْمُلك قَهْراً، لا يُقَسِّمُ مَالَ اللهَ بَينَ عِبَادِهِ بِالْسَوِيّة حَتَى يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاء: الْأَرضُ أَرْضُ الله، وَالْعَبِيد عَبِيدُ الله، مَال الله بَين عَبِيدِه بِالسَوِيَّة، يَمْلِكُ فِي هَذِهِ الوِلاية عَشَر سِنِين (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢١٨ / حديث ٦٠٦).

Scanned by CamScanner

## باب پنجاه و دوم

### آنچه که نعیم بن حماد از هرج و مرج در خلافت بنی العباس و قیام حضرت مهدی سخن می‌گوید

٦٤. ابن عباس از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:
وقتی که پنجمین نفر از اهل بیت من بمیرد فتنه (برپامی‌شود) تا اینکه هفتمی بمیرد، پس از آن همینطور خواهد بود تا مهدی (عج) قیام کند.
نعیم گفت: از شریک به من چنین رسید که آن پسر عفر یعنی هارون پنجمین خلیفه عباسی است و ما می‌گوئیم هفتمی آنهاست و خدا بهتر می‌داند.

## باب پنجاه و سوم

### آنچه که نعیم بن حماد از ماجراهائی که در حکومت هفتمین حاکم عباسی رخ داده سخن می‌گوید

٦٥. اصجی می‌گوید: پنج نفر از فرزندان عباس همانند پادشاهان ستمکار، حکومت می‌کنند، وای بر مردم از آن وقتی که هفتمی آنها بمیرد، (زیرا) شخصی بر مردم مسلط می‌شود که شبیه شیر خواهد بود، با دهان خود می‌خورد و با دست خود فساد خواهد کرد بخاطر خونریزیهای زیادی که انجام می‌گیرد. چند روزی خلافت خواهد نمود (آنگاه نابود می‌شود) سپس یکی از برادران او خلافت را به زور می‌گیرد و مال خدا را به طور مساوی بین بندگان خدا تقسیم نخواهد کرد تا اینکه منادی از آسمان فریاد زند: زمین مال خدا و مردم بندگان خدایند و مال خدا به طور مساوی بین بندگان او تقسیم می‌شود و بدین طریق ده سال خلافت می‌کند.

Scanned by CamScanner

## الباب ٥٤

فِيمَا ذَكَرَه نَعِيم بن حَمَّاد فِي الْتُرك والْطَاعُون الْـمُفنِي.

**٦٦.** حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا عَبدُ الْقُدُوس عَنْ ابنِ عَيَّاش، قَالَ: أَخبَرَنِي عُتبةِ بْنِ تَمِيم التَنُوخي عَنِ الْوَلِيد بنِ عَامِر الْيَزَنِي عَن يَزِيدِ بنِ خُمير عَنْ كَعْب، قَالَ:

**تَرِدُ التُرك الْجَزِيرَة حَتَى يَسْقُوا خَيْلَهُم مِنَ الفُرَاتِ، فَيَبْعَثَ اللهُ عَلَيهم الطَّاعُون، فَيَقْتُلَهُم، فَلَا يَفْلِتُ مِنْهُم إلاّ رَجُل وَاحِد**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٠ / حديث ٦١٢).

## الباب ٥٥

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيمِ بنِ حَمَّاد عَن مَنْ يَنزِلُ «آمد» وَكَيف يُهْلَكُونَ بِالرِيح وَالثَلْج.

**قَالَ نَعِيمُ بنُ حَمَّاد فِي كِتَابِ الفِتَن مَا هَذَا لَفظُه:**

**٦٧.** قَالَ ابنُ عَيَّاش: **وَأَخبَرَنِي عَبْدُاللهِ بن دِينَار الْبَهرَوانِي عَن كَعْب، قَالَ: يَنزِلُون «آمد»** (هى اعظم مدن ديار بكر) **وَيَشرِبُونَ مِنَ الْدِجْلَة والفُرَاتَ يَسْعَونَ فِي الْجَزِيرَة وَأَهلَ الإِسلام فِي تِلكَ الْجَزِيرَة لَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُم شَيْئاً فَيَبْعَثَ اللهُ عَلَيهِم ثَلْجاً فِيه صِرٌّ وريح، وَجَلِيد، فَإِذا هُم خَامِدُونَ، فَيَرجِعَ الْـمُسلِمُون إِلى أَصحَابِهِم فيَقُولُونَ: إِنّ اللهَ قَدْ أَهلَكَهُم وَكَفَاكُم العَدُوّ، وَلَم يَبقِ مِنهُم أَحَدُ قَدْ هَلَكُوا عَنْ آخِرِهم**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٠ / ذيل حديث ٦١٢).

Scanned by CamScanner

## باب پنجاه و چهارم

### آنچه که نعیم بن حماد درباره ترک و طاعون بیان کرده است

۶۶. کعب می‌گوید:

(جمعیت) ترک وارد جزیرة العرب خواهند شد مرکبهای سواری خود را از فرات آب می‌دهند، آنگاه خدا طاعون را بر آنها مسلط می‌کند تا آنها را بکشد و کسی از آنها جز یک مرد نجات نمی‌یابد.

## باب پنجاه و پنجم

### آنچه که نعیم بن حماد درباره کسانی که به آمد وارد می‌شوند و توسط طوفان و برف هلاک می‌شوند در کتاب فتن خود بیان کرده است

۶۷. «کعب» می‌گوید:

یک کشتی پر از ترکها وارد شهر آمد می‌شوند و از دجله و فرات آب می‌آشامند و به جزیره می‌روند و مسلمانان که در جزیره هستند توان رویارویی با آنها را ندارند آن‌گاه خداوند برف و بوران و برق و باد و سرمای شدید را بر آنها مسلط می‌کند تا آنها را نابود سازد سپس مسلمانان به طرف یاران خود برمی‌گردند و می‌گویند: خدا آنها را نابود کرد واحدی از آنها را باقی نگذاشت.

Scanned by CamScanner

## الباب ٥٦

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّاد فِيمَا يَحدثُ لِلْتُرك بَعدَ رَبْطِ خُـيُولِهم بِالْفُرَات.

٦٨. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا عَبدُ الْخَالِق بن زَيدِ بنِ وَاقِد عَن أَبِيه عَن مَكْحُول عَـنِ النَّبِيّ(ص) قَالَ:

«يَكُونُ لِلتُرك خَرجتَانَ: خَرجَةٌ يَخرُجُون مِن آذرَبَيجان، وَالثَـانِية يَربِطُونَ خُيولَهُم بِالفُرَات لَا تُرْكَ بَعدَهَا»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٠ ـ ٢٢١ / حديث ٦١٣).

أَقُول: لَعَلَّ مَعنَاهُ لا تُرْكَ غَيرهم يُدخُل إِلى الفُرات، بلْ هُم الَّـذِينَ يَكُونُ الْـمُلك لَهُم.

## الباب ٥٧

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّادَ فِي كِتَاب الفِتَن فِيمَا يَنْتَهِي حَالُ مَنْ ذَكَرَهُ إِلَيه.

٦٩. حَدَّثَنا الوَلِيدُ عَن عَبدُ الرَّحمَن بنِ يَزِيد بنِ جَابِر وَ غَيره عَنْ مَكْحُول قَال: قَالَ رَسُولُ الله(ص):

«لِلتُرك خَرَجتَان: إِحداهُما يَخرِبُونَ آذَرْبِيجَان، وَالثَانِيةَ يَشرعُون عَلى ثَنِي الْفُرَات».

قَال عَبدُ الرَّحمن فِي حَدِيثه عَن النَّبِيّ(ص): «فَيَكُونَ فِيهم ذِبْحُ اللهِ الْأَعْظَم لَا تُرك بَعدَهَا» (كنزالعمال ج ١١ / ص ٢٧٦ – ٢٧٧ حديث ٣١٥١٠).

أَقُول: لَعَلّ المُراد تُرك بَنِي العَبَاس المُسلِمُونَ الَّذِينَ لَا يَكُون تُـركُ مِثْلَهُم بَعدَهُم، وَكَانَ فِيهِم ذِبحُ اللهِ الأَعْظَمَ عَلى يَدِ هَذِهِ الدَولَة الْقَاهِرَة.

Scanned by CamScanner

## باب پنجاه و ششم

### آنچه که نعیم بن حماد پیرامون ترکها و بستن اسبهای خود در کنار فرات بیان می‌کند

**۶۸.** «مکحول» از حضرت محمد بن عبدالله(ﷺ) روایت کرده که فرمود: طایفهٔ ترک دوبار خروج می‌کنند، مرتبه اول: از آذربایجان و بار دوم پس از خروج مرکبهای سواری خود را نزدیک فرات می‌بندند و پس از آن ترکی نخواهد بود. سید بن طاووس می‌گوید: شاید معنای حدیث این باشد که غیر از آن ترکها ترک دیگری داخل فرات نشده و خلافت نخواهد کرد بلکه همان طایفه ترک‌اند که حکومت را به دست می‌گیرند.

**توضیح:** *از روایات بدست می‌آید که مزمت و سرزنشی که از ترکها در عصر ظهور حضرت مهدی شده است ترکهای عصر عباسیان هستند که پایه حکومت آنها بر دوش ایشان بود. مثل زمان متوکل و وزیرش خاقان ترک و آنها مردمی بیرحم و فاسد و از دشمنان اهل بیت(علیهم السلام) بوده‌اند زیرا ترکهای آذربایجان مردمی با غیرت و از دوستان و یاران اهل بیت(علیهم السلام) بوده و هستند.*

## باب پنجاه و هفتم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود پیرامون پایان زندگی گروهی از انسانها دارد

**۶۹.** «یزید بن جابر» و دیگران از رسول‌خدا(ﷺ) روایت کرده‌اند که فرمود: برای طایفه ترک دو قیام است. نخست آذربایجان را خراب و ویران می‌کنند سپس در کنار فرات فرود می‌آیند عبدالرحمن در حدیث خود از پیامبر نقل می‌کند که حضرت فرمود: قربانی بزرگ خدا در میان قوم ترک است و بعد از آنها ترکی نخواهد بود. (*شاید مراد از ذبح الله الاعظم همان نفس زکیه باشد که قبل از ظهور حضرت مهدی کشته می‌شود*). سید بن طاووس می‌گوید: شاید منظور، ترک بنی عباس باشد که مسلمان بودند، و نظیر آنها ترکی نبود و انسانهای زیادی به دست آن دولت ستمکار قربانی شد.

Scanned by CamScanner

## الباب ٥٨

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّاد فِي مَحَارِبَة السُّفْيَانِي لِمَن ذَكَرهُ،
وَحَدِيث المَهدِي.

٧٠. نَعِيْم عَنِ الْحِكَمْ عَنْ جَرّاحَ عَن أرطَأة، قَالَ:

**يُقَاتِلُ السُّفيانِي التُرك ثُم يَكُون اِسْتِئصَالهُم عَلى يَدِي الْـمَهدِي**

(كتاب الفتن لابن حماد ج١ / ص ٢٢١ / حديث ٦١٤).

## الباب ٥٩

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيمُ بنُ حَمّاد فِي عَلَامةِ انْتِقَاض مُلكِ مَنْ سَمّاهُ.

٧١. نَعِيم عَنْ مُحَمّدِ بنِ عَبدُالله عَنْ (عَبدُ الرَّحمنِ بن زِيَادِ بنِ أَنْعم) عَن مَكْحُول عَنْ حُذَيفَة بنِ اليَمَان، قَالَ:

**إِذَا رَأَيتُم أَولَ التُركَ بِالْجَزِيرَة فَقَاتِلُوهُم حَتَى تَهْزِمُوهُم أو يَكفِيَكُمُ الله مَؤْوَنتَهُم فَإِنَّهُم يَفْضَحُونَ الْحُرم، وَهُوَ عَلَامَةُ خُرُوجِ أهلِ الْـمَغْرِب وَاِنْتِقَاضِ مُلِكهِم يَومَئذٍ**

(كنزالعمال ج ١١ / ص ٢٢٠).

Scanned by CamScanner

## باب پنجاه و هشتم

### آنچه‌که نعیم بن حماد در جنگ با سفیانی سپس خروج مهدی بیان می‌کند

۷۰. نعیم از ارطاة نقل می‌کند که گفت:

سفیانی با قوم ترک می‌جنگد سپس همه آنها بدست حضرت مهدی اسیر و یا کشته می‌شوند.

توضیح: مراد از سفیانی عثمان بن عنبسه است که از فرزندان یزید می‌باشد که مردی بد صورت و آبله‌رو و چهارشانه و ازرق چشم بوده که از وادی یابس و بی آب و علف که بین مکه و شام است ظهور می‌کند و پنج شهر بزرگ که عبارت از دمشق و حمص و فلسطین و اردن و قنسرین‌اند تصرف می‌کند آنگاه بسوی کوفه و بغداد و نجف می‌رود و قتل عام می‌کند.

## باب پنجاه و نهم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود پیرامون شکست در حکومت بیان می‌کند

۷۱. «حُذیفه بن یمان» گوید:

وقتی که اولین (طائفه) ترک را در (جزیرة العرب) دیدید با آنها جنگ کنید تا آنها را شکست دهید یا اینکه خدا شر آنها را دفع کند زیرا آنها به نوامیس و حریم مردم تجاوز می‌کنند و آن علامت خروج اهل مغرب و از بین رفتن قدرت و سلطه آنهاست.

Scanned by CamScanner

## الباب ٦٠

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم فِي كِتَابِ الفِتَن مِنَ الصَيحَة فِي شَهرِ رَمَضان، غَيرُ مَا رَوَاهُ مَقَاتِل وَبِشرحٍ كَامِل.

**٧٢.** قَالَ نَعِيم: حَدَّثَنا صَاحِبُ لَنَا يُكَنَّى أَبَا عَمْر عَنْ اِبنِ لَهِيعَة، حَدَّثَنِي عَبدُ الوَهّاب عَنْ مُحَمّدِ بْنِ ثَابِت عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَارِث عَنْ ابنِ مَسعُود عَنِ النَّبِيِّ(ص)، قَالَ:

«إِذَا كَانَتْ صَيحَةٌ فِي رَمَضانِ فَإِنَّها تَكُونُ مَـعْمَعة (و هى الحـروب و الفتن) فِي شَوّال، وتَميزُ القَبائِلَ فِي ذِي القَعْدَة، وتُسفِكُ الدّماء فِي ذِي الْحِجَة والمُحَرّم وَمَا المحَرَّم؟» يقُولُهَا ثَلَاثاً «هَيهَاتُ هَيهَات يُقتَلُ النَّاسُ فِيهَا هَرَجاً هَرجَاً»

قَالَ: قُلنَا: وَمَا الصَّيحَة يَا رَسُولَ الله؟

قَالَ: «هِدّة فِي النِصْف مِنْ رَمَضان يَوم جُمـعَة ضُـحى، وَذَلِكَ إِذَا وَافقَ شَهْرُ رَمَضان لَيلَة الْجُمعةِ، فَتَكُونَ هِدّة (حركة) تُوقِظ النَّائِم، وَتَقْعُدَ الْقَائِم، وتَخرُجُ الْعَواتِقِ مِن خُدُورِهنَّ فِي لَيلَةِ جُمعة، فَإِذا صَلَّيْتُم الفَجر مِن يَوم الجُمُعة، فَادْخُلُوا بُيوتَكُم، وَأَغْلِقُوا أَبوابَكُم، وسَدُّوا كواكُم وَدثَّرُوا أَنفُسَكُم، وَسَدُّوا آذَانَكُم، فَإِذَا أَحْسَسْتُم بِـالْصَيْحَة، فَـخَرُّوا لله سُـجَّداً، وقُولُوا: سُبْحَانَ الْقُدُّوس رَبَّنا القُدّوس، فَإِنَّه مَنْ فَعلَ ذَلِك نَجا، وَمَنْ لَمْ يَفعَلْ هَلَك» (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٨ حديث ٦٣٨).

Scanned by CamScanner

# باب شصتم

## آنچه که نعیم در کتاب فتن خود از فریاد در ماه رمضان خبر داده از آنچه که کتاب مقاتل و شرح کامل بیان کرده‌اند

**۷۲.** «ابن مسعود» از حضرت محمد بن عبداللّه(صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود:

وقتی که در ماه رمضان (صیحه‌ای) یعنی صدای شدیدی واقع شد در ماه شوال جنگ و خونریزی و فتنه‌هایی برپا خواهد شد و در ذیقعده قبیله‌ها متفرق می‌شوند و در ماه ذیحجه و محرم خونها ریخته می‌شود، آن‌گاه سه مرتبه فرمود: چه حرمتی؟ هیهات، هیهات در آن موقع مردم کشته می‌شوند.

«ابن مسعود» می‌گوید: از آن حضرت پرسیدیم: آن صیحه در چه وقتی خواهد بود؟ فرمود: آن صیحه در نیمه ماه رمضان در ظهر روز جمعه خواهد بود و این حادثه وقتی پیش می‌آید که شب (اول) ماه رمضان جمعه باشد، این فتنه است که شخص خواب را، بیدار می‌کند و شخص ایستاده را به ستوه می‌آورد،

در آن شب جمعه، زنان عفیفه توالت کرده از خانه‌های خود خارج می‌شوند، پس موقعی که نماز صبح روز جمعه را خواندید وارد خانه‌های خود شوید و درهای خانه خود را قفل کنید و پنجرهٔ (اطاق) خود را ببندید و خود را بپوشانید و گوشهای خود را ببندید، موقعی که آن صیحه را احساس کردید خدا را سجده کنید و بگوئید:

(سبحان القدوس، ربنا القدوس) کسی که این دستور را انجام دهد نجات می‌یابد و کسی که ترک نماید هلاک خواهد شد.

Scanned by CamScanner

## الباب ٦١

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيمُ بْنُ حَمَّاد فِي كِتَابِ الفِتَن مِنْ حُدُوثِ رَجْفَة فِي شَهرِ رَمَضان وَطُلُوع نُجُوم كَالآيَات فِيمَا مَضَى مِنَ الأَزْمَان.

**٧٣.** حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا الْوَلِيد، قَالَ:

كَانَتْ رَجْفَة أَصَابَتْ أَهْلَ دِمشْق فِي أَيَّامِ مَضِين مِن رَمَضان، فَهَلَكَ نَاسُ كَثِير فِي شَهرِ رَمَضان سَنَة سَبْعَ وَثَلاثِينَ وَمِأَة وَلَم نَرَ مَا ذَكَر مِنَ الدَاهِيَة، وَهِي الْخَسْفُ الَّذِي يُذْكَرُ فِي قَريةِ يُقالُ لَهَا: «حَرَسْتا» (قرية كبيرة عامرة وسط بساطين دمشق على طريق حمص) وَرَأَيتُ نَجْماً ذَنبَ طَلَعَ فِي الْمُحَرَّم سَنَة خَمْس وَ أَرْبَعِينَ وَمَائَة مَعَ الْفَجر مِنَ الْمَشرِق، وَكُنّا نَراهُ بَينَ يَدَي الْفَجرَ بَقِيةَ الْمُحرّم، ثمَّ خَفِيَ، ثُم رَأَينَاهُ بَعدَ مَغِيبِ الشَّمس فِي الشَفَق وَبَعدَهُ فِيمَا بَيْنَ الْجَوفِ وَالفُرَات شَهرَين أَوْ ثَلاثَة، ثُمّ خَفِي فِي سَنتَين أَوْ ثَلاثاً، ثُم رَأَيْنا نَجْماً خَفِيّاً لَهُ شُعلَةُ قَدْرَ الْذِرَاع رَأْيَ العَين قَرِيباً مِنَ الْجُدَي يَسْتَدِيرُ حَولَه بِدَورَانِ الفَلَكْ فِي جَمادَين وَأَيّام رَجَب، ثُمَ خَفِيَ، ثُم رَأَينَا نَجماً لَيسَ بِالأَزهر طَلِعَ عَنْ يَمِينَ قِبلَةِ الشَام مَادّاً شُعْلَته مِنَ الْقِبلَة إلى الجَوفِ إلى «أَرمِينية» فَذَكَرتْ ذَلِكَ لِشَيخ قَدِيم عِندَنا مِنَ السَّكاسِك (قبيلة من اليمن)، فَقَالَ: لَيسَ هَذَا النَّجمُ الْمُنتَظَر.

قَالَ الوَلِيد: وَرَأَيتُ نَجْماً فِي سَنِيَاتِ بَقِين سَنَي أَبِي جعفَر، ثُم انْعَقَفَ حَتَى الْتَقَى طَرَفاه، فَصَارَ كَطُوقٍ سَاعَةً مِنَ الْلَّيل

(كتاب الفتن لابن حماد ج١/ص٢٢٩/حديث ٦٣٩).

Scanned by CamScanner

# باب شصت و یکم

## آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن از پیدایش زمین لرزه در ماه رمضان و طلوع ستارگان بیان می‌کند همانند نشانه‌هایی که در زمانهای گذشته واقع شده است

**۷۳.** «ولید» گوید:

چند روزی از ماه رمضان گذشت که زلزله‌ای دمشق را لرزاند و جمعیت زیادی از مردم در ماه رمضان سنه (۱۳۷) هلاک شدند، چنین بلائی دیده نشده بود و آن همان زلزله‌ای بود که در قریه(خرسنا) اتفاق افتاد و ستاره دنباله‌داری را در محرم سنه (۱۴۵) از طرف مشرق دیدم و در تمامی آن ماه آن را در موقع فجر می‌دیدم ،بعد از آن مخفی شد، آن‌گاه آن را بعد از غروب آفتاب در سرخی خورشید دیدم سپس آن را در مدت دو یا سه ماه در بین مشرق و مغرب دیدم، آنگاه در مدت دو یا سه ماه مخفی شد، در مرتبهٔ چهارم ستاره‌ای بود پنهان در نزدیکی جدی (نام ستاره‌ای است) به چشم می‌خورد که در دو ماه جمادی و روزهای رجب به دور جدی دور می‌زد آن هم مخفی شد، پس از آن ستاره‌ای که صاف و روشن نبود از طرف راست قبله شام طلوع کرد که شعلهٔ آن از طرف قبله تا ارمینه ادامه می‌یافت من شرح آن ستاره را برای استاد قدیمی خود که نزد ما بود بیان کردم و او گفت: این ستاره‌ای نیست که در انتظارش هستید.

ولید گفت: در چند سال اخیری که از عمر ابوجعفر باقی بود ستاره را دیدم که در مدت یک ساعت از شب به طوری دو طرف آن به هم رسید که به شکل طوقی درآمد.

## الباب ٦٢

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمُ بْنُ حَمَّاد مِنَ العَلَامَاتِ لِانْقِطَاعِ مُلكِ وَلَدِ الْعَبَّاس.

**٧٤.** حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا الوَلِيدُ بْنُ مُسْلِم، حَدَّثَنِي شَيخ عَنْ يَزِيدِ بْنِ الوَلِيد عَـنْ كَعبِ الأحبَار، قَالَ:

**عَلَامةَ اِنقِطَاعِ مُلْكِ وَلَدِ العَبَاس حُمْرَةٌ تَظْهَرُ فِي جَوفِ السَّماَء، ونَجْمِ يَطلَعُ مِنَ الْـمَشرِق يُضِيُء كَمَا يُضِيءُ القَمَر لَيلَةَ الْبَدر ثُم يَنْعَقِفُ.**

**قَالَ الوَلِيد: بَلَغَنِي عَنْ كَعب أَنَّهُ قَالَ: قَحْطُ فِي المَشرِق، وَدَاهِيَةٌ فِي المَغْرِب، وحُمْرَةٌ فِي الْجَوّ، وَموتُ فَاشٍ فِي الْقِبلَة**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٤ حديث ٦٢٢).

## الباب ٦٣

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم بنُ حَمَّاد مِن عَلَامة تَطْلُعُ مِنَ المَشرِق كَالقَرن.

**٧٥.** حَدَّثَنا نَعِيم عَنْ سَعِيد أَبِي عُثْمَان عَنْ جَابِر الْجُعْفِي عَنْ أَبِي جَعفَر، قَالَ:

**«إذا بَلَغَ الْعَبّاسِي خُرَاسَان طَلَعَ مِنَ الْـمَشرِقَ القَرَن ذُو الشَفا، وَكَانَ أَولُ مَا طَلَع أَمْرُ الله بِهَلاكِ قَومِ نُوح حِينَ غَرقَهُم اللهُ، وَطَـلَعَ فِي زَمَـن إبرَاهِيم حَيثُ اَلْقُوه فِي النَّار، وَحِينَ أهلَكَ اللهُ فِرعَون وَمَن مَعَه، وَحِينَ قُتِلَ يَحْيى بنِ زَكَريّا، فَإذَا رَأَيتُم ذَلِك فَـاسْتَعِذُوا بِـالله مِـنْ شَرّ الفِـتَن، وَيَكُون طُلُوعه بَعدَ اِنْكِسَافِ الشَّمس وَالْقَمَر ثُم لاَ يَلْبِثُون حَـتَى يَـظْهَرَ الْأَبقَع** (ما خالط بياضه لون آخر) **بِمِصر»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٤ / حديث ٦٢٣).

Scanned by CamScanner

## باب شصت و دوم

### آنچه که نعیم بن حماد در گسستگی حکومت عباسیان بیان کرده است

**۷۴.** «کعب الاحبار» می‌گوید:

علامت انقطاع خلافت بنی عباس آن سرخی است که در وسط آسمان آشکار می‌شود و ستاره‌ای که از طرف مشرق طلوع می‌کند و چون ماه شب چهارده نورانی خواهد بود سپس آن سرخی بر طرف خواهد شد.

«ولید» می‌گوید: از کعب به من رسیده که گفت: قحطی در مشرق و بلائی در مغرب و سرخی در جوّ و نشانه مرگ از طرف قبله پیدا می‌شود.

## باب شصت و سوم

### آنچه که نعیم بن حماد از علامت سقوط بنی العباس ذکر کرده است طلوع ستاره‌ای از مشرق به شکل شاخ می‌باشد.

**۵۷.** جابر جُعفی از ابوجعفر روایت کرده که گفت: موقعی که بنی عباس به خراسان رسیدند ستاره‌ای از مشرق در نزدیکی (ذوشفا) طلوع کرد و آن اول ستاره‌ای بود که طلوع می‌کرد و خدا به غرق و هلاکت قوم نوح امر کرد. و در آن وقتی که حضرت ابراهیم را در آتش انداختند آن ستاره نیز طلوع کرد و آن وقتی بود که خداوند فرعون و یاران او را هلاک کرد و نیز هنگام کشته شدن یحیی بن زکریا دوباره طلوع نمود.

پس هرگاه این ستاره را دیدید از شر فتنه‌ها به خدا پناه ببرید و طلوع آن ستاره بعد از گرفتن آفتاب و ماه خواهد بود و زمانی نخواهد گذشت که (مردی پیس) در مصر ظهور خواهد کرد.

Scanned by CamScanner

## الباب ٦٤

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّاد مِن عَلَامَة فِي صفر بِنَجْمٍ لَهُ ذنَابُ.

٧٦. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا رشدين عَن ابنِ لَهِيعَة عَن عَبدُ الْعَزِيز بن صَالح عَنْ عَلِي بنِ رِبَاح عَن ابْنِ مَسعُود، قَالَ:

تَكُون عَلَامة فِي صفر، وَيَبْتَدأ نَجمُ لَهُ ذِنَاب

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٥ / حديث ٦٢٥).

## الباب ٦٥

فِيمَا يَحدِثُ أَوْ حَدَثَ مِنَ الآيَاتِ فِي شَهرِ رَمَضَانِ والْمُحَرّم.

ذكَر نَعِيم فى كِتَابِ الفِتَن مَا هَذَا لَفْظُه:

٧٧. قَالَ إِبْنُ لَهِيعَة: أَخبَرَنِي عَبدُ الوَهَّابِ بـنِ بُخْت عَـن مَكْـحُول، قَـالَ: قَـالَ رَسُولُ الله (ص):

«يَظْهَرُ فِي السَّماءِ آيةُ لِلَيلَتَين تَخْلوان مِنْ شَهر رَمضَان، وَفِي شَوّال الْـمُهَمْهَمَة، وَفِي ذِي القعدَة الْـمُعَمْعَة، وَفِي ذِي الحجَة (يُنتَهَبُ الحَاج) وَفِي المُحَرّم وَمَا الْمُحَرّم (كنزالعمال ج ١١ ص ٢٧٥ – ٢٧٦ حديث ٣١٥٠٥).

Scanned by CamScanner

## باب شصت و چهارم

### آنچه که نعیم بن حماد از نشانه‌های سقوط بنی العباس در ماه صفر بیان کرده است

**۷۶.** ابن مسعود گوید:

در ماه صفر علامتی خواهد بود که ابتداء ستارهٔ دنباله داری پیدا می‌شود.

## باب شصت و پنجم

### نعیم بن حماد از نشانه‌هایی که در ماه رمضان و محرم ظاهر می‌شوند سخن گفته است

**۷۷.** مکحول از رسول‌خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرموده:

دو شب که از ماه رمضان که گذشت در آسمان علامتی ظاهر می‌شود، در ماه شوال نجات یافتن دور خواهد بود، در ماه ذیقعده فتنه و جنگهایی خواهد شد، در ماه ذی‌الحجه حاجی‌ها را غارت می‌شوند و در ماه محرم... چه محرمی خواهد بود؟!

Scanned by CamScanner

## الباب ٦٦

فِيَما ذَكَرهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّاد فِي آيَة
فِي شَهْرِ رَمَضان فِي السَّماء كَعَمُودِ سَاطِع.

**قَالَ نَعِيم بنُ حَمَّاد فِي كِتابِ الْفِتَن مَا هَذَا لَفظُه:**

**٧٨.** قَالَ عَبدُ الوَهَّابِ بنِ بَخْت: وَبَلَغَنِي أنَّ رَسُولَ الله(ص) قَالَ:

**«فِي رَمَضانِ آية فِي السَّماَء كَعَمُودِ سَاطع، وَفِي شَوّال البَلَاء، وَفِي ذِي الْقِعدَة الْـمَعْمَعَة، وَفِي ذِي الْحِجَة يُنْهَبُ الْحاجّ، وَالْمُحرَّم وَمَا الْمُحرَّم»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٥ ذيل حديث ٦٢٦).

## الباب ٦٧

فِيَما ذَكَرهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّاد مِنَ الآيَةِ فِي شَهر رَمَضان.

**٧٩.** حَدَّثَنا نَعِيم عَنْ عَبدِالله بنِ وَهَبَ عَنْ مُسلِمَةِ بنِ عَلي عَنْ قُتَادة عَنْ سَعِيدِ بنِ المُسَيّب عَنْ أَبِي هُرَيرَة عَنِ النَّبِيّ(ص) قَالَ:

**«تَكُون آيةَ فِي رَمَضان، ثُمَ تَظْهَرُ عِصَابَةَ فِي شَوّال، ثُم تَكُون مَعْمَعة فِي ذِي القِعدَة، ثُم يُسْلَبُ الْحاج فِي ذِي الحِجَة، ثُم تُنْتَهَكُ الْمَحَارِم فِي الْمُحَرَّمِ، ثُم يَكُونُ الصَّوت فِي صَفَر، ثُم تَنَازَعَ القَبائَل فِي شَهْرَي رَبِيعُ، ثُم العَجَب كُلَّ العَجَب بَين جَمادِى وَرَجَب، ثُم نَاقَةُ مُقَتَّبة (جهاز) خَيرُ مِنْ دَسْكَرَة (القرية) تُغِلُّ مِائَةَ ألف»** (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٥ ـ ٢٢٦ حديث ٦٢٨).

Scanned by CamScanner

## باب شصت و ششم

### نعیم بن حماد از نشانه‌ای که در ماه رمضان بصورت ستونی از نور ظاهر می‌شود سخن گفته است

**۷۸.** عبدالوهاب بن بخت می‌گوید:
از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) به من خبر رسیده که فرمود: در ماه رمضانی در آسمان علامتی چون عمود درخشنده ظاهر می‌شود و در ماه شوال بلا و در ماه ذیقعده جنگ و فتنه و در ماه ذی الحجة حاجی‌ها را غارت می‌کنند و محرم چه محرمی خواهد بود؟!

## باب شصت و هفتم

### آنچه که نعیم بن حماد از علامتی که در ماه رمضان ظاهر می‌شود سخن گفته است

**۷۹.** «ابوهریره» از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:
در ماه رمضانی علامتی پیدا می‌شود و در ماه شوال گروهی آشکار می‌شوند آن گاه در ماه ذیقعده جنگ و فتنه هایی به وجود خواهد آمد و در ماه ذی الحجة حاجی‌ها را غارت می‌کنند، در ماه محرم حرامهایی حلال می‌شوند، در ماه صفر زد و خوردهایی خواهد شد، بعد از آن در دو ماه ربیع قبیله‌ها به نزاع و جنگ می‌پردازند، بعد از آن شتری جهازدار که انسان را ببرد بهتر است. از قریه‌ای که بیش از صد هزار نفر در آن سکونت دارند. (یعنی فرار از آنجا بهتر از ماندن است)

Scanned by CamScanner

## الباب ٦٨

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّادِ

فِي الصَوت فِي شَهر رَمَضان وَ مُنَادٍ مِنَ السَّماءِ بِاسمِ فُلَان.

٨٠. حَدَّثَنا نَعِيم عَنْ الوَلِيد عَنْ عَنبسَةِ القُرَشِي عَنْ بنِ أَبِي سَلمة عَن شَهر بنِ حُوشَبْ، قَالَ: بَلَغَنِي أَنَّ رَسُولَ الله (ص) قَالَ:

«يَكُونُ فِي رَمَضَان صَوت، وَفِي شَوّال مَهْمَهة، وَفِي ذِي القِعدَة تَتَحارَبُ الْقَبائِل، وَفي ذِي الحجّةُ يُنتَهبُ الْحَاج، وَفِي المُحَرّم يُنادِي مُنادٍ مِنَ السَّماءِ: أَلَا إنَّ صَفوَة الله مِنْ خَلْقِهِ فُلَان، فَاسْمَعُوا لَه وَأَطِيعُوا» (كنزالعمال ج ١٤ ص ٢٧٤ حديث ٣٨٧٠٥).

## الباب ٦٩

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّادِ فِي العَمُود

مِن نَارٍ مِنْ قِبَلِ المَشْرِق وَ إعدَادِ طَعَامِ سَنَة.

٨١. حَدَّثنا نَعِيم عَنْ عِيسَى بن يُونس وَالوَلِيد بنِ مُسلِم عَنْ ثُورِ بنِ يَزِيد عَنْ خَالِدِ بن مَعدان قَالَ: سَتبدُو آيَةَ عَمُود مِنَ نَار تَطْلَعُ مِنْ قِبَل المَشرِقَ يَرَاها أَهلُ الأَرض كُلّهُم، فَمَن أَدْرَكَ ذَلك فَليُعِدّ لِأَهْلِه طَعَامَ سَنَة

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٧ / ٦٢٣).

## باب شصت و هشتم

### آنچه که نعیم بن حماد از صدایی که در ماه رمضان پیدا می‌شود سخن گفته و نیز منادی از آسمان بنام کسی فریاد می‌زند

**۸۰.** «شهر بن حوشب» می‌گوید: به من چنین رسیده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

در ماه رمضانی صدایی بلند می‌شود و در ماه شوال بلا و در ماه ذیقعده قبیله‌ها به جنگ خواهند پرداخت و در ماه ذی الحجة حجاج غارت می‌شوند و در ماه محرم منادی از آسمان فریاد می‌زند: «آگاه باشید که برگزیدهٔ خلق خدا فلانی است، پس به سخنان او گوش دهید و او را اطاعت کنید».

## باب شصت و نهم

### آنچه که نعیم بن حماد نقل می‌کند باینکه ستونی از آتش از طرف مشرق ظاهر می‌شود که در اینصورت باید غذای یکساله را فراهم کرد

**۸۱.** «خالد بن معدان» می‌گوید:

به زودی عمودی از آتش از طرف مشرق آشکار می‌شود که همه مردم آن را می‌بینند هر کس آن را دید باید غذای یک ساله خانواده خود را فراهم نماید. یعنی در آنجا قحطی و کمبود مواد غذایی اتفاق خواهد افتاد.

Scanned by CamScanner

## الباب ٧٠

فِيمَا ذكَرهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّاد فِي العَلَامةِ
فِي شَهرِ رَمَضان وَإِعدَادُ الطَعَام أيْضاً.

فَقَال نَعِيم فِي كِتَابِ الفِتَن مَا هَذَا لَفظُه:

**٨٢.** قَالَ: وَقَالَ الوَلِيد:

وَأَخبَرَنا صَفوانِ بنِ عَمْرو، عَنْ عَبدُ الرَّحمَن اِبنِ جُبيرِ بن نُفير عَنْ كَثِيرِ بنِ مُرَّةِ الحَضرَمي، قَالَ: آيَةُ الحَدَثان فِي رَمَضَانِ عَلَامةُ فِي السَّماَء يَكُون بَعدها اختَلافُ النَّاس، فَإِنْ أَدرَكتَها فَأَكثِرْ مِنَ الطَعامِ مَا اسْتَطَعْتَ

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٧ / حديث ٦٣٤).

## الباب ٧١

فِيمَا ذكَرهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّاد مِن آيَة فِي زَمانِ السُفيَانِي الثَانِي.

فَقَالَ نَعِيمُ فِي كِتَابِ الفِتَن مَا هَذَا لَفظُه:

**٨٣.** قَالَ الوَلِيد:

وَأَخبَرَنِي شَيخ عَن الزُّهَـرِي، قَـالَ: فِي وِلَايـة السُـفْيانِي الثَـانِي وَخُرُوجِه عَلَامَةُ تَرَى فِي السَّماء

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٧ / حديث ٦٣٥).

**٨٤.** وَرُوِي عَن كَثِيرِ بنِ مُرَّة فِي حَدِيثَين مَعنَاهُمَا وَاحِد، قَالَ:

إِنِّي لَأَنْتَظِرُ آيَة الْحَدَثان فِي رَمَضانِ مُنذُ سَبعِينَ سَنَة.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ /٢٢٧ـ٢٢٨ حديث ٦٣٦).

Scanned by CamScanner

## باب هفتادم

### آنچه که نعیم بن حماد از علامتی که در ماه رمضان ظاهر می‌شود سخن گفته در این وقت مردم باید غذای یکساله خود را فراهم نمایند

**۸۲.** «کثیر بن مرّه حضرمی» می‌گوید:

نشانی حادثه و سختی روزگار آن است که در رمضانی علامتی در آسمان پیدا می‌شود و بعد از آن اختلاف میان مردم شروع می‌شود، اگر آن زمان رادرک کردی هر چه در توان داری غذا تهیه کن.

## باب هفتاد و یکم

### آنچه که نعیم بن حماد از نشانه زمان سفیانی دوم بیان می‌کند

**۸۳.** زهری می‌گوید:

از زمان خروج و سلطنت سفیانی دوم، علامتی در آسمان دیده می‌شود.
و کثیر بن مرّه به دو طریق روایت می‌کند که معنای هر دو یکی است و آن اینکه من هفتاد سال است منتظر حادثه‌ای هستم که در ماه رمضانی اتفاق خواهد افتاد.

**۸۴.** از کثیر بن مره دو حدیث نقل شده که معنی واحدی را دارند او گفت:

من مدت هفتاد سال است که منتظر وقوع دو حادثه در ماه رمضان هستم.

Scanned by CamScanner

## الباب ٧٢

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّاد فِي كِتَابِ الفِتَن مِنْ نَجْم الآيَات.

**٨٥.** حَدَّثَنا نَعِيم عَنْ الوَلِيد، قَالَ:

بَلَغَنِي أَنَّهُ قَالَ: يَطْلَعُ نَجْمُ مِنَ المَشْرِقِ قَبلَ خُرُوج المَهدِي لَهُ ذِنَابُ يُضِيُء لِأَهلِ الأَرض كَإِضاءةَ القَمَر لَيلَةَ البَدر.

قَالَ الوَلِيد: وَالْحُمرَة وَالنُجُوم الّتِي رَأَيناهَا لَيسَتْ بِالآيَاتِ، إِنَّمَا نَجم الآيَات نَجم يَتَقَلّبُ فِي الآفَاق فِي صَفَر أَو فِي رَبِيعَين أَو فِي رَجَب، وَعِـنـدَ ذَلك يَسِير خَاقَان بِالأَتراكَ، تَتْبَعهُ روم الظَوَاهِر بِالرايات وَالصَلْب

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٩ / حديث ٦٤٠).

## الباب ٧٣

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّاد فِي كتَابِ الفِتَن أَيضاً

مِن اِنْكِسافِ الشَمس مَرَّتَين فِي شَهرِ رَمَضَان قَبلَ الْـمَهدِي.

**٨٦.** حَدَّثَنا نَعِيم، حُدِّثْتُ عَنْ شَرِيك، قَالَ:

بَلَغنِي أَنَّه تَنْكَسِفُ الشَّمْسُ قَبلَ خُرُوجِ الْـمَهْدِي فِي شَهرِ رَمَضَان مَرَّتَين

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٢٩–٢٣٠ ذيل حديث ٦٤٢).

Scanned by CamScanner

## باب هفتاد و دوم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود از نشانه‌های یک ستاره حرف می‌زند

۸۵. ولید می‌گوید:

قبل از خروج مهدی(علیه السلام) ستاره دنباله‌داری از مشرق طلوع می‌کند که مثل شب چهارده برای مردم نور می‌دهد.

ولید می‌گوید: هیچکدام از آن قرمزی و ستاره‌هائیکه ما دیدیم آن علامت نیستند، ستارۀ آن علامتها، ستاره‌ای است که در ماه صفر یا در ماه ربیع‌الاول یا ربیع الثانی یا ماه رجب در جهان به گردش می‌پردازد و پادشاه آن زمان خاقان با ترکها حرکت می‌کند و دولت روم با بیرقها و اسلحه‌های پولادین از او حمایت خواهند کرد.

## باب هفتاد و سوم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود از نشانه‌های یک ستاره حرف می‌زند

۸۶. شریک می‌گوید:

به من چنین خبر رسیده که در ماه رمضان قبل از خروج مهدی (عج) آفتاب دو بار خواهد گرفت.

Scanned by CamScanner

## الباب ٧٤

فِيمَا ذَكَرَهُ نُعَيمُ بنُ حَمَّاد مِنْ عَلَامَةِ هَلَاكِ بَنِي العَبَّاس وَمَا يَتْبَعُ ذَلِك.

٨٧. حَدَّثَنا نَعِيم عَنْ عَبدِالله بنِ مَروَان عَنْ أرطَأةِ بنِ الْمُنْذَر عَنْ تَبِيع عَنْ كَعْب، قَالَ: هَلَاكُ بَنِي العَبَّاس عِندَ نَجْمٍ يَظْهَرُ فِي الجَوف، وَهَدّة وَوَاهِية (و هى الحائط المشرف بالسقوط)، يَكُونُ ذَلِكَ أَجْمَع فِي شَهرِ رَمَضان [تَكُونُ الحُمرة] مَا بَينَ الْخَمس إلى العِشرِين [وَالهدّة فِيما بَينَ النِصف إِلَى العِشرِين] وَالواهِية مَا بَينَ الْعِشرِينَ إلى أربَعَ وَعِشرِينَ، وَنَجم يُرمى بِه يُضيء كَمَا يُضيءُ الْقَمَر، ثُم يَلتَوِي الحَيَّة حَتَى يَكَادُ رأَساهَا يَلْتَقِيَان، والرَّجْفتَان فِي لَيلة الفُسحَين، وَالنَّجْمَ الَّذِي يُرمى بِه شَهَابُ يَنْقَضُّ مِنَ السَّماءِ مَعَه صَوتُ شَدِيد حَتَى يَقَعَ فِي الْمَشرِق ثُم يَصِيبُ النَّاسَ مِنه بَلَاءُ شَدِيد

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٣٠ / حديث ٦٤٣).

## الباب ٧٥

فِيمَا ذَكَرَهُ نُعَيمُ بنُ حَمَّاد مِن دَلَائِل اِنقِطَاع مُلك بَنِي العَبَّاس.

٨٨. حَدَّثنا نَعِيم، حَدَّثنِي شَيخُ مِنَ الْكُوفِيين عَنْ لَيثِ بن أَبِي سَلِيم عَنْ شَهرِ بنِ حُوشَب عَنْ أَبِي هُرَيرة، قَالَ: فِي رَمَضَانِ هدّة تُوقِظَ النَّائِم، وَتَخْرُج العَوَاتِق مِنْ خُدورِهَا، وَفِي شَوَّال مَهمَهَة، وَفِي ذِي القِعدَة تَمْشِي الْقَبَائِل بَعضُها إلى بَعض، وَفِي ذِي الحِجَّة تُهرقُ الدِماء، وفِي المُحَرَّم وَمَا المُحَرَّم؟! يَقُولُها ثَلَاثاً، وَهُو عِندَ اِنْقِطَاع مُلكِ هَؤلاء

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٣٠ / حديث ٦٤٥).

وَذَكَر عِدّةُ أَحَادِيثُ فِي الحَادِثَة فِي شَهرِ رَمَضان، وَنَحوَ مَا قَدَّمْنَاه مِن التَجَدُّدَات فِي شَوَّالِ وَذِي القِعدَة وَ ذِي الحِجَّة.

Scanned by CamScanner

## باب هفتاد و چهارم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود از گرفتگی دوباره خورشید در ماه رمضان قبل از قیام مهدی سخن می‌گوید

**۸۷.** کعب می‌گوید:

هلاکت بنی عباس در نزد شما با ترس و ناراحتی واقع می‌شود، ما بین بیست الی بیست و پنج ستاره است که همه آنها ستاره‌های نورانی را که مانند ماه است پرتاب می‌شوند، و آن ستاره‌ای است که با صدای شدیدی سقوط کرده و در مشرق فرود می‌آید آنگاه مثل مار بخود می‌پیچد که تصور می‌شود دو طرف آن به هم می‌رسد و در یک شب زلزلهٔ نحسی اتفاق می‌افتد و سپس به مردم بلای سختی می‌رسد.

## باب هفتاد و پنجم

### آنچه که نعیم بن حماد از نابودی حکومت بنی العباس و همراهان آن‌ها بیان کرده است

**۸۸.** «ابوهریره» می‌گوید:

در رمضانی صدای شدیدی شنیده می‌شود که خفتگان را بیدار می‌کند زنان آرایش کرده و از منزلهای خود بیرون می‌روند و در ماه ذیقعده بعضی از قبیله‌ها به سوی یکدیگر حرکت می‌کنند و در ماه ذی‌حجة خونها ریخته خواهد شد و سه مرتبه گفت: محرم چه محرمی!؟ آن محرم پایان حکومت آن گروه است.

Scanned by CamScanner

## الباب ٧٦

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّاد
فِي كِتَابِ الفِتَن مِنَ المَلَاحِم عِندَ خَرَابِ الشَام.

٨٩. حَدَّثَنا نَعِيم عَنْ إبنِ وَهَب عَنْ عَبدُالله بنِ عُمَر، عَنْ أَبِي النَّضْر عَنْ كَعْب، قَالَ: لَا يَزالُ النَّاسُ فِي مُدَّةٍ حَتَى يَقْرَعُ الرَّأسِ، فَإذا أَقْرَعَ الرَّأس ـ يَعني: الشَام ـ هَلَكَ النَّاس، قِيلَ لِكَعب، وَمَا قَرَع الرَّأس؟ قَالَ: الشَام تُخْرب

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٣٧ حديث ٦٦٨).

## الباب ٧٧

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمُ بنُ حَمَّاد فِي كِتَابِ الفِتَن مِن إسْتِمرارِ فِتنَةِ الشَام
حَتَى يُنادِي مُنادٍ مِنَ السَّماَء:إنّ أميرَكُم فُلان.

٩٠. حَدَّثَنا نَعِيم عَنْ إبن المُبارك وَعَبدُ الرزَّاق عَنْ مُعْمر عَنْ رَجل عَنْ سَعِيد بنِ المُسَيَّب، قَالَ: تَكُونَ بِالشَام فِتنَةٌ كُلَّمَا سَكَنَتْ مِنْ جَانِب طَمَّتْ مِنْ جَانِب، فَلَا تَتَناهَى حَتَى يُنادِي مُناد مِنَ السَّماَء: إنَّ أَمِيرَكُم فُلان

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٣٧ ـ ٢٣٨ حديث ٦٧٣).

أَقُول أَنَا وَقَد رَوَى أَحمَدُ بْنَ الْمُنادِي فِي كِتابِ المَلَاحم هَذَا الحَدِيث أتمّ مِنْ هَذا.

Scanned by CamScanner

## باب هفتاد و ششم

### آنچه که نعیم بن حماد در کتاب فتن خود از حوادث و رویدادها بهنگام ویرانی شام خبر داده است

۸۹. عبدالله بن عمر از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:

مردم در امنیت‌اند. تا اینکه (سر) یعنی شهر شام درهم کوبیده شود پس وقتی که شهر در هم کوبیده شد مردم نابود می‌شوند از کعب پرسیدند: کوبیدن سر یعنی چه؟ گفت: ویرانی شهر شام توسط دشمن.

## باب هفتاد و هفتم

### آنچه نعیم بن حماد در کتاب فتن پیرامون ادامه فتنه در شام بیان کرده تا آنکه منادی ندا کند حکمران شما فلانی است

۹۰. «سعید بن مسیب» می‌گوید:

در شام فتنه‌ای بوقوع خواهد پیوست که از هر ناحیه‌ای که آن را سرکوب کنند از ناحیه دیگری سربلند خواهد کرد برای آن فتنه بزرگ، پایانی نیست تا اینکه منادی از آسمان ندا کند که امیر شما فلان خواهد بود.(یعنی حضرت مهدی (عج))

Scanned by CamScanner

## الباب ٧٨

فِيمَا ذَكَرهُ نُعيم فِي المَعقل مِنَ الفِتَن، مِنها: اليَمن.

٩١. حَدَّثَنا نُعيم عَنْ مُحَمَّدِ بنِ حُمَير عَنْ السَّقرِ بنِ رُستم، قَالَ: سَمِعْتُ سَعِيد بـنَ مُهاجِر الوَصَابِي، يَقُولَ:

إذا كَانَت فِتنَةُ المَغرِب، فَشَدُّوا قَبلَ نِعَالِكُم إلى اليَمَن، فَإِنَّهُ لَا يُنجِيكُم مِنها أَرْضَ غَيرِها (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٤٦ حديث ٧٠٠).

## الباب ٧٩

فِيمَا ذَكَرهُ نُعيم أَنَّ جَبَل الْخَلِيل ﷺ مَعْقَل.

٩٢. حَدَّثَنا نُعيم عَنْ مُحَمَّدِ بنِ حِمير عَنِ الوَضِينِ بنِ عَطَاء أَنَّ رَسُولَ اللهِ (ص)، قَالَ:

«جَبَلُ الخَلِيل جَبَلٌ مُقدّس، وَإِنَّ الفِتْنَةَ لَمَّا ظَهَرَتْ فِي بَنِي إسرائِـيل أَوْحى اللهُ إلى أنبيائِهِم أَنْ يَفِرُّوا بِدِينِهِم إلى جَبَل الخَلِيل»

(كنزالعمال ج ١٢ ص ٢٨٦ حديث ٣٥٠٦٣)

## الباب ٨٠

فِيمَا ذَكَرهُ نُعيم مِنْ أَنَّ سَاحِلَ البَحر مَعْقل.

٩٣. قَالَ: حَدَّثَنا عَبدُ القُدّوس عَنْ صَفْوَان عَن سَعِيدِ بن خَالِد عَن مطر مَولى أمّ حَكيم عَنْ كَعْب، قَالَ: أَظَلَّتكُم فِتنَة كَقِطَع اللَّيلِ الـمُظلِم لَا يَبقَ بَيتُ مِنْ بُيُوتِ الـمُسلِمِين بينَ المَشرِق وَالمَغرِب إلَّا دَخَلَته، قيلَ: فَمَا يَخلص مِنها أَحدٌ؟ قَالَ: يَخلص مَن استَظَلَّ بِظِلِّ أَفنان فِيمَا بَينه وَبَينَ البَحر فَهُو أَسْلَم النَّاس مِنْ تِلكَ الفِتْنَة، فَإِذا كَانَ مِائَة وَاثْنَان وَعِشْرُون سَـنَة اِحْتَرَقَتْ دَارِي هَذه، فَاحترَقَتْ دَارُه حِينَئِذٍ

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٥١ / حديث ٧١١).

Scanned by CamScanner

## باب هفتاد و هشتم

### آنچه که نعیم در کتاب فتن خود پیرامون فتنه یمن بیان کرده است

**۹۱.** «مهاجر وصابی» می‌گوید: موقعی که فتنه مغرب بر پاشد بـه سـوی یمن حرکت کنید، زیرا هیچ سرزمینی غیر از آن، شما را نجات نخواهد داد.

## باب هفتاد و نهم:

### آنچه که نعیم در کتاب فتن خود پیرامون کـوه ابـراهـیم کـه پـناهگاه مناسبی است بیان کرده است

**۹۲.** «وضین بن عطاء» می‌گوید: رسول خدا فرمود:
کوه ابراهیم کوه مقدسی است وقتی که فتنه و آشوب در بنی اسرائیل رخ می‌داد خداوند به پیامبر خود وحی می‌کرد که به کوه ابراهیم پناه برد.

## باب هشتادم

### آنچه که نعیم درباره ساحل دریا که جای مناسبی برای پناهگاه است بیان کرده است

**۹۳.** «کعب» می‌گوید:
فتنه‌ای چون شب تاریک شما را فرا خواهدگرفت که بین مشرق و مغرب خانه‌ای از مسلمین باقی نمی‌ماند مگر اینکه آن فتنه داخل آن شود. پرسیدند: آیا کسی از آن فتنه رهائی نخواهد یافت؟ گفت: کسی نجات خواهد یافت که زیر شاخه‌های درختی که بین او و دریاست بـنشیند و آن از سـالمترین کسانی است که از این فتنه خود را نجات داده است وقتی سـال ۱۲۲ فـرا رسید خانه من و خانه او دچار طعمه آتش خواهد شد.

Scanned by CamScanner

## الباب ٨١

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم: أنّ أَنْجَى النَّاسُ مِنْ فِتْنَةِ الصَّيلَم أَهلُ السَّاحِلِ وَأَهْلُ الْحِجَاز.

**٩٤.** قَالَ: حَدَّثَنا عَبدَ القُدُّوس عَنْ أَرطاةِ بنِ المُنْذَر عَن ضَمْرةَ بْنِ حَبِيب، قَالَ:

**أَنجَى النَّاسُ مِنْ فِتنَةِ الصَّيلَم أَهلَ السَّاحِلِ وَأَهْلَ الْحِجَاز**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٥٤ / حديث ٧١٥).

## الباب ٨٢

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم: أَنَّهُ يَنجُو مِنَ الْفِتْنَةِ كُلِّ مُؤمِن نُومَة.

**٩٥.** قَالَ: حَدَّثَنا اِبنُ المُبارَك وَحَدّثَنا عوفُ عَنْ رَجِل مِنْ أَهلِ الكُوفة أَحْسَبَه قَالَ:

**اِسمُه مُسافِر، عَنْ عَلِي، قَالَ: «يَنْجُو فِي ذَلِكَ الزَّمَان كُلِّ مُؤمِن نَوَمَة»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٥٩ حديث ٧٣٦).

**٩٦.** وَفِي حَدِيثِ: وَسُئِلَ عَنِ النُوَمَة؟ فَقَال:

**«اَلسَاكتُ فِي الْفِتْنَة، فَلَا يَبْدُو مِنه شَيء»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٥٩ حديث ٧٣٥).

Scanned by CamScanner

## باب هشتاد و یکم

### آنچه که نعیم ذکر کـرده و گـفته است پـیروزمندترین مـردم از فـتنه شمشیر و بلاء، مردم ساحل و حجازند

**۹٤.** «ضمرة بن حبیب» می‌گوید:
رستگارترین مردم از فتنه شمشیر و بلاء، مردم ساحل و اهل حجازند.

## باب هشتاد و دوم

### آنچه نعیم ذکر کرده که شخصی خواب و ساکت از فتنه نجات می‌یابد

**۹۵.** شخص کوفی بنام (مسافر) از علی(علیه السلام) روایت کرده که فـرمود: مؤمنی که خواب باشد از آن فتنه نجات می‌یابد.

**۹٦.** و حدیثی دیگری است که پرسیدند:
منظور از خواب چیست فرمود: کسی که در آن فتنه سکوت کند و حرفی نزند.

Scanned by CamScanner

## الباب ٨٣

فِيمَا ذَكَرَهُ مِن عَلَامَةِ ظُهُورِ المَهْدِي...

**٩٧.** حَدَّثنا نَعِيم، حَدَّثَنا الحَكَمِ بنِ نَافِعٍ عَنْ جَرّاحٌ عَنْ أرطَاة بنِ المُنذر، يَقُول فِي آخِره:

ثُم يَدخُلُ [جُنود] الصَخرِيّ إلى الكُوفَة فَيَسُوم أَهْلَها [الخَسْفَ، وَيُوَجِّهُ جُنداً مِنْ أهلِ المَغرِب إلى مَنْ بإزائِه مِنْ جُنود المَشرِق] فَيَأتونُه بِسَبِيْهِم، وَإنَّه لَعَلى ذَلِكَ إذ يَأْتِيهُ خَبَرُ ظُهُور الْـمَهدِي بِمَكّة فَيَقْطَعَ إلَـيه مِنَ الكُوفَة بَعثاً يُخسَفُ بِه (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٧٥ـ٢٧٦ حديث ٧٩٦).

## الباب ٨٤

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنْ أَنَّ بَينَ خُرُوجِ الرَّايَةِ السَّودَاء وَشُعَيبِ ابنِ صَالِحٍ وَبَينَ أَنْ يُسَلِّمَ الأَمر لِلْمَهْدِي اِثْنَانَ وَسَبعُون شَهراً.

**٩٨.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا الْوَلِيد عَنْ أَبِي عَبدِالله عَنْ عَبدِ الْكَرِيم عَـن اِبْـنِ الْحَنَفِيّة، قَالَ:

بَينَ خُرُوج الرَّايَةِ السَّوداءَ مِن خُرَاسان وَ شُعَيبِ بن صَالِحٍ وَخُرُوجِ المَهدِي وَبينَ أَنْ يُسَلِّمَ الأَمر لِلْمَهدِي اِثْنَان وَسَبعُون شَهْراً

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٧٨ حديث ٨٠٤).

Scanned by CamScanner

## باب هشتاد و سوم

### آنچه نعیم از علائم ظهور حضرت مهدی ذکر کرده است

**۹۷.** «ارطاة بن منذر» می‌گوید:
لشکر صخری به سوی کوفه می‌آید و سواران خود را آنجا جایگزین می‌کند و اسیرها را نزد او می‌آورند و در همان موقع به او خبر می‌دهند که مهدی (عج) در مکه ظهور کرده آنگاه صخری گروهی را از کوفه به سوی او می‌فرستد که زلزله آنها را در برگرفته و در زمین فرو می‌روند و همگی زنده بگور می‌شوند.

## باب هشتاد و چهارم

### آنچه که نعیم ذکر کرده از اینکه فاصله بین خروج پرچم سیاه و شعیب بن صالح و خروج مهدی هفتاد و دو ماه است

**۹۸.** «ابن حنفیه» می‌گوید:
خروج بیرق سیاه از خراسان و سعید بن صالح و خروج مهدی (عج) و واگذاری حکومت به او در مدت هفتاد و دو ماه خواهد بود.

Scanned by CamScanner

## الباب ٨٥

فِيمَا ذِكرَهُ نَعِيم مِنْ خُرُوج السُفيَانِي ثُم الْـمَهْدِي.

٩٩. قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا الوَلِيد وَرُشْدين عَنْ اِبْنِ لَهيعَة عَنْ أَبِي قَبِيل، قَالَ:

يَمْلِكُ رَجُل مِنْ بَنِي هَاشِم فَيَقْتُل بَنِي أُميّة، فَلَا يَبْقَ مِنْهُم إلَّا الْيَسِير لَا يَقتُل غَيرهُم، ثُم يَخرُجُ رَجُلُ مِن بَنِي أُميّة، فَيَقتُل بِكلِّ رَجُلٍ رَجُلَين حَتَى لَا يَبقَ إلَّا النِسَاء ثُمّ يَخْرُجُ المَهدِي (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ /ص ٢٨٢ حديث ٨٢١).

## الباب ٨٦

فِيمَا ذكرهُ نَعِيم: إِذَا كَانَت هُدَّة بِالشَام
قَبلَ الْبَيْدَاء فَلَا سُفيَانِي وَلَا بَيْداء.

١٠٠. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا رُشدين عَنِ لَيث عَمَّن حَدَّثَه عَن تَبيع، قَالَ:

إذَا كَانَتْ هُدَّة بِالشَام قَبلَ الْبِيداء فَلَا بَـيداء وَلَا سُـفيانِي ـ قَـالَ اللَيثَ: كَانَتِ الهُدّة بِطَبَرِيَّة، (بُليدة من الأردن) فَاسْتَيْقَظَتْ لَهَـا بِـالْفُسطَاط (المصر و البصره) ـ وتُخْلَعُ لَهَا أَجْنِحَة، فَإذَا هيَ لَيلَةُ طَبَرِيّة

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٨٣ / ٢٨٤ حديث ٨٢٩).

## الباب ٨٧

فِيمَا ذكرهُ نَعِيْم: أَنَّ الهِدَّة فِي زَمَان السُفْيَانِي الثَانِي.

١٠١. قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا الحِكَم بنِ نَافِع عَنْ جَرَّاحَ عَنْ أَرطَأة، قَالَ:

فِي زَمَانِ السُفيَانِي الثَانِي تَكُونُ الهُدَّة حَتَى يَظُنَّ كُلُّ قَوم أَنَّـهُ قَـدْ خَرِبَ مَا يَلْيِهِمْ (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٨٤ / حديث ٨٣٢).

Scanned by CamScanner

## باب هشتاد و پنجم

### آنچه که نعیم پیرامون خروج سفیانی و سپس ظهور حضرت مهدی آورده است

**۹۹.** «ابی قبیل» می‌گوید:

مردی از بنی هاشم مالک خلافت می‌شود و عده کمی از بنی امیه را می‌کشد آنگاه مردی از بنی‌امیه خروج می‌کند و بشمارهٔ هر مردی که (از بنی امیه کشته شده) دو مرد را می‌کشد تا اینکه غیر از زنها کسی باقی نمی‌ماند. بعد از آن مهدی (عج) ظهور می‌کند.

## باب هشتاد و ششم

### آنچه که نعیم ذکر کرده در وقتی که سر و صدائی از بیابان شام بر می‌خیزد و آن وقت نه از بیابان خبری است و نه از سفیانی

**۱۰۰.** «تَبیع» می‌گوید:

موقعی که سر و صدایی از طرف بیابان شام بلند شد نه بیابانی خواهد ماند و نه سفیانی، لیث می‌گوید: این هیاهو در طبریه (قصبه‌ای در اردن) بر پا می‌شود و اهل خیمه را بیدار کرده (اهل مصر و بصره) و پر و بالهایی ریشه کن می‌شود، این است حال (مردم) طبریه در آن شب.

## باب هشتاد و هفتم

### آنچه که نعیم گفته است در زمان سفیانی دوم صدایی برمی خیزد

**۱۰۱.** «أرطاه» می‌گوید:

در زمان سفیانی دوم صدای شدیدی بلند می‌شود که هر گروهی تصور می‌کند چیزی که نزدیک آنهاست خراب و ویران گردید.

Scanned by CamScanner

## الباب ٨٨
## فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم فِي السُفيَانِي قَدْ سَبَقَ ظُهُورُه فِي سنَة سَبعَ وَثَلَاثِينَ أو تِسْع وَثلاثِين.

**١٠٢.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا رُشدِين عَن اِبن لَهِيعَة عَنْ يَزِيد بنِ أَبِي حَبِيب، قَالَ: قَالَ رَسُول الله(ص):

**«خُرُوج السُفْيَانِي بَعدِ تِسعَ وَ ثَلَاثِين»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٨٤ / حديث ٨٣٠).

**١٠٣.** قَالَ ابنُ لَهِيعَة: وَأَخبَرَنِي عَبدُ العَزِيزِ بنِ صَالِح عَنْ عَكرَمَة عَنْ اِبْنِ عَبَّاس، قَالَ:

**إِنْ كَانَ خُرُوجُ السُّفيَانِي فِي سَنَة سَبعَ وَثَلاثِين، كَانَ مُلْكُه ثَمَانِية وَعِشرِينَ شَهرَاً، وَإِنْ خَرَجَ فِي تِسْع وَثَلاثِين، كَانَ مُلكُه تِسْعَةَ أَشهُر**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٨٤/حديث ٨٣١).

Scanned by CamScanner

# باب هشتاد و هشتم

## آنچه نعیم درباره سبقت ظهور سفیانی بنی سالهای ۳۷ و یا ۳۹ گفته است

**۱۰۲.** «یزید بن ابی حبیب» از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:
خروج سفیانی بعد از سی و سه سال است

**۱۰۳.** «ابن لهیعه» از ابن عباس روایت کرده که گفت:
اگر خروج سفیانی در سال ۳۷ باشد سلطنت او ۲۸ ماه ادامه خواهدداشت. و اگر خروج سفیانی در سال ۳۹ باشد سلطنت او ۹ ماه ادامه خواهد داشت.

Scanned by CamScanner

## الباب ٨٩

فِيمَا ذَكَرهُ مِنْ حَدِيث السُفيَانِي الَّذِي يَدخُلُ أَرضَ مِصْر.

**١٠٤.** قَالَ: حَدَّثَنا عَبدُاللهِ بنِ مَروَان عَنْ أَبِيه عَنْ عَبدُالله العُمَري عَنْ الْقَاسِم بنِ مُحَمّد عَنْ حُذَيفة، قَالَ:

إِذَا دَخلَ السُفْيَاني أَرضَ مِصرَ، أَقَامَ فِيهَا أَربعَة أَشْهرُ يَقْتُلُ وَ يَسْبِي أَهْلَهَا، فَيَومَئذٍ تَقُومُ النَّائِحات: باكِية تَبْكِي عَلَى إِستِحْلَالِ فُرُوجِها، وَباكِيَة تَبكِي عَلَى قَتلِ أَولَادِها، وَباكِيَة تَبكِي عَلَى ذُلِّهَا بَعْدَ عِزِّها، وَباكِية تَبكِي شَوقاً إِلى قُبورِهَا (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٩٠ / حديث ٨٤٧).

## الباب ٩٠

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيم فِي أَنَّ «مِصر» تَفتّ كَمَا تفتّ البعرَة.

**١٠٥.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، قَالَ: قَالَ اِبن وَهب: حَدَّثَنَا ابنِ لَهِيْعَة وَلَيث عَنْ يَزيد عَنْ أَبِي الخَير عَنِ الصَّنَابِحِي عَنْ كَعْب، قَالَ:

لِتفتَنّ «مِصر» كَمَا تفتّ البعرَة (فتى الشئ -كسره)

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٩٢ / حديث ٨٥٤).

Scanned by CamScanner

## باب هشتاد و نهم

### آنچه که نعیم پیرامون ورود سفیانی در سرزمین مصر گفته است

**۱۰۴.** حذیفه می‌گوید:

وقتی که سفیانی در سر زمین مصر وارد شد مدت چهار ماه در آن سرزمین می‌ماند و اهل مصر را می‌کشد و اسیر می‌کند در آن روز است که کار زنان، گریه خواهد بود زنی به خاطر برهنگی خود گریه می‌کند و زنی برای فرزندان خود می‌گرید و زنی بخاطر ذلت و زبونی می‌گرید و زنی بخاطر علاقه به مرگ می‌گرید.

## باب نودم

### آنچه که نعیم بیان کرده که کشور مصر مانند کشور بصره درهم شکسته خواهد شد همانطور که سرگین خرد و له می‌شود

**۱۰۵.** کعب می‌گوید:

مصر همانند بصره خرد و نابود خواهد شد.

Scanned by CamScanner

# الباب ٩١

## فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنْ حَدِيثِ الزَّورَاء وَ بيتُ الْعَبَّاس وَ مَا عَدَد عَلَيهِم.

١٠٦. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا نُوحُ بنُ أَبِي مَريَم عَنْ مَقَاتِل بنِ سُلَيمَان عَنْ عَطَاء عَنْ عُبيدِ بنِ عُمَيْر عَنْ حُذَيفَة أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ (حَم عسق) وَعُمَر وَعَلِي وَابْنُ مَسعُود وأُبيّ بنِ كَعْب وَابنُ عَبَاس ـ رَضِي الله عَنهُم ـ وَعِدّةٌ مِن أَصحَابِ رَسُولِ الله(ص) حُضُور، فَقَالَ حُذَيفَةِ: العَين عَذَابَ، وَالسِين: السُنَّة وَالْجَمَاعَة، وَالقَافِ: قَومٌ يَقذِفُونَ فِي آخر الزَّمان، فَقَالَ لَهُ عُمر: مِمَّن هُمْ؟ قَالَ: مِن وَلَد الْعَبَاس فِي مَدِينةَ يُقَال لَهَا: الزَّورَاء، يُقتَلُ فِيهَا مَقْتلةٌ عَظِيمَة، وَعَلِيهِم تَقُومُ السَّاعَة، فَقَالَ ابْـنُ عَبَاس: لَيسَ ذَلِك، وَلَكِن القَاف: قَذْفُ وَخَسْفُ يَكُون، قَالَ عُمَر لِحُذَيفَة: أَمَّا أَنْتَ فَقَدْ أَصَبْتَ التَفْسِير وَأَصَابَ اِبْنُ عَبَّاس الْـمَعنى، فَأَصَابَتْ اِبنُ عَبَاس الْحِمّى ـ حَتى عَادَه عُمَر وَعِدَّةُ مِنْ أَصحَاب رَسُولِ الله(ص) ـ مِمَّا سَمِعَ مِنْ حُذَيفَة (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٠٥ ـ ٣٠٦ / حديث ٨٨٨).

# فصل

## و ذكَر عَقِيبَ هَذَ الْحَدِيث فَقَالَ:

١٠٧. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا الوَلِيد عنْ أَبِي عَبدِالله عَنْ الوَلِيد هِشَام المُعِيْطي عَنْ أَبَانِ بن الوَلِيدِ بن عَقَبَةِ بنِ أَبِي مُعيط سَمع اِبنُ عَبَّاس يَقُول: ثُم يَخرُجُ السُفيَانِي فَيُقاتِل حَتَّى يَبْقَرُ بُطُونُ النِّسَـاءُ وَيُـغلِيَ الأَطـفَالُ فِي المَرَاجِل (المراجل جمع مرجل و هو قدر من الناس)

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٠٦ / حديث ٨٨٩).

Scanned by CamScanner

# باب نود و یکم

## آنچه که نعیم از حدیث زوراء و خانه عباس و تعداد آنها ذکر کرده‌است

۱۰۶. «عبیدة بن عمیر» می‌گوید: در مجلسی که علی(ع)، عمر، ابن مسعود، ابن عباس و عده‌ای از اصحاب رسول خدا(ص) حضور داشتند راجع به تفسیر (حمعسق) از حذیفه پرسش شد؟ حذیفه گفت:

عذاب (س) قحطی و خشکسالی(ق) گروهی هستند در آخر الزمان که ظهور می‌کنند.

عمر گفت: آنها چه کسانی هستند؟ گفت: از بنی عباسند در شهری که آن را(زوراء) می‌گویند که جنگ بزرگی در آن اتفاق می‌افتد و بر ایشان قیامتی بر پا می‌گردد.

ابن عباس گفت: این طور نیست که تو می‌گوئی بلکه (ق) رمز فرو رفتن به زمین است عمر به حذیفه گفت: تو خوب تفسیر کردی و ابن عباس خوب معنا کرد. تا آنکه ابن عباس دچار تب شد و عمر بهمراه عده‌ای از یاران رسول خدا (ص) وقتی از بیماری او آگاهی یافتند بحضورش بازگشتند تا از آنچه که از حذیفه شنیده بودند آگاه شوند.

### فصل

۱۰۷. ابان بن ولید از ابن عباس شنید که می‌گفت:

سفیانی خروج می‌کند و می‌جنگد و جنگ طوری سخت می‌شود که شکم زنها شکافته می‌شود و اطفال در دیگهای مسی جوشانده می‌شوند.

Scanned by CamScanner

## فصل

وَذكر عَقِيبَ ذَلِك حَدِيثاً آخَر، فَقَالَ:

١٠٨. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا عَبدُاللهِ بنِ مَروَان عَنْ أَرْطَاة عَنْ تَبِيعُ عَنْ كَعب، قَالَ:

تُسبَى نِساءُ بَنِي العَبَّاس حَتَى يُورِدُهُنَّ قُرَى دِمِشق

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٠٦ ـ ٣٠٧ / حديث ٨٩٠).

## الباب ٩٢

فِيمَا ذَكَرَه نَعِيم مِنْ دُخُولِ السُّفيَانِي الكُوفة،
وَإِقامَتهُ بِهَا ثَمَانِيَ عَشَرةَ لَيلَة، وَيقتُل مِنْهَا سِتّينِ أَلفاً.

١٠٩. قَالَ: حَدَّثنا نَعِيم، حَدَّثَنا الحَكَمُ بْنُ نَافِع عَنْ جَرَّاحَ عَنْ أَرطَأة، قَالَ: يَدْخُلُ السُفيَانِي الكُوفَة فَيَسبِيهَا ثَلاثَةَ أَيَام، وَيَقتُل مِنْ أَهلِها سِتّينَ أَلفاً، وَيَمْكُث فِيهَا ثَمَانِي عَشَرةَ لَيلَةَ يُقَسِّمُ أَموَالَهَا، وَدُخُولُهُ الْكُوفَة ثُم ذَكَر تَمَامَ الحَدِيث ... إِلى أَنْ تَبعَث الرَّايَاتِ السُود بِالْبَيْعةِ إِلى المَهدِي

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١/ص ٣٠٨ حديث ٨٩٣).

Scanned by CamScanner

## فصل

و بدنبال آن حدیث دیگری ذکر می‌کند که چنین است:

۱۰۸. کعب حدیث را چنین نقل می‌کند:

زنان بنی عباس در لباس اسارت به روستاهای دمشق فرستاده می‌شوند.

## باب نود و دوم

### آن‌چه که نعیم از جریان ورود سفیانی به کوفه خبر داده به اینکه او مدت ۱۶ شبانه روز می‌ماند و شصت هزار نفر را می‌کشد

۱۰۹. أرطاة می‌گوید:

سفیانی داخل کوفه خواهد شد و سه روز اهل کوفه را اسیر خواهد کرد و شصت هزار نفر از آنها را خواهد کشت و هجده شب در کوفه خواهد ماند تا اموال آنها را تقسیم کند سپس تمام حدیث را نقل می‌کند آنگاه برافراشته می‌شود، سپس تمام حدیث را نقل می‌کند، آنگاه پرچمهای سیاهی برای بیعت به سوی مهدی (عج) برافراشته می‌شود.

Scanned by CamScanner

## الباب ٩٣

فِيَما ذَكَرَهُ نَعِيم مِنْ حَدِيثِ الرَّايَاتِ السُود لِلْمَهدِي بَعدَ رَاياتِ بَنِي العَبَّاس، وَبَينَها وَبَينَ المَهدِي اِثْنَان وَسَبْعُونَ شَهْراً.

١١٠. فَقَالَ: حَدّثنَا نَعِيم، حَدَّثَنا الوَلِيدُ بْنُ مُسلِم عَنْ [أَبِي] عَبْدِالله عَنْ عَبْدِ الكَرِيم أَبِي أُميَّة عَنْ مُحَمّدِ بنِ الحَنَفِية، قَالَ: تَخرُج رَايَة سَوْداء لِبَنِي العَبَّاس، ثُم تَخرُج مِنْ خُرَاسان أُخـرَى سَـودَاء، قَـلَانِسَهُم سَـود، وَثِيَابهَم بَيض، عَلَى مُقَدّمتِهُم رَجُل يُقَال لَهُ: شُعَيبِ بنِ صَالِح، أَو: صَالِح بنِ شُعَيب مِن تَمِيم، يُهْزِمُونَ أَصحَابَ السُفيَانِي حَتَى يَنزِلَ بَيْتَ المُقَدّس، يُوَطّئُ لِلْمَهدِي سَلطَانه، وَيُمدُّ إِلَيه ثَلَاثمِائَة مِنَ الشَام يَكُون بَينَ خُرُوجِه وَبَيْنَ أَنْ يُسَلِّمَ الأَمرَ الْـمَهدِي اِثنَان وَ سبعُونَ شَهْراً

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣١٠ حديث ٨٩٤).

## الباب ٩٤

فِيَما ذَكَرهُ نَعِيم مِن حَدِيث المَهدِي
ونُصْرَتُه بِمَنْ يَخرُجُ مِنْ خُرَاسَان.

١١١. قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا مُحَمّدِ بنِ فُضَيل وَعَبدُاللهِ بْنِ إِدرِيس وَجَرِير عَنْ يَزِيدِ بنِ أَبِي زِياد عَن إِبراهِيم عَنْ عَلقَمَة عَنْ عَبدِالله، قَالَ:

بَينَا نَحنُ عِندَ رَسُولَ الله(ص)، إِذْ جَاءَ فِتيَةٌ مِن بَنِي هَـاشِم، فَـتَغَيَّر لَونُه، فَقُلْنَا: يَا رَسُول اللهِ مَا نَزَال نَرَى فِي وَجْهِكَ شَيئاً نُكْرِهُهُ، قَال: «إِنَّا أَهْلُ بَيت اِخْتَارَ اللهُ لَنَا الآخِرَة عَلَى الدُنيا، وَإِنّ أَهلَ بَيْتِي هؤلآء سَيُلقُونَ

Scanned by CamScanner

## باب نود و سوم

### آنچه که نعیم از جریان پرچمهای سیاه و پرچمهای بنی العباس و فاصله میان آنها تا قیام مهدی که حدوداً ۷۲ ماه است بیان کرده است

**۱۱۰.** «محمد بن حنفیه» می‌گوید:

بیرق سیاهی از بنی عباس ظاهر می‌شود آن‌گاه از خراسان با بیرقهای سیاهی به راه می‌افتند که کلاه (صاحب) آنها سیاه و لباسشان سفید خواهدبود. جلو آنها مردی از (بنی) تمیم است که آن را «شعیب بن صالح» یا «صالح بن شعیب» می‌گویند، اصحاب سفیانی را شکست می‌دهد تا اینکه وارد بیت المقدس می‌شود و سلطنت آن را برای مهدی (عج) آماده می‌سازد و سیصد نفر از شام به سوی او می‌روند بین قیام او و تسلیم حکومت به مهدی علیه السلام هفتاد و دو ماه طول خواهد کشید.

## باب نود و چهارم

### آنچه که نعیم از جریان ظهور مهدی (عج) و اینکه حضرت از طرف مردی که از خراسان خروج می‌کند یاری می‌شود بیان کرده است

**۱۱۱.** عبدالله گوید:

در آن موقعی که ما در حضور رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بودیم جوانی از بنی هاشم آمد و رنگ آن حضرت تغییر کرد، گفتند: یا رسول الله چه شد که ما چهره شما را ناراحت می‌بینیم؟! فرمود: ما اهل بیتی هستیم که خدا آخرت را برای ما خواسته است و اهل بیت من بعد از من دچار بلا شده و

Scanned by CamScanner

بَعدِي بَلَاءً وَتطْرِيداً وَتَشرِيداً حَتَى يَأتِي قَومٌ مِنها هُنا مِـنْ نَحْـوِ الْـمَشرِق، أَصحَابِ رَايَات سُود، يَسْأَلُونَ الحَقّ فَلَا يَعطُونَه مَـرَّتَين أَو ثَلَاثاً، فيُقَاتِلُونَ فَيُنْصَرُون، فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا، فَلَا يُقْبِلُونَها حَتَى يَدْفَعُوها إلى رَجل مِن أَهل بَيتِي، فَيَمْلَأَهَا عَدْلاً كَمَا مَلؤُوها ظُلماً، فَمَـنْ أَدْرَك ذَلِك مِنكُم فَليأتِهم وَلَو حَبْواً عَلَى الثّلج فَإِنَّهُ الْـمَهْدِي»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣١٠ـ٣١١ / حديث ٨٩٥).

## الباب ٩٥

فِيمَا ذِكرهُ نَعِيم عَن المَهدِي وَنُصرَته بِرايَاتِ خُرَاسَان.

**١١٢.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا أَبُو نَصِير الْخَفَّاف عَنْ خَالِد عَنْ أَبِي قَـلَابة عَـنْ ثُوبان، قَالَ:

إذَا رَأَيْتُم الرَّايَات السُود خَرَجَتْ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَان، فَأْتُـوها وَلَـوْ حَبْواً عَلَى الثَّلْج، فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللهُ المَهدِي

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ /ص ٣١١ حديث ٨٩٦).

## الباب ٩٦

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيم مِن حَدِيث صفة شُعِيبِ بنِ صَالِح وَأَنَّه مُقدّمة لِلمَهدِي.

**١١٣.** حدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا عَبدُاللهِ بنِ إسمَاعِيل البَصرِي عَنْ أَبِيه عَن الحَسَن، قَالَ:

يَخرُجُ بِالْرَيْ رَجل ربعة أَسْمَر مَوْلَى لِبَنِي تَمِيم، كُوسَجْ يُقال لَه: شُعَيب بنِ صَالِح، فِي أَربَعة آلاف، ثِيابُهُم بِيض، ورَايَاتُهُم سُود، يَكون مُـقدّمة لِلمَهدِي لَا يَلقَاه أَحد إلاّ فلّه (اى هزمه)

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣١١ حديث ٨٩٧).

Scanned by CamScanner

(از حقوق خود) محروم خواهند شد تا اینکه عده‌ای که بیرق‌های سیاهی در دست دارند از طرف مشرق می‌آیند و دو یا سه بار خواستار حق خویشند ولی حق را به آنها نمی‌دهند تا این که جنگ کنند و پیروز شوند، آنگاه حقشان را به آنان بر می‌گردانند ولی قبول نمی‌کنند و حق رابه مردی از اهل بیت من رد می‌کنند و او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آن که پر از ظلم شده باشد هر کدام از شما آن را درک کردید باید خود را به آن برسانید ولو اینکه با دست و سینه خود، از روی برف بروید زیرا که او مهدی (عج) فرزند من است.

## باب نود و پنجم

### آنچه که نعیم از مهدی و یاری از او توسط پرچمدارانی که از خراسان می‌آیند بیان کرده است

**۱۱۲.** ثوبان می‌گوید:

موقعی که دیدید بیرق‌های سیاه از طرف خراسان بیرون آمدند خود را به آنها برسانید و لو اینکه با دست و سینه از روی برف بروید چونکه مهدی خلیفهٔ خدا در میان آنهاست.

## باب نود و ششم

### آنچه که نعیم از صفت شعیب فرزند صالح نقل می‌کند و آن را بعنوان پیش درآمد برای قیام مهدی ذکر نموده است

**۱۱۳.** حسن می‌گوید: مرد کوسهٔ گندمگون و متوسط القامتی که شعیب ابن صالح نام دارد و غلام بنی تمیم است با چهار هزار نفر که لباسشان سفید و بیرقهایشان سیاه است از ری قیام می‌کنند، او مقدمهٔ (خروج) مهدی (عج) است، با کسی برخورد نمی‌کنند مگر اینکه آن را خواهند کشت.

Scanned by CamScanner

## الباب ٩٧

فِيمَا ذكَرَه نَعيم أَنَّ لَوَاء الْـمَهدِي مَعَ شُعَيبِ بْنِ صَالِح.

**١١٤.** حَدَّثَنا نَعيم، حَدَّثَنا رُشْدين عَنْ لَهِيعَةَ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو زَرْعَة عَنْ اِبْنِ زُرَير عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِر قَالَ:

**الْـمَهْدِي عَلَى لِوَائِه شُعَيبِ بْنِ صَالِح**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣١١ حديث ٨٩٩).

## الباب ٩٨

فِيمَا ذكَرهُ نَعيم مِنْ صِفَة الشَّاب المَنصُور مِنْ بَنِي هَاشِم أَنَّ بِكَفِّهِ الْيُمْنى خَالاً وَبَينَ يَدَيْه شُعَيب بْنِ صَالِح.

**١١٥.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعيم، حَدَّثَنا سَعِيد أَبُو عُثْمان عَنْ جَابِر عَنْ أَبِي جَعفر، قَالَ:

**«يَخرُجُ شَابٌّ مِنْ بَنِي هَاشِم بِكَفِّهِ الْيُمْنى خَالٌ، مِن خُرَاسَان برايَاتِ سُود بَيْن يَديه شُعَيبِ بْنِ صَالِح يُقَاتِلُ أَصحَاب السُفيَانِي فَيهزِمَهُم**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣١٢ حديث ٩٠١).

## الباب ٩٩

فِيمَا ذكَرَهُ نَعيم مِنْ صِفَةِ أُخرى لِمَنْ يَحْمِلُ رَايةَ الْـمَهْدِي.

**١١٦.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعيم، حَدَّثَنا الوَلِيد وَرُشدَين عَنْ اِبْنِ لَهِيعَةَ كَعْب اِبنِ عَلْقَمَة عَنْ سُفيَانِ الْكَلبِي، قَالَ:

**يَخْرُجَ عَلَى لِواء المَهدِي غُلَام حَدِيثُ الْسِنَّ، خَفِيفُ الْلحِيَة أَصفَرَ، وَلَمْ يَذْكُرُ الوَلِيد: أَصفَر، لَو قَاتَل الجِبَال لَهزَّها، وَقَالَ الوَلِيد: لَهَدَّهَا حَتَى يَنزِلَ «إِيليَاء»**(اسم مدينة بيت المقدس)

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣١٢ حديث ٩٠٢).

Scanned by CamScanner

## باب نود و هفتم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که پرچم مهدی همراه با شعیب بن صالح است

**۱۱۴.** عمار بن یاسر می‌گوید:
شعیب بن صالح زیر لوای مهدی (عج) خواهد بود.

## باب نود و هشتم

### آنچه که نعیم بیان کرده که جوانی از بنی هاشم یاری می‌شود در حالی که خالی در دست راست خود دارد و در کنار او شعیب بن صالح است

**۱۱۵.** جابر از حضرت امام محمد باقر(علیه السلام) روایت کرده که فرمود:
جوانی از بنی هاشم که خالی در کف دست راست خود دارد با بیرقهای سیاهی از طرف خراسان خروج می‌کند که شعیب بن صالح در جلو او خواهد بود، بااصحاب سفیانی جنگ کرده و آنها را شکست خواهد داد.

## باب نود و نهم

### آنچه که نعیم پیرامون صفت دیگری برای کسی که پرچم مهدی را با خود دارد بیان می‌کند

**۱۱۶.** «سفیان کلبی» می‌گوید:
تازه جوانی با ریش کوتاه و رنگی زرد با یاران اندکی با پرچم مهدی (عج) قیام می‌کند که اگر با کوهها بجنگد آنها را ویران می‌کند تا اینکه وارد بیت‌المقدس می‌شود.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٠٠

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنَ الرَّايَاتِ السُود الصِغَار
مِنَ الْـمَشرِق تُؤَدِّي الطَاعَة إِلَى المَهْدِي.

١١٧. قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا رُشدَين عَنْ اِبْنِ لَهِيعَةَ عَنْ أَبِي قَبِيل عَن شَفِيَ عَنْ كَعْب، قَالَ: إذَا مَلِكَ رَجُلُ الشَام وَآخَرَ مِصرَ فَاقْتَتلَ الشَامِي وَالْمِصري وَسَبِيَ أَهلُ الشَام قَبَائِلَ مِنْ مِصْر وَأَقبَل رَجُلُ مِـنَ المَـشرِق بِرَايَاتِ سُود صِغَار قَبلَ صَاحِبِ الشَّام، فَهُو الَّذِي يُـؤَدِّي الطَّـاعَة إِلَى المَهْدِيَ، قَالَ أَبُو قَبِيل: ثُم يَمْلِكُ رَجُلُ أَسْمَـر يَمْـلَأُهَا عَـدْلاً ثُمَّ يَسِـير إِلَى الْـمَهْدِي، فَيُؤَدِّي إِلَيه الطَّاعَة وَيُقَاتِلَ عَنْه.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣١٢ ـ ٣١٣ حديث ٩٠٣).

## الباب ١٠١

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنْ نَصْرِ الَّذِي إِسمُهُ إِسْمُ النَّبِيّ
عَلَيهِ السَّلَام، بِرَايَةٍ مِنَ المَشْرِق.

١١٨. قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنَا عَبدُالله بْنِ مَرْوَان عَنِ الْـعَلاءِ بـنِ عُتْبَة عَنِ الحَسَن أَنَّ رَسُولَ اللهُ(ص)، ذَكَر بَلَاءَ يَلْقَاهُ أَهلُ بَيتِه حَتَى يَبعَثَ اللهُ رَايَةً مِنَ المَشرِق سَودَاء، مَنْ نَصَرَهَا نَصره الله، وَمَنْ خَذَلَهَا خَذَلَه الله حَتَى يَأْتُوا رَجُلاً إِسمُهُ كَإِسْمِي فَيُولُّوه أَمرَهم، فَيُؤَيِّدُهُ اللهُ وَينصُرُه.

(كتاب الفتن لابن حماد ج١ / ص ٣١٣/ حديث ٩٠٤).

Scanned by CamScanner

## باب صدم

### آنچه که نعیم پیرامون پرچمهای سیاه کوچکی که از طرف مشرق برافراشته می‌شوند و مطیع خواهند شد، بیان کرده است

**۱۱۷.** «کعب» می‌گوید:

وقتی که مردی شهر شام را گرفت و مرد دیگری مصر را تسخیر کرد و با یکدیگر جنگ کردند و اهل شام، اهل مصر را اسیر نمودند و مردی از طرف مشرق با بیرق‌های سیاه کوچکی به سوی حاکم شام آمد، آن مرد مطیع مهدی(عج) می‌شود و از طرف او می‌جنگد.

## باب صد و یکم

### آنچه که نعیم پیرامون مردی که نامش نام پیامبر است و پرچمدارانی از مشرق او را یاری می‌کنند بیان می‌کند

**۱۱۸.** امام حسن(علیه السلام) می‌گوید:

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) از بلایی یاد کرد که اهل بیتش به آن دچار می‌شوند تا اینکه خدا مردی را با بیرق سیاه از طرف مشرق می‌فرستد کسی که صاحب آن بیرق را یاری کند خدا او را یاری خواهد کرد و کسی که یاری او را ترک کند خدا یاری خود را ترک خواهد کرد سپس مرد بزرگی می‌آید که نامش نام من است و او را سرپرست خود می‌کنند و خدا او را یاری و تأیید می‌نماید.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٠٢

### فِيمَا ذَكَرهُ نُعيم أَنَّ الرَّايَةَ السَّودَاءَ الثَّانِيةَ مِنْ خُرَاسَان قَاهِرَةُ لِلْرَايَةِ السَّودَاءِ الأُولى وَهَازِمَة لَهَا.

**١١٩.** قَالَ: حَدَّثَنا نُعَيم، حَدَّثَنا الوَلِيد عَنْ رُوحِ ابْنِ أَبِي العَيزَار، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبدُ الرَّحْمَنِ بْنِ آدَمِ الأَزْدِي، قَالَ: سَمِعْتُ عَبدُ الرَّحمَنِ بْنِ الغَازِ بْنِ رَبِيعَةَ الجُرشِي، يَقُولَ: سَمِعْتُ عَمرو بْنِ مُرَّة الجُهَنِي صَاحِبَ رَسُولِ اللهَ(ص) يَقُول:

لَتَخرُجَنَّ مِنْ خُرَاسَان رَايَةُ سَودَاء حَتَى تَرْبِطَ خَيُولَهَا بِهَذَا الزَيتُون الَّذِي بَينَ «بَيت لَهيا» و «حَرَسْتا» قُلْنا: مَا نَرى بَينَ هَاتَين زَيْتُونة، قَالَ: سَيَصِيرُ بَينَهُما زَيتُون حَتَى يَنزِلَهَا أَهلُ تِلْكَ الرَّاية، فَتَرْبِطَ خُيُولَهَا بِهَا.

قَالَ عَبدُ الرَّحمَنِ بْنِ آدمَ: وَحَدَّثَتْ بِهَذَا الحَدِيث عَبدُ الرَّحمنِ بْنِ سَلْمَان، فَقَالَ: إِنَّما يَربطُ بِهَا أَهلُ الرَّايَة السَّوداء الثَّانِيةَ التِي تَخرُجُ عَلَى الأُولى، فَإِذَا نَزَلُوهَا خَرَج عَلَيهِم خَارِجِي مِنْ أَهلَ هَذه، فَلَا يَجِدُ مِنْ أَهلِ الرَّايَة الأُولى إِلاّ مُخْتَفِياً فَيَهْزِمَهُم

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣١٣ حديث ٩٠٥).

Scanned by CamScanner

# باب صد و دوم

## آنچه که نعیم بیان کرده که پرچم سیاه دوم از خراسان برافراشته می‌شود و بر پرچم سیاه نخستین پیروز می‌شود و آنها را شکست می‌دهد

**۱۱۹.** «عمر و بن مره جهنی» می‌گوید:

بیرق سیاهی از خراسان برافراشته می‌شود تا اینکه اسب سوارانی مرکب خود را به این درخت زیتون که بین دو قریه دمشق بنامهای «لهیا» و «حرستا» است می‌بندند. گفتیم: ما درختان زیتونی را نمی‌بینیم فرمود: بزودی این درخت پیدا خواهد شد و رشد خواهد کرد و صاحبان پرچم مرکب‌های خود را به آن خواهند بست.

عبدالرحمن بن آدم گفت: چنین حدیثی عبدالرحمن بن سلمان برایمان نقل کرده و او گفته است که صاحب دومین بیرق سیاه بر بیرق اول خروج می‌کنند و مرکبهای خود را با آن (درخت) می‌بندند وقتی که وارد شدند دومی بر اولی خروج می‌کند و از بین برنده بیرق اول، کسی نیست مگر یک نفر خارجی که پنهان می‌شود و آنها را شکست می‌دهد.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۰۳

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِن رَايَاتِ لِبَنِي الْعَبَّاس
وَمَا يَتَجدَّدُ بَعدَهَا مِنَ الرَّايَاتِ الَّتِي تُودِّي الطَّاعَة إلى المَهْدِي.

**۱۲۰.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا مُحَمّد بنِ عَبدُالله أَبُو عَبدِالله التَاهِرتي عَنْ عَبدِ الرَّحمَنِ بن زِيَادِ بْنِ أَنعَم عَنْ مُسلِمِ بْنِ يَسَار عَنْ سَعِيدِ بْنِ المُسَيِّب، قَالَ: قَالَ رَسُول اللهُ(ص):

«تَخرُجَ مِنَ المَشرِقَ رَايَاتِ سُود لِبَنِي العَبّاس، ثُمّ يَمْكُثُونَ مَاشَاءَاللهُ، ثُمَ تَخْرُجُ رَايَات سُود صِغَار تُقَاتِل رَجْلاً مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفيَان وَأَصْحَابِه مِنْ قِبَلِ المَشرِق، وَيُؤَدُّونَ الطَاعَة لِلْمَهْدِي»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱ / ص ۳۱۳ ـ ۳۱٤ حديث ۹۰٦).

## الباب ۱۰۴

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم فِي أَنَّ مِنْ عَلَامَات المَهدِي
وُصُولُ السُّفيَانِي الكُوفة.

۱۲۱. قَالَ: أَخْبَرنَا نَعِيم، حَدَّثَنا الوَلِيد وَرُشْدَين عَنْ إِبْنِ لَهِيعَة، حَدَّثَنِي أَبُو زَرعَة عَنْ إبنِ زُرَير [عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِر] قَالَ: إِذا بَلَغ السُفيَانِي الكُوفَة وَقَتَلَ أَعْوَانَ آلَ مُحَمّد، خَرَج الْـمَهدِي عَلَى لِوَائِهِ شُعَيْبِ بْنِ صَالِح

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱ / ص ۳۱٤ حديث ۹۰۸).

## باب صد و سوم

### آنچه که نعیم از پرچمهای بنی العباس ذکر می‌کند و پرچمهائی که بعدها به وجود می‌آید که منجر به اطاعت از مهدی می‌شود

۱۲۰. سعید بن مسیب از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
بیرقهای سیاهی از طرف مشرق برافراشته می‌شوند. و تا آن موقعی که خدا بخواهد، خواهند بود بعد از آن بیرقهای کوچك سیاهی از طرف مشرق برافراشته می‌شود و با یکی از فرزندان أبی‌سفیان و یارانش می‌جنگند و مطیع مهدی (عج) می‌شوند.

## باب صد و چهارم

### آنچه که نعیم از علائم ظهور مهدی که عبارت از رسیدن سفیانی به کوفه است بیان کرده است

۱۲۱. عمار یاسر می‌گوید:
موقعی که سفیانی به کوفه رسید و یاران آل محمد(ﷺ) را کشت مهدی(عج) خروج می‌کند و «شعیب بن صالح» در زیر پرچم او خواهد بود.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٠٥

فِيمَا ذكَره نَعِيم مِنْ أَنَّ الرَّايَاتِ السُود
الوارِدَة مِنْ خُرَاسَان تُبْعَثُ إِلى مَكَّة بِالطَّاعةِ وَالْبَيعَة لِلْمَهْدِي.

١٢٢. قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا سَعِيد أَبُو عُثْمَان عَنْ جَابِر عَنْ أَبِي جَعفر، قَالَ:

«تَنزِلُ الرَّايَاتِ السُود الَّتِي تخْرُجُ مِنْ خُرَاسانِ الكُوفة، فَإِذَا ظَهَر الْـمَهْدِي بِمَكَّة بُعِثَتْ إِلَيهِ بِالْبَيعَة»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣١٤ حديث ٩٠٩).

## الباب ١٠٦

فِيمَا ذكَرهُ نَعِيم مِنْ عَلَامَةِ الْـمَهدِي بِهَلَاكِ بَنِي جَعفَر
وَبَنِي العَبّاس.

١٢٣. قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا عَبدُاللهِ بْنِ مَروَان عَنْ أَرطَأَة عَـنْ تَبِيع عَنْ كَعْب، قَالَ: إِذَا دَارَتْ رَحَـا بَـنِي العَـبَّاس، و رَبَـطَ أَصْـحَابُ الرَّايَات السُود خِيولَهُم بِزَيتُونِ الشَـام، وَيُهـلِكُ اللهَ الأَصْهَب وَيَـقْتلُه وَعَامَّة أَهلِ بَيتِه عَلَى أَيدِيهم حَتَّى لَا يَبْقَ أُمَوِيٌّ مِنهُم إِلاّ هَارَبَ وَمُختَفٍ، ويَسْقُط السعفَتان: بَنُو جَعفَر وَبَنو العَبّاس، وَيَجْلِسُ ابْنُ آكِلَة الأَكْبَاد عَلَى مَنْبَر دِمشق، وَيَخرُج البَرْبَرْ إِلى سُرّة الشَام، فَهُو عَلَامَةُ خُرُوجِ المَهدِي

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣١٤ ـ ٣١٥ حديث ٩١٠).

Scanned by CamScanner

## باب صد و پنجم

### آنچه که نعیم بیان کرده باینکه پرچمهای سیاهی از خراسان برافراشته می‌شود و خود را به مکه می‌رسانند و با مهدی بیعت می‌کنند

**۱۲۲.** جابر از امام محمد باقر(ع) روایت کرده که فرمود:

گروهی با بیرقهای سیاهی از خراسان خروج می‌کنند و وارد کوفه می‌شوند، وقتی که مهدی (عج) خروج کرد برای بیعت نزد او خواهند شتافت.

## باب صد و ششم

### نعیم می‌گوید یکی از علائم ظهور امام زمان هلاکت و نابودی فرزندان جعفر و عباس است

**۱۲۳.** کعب می‌گوید:

وقتی که سنگ آسیای بنی عباس به گردش افتاد و دارندگان بیرقهای سیاه مرکبهای خود را به درخت زیتون شام بستند خداوند «اصهب» با خانواده‌اش طوری به دست آنها خواهد کشت که حتی یک نفر از امویان باقی نخواهد گذاشت مگر آنکه فراری یا پنهان شوند و سفیانی فرزندان جعفر و عباس را از بین می‌برد و فرزند آکلة‌الاکباد (شاید از فرزندان یزید باشد) بر منبر شام می‌نشیند و با مردم شام آماده جنگ می‌شود و این علامت خروج مهدی است.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٠٧

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنْ هَلاكِ الْمُسَوَّدةِ الأُولى بِالمسَوَدَّة الثَّانِيَة.

١٢٤. [حَدّثنَا ضمرة] عَنْ إِبنِ شُوذَب، قَالَ: كُنتُ عِندَ الْحَسَن، فَذَكرنا حَمْص، فَقَالَ: هُمْ أَسعَدُ النَّاسَ بِالمُسَوَّدة الأولى، وَأَشْقَ النَّاس بِالْمُسَوَّدةِ الثَّانِية، قَالَ: قُلْتُ: وَمَا المُسَوَّدةِ الثَانية يَا أَبَا سَعِيد؟ قَالَ: أَوَلُ الظُّهُور يَخرُجَ مِن قِبَلِ المَشْرِق ثمَانُون أَلفاً مَحْشُوّة قُلُوبهُم إِيمَاناً حَشْو الرُمَّانَة مِنَ الْحَبّ، بِوَار (الهلاك) المُسَوَّدةِ الأُولى عَلَى أَيدِيهم

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣١٥ حديث ٩١١).

## الباب ١٠٨

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمُ بْنُ حَمَّاد مِنَ الْحَوادِثِ الْمُتَجَدِّدة عَلَى الْمَدِينَة مِنَ الْقَتْلِ وَغَيرِه.

وَفِيه عِدَّةِ أَحَادِيثِ.

١٢٥. قَالَ: حَدَّثنا نَعِيم، حَدَّثَنا عَبدُ القُدُّوس عَنْ ابْنِ عَيَّاشَ، قَالَ: حَدَّثَنِي بَعضُ أَهلِ الْعِلْمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جعفَر عَنْ عَلِي بن أَبِي طَالِب، قَالَ:

«يَكْتُبُ السُفْيَانِي إِلى الَّذِي دَخَلَ الكُوفَة بِخَيلِه بَعدَمَا يُعرِكُهَا عَرَك الأَدِيم يَأْمُره بِالْمَسِير إِلَى الْحِجَازَ، فَيَسِيرُ إِلَى الْمَدِينَةِ، فَيَضَعَ السَّيفَ فِي قُرَيش، فَيَقتُلَ مِنهُم وَمِنَ الأَنصَارَ أَربَعمائَةَ رَجُلَ، وَيَبقُرُ الْبُطُون، وَيَقتُلُ الْوِلْدَان، وَيَقتلُ أَخْوَين مِنْ قُرَيشِ رَجُلَ وَأُخْته يُقَال لَهما: مُحَمَّدُ وَفَاطِمَة، وَيَصلُبْهُمَا عَلَى بَابِ المَسجِد بِالْمَدِينَة»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٢٣ حديث ٩٢٢).

Scanned by CamScanner

## باب صدو هفتم

### آنچه که نعیم بیان کرده که پرچمداران سیاه، بـه دست پـرچـمداران گروه دوم نابود می‌شوند

**۱۲۴.** «ابن شوذب» می‌گوید:

من نزد حسن بودم که سخنی از مردم حمص به میان آمد حسن گـفت: مردم حمص در بین جمعیت اول، با سعادت‌ترین مردم خواهند بود و در بین جمعیت دوم، شقی‌ترین مردم هستند. راوی گوید: گفتم: ای ابا سعید جمعیت دوم کدام است؟ گفت، هشتاد هزار نفر که دل‌های پری دارند ـ نـظیر (دل) انار که پر است از حبه ـ از طرف مشرق خروج مـی‌کنند کـه جـمعیت اول بدست آنها نابود می‌شود.

## باب صد و هشتم

### آنچه که نعیم از رویدادهای جدیدی از کشتار و غیره که بر مردم شهر می‌گذرد بیان کرده است

**۱۲۵.** محمد بن جعفر از حضرت علی بین ابیطالب«علیه السلام» روایت کرده که فرمود:

سفیانی برای آن کسی که وارد کوفه شـده و بـا سـواران خـود آنـجا را کوبیده نامه‌ای می‌نویسد و به او فرمان می‌دهد که به طرف حجاز رود، پس به سوی مدینه می‌رود و با شمشیر خود چهار صد نفر از قریش و انـصار را می‌کشد و شکم‌ها را پاره کرده و بچه‌ها هم خواهـد کشت و یک بـرادر و خواهر را که نام آنها محمد و فاطمه است، درب مسـجد مـدینه را بـه دار می‌آویزد.

Scanned by CamScanner

**۱۲٦.** وَقَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا الوَلِيد وَرُشدَين عَنْ اِبْنِ لَهِيْعَةَ عَنْ أَبِي قَبِيل عَنْ أَبِي رُومان عَنْ عَلِي، قَالَ:

**«يَبْعَثُ السُّفيَانِي بِجَيشٍ إِلَى المَدِينَة فَيَأْخُذُونَ مَنْ قَدِرُوا عَلَيهِ مِنْ آلِ مُحَمَّد(ص)، وَيَقْتُلُ مِنْ بَنِي هَاشِم رِجَالاً وَنساءاً فَعِندَ ذَلِكَ يَهْرُبُ الْمَهْدِي وَالْمَبِيض مِنَ المَدِينَة إِلى مَكَّة فَيَبعَث فِي طَلَبِهِما وَقَدْ لَحِقا بِحَرَمِ اللهُ وَأَمْنَةِ»** (كنز العمال ج ١٤ / ص ٥٨٨ / حديث ٣٩٦٦٨).

**۱۲۷.** وَقَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا عَبدُاللهِ بْنِ مَروَانَ عَنْ أَرْطَأة عَنْ تَبِيع عَنْ كَعْبِ، قَالَ:

**تُسْتَبَاحُ المَدِينَةَ حِينَئذٍ، وَتُقْتَلُ النَّفْسُ الزَكِيَّة**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٢٤ حديث ٩٢٥).

**۱۲۸.** وَرَوى حَدِيثاً آخَر بِإِسْنَادِهِ عَنْ اِبْنِ عُمَر، قَالَ:

**عَلَامَة وَقِيعَةِ المَدِينَة إِذَا أَقْبَل أَمِير مِصْر**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٢٥ ـ ٣٢٦ حديث ٩٣٠).

**۱۲۹.** وَرَوي فِي حَدِيث آخَر، قَالَ:

**إِذَا أَتوا المَدِينَة قَتَلُوا أَهلَها ثَلَاثَةُ أَيَّام**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٢٥ حديث ٩٢٨).

Scanned by CamScanner

۱۲۶. ابورومان از علی بن ابیطالب(علیه السلام) روایت کرده که فرمود:
سفیانی لشکری به مدینه می‌فرستد که اگر بر هر یک از آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) دست پیدا کنند آنها را بگیرند و بکشند و زنان و مردان بنی هاشم را نابود سازند. در این موقع مهدی و مبیض از مکه به مدینه فرار می‌کنند، پس آنها را تعقیب می‌کنند در حالی که آنها به حرم امن خداوند پناهنده شده‌اند.

۱۲۷. کعب می‌گوید: در این زمان خون اهل مدینه مباح می‌گردد و نفس زکیه کشته می‌شود.

توضیح: *نفس زکیه مراد پسری است از آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) که بین رکن و مقام شهید می‌شود*

۱۲۸. و نیز روایت شده است که فرزند عمر گفت: علامت واقعه مدینه وقتی است که امیر مصر بیاید.

۱۲۹. و در حدیثی دیگر است که وقتی سفیانی با لشکریانش به مدینه بیایند بمدت سه روز مردم آنجا را می‌کشند.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٠٩

### فِيمَا ذَكَرهُ نَعيم فِي سَبَبِ قَصْدِ السُّفْيَانِي لِلمَدِينَة وَاجْتِمَاعِهِم بِالْـمَهدِي.

**١٣٠.** حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ عَبدُالله التَاهِرتِي عَنْ عَبدِ السَّلَام ابْنِ مُسْلِمَة سَمِعَ أَبَا قَبِيل:

يَبعَثُ السُّفيَانِي جَيْشَاً إِلى الْـمَدِينَة، فَيَأمُرَ بِقَتْلِ كُلِّ مَنْ كَانَ فِيهَا مِنْ بَنِي هَاشِم حَتَى الحَبَالِي، وَذَلِكَ لِمَا يَصْنَعُ الهَاشِمي الَّذِي يَخرُجُ عَلَى أَصحَابِه مِنَ المَشْرِق،

يَقُول: مَا هَذَا البَلَاء كُلُّه وَقَتل أَصحَابِي إِلَّا مِنْ قِبَلِهِم، فَيَأمُر بِقَتلِهِم، فَيَقْتُلُونَ حَتَى لَا يَعرِفُ [مِنهُم] بِالمَدِينَةِ أَحَدُ وَيَفْتَرِقُوا مِـنهَا هَـارِبينَ إِلَى البَوَادِي وَالجِبَال وَإلى مَكَّة حَتَى نِساؤَهُم وَ يَضَعُ جَنْيشَه فِيهم السَّـيْفِ اَيّاماً ثُم يَكُفُّ عَنْهُم وَ لا يَظْهَرُ وَ اِلاّ بَيْنهم خائف حَتَى يَظْهَرَ أَمْرُ الْـمَهْدِي بِمَكَّة، فَإِذا ظَهَرَ بِمَكَّة، اِجْتَمَع كُلُّ مَنْ شَذَّ مِنْهُم إِلَيه بِمَكَّةِ

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٢٦ حديث ٩٣١).

## فصل

**١٣١.** وَرَأيتُ حَدِيثاً فِي مُجَلَّدِ عَتِيق أَوَّلُه فِيهِ مِنْ بَعضِ أَمَالِي اِبْنَ ... مِنْ حَدُيثِ أَحمَدِ بْنِ يَحيى بنِ زَكَريا الصُوفِي فِي ثَانِي قَائِمَة مِنهُ بِإسْنَادِه المُتَّصِل إلى ...

«... قَوم صِغَار الأَعْيُنُ، عِرَاضُ الوُجُـوه، كَأَنَّ وجُـوهَهُم المَجـانُّ المُطْرَقَة ... الشَعْر حَتَى يَرْبِطُوا خُيُولَهُم بِالنَخْل»

(كنز العمّال ج ١٤ / ص ٢٠٥ ـ ٢٠٦ / حديث ٣٨٤٠٤).

Scanned by CamScanner

# باب صد و نهم

## آنچه که نعیم پیرامون علت قصد سفیانی در حمله به مدینه و اجتماع مردم در کنار مهدی سخن گفته است

**۱۳۰.** عبدالسلام بن مسلمه (گوید):

از ابوقبیل شنیدم: که سفیانی به مدینه لشکرکشی می‌کند و دستور می‌دهد هر کسی راکه از بنی هاشم در آنجا باشد حتی زنان آبستن بکشند این کار به این خاطر است که یک نفر هاشمی با اصحاب خود از طرف مشرق خروج می‌کند (سفیانی) می‌گوید: این چه بلائی است که اصحاب من غیر از آن افرادی که قبل از آنها بودند کشته شدند پس به قتل آنها فرمان می‌دهد به طوری که احدی در مدینه شناخته نمی‌شود و از مدینه به طرف بیابانها و کوهها حتی زنانشان می‌گریزند.

چند روزی لشکر او (سفیانی) در میان آنها شمشیر می‌کشند و بعد از آن خودداری می‌نمایند، در بین آن مردم، کسی ظاهر نمی‌شود مگر با ترس و وحشت، تا اینکه مهدی(عج) در مکه ظهور می‌کند، موقعی که آن حضرت در مکه ظهور کرد باقیماندهٔ (بنی هاشم) در مکه به دور او جمع می‌شوند.

## فصل

**۱۳۱.** احمد بن یحیی بن زکریای صوفی نقل می‌کند: گروهی که چشم‌های آنها کوچک و صورتشان پهن مانند سپرهای آهنین است مرکبهای خود رابه درخت خرما می‌بندند.

Scanned by CamScanner

## الباب ١١٠

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِن أَنَّ وَقْعَةَ الْـمَدِينَة بِالْسُّفيَانِي
### عِندَ وَقْعَةِ الحَرّة كَضَرْبَةِ سُوط ثُمّ يُبَايعُ لِلْمَهدِي.

**١٣٢.** حدَّثنا نَعِيم، حَدَّثَنا أَبُو يُوسُف عَنْ فَطْرِ بْنِ خَلِيفَة عَنْ حنْشٍ بْنِ عَبدُ الرَّحمَن الْعَكلِي عَنْ أَبِي هُرَيرَة، قَالَ:

**تَكُون بِالمَدِينَة وَقْعَةُ تَغرقُ فِيها أَحْجَار الزَّيْت، مَا الحَرّة عِندَها إلاّ كَضَرَبَةِ سُوط، فَيَنتحى عَنِ المَدِينَة قَدر بريدين ثُمّ يُبَايعُ [إلى] الْـمَهْدِي**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص٣٢٦حديث ٩٣٢).

## الباب ١١١

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعيمْ: لا يَخْرُجُ الْـمَهْدي
### حَتى يَقْتُلَ ثُلْث و يَمُوت ثُلْث وَيَبْق ثُلْث.

**١٣٣.** حَدَّثَنا نَعيم: حَدَّثَنا يَحْيَى بْنِ الْيَمان عَنْ كَيْسان الرَّقاشي القَصّار وَكَان ثقةً، قَالَ: حَدَّثَنِي مَوْلاي قَالَ:

**سَمِعْتُ عَلِيّاً يَقُول: «لا يَخْرُجْ الْـمَهْدِي حَتى يَقْتُلَ ثُلْث وَيَمُوتَ ثُلْث وَيَبْق ثُلْث»**

(كنز العمال ج ١٤ / ص ٥٨٧ / حديث ٣٩٦٦٣).

Scanned by CamScanner

## باب صد و دهم

### آنچه که نعیم از حادثه‌ای که توسط سفیانی در مدینه واقع می‌شود مانند واقعه حره مثل ضربه شلاقی است بر مردم آنگاه با مهدی بیعت می‌کند

۱۳۲. ابوهریره می‌گوید:

در مدینه جنگ و جدالی است که سنگهای آن محل در آن غرق می‌شوند و وقعه حره *(که واقعه‌ای بود که عده زیادی از مردم مدینه بدست لشکریان یزید کشته شدند.)* در مقابل آن ،چون ضربت تازیانه است، آن واقعه به طور تقریب به قدر ۲۴ میل دور از مدینه اتفاق می‌افتد و بعد با مهدی (عج) بیعت می‌شود.

## باب صد و یازدهم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که مهدی خروج و قیام نمی‌کند تا آنکه $\frac{۱}{۳}$ کشته شوند و $\frac{۱}{۳}$ بمیرند و $\frac{۱}{۳}$ باقی بمانند

۱۳۳. کیسان قصّار از مولای خود روایت کرده که گفت:

از علی بن ابیطالب ﴿علیه السلام﴾ شنیدم که فرمود: مهدی (عج) خروج نمی‌کند تا اینکه $\frac{۱}{۳}$ کشته شوند و $\frac{۱}{۳}$ بمیرند و $\frac{۱}{۳}$ باقی بمانند.

Scanned by CamScanner

## الباب ١١٢

### فِيمَا ذَكَرَه نَعِيم مِنْ أَنَّهُ لا يَخْرُجُ الْـمَهْدِي حَتى تُـباعَ الْـمَرأة بِوَزنِهَاطَعَاماً، وَأَنَّ مِنْ عَلامَةِ خُرُوج الْـمَهْدِي اِنْسِيابُ الْتُرك عَلَى الْـمُسْلِمين.

**١٣٤.** حدثنا نعيم، حدثنا رشيد بن عن ابن ابي لهيعه حدثنا ابوذرعة عن ابن زَرِيْر عَنْ عمّارِ بْنِ ياسِر، قَالَ:

**عَلامَةُ الْـمَهدِي إذَا انْسَابَ (جرى) عَلَيْكُمُ الْتُرك، ومَاتَ خَلِيْفَتُكُم الَّذِي يَجْمَعُ الأَمْوالَ، وَيَسْتَخْلِفُ صَغيراً، فَيَخْلَعَ بَعْد سَنَتَين مِـنْ بَـيْعتِهِ، وَيَخْسِفُ بِغَرْبِي مَسْجد دمِشْق، وَخُرُوج ثَلاثَة نَفَر بِالْشَام، وَخُروج أَهْلِ الْـمَغْرِب إلى مِصْرَ، وَتِلْكَ أَمارَةُ السُفيانِي**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٣٤ حديث ٩٦٣).

**١٣٥.** قَالَ أَبُو عَبْدِالله نَعِيم: وَأُخْبِرْتُ عَنْ اِبْنِ عَيّاشَ عَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدالله عَنْ أَبِي مُحَمّد عَنْ رَجُل مِنْ أَهلِ الْـمَغرِب، قَالَ:

**لا يَخرُجُ الْـمَهْدِي حَتى يَخْرُجَ الرَّجُل بِالْجَارِيَة الْحَسْـناءِ الْجَـمِيلَة وَيَقُول: مَنْ يَشْتَرِي هَذِه بِوَزْنِها طَعَاماً؟ ثُم يَخرُجُ الْـمَهْدِي**

(كتاب الفتن لابن حماد ج١ / ص ٣٣٤ حديث ٩٦٤).

Scanned by CamScanner

# باب صد و دوازدهم

## آنچه که نعیم ذکر کرده از اینکه مهدی قیام نمی‌کند تا آنکه زن به وزن خودش با طعام فروخته شود و از علامت دیگر آن یورش ترکان بر مسلمین است

۱۳٤. عمار یاسر می‌گوید:

علامت خروج مهدی(ع) آن موقعی است که ملت ترک به سوی شمال برگردد و آن خلیفه شما که اموال را جمع می‌کند بمیرد و (شخص) کوچکی را خلیفه خود کند و بعد از دو سال از خلافت خلع شود و طرف غربی مسجد دمشق فرو رود و سه نفر در شام خروج کنند و اهل مغرب به سوی مصر حرکت کنند که همان امارت و سلطنت سفیانی خواهد بود.

۱۳۵. شخصی از اهل مغرب گوید:

مهدی (عج) خروج نمی‌کند تا اینکه مردی، دختر خوشگل و زیبایی را برای فروش عرضه می‌کند و می‌گوید: چه کسی هم وزن این دختر غذا می‌دهد و آن را می‌خرد؟ بعد از آن مهدی (عج) خروج خواهد کرد.

Scanned by CamScanner

## الباب ١١٣

فِيمَا ذكَرَه نَعِيم مِنْ مُنادِي السَّماء وَخُرُوج المَهْدِي.

١٣٦. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا الْوَلِيد وَرُشْدَين عَنْ اِبْنَ لَهِيعَةَ أَبِي قَبِيل عَنْ أَبِي رُومان عَنْ عَلِي، قَالَ:

«إِذَا نَادَى مُنادٍ مِنَ السَّماء أَنَّ الْحَقَّ فِي آل مُحَمّد، فَعِنْدَ ذَلِك يَـظْهَرُ الْـمَهْدِي عَلَى أَفْواه النّاسَ، وَيَشْرِبُونَ حبّه، فَلا يَكُونَ لَهُم ذِكْرَ غَيْرِه»

(كنز العمّال ج ١٤ / ص ٥٨٨ / حديث ٣٩٦٦٥).

## الباب ١١٤

فِيمَا ذكَرهُ نَعِيم: لَايَخْرُجُ الْـمَهْدِي حَتّى لَايَبْقَ قَيْل وَلَاابْنَ قَيْل.

١٣٧. حَدَّثَنا نَعِيْم: حَدَّثَنا ضَمُرَة عَنْ اِبْن شُوذَب عَنْ بَعْضِ أَصْحابِه، قَالَ:

لَا يَخرُجُ الْـمَهْدِي حَتى لَا يَبْقَ قَيْلُ وَلا ابنُ قَيْل إلاّ هَلَكَ، وَالْقَيْلَ: الرَّأس

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٣٥ حديث ٩٦٧).

## الباب ١١٥

فِيمَا ذكَره نَعِيم عَنْ مُلْكِ بَنِي أُميَّة وَبَنِي الْعَبّاس وَخُرُوجِ الْـمَهْدِي.

١٣٨. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا رُشْدَين عَنْ اِبْن لَهِيعَة عَنْ أَبِي قَبِيل، قَالَ:

يَمْلِكُ رَجُلُ مِنْ بَنِي هَاشِم، فَيَقْتُلَ بَنِىأُميَّة لايَبْق مِنْهُم إِلاّ الْيَسِير لَا يَقتُل غَيْرهُم، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُل مِنْ بَنِي أُميَّة يَقْتُلُ بِكُلِّ رَجُلٍ اِثْنَين حَـتى لَا يَبْقَ إلاّ الْنِسَاء ثُمَّ يَخْرُجُ الْـمَهْدِي (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ /ص ٣٣٥ حديث ٩٦٨).

Scanned by CamScanner

## باب صد و سیزدهم

### آنچه که نعیم پیرامون خروج مهدی و فریاد منادی از آسمان به بشارت قیام مهدی سخن گفته است

**۱۳۶.** ابورومان از علی بن ابیطالب(علیه السلام) روایت کرده که فرمود:

موقعی که منادی از آسمان ندا کرد: حقا که حق با آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) خواهد بود در اینصورت نام حضرت بر زبانهای مردم است آنها در حالیکه نامی غیر از نام و یاد حضرت ندارند.

## باب صد و چهاردهم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که ظهور حضرت زمانی است که نه رئیسی است و نه فرزند رئیس.

**۱۳۷.** ابن شوذب از بعضی از اصحاب خود نقل کرده که:

مهدی (عج) خروج نمی‌کند مگر اینکه نه رئیسی باقی باشد و نه فرزند رئیس.

## باب صد و پانزدهم

### آنچه که نعیم ذکرکرده از حکومت بنی‌امیه و بنی‌العباس وخروج مهدی.

**۱۳۸.** «ابوقبیل» می‌گوید:

مردی از بنی هاشم حاکم خواهد شد که بنی امیه را می‌کشد و از آنها تعداد کمی باقی نخواهد گذاشت و غیر از بنی امیه کسی را نمی‌کشد. بعد از آن مردی از بنی امیه خروج خواهد کرد که بجای هر نفری از بنی امیه دو نفر از بنی هاشم خواهد کشت تا اینکه غیر از زن‌ها کسی باقی نمی‌ماند، پس از آن مهدی (عج) ظهور خواهد کرد.

Scanned by CamScanner

## الباب ١١٦

فِيمَا ذَكَرَه نَعِيم فِي بَابِ آخَر

بِعَلامَةِ أُخْرى عِنْدَ خُرُوج الْـمَهْدِي وَمُنَادِي السَّمَاَء.

**١٣٩.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا ابْنُ الْـمَبارَكَ وَعَبْدُ الرَّزّاق عَنْ مَعْمَر عَنْ رَجُلٍ عَنْ سَعيدِ بْنِ الْـمُسَيّب، قَالَ:

**تَكُونُ فِتْنَةُ بِالْشَام، كَأَنَّ أَوَّلَهَا لَعْبُ الْصبيان، كُلَّمَا سَكَنَتْ مِنْ جَانِب طَمَّت مِنْ جَانِبٍ فَلَا تَتَناهَى حَتى يُنادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاَء: أَلَا إِنَّ الْأَمير فُلَان وَ قُتِلَ ابنُ المُسَيّب بِيَديه فَقَالَ: ذَالِكَ الْأَمير حَقّاً ثَلاثَ مَرَّات**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ /ج ٣٣٧ حديث ٩٧٣).

## الباب ١١٧

فِيمَا ذَكَره نَعِيْم فِي مُنادِي السَّمَاء: إِنَّ الحَقَّ فِي آل مُحمّد.

**١٤٠.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا سَعِيد أَبُو عُثْمَانِ عَنْ جَابِر عَنْ أَبِي جَعْفَر، قَالَ:

**«يُنَادِي مُنادٍ مِن السَّمَاَء: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمّد(ص)، وَيُنَادِي مُنادٍ مِنَ الأَرْضِ: أَلا إِنَّ الْحَقَّ فِي آل عِيْسى -أَوْ قَالَ: الْعَباس، أنا أَشُكُّ فِيه وَإِنَّمَا الصَّوتُ الْأَسْفَل مِنَ الشَّيطان يَلْبِسُ عَلَى اَلْنَاسِ»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٣٧ حديث ٩٧٤).

Scanned by CamScanner

# باب صد و شانزدهم

## آنچه که نعیم در باب آخر با علامت دیگری از خروج مهدی ذکر کرده است

۱۳۹. سعید بن مسیب می‌گوید:
فتنه‌ای بر پا خواهد شد که اول آن بچه‌بازی است هر نقطه‌ای که آرام شود نقطه دیگری آشوب برپا می‌گردد به همین صورت ادامه خواهد یافت تا اینکه منادی آسمان فریاد می‌زند، آگاه باشید که امیر شما فلانی خواهد بود. آنگاه مسیب به دست آشوبگر کشته و منادی آسمان سه بار حرف خود را تکرار می‌کند.

# باب صد و هفدهم

## آنچه که نعیم ذکر کرده که منادی از آسمان صدا می‌زند که حق با آل محمّد است

۱۴۰. جابر از حضرت امام محمد باقر(علیه السلام) روایت کرده که فرمود:
منادی از آسمان فریاد می‌زند آگاه باشید که حق با آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) است و منادی دیگر از زمین فریاد می‌زند آگاه باشید که حق با عیسی است یا از آل عباس است من دربارهٔ آن منادی زمین شک دارم، جز این نیست که صدای برخاسته از زمین از شیطان است او می‌خواهد امر را بر مردم مشتبه نماید.

Scanned by CamScanner

## الباب ١١٨

فِيمَا ذَكَره فِي مُنادِي السَّمَاء: عَلَيكُم بِفُلان.

١٤١. حَدَّثَنا نَعيم، حَدَّثَنا ابْنُ وَهَبْ عَنْ إِسْحَاقِ بْن يَحْيَى التَيْمِي عَنْ الْـمُغِيرةِ بْنِ عَبدُالرَّحْمن عَنْ أُمِّهِ وَكَانَتْ قَدِيمَة، قَالَ:

قُلْتُ لَهَا فِي فِتْنَةِ ابْنِ الزُّبَير: إنَّ هَذِهِ الْفِتْنَة تَهْلِكُ النَّاسَ؟ فَقَالَتْ: كَلاَّ يَا بُنَيّ وَلَكِنْ بَعدَها فِتْنَة تَهْلِكُ الْناسَ لَا يَسْتَقِيم أَمرُهُم حَتَى يُنَادِي مُـنَادٍ مِنَ السَّماَء: عَلَيْكُ بِفُلان (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٣٨ حديث ٩٧٦).

## الباب ١١٩

مِنْ مُنَادِي السَّمَاء: عَلَيكُم بِفُلان، وَتَطْلَعُ كَفٌّ تُشِير.

١٤٢. قَال: حَدَّثنا نَعِيم، حَدَّثنا ابْنُ وَهَبْ عَنْ إِسْحَاقِ بْنِ يَحْيى عَنْ مُحَمّدِ بنِ بُشرِ بْنِ هِشَام عَنْ ابْنِ الْـمُسَيّب، قَالَ:

تَكُونَ فِتْنَةُ بِالْشَام كَأَنّ أَوّلَهَا لَعِبُ الْصِبْيَان، ثُمَّ لا يَسْتَقِيم أَمرُ النَّاسِ عَلَى شَيْء، وَلَا تَكُونُ لَهُم جَمَاعَةُ حَتى يُنَادِي مُنادٍ مِنَ السَّماء: عَلَيكُمْ بِفُلان، وَتَطْلَعُ كَفٌّ تُشِير (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٣٨ حديث ٩٧٧).

١٤٣. قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا ابْنُ وَهَبْ عَنْ عَياضِ بْنِ عَبدُالله الفِهْرِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيدِ بْن الْـمُهاجِر عَنْ إِبْنِ الْـمُسَيِّب نَحْوَه، إِلَّا أَنَّهُ قَالَ:

يُنادِي مُنادٍ مِنَ السَّمَاء: أَمِيرُكُم فُلان

(كنزالعمّال ج ١١ / ص ٢٥٨ / حديث ٣١٤٤٤).

١٤٤. قَالَ عَياض: وَأَخْبَرنَا مُحَمَّدُ بْنِ الْمُنكَدِر سَمِعَ عَبْدُ الْـمَلِكِ بْنِ مَرْوَان يَذْكُرُ عَنْ رَجُلِ مِنْ عُلَمَائِهِم نَحْوَه

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٣٨ حديث ٩٧٩).

Scanned by CamScanner

# باب صد و هجدهم

## آنچه که نعیم درباره منادی آسمان ذکر کرده که می‌گوید بر شما باد به فلانی

۱۴۱. مغیرة بن عبدالرحمن می‌گوید:

راجع به فتنه ابن زبیر به مادرم که پیر و قدیمی بود گفتم: این فتنه‌ای است که مردم را هلاک خواهد کرد؟ گفت: نه ای پسرک من، ولی بعد از آن فتنه‌ای برپا خواهد شد که مردم هلاک می‌شوند و کار آنها دوام پیدا نمی‌کند تا اینکه منادی از آسمان ندا کند: بر شما لازم است که از فلانی پیروی کنید.

# باب صد و نوزدهم

## منادی آسمان فریاد می‌زند: «بر شما باد بفلانی» و دستی ظاهر می‌شود که به او اشاره دارد

۱۴۲. ابن مسیب می‌گوید:

فتنه‌ای در شام برپا می‌شود که اول بچه بازی خواهد بود، پس از آن، کار مردم دوام ندارد و پایه آن بجایی بند نخواهد بود و مردم باهم هماهنگ نیستد تا آنکه منادی از آسمان ندا کند: بر شما لازم است که از فلانی پیروی کنید و کف دستی پیدا می‌شود که به او اشاره دارد.

۱۴۳. و در روایت دیگر است که آن منادی می‌گوید: امیر شما فلانی است.

۱۴۴. و باز عیاض خبر می‌دهد از محمّد منکدر که او شنید خلیفه عبدالملک مروان هم چنین مطلبی را بیان می‌کند.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٢٠

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم عَنْ الْـمُنَادِي فِي مُحَرَّم: إِنَّ صَفْوَةَ اللهِ مِنْ خَلْقِهِ فُلَان.

**١٤٥.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا الْوَلِيد بْنِ مُسْلِم عَنْ عَنْبَسةِ الْقُرشي عَنْ سَلَمَةِ بْن أَبِي سَلَمَة عَنْ شَهْرِ بْن حُوشَب، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ(ص):

**«فِي الْمُحَرّم يُنَادِي مُنادٍ مِنَ السَّماَء: أَلا إِنَّ صَفْوَةَ اللهِ مِنْ خَلْقِه فُلَان، فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا، فِي سَنَة الصَّوْتِ وَالْـمَعْمَعَة»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٣٨ حديث ٩٨٠).

## الباب ١٢١

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمْ مِنْ قَتْل النَّفسِ الزَّكِيةَ وَأَخِيْه
وَالْـمُنادِي مِنَ السَّماَءِ: أَمِيرُكم فُلان، وَأَنَّهُ الْـمَهْدِي.

**١٤٦.** قَالَ: حدَّثنا نَعِيم، حَدَّثَنا رَشدين عَنْ ابْنِ لَهِيعَة، حَدَّثَنِي أَبُـو زَرْعَـة عَـنْ عَبدُاللهِ بْن زُرَير عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِر، قَالَ:

**إِذَا قُتِلَ النَّفْسُ الزَّكِيَةَ وَأَخوه يُقْتَلُ بِمَكَّة ضَيْعَةً، يُنَادِي مِنادٍ مِـنَ السَّماءِ: أَمِيرُكُم فُلانَ، وَذَلِكَ المَهدِي الَّذِي يَمْلَأُ الأَرضَ حَقّاً وَعدْلاً**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٣٩ حديث ٩٨١).

Scanned by CamScanner

## باب صد و بیستم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که در محرم منادی ندا سر می‌دهد که برگزیده خلق خدا فلانی است

۱۴۵. «شهر بن حوشب» از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:
در محرم آن سالی که سر و صدا و جنگ می‌شود منادی از آسمان فریاد می‌زند آگاه باشید که برگزیده خلق خدا فلانی است به حرف او گوش کنید و او را اطاعت نمائید.

## باب صد و بیست و یکم

### آنچه که نعیم از قتل نفس زکیه بهمراه برادرش سخن گفته و اینکه منادی آسمانی فریاد می‌زند که امیر شما فلانی می‌باشد و او مهدی این امت است

۱۴۶. عمار یاسر می‌گوید:
موقعی که نفس زکیه کشته و برادرش نیز به طور مرموزی کشته می‌شود منادی از آسمان فریاد می‌زند: امیر شما فلانی است و آن مهدی (عج) است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٢٢

فِيمَا ذكره نَعِيم عَنْ مُنادِيَ من السَّماء
وَالْكَفُ الَّذِي تُشِيرُ، بِطَرِيقَ آخَرَ.

**١٤٧.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا أَبُو إِسْحاقَ الأَقْرَعَ، حَدَّثَنِي أَبو الْحَكَمِ الْـمَدَنِي، حَدَّثَنِي يَحْيى بْنُ سَعِيد عَنْ سَعِيدِ بْن الْـمُسَيِّبَ، قَالَ:

**تَكُونُ فُرْقَة وَاخْتِلاف حَتَى تَطْلُعَ كَفٌّ مِنَ السَّماءَ، ويُنَادِي مُنادٍ مِنَ السَّماء: إِنَّ أَمِيرَكُم فُلَان** (كتاب الفتن لابن حماد ج ١/ص ٣٣٩ حديث ٩٨٢).

## الباب ١٢٣

فِيمَا ذكَرهُ مِنَ الْـمُنَادِي بَعدَ الْخَسف: إِنَّ الْحَقَ فِي آلِ مُحَمَّد.

**١٤٨.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيمُ، حَدَّثَنا الْوَلِيد وَ رُشدَين عَنْ ابْنِ لَهِيعَة عَنْ أَبِي قَبيل عَنْ أَبِي رُومان عَنْ عَلِي، قَالَ:

**«بَعد الْخَسْفِ يُنادِي مِنادٍ مِنَ السَّماَءَ: إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدِ، فِي أول النَّهارَ، ثُم يُنَادِي مُنادٍ فِي آخِرِ النَّهارَ: إِنَّ الْحَقَّ فِي وُلْدِ عِيسى، وَذلِكَ نخْوَةُ (الكبر) مِنَ الشَّيطَان»** (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٣٩ حديث ٩٨٣).

Scanned by CamScanner

## باب صد و بیست و دوم

### آنچه که نعیم دربارهٔ منادی آسمان ذکر کرده که پس از آن کف دستی از آسمان ظاهر می‌شود

**۱۴۷.** سعید بن مسیب می‌گوید:

بعد از این بین مردم جدایی و اختلاف خواهد بود تا اینکه کف دستی از آسمان ظاهر می‌شود و منادی از آسمان صدا می‌زند امیر شما فلانی است.

## باب صد و بیست و سوم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که بعد از فرو رفتن زمین منادی ندا کند که حق از آن آل محمّد است

**۱۴۸.** ابن رومان از حضرت علی بن ابیطالب﴿علیه السلام﴾ روایت کرده که فرمود:

بعد از خسف (فرو رفتن زمین) منادی در اول روز صدا می‌کند که حق با آل محمد﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ است، بعد از آن منادی در آخر روز صدا می‌زند که حق با اولاد عیسی است و آن نشان تکبری است از شیطان.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٢٤

فِيمَا ذكَرهُ نَعِيم مِنْ التِقَاءِ الْـمَهْدِي وَالسُّفيَانِي وَالْـمُنَادِي عِنْدَ ذَلِكَ مِنَ السَّمَاءِ.

**١٤٩.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا عَبْدُاللهِ بْنِ مَرْوان عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَزيد التَنُوخِي عَنْ الزُهرَي، قَالَ:

إذَا التَقَى السُّفيَانِي وَالْـمَهْدِي لِلْقِتالَ يَومئذٍ يُسْـمَعُ صَـوْتُ مِـنَ السَّماء: أَلَا إِنَّ أَولِياء اللهِ أَصْحَابُ فُلان، يَعنِي: المَهْدِي. هَذَا لَفظُ الْحَدِيث.

قَالَ الزُّهَرِي: قَالَتْ أَسْماءُ بِنْتِ عُمَيس: إنَّ اِمارَهَ ذَلِكَ أَنَّ كَفّاً مِـن السَّماَء مُدِلاّة (النزول من العلو) يَنْظُرُ إِلَيْها النَّاسُ

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٣٩ حديث ٩٨٤).

## الباب ١٢٥

فِيمَا ذكَرهُ نَعِيم فِي صِفَةِ مُبايِعَةِ الْـمَهْدِي.

**١٥٠.** فَقَالَ بِإِسنَادِه عَنْ اَبِي يُوسُف الْـمُقَدَسى، حَدَثَنِي مُحَمَّدِ بْنِ عُـبيدُالله عـن عَمْرُو بْنِ شُعَيْب عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبدِاللهِ عَمْرو، قَالَ:

يَحِجُ النَّاسُ مَعاً وَيعرِفُونَ مَعاً عَلَى غَيْرِ إمَام، فَبَيْنَاهُم نُزُول بِمَنَى إِذْ أَخذَهُم كَالْكَلب (شبه الجنون)، فَثَارَتْ الْقَبَائِل بَعَضُهُم إِلى بَعْض [فَاقْتَتَلُوا] حَتى تَسِيْلُ الْعَقَبَة دَماً فَيَفْزَعُونَ إِلَى خَيرِهم، فَيَأْتُونَهُ وَهُوَ مُلْصِقُ وَجْـهَهَ إِلى الْكَعْبَةِ يَبْكِي كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلى دُمُوعِهِ تَسِيْلُ، فَيَقُولُون: هَـلُمَّ ولَّـينَاك، فَيَقُولَ: وَيحْكُم كَمْ مِنْ عَهْدٍ قَد نَقَضْتُمُوه وَكَمْ مِنْ دَم قَدْ سَفَكْتُمُوه، فَيُبَايَعُ كُرْهاً، فَإِنْ أَدْرَكتُمُوه فَبايِعُوهُ، فَإِنَّهُ الْـمَهْدِي فِي الأَرْض وَالْـمَهدِي فِي السَّمَاءِ

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ٣٤١ حديث ٩٨٧).

Scanned by CamScanner

# باب صد و بیست و چهارم

## آن‌چه که نعیم از برخورد مهدی با سفیانی ذکر کرده و در این وقت منادی از آسمان فریاد برآورد که حق از آن آل محمّد است

**۱۴۹.** زهری می‌گوید:

موقعی که سفیانی و مهدی (عج) برای جنگ با یکدیگر برخورد کردند در آن روز صدایی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید: آگاه باشید که اولیاء خدا اصحاب فلانند یعنی مهدی (عج) این عین لفظ حدیث است.

اسماء بنت عمیس می‌گوید: علامت آن این است که کف دستی از آسمان ظاهر می‌شود که اشاره به او دارد و مردم به آن می‌نگرند.

# باب صد و بیست و پنجم

## آنچه که نعیم در صفت کسانی که با مهدی بیعت می‌کنند سخن گفته است

**۱۵۰.** عبدالله بن عمر می‌گوید:

مردم اعمال حج و عرفات را با یکدیگر بدون امام بجا می‌آورند و در آن موقعی که به منا وارد می‌شوند دیوانه‌وار به یکدیگر حمله می‌کنند و می‌کشند تا آنکه خون همه جا را فرا می‌گیرد. بعد از آن به شخصی که بهترین آنهاست پناه می‌برند وقتی نزد او می‌آیند که او صورت خود را به طرف کعبه کرده و گریه می‌کند گویا من اشک‌های جاری او را می‌بینم به او خواهند گفت: بیا تا ما تو را ولی و رئیس خود قرار دهیم او می‌گوید: وای بر شما چه عهد و پیمانهایی که شما شکستید و چه خونهایی که ریختید؟ پس با اکراه با او بیعت می‌شود. چنانچه او را ملاقات کردید با او بیعت کنید زیرا که او مهدی در زمین و آسمان است.

Scanned by CamScanner

١٥١. وَقَالَ فِي حَدِيث آخَر:

لِيَسْتَخرِجَ الْـمَهْدِي كَارِهاً، مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةُ فَيُبَايَعُ

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٤٥ حديث ٩٩٨).

## الباب ١٢٦

فِيمَا ذَكَرَهُ عَنْ مُنَادِي السَّمَاءَ فِي مُحَرَّم.

١٥٢. بِإسنَادِه إِلى الْوَلِيدْ، قَالَ: أَخبَرَني عَنْبَسة الْقُرَشِّي عَنْ سَلَمَةِ ابْن أَبِي سَلَمَة عَنْ شَهْرِ بْن حوشَب، قَالَ: قَالَ رَسُول الله (ص):

«فِي ذِي الْقِعْدَةَ تُحارِبُ الْقَبائل، وَفِي ذِي الْحِجَّة يُنْتَهَبُ الْحَاجِ، وَفِي الْمُحَرّم يُنَادي مُنادٍ مِنَ السَّمَاءَ»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ٣٤٢ حديث ٩٨٩).

## الباب ١٢٧

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنْ ظُهُورِ الْـمَهدِي بَعْدَ الْيَأسِ مِنْه وَأَنَّ أَصْحَابَهَ مِنْ أَهْلِ الشَّام وَأَهْلِ الْعِرَاق.

١٥٣. قَالَ: حَدَّثَنا نَعيم، حَدَّثَنا الْوَلِيدُ بْن مُسلِم عَنْ أَبِي عَبْدِالله عَنْ الْوَلِيد بْن هِشَام الْـمُعِيطِي عَنْ أَبَان بْنِ الْوَلِيد بْن عَقَبَة بْنِ أَبِي مِعْيَط سَمِعَ اِبْنُ عَبَاس يَقُولَ:

يَبْعَثُ اللهُ الْـمَهدِي بَعْدَ اليأسِ وَحَتى يَـقُولَ النَّـاسُ: لَا مَـهْدِي، وَأَنْصَارُهُ مِنْ أَهْلِ الشَّام، عِدَّتُهُم ثَلَاثِمائَة وَخَمْسَـة عَـشَر رَجُـلاً عِـدَّةُ أَصْحَابِ بَدْر، يَسُيرُون إِلَيه مِنَ الشَّام حَتَى يَسْتَخْرِجُوهُ مِنْ بَطْن مَكَّة مِنْ دَارِ عِنْدَ الْصَّفَا، فَيبايعُونَه كُرْهاً، فَيُصَلِّي بِهِمْ رَكْعَتَين صَلَاة الْـمُسافِر عِنْدَ الْـمَقام ثُمَّ يَصْعَدُ الْـمَنْبَر

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٤٢ حديث ٩٩٠).

Scanned by CamScanner

**۱۵۱.** و در حدیث دیگر است که:
مهدی (عج) از فرزندان فاطمه(علیها السلام) با اکراه خروج می‌کند و با او بیعت می‌شود.

## باب صد و بیست و ششم

### آنچه که نعیم گفته از اینکه در ماه محرم منادی از آسمان فریاد می‌زند

**۱۵۲.** «شهر بن حوشب» از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:
در ماه ذیقعده قبیله‌ها با هم جنگ مـی‌کنند و در ذی الحـجة حـاجی‌ها غارت می‌شوند و در ماه محرم منادی از آسمان فریاد می‌زند.

## باب صد و بیست و هفتم

### آنچه که نعیم از ظهور مهدی سخن گفته پس از آنکه مردم دچار یأس و ناامیدی شده‌اند و بیشتر یاران او از اهل شام و کوفه‌اند

**۱۵۳.** ابان بن ولید از ابی معیط نقل می‌کند و مـی‌گوید: از ابـن عـباس شنیدم که می‌گفت: خداوند مهدی (عج) را بعد از آنکه (مردم) مأیـوس و ناامید شوند برانگیخته خواهد کرد حتی اینکه مردم می‌گویند: مهدی وجود ندارد، انصار او از اهل شام هستند، شمارهٔ یاران او سیصد و سیزده نفرند که مساوی با عدد اصحاب بدر است از شام به سوی او می‌روند تا اینکه او را از خانه‌ای در مکه که نزدیک صفا است بیرون می‌آورند و با اکراه با او بیعت می‌نمایند پس به آن حضرت اقتداء می‌کنند و با او نزدیک مقام ابراهیم دو رکعت نماز مسافر می‌خوانند بعد از آن، حضرت به منبر مـی‌رود و سـخن می‌گوید:

Scanned by CamScanner

**١٥٤.** وَرَوى حَدِيثاً آخر عَنْ أَبِي ثُور وَعَبْدُ الرَّزّاق وَابْنُ مَعَاذ عَنْ مَعْمَر عَنْ قُتَادة، قَالَ: قَالَ رَسُولَ اللهُ(ص):

«تَأْتِيه عَصَائِبُ الْعِرَاق وَأَبْدَالِ الشَّام، فَيُبايعُونَه بَيْن الرُكْنِ وَالْـمَقَامِ» (كتاب الفتن لابن حماد ج١ / ص٣٤٦ حديث ١٠٠).

## الباب ١٢٨

### فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيم أَنَّ الْـمَهْدِي لَا يُوقِظ نائِماً وَلا يُهْرِقُ دَمَاً.

**١٥٥.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا أَبُو يُوسَف عَنْ فَطْرِ بن خَلِيفَة عَـنْ الْحَسَـنْ بـن عَبدُالرَّحمَن الْعِكلى عَنْ أَبِي هُرَيرة، قَالَ:

يُبايِعُ الْـمَهدِي بَين الرُكْنِ وَالمَقَامَ لَايُوقِظُ نَائِماً وَلا يُهرِقُ دَماً»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٤٢ ـ ٣٤٣ حديث ٩٩١).

## الباب ١٢٩

### فِيمَا ذِكَرهُ نَعِيم مِنْ خُرُوجِ الْـمَهْدِي بِرَايَةِ رَسُولِ الله «ﷺ».

**١٥٦.** قَالَ: حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنا الوَلِيد وَرِشدُين عَنْ إِبْن لَهِيعةَ عَنْ أَبِي قَبِيل عَنْ أَبِي رُومان عَنِ عَلِي، قَالَ:

«إِذَا هَزَمتِ الرَّايَاتُ السُود خَيلَ السُّفيانِي اللَّتِي فِيهَا شُعَيْب بْـنِ صَالح تَمَنَّى النَّاسُ الْـمَهدِي فَيَطْلُبونَه، فَيَخْرُجَ مِنْ مَكَّة وَمَعهُ رَأيَةُ رَسُولِ اللهِ(ص)، فَيُصَلِّي رَكْعَتَين بَعدَ أَنْ يَيأَسَ النَّاسُ مِنْ خُرُوجِهِ لِمَا طَالَ عَلَيهِم مِنَ الْبَلَاء، فَإِذافَرَغَ مِنْ صَلَاتهِ اِنْصَرَف، فَقَال: أَيُّها النَّاسُ أَلَحَّ الْبَلاء بِأُمّةِ مُحَمَّد(ص)، وَبِأَهْلِ بَيتهِ خَاصَة، قُهِرْنا وبُغِيَ عَلَيْنا»

(كنز العمّال ج ١٤ / ص ٥٩٠ / حديث ٣٩٦٧٣).

Scanned by CamScanner

**۱۵۴.** قتاده از رسول خدا(ص) روایت کرده که فرمود:
جمعیت‌های عراق و پهلوانان شام نزد مهدی می‌آیند و بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند.

## باب صد و بیست و هشتم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که قیام مهدی در صبحگاه وقتی است که هنوز کسی را بیدار نساخته و خونی را نریخته

**۱۵۵.** ابوهریره می‌گوید:
با مهدی(عج) بین رکن و مقام بیعت می‌کنند. و این در زمانی است که هنوز کسی را از خواب بیدار نساخته و خونی را نریخته است.

## باب صد و بیست و نهم

### آنچه که نعیم از قیام مهدی ذکر کرده باینکه حضرت با پرچم رسول خدا قیام خواهد کرد

**۱۵۶.** «ابورومان» از علی ابن ابیطالب(ع) روایت کرده که فرمود:
موقعی که بیرقهای سیاه سپاه سفیانی که شعیب بن صالح در میان آنهاست به اهتزاز درمی‌آید مردم آرزوی مهدی (عج) را کرده و خواهان اویند پس از آن، حضرت با بیرق رسول خدا«ﷺ» از مکه خروج کرده و دو رکعت نماز می‌خواند سپس به خاطر بلاهای طولانی از خروج او ناامید می‌شوند وقتی که از نماز فارغ شد بر می‌گردد و می‌گوید: ایهاالناس بخاطر بلائی که به امت محمد«ﷺ» رسیده مخصوصاً بلائی که به اهل بیت آن حضرت رسیده می‌گریم، ما در تاریخ مقهور و مظلوم واقع شده‌ایم

Scanned by CamScanner

# الباب ١٣٠

## فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنْ خُرُوجِه عليه السلام

## بِرايَةِ رَسُولِ الله «صلى الله عليه وآله» وَقَمِيصِهِ وَسَيْفِه وَعَلامَاتٍ عِنْدَ الْعِشَاء.

**١٥٧**. حَدَّثَنا نعيم، حَدَّثَنا سَعِيد أَبُو عُثْمان عَنْ أَبِي جَعْفَر، قالَ:

«ثُمَّ يَظْهَرُ الْـمَهدِي بِمَكَّةِ عِنْدَ الْعِشَاء، وَمَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ الله(ص)، وقَمِيصُهُ وَسَيْفُهُ وَعَلاماتٌ وَنُورُ وَبَيانُ، فَإذا صَلَّى الْعِشَاء نادى بِأَعلَى صَوْتهِ يَقُول: أُذَكِّرُكُمُ اللهَ أَيُّهَا النَّاسُ وَمَقامُكُم بَيْنَ يَدَي رَبِّكُم، فَقَد اتَّخَذَ الْحُجَّة، وَبَعَثَ الأَنبياء، وأَنزَلَ الْكِتَاب، يَأْمُرُكم أَنْ لاتُشْرِكُوا بِه شَيْئاً، وَأَنْ تُحافِظُوا عَلَى طَاعَتِه وَطَاعَةِ رَسُولِهِ(ص)، وَأَنْ تُحْيُوا مَا أَحْيى الْقُرآن، وَتُمِيتُوا مَا أَمَاتَ، وَتَكُونوا أَعْوَاناً عَلى الْهُدى وَوِزْراً عَلى التَقْوى، فَإِنَّ الدُّنيا قد دَنَا فَنَاؤُها وَزَوالُها، وَأَذِنَتْ بِالْوِدَاع، وَإِنِّي أَدعُوكُمْ إلى الله وَإلى رَسُولِهِ(ص)، وَالْعَمَلِ بِكتَابه، وَإماتَةِ الْباطِل، وَإِحْياءِ سُنَّة، فَيُظْهَرَ فِي ثَلاثَمِائَة وَثَلاثَة عَشر رَجُلاً عِدَّة أَهْل بَدْر عَلَى غَير مِيعاد قَزَعاً كَقَزَعِ الْخَرِيْف (كقطع السحاب المتفرقه)، رُهْبَان بِاللّيل، اَسَدُ بِالْنَهار، فَيَفْتَحَ اللهُ [الْـمَهْدِي] أَرْضَ الْحِجَاز، وَيَسْتَخْرِجَ مَنْ كَانَ فِي السِجْنِ مِنْ بَنِي هَاشم، وَتَنزِلُ الرَّايَاتَ السُود الْكُوفَة، فَيَبْعَثَ بِالبَيعةِ إِلَى الْـمَهدِي، وَيَبعَثُ الْـمَهدِي جُنُودَهُ إلى الآفاقِ، وَيُمِيتُ الْجُور وَأَهْلَه، وَتَسْتَقِيمُ لَهُ الْـبُلدَان، وَيَفْتَحُ اللهُ عَلَى يَدَيْه الْقُسْطَنْطِنِيَّة»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٤٥ حديث ٩٩٩).

Scanned by CamScanner

# باب صد و سی‌ام

## آنچه که نعیم از خروج مهدی با پرچم رسول خدا و پیراهن و شمشیر او با علامات دیگر بهنگام عشاء سخن بمیان آورده است

**۱۵۷.** «جابر» از امام محمد باقر(علیه السلام) روایت کرده که فرمود:

مهدی (عج) در مکه موقع عشاء ظهور می‌کند و بیرق و پیراهن و شمشیر رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) با او خواهد بود و علامتها و نور و بیان با آن حضرت باشد پس از آنکه نماز عشاء را خواند با صدای بلند می‌گوید: ایها الناس من شما را به یاد خدا می‌اندازم خدایی که با شما اتمام حجت کرده و انبیاء و کتاب فرستاده و به شما دستور داده که برای او چیزی را شریک قرار ندهید و از او و پیامبرش فرمان برید و آنچه را قرآن احیاء کرده احیاء کنید و آنچه را که قرآن از بین برده از بین ببرید و (راه) هدایت را یاری کنید و برای تقوا و پرهیزگاری یار هم باشید، زیرا که نابودی دنیا نزدیک است من شما را به سوی خدا و رسول او فرا می‌خوانم تا به کتاب خدا عمل کنید و باطل را نابود ساخته و سنت و شریعت را احیاء نمائید.

سپس با سیصد و سیزده نفر که تعداد اهل بدر بودند بدون اینکه از یکدیگر وعده بگیرند نظیر یک قطعهٔ ابر پائیزی ظاهر می‌شوند و در شب از خدا ترسان و در روز همچون شیرند، پس خدا (بوسیله او) زمین حجاز را فتح می‌کند و افرادی از بنی هاشم که در زندانند آزاد می‌سازد.

گروهی با پرچمهای سیاه وارد کوفه می‌شوند و لشکرهایی برای بیعت با مهدی (عج) با اطراف جهان می‌فرستند، ستم و ستمکار را از بین می‌برد و در شهرها عدالت برپاخواهد نمود و خدا قسطنطنیه را به دست او فتح خواهد کرد.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٣١

فِيمَا ذَكَرَهُ نُعَيم: أَنّ جَيْشَ الْـمَهدِي
فِي اِثْنَي عَشَر أَلْفاً أَوْ خَمْسَةَ عَشَرَ أَلْفاً.

**١٥٨.** حدَّثَنا نَعيم، حَدَّثَنا اِبْن وَهَبْ عَنْ اِبن لَهْيعَة عَنِ الْحارِث بنِ يَزيد سَمِعَ ابْنُ زُرَير الْغَافِقي سَمِعَ عَلِيّاً يَقُول:

**«يَخرُجُ الْـمَهْدِي فِي اِثْنَي عَشَرِ أَلفَاً إِنْ قَلُّوا، وَخَمْسَة عَشَر أَلفـاً إِنْ كَثِروا، وَيسيرُ الرُعْب بَيْنَ يَدَيْه، لا يَلْقَاهُ عَـدُوّ إِلاّ هَـزَمَهُم بِـإِذن الله، شِعَارُهُم: أَمِتْ أَمِتْ، لا يُبَالُونَ فِي الله لَومَةَ لائِم، فَـيَخرُجَ إِلَـيهم سَـبْعَ رَايَات مِنَ الشَام فَيَهزَمَهُم وَيَملِكُ، فَتَرْجَعَ إِلَى النَّاس مَحَـبَّتَهُم وَنِـعْمَتَهُم وَفَاصَتُهُم وبَزَارَتُهُم، وَلَا يَكُونُ بَعدَهُم إِلاّ الدَجّالَ» قُلْنَا: وَمَـا الْـفَاصَة وَالبَزَارَة؟ قَال: «يُفَيضُ الأَمْر حَتى يَتَكَلَّم الرَّجُل بِمَا شَاء، لَا يَخشَى شَيْئاً»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص٣٤٨ / حديث ١٠٠٥).

## الباب ١٣٢

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم بْنِ حَمَّاد مِنْ اِتّصَال أَخذِ الشَام
بِظُهُورِ مَا وَعَد بِهِ النَّبِيّ ﴿صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِه﴾.

**١٥٩.** حَدَّثَنا نَعيم، حَدَّثَنا رُشدَين عَنْ اِبْن لَهْيعَة عَنْ عَيّاشِ بْنِ عَبَاس الزَّرْقي عَنْ ابْن زُرَيْر عَنْ عَلي، قَال:

**«يُرْسِلُ اللهُ عَلَى أَهْلِ الشَّام مَنْ يُفَرّقُ جَمَاعَتَهُم حَـتى لَـو قَـاتَلَتهُم الثَّعَالِب غَلَبْتَهُمْ، وَعِندَ ذَلَك يَخْرُجُ رَجل مِنْ أَهلِ بَيْتِي فِي ثَلاث رَايَات،**

Scanned by CamScanner

## باب صد و سی و یکم

### آن‌چه که نعیم بیان کرده و گفته است که تعداد سپاه مهدی بین دوازده هزار یا پانزده هزار نفرند.

**۱۵۸.** «ابن زریر غافقی» می‌گوید:
از علی«علیه السلام» شنیدم که می‌فرمود: مهدی«علیه السلام» با دوازده هزار نفر که کمترین عدد آنهاست یا پانزده هزار نفر که بیشترین عدد آنهاست ظهور می‌کند که همگی در جلو او در حرکت‌اند هیچ دشمنی او را ملاقات نمی‌کند مگر اینکه آنها را به اذن خدا شکست می‌دهد، شعار آنها بمیر بمیر است از ملامت و سرزنش در راه خدا باکی ندارند، هفت بیرق از طرف شام علیه آنها برافراشته می‌شود، آن حضرت آنها را شکست می‌دهد و مالك آنها می‌شود. سپس محبت و دوستی و نعمت و امنیت و شجاعت را بمردم بر می‌گرداند آنگاه دجال ظهور می‌کند که به شکست او می‌انجامد. آنگاه گفتیم فاصه و بزار، یعنی چه؟ گفت: یعنی در حکومت او شخص بدون ترس هر چه می‌خواهد می‌گوید.

## باب صد و سی و دوم

### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه از شام کسی ظهور خواهد کرد که پیامبر (ص) وعده آمدنش را داده است

**۱۵۹.** «ابن زریر» از علی بن ابیطالب«علیه السلام» نقل می‌کند که فرمود:
خدا کسی را بر اهل شام مسلط می‌کند تا جمعیت آنها را طوری متفرق کند که اگر روباهها با اهل شام بجنگند بر آنها پیروز خواهند شد.
در آن موقع مردی از اهل بیت من با سه بیرق خروج می‌کند تعداد آنها به

Scanned by CamScanner

الْـمُكَثِّرُ يَقول: خَمْسَةَ عَشَر أَلْفاً، وَالْـمُقَلِّلُ يَقُول:
اِثْنِيَ عَشَر أَلْفَاً، إِمارَتَهُم: أَمِتْ أَمِتْ، عَلَى رَايَة مِنْهَا رَجُلُ يَـطْلُبُ الْـمُلْك، أَو يَـبْتَغِي لَـهُ الْـمُلك، فَـيَقْتُلَهُم اللهُ جَمِـيعاً، وَيَـرُدّ اللهُ عَـلَى الْـمُسْلِمِين أُلْفَتَهُم وَفاصَتَهُم وَبَزارتُهم

(كنز العمّال ج ١٤/ ص ٥٨٦ / حديث ٣٩٦٦١).

١٦٠. قَالَ اِبْنُ لَهِيْعَة:
وَأَخْبَرَنِي إِسرائِيلُ بْنِ عِبَاد عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَلِي مِثْلَهُ، إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: تِسْعَ رَايَاتِ سُود (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٤٩ حديث ١٠٠٧).

## الباب ١٣٣

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم فِي الخَسْفِ بِالْجَيش الَّذِي يَنْفُذُه السُّفيَانِي إِلَى الْـمَهدِي.

١٦١. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا عَبدُالله مَرْوان عَنْ الهَيْثَم بْن عَبدُالرَّحْمَن، حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ عَلياً يَقُول:

«إِذَا بَعَثَ السُّفيَانِي إِلَى الْـمَهدِي جَيشَاً فَخَسِفَ بِهم بِالْبَيدَاء، وَبَلَغ ذَلِكَ أَهْلَ الشام، قَالُوا لِخَلِيفَتِهم: قَد خَرَجَ الْـمَهدِي فَـبايِعْهُ وَادْخُـلْ فِي طَاعَتِه وَإلاّ قَتَلْنَاكَ، فَيُرسِلَ إِلَيه بِالْبَيعَةِ، وَيَسِيرُ الْـمَهدِي حَتَى يَنزِلَ بَيْتَ الْـمُقَدّس، وَتَنْقُلُ إِلَيه الْخَزائِن، وَتَدْخُلُ الْعَرَب وَالْعَجَم وَأَهْـلَ الْحَـرْب وَالرُوم وَغَـيْرُهُم فِي طَـاعَتِة مِـنْ غَـير قِـتَال حَـتَى تُـبْنَى الْـمَساجِد بِالْقُسطَنْطَنيّة وَمَا دُونَها، وَيَخْرُجَ قَبْلَه رَجُلُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِه بِأَهْلِ الشَّرق، وَيَحْمِلُ السَّيف، عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَة يَقتُلُ وَيُمَثِّلُ وَيَتَوَجَّهُ إِلَى بَيْتِ الْـمُقَدّس فَلَا يَبْلُغَه حَتى يَمُوت» (كنز العمّال ج ١٤/ ص ٥٨٩ / حديث ٣٩٦٦٩).

Scanned by CamScanner

نظر عده‌ای پانزده هزار و به نظر عده‌ای دیگر دوازده هزار نفر است شعار آنها بمیر بمیر است و بر پرچم آنها نوشته شده است «مردمی که خواهان حکومت‌اند». پس خداوند همه آنها را می‌کشد، آنگاه خدا الفت و امنیت و دوستی به مسلمین باز خواهد گرداند.

**۱۶۰.** و این حدیث طرز دیگری هم روایت شده الا اینکه می‌گوید با نه بیرق سیاه خروج می‌کند.

## باب صد و سی و سوم

### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه لشکر سفیانی که برای جنگ با آن حضرت حرکت کرده در زمین فرو می‌روند و زنده به گور می‌شوند

**۱۶۱.** «هیثم بن عبدالرحمن» می‌گوید:

آن کسی که از علی﴿علیه السلام﴾ شنیده بود برای من گفت: موقعی که سفیانی لشکری به سوی مهدی می‌فرستد در سرزمین بیداء فرو می‌رود این خبر به اهل شام می‌رسد به خلیفهٔ خود می‌گویند: مهدی (عج) خروج کرده تو باید با او بیعت نموده و او را اطاعت کنی! و الا تو را می‌کشیم، خلیفه شام بیعت خود را برای آن حضرت می‌فرستد. بعد از آن مهدی (عج) حرکت می‌کند تا داخل بیت المقدس می‌شود و در آنجا خزینه‌ها در اختیار آن حضرت قرار خواهد گرفت و عرب و عجم و اهل حرب و روم و غیر آنها بدون جنگ تسلیم آن حضرت می‌شوند تا اینکه در قسطنطنیه و پائین آن مسجدهایی ساخته می‌شود. و مردی از اهل بیت آن حضرت به اهل شرق خروج کرده در مدت هشت ماه شمشیر را به دوش خود گرفته عده‌ای را می‌کشد و از برخی انتقام می‌گیرد و متوجه بیت المقدس می‌شود و قبل از اینکه به بیت المقدس برسد می‌میرد.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٣٤

فِي أَنَّه إِذا كَانَت بِالشَام هُدَّة قَبْلَ البَيْداء فَلا بَيْدَاءُ وَلا سُفْيَانِي.

١٦٢. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا رَشْدِين عَنْ اِبْن لَهِيْعَة عَمَّن حَدَّثَهُ عَنْ تَبِيع، قَال:

إِذَا كَانَت هُدّة بِالشَام قَبْلَ الْبَيْدَاء فَلا بَيدَاء وَلَا سُفْيَانِيَ ـ قَالَ لَيْث: قَدكَانتِ الْهَدَّة بِطَبَرِيَة، فَاسْتَيقَظْتَ لَهَا بالفُسْطَاط ـ وَتَخْلَعُ لَهَا أَجْنِحَة، فَإِذَا هِي لَيلَة طَبَرِيَّة. (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٢٨٣ ـ ٢٨٤ حديث ٨٢٩).

## الباب ١٣٥

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيم: أَنَّ الفِتَن تَفْرُج بِرَجُل مِنْ وُلْدِ فَاطِمَة.

١٦٣. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا أَبُو هَارُون عَنْ عَمْرَو بْنِ قَيْسِ الْـمَلائِي عَنِ الْمِنْهَال عَنْ زَرِّ بنِ حَبيش سَمِعَ عَلِيّاً يَقُول:

«يَفُرِّجُ اللهُ الْفِتَن بِرَجُلِ مِنّا، يَسُومُهُم خَسْفاً، لا يُعْطِيهَمُ إِلاّ السَّيف، يَضَعُ السَّيفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَة أَشْهرُ هَرَجاً حَتَى يُقُولو: وَاللهُ مَا هَذا مِنْ وُلدِ فَاطِمَة، لَو كَانَ مِنْ وُلْدِهَا لَرَحِمْنَا، يُغريه [الله] بِبَني الْعَباس وَبَني أُمَيّة» (كنز العمّال ج ١٤/ ص ٥٨٩ / حديث ٣٩٦٧٠).

## باب صد و سی و چهارم

### وقتی ویرانی قبل از سرزمین بیداء در شام پیدا شود بیداء و سفیانی هیچکدام باقی نخواهند ماند

**۱۶۲.** «تبیع» می‌گوید:

موقعیکه در شهر شام خرابی و سر و صدایی از طرف بیداء (نام بیابانی است در اطراف شام) ایجاد شود بیداء و سفیانی باقی نمی‌مانند. لیث می‌گوید: این خرابی و سر و صدا در طبریه خواهد بود که (اهل) خیمه‌اند و عشایر بخاطر آن سر و صدا، بیدار می‌شوند و تسلیم می‌گردند، این است حال شب طبریه.

## باب صد و سی و پنجم

### آنچه که نعیم می‌گوید باینکه فتنه و جنگ از طرف مردی از فرزندان فاطمه به وقوع خواهد پیوست

**۱۶۳.** «زرّ بن حبیش» می‌گوید:

از علی(علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: خدا فتنه‌ها را که سبب ذلت مردم شده به وسیله مردی از خانواده ما برطرف می‌سازد و جز شمشیر و قدرت چیزی در دست ندارد مدت هشت ماه شمشیر را بر دوش گذاشته و آماده جنگ و مبارزه است و فاسدان و منحرفانی که جز مرگ درمانی ندارند؛ می‌کشد تا اینکه مردم می‌گویند: به خدا قسم این از فرزند فاطمه(علیها السلام) نیست. اگر از فرزندان او بود به ما رحم می‌کرد، آن حضرت کار بنی عباس و بنی امیه را می‌سازد و نابودشان می‌کند.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٣٦

فِيمَا ذَكَرَه نَعِيم فِي الْـمَهدِي وَمُنادِي السَّمَاَء
وَبَيْعَة السُّفْيانِي لِلْـمَهدِيَ.

**١٦٤.** حَدَّثَنِي نَعِيم، حَدَّثَنا عَبدُالله بْنِ مَرْوان عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَزِيد عَنْ الزُّهرَى، قَالَ: **يَخْرُجُ الْـمَهدِي مِنْ مَكة بَعْدَ الْخَسْفِ فِي ثَـلاثَمائَة وَأربَـعَة عَـشَر رَجُلاً عَدَّةَ أَهْلَ بَدر، فَيَلْتَقِي هُوَ وَ صَاحِبَ جَيشِ السُّـفيَانِي وَأَصْـحَابُ الْـمَهْدِي يَومَئِذٍ جُنَّتهُمُ** (ما يستتر به من السلاح) **البَرَاذع** (جمع برذع =كساء رقيق)، **وَقَالَ: إِنَّهُ يَسْمَعُ يَومَئِذٍ صَوْتاً مِنَ السَّمَاَء، مُنَادِياً يُنَادي: أَلا إِنّ أَولِيَاءَ اللهُ أَصحَابَ فُلان ـ يَعنى الْـمَهدِي ـ فَتَكُونَ الدَّبْرَةُ** (الهـزيمة فـى القـتال) **عَـلَى أَصْحَاب السُّفيَانِي فَيَقْتَتِلُونَ، لا يَـبقَ مِـنْهُم إلاّ الشَرِيـد، فَـيَهْرِبُونَ إِلى السُفيانِي فَيُخْبِرُونَه، وَيَخْرُجُ الْــمَهدِي إِلَى الشَـام، وَيَـتلَّق السُّـفيانِي الْـمَهدِي بِبَيعِته، وَيَتسارَعُ النَّاسُ إِليه مِنْ كُلِّ وَجْه، وَيَملَأ الأَرضَ عَدْلاً**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٥١ / حديث ١٠١٥).

## الباب ١٣٧

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيم فِي أَنّ السُّفيانِي يَدْفَع الْخِلَافَة إِلى الْـمَهدِي.

**١٦٥.** حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا عَبدُ القُدُّوس عَنْ أَبِي بَكر، حَدَّثَنى أَشياخُنَا، قَالَ: **السُّفيانِي هُوَ الَّذِي يَدفَعُ الْخِلافَة إِلى الْـمَهدِي**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٥٢ حديث ١٠١٩).

Scanned by CamScanner

## باب صد و سی و ششم

### آنچه که نعیم درباره مهدی و منادی آسمان و بیعت سفیانی با مهدی ذکر کرده است

**۱٦٤.** «زهری» می‌گوید:

مهدی (عج) از مکه با سیصد و چهارده نفر که شمارهٔ اهل بدرند قیام می‌کند اصحاب مهدی پوشش رقیقی دارند و با فرمانده سفیانی ملاقات می‌نمایند زهری می‌گوید: در آن روز صدائی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید: آگاه باشید که اولیاء خدا اصحاب فلانند. یعنی مهدی و یاران سفیانی بجنگ می‌پردازند که سرانجام شکست خورده و فرار می‌کنند وعده‌ای به سوی سفیانی می‌آیند و از آمدن مهدی او را خبر می‌دهند در اینجا سفیانی با مهدی بیعت می‌کند و مردم از هر طرف به سوی حضرت می‌شتابند و آن بزرگوار زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

## باب صد و سی و هفتم

### آنچه که نعیم ذکر کرده این است که سفیانی خلافت را به امام مهدی رد می‌کند

**۱٦٥.** ابوبکر می‌گوید: بزرگان ما گفته‌اند:

سفیانی آن کسی است که خلافت را به مهدی(علیه السلام) واگذار می‌کند.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٣٨

فِيمَا ذَكَرَهُ نعيم مِنْ اسْتِخراج المَهدي
لِتابُوتِ السَّكِينَة وَالتوراة وَالإِنجيل مِنْ غارِ أَنْطاكِية.

١٦٦. حَدَّثَنا نَعيم، حَدَّثَنا أَبُو يُوسُف الْمَقْدِسِي عَنْ صَفْوَان بْن عَمرو عَنْ عَبدالله ابْنِ بُسْرٍ الحَمْصِي عَنْ كَعب، قَالَ:

الْـمَهدِي يَبْعَثُ بَعْثاً لِقِتَال الرُّوم، يُعطِي فِـقه عَـشرة، يَسْـتَخرِجُ تابُوتِ السَّكِينَة مِن غار أَنْطاكِية، فِيه التُّوراة الَّتِي أَنْزَلَ اللهُ عَلَى مُوسى، وَالإِنجيل الَّذِي أَنزَلَ اللهُ عَلَى عِيسَى، يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَوراة بِـتَوراتِهِـم وَبَيْنَ الإِنجِيلُ بِإِنجِيلِهِم (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٥٥ حديث ١٠٢).

## الباب ١٣٩

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعيم مِنْ أَنَّ الْـمَهدِي يَهدِي لِأَمرٍ خَفِيّ.

١٦٧. حَدَّثَنا نُعَيم، حَدَّثَنا عَبدُالرَّزّاق عَنْ مَعْمَر عَنْ مِطْر الْوَرّاق عَمَّن حَدَّثه عَنْ كَعب، قَالَ:

إِنَّمَا سُمِّي الْـمَهدِي ؛ لِأَنَّه يَهدِي لِأَمر قَدْ خَفِيّ، وَيَسْتَخْرِجُ التَـورَاة وَالإِنجِيل مِنْ أَرضٍ يُقَالُ لَهَا: أَنْطاكِيَّة

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٥٥ حديث ١٠٢٣).

١٦٨. وَرَوى نَعِيم، فِي حَدِيثِ آخـرَ: أَنَّ التَورَاة يَخْرُجُها غَصَّةً ـ يَـعنِي: طَرِيَّةً ـ مِنْ أَنْطاكِيّة (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٥٦ / حديث ١٠٢٩).

Scanned by CamScanner

## باب صد و سی و هشتم

### آنچه که نعیم ذکر کرده عبارت از بیرون ساختن تابوتی که در آن تورات و انجیل است

**۱۶۶.** «کعب» می‌گوید:
مهدی (عج) مبعوث می‌شود تا با روم بجنگد، آگاهی ده نفر را دارد *(این تعبیر حاکی از کثرت و زیادی علم اوست)* و تابوت سکینه را که حاوی تورات و انجیلی است که خداوند بر موسی و عیسی نازل کرده از غار انطاکیه بیرون می‌آورد و آن حضرت در بین اهل تورات با توراتشان و در بین اهل انجیل با انجیلشان داوری می‌کند.

## باب صد و سی و نهم

### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه مهدی مردم را به کار پنهانی هدایت و راهنمائی می‌کند

**۱۶۷.** «کعب» می‌گوید:
اینکه مهدی (عج) را مهدی نامیدند، این است که امت را برای کاری که بر مردم مخفی است *(و سبب سعادت آنهاست)* دعوت و هدایت می‌کند و تورات و انجیل را از سرزمینی که آن را انطاکیه می‌گویند استخراج می‌نماید.

**۱۶۸.** و در روایت دیگر است که آن حضرت تورات را نو و (سالم) از انطاکیه بیرون می‌آورد.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٤٠

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيمُ فِي أَنَّ عَدْلَ الْـمَهدِي
يَبْلُغَ إِلَى أَنَّه لَو كَانَ تَحْتَ ضِرْسِ إِنْسَان شَيء اِنتَزَعَهُ وَرَدَّهُ.

١٦٩. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا مُعْتَمِرِ بْنِ سُلَيْمَان عَنْ جَعفَرِ بْنِ الشامِي، قَالَ:

يَبلُغُ مِن ردِّ الْـمَهدِي الْـمَظالِمَ حَتى لَو كَـان تَحْتَ ضِرْسِ إِنسَـانٍ شَيءُ اِنْتَزَعَهُ حَتى يَرُدَّه (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٥٥ / ١٠٢٤).

## الباب ١٤١

فِيمَا ذَكَرَهُ فِي أَنَّ مَعَ الْـمَهدِي رَايَةُ رَسُولِ الله (صلى الله عليه وآله) الْـمُعَلَّمَة.

١٧٠. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا يَحْيَي بْنِ الْيَمان عَنْ قَيس عَنْ عَبدِاللهِ بْن شَرِيك، قَالَ:

مَعَ الْـمَهدِي رَايَةُ رَسُولِ الله (ص)، الْـمُعَلِّمَة (لها علامة يعرفها)، لَيتَنِي أَدْرَكْتُهُ وَأَنا جَذَعُ (شابّ) (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٥٥ / حديث ١٠٢٥).

وفى رواية اخرى عن على عليه السلام اَنّ الْـمَهْدي يَخْرُجُ بِرآيَةِ الْنَبّي صلى الله عليه وآله وسلم مِنْ مِرْطٍ مُخْملَة

## الباب ١٤٢

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم: أَنَّ رَايَة الْـمَهدِي مَكتُوب عَلَيها: البَيعَةُ لله.

١٧١. حَدَّثَنا نَعِيم: حَدَّثَنا يَحْيَى بْنِ اليَمان عَنْ سُفيان الثُورِي عَنْ أَبِي إِسْحَاق عَنْ نَوفِ الْبَكَّالِي، قَالَ:

فِي رَايَةِ الْـمَهدِي مَكْتُوب: الْبَيْعَةُ لله

(كتاب الفتن لابن حماد ج١/ص ٣٥٦/حديث ١٠٢٦).

Scanned by CamScanner

## باب صد و چهلم

### آنچه که نعیم از عدالت مهدی ذکر کرده که اگر مال کسی حتی در زیر دندان کسی باشد آن را بیرون می‌آورد و به صاحبش برمی‌گرداند

**۱۶۹.** «جعفر بن یسار شامی» می‌گوید:

حضرت مهدی در رد مظالم بجایی می‌رسد که اگر چیز (غصبی) در زیر دندان انسانی باشد آن را گرفته و (به صاحبش) بر می‌گرداند.

## باب صد و چهل و یکم

### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه بهمراه مهدی پرچم رسول خداست که برافراشته است

**۱۷۰.** «عبد اللّه بن شریک» می‌گوید:

بیرق رسول خدا(ﷺ) برافراشته با مهدی (عج) خواهد بود و برای آن علائمی است ای کاش من در جوانی حضرت را درک می‌کردم تا بتوانم بخوبی او را یاری نمایم.

## باب صد و چهل و دوم

### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه بر روی پرچم مهدی نوشته شده است بیعت برای خداوند است

**۱۷۱.** «نوف بکالی» می‌گوید: بر بیرق مهدی (عج) نوشته شده است: بیعت (فقط) برای خداست.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٤٣

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم: أَنَّ الْـمَهدِي كَأَنَّمَا يُلعِقُ الْـمَسَاكِين الزُّبْدَ.

١٧٢. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا يَحْيَى عَنْ سَيف بنِ وَاصَلِ عَنْ أَبِي يُونِس عَنْ رُؤبة، قَالَ:
المَهدِي كَأَنَّمَا يَلْعَقُ الْـمَسَاكِينَ الزُّبْدَ.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١/ص ٣٥٦/حديث ١٠٢٨).

## الباب ١٤٤

فِيما ذَكَرَهُ نَعِيم مِنْ أَنَّ الْـمَهدِي خَيرُ النَّاس،
وَأَنَّ مُقَدَّمَة جَبرَئِيل، وَسَاقَتَهُ مِيكائِيل.

١٧٣. حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا الْوَلِيد عَمَّن حَدَّثَه وَقَرأَهُ، عَنْ كَعْب، قالَ قُتَادة:
اَلْمَهدِي خَيرُ النَّاس، أَهلُ نُصْرَتِه وَبَيعَتِهِ مِنْ أَهلِ كُوفانِ والَيْمن وَأَبدَالِ الشَّام، مُقَدّمُتهُ جَبرَئِيل و سَاقَتَهُ مِيكائِيل، مَحبُوبُ فِي الْخَلائِق، يُطْفِئُ اللهُ بِه الْفِتْنَةَ الْعَميَاء، وَتأْمَنُ الأَرضَ حَتّى الْمِرأَه لِتَحجَّ فِي خَمُس نِسوةٍ وَمَا مَعَهُنّ رَجُلَ لاتَتَّقِي شَيئاً إِلاّ الله، تُعْطِي الأَرضَ بَرَكَاتِها (زكاتها) وَالسَّماَء بَرَكَتِهَا.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٥٦ حديث ١٠٣٠).

Scanned by CamScanner

## باب صد و چهل و سوم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که حضرت مایل است که به مساکین کمک نماید.

**۱۷۲.** راوی می‌گوید:

هدف مهدی (عج) آن است که به مستمندان، بذل و بخشش نماید.

## باب صد و چهل و چهارم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که مهدی بهترین مردم است که در جلو او جبرئیل و به دنبال او میکائیل است

**۱۷۳.** «قتاده» می‌گوید:

بهترین مردم مهدی است و یاری دهندگان و بیعت کنندگان با او بیشتر مردم کوفه و یمن و بزرگان شام‌اند جلو مهدی جبرئیل و پشت سرش میکائیل در حرکت‌اند. مهدی (عج) محبوب خلائق است و خدا به وسیله او فتنه را خاموش می‌کند و زمین رابه نحوی امن و امان خواهد کرد که یک زن می‌تواند با پنج زن دیگر حج بجای آورند بدون آنکه مردی با آنها باشد و آن زن از هیچ چیز باکی نخواهد داشت و خدا برکات زمین و آسمان خود را بمردم ارزانی می‌دارد.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٤٥

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيم مِن أَنَّ الْـمَهْدِي يُهدِي إِلى أَسفَار مِنَ التورَاة،
يُسْلِمُ بِهَا ثَلاثُون أَلفاً.

**١٧٤.** حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا ضَمْرَة عَنْ اِبْن شُوذَب عَنْ مَطَرٍ عَن كَعب قَال:

**إِنَّمَا سُمِّيَ الْـمَهْدِي؛ لأَنَّهُ يُهـدِى إلى أَسـفار مِـن أَسـفَار التـوراة يَسْتَخْرِجُها مِنْ جِبَالِ الشَّامَ، يَدعُو إِلَيها الْيَهُود، فَيَسْلِمَ عَلَى تِلكَ الكُتُب جَمَاعَةُ كَثِيرة، ثُمَّ ذَكَر نَحواً مَنْ ثَلاثين أَلفاً**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٥٧ـ٣٥٨ حديث ١٠٣٥).

## الباب ١٤٦

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيم: أَنَّهُ يَرْضَى عَنه سَاكِنُ الأَرض.

**١٧٥.** قَالَ مُعَمَر: وَ أَخبرَنَا أَبُو هَارُون عَن مُعاوِيَة بْنِ قُرَّةٍ عَنْ أَبِي الصِدّيقَ النَّاجِي عَنْ أَبِي الخُدْرِي عَنْ النَّبِيّ(ص) قَالَ:

**«يَرضَى عَنهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الأَرض، وَلا تَـدَعُ السَّمَاء مِـنْ قَطْرِها شَيْئاً إِلاّ صَبّتهُ وَلا الأَرض مِنْ نَباتِها شَيئاً إِلاّ أَخْرَجَتْه حَتى تَتَمَنَى الأَحياءَ الأَموَات»** (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٥٨ / ١٠٣٨).

Scanned by CamScanner

## باب صد و چهل و پنجم

### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه مهدی به سوی قسمتهائی از تورات راهنمائی می‌شود و بخاطر دسترسی حضرت به آن اسفار، حدود سه هزار نفر به او ایمان می‌آورند

**۱۷٤.** کعب می‌گوید:
علت اینکه مهدی (عج) را مهدی نامیده‌اند آن است که آن حضرت به سوی اسفاری (یعنی قسمتی) از تورات راهنمائی می‌شود و آنها را از کوههائیکه یهود، (مردم را) به طرف آنها دعوت می‌کنند استخراج خواهد نمود، پس جمعیت زیادی به واسطه آن کتابها، اسلام اختیار می‌نمایند.

## باب صد و چهل و ششم

### آنچه‌که نعیم ذکرکرده‌باینکه مردم روی زمین از او راضی خواهند بود

**۱۷۵.** «ابوسیعد خدری» از رسول خدا﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ روایت کرده که فرمود: ساکنین آسمان و زمین از مهدی(عج) راضی خواهند بود. آسمان قطره‌ای از قطره‌های (باران) خود را وانمی‌گذارد مگر اینکه آن را فرو می‌ریزد و زمین هم گیاهی از گیاهان خود را نگه نمی‌دارد جز آنکه آن را خارج می‌سازد تا آنجاکه اموات آرزوی زنده شدن را دارند.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٤٧

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم: أَنَّه يَسْتَخرِجُ
الكُنُوز، وَيُقَسِمُ الْـمَال، وَيُلْقِي الأِسلامُ بِجِرانِه. (بتمامه)

١٧٦. حَدَّثَنا نَعيم، حَدَّثَنا عَبدُالرزّاق عَنْ مُعمر عَنْ قُتَادة، قَال:

قَالَ رَسُولِ اللهِ(ص):

«إِنَّه يَسْتَخرِجُ الْكُنوز، وَيُقَسِّمُ الْـمَال، وَيُلْقِيَ الإِسلامُ بِجِرانِه» (باطن عنق البعير) (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٥٨ / حديث ١٠٣٧).

## الباب ١٤٨

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيم أَنَّه يُحْثِي الْـمَال حَثِياً وَيَملأ الأَرض عَدْلاً.

١٧٧. حَدّثنا نَعيم، حَدَّثَنا الوَليد عَنْ سَعِيد عَن قَتادة عَنْ أَبِي نَضرة عَن أَبِي سَعيد الخُدرِي عَنِ النَّبِيّ(ص)، قَال:

«يُحثِي الْـمَالَ حَثِياً (كناية عن المبالغة فى الكثرة) لا يَعُدُّه عَدّاً، يَملَأُ الأَرْضَ عَدْلاً كَما مُلِئَتْ جَوراً وَظُلْماً»

## الباب ١٤٩

فِيمَا ذَكَرهُ نَعِيم: أَنَّ الأُمَّة تَأوِي إِلَيه كَالْنَحْلِ إِلى يَعْسُوبِهَا.

١٧٨. حَدَّثَنا نَعيم، حَدَّثَنا الوَليد عَنْ أَبِي رَافِع إِسْمَاعِيل بْنِ رَافِع عمّن حَدَّثَه عَنْ أَبِي سَعِيد عَنْ النَّبِي(ص)، قَالَ:

«تَأوِي إِلَيه أُمَّتُهُ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهم الأَوّل، لا يُوقِظُ نائِماً وَلا يُهرِيقَ دَماً» (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٥٨ ـ ٣٥٩/حديث ١٠٤٠).

Scanned by CamScanner

## باب صد و چهل و هفتم

### آن‌چه که نعیم ذکر کرده که مهدی (عج) گنجها را استخراج می‌کند و اموال را تقسیم می‌نماید و اسلام بتمامه در جایگاه خود مستقر خواهد ساخت

**۱۷۶.** معمر بن قتاده از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
مهدی (عج) گنجها را استخراج نموده و اموال را تقسیم می‌نماید، و اسلام را در جای خود مستقر نموده و مانند گردن که روی زمین قرار می‌گیرد همه مسائل آن انجام می‌پذیرد.

## باب صد و چهل و هشتم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که حضرت اموال را بتدریج می‌دهد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد

**۱۷۷.** «ابوسعید خدری» از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
مهدی (عج) مال را به تدریج می‌دهد و آن را شماره نمی‌کند زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همانگونه که پر از ظلم و ستم شده باشد.

## باب صد و چهل و نهم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که مردم مانند تجمع زنبورها به دور ملکه به دور حضرت جمع می‌شوند

**۱۷۸.** ابوسعید خدری از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
مانند دورهٔ نخست، مردم به دور حضرت جمع می‌شوند و مطیع فرمان اویند نه خوابی را بیدار و نه خونی را می‌ریزد

Scanned by CamScanner

## الباب ١٥٠

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم: أَنَّهُ يَمْلَأُ الأَرضَ عَدْلاً وَيَمْلِكُ سَبْعَ سِنَيْن.

**١٧٩.** حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا اِبْنُ وَهَبْ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ نَبْهَان عَنْ عَمْرو ابْنِ زِيادَ أَبِي نَضْرَة عَنْ أَبِي سَعِيد الْخُدْرِي عَنْ النَّبِيِّ(ص)، قَال:

**«يَملأُ الأَرضَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ قَبْلَهُ ظُلْماً وَجُوراً، يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِين»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٥٩ / حديث ١٠٤١).

## الباب ١٥١

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم: أَنَّ طَاوُوس تَمَنّى أَنْ يُدْرِكَ أَيامَ الْـمَهدِي.

**١٨٠.** حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنا ابْنُ عَيَيْنَة عَنْ إبراهِيم بْنِ مَيْسَرَة، قَال: قَال طَاوُوس:

**وَدَدْتُ أَنِّي لا أَمُوتُ حَتّى أَدْرَكَ الْـمَهْدِي، يَـزْدادُ الْمُحسن فِي إِحْسَانِه، وَيُتابُ فِيهُ عَلَى الْـمُسِيء»**

(كتابالفتن لابن حماد ج١ / ص ٣٦٠ / حديث ١٠٤٦).

## الباب ١٥٢

### فِيُمَا ذَكَرهُ نَعِيمْ فِي اَنَّهُ فِي زَمَانِ الْـمَهْدِي يَتَمَنّّى الصَّغِيْر اَنْ يَكُونَ كَبِيْراً وَ الْكَبِيرُ صَغِيْراً

**١٨١.** حَدَّثَنَا نَعِيم، حدَّثَنَا رشْدِين عَنَ ابْنَ لَهِيْعَةَ عَنْ اَبِي زَرْعَة عَنْ صَبَاح، قَالَ:

**يَتَمَنّى فِي زَمَنِ الْـمَهْدِى الصَّغِيْر اَنْ يَكُونَ كَبِيْراً وَ الْكَبِيَر اَنْ يَكُونَ صَغيراً**

(كتاب الفتن لابن حماد، ج١: ص ٣٦٠/ حديث ١٠٤٧).

Scanned by CamScanner

## باب صد و پنجاهم

### آنچه که نعیم ذکر کرده این است که مهدی زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و هفت سال حکومت می‌نماید.

**۱۷۹.** ابوسعید خدری از حضرت محمد بن عبدالله(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: مهدی (عج) زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همان طور که قبل از او پر از ظلم و ستم شده است، و هفت سال حکومت می‌کند.

## باب صد و پنجاه و یکم

### آنچه که نعیم ذکر کرده این است که طاووس یمانی در آرزوی درک زمان مهدی بود

**۱۸۰.** «طاووس» می‌گوید:

من دوست دارم که نمیرم تا زمان مهدی (عج) را درک کنم، (زیرا) آن حضرت به پاداش نیکوکاران می‌افزاید و به گهنکار فرصت توبه می‌دهد.

## باب صد و پنجاه و دوم

### نعیم ذکر کرده که در زمان مهدی کودک در آرزوی بزرگ شدن است و بزرگ در آرزوی کودک شدن

**۱۸۱.** نعیم: از رشدین و او از ابن لهیعه و آنها از ابی زرعه و صباح نقل کرده‌اند: در زمان مهدی (عج) صغیر آرزو می‌کند که کبیر باشد *(تا مسائل را بخوبی درک کند)* و کبیر آرزو دارد که صغیر باشد. *(تا زمان بیشتری را از عصر مهدی درک کند)*

*توضیح: ابن حجر عسقلانی که یکی از علمای بزرگ اهل سنت است در کتاب تقریب التهذیب خود می‌نویسد: «رشدین و ابن لهیعه از راویانی هستند که مورد ثقه و اعتماد اهل سنت نیستند و گفتار ایشان مورد توجه و پذیرش نیست» در اینصورت شاید نقل حدیث سیّد از آنها صرفاً توجه به متن حدیث و نقل از آنها بوده بدون اینکه توجهی به ثقه بودن یا نبودن آنها داشته باشد.*

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۵۳

فِيمَا ذَكَرَهَ نَعِيْم عَنِ النَّبِيّ (ﷺ): اَنَّ
أُمَّتَهُ تَنْعِمُ فِي زَمَانِ الْـمَهْدِيَ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَها قَطّ.

**۱۸۲.** حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا مُحَمّدُ بْنِ مَرْوَان عَنْ عِمَارَةِ بْنِ أَبِي حَفْصَة عَنْ زَيْدِ الْعَمّي عَنْ اَبِي الصِدّيق عَنَ اَبِي سَعَيْدِ الْخُدْرِي عَنْ النَّبِيِّ(ص)، قَالَ:

«تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْـمَهْدِيَ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَها قَـطّ، تُـرْسِلُ السَّمَاء عَلَيْهِمْ مِدْرَاراً، وَ لاَ تَدَعَ الاَرْضُ شَيْئاً مِنْ النَّـبَاتِ اِلاّ أَخْـرَجَتْهُ، وَالْمَالُ كَدُوس (الكثير اى بعض على بعض)، يَقُومَ الرَّجُلْ يَـقُولُ: يـا مَـهْدى أَعْطِنِي، فَيَقُول: خُذْ» (كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٦٠/حديث ١٠٤٨).

## الباب ۱۵٤

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم فِي ظُهُورِ تَابُوت
السَّكِيْنَة عَلَى يَدِهِ مِنْ بُحَيْرَةِ طَبَرِيَّة.

**۱۸۳.** حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنِ سَعْيد الْعَطّارِ الْبَصْرى عَنْ سُلَيْمَان ابْنِ عِيْسَى، قَالَ:

بَلَغَنى اَنَّهُ عَلَى يَدِى الْـمَهْدى يَظْهَرُ تَابُوتُ السَّكِيْنَة مِـنْ بُحَـيْرة طَبَرِّيَةِ حَتَى يَحْمِلَ فَيُوضِعَ بَيْنَ يَدَيهْ بِبَيْتِ الْـمَقْدّس، فَاِذا نَـظَرَتْ اِلَـيْهِ الْيَهُودُ اَسْلَمَتْ اِلاّ قَلِيلاً مِنْهُم، ثُمَ يَمُوتُ الْـمَهْدى

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٦٠-٣٦١ / حديث ١٠٥٠).

Scanned by CamScanner

## باب صد و پنجاه و سوم

**آنچه که نعیم ذکر کرده که پیامبر (ص) فرمود که امت من در زمان مهدی به نعمتی می‌رسد که هیچگاه قبلا به چنین نعمتی نرسیده است**

**۱۸۲**. ابوسعید خدری از حضرت محمد بن عبدالله(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:

امت من در زمان مهدی (عج) متعنم به نعمتهایی می‌شود که هرگز نعمتی به او داده نشده، باران بر آنها می‌بارد و زمین چیزی از گیاهان بجا نمی‌گذارد جز آنکه همه را بیرون می‌ریزد و سبز می‌کند و ثروت مانند خرمن انباشته می‌شود و مال ارزشی ندارد، مردی بلند می‌شود و می‌گوید: یا مهدی به من ببخش. حضرت می‌گوید: بگیر.

## باب صد و پنجاه و چهارم

**آنچه که نعیم ذکر کرده که تابوت آرامش دهنده (که مربوط به یهود بوده) از بحیره طبریه بدست مهدی می‌افتد**

**۱۸۳**. سلیمان بن عیسی می‌گوید:

به من چنین رسیده که تابوت سکینه از بحیرهٔ طبریه(روستایی است در اردن) به دست مهدی (عج) آشکار می‌شود و آن را به بیت المقدس می‌آورند و در اختیار حضرت قرار می‌دهند موقعی که یهودیان به تابوت نظر می‌کنند جز تعدادکمی به مهدی (عج) ایمان می‌آورند.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٥٥

فِيمٰا ذَكَرَهُ نَعيمُ: أَنَّ الْغِنٰى يُلْقٰى فِى
قُلُوبِ الْعِبٰادَ فِى زَمٰانِ الْـمَهْدى.

١٨٤. حَدَثَنا نَعِيم: وَ حَدثَنِي غَيْرُ وَاحِدٍ عَنْ ابنِ عَيَّاش عَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدُالله عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَنْ رَجُل مِنْ أَهْلِ الْـمَغْرِب، قَالَ:

اِذَا خَرَجَ الْـمَهْدِى اَلْقَ اللهُ الْـغِنَى فِي قُـلُوبِ الْـعِبَاد حَـتّى يَـقُولَ الْـمَهْدِى: مَنْ يُرْيَدُ الْـمَالَ؟ فَلَا يَأْتِيَهُ اَحَدُ اِلّاَ وَاحِدُ يَقُول: أَنَا، فَـيَقُول: أُحْثُ، فَيَحْثُو، فَيَحْمِلَ عَلَى ظَهْرِهِ حَتَى اِذَا أَتَى اَقْصَى النَّاسَ قَالَ: اَلَا أَرَانِي شَرُّ مَنْ هَاهُنَا؟! فَيَرْجِعَ فَيَرُدَهُ اِلَيْه، فَيَقُول: خُذْ مَالَكَ لَا حَاجَةَ لِيْ فِيهِ

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٦١ / حديث ١٠٥١).

## الباب ١٥٦

فيمٰا ذَكَرَهُ نَعِيمْ: اَنَّ
الْـمَهْدِى يَصْلَحُهُ اللهُ فِى لَيْلَةٍ

١٨٥. حَدَّثنا نَعيمُ، حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْن مٰالِكِ الْـمَزَنِي عَنُ يٰاسِيْنِ بْنِ سَـيَّار، قَـالَ: سَمِعْتُ اِبْراهِيمَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّة، قَالَ: حَدَّثَنِي اَبِي، حَدَّثَنِيَ عَلِي بْنِ اَبى طَالِب، قَالَ:

«قَالَ رَسُولُ الله(ص):

الْـمَهْدِى يُصْلِحُهُ الله فِي لَيْلَةٍ وٰاحِدَةٍ» (حلية الاولياء ج ٣ ص ١٧٧).

## باب صد و پنجاه و پنجم

### آن‌چه که نعیم ذکر کرده که در زمان مهدی(علیه‌السلام)
### بی نیازی بگونه‌ای است که کسی خود را نیازمند نمی‌بیند

**۱۸۴.** ابو محمد می‌گوید:

مردی از اهل مغرب گفت: وقتی که مهدی (عج) خروج کند خداوند طوری مردم را بی‌نیاز می‌سازد که مهدی (عج) می‌گوید: چه کسی خواهان ثروت است؟ هیچ‌کس اظهار نیاز نمی‌کند. جز یک نفر که می‌گوید:

من (طالب مالم)، پس آن مرد عرض می‌کند مال کمی به من عطا کن و آن حضرت به او می‌دهد آن مرد مال را به دوش خود می‌کشد و به نزد دورترین فرد می‌آید و می‌گوید: صلاح نمی‌دانم که از اینجا بگذرم، پس بر می‌گردد مال را به آن حضرت برمی‌گرداند و می‌گوید: مال خود را بگیر که من به آن احتیاجی ندارم.

## باب صد و پنجاه و ششم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که خداوند کار مهدی (عج) را در یک شب اصلاح می‌نماید

**۱۸۵.** محمد بن حنفیه از پدر بزرگوارش علی بن ابیطالب و او از رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) روایت کرده که فرمود:

خدا (کار) مهدی را در یک شب اصلاح می‌نماید.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۵۷

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نعيمٌ فِى اَنَّ مَوْلاٰنا علياً عَرَّفَ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّاب أنّ حُلىّ الكَعْبَةِ يَقْسِمُهُ فيهِ شَابٌّ مِنْ قُرَيش فِى آخِرِ الزَمَان

**۱۸٦.** حَدَّثَنا نعيمٌ، حَدَّثَنا ابْنُ وَهَبَ عَنْ إسْحَاقِ بْنِ يَحْيَى بْنِ طَلْحَة التَيْمِى عَنْ طَاوُوس، قَالَ: وَدَّعَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ الْبَيْت، ثُمّ قَالَ:

وَ اللهُ مَا اَرانِي اَدعُ خَزَائِنَ الْبَيْتِ وَ ما فِيهِ مَن السَّلاحِ وَ الْمَالَ اَم أُقَسّمُهُ فِى سَبيلِ الله؟ فَقَالَ لَهُ عَلِى بْنِ اَبِى طَالِب: «اِمْضِ فَلسْتَ بِصَاحِبِه، اِنَّما صَاحِبُهُ مِنَّاَ شَابٌّ مِنْ قُرَيْش يُقَسّمُهُ فِى سَبيلِ اللهِ فِى آخِرِ الزَّمَان».

(كنز العمّال ج ۱٤ / ص ۵۹۰ و ۵۹۱ / حديث ۳۹٦۷٤).

## الباب ۱۵۸

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم فِى اَوّلِ لِوَاءِ يَعْقِدُهُ الْمَهْدِى

**۱۸۷.** حَدَّثَنا نَعِيْم، حَدَّثَنا الْحِكَم بْنِ نَافِعِ عَنْ جَرّاح عَنْ اَرْطَأةِ، قَالَ:

اَوّلُ لِوَاء يَعْقِدُهُ المَهْدِى يَبْعَثُهُ اِلَى الْتُرْكَ فَيَهْزِمَهُمْ وَ يَأْخُذُ مَا مَعَهُم مِنَ السَّبْى وَ الأمْوال، ثُمَ يَسْيرُ اِلَى الشَّام فَيَفْتَحَها، ثُمَ يَعْتِقُ كُلَّ مَمْلُوك مَعَه، وَأَعْطَى اَصْحَابَه ثَمَنُهُم.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳٦۳/حديث ۱۰٦۰).

**۱۸۸.** وَ قَالَ فِى حَدِيثُ آخَرَ:

يَخْرُجُ عَلَى لِوَاءِ المَهْدِى حَدِيثُ الْسِن، خَفَيْفُ الْلِحيَةِ، اَصْفَرَ - وَلَم يَذْكُرِ الْوَلِيْد اَصْفَر - لَوْ قَابَلَ الْجِبَالَ لَهَزَّهَا - وَقَالَ: لَهَدَّهَا - حَيْث يَنْزِلُ أِيْلِيَاء

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳٦٦/حديث ۱۰۷۱).

Scanned by CamScanner

## باب صد و پنجاه و هفتم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که مولا علی(علیه السلام) به عمر بن خطاب گفت: تقسیم کننده اموال کعبه، جوانی از قریش است

**۱۸۶.** «طاووس» می‌گوید:

وقتی عمر بن خطاب با کعبه خداحافظی می‌نمود گفت: به خدا سوگند نمی‌دانم که خزینه‌ها و اسلحه و مال کعبه را رها کنم یا آنها را در راه خدا تقسیم نمایم؟ علی ابن ابیطالب(علیه السلام) به او فرمود: (از این خیال) در گذر که تو صاحب کعبه نیستی بلکه صاحب آن، جوانی است از قریش که در آخر الزمان، آن را در راه خدا خواهد داد.

## باب صد و پنجاه و هشتم

### آنچه که نعیم پیرامون اولین پرچم مهدی (عج) ذکر کرده است

**۱۸۷.** «ارطاة» می‌گوید:

مهدی (عج) نخستین بار پرچم را به سوی ملت ترک می‌فرستد و آنها را شکست می‌دهد و اسراء و اموال آنها را می‌گیرد، بعد از آن، به سوی شام می‌رود و آن را فتح می‌کند و غلامهای زر خریدی را که با او باشند آزاد نموده قیمت آنها را به یاران خود می‌دهد،

**۱۸۸.** و در حدیث دیگر است که نوجوانی با محاسن کم و رنگ زرد در زیر لوای مهدی (عج) خارج می‌شود که اگر با کوهها بجنگد آنها را خراب می‌کند و گفت: موقعی که به قدس بیاید آن را خراب خواهد کرد.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٥٩

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نعيم فِي صِفَةِ الْـمَهْدِي

**١٨٩.** حَدَّثَنَا نعيم، حَدَّثَنَا الْوَلِيْدِ عَنْ سَعِيْد قُتَادَة عَنْ أَبِي نَضْرَةِ عَنْ أَبِي الْصِدِّيْقِ عَنْ أَبِي سَعِيْدِ الْخُدْرِي عَنْ رَسُولِ الله(ص)، قَالَ:

**«الْـمَهْدِي اَجْلَى الْجَبِيْنِ أَقْنَى الأَنْف**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١: ص ٣٦٤ / حديث ١٠٦٣).

**١٩٠.** وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ:

**«الْـمَهْدِي اَقْنَى اَجْلَى» رَوَاهُ عَنِ النَّبِيّ «ﷺ»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٦٤/حديث ١٠٦٤).

## الباب ١٦٠

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم فِي خُشُوعِ الْـمَهْدِي

**١٩١.** حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا أَبُو يُوسُف عَنْ صَفْوَانِ بْنِ عَمِرُو عَنْ عَبْدِالله ابْنِ بُسْرُ عَنْ كَعْب، قَالَ:

**الْـمَهْدِي خَاشِعُ لِلّٰهِ كَخُشُوعِ النَّسْرُ جُنَاحَه**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٦٤/حديث ١٠٦١).

Scanned by CamScanner

## باب صد و پنجاه و نهم
### آنچه که نعیم در صفت مهدی ذکر کرده است

۱۸۹. «ابوسعید خدری» از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
صورت و پیشانی حضرت نورانی و بینی او عقابی است.

۱۹۰. در حدیثی دیگر از پیامبر پیرامون چهره صورت مهدی مانند قبل آمده است به اینکه:
بینی حضرت عقابی و چهره‌اش نورانی است.

## باب صد و شصتم
### آنچه که نعیم در ابراز کوچکی مهدی در برابر خداوند ذکر کرده است

۱۹۱. «کعب» می‌گوید:
مهدی (عج) در برابر خداوند مانند عقابی است که بالهای خود را بعنوان تسلیم پهن می‌کند.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٦١

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْمِ مِنْ زِيَادَةَ [فِى] صِفَةِ الْـمَهْدِى

**١٩٢.** حَدَّثنَا نَعِيْم، حَدَّثنَا عَبْدُاللهِ بْنِ مَرْوَان عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدُالرَّحْمٰن عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَلّى بْنِ أَبِى طَالِب، قَالَ:

«الْـمَهْدِى مَوْلِدُهُ بِالْـمَدِينَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِى(ص)، وَإِسْمُهُ إِسْمُ نَبِىّ، وَ مُهَاجَرُهُ بَيْتُ الْـمُقَدَسِ، كَثُّ اللِّحيَة، اَكْحَلُ الْعَيْنَيْنِ، بَرَّاقُ الثَّنَايَا، فِى وَجْهِهِ خَالُ، اَقْنَى، اَجَلَى، فِى كِتْفِهِ عَلاٰمَةُ النَّبِىُّ، يَخْرُجُ بِرأيَةِ النَّبِىِّ(ص)، مِنْ مِرْطٍ مُخْمَلَةٍ، سَوْدَاءِ مَرَبَّعة، فِيْهَا حِجْرُ، لَمْ تَنْشُرْ مُنْذُ تَوَفِّى رَسُولُ اللهَ(ص)، وَ لاٰ تَنْشُرُ حَتّٰى يَخْرُجَ الْـمَهْدِى، يُمِدُّهُ اللهُ بِثَلاٰثَةِ آلاٰفٍ مِنَ الْـمَلاٰئِكَةَ يَضْرِبُونَ وُجُوهُ مَنْ خَالَفَهُمْ وَ أَدْبَارَهُمَ، يُبْعَثُ وَ هُوَ مَا بَيْنَ الثَّلاٰثِيْنِ اِلَى الاَرْبَعِينَ»

(كنزالعمال، ج ١٤، ص ٥٨٩ و ٥٩٠، حديث ٣٩٦٧١).

## الباب ١٦٢

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْمُ: أَنَّهُ فَتٰى مِنْ قُرَيْش ضَرْبُ مِنَ الرِجَال، وَ اَنَّ عُمْرَهَ سِتُّونَ سَنَةَ

**١٩٣.** حَدَّثنَا نَعِيْم، حَدَّثنَا ابْنُ وَهَبْ عَنْ إِسْحَاقِ بْنِ يَحْيٰى بْنِ طَلْحَةِ التَيْمِى عَنْ طَاوُوس، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ اَبِى طَالِب:

«هُوَ فَتٰى مِنْ قُرَيْش ضَرَبَ مِنَ الْرِجَال»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١: ص ٣٦٦/حديث ١٠٧٤).

## باب صد و شصت و یکم
### آنچه که نعیم از صفات مختلف مهدی ذکر کرده است

**۱۹۲.** قاسم بن عبدالرحمن از آن کسی که برای او از علی بن ابی طالب(علیه السلام) روایت کرده نقل می‌کند که فرمود:

مهدی (عج) از اهل بیت نبی است و وطنش مدینه و همنام جدش رسول خداست و هجرت او در بیت‌المقدس خواهد بود، ریش حضرت پر پشت و مشکی و چشمهایش مشکی و سرمه کشیده و دندانهایش سفید و براق است. در صورت مهدی(عج) خال برجسته و روشنی است و در کتف آن حضرت، علامت نبوّت است و بهمراه خود بیرق رسول خدا را با پارچه مخمل سیاه، چهارگوشه بیرون می‌آورد. از موقعی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) از دنیا رفته تا ظهور مهدی کسی آن بیرق را ندیده است. خدا سه هزار فرشته را به یاری حضرت می‌فرستد که به صورت و پشت مخالفین آن حضرت می‌کوبند، مهدی (عج) وقتی که خروج می‌کند سیمای مبارکش از سی الی چهل سال بیشتر نشان نمی‌دهد.

## باب صد و شصت و دوم
### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه حضرت مهدی جوانی است از قریش که شصت سال عمر می‌کند

**۱۹۳.** طاووس از علی بن ابیطالب(علیه السلام) روایت کرده که فرمود:

مهدی (عج) جوانی است از قریش.

١٩٤. قالَ: وحَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا الحَكَمِ بْنِ نافِع عَنْ جَرّاحٍ عَنْ أَرْطاة، قالَ:
الْـمَهْدِي ابْنُ سِتِّينَ سَنَةً (كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٦٧/حديث ١٠٧٥).

١٩٥. قالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنِ جبْرٍ عَنِ السَّقْرِ بْنِ رُسْتَم عَنْ أَبِيْهِ، قالَ:
الْـمَهْدِي رَجُل أَزَجُّ أَبْلَجُ أَعْيَنُ، يَخْرُجُ مِنَ الْحِجاز حَتّى يَسْتَوِيَ عَلَى مِنْبَرِ دِمِشْق، وَ هُوَ ابْنُ ثَمانِي عَشَرَةَ سَنَةً.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٦٦/حديث ١٠٧٢).

أَقُول أَنَا: إِنَّ الْاِخْتِلافَ فِي عُمْرِهِ لَعَلَّ مَعْنَاهُ أَنَّ صِفَتَهُ عِنْدَ مَنْ يَراهُ نَحْوَ مَا تَضَمَّنَتْهُ الْأَخْبارَ وَ إِنْ كانَ عُمْرُه أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ.

## الباب ١٦٣

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم فِي اِسْمِ الْـمَهْدِي وَ أَنَّهُ مِنْ وُلْدِ فاطِمَةَ

١٩٦. حَدَّثَنا نَعِيْم، حَدَّثَنا ابْنُ عَيْينة عَنْ عاصِم عَنْ زِرّ عَنْ عَبْدِالله عَنِ النَّبِيّ(ص) قالَ:

«الْمَهْدِي يُوَاطِيءُ اِسْمُهُ اِسْمِي وَاِسْمُ أَبِيْهِ اِسْمُ أَبِي» وَسَمِعْتُهُ غَيْرَ مَرَّةَ لا يُذْكَرُ اِسْمُ أَبِيْهِ (كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٦٧/حديث ١٠٧٦).

١٩٧. وَ قَالَ حَدَّثنا نَعِيْم، حَدَّثَنا يَحْيَى بْنِ الْيَمانِ عَنِ الثَورِي سُفْيانِ وَ زائِدَةَ عَنْ عاصِمْ عَنْ أَبِي وَائِل -فَإِنْ حَفِظَ فَهُوَ غَرِيب- عَنْ زِرّ عَنْ عَبْدِالله عَنِ النَّبِيّ قالَ:
«الْـمَهْدِي يُوَاطِي اِسْمُهُ اِسْمِي وَاسْمُ أَبِيْهِ اِسمُ أَبِي»

(كنزالعمال، ج ١٤، ص ٢٦٨، حديث ٣٩٦٧١).

**۱۹۴.** ارطاة می‌گوید:

مهدی (عج) شخصی شصت ساله است.

**۱۹۵.** سقر بن رستم نقل کرده که پدرش می‌گفت: ابروهای مهدی (عج) کشیده و باریک با قامتی موزون و چشمانی درشت است از حجاز خود را ظاهر می‌سازد و وقتی در منبر دمشق بالا می‌رود هجده ساله بنظر می‌رسد. من می‌گویم: اختلاف در عمر او شاید بخاطر اختلافی است که در اخبار وجود دارد هر چند که عمر حضرت بیش از این اندازه است.

## باب صد و شصت و سوم

### آنچه که نعیم پیرامون نام مهدی بیان کرده و اینکه او فرزند فاطمه است

**۱۹۶.** عبدالله از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:

اسم مهدی اسم من است و اسم پدرش هم اسم پدر من است. راوی می‌گوید: مکرراً از آن حضرت شنیدم که نام پدرش (یعنی پدر مهدی) را ذکر نمی‌کرد.

**۱۹۷.** عبدالله از پیامبر نقل کرده که فرمود:

اسم مهدی (عج) اسم من و اسم پدرش اسم پدر من است،

*توضیح: این جمله حضرت که پدر او اسم پدر من است، مورد توجه بسیاری از دانشمندان امامیه و اهل سنت قرارگرفته تا آنجاکه احمد در مسند و حافظ ابونعیم در حلیة الاولیاء گفته‌اند: که اسم ابیه، اسم ابی، در روایت نبوده، بلکه از طرف راوی حدیث که زرّ و زائد بوده‌اند؛ اضافه شده است و بعضی از علمای امامیه مانند مرحوم مجلسی و دیگران به توجیه این حدیث پرداخته‌اند: بدین صورت که گفته‌اند: نام پدر حضرت مهدی، امام حسن بوده و این حدیث چگونه باید تصحیح کرد؟ هرکدام از دانشمندان به توجیه پرداخته و راههای مختلفی را ارائه داده‌اند که بهترین راه کلام صاحب جنات الخلود است که می‌گوید: نام پدر امام مهدی غیر از حسن، عبدالله هم بوده است، در اینصورت جمله پیامبر که می‌فرماید: نام او نام من، و نام پدرش نام پدر من است، درست می‌باشد.*

*تمامی این مباحث در جلد دوم منتخب الاثر ذکر شده است.*

Scanned by CamScanner

**١٩٨.** وَ قَالَ: حَدَّثَنَا نَعِيْم (حَدَّثَنَا مُعْتَمَرُ بْنِ سُلَيْمَانِ عَنْ عُمْرانِ بْنِ سَمِيطُ) عَنْ كَعْب، قَالَ:

**اِسْمُ الْـمَهْدِى اِسْمُ مُحَمَّد، أَوْ قَالَ: اِسْمُ النَّبِيّ**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٦٧/حديث ١٠٧٨).

**١٩٩.** وَ قَالَ حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا الْوَلِيْد عَنْ أَبِي رافِعٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي سَعِيْدِ الْخُدْرِى عَنِ النَّبِيّ(ص) قَالَ:

**«اِسْمَ الْـمَهْدِى اِسْمِى»** (كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٦٨/حديث ١٠٨٠).

**٢٠٠.** وَ قَالَ: حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا الْوَلِيْدِ وَ رُشْدَيْنِ عَنِ ابْنِ لَهِيْعَة عَنْ اِسْرائيل بْنِ عَبّاد عَنْ مَيْمُونِ الْقِدّاحِ عَنُ أَبِي الْطُفَيْل أَنَّ رَسُولَ اللهُ(ص) قَالَ:

**«الْـمَهْدِى اِسْمُهُ اِسْمِى وَاسْمُ أَبِيْهِ اِسْمُ أَبِي»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٦٨/حديث ١٠٨١).

**٢٠١.** وَ قَالَ: حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا ابْنُ الْمُبَارَكَ وَابْنَ ثُور وَ عَبْدُالرَّزّاقَ عَنْ مَعْمَر عَنْ قُتَادة، قَالَ عَبْدُالرَّزَاق: عَنْ مَعْمَر عَنْ سَعِيْد بْنِ أَبِي عُرُوبة عَنْ قُتَادَة، قَالَ: قُلْتُ لِسَعِيْدِ بْنِ الْمُسَيِّب:

**الْـمَهْدِى حَقٌّ هُوَ؟ قَالَ: حَقٌّ، قُلْتُ: فَمِمَّنْ هُوَ؟ قَالَ: مِـنْ قُـرَيْش، قُلْتُ: مِنْ أَيِّ قُرَيْش؟ قَالَ: مِنْ بَنِي هَاشِم، قُلْتُ: مِنْ أَيِّ بَنِي هَاشِمْ؟ قَالَ: مِنْ بَنِي عَبْدِالْـمُطَّلِبْ، قُلْتُ مِنْ أَيِّ بَنِي عَبْدِالْـمُطَّلِب؟ قَـالَ: مِـنْ وُلْـد فَاطِمَة**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٦٨-٣٦٩/حديث ١٠٨٢).

Scanned by CamScanner

۱۹۸. کعب نقل می‌کند که معصوم فرمود:
نام مهدی نام محمّد یا اسم نبی است.

۱۹۹. ابوسعید خدری از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
اسم مهدی اسم من است.

۲۰۰. ابوطفیل روایت کرده که پیامبر خدا(ﷺ) فرمود:
نام مهدی (عج) نام من و نام پدرش نام پدر من است.

۲۰۱. قتاده می‌گوید:
به سعید بن مسیب گفتم:
مهدی حق است؟
گفت: (آری) از قریش است،
گفتم: از کدام قریش؟
گفت: از بنی هاشم (دوباره)
گفت: از بنی عبدالمطلب،
گفتم: از کدام بنی عبدالمطلب؟
گفت از فرزندان فاطمه(علیها السلام).

Scanned by CamScanner

**٢٠٢.** وَ قالَ: حَدَّثَنَا بَقِيَّةُ بْنُ الْوَلِيْد عَنْ أَبِي بَكْرِ بْنِ أَبِي مَـرْيَم عَـنْ ضَمُرَةِ ابْنِ حَبِيْب عَنْ أَبِي هَزَان عَنْ كَعْب، قَالَ: الْـمَهْدِى مِنْ وُلْد فاطِمَة.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٧٤/حديث ١١١٢).

**٢٠٣.** وَ قَالَ نَعِيْم حَدَّثَنَا أَبُو هٰارُونِ عَنْ عَمْرِو بْنِ قَبِيلْ الْـمَلائِي عَنِ الْمِنْهالِ بْنِ عَمْرو عَنْ زِرّ بْنِ حَبْيش سَمِعَ عَلِيّاً يَقُول:

«الْـمَهْدِى رُجُلُ مِنّا مِنْ وُلْدِ فاطِمَة».

(كنزالعمال، ج ١٤، ص ٥٩١ و ٥٩٠، حديث ٣٩٦٧٥).

## الباب ١٦٤

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم مِنَ الْخَسْفِ بِالْجَيْش الّذِّى يَبْعَثُهُ السُّفُيَانِى اِلٰى مَكَّة

**٢٠٤.** قَالَ: حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا رَشَدين عَنْ ابْنِ لَهِيْعَةَ عَنُ أَبِي قَبيلْ عَنْ سَعِيْد بْنِ الأَسْودَ عَنْ ذِى قُرُبَات، قَالَ:

اِذَا بَلَغَ السُفُيانِي الَّذِى بِمِصْر بَعَثَ جَيْشاً اِلٰى الَّذِى بِمَكَة فَـيَخْرِبُونَ الْـمَدِينَةِ أَشَدُّ مِنَ الْحُرَّة حَتَى اِذَا بَلَغُوا الْبَيْداء خَسَفَ بِهِمْ

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٢٨/حديث ٩٣٨).

Scanned by CamScanner

**۲۰۲.** کعب می‌گوید:
مهدی (عج) از فرزندان فاطمه(علیها السلام) خواهد بود.

**۲۰۳.** زر بن حبیش می‌گوید: از علی(علیه السلام) شنیدم که فرمود: مهدی (عج) مردی است از ما که از فرزند فاطمه(س) خواهد بود.

## باب صد و شصت و چهارم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که لشکر سفیانی که به سوی مکه رفته به زمین فرو می‌رود

**۲۰٤.** ذوقربات می‌گوید: موقعی که سفیانی به مصر رسید لشکری به سوی آن کسی که در مکه است می‌فرستد و آنها شهر را بیشتر از واقعه حرّه خراب می‌کنند (حره: روستایی است نزدیک مدینه) تا وقتی که به بیداء (سرزمین نرمی است بین مکه و مدینه) برسند و زمین آنها را در خود فرو می‌برد و آنها را زنده بگور می‌سازد.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۶۵

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم: أَنَّ الْجَيْشَ
الَّذِى يَخْسِفُ بِهِ يَكُونُ مِنْ جِهَةِ الشَام

۲۰۵. حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا عَبْدُالرَّزَّاق عَنْ مَعْمَر عَنْ قُتَادَة، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله (ص): يَبْعَثُ اِلَى مَكَة بِجَيْشٍ مِنَ الشَّام حَتَى اِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاء خَسْفُ بِهِم» (كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۲۹/حديث ۹۳۹).

۲۰۶. وَ ذَكر فِى حَدِيْثِ آخَرَ: أَنَّهُ مِنْ عَلامٰاتِ خُرُوجِ الْـمَهْدِى (كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۲۷/حديث ۹۳۳).

## الباب ۱۶۶

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنَ الْخَسْف
بِالْجَيْش الَّذِى يُبْعَثُ اِلَى مَكَّة

۲۰۷. حَدَّثنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا الْوَلِيد وَ رَشَدَين عَنْ ابْنِ لَهِيْعَة عَنْ أَبِى قَبِيْل عَنْ أَبِى رُومان عَنْ عَلِى، قَالَ: «اِذَا نَزَلَ جَـيْشٌ فِى طَـلَبِ الَّـذِين خَرَجُوا اِلَى مَكَة فَنَزَلُوا الْبَيْدَاء خُسِفَ بِهِم وَيُبادُ بِهِم - وَ هُو قَوْلُهُ: (وَ لَو تَرىٰ اِذْ فَزِعُوا فَلاٰ فَوْت وَاُخِذُوا مِنْ مَكٰانٍقَرِيب)(سورة سبأ/آية ۵۱) - مَنْ تَحْتِ أَقْدٰامِهِم، وَ يَخْرُجُ رَجُلُ مِنَ الْجَيْشُ فِى طَلَبِ نَاقَةٍ لَهُ ثُمَّ يَـرْجِعُ اِلَى النّاسِ فَلاٰ يَجِدُ مِنْهُم أَحَداً وَ لاٰ يَحِسُّ بِهِم، وَ هُوَ الَّـذِى يُحَـدِّثُ النَّـاسَ بِخَبَرِهْم (كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۲۹/حديث ۹۴۲).

Scanned by CamScanner

## باب صد و شصت و پنجم
### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه
### لشکری که به زمین فرو می‌رود از شام است

**۲۰۵.** قتاده نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود:
لشکری از شام به مکه فرستاده می‌شود وقتی که به بیداء می‌رسند به زمین فرو می‌روند و زنده‌به‌گور می‌شوند.

**۲۰۶.** و در حدیث دیگر ذکر کرده: که زنده‌به‌گور شدن آنها از نشانه‌های خروج حضرت مهدی (عج) است.

## باب صد و شصت و ششم
### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه لشکر اعزامی به مکـه در زمـین فـرو می‌روند

**۲۰۷.** «ابورومان» از حضرت علی بن ابـیطالب(ع) روایت کـرده کـه فرمود:
زمانی که لشکری بسوی مکه برای سرکوبی انـقلابیون اعـزام مـی‌شوند وقتی به بیداء رسیدند به زمین فرو می‌روند و منادی از زیر پای آنها فـریاد می‌زند: «اگر آنها را در وقتی که وحشت زده‌اند ببینی که راه فرار ندارند و از مکان نزدیکی گرفته خواهند شد». (سباء/ ۵۰)
و مردی از میان لشکر برای طلب ناقه خود خارج می‌شود وقتی کـه بـر می‌گردد احدی از آنها را نمی‌یابد و متوجه نمی‌شود که او همان کسی است که مردم خبرش را می‌دهند.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٦٧

### فِيمَا ذكَرَهُ نَعِيْم عَمَّنْ رَوىٰ أَنَّ الْخَسْفَ يَكُونُ لِلْجَيْشُ الَّذِى يَنْفُذُ إِلَى الْـمَدِيْنَة

**٢٠٨.** قَالَ: حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَـدَّثَنَا رَشْـدَيْن عَـنْ ابْـن لَهِـيْعَةَ عَـنْ عَبْدِالْعَزِيز ابْنِ صَالِح عَنْ عَلِى بْنِ رِبَاح عَنِ ابْنِ مَسْعُود، قَالَ: يُبْعَثُ جَيْشُ إِلَى الْـمَدِينَةِ فَيَخْسِف بِهِم بَيْنَ الْجَمَّاوِيْن، وَ تُقَتَلُ النَّفْسُ الزَّكِيَّة

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٢٩/حديث ٩٤٠).

حَدِيْثُ آخَر فِى الْخَسْفِ بِالْجَيْش الَّذِى يَنْفِذُ إِلَى الْـمَدِينَةِ:

**٢٠٩.** حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا عَبْدُاللهِ بْنِ مَرْوان عَنْ أَرْطَاة عَنْ تَبِيع عَنْ كَعْب، قَالَ: يُوَجِهُ جَيْشُ إِلَى الْـمَدِينَة فِى اثْنَى عَشَرَ أَلْفاً، فَيَخْسِف بِهِمْ بِالْبَيْدَاء

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٢٩-٣٣٠/ حديث ٩٤٣).

يَقُولَ عَلِى بْن مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرْ بْنِ مُحَمَّدْ بْنِ مُحَمَّدْ بْنِ الطَّاوُوس:

وَ الَّذِى ظَهَرَلَنَا مِنَ الْأَخْبَار وَ الْآثَارِ أَنَّ الْجَيْشَ الَّذِى يَخْسِفُ بِهِ هُوَ الَّذِى يَبْعَثُ بِهِ إِلَى مَكَة.

وَ يُمْكِنُ أَنْ يَكُونَ انِفَاذُ الْجَيْش إِلَى الْـمَدِينَةَ وَ إِلَى مَكَّةَ. وَرَوَيْنَا أَنَ الْبَيْدَاء الَّتِى يَكُونُ الْخَسْفُ فِيْهَا بَيْدَاء مَكَّة

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٢٩/حديث ٩٣٩).

وَ فِى حَدِيثِ: انَّ الْـمُنَادِى لِلْبَيْدَاء أَنْ تَنْخَسِفَ بِهِم اللهَ جَلَّ جَلَالُه

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٣١/حديث ٩٤٨).

وَ فِى بَعْضِهَا: أَنَّهُ جِبْرَئِيل (كتاب الفتن لابن حماد /ج ١:ص ٣٢٨/حديث ٩٣٧).

Scanned by CamScanner

# باب صد و شصت و هفتم

## آنچه که نعیم ذکر کرده که لشگر اعزامی به مدینه در زمین فرو می‌روند

**۲۰۸.** ابن مسعود می‌گوید:

لشکری به سوی مدینه فرستاده می‌شود که بین مکه و مدینه، زمین آنها را در خود فرو می‌برد و نفس زکیه کشته می‌شود.

و حدیث دیگری است که به بیان لشکری پرداخته که به مدینه می‌رود و زمین آنها را فرو می‌برد.

**۲۰۹.** کعب می‌گوید:

لشکر دوازده هزار نفری به سوی مدینه رهسپار می‌شوند و در بیداء به زمین فرو می‌روند.

سید بن طاووس می‌گوید:

آنچه از اخبار و آثار اهل بیت بدست می‌آید آن است که لشکری که به زمین فرو می‌روند همان قشونی است که به مکه اعزام شده‌اند.

و ممکن است لشکری باشد که به مکه و مدینه اعزام شده‌اند.

و ما روایت کردیم که بیدایی که در آن خسف و فرورفتگی روی داده است بیداء مکه است.

و در حدیث است: آن منادی که در بیداء ندا می‌کند که زمین آنها را فرو برد خداست.

و در بعضی از روایات است که جبرئیل است.

Scanned by CamScanner

## فصل

فِيمَا ذَكَرَهُ يَاقُوتُ الحِمَوِى فِى تَرْجُمَةِ «الْبَيْدَاء» مِنْ «مُعْجَمِ الْبُلْدَان».

قَالَ: الْبَيْدَاء: إِسْمُ الْأَرْضِ مَلْسَاء بَيْنَ مَكَة وَ الْـمَدِيْنَة، وَ هِيَ الِيَ مَكَة أَقْرَبُ تَعدُ مِنَ الشَّرق أَمَامَ ذِى الْحُلَيْفَة.

وَ فِي الْحَدِيث: اَنَّ قَوْماً كَانُوا يَغْزُونَ الْبَيْت فَنَزَلُوا بِالْبَيْدَاء، فَبَعَثَ اللهَ جِبْرائيل، فَقَالَ: يَا بَيْداء أَبيدِيهم (كتاب المعجم البلدان ج١:ص٥٢٣).

## الباب ١٦٨

فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم مِنْ عَلامَاتِ الْـمَهْدِى

٢١٠. قَالَ: حَدَّثَنَا نَعِيْم: حَدَّثَنَا ابْنُ وَهَبْ عَنْ اِبْنِ لَهِيْعَة عَنْ فُلَانِ الْـمَعَافِرى سَمِعَ أَبَا فَراس سَمِعَ عَبْدُاللهِ بْنِ عُمرو يَقُول:

إِذا خَسِفَ بِجَيْشِ الْبَيْداء فَهُو عَلامَةُ خُرُوجِ الْـمَهْدِى

(كتاب الفتن لابن حماد ج١:ص٣٣٢/حديث ٩٥٠).

## الباب ١٦٩

فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم: أَنَّ مِنْ
عَلامَةِ ظُهُورِه خُرُوجُ آية مَعَ الشَّمْس

٢١١. حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا ابْنُ الْـمُبَارَك وَابْنُ ثُور وَعَبْدُالرَّزَّاق عَنْ مَعْمَر عَنُ ابْنِ طَاوُوس عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدُاللهِ بْنِ عَبَّاس، قَالَ:

لاٰ يَخْرُجُ الْـمَهْدِى حَتَى تَطْلَعَ مَعَ الشَّمْس آية

(كتاب الفتن لابن حماد ج١:ص٣٣٢/حديث ٩٥١).

Scanned by CamScanner

## فصل

«یاقوت حموی» در معجم البلدان می‌گوید: بیداء اسم زمین نرمی است بین مکه و مدینه و به مکه نزدیکتر است و از طرف شرق در جلو ذوالحلیفه قرار گرفته.

و در حدیث است که قومی برای جنگ کعبه آمدند و در بیداء پیاده شدند و خدا جبرئیل را فرستاد، جبرئیل گفت: یا بیداء آنها را در کام خود فرو بر.

## باب صد و شصت و هشتم

### آنچه که نعیم از نشانه‌های ظهور مهدی ذکر کرده است

**۲۱۰.** عبدالله بن عمر می‌گوید: وقتی که لشکر در بیداء به زمین فرو می‌روند. علامت و نشانه خروج مهدی (عج) خواهد بود.

## باب صد و شصت و نهم

### آنچه که نعیم از نشانه ظهور مهدی ذکر کرده که آن طلوع خورشید با علامت و نشانه است

**۲۱۱.** علی بن عبدالله بن عباس می‌گوید:

مهدی (عج) خروج نمی‌کند تا اینکه با آفتاب علامتی طلوع کند.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۷۰

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنْ عَلامَةِ
خُرُوجِ الْمَهْدِى أَلْوِيَة مِنَ الْمَغْرِب عَلَيْهَا رَجُلٌ أَعْرَجْ

**۲۱۲.** حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا أَبُو يُوسُف عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدُاللهِ بْنِ يَزِيْد بْنِ الْسُنِدِى عَنْ كَعْبُ، قَالَ:

**عَلامَةُ خُرُوجِ الْمَهْدِى أَلْوِيَة تَقْبَلُ مِنَ الْمَغْرِبْ عَلَيْهَا رَجُلُ أَعْرَجْ مِنْ كِنْدَة** (كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۳۲/حديث ۹۵۲).

## الباب ۱۷۱

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنْ عَلامَةِ
الْمَهْدِى بِقِيَامِ السُّفْيانى عَلَى أَعْوَادِهَا

**۲۱۳.** حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنِ الْيَمَان عَنْ يَحْيَى بْنِ سَلَمَةَ عَنْ أَبِيه أَبِي صَادِق، قَالَ:

**لا يَخْرُج الْمَهْدِى حَتَى يَقُومَ السُّفْيَانِي عَلَى أَعوادِهَا**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۳۳/حديث ۹۵۵).

## الباب ۱۷۲

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم: أَنَّهُ
لا يَخْرُجُ الْمَهْدِى حَتَى تَرْقَى الْظَلَمَة

**۲۱٤.** حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنِ الْيَمان عَنِ هَارُونِ بْنِ هَلال عَنْ أَبِي جَعْفَر، قَالَ:

**«لا يَخْرُجُ الْمَهْدِى حَتَى تَرَقَى الْظَلَمَة»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱: ص ۳۳۳/حديث ۹۵٦).

Scanned by CamScanner

## باب صد و هفتادم

### آنچه که نعیم از نشانه خروج مهدی ذکر کرده باینکه پـرچـمهائی از طرف مغرب توسط مردی شل برافراشته می‌گردد

**۲۱۲.** «کعب» می‌گوید:

علامت خروج مهدی (عج) آنستکه بیرقهائی که مردی اعرج (یعنی شل و لنگ) از کنده با آنهاست از طرف مغرب ظاهر می‌شود.

## باب صد و هفتاد و یکم

### آنچه که نعیم از نشانه‌های ظهور مهدی ذکر کرده قیام سفیانی با تکیه بر پشتیبانان خویش است

**۲۱۳.** «ابو صادق» گوید:

مهدی (عج) خروج نمی‌کند، تا وقتی که سفیانی به حامیان خود تکیه زند و پشتیبانی داشته باشد.

## باب صد و هفتاد و دوم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که ظهور مهدی با گسترش ظلم همراه است

**۲۱۴.** «هارون بن هلال» از امام محمد باقر(علیه السلام) روایت کرده که فرمود: مهدی(عج) خروج نمی‌کند تا وقتی که تاریکی و ظلم و ستم (دنیا را) فـرا گیرد و همه را به ستوه آورد.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۷۳

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم: أَنَّهُ
لاٰ يَخْرُجُ الْـمَهْدِى حَتَى يَكْفُرَ بِاللهِ جَهْرَة

**۲۱۵.** حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا يَحْيٰى بْنِ الْيَمان عَنَ الْمِنْهَالِ بْنِ خَلِيْفَة عَنْ مَطَرِ الْوَرَّاق، قَالَ: **لاٰ يَخْرُجُ الْـمَهْدِى حَتَى يَكْفُرَ بِاللهِ جَهْرَة**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۳۳/حديث ۹۵۷).

## الباب ۱۷۴

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم: لاٰ يَخْرُجُ
الْـمَهْدِى حَتٰى يَقْتُلَ مِنْ كُلِّ تِسْعَةٍ سَبْعَة

**۲۱۶.** حَدَّثَنَا ضَمْرَةٍ عَنْ ابْنِ شُوذَب عَنْ ابْنِ سِيْرِيْن، قَالَ: **لاٰ يَخْرُجِ الْـمَهْدِى حَتٰى يَقْتُلَ مِنْ كُلِّ تِسْعَةٍ سَبْعَة**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۳۳/حديث ۹۵۸).

## الباب ۱۷۵

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم: أَنَّ
مُدَّةَ مُلْكِ الْـمَهْدِى أَرْبَعُونَ عَاماً

**۲۱۷.** حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا الْحِكَمِ بْنِ نَافِع عَنْ جَرَّاح عَنْ أَرْطَأة، قَالَ: **يَبْقَى الْـمَهْدِى أَرْبَعِيْنَ عَاماً**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۷۶/ حديث ۱۱۲۹).

**۲۱۸.** وَرَوَى نَعِيْم فِي حَدِيْثٍ آخَرَ عَنْ ضَمْرَةِ بْنِ حَبِيْب: **أَنَّ حَيَاةَ الْـمَهْدِى ثَلاٰثُونَ سَنَة**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۷۸/حديث ۱۱۲۰).

## باب صد و هفتاد و سوم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که مهدی ظاهر نمی‌شود مگر آنکه مردم آشکارا بخدا کافر شوند

**۲۱۵.** «مطر الورّاق» می‌گوید:

مهدی (عج) خروج نمی‌کند تا اینکه (مردم) بطور علنی بخدا کافر شوند.

## باب صد و هفتاد و چهارم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که مهدی خروج نمی‌کند جز آنکه از نه نفر هشت نفر کشته شوند

**۲۱۶.** «ابن سیرین» می‌گوید: مهدی (عج) خروج نخواهد کرد تا اینکه از هر نه نفری هفت نفر کشته شوند.

## باب صد و هفتاد و پنجم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که مدت حکومت حضرت چهل سال خواهد بود

**۲۱۷.** «ارطاة» می‌گوید:

مهدی (عج) (پس از خروج) چهل سال باقی می‌ماند.

**۲۱۸.** و در روایت دیگر است که «ضمرة بن حبیب» می‌گوید:

عمر مهدی سی سال خواهد بود.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۷۶

## فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم: أَنَّ مُلْكَ الْـمَهْدِى سَبْعَ سِنْينَ أَوْ ثِمَانِ أَوْ تِسْع

**۲۱۹.** حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنْ مُوسٰى الجُهَنِي عَنْ زَيْدِ الْعَمّى عَنْ أَبِي الْصِدّيقِ النَّاجِى عَنْ أَبِي سَعِيْدِ الْخُدْرِى عَنْ النَّبِي(ص)، قَالَ:

«الْـمَهْدِى يَعْيشَ فِي ذَلِك - يَعْنِي بَعْدَمَا يَمْلِكُ - سَبْعَ سِنِيْنَ أَوْ ثَمان أَوْ تِسْع» (كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص۳۷٦/حديث ۱۱۲۱).

## الباب ۱۷۷

## فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم مِنْ أَنَّ مِلْكَ الْـمَهْدِى سَبْعَ سِنْين

**۲۲۰.** حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا عَبْدُالرَّزّاق عَنْ مَعْمَر عَنْ أَبِي هَارُون عَنْ مُعَاوِيَةْ بْنِ قُرّة عَنْ أَبِي الْصِدِّيْق عَنْ أَبِي سَعِيْد عَنِ النَّبِيّ(ص) مِثْله

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص۳۷٦/حديث ۱۱۲۲).

**۲۲۱.** قَالَ مَعْمَر: وَ قَالَ قُتادَة: بَلَغَنِي أَنَ النَّبِيّ(ص) قَالَ:

«يَعِيْشُ فِي ذَلِكَ سَبْعَ سِنْيِن» (كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص۳۷٦/حديث ۱۱۲۳).

Scanned by CamScanner

## باب صد و هفتاد و ششم

### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه مدت حکومت هفت یا هشت یا نه سال خواهد بود

**۲۱۹.** «ابوسعید خدری» از پیغمبر اکرم(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
مهدی(عج) بعد از ظهور، هفت یا هشت یا نه سال زنده می‌ماند و حکومت می‌کند.

## باب صد و هفتاد و هفتم

### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه مدت حکومت مهدی هفت سال خواهد بود

**۲۲۰.** ابوسعید از پیامبر روایتی را مانند روایت قبل نقل می‌کند.

**۲۲۱.** «قتاده» می‌گوید:
به من خبر رسیده که پیامبر خدا(ﷺ) فرمود: حکومت مهدی(علیه السلام) هفت سال خواهد بود.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٧٨

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم: أَنَّهُ يَعِيْشُ سَبْعاً أَوْ تِسْعاً

**٢٢٢.** حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا الْـمُعْتَمِر بْنِ سُلَيْمَان عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْفَضْلُ الْـمَرَاغى عَـنْ رَجُلِ مِنْ اَهْلِ حِجْر عَنْ أَبِي اَلصِّدِّيْق عَنْ أَبِي سَعِيْد الْخُدْرِى عَنْ النَّبِيّ(ص)، قَالَ:

«**يَعِيْشُ سَبْعاً أَوْ تِسْعاً**» (كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٧٧/حديث ١١٢٤).

**٢٢٣.** وُروِىَ عَدَّةُ أَحَادِيْث مُخْتَلِفَةِ الأَسْنَاد: أَنَّ مُدَّةَ وَلاٰيَتِهِ سَبْعَ سُنَيِن

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١: ص ٣٥٩/ حديث ١٠٤١).

## الباب ١٧٩

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم عَنْ مُدَّةِ الْـمَهْدِى سَبْعَ أَوْ ثَمَان أَوْ تِسْع

**٢٢٤.** حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا مُحَمّدِ بْنِ مَروانِ الْعِجْلِي عَنْ عِمَارَةِ بْنِ أَبِي حَفْصَة عَنْ زَيْدِ الْعَمِّى عَنْ أَبِي الْصِدِّيقَ النَّاجِى عَنْ أَبِي سَعِيْدِ الْخُدْرِى، قَالَ: قَالَ رَسُولَ اللهُ (ص):

«**يَكُونُ الْـمَهْدِى فِي أُمَّتِيَ اِنْ قَصُرَ فَسْبع، وَ الاّ فَثِمَان أَوْ تِسْع**»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٧٧/حديث ١١٢٧).

**٢٢٥.** وَرَوَى حَديثاً أَنَّ الْـمَهْدِى يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِيْنَ وَ شَهْرَيْن وَ أَيّاماً

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٣٧٨/حديث ١١٣٠).

Scanned by CamScanner

## باب صد و هفتاد و هشتم

### آنچه که نعیم ذکر کرده به اینکه حضرت مهدی پس از ظهور، هفت یا نه سال زندگی می‌کند

**۲۲۲.** «ابوصدیق» از رسول خدا«صلی الله علیه و آله و سلم» روایت کرده که فرمود:
مهدی (عج) هفت یا نه سال زندگی می‌کند.

**۲۲۳.** یک عده روایاتی بدین مضمون وارد شده که:
مدت حکومت حضرت مهدی (عج) هفت سال خواهد بود.

## باب صد و هفتاد و نهم

### آنچه که نعیم از مدت زندگی مهدی هفت یا هشت یا نه سال ذکر کرده است

**۲۲۴.** «ابوسعید خدری» از حضرت محمد بن عبداللّه«صلی الله علیه و آله و سلم» روایت کرده که فرمود:
مهدی (عج) هفت یا هشت یانه سال در میان امت من خواهد بود

**۲۲۵.** و بروایتی:
آن حضرت هفت سال و دو ماه و چند روز حکومت خواهد کرد.

Scanned by CamScanner

**۲۲۶.** وَ فِي رِوَايَةٍ عَنْ سُلَيْمَانِ بْنِ عِيْسَى -وَ كَانَ عَلاَّمَةً فِي الْفِتَنِ - قَالَ:

**بَلَغَنِي أَنَّ الْـمَهْدِي يَمْلِكُ أَرْبَع عَشَرَة سَنَة**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۹۲-۳۹۳/حديث ۱۱۸۱).

## الباب ۱۸۰

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم مِنْ تَعْرِيفِ ابْنِ عَبَاس لِمُعَاوِيَة بِالْـمَهْدى، وَ أَنَّهَ يَمْلِكُ أَرْبَعِيْنَ سَنَةَ

**۲۲۷.** حَدَّثَنَا الْوَلِيْد عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ مَوْلَى بَنِي أُمَيَّة عَنِ الْوَلِيْدِ بْنِ هِشَامِ الْـمُعِيطِي [عَنْ أَبَانِ بْنِ الْوَلِيْد الْـمُعِيْطِي] سَمِعَ ابْنُ عَبَّاس يُحَدِّثُ مُعَاوِيَة، يَقُول

**يَلِي رَجُل مِنَّا فِي آخِرِ الزَّمَان يَمْلِكُ أَرْبَعِيْنُ سَنَةِ تَكُونُ الْـمَلاَحِمُ سَبْع سِنْيَن بَقِيْنَ مِنْ خَلاَفَتِهِ فَيَمُوت بِالْأَعْمَاق غَمَّاً، ثُمَّ يَلِيْهَا رَجُـل مِـنْهُم ذو شَأْمَتَيْن** (الشأمة = الخال)، **فَعَلَى يَدَيْه يَكُونُ الْفَتْحُ، يَعْنِي فَتْحَ الْرُوم بِالْأَعْمَاقِ**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ٤٠٤-٤٠٥/حديث ۱۲۱۹)

## الباب ۱۸۱

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم مِنَ الْـمُنَادِي بِأسْمِ مَنْ يُبَايِعُهُ النَّاسُ

**۲۲۸.** حَدَّثَنَا نَعِيْم، قَالَ الْوَلِيد: وَأَخبَرَنِي جَرَّاح عَنْ أَرْطَأة، قَالَ:

**فَيَجْتَمِعُونَ وَ يُنْظُرونَ لِمَنْ يُبَايِعُونَ، فَبَيْنَاهُم كَذلك إِذْ سَمِعُوا صَوْتاً مَا قَالَه اِنسُ وَ لاَ جَانٌ بَايِعُوا فُلاَناً بِأسْمِهِ، لَيْسَ مِنْ ذِي وَلا ذُو، وَلَكِنَّهُ خَلِيْفَةُ يَمَانِي**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۸۹/حديث ۱۱۷۱).

Scanned by CamScanner

**۲۲۶.** سلیمان بنی عیسی می‌گوید: بمن چنین رسیده که مهدی (عج) چهارده سال حکومت خواهد کرد.

## باب صد و هشتادم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که ابن عباس به معاویه می‌گفت: که مهدی آل محمّد چهل سال حکومت خواهد کرد

**۲۲۷.** «ابن عباس از معاویه نقل می‌کند که» می‌گفت:
در آخر الزمان مردی از ما مدت چهل سال خلافت می‌کند که در هفت سال آخر آن، فتنه و آشوبهایی بر پا می‌شود و آن مرد در شهر اعماق (شهری بین حلب و انطاکیه) از غم و اندوه خواهد مرد بعد از (مردن) او، مردی از خود آنهاست که دارای دو خال است متصدی خلافت می‌شود و روم و اعماق را فتح خواهد کرد.

## باب صد و هشتاد و یکم

### آنچه که نعیم ذکر کرده این است که منادی نام کسی را می‌برد که مردم با او بیعت می‌کنند

**۲۲۸.** «ارطاة» می‌گوید:
مردم جمع می‌شوند و به مردمی که با او بیعت می‌کنند می‌نگرند. و در آنموقع که مشغول بیعتند صدایی می‌شنوند. که نه از انس است و نه از جن می‌گوید: با فلانی (مهدی) بیعت کنید که نه از این دسته است و نه از آن دسته ولکن او خلیفه یمانی است. (یعنی در حقانیت مانند آن مردانی است یا آنکه او حاکمی است که از یمن قیام می‌کند).

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۸۲

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنْ اِنتِقَاصِ
الْاِسْلَامِ وَحُدُوثِ مَنْ يَجْمَعُ أَهْلَه

**۲۲۹.** قَالَ: حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا أَبُو مُعاوِيَة وَ أَبُو أُسامَة وَ يَحْيَى بْنِ الْيَمان عَنْ الأعمْش عَنْ اِبْراهِيم التَيْمِى عَنْ أَبِيهْ عَنْ عَلِي، قَالَ:

«يَنْقُصُ الْدِيْن حَتى لاٰ يَقُولُ أَحَدُ: لاٰ اِلَه اِلاّ الله؛ وَ قَالَ بَعْضُهُم: لاٰ يُقَال: الله الله، ثُمَ يَضْرِبُ يَعْسُوبُ الْدِيْن بذَنَبِه، ثُم يَبْعَثَ اللهُ قَوْماً قَزَعَ كَقَزَعِ الْخَرِيْف، اِنّى لَأَعْرِفُ اِسْمَ أَمِيْرِهم وَ مَنَاخِ رِكَابِهِم»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۹۰-۳۹۱/حديث ۱۱۷۵).

## الباب ۱۸۳

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِن أَنَّ مُلْكَ خَلِيْفَة مِنْ بَنِى هَاشِم أَرْبَعُون سَنَة،
وَ يَفْتَحُ قُسْطَنْطَنِيّة وَ رُومِيَّة

**۲۳۰.** حَدَّثنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا الْوَلِيْد عَنْ أَبِي عَبْدِالله مَوْلَى بَنِي أُمَّية عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيّة، قَالَ: يَنْزِلُ خَلِيْفَةِ مِنْ بَنِى هَاشِمْ بَيْتَ الْمُقَدّس يَمْلأُ الأرْض عَدْلاً ، يَبْنِى بَيْتَ الْمُقَدّسْ بِنَاءَ لَمْ يُبْنَ مِثْلُه، يَمْلِكَ أَرْبَعِيْنَ سَنَة، تَكُونُ هُدْنَةَ الْرُوم عَلَى يَدَيْه فِى سَبْعِ سِنْيْنَ بَقِيْنَ مِنْ خِلاٰفَتِهِ، ثُمَ يَغْدِرُونَ بِهِ، ثُمَّ يَجْتَمِعُونَ لَهُ بِالعَمْق، فَيَمُوت غَمّاً، ثُمَ يلَى بَعْدَه رَجُلُ من بَنِي هَاشِم، ثُمَ تَكُونُ هَزِيْمَتَهُم وَ فَتَح الْقُسْطَنْطِنِية عَلَى يَدَيْه، ثُمَ يَسِيْرُ اِلَى رُومِيَّة فَيَفْتَحَهَا وَ يَسْتَخْرِجُ كُنُوزَهَا وَ مَائِدَةَ سُلَيْمَانِ بْنِ داود، ثُمَ يَرْجِعُ اِلَى بَيْتِ الْمُقَدّس فَيَنْزِلُهَا، وَ يَخْرَجِ الدَّجَّال فِى زَمَانِه، وَ يَنْزِلَ عِيْسَى بْنَ مَرْيم فَيُصَلِّيَ خَلْفَه

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۹۹/حديث ۱۲۰۰).

Scanned by CamScanner

## باب صد و هشتاد و دوم

### آنچه که نعیم ذکر کرده این است که اسلام دچار کمبود یاران می‌شود و کسی ظاهر می‌شود که آنها را جمع می‌کند

**۲۲۹.** ابراهیم تمیمی از پدرش و او از علی بن ابیطالب(علیه السلام) روایت کرده که فرمود: کار فتنه بجائی می‌رسد که احدی نمی‌گوید: (لااله الا اللّه) و بعضی گفته‌اند: نمی‌توان گفت: خدا، رئیس و بزرگ دین توسط افراد پست مضروب می‌شود، بعد از آن، خدا قومی را می‌فرستد که چون زباله و برگ درختی هستند که سیل آورده باشد و من اسم امیر و محل خواباندن شتران آن‌ها را می‌شناسم.

## باب صد و هشتاد و سوم

### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه حکومت خلیفه‌ای از بنی هاشم چهل سال خواهد بود که او قسطنطنیه و روم را فتح خواهد کرد

**۲۳۰.** محمد بن حنفیه می‌گوید:

خلیفه‌ای از بنی هاشم وارد بیت المقدس می‌شود که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، بیت المقدس را طوری بنا می‌کند که نظیر آن بنا نشده است و مدت چهل سال خلافت می‌کند و در آن هفت سال اخیر خلافتش اصلاح امور روم خواهد بود بعد از آن به او خیانت می‌کنند سپس بخاطر او مردم در شهر عَمْقْ جمع می‌شوند آنگاه او از غم و اندوه می‌میرد، سپس مردی از بنی هاشم لباس خلافت می‌پوشد و شکست آن قوم و فتح قسطنطنیه بدست او انجام خواهد گرفت، بعد از آن بسوی رومیه (شهری است در مدائن یا در روم) حرکت کرده و آن شهر را فتح می‌نماید و گنجهای آنرا با سفرهٔ غذا خوری حضرت سلیمان بن داود(علیه السلام) بیرون می‌آورد، پس بطرف بیت المقدس بازگشت می‌کند و دجال در زمان او خروج می‌کند عیسی بن مریم(علیه السلام) از آسمان نزول کرده پشت سر آن حضرت به نماز می‌ایستاد.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٨٤

فُيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنْ بَعْثِ الْـمَهْدِی - وَ لَمْ يَسُمِّه - الْجَيْش، فَيَمْلُكَ الْهِنْد، وَ يَأْتِی بِمُلُوكِهَا وَ يَأْخُذُ كُنُوزَهَا فَيَجْعَلَهَا حُلْيَةً لِبَيْتِ الْـمُقَدَّسْ، وَ خَرُوجِ الدجَّال

٧

٢٣١. حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا الْحِكَمِ بْنِ نَافِع عَمَّن حَدَّثَهُ عَنْ كَعْبِ، قَالَ:

يَبْعَثُ مَلِكُ فِی بَيْتِ الْـمَقْدَس جَيْشاً اِلَی الْهِنْد فَيَفْتَحَهَا وَ يَأْخُذُ كُنُوزَهَا، فَيَجْعَلَهَ حِلْيَةَ لِبَيْتِ الْـمُقَدِّس، وَ يَقْدِمُونَ عَلَيْهِ بِمُلُوكِ الْهِنْد مُغَلِّلِيْنَ، يُقِيْمُ ذَلِك الْجَيْش فِی الْهِنْد اِلَی خُرُوجِ الدَّجَّال

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٤٠٢/حديث ١٢١٥).

## الباب ١٨٥

فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم مِنْ بَعْثِ الْـمَهْدِی - وَ لَمْ يَسُمُّهُ - الْجَيْش، فَيَمْلِكَ الْهِنْد وَ مَا بَيْنَ الْـمَشْرِق وَ الْـمَغْرِب

٢٣٢. حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا الْحِكَمِ بْنِ نَافِع عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ كَعْب، قَالَ:

يَبْعَثُ مَلِكُ فِی بَيْتِ الْـمُقَدِّس جَيْشاً اِلَی الْهِنْد فَيَفْتَحَهَا فَيَطَأَ أَرْضَ الْهِنْد وَ يَأْخُذَ كُنُوزَها، فَيُصَيِّرُهُ ذَلِكَ الْـمَلِكْ حُلْيةً لِبَيْتِ الْـمَقْدَس، وَ يَـقْدِمُ عَلَيْهِ ذَلِكَ الْجَيْش [بملوك الهند] مُغَلِّلِيْنَ، وَ يُفْتَحُ لَهُ مَا بَيْنَ الْـمَشْرِق وَ الْـمَغْرِب، وَ يَكُونُ مَقَامَهُم فِی الْهِنْد اِلَی خُرُوجِ الدَّجَّال

(كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص ٤٠٩/حديث ١٢٣٥).

Scanned by CamScanner

## باب صد و هشتاد و چهارم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که قبل از خروج مهدی پادشاهی لشکری را به سوی هند می‌فرستد و آنجا را فتح می‌کند و گنجها و جواهرات آنجا را بر می‌دارد و بیت المقدس را زینت می‌کند و آنگاه دجال ظهور می‌کند

**۲۳۱.** نعیم می‌گوید:

حکم بن نافع از کعب حدیث می‌کند که گفت: پادشاهی که در بیت المقدس ساکن است لشکری بسوی هند می‌فرستد و هند را فتح کرده گنج و جواهرات آنرا گرفته زینت بیت المقدس خواهد کرد و پادشاهان یمن را غل و زنجیر کرده نزد او می‌آورند و آن لشکر تا موقعیکه دجال خروج کند در هند می‌ماند.

## باب صد و هشتاد و پنجم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که پیش از ظهور مهدی پادشاهی به هند لشکرکشی می‌کند و بر هند و خاور میانه مسلط می‌شود

**۲۳۲.** «کعب» می‌گوید:

پادشاهی که در بیت المقدس است لشکری به سوی هند می‌فرستد و هند را فتح کرده و زمین آنرا می‌کوبد و گنجهای هند را تصرف نموده و زینت بیت المقدس قرار می‌دهد و افرادی را که به غل و زنجیر بسته شده‌اند نزد او می‌آورند و بین مشرق و مغرب برایش فتح می‌کنند و جای آنها در هند است تا موقعی که دجال خروج کند.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۸۶

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم مِنْ فَتْحِ الْبِلاٰد وَ الْقُسْطَنْطَنِّيَة وَ كَثْرَةِ غَنَائِمِهَا

نَذْكُرُ أَسْنَادَ الْحَديث وَ الْـمُرادُ مِنْهِ؛ لأنَّه طَوِيْلٌ.

**۲۳۳.** حَدَّثَنَا نَعِيْم، قَالَ: أَخْبَرَنَا [أبو] عِمَر صَاحِبُ لَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةُ، حَدَّثَنَا ابْنِ لَهِيْعَة عَنْ عَبْدِالْوَهَّابِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ ثَابِت عَنْ أَبِيْه عَنِ الْحَارِث الْهَمَدَانِي عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مَسْعُود عَنِ النَّبِيّ(ص)، ثُمَ ذَكَرَ الْحَدِيْث، وَ قَالَ مَا هَذَا لَفْظَهُ:

«وَ لاٰ يَنْزِلُونَ عَلَى مَدينَة وَ لاٰ حِصْنَ فَوْقَ ثَلاثَةَ أَيّام حَتَى يُفْتَح لَهُم، وَ يَنْزِلُونَ عَلَى الْخَلِيْج، وَ يُمُدُّ الْخَلِيْج حَتَى يُفِيْضُ، فَيَصْبِحَ أَهْلُ الْـقُسْطَنْطَنِّية يَقُولُون: الصَّلِيْبِ مُدِّ لَنَا بَحْرُنا وَالْـمَسِيْح نَاصِرُنَا، فَيَصْبَحُون وَ الْخَـلِيْج يَابِس، فَتَضْرِبَ فِيْه الأَخْبِيَة، وَ يَحْسِرُ الْبَحْر عَنِ الْقُسْطَنْطَنِّية، وَ يُحِيْطَ الْـمُسْلِمُونَ بِمَدِيْنَةَ الْكُفر لَيْلَةَ الْجُمُعَة بِالْتَحْمِيد وَ التَكْبِيْر وَ التَهْـلِيْل اِلَى الصَّبَاح لَيْسَ فِيهِمْ نَائِم وَ لاٰ جَالِسَ، فَاِذا طَلَعَ الْفَجْرُ كَـبَّرَ الْـمُسْلِمُونَ تَكبِيْرةً وٰاحِدةَ، فَيَسْقُطَ مَا بَيْنَ الْبُرْجَيْن، فَتَقُول الرُوم: اِنَّمـا كُـنَّا نُـقَاتِلُ الْعَرَب وَ الانَ نُقَاتِلُ رَبَّنَا، وَ قَدْ هَدَمَ لَهُم مَدِينَتَنَا وَ خَرَّبها لَهُم، فَيَمْكُثُونَ بِأَيْدِيْهِمْ، وَ يَكِيْلُونَ الذَهَب بِالأَتْرِسَه، وَ يُقَسِّمُونَ الذَرَارِى حَـتَى يَـبْلُغَ سَهْمَ الرَّجُل مِنْهُم ثَلاثَمِائَةَ عَذْرَاء، وَ يَتَمَتَّعُوا بِمَا فِي أَيْدِيْهِم مَا شَاءَ اللهُ، ثُمَ يَخْرُجُ الدَّجَّال حَقّاً، وَ يَفْتَحُ اللهُ الْقُسْطَنْطَنِّية عَلَى أَيْدِى أَقْوام هُمْ أَوْلِـياءَ الله، يَرْفَعُ اللهَ عَنْهُم الْـمَوْتَ وَ الْـمَرَضْ وَالسُّقْمَ حَتَى يَنْزِلَ عَلَيْهِم عِيْسَى بْنِ مَرْيم فَيُقاتِلُونَ مَعَهُ الدَّجَّالُ»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱/۴۱۷-۴۲۱/حديث ۱۲۵۲).

Scanned by CamScanner

# باب صد و هشتاد و ششم

## آنچه که نعیم ذکر کرده از فتح شهرها و قسطنطنیه و غنائم زیاد او

**۲۳۳.** عبداللّه بن مسعود از حضرت محمد بن عبداللّه (ص) روایت کرده که فرمود:

... در مدینه فرود نمی‌آیند و هیچ مکان محفوظی نیست مگر اینکه قبل از سه روز برای آنها فتح می‌شود، داخل خلیج می‌شوند و آب خلیج بقدری بالا می‌آید که از خلیج سرازیر می‌شود. پس اهل قسطنطنیه می‌گویند: صلیب ما را از آب دریا نجات می‌دهد و مسیح یاور ما خواهد بود، چون شب را صبح کنند می‌بینند که خلیج خشک شده، بعد از آن در خلیج خیمه می‌زنند و آب دریای قسطنطنیه فرو رفته خشک می‌شود و مسلمین در شب جمعه تا صبح با حمد و تکبیر و تهلیل شهر کفر را محاصره می‌کنند و حتی یک نفر که خواب یا نشسته باشد در میان آنها نیست، موقعی که فجر طالع شود مسلمین در بین دو برج، فقط یک الله اکبر می‌گویند و رومیها می‌گویند: تاکنون با عرب جنگ کردیم ولی اکنون می‌خواهیم با خدا بجنگیم در صورتیکه خدا برای خاطر آنها شهر ما را خراب نموده و شهر ما را برای آنها معین کرده است. پس مسلمین در آنجا اقامت نموده و با سپر مشغول کیل کردن طلا می‌شوند و چون فرزندان (آنها را) تقسیم می‌کنند سهم هر یک از آنها سیصد دختر باکره خواهد شد، و از آن نعمتهایی که در اختیار آن‌ها قرار گرفته تا وقتی که خدا بخواهد استفاده می‌کنند، بعد از آن دجال خروج می‌کند و خدا قسطنطنیه را بدست مردمی که اولیاء اللّه هستند فتح می‌کند و مرگ و مرض را از آنها بر می‌دارد تا اینکه عیسی بن مریم از آسمان بر آن‌ها نازل شود و همواره با دجال جنگ کنند.

Scanned by CamScanner

# الباب ۱۸۷

## فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِنْ حَدِيْثِ نُزُولِ عِيْسَى بْنِ مَرْيَمْ وَصَلاتُهُ خَلْفَ خَلِيْفَةِ الْـمُسْلِمِيْن، وَ حَدِيْثِ الدَّجَّال

**۲۳٤.** حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا ضَمُرَة عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عَمْرو الشَّيْبَانِي عَـنْ عَـمْرو بْـنِ عَبْدُالله الْحَضْرَمِي عَنْ أَبِي أَمَامَةِ الْبَاهِلِي، قَالَ: ذَكَرَ رَسُولُ الله(ص)، الدَّجَالُ، فَقَالَتْ لَهُ أَمْ شَرِيْكُ: فَأَيْنَ الْـمُسْلِمُون يَوْمَئِذٍ يَا رَسُولَ الله؟ قَالَ: «بَـبِيْتِ الْـمُقَدِّس يَخْرُجُ حَتَى يُحَاصِرُهُم وَ إِمَامَ الْـمُسْلِمِيْن يَوْمَئِذٍ رَجُلَ صَالِح، فَيُقَال: صَلِّ الْصُبْح، فَأِذا كَبَّرَ وَ دَخَلَ فِيْهَا نَزَلَ عِيْسَى بْنِ مَرْيَم، فَإِذا رآه ذَلِكَ الرَّجُل عَرَفَهُ، فَرَجَعُ يَمْشِي الْقَهْقَرِى، فَيَتَقَدَّم، فَيَضَعَ عِيْسَى يَدَهُ بَيْنَ كِتْفَيْه ثُمَ يَقُول: صَلِّ فَإِنَّمَا أُقِيَمْت لَكَ، فَيُصَلِّ عِيْسَى وَرَاءَهُ، ثُمَ يَـقُول: اِفْـتَحُوا الْـبَاب، فَيَفْتَحُونَ الْبَاب،وَ مَعَ الدَّجَّال يَوْمَئِذٍ سَبْعُونَ أَلْف يَهُودِى، كُلُّهُم ذو سَاج (الطيلسان الاخضر) وَ سَيْفُ مُحَلَّى، فَاذا نَـظَرَ إِلَى عِـيْسَى ذَابَ كَـمَا يَـذُوبُ الرَّصَاص وَ كَمَا يَذُوبُ الْمِلْح فِي الاـمْءِ ثُمَ يَخْرُجُ هَارِباً، فَيَقُولَ عِيْسَى: اِنَّ لِي فِيْكَ ضَرْبَةً لَنْ تَفُوتَنِي بِهَا، فَيُدْرَكُه فَيَقْتُلَهَ، فَلا يَبْقَ شَيْءُ مِمَّا خَلَقَ اللهُ يَتَوَارىٰ بِه يَهُودِى اِلاّ أَنْطَقَهُ اللهُ عَزَّوَجَلّ، لا حَجَرُ وَ لا شَجَر وَ لا دَابَّة اِلَّا قَالَ: يَا عَبْدَالله الْـمُسْلِم هَذَا! يَهُودِى فَاقْتُلُه، اِلاَّ الْغَرْقَدْ (درخت بزرگ) فَإِنَّهَا مِنْ شَجَرِهِم فَلا تَنْطِق، وَ يَكُونَ عِيْسَى فِي أُمَّتِي حَـكَماً عَـدْلاً ، وَ اِمـاماً مُقْسِطاً، وَ يَدُقُّ الصَّلِيْب (يكسرالصليب)، وَ يَقْتُلَ الْخِنْزِيْر وَ يَضَعَ الْجِزْيَةِ وَ يَتْرُكَ الصَّدقَة، وَ لا يَسْعَى عَـلَى شَـاة(جمع شاة)، وَ تُـرفَعُ الشَّـحْنَاء وَ التَبَاغُضْ، وَ تُنْزَعُ حُمَةُ كُل دَابَّة حَتَى يَدْخُلَ الْوَلِيْد يَـدَهُ فِي فَـم الْحَـنَش (الانعى) فَلا يَضُرَّه، وَ تَلْقَ الْوَلِيْدَة الْاَسَد فَلا يَضُرُّها، وَ يَكُونُ فِي الْإِبـل

Scanned by CamScanner

## باب صد و هشتاد و هفتم

### آنچه که نعیم از آن سخن گفته عبارت است از حدیث نزول عیسی و نماز خواندن او پشت سر خلیفه مسلمین و جریان دجال

**۲۳۴.** ابو امامه باهلی می‌گوید: رسول خدا ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ ذکری از دجال بمیان آورده و امّ‌شریک به او گفته: یا رسول اللّه در چنین روزی مسلمین در کجایند؟ فرمو: در بیت المقدس(دجال) خروج می‌کند که آن‌ها را محاصره کند در آن روز مرد صالح و نیکوکاری امام مسلمین است به او می‌گویند: برای مانماز صبح را بجا بیاور موقعی که تکبیرةالاحرام را گفت و داخل نماز شد عیسی بن مریم نازل می‌شود وقتی که آن مرد عیسی را می‌بیند عیسی او را می‌شناسد، آن مرد جلو می آید پس عیسی﴿علیه السلام﴾ دست خود را بین دو کتف او نهاده به او می‌گوید: برای ما نماز بجا بیاور زیرا که اقامه برای تو گفته شده، پس عیسی﴿علیه السلام﴾ به او اقتداء کرده پشت سر او نماز می‌گذارد. آنگاه می‌گوید: درب را بگشائید. در آن روز با دجال هفتاد هزار یهودی خواهد بود که همه آن‌ها دارای اسلحه و شمشیرند، وقتی که دجال به عیسی﴿علیه السلام﴾ نظر می‌کند (از ترس یا خجالت) آب می‌شود آنچنانکه قلع و سرب در آتش آب می‌شوند یا آن‌چنانکه نمک در آب، حل می‌شود پس فرار می‌کند و عیسی می‌گوید: من باید بتو ضربتی بزنم که آن ضربت فوت شدنی نیست، او را گرفته و بقتل می‌رساند، غیر از غرقد که از درخت یهود است و گویا هیچ چیزی از مخلوقات خدا نیست که یکنفر یهودی آن را پناه گاه خود قرار دهد مگر اینکه خدا آن را گویا می‌کند تا بگوید: ای بندهٔ مسلمان خدا، این کسی که مرا پناه گاه خود قرار داده یهودی است او را قتل برسان. (پس رسول خدا﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ فرمود:) عیسی﴿علیه السلام﴾ در میان امت من حاکم و امام عادلی است، عیسی﴿علیه السلام﴾ چوبهٔ دار را می‌کوبد و نابود می‌کند خوک را می‌کشد، جزیه را از بین می‌برد، صدقه را ترک می‌کند. (در آن زمان) گرگ مزاحم گوسفند نمی‌شود کینه و دشمنی بر طرف می‌گردد آزار و درندگی هر حیوانی طوری از بین می‌رود که اگر طفل نوزادی انگشت خود را داخل عسل بگذارد زنبور او را نیش نمی‌زند، شیر، بچه را ملاقات می‌کند ولی ضرری به او نمی‌رساند، شیر درنده در میان اشتران چون سگی است که آن‌ها را نگهبانی کند، گرگ در بین گوسفندان نظیر سگ گله خواهد بود و

Scanned by CamScanner

كَأَنَّهُ كَلْبُهَا، وَ الذِئْبُ فِي الْغَنَم كَأَنَّهُ كَلْبُهَا، وَ تَمْلأُ الأَرْضُ مِنَ الإِسْلام، وَ يَسْلِبُ الْكُفَّار مُلْكَهُم، وَ لا يَكُونُ مُلْكٌ إلاَّ الإِسْلام، وَ تَكُونُ الأَرض كَفاثُور الْفِضَّة (جام من فضه)، وَ تُنْبِتُ نَبَاتَها كَمَا كَانَتْ عَلَى عَهْدِ آدم، يَجْتَمِعُ النَّفَر عَلَى القِطْف (العنقود) فَيُشْبِعَهُم، وَ يَجْتَمِعْ النَّفَر عَلَى الرُمَانة، وَ يَكُونُ الثَّور بِكَذَا وَ كَذَا مِنَ الْمَال، وَ يَكُونُ الْفَرَس بِالْدرِيهِمَات»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص٥٦٦-٥٦٧/حديث ١٥٨٩).

## الباب ١٨٨

فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم فِي صَلاةِ عِيْسَى خَلْفَ الْمَهْدِي
وَ لَمْ يَسُمَّه، وَ أَنَّ عِيْسَى يَقُول: إِنَّمَا بُعِثتُ وَزِيْراً وَ لَمْ أُبعَثُ أَمِيْراً

**٢٣٥.** قَالَ: حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا بَقِيَّة بْنُ الْوَلِيْدِ عَنْ صَفْوَانِ بْنِ عَمْرو عَنْ شُرَيْحْ ابْنِ عُبَيْد عَنْ كَعْب، قَالَ:

يَهْبِطُ الْمَسِيْح عِيْسَى بْنُ مَرْيَم عِنْدَ الْقَنْطَرَةِ الْبِيضَاء عَلَى بَابِ دمشْقِ الشَّرْقِي إِلَى طَرَفِ الشَّجَرِ، تَحْمِلُهُ غَمَامَة، وَاضِعُ يَدَيْهِ عَلَى مَنِكَبِ مَلِكَيْن، عَلَيْه رِيْطَتَان (كل ثوب رقيق) مؤتزر بِإحدَاهُمَا مُرْتدٍ بِالأُخْرى، إِذَا أَكَبَّ رَأْسَهُ يَقْطِرُ مِنْهُ كَالْجُمان، فَيَأْتِيه الْيَهُود فَيَقُولُون: نَحْنُ اَصْحَابَكَ، فَيَقُول: كَذَبْتُم، ثُمَّ يَأْتِيَهُ النَّصَارَى فَيَقُولُونَ: نَحْنُ اَصْحَابُك، فَيَقُول: كَذَبْتُم بَل أَصْحَابِي: الْمُهاجِرُونَ بَقِيَةَ أَصْحَابِ الْمَلْحَمَة، فَيَأْتِي مَجْمَعَ الْمُسْلِمِينَ حَيْثُ هُمْ، فَيَجِدَ خَلِيْفَتَهُم يُصَلِّي بِهِمْ، فَيَتَأَخَّر لِلْمَسِيح حَيْنَ يَرَاهُ، فَيَقُول: يَا مَسْيح الله صَلِّ بِنَا، فَيَقُولُ: بَلْ أَنْتَ فَصَلِّ بِأَصْحَابِكَ، فَقَدْ رَضِيَ اللهُ عَنْكَ فَإِنَّمَا بُعِثْتُ وَزِيْراً وَ لَمْ أُبْعَثْ أَميراً، فَيُصَلِّي بِهِم خَلِيْفَةَ الْمُهَاجِرِيْن رَكْعَتَيْن مَرَّة وَاحِدَةَ وَ ابْنُ مَرْيَمْ فِيْهِم وَ ذَكَرَ تَمَامَ الْحَدِيْث.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص٥٦٧-٥٦٨/حديث ١٥٩٠).

Scanned by CamScanner

نیز اسلام را در روی زمین گسترده می‌سازد حکومت کفار گرفته خواهد شد، سلطنتی برای غیر از اسلام نیست، زمین چون سفرهٔ نقره می‌شود، زمین گیاهان خود را آن طور می‌رویاند که در زمان آدمؑ بوده، چند نفر که بدور یک گردهٔ نان جمع شوند (و از آن بخورند) همه آن‌ها را سیر می‌کند، یکعدد انار را که چند نفر بخورند آن‌ها را سیر می‌کند، (قیمت) گاو چنین و چنان (ارزان) می‌شود (قیمت) اسب چند درهم خواهد شد.

## باب صد و هشتاد و هشتم

### آن‌چه نعیم پیرامون نماز خواندن حضرت عیسی پشت سر او بیان کرده و اینکه به او می‌گوید من وزیرم نه امیر

**۲۳۵.** نعیم حدیث می‌کند از ولید و او از صفوان و از کعب که گفت:

عیسی بن مریم از طرف پل سفیدی که جنب دروازهٔ دمشق است در حالی که قطعهٔ ابری او را حمل می‌کند وارد می‌شود در حالی که دو دست خود را برکتف دو ملک نهاده و دو ریطه (روپوشی نازک) با آن حضرت است که یکی از آن‌ها را پوشیده و دیگری را نپوشیده و موقعی که سر خود را بزیر می‌اندازد شیئی شبیه به لؤلؤ از آن می‌چکد.

پس ملت یهود نزد آن حضرت آمده و می‌گویند: ما اصحاب تو هستیم، آن بزرگوار می‌گوید: دروغ می‌گویید، سپس نصارا خدمت او آمده و می‌گویند: ما یاران توایم، می‌فرماید: دروغ می‌گویید، بلکه اصحاب من مهاجرینی هستند که باقیمانده اصحاب جنگ و جهادند. بعد از آن در جمع مسلمین می‌آید و می‌بیند که آن‌ها با خلیفه خود نماز می‌خوانند، عیسی عقب می‌ماند که به او اقتدا کند می‌گوید: نه، شما با یاران خود نماز بخوان همانا خداوند از شما راضی و خوشنود است، من به عنوان وزیر مأمورم نه حاکم و رهبر. آنگاه خلیفه مهاجرین با یاران خود دو رکعت نماز می‌خواند در حالیکه عیسی«ؑ» هم در میان آن‌ها است.

Scanned by CamScanner

**٢٣٦.** وَ قَالَ فِي حَدِيْثٍ آخر بِإِسْنَادِهِ عَنْ حُذَيْفَةِ بْن الْيَمان عَنِ النَّبِي (ﷺ):

**«فَيَهْبِطَ عِيْسَى فَيُرَحِّبَ بِهِ النَّاسُ وَ يَفْرَحُونَ بِنُزُولِهِ لِتَصْدِيقِ حَدِيْث رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ و سَلَّمَ، ثُمَ يَقُولُ لِلْمُؤَذِّن: أَقِم الصَّلَاة، ثُمَ يَقُولُ لَهُ النَّاسُ: صَلِّ بِنَا، فَيَقُولَ: اِنْطَلِقُوا اِلَى اِمَامَكُم فَلْيُصَلِّ بِكُم؛ فَاِنَّهُ نِعْمَ الاِمَام، فَيُصَلِّيَ بِهِمْ اِمَامَهُم، فَيُصَلِّيَ مَعَهُمْ عِيْسَى» وَ ذَكَرَ تَمَامَهُ وَ حَدْيث الدَّجَّالِ.**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص٥٦٨/حديث١٥٩١)

## الباب ١٨٩

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم مِنْ أَنَّ الْـمَهْدِی مِنْ وُلْدِ فَاطِمة عَلَيْهَا السَّلَام

**٢٣٧.** قَالَ نَعِيمُ وَ حَدَّثَنَا عَبْدُاللهِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ سَعِيدَ بْنِ يَزِيْدِ التَنُوخِی عَنِ الْزُهَرِی، قَالَ:

**الْـمَهْدِی مِنْ وُلْدِ فَاطِمَة** (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٧٥ / حديث ١١١٤).

## الباب ١٩٠

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم منْ أَنَّ الْـمَهْدِی مِنْ وُلْدِ عَلِی بْنِ أَبِی طَالِب عليه السلام

**٢٣٨.** حَدَّثَنَا نَعِيْم: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنِ الْيَمَان عَنْ سُفْيانِ عَنْ أَبِی إِسْحَاق عَنْ عَاصِم عَنْ عَلِي، قَالَ:

**«هُوَ رَجُلٌ مِنِّي»** (كتاب الفتن لابن حماد ج ١ / ص ٣٦٩/ حديث ١٠٨٤).

۲۳۶. و در حدیث دیگر است که حذیفه بن یمان از رسول خدا(ص) روایت کرده که فرمود:

عیسی(ع) از آسمان نازل می‌شود و مردم از آمدن او خوشوقت می‌شوند زیرا که عیسی(ع) حدیث رسول خدا را تصدیق می‌کند، آنگاه به مؤذن می‌گوید:

نماز را اقامه کن، مردم به عیسی می‌گویند جلو بایست تا ما بتو اقتدا کنیم. حضرت در جواب آن‌ها می‌گوید، شما بروید و با امام خود نماز بخوانید زیرا که او نیکو امامی است، مسلمین با امام خود نماز می‌گذارند و عیسی بن مریم به آن حضرت اقتداء می‌کند. حدیث را بتمامه و حدیث دجّال ذکر کرده است.

## باب صد و هشتاد و نهم

### آنچه که نعیم ذکر کرده این است که مهدی از فرزند فاطمه است

۲۳۷. «زهری» می‌گوید:

مهدی (عج) از فرزندان فاطمه(س) است.

## باب صد و نودم

### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه مهدی فرزند علی بن ابی‌طالب است

۲۳۸. عاصم از امیرالمؤمنین(ع) روایت کرده که فرمود:

مهدی (عج) مردی است از من.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۹۱

فِيمَا ذَكَرَه نَعْيم فِي أَنَّ ابْنُ عَبَّاس
قَالَ لِمُعَاوِيَةِ: يَبْعَثُ اللهُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْت الْمَهْدِى

**۲۳۹.** حَدَّثَنَا الْوَلِيْد بْنِ مُسْلِم عَنْ أَبِي عَبْدِالله عَنْ الْوَلِيْدِ بْنِ هِشَامِ الْـمُعَيْطِى عَنْ أَبَانِ بْنِ الْوَلِيْد قَالَ:

**سَمِعْتُ ابْنَ عَبَاسَ - وَ هُوَ عِنْدَ مُعَاوِيَة - يَقُول: يَبْعَثُ اللهُ مِـنَّا أَهْـلَ الْبَيْتَ الْـمَهْدِى** (كتاب الفتن لابن حماد ج۱:ص ۳۷۰/حديث ۱۰۸۷).

## الباب ۱۹۲

فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم مِنْ أَنَّ الْـمَهْدِى وَ أَئِمَةَ
الْهُدَى مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النُبَوة، وَ بِهِمْ يُخْتَم

**۲٤۰.** حَدَّثَنا نَعِيْمِ، حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ عَنُ عَلِي بْنِ حُوشَبْ سَمِعَ مَكْحُولاً يُحَدِّثُ عَنْ عَلِّى بْنِ أَبِي طَالِب، قَالَ:

**«قُلْتُ: يَا رَسُول الله، اَلْمَهْدِى مِنَّا أَئِمَةَ الْهُدَى أَمْ مِنْ غَيْرِنا؟ قَالَ: بَلْ مِنَّا، بِنَا يُخْتَمُ الْدِيْن، كَمَا بِنَا فُتِحَ، وَ بِنَا يُسْتَنْقِذُونَ مِـنْ ضَـلَالَةِ الْـفِتْنَةِ كَـمَا اسْتُنقِذوا مِنْ ضَلَالَةِ الشِّرْك، وَ بِنَا يُؤَلِّفُ اللهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمِ فِي الْدِّين بَـعْدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَة، كَمَا أَلَّفَ اللهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ دِينِهِم بَعْدَ عَدَاوَة الْشِرْكَ»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج۱: ص ۳۷۰/ حديث ۱۰۸۹).

Scanned by CamScanner

## باب صد و نود و یکم

### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه ابن عباس به معاویه گفت: خداوند مهدی را از میان ما اهل بیت برانگیخته می‌سازد

**۲۳۹.** ابان بن ولید می‌گوید:

از ابن عباس در آنموقعی که نزد معاویه بود شنیدم که می‌گفت: خدا مهدی (عج) را از ما خانواده مبعوث خواهد کرد.

## باب صد و نود و دوم

### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه مهدی و ائمه هدی از اهل بیت نبوت‌اند و به آنها دین ختم می‌شود

**۲۴۰.** مکحول از علی بن ابی‌طالب روایت کرده که فرمود:

به رسول خدا(ﷺ) گفتم آیا مهدی (عج) از ما ائمه هدی است یا از غیر ما؟ فرمود:

از ما خواهد بود، دین بما ختم می‌شود همچنانکه به ما افتتاح شد، مردم بوسیله ما از گمراهی و فتنه نجات خواهند یافت همانطور که بواسطهٔ ما از گمراهی شرک خلاص شدند که خداوند بعد از دشمنی‌ها در دین، با یکدیگر مهربان کرد همان طور که خدا برای ما در بین قلوب و دین آن‌ها بعد از دشمنی و شرک ایجاد الفت کرد.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۹۳

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَائِشَة عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ مِنْ عِتْرَتِه

**۲٤۱.** حَدَّثَنا نَعِيْم، حَدَّثَنا الْوَلِيْد عَنْ شِيْخ عَنِ الزُّهَرِى عَنْ عَائِشَةِ عَنْ النَّبِيِّ(ص)، قَالَ:

«هُوَ رَجُلُ مِنْ عِتْرَتِى يُقَاتِلُ عَلَى سُنَّتِى، كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلَى الْقُرآن»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱: ص ۳۷۱/ حديث ۱۰۹۲).

## الباب ۱۹۴

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم: أَنَّهُ رَجُلُ مِنْ عِتْرَتِهِ يُقَاتِلُ عَلَى سُنَّتِهِ كَمَا قَاتَلَ ﷺ عَلَى الْوَحْى

**۲٤۲.** حَدَّثْنا نَعِيْم، حَدَّثْنا الْوَلِيْد عَنْ سَعِيد عَنْ قُتَادة [عَنْ أَبِى الصِّديق عَنْ أَبِى سَعِيْد الْخُدْرِى عَنِ النَّبيِّ(ص)] قَالَ:

«هُوَ رَجُل مِنْ أُمَّتِى يُقَاتِلُ عَلَى سُنَّتِى كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلَى الْوَحْى»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۷۱/حديث ۱۰۹۳).

## الباب ۱۹۵

### فِيْمَا ذِكَرَهُ نَعِيْم أَيْضاً: أَنَّهُ مِنْ عِتْرَةِ النَّبِى ﴿ﷺ﴾

**۲٤۳.** حَدَّثَنا نَعِيْم، حَدَّثَنا الْوَلِيْد وَ قَالَ أَبُو رَافِعِ عَنْ أَبِى سَعِيْدِ الْخُدْرِى عَن النَّبِى(ص) قَالَ:

«هُوَ مِنْ عِتْرَتِى» (كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۷۱/حديث ۱۰۹٤).

Scanned by CamScanner

## باب صد و نود و سوم

### آنچه که نعیم از عایشه ذکر کرده که او از پیامبر نقل نموده که مهدی از عترت پیامبر است

**۲۴۱.** زهری از عائشه از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
مهدی مردی از عترت من است که بر اساس سنت می‌جنگد همانطور که من برای قرآن جنگیدم.

## باب صد و نود و چهارم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که مهدی مردی از دودمان پیامبر است و براساس سنت پیامبر می‌جنگد همانطور که پیامبر براساس وحی می‌جنگید

**۲۴۲.** «قتاده» می‌گوید:
رسول خدا(ﷺ) فرمود: مهدی (عج) مردی است از عترت من که طبق سنت من، خواهد جنگید همانطور که من براساس وحی جنگیدم.

## باب صد و نود و پنجم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که مهدی از عترت پیامبر (ص) است

**۲۴۳.** ابو سعید خدری از حضرت محمد بن عبداللّه(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
مهدی (عج) از عترت من است.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۹۶

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم فِي أَنَّهُ يَخْرُجُ مِنْ قِبَل الْـمَشْرِق لَوْ اسْتَقْبَلَتْهُ الْجِبَال لهَدَّهَا، وَ أَنَّهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْن

۲٤٤. حَدَّثنا نَعيم، حَدَّثَنا الْوَلِيْد وَ رِشْدِيْن عَنْ ابْنِ لَهيْعَة عَنْ أَبِي قَبِيْل عَنْ عَبْدُالله بْنِ عَمْرو، قَالَ:

**يَخْرُجُ رَجُلُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْن مِنْ قِبَل الْـمَشْرِق لَو اِسْـتَقْبَلَتْه الْجِـبَال لَهَدَّهَا، وَاتَّخَذَ فِيهَا طُرُقاً** (كتاب الفتن لابن حماد ج ۱: ص ۳۷۱-۳۷۲/ حديث ۱۰۹۵).

## الباب ۱۹۷

### فِيمَا ذَكَرَهَ نَعِيم: أَنَّ الْـمَهْدى هُوَ الَّذِى يُصَلِّى عِيْسَى بْنَ مَرْيَم خَلْفَه

۲٤٥. حَدَّثَنا نَعِيم عَنْ غَيْرِ وَاحِد عَنْ حَمَّادِ بْنِ سَلَمَة عَنْ عَلّى بْنِ زَيْدِ عَنْ رُجُلِ عَنْ عَبْدِالله بْن عَمرو، قَالَ:

**الْـمَهْدِى الَّذِى يَنْزِلُ عَلَيْه عِيْسَى بْنِ مَرْيَمُ، وَ يُصَلِّى خَلْفَهُ عِيْسَى**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۷۳/حديث ۱۱۰۳).

## الباب ۱۹۸

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم عَنِ النَّبِيّ صَلَّى اللهُ عَلَيْه وَ آلِهِ، أَنَّهُ قَالَ: «هُوَ رَجُلُ مِنِّى»

۲٤٦. حَدَّثَنَا نَعيم، حَدَّثَنا اِبْنُ وَهَبْ عَنِ الْحَارِثْ بْن نَبْهَان عَنْ عَمْرو ابْنِ دِيْنَار عَنْ أَبِي نَضْرَة عَنِ النَّبِي (ص) قَالَ:

**«هُوَ رُجُل مِنِّى»** (كتاب الفتن لابن حماد ج ۱: ص ۳۷۳/ حديث ۱۱۰٦).

Scanned by CamScanner

## باب صد و نود و ششم

**آنچه که نعیم ذکر کرده که مهدی از سمت مشرق ظهور می‌کند و اگر کوهها مانع او شوند آنها را خراب می‌کند و او از فرزندان حسین است**

**۲٤٤.** «عبدالله بن عمر» می‌گوید:

مردی از فرزندان حسین از طرف مشرق خروج می‌کند که اگر کوهها او را استقبال کنند( که از او جلوگیری نمایند) آنها را خراب کرده و جاده‌ای برای خود می‌سازد.

## باب صد و نود و هفتم

**آنچه که نعیم ذکر کرده که مهدی همانی است که عیسی بن مریم در پشت سرش نماز می‌خواند**

**۲٤٥.** «عبدالله بن عمر» گوید:

مهدی آنکسی استکه عیسی بن مریم بر او نازل می‌شود و پشت سر او نماز می‌خواند.

## باب صد و نود و هشتم

**آنچه که نعیم از پیامبر آورده که فرمود: مهدی مردی است از من**

**۲٤٦.** ابوسعید از رسول خدا روایت کرده که فرمود:

مهدی مردی است از من.

Scanned by CamScanner

## الباب ١٩٩

### فِيمَا ذَكَرَهُ نُعَيْم عَنِ النَّبِيِّ «ﷺ»، أَنَّهُ قَالَ: «الْمَهْدِي مِنَّا أَهْلَ الْبَيْت».

٢٤٧. حَدَّثَنَا نُعَيم، حَدَّثَنَا الْقَاسِم بْنِ مَالِكِ الْمَزَنِي عَنْ يَاسِينِ بْنِ سَيَّار، قَالَ: سَمِعْتُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّة، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، حَدَّثَنِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِب، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ الله (ص):

الْمَهْدِي مِنَّا أَهْلَ الْبَيْت» (كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص٣٧٦/حديث١١١٨).

## فصل

٢٤٨. وَ ذَكَرَ نُعَيم بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِالله بْنِ عَمْرو، قَالَ:

مَلَاحِمُ النَّاس خَمْس، قَدْ مَضَتْ ثِنْتَان، وَ ثَلاثٍ فِي هَذِهِ الأُمَّة: مَلْحَمَةُ الْتُرك، وَ مَلْحَمَةُ الرُوم، وَ مَلْحَمَةُ الدَّجَال، لَيْسَ بَعْد مَلْحَمَةُ الدَجَّال مَلْحَمَة (كتاب الفتن لابن حماد ج ١:ص٥٤٨/حديث١٥٣٨).

٢٤٩. وَرَوَى فِي حَدِيثٍ آخَر عَنْ عَبْدِالله بْنِ عَمْرو، قَالَ: الْمَلَاحِم ثَلَاث: مَضَتْ ثِنْتَان وَ بَقِيَتْ وَاحِدَةٌ وَ هِيَ مَلْحَمَة الْتُرْكَ بِالْجَزِيْرَةَ.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٨٢-٦٨٣/حديث ١٩٢٤).

Scanned by CamScanner

# باب صد و نود و نهم

## آن‌چه که نعیم از پیامبر آورده که فرمود مهدی از ما اهل‌بیت است

**۲۴۷.** محمد بن حنفیه از پدر بزرگوارش علی(ع) و او از رسول خدا(ص) روایت کرده که فرمود:

مهدی (عج) از ما اهل بیت است.

## فصل

**۲۴۸.** «عبدالله بن عمر» می‌گوید:

برای مردم پنج فتنه و شورش است که دو تای آن‌ها گذشته و سه تای آنها در این امت خواهد بود:

۱ ـ فتنه و آشوب ترک

۲ ـ شورش و فتنه روم

۳ ـ فتنه و شورش دجال که بعد از آن، دیگر فتنه و شورشی نیست.

**۲۴۹.** در روایت دیگر از عبدالله بن عمر رسیده که گفت: فتنه و آشوب سه تا است که دو تای آنها واقع شده و یکی باقی مانده است که آن فتنه و شورش ترک است که در جزیره اتفاق می‌افتد.

Scanned by CamScanner

## فصل

**٢٥٠.** وَ ذَكَرَ نَعِيمْ بِإِسْنَادِهِ عَنْ [أَبِي سَلْمَةْ بن] عَبْدُالرَّحْمَن، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله (ص):
«لَيَهْبِطَنَّ الدَّجَّال خُوز وَ كِرْمَانُ فِي ثَمَانَيْنَ أَلْـفاً كَأَنَّ وُجُـوهَمُ المَجـانُّ المُطْرَقَة، يَلْبَسُون الطَّيَالِسَة، وَ يَنْتَعِلُونَ الشَّعَر»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٧٩/حديث ١٩١٣).

## فصل

**٢٥١.** وَ ذَكَرَ نَعِيم بِإِسْنَادِه عَنْ كَعْب:
لِيَخْرُجَنَّ الْتُرك خَرَجَة لا يُنَهْنِهم شَيْء دُونَ الْقَطِيْعة، فِـيْهِم ذِبْـحُ اللهِ الأَعْظَم (كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٨٠/حديث ١٩١٥).

## فصل

**٢٥٢.** وَ ذَكَرَ نَعِيمُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حُذَيْفَة، قَالَ لأَهْل الْكُوفة:
لَيَخْرِجَنَّكُم مِنْهَا قَوْمُ صِغَارُ الأَعـيْنُ، فُـطْسُ الأُنـوف (قـصبة الأنـف و انفراشها)، كَأَنَّ وُجُوهَهُم الُمجَانُّ الْـمُطرِقَة، يَنْتَعِلُونَ الشَّعَر، يَرْبِطُونَ خُيُولَهُم بِنَخْل «جَوْخاء» (موضع بين صيدا و زبالة فى ديار بنى عجل) وَ يَـشْرِبُون مِـنْ «فُرْضِ» (فوهة النهر) الْفُرات (كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٨٠/حديث ١٩١٦).

Scanned by CamScanner

## فصل

**۲۵۰.** عبد الرحمان از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
دجال با هشتاد هزار نفر در اطراف کرمان وارد می‌شوند که صورتهای آنها همچون سپرهای آهنین پهن خواهد بود، پوستین و کفشهای موئی می‌پوشند.

*توضیح: دجال مرد ناپاک و خونریزی است که دعوی خدایی می‌کند او دارای چشمانی سرخ و خونی است و بسیار قوی هیکل و تنومند است او ساحری چیره‌دست است که با سِحر خود مردم را فریب می‌دهد. طرفداران او جباران و منافقان و کافران‌اند. او با کارهای خود مردم را در بی‌خبری و مستی قرار می‌دهد و جهان را پر از فتنه و آشوب می‌نماید سرانجام بدست حضرت مهدی(ع) یا عیسی ابن مریم خود و یارانش کشته می‌شوند و نابود می‌گردند.*

## فصل

**۲۵۱.** کعب می‌گوید:
(رسول خدا فرمود:) گروه ترک خروج می‌کنند. یک نوع خروجی که غیر از فاصله و جدایی چیزی از آن‌ها جلوگیری نمی‌کند. قربانی اعظم خدا در بین آنها خواهد بود.

## فصل

**۲۵۲.** حذیفه می‌گوید:
(رسولخدا) به اهل کوفه فرمود: قومی شما را از کوفه بیرون می‌کنند که دارای این صفتاتند: چشمهایشان کوچک و بینی‌هایشان پهن، صورتهای آنها نظیر سپرهای آهنین است، نعل موئی می‌پوشند و مرکبهای خود را بنخل خرما در منطقه جوخاً می‌بندند، از سوراخها و مجاری فرات آب می‌آشامند

Scanned by CamScanner

## فصل

**٢٥٣.** وَ ذَكَرَ نَعِيم بِإسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْن عَمْرو، قَالَ: أَتَيْنَاهُ، فَقَالَ: مِمَّنْ؟ فَقُلْتُ: مِنْ أَهْلِ الْعِرَاق، فَقَالَ:

وَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَه إلاّ هُوَ لَيُسَوقَنَّكُم بَنُو قَنْطُوراء مِنْ خُرَاسان وَ سَجِسْتَان سَوْقاً عَنِيْفاً حَتَى يَنْزِلُوا بِالأُبُلَّة، وَ لَا يَدْعُوا بِهَا نَخْلة إلَّا رَبِطُوا بِهَا فَرَساً، ثُمَ يَبْعَثُونَ إِلَى أَهْلِ الْبَصْرة: اَمَّا أَنْ تَخْرُجُوا مِنْ بِلَادِنَا وَ إِمَّا أَنْ نَنْزِلَ عَلَيْكُم، قَالَ: فَيَتَفَرّقُونَ ثَلَاثَ فِرَقْ: فِرْقَةٌ تَلْحَقُ بِالْكُوفَة، وَفِرْقَةُ بِالْحِجَاز، وَ فِرْقَةُ بِأَرْضِ الْعَرَبِ الْبَادِيَة، ثُمَ يَدْخُلُونَ الْبَصْرة، فَيُقِيْمُونَ بِهَا سِنَةً، ثُمَ يَبْعَثُونَ إِلَىَ الْكُوفَة: إِمَّا أَنْ تَرْحَلُوا عَنْ بِلَادِنَا وَ إمّا أَنْ نُنْزِلَ عَلَيْكُمْ، فَيَفْتَرِقُونَ ثَلاثَ فِرَقٍ: فِرْقَةُ تَلْحَقُ بِالشَام، وَ فِرْقَةٌ بِالْحِجَاز، وَ فِرْقَةُ بِالْبَادِيَة أَرْضَ الْعَرَب، وَ تَبْقَ الْعِراق لَا يَجِدُ أَحَدُ فِيْهَا قَفْيِزاً وَ لَا دِرْهَماً.

قَالَ: وَ ذَلِكَ إِذَا كَانَتْ إِمَارَةُ الْصِبْيَان، فَوَاللهِ لَتَكُونَنَّ، رَدَّدَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتِ

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٨٠-٦٨١/حديث ١٩١٨).

## فصل

**٢٥٤.** وَ ذَكَرَ نَعيم بِإسْنَادِه عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِي(ص)، قَالَ:

«لَا تَقُومَ السَّاعَة حَتَى تُقَاتِلُوا التَرُكْ، حُمْرَ الْوُجُوه، صِغَارَ الْاَعْيُن، فُطْسَ الْأنْف، كأَنّ وُجُوهَهُم المَجانُّ المُطْرَقة»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٨١/حديث ١٩١٩).

Scanned by CamScanner

## فصل

**۲۵۳.** عبدالله بن عمر می‌گوید:

خدمت (رسول خدا) آمدیم، فرمود: شما چه کسانی هستید؟ گفتم: از اهل عراق فرمود: قسم به آن خدائی که غیر از او خدائی نیست که بنو قنطورا *(براساس نقل ابن اثیر در نهایه قنطورا نام کنیز حضرت ابراهیم(علیه السلام) بوده که برای او فرزندانی از ترک و چین آورده است)* شما را از خراسان و سیستان می‌رانند تا اینکه وارد «أبلّه» شوند *(محلی است در ساحل بصره)* و نخلی در آنجا نیست جز اینکه اسبی به آن بسته‌اند. سپس نزد مردم بصره می‌فرستند که یا باید از شهرهای ما خارج شوید یا ما بر شما وارد خواهیم شد.

فرمود: بنوقنطوراء به سه فرقه تقسیم می‌شوید: یک فرقه از آن‌ها در کوفه و فرقه دیگر در حجاز و فرقه سوم در منطقه بدوی ماندگار می‌شوند و کار عراق بجائی می‌رسد که احدی پول و درهمی در آن نخواهد یافت، فرمود:

این موضوع موقعی انجام می‌گیرد. که کودکان، حاکم و فرمان فرما شوند بخدا قسم که همینطور هم خواهد شد و تا سه دفعه این سخن خود را تکرار فرمود.

## فصل

**۲۵۴.** ابوهریره از حضرت محمد بن عبدالله(صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود:

قیامت قیام نمی‌کند تا اینکه شما با گروه ترکی که دارای این صفاتند بجنگید ۱ ـ صورتهای آن‌ها سرخ ۲ ـ چشمان آن‌ها کوچک ۳ ـ بینی‌های آنان عریض و پهن ۴ ـ صورتهای آنها نظیر سپرهای آهنین پهن و سخت خواهد بود.

Scanned by CamScanner

## فصل

**٢٥٥.** وَ ذَكَرَ نَعِيْم بِإسْنَادِهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَة، قَالَ:

**أَوَّلَ مَا يَزْوِى مِنُ أَقْطَارِ أَرَضِهَا «الْعَرَبَ» لِقوم حُمْـرِ الْـوُجُوه، كَأَنَّ وُجُوهَهُم المَجانٌّ المُطْرَقَة** (كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٨١/حديث ١٩٢٠).

**٢٥٦.** قَالَ ابْنُ وَهَبٌ: وَ أَخْبَرنِي يُونس عَنْ إِبْنِ شَهَاب عَنْ أَبِي هُرَيْرَة مِثْلَهُ، وَ كَانَ عُمَر يَقُول:

**لِلْمُسْلِمِينَ عَدُوٌّ وُجُوهَهُم كالدَّرَق، أَعْيُنُهُمْ كَالوزغ، فَاتْرُكُـوهُم كَـمَا تَرَكُوكُمْ** (كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٨٢/حديث ١٩٢١).

## فصل

**٢٥٧.** وَ ذَكَرَ نَعِيمُ بِإسْنَادِهِ فِي حَدِيْث عَنْ تَبِيْع، قَالَ:

**اِذَا دَخَلَتَ الْرايَات الصَّفَر مِصْر فَغَلِبُوا عَلَيْهَا وَ قَعِدُوا عَـلَى مَـنْبِرِهَا، فَلْيَحْفِرَ أَهْلُ الشَام أَسْرَاباً فِي الْاَرْضِ فَاِنَّهُ الْبَلَاء.**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٧١١/حديث ١٩٩٥).

## الباب ٢٠٠

### فِيْمَا ذَكَرَه نَعِيْم مِنْ أَخْبَارِ النَّارِ الْحَادِثَة فِي أَوَاخِرِ الْزَمَانَ.

**٢٥٨.** قَالَ: حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا الْوَلَيْدِ عَنْ ابْنِ لَهِيْعَة عَنْ حَجَّاجِ بْن شَدَّادَ عَنْ أَبِي صَالِح الْغِفَارِى عَنْ أَبِي هُرَيْرَة، قَالَ:

**«تَخْرُجُ نَارُ» حَتَّى تَضِى أُعناقُ الاِبْلَ لَيـلاً «بِجِسْـمِىٰ جُـذام» (ارض بِبادية الشام) من نارهم** (كتاب الفتن لابن حماد ج ٢: ص ٤٤٠/١٢٦٦).

## فصل

**۲۵۵.** «ابوهریره» می‌گوید:
اولین کسانی که از اطراف خاک عرب وارد مدینه می‌شوند مردمی هستند دارای صورتهای سرخ، صورت آنان چون سپرهای پهن و عریض خواهد بود.

**۲۵۶.** عمر به مسلمین می‌گفت:
دشمنانی هستند که صورتشان چون زره چرمی و چشمانشان همچون قورباغه است پس آنها را رها سازید همانطور که آنها شما را رها می‌کنند.

## فصل

**۲۵۷.** «تبیع» می‌گوید:
زمانی که بیرقهای زرد وارد مصر شدند و بر مصر غلبه پیدا کرده بر منبر آن نشستند لازم است که اهل شام در زمین سردابهائی کنده (خود را پنهان کنند) زیرا که آن واقعه بلائی است.

## باب دویستم

### در آن‌چه که نعیم ذکر کرده از اخبار آتشی که در دوره آخر الزمان به وجود می‌آید

**۲۵۸.** «ابوهریره» گوید:
در شبی آتش سوزانی خارج می‌شود که حتی در شب گردنهای اشتران را روشن ساخته و به منطقهٔ قبیله خیام می‌رسد

Scanned by CamScanner

أَقُول: فَهَذَا الْحَدِيثُ قَدْ تَضَمَّنَ: أَنَّهُ تُضِئُ أَعْنَاقَ الاْبِلِ ليلاً وَ لَمْ يَذْكَر «بِبُصْرىٰ» (قرية من قرى دمشق) فَيُمْكِن أَنْ تَكُونَ النَّارُ الَّتِي تَجَدَّدَتْ بِالْحِجَاز هَذِهِ النَّار، فَإِنَّهَا كَانَتْ تَضِيُء بِهَا أَعْنَاقَ الاِبِلْ.

## فصل

فِي حَدْيثِ آخَر عَنِ النَّارِ الَّتِي تَضِيْء بِهَا أَعْنَاقَ الاْبِلْ «بُصْرى».

**٢٥٩.** حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا ابْنُ وَهَبْ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عُمَر عَنْ نَافِعَ عَنْ ابْن عُمَر عَنْ كَعْب، قَالَ:

يُوشَكُ نَارُ تَخْرُجُ بِالْيَمن تَسُوقُ النَّاسُ اِلَى الشَّام، تَغْدُو اِذَا غَـدَوا، وَ تُقيلُ اِذَا قَالُوا، وَ تَروحُ اِذَا رَاحَوا، تَضُيءَ مِنْهَا أَعْنَاقَ الاِبِلِ «بِبُصْرى» فَاِذَا سَمِعْتُمْ ذَلِكَ فَاَخْرِجُوا اِلَى الشَّامِ

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص٦٢٨/حديث ١٧٥٤).

## فصل

فِي ظُهُورِ نَارِ الْحِجَاز الَّتِي تَضِيءُ بِهَا أَعْنَاقَ الاِبِـلِ «بِـبُصْرى» عَـنْ الْزُهَرِيَ.

**٢٦٠.** ذَكَرَ نَعْيِم بِاِسْنَادِه، قَالَ عَبْدُالرَّزَاق: قَالَ مَعْمَر: قَالَ الزُّهَرِي:

تَخْرُج نَارُ مِنَ الْحِجَازِ تِضَيء أَعْنَاقَ الابِلِ «بِبُصْرى»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص٦٣٢/حديث ١٧٦٤).

Scanned by CamScanner

**مؤلف گوید:** این حدیث متضمن این معنی است که نور به گونه‌ای است که گردنهای شتران در شب دیده می‌شوند ولی ذکر نشده که در بصری اتفاق می‌افتد پس امکان دارد که این آتش همان آتش حجاز باشد، زیرا که آن آتشی است که گردنهای شتران دیده می‌شوند.

## فصل

**۲۵۹.** کعب می‌گوید:

بزودی آتشی در یمن شعله‌ور می‌شود که مردم را بسوی شام می‌راند این آتش در صبح و قبل از ظهر و هنگام عصر خواهد بود و آتش به گونه‌ای است که در قریه بصری در شام گردنهای شتران دیده می‌شوند یعنی وقتی مردم صبح می‌کنند آتش هم در صبح با آنها است وقتی خواب قیلوله دارند که قبل از ظهر است آتش هم با آنها است و وقتی در عصر استراحت می‌کنند آتش هم آرام می‌شود وقتی این جریان را شنیدید بطرف شام حرکت کنید.

## فصل

**۲٦۰.** «زهری» می‌گوید:

آتشی از حجاز برخاسته می‌شود که گردن‌های شتران یا شاخ و برگ گیاهان در بُصری روشن خواهد شد.

Scanned by CamScanner

## فصل

### فِی النَّارِ مِنْ عَدَن.

**۲٦۱.** وَ ذَكَرَ نَعِيم بِإِسْنَادِهِ عَنِ النَّبِی(ص)، قَالَ فِی آخِرِ حَدْيث:

**«وَ تَحْشُرُهم نَارُ مِنْ عَدَن مَعَ الْقِرَدَة وَ الْخَنَازِيرُ، تَبِيُت مَعَهُم أَيْنَما بَاتُوا، وَ تُقْيِلُ مَعَهُم أَيْنَمَا قَالُوا، وَ لَهَا مَا سَقط مِنْهُم»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص ٦٣٢/حديث ١٧٦٤).

## فصل

### فِی النارِ مِنَ الْـمَشْرِق.

**۲٦۲.** وَ ذَكَرَ نَعِيمَ فِی حَدِيْثِه عَنْ أَرْطَأة قَالَ:

**تَكُونُ نَارُ وَ دُخَان فِی الْـمَشْرق أَرْبَعْينُ لَيْلَة**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص ٦٣٣/حديث ١٧٦٨).

## فصل

### فِی النارِ مِنْ عَدَن أَيْضاً.

**۲٦۳.** رُوَاه نَعِيْم بِإِسْنَادِه عَنْ عُمَرْ بنِ الخَطَّابِ، قَالَ يوماً بِمَكَّة:

**يَا أَهْلَ الْيَمْن هَاجرُوا قَبْلَ الظُلْمَتين، إِمَّا اِحْدَاهُمَا: فَالْحَبَشَة يَخْرُجُونَ حَتَی يَبْلُغُوا مَقَامِی هَذَا، وَالْاُخْرِی: نَارُ تَخْرُج مِنْ عَدَن تَسُوقُ النَّاسُ وَ الدَّوَابَّ وَ الْوُحَشْ وَ الْسِبَاعُ وَ دِقَاقِ الدِوابِّ** (ای صغيرها) **وَ جَلَالِها** (ای عظيمها)**، إِذَا قَامَتِ قَامُوا، وَ إِذَا تَحرَّكَتُ سَارُوا – قَالَ: وَ قَالَ كَعْب: إِذَا عَثَر إِنْسَانُ أَوْ دَابَّةَ قَالَتْ لَهُ النَّار: تَعَسْتَ** (ای هلكت) **وَانْتَكَسْتَ**

Scanned by CamScanner

## فصل

### آتشی از عدن

**۲٦۱.** نعیم از رسول خدا روایت کرده که فرمود:
آتشی از عدن (جزیره‌ای است در یمن) برخاسته می‌شود که میمون و خوکها با مردمند که هر جا شب کنند و هر وقت بخوابند با آنها خواهند بود و آنچه که ساقط شود برای آن آتش است.

## فصل

### آتشی از مشرق

**۲٦۲.** ارطاة می‌گوید: چهل شب در مشرق آتش و دود خواهد بود.

## فصل

### آتشی از عدن

**۲٦۳.** عمر بن خطاب روزی در مکه گفت:
ای اهل یمن شما باید قبل از رسیدن او هجرت کنید، اول آنکه اهل حبشه خارج می‌شوند تا به این مکان می‌رسند، دوم آتشی از عدن برمی خیزد که مدام مردم و جنبندگان و وحوش و درندگان را نابود می‌کند موقعی که آن آتش بایستد آنها هم می‌ایستند و موقعی که انسانی یا حیوانی به رو در افتد آتش به او می‌گوید: زود به رو درآمدی و بزمین افتادی، آرزو داشتی که

Scanned by CamScanner

(عود المرض بعدالنقاح) لَو شِئْتَ هَاجَرْتَ قَبْلَ الْـيَوْم- حَـتَى تَـنْتَهِى اِلَى «بُصْرى» فَتُقِيمُ أَرْبَعِينَ عَاماً لَا يَصْطَلِي بِهَا أَحَدُ اِلَّا كُتِبَ جَهَنَّمى؛ وَ حَتَى يَسْأَلَ الْكَافِر، فَيَقُولَ: هَذِه النَّارُ الَتِي كُنَا نُوعَد، فَكَيْفَ أَنْتُمْ اِذَا رَأَيْتُم تِلْكَ الآيَةُ الْعَظِيمَة، فَيَنْظُرَ النَّاظِرُ مِنْكُم اِلى مَشَارِقِ الأرْضِ، فَيَرَاها تُـوهِجُ (تتقد) ثُمَ يَنْظُرُ اِلَى مَغَارِبِها، فَيَرَاهَا بَزَروعِها خُضْراً، يَتَنَاكَحُون وَ يَلْقَحُون، أَفَتَرَاكُم تَارِكِي أَعْمَالَكُم الَّتِي تَعْمَلُونَ الْيَوْم وَ أَنْتُم تَنْظُرُونَ اِلىَ تِلْكَ الآيَةُ الْعُظْمَى؟ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ لِتَعْمَلُنَّ أَعْمَالَكُمْ وَ أَنْتُم تَنْظُرُونَ اِلَيْهَا

(كنز العمال ج ١٤ / ص ١٠٠ / حديث ٣٨٠٤٩).

## الباب ٢٠١

### فِيْمَا ذَكَرَه نَعِيْم مِنْ حَدْيثِ الْتُرْك.

**٢٦٤.** قال: حَدَثَنَا نعيم، حَدَثَنَا الْوَلِيْد عَنْ سَعِيْد بْنِ بَشِيْر عَنْ قُتَادَة عَنْ عَقَبَةِ بْن أَوُس عَنْ عَبْدُالله بْن عمرو، قال:

يُوشَكُ بَنُو قَنْطُورَاء اِبْنُ كَنْكَر يَخْرُجُونَ فَيَسُوقُونَ أَهْلَ خَرَاسَان سَوْقاً عنيفاً حَتَى يَرْبِطُوا خُيُولَهُمْ بِنَخْلِ الأُبلة، فَيَبْعَثُونَ اِلَى أَهْلِ الْبَصْرَة: اِمَّا أَنْ تَلْحَقُوا بِنَا وَ اِمَّا أَنْ تَخْلُوهَا لَنَا، فَيَلْحَقَ بِهِمْ ثُلْث، وَ بِالْأَعْرَابِ ثُلْث، وَ ثُلْثُ بِالشَّام (كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٢٤/حديث ١٧٤٣).

فِي حَديث آخَرِ فِي الْبَرْد الشَّدِيد الَّذِى يَحْدِثُ عَلَيْهِم.

Scanned by CamScanner

قبل از امروز، بسوی بصری هجرت کنی آن آتش چهل سال برقرار خواهد بود و کسی خود را به آن گرم نمی‌کند مگر اینکه جزء جهنمی‌ها بشمار می‌رود. حتی از کافر می‌پرسند: (این چه آتشی است؟) می‌گوید: این همان آتشی است که بما وعده می‌دادند.

(عمر گفت:) شما چه حالی دارید آن موقعی که این علامت بزرگ را ببینید، ناظری که از شما بطرف مشرق نظر کند می‌بیند که آن آتش روشن است بعد که بطرف مغرب نظر نماید خواهد دید که زراعت آن سبز است و به یکدیگر چسبیده و خارج می‌شوند.

آیا آن اعمال ناپسندی را که امروز انجام می‌دهید انجام خواهید داد در صورتیکه شما بآن علامت بزرگ نظر می‌کنید؟ بخدای کعبه سوگند که بآن علامت نظر می‌کنید و اعمال خود را انجام می‌دهید.

## باب دویست و یکم

### آنچه که نعیم از جریان ترکها ذکر کرده است

**۲٦٤.** نعیم حدیث می‌کند از ولید و او از بشیر از قتاده از عقبه بن اوس و او از عبدالله بن عمر که گفت:

نزدیک است که بنی قنطوراء ابن کنکر (ملت ترک یا سودان) خروج کنند و اهل خراسان را بسرعت برانند تا اینکه مالهای سواری خود را در نهر أبلّه (نزدیک بصره) وارد می‌سازند و پیکی بسوی اهل بصره می‌فرستند و می‌گویند: یا باید شما هم بما ملحق شوید یا بصره را برای ما خالی کنید! پس بخشی به ایشان و بخشی به اعراب و بخشی دیگر به شام ملحق می‌شوند.

Scanned by CamScanner

## فصل

**۲۶۵.** وَ ذَكَرَ نَعِيْم فِي حَدِيْثٍ عَنْ كَعْب، قَالَ:

**تَنْزِلُ الْتُرْك وَ تَشْرِبُ مِنَ الْدِجْلَة وَ الفُرَات، وَ يَسْعَوْنَ فِي الْجَزِيْرَة، وَ أَهْلُ الْإِسْلَام مِنَ الْحَيْرَة لَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُم شَيْئاً، فَيَبْعَثَ اللهُ عَلَيْهِم ثَـلْجاً بِغَيْرِ كَيْل، فِيهِ صَرٌّ مِنْ رِيْحُ شَدِيْدَة وَجَلِيدْ، فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ فَإِذَا أَقَامُوا أَيَّاماً قَامَ أَميْرُ أَهْلِ الاِسْلَام فِي النَّاسِ فَيَقُول: يَا أَهْلَ الْإِسْـلَام أَلاقَـومُ يَهَبُونَ أَنْفُسَهُم لله، فَيَنْظُرُونَ مَا فَعَلَ الْقَوْم؟ فَـيَنْتَدِبَ عَـشَرَةَ فَـوَارِس، فَيَجْيزُونَ اِلَيْهِم، فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ، فَيَرْجِعُونَ فَيَقُولُونَ: اِنَّ اللهَ قَدْ أَهْلَكَهُمْ وَ كَفَاكُمْ؛ هَلَكُوا مِنْ عِنْدِ آخِرِهِمْ**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص٦٧٦/حديث ۱۹۰۱).

## فصل

**۲٦٦.** وَ ذَكَرَ نَعِيم بِإِسنَادِهِ فِي حَدِيْث آخَرَ عَنْ كَعْبٍ، قَالَ:

**لَيَرِدَنَّ الْتُركَ الْجَزِيرَةَ حَتَّى تَسْقَ خَيْلَهُمْ مِنَ الْفُرَات، فَيَبْعَثَ اللهُ عَلَيْهِم الطَّاعُونَ فَيَقْتُلَهُم، قَالَ: فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُم اِلَّا رَجُلُ وَاحِدُ.**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص٦٧٦/حديث ۱۹۰۲).

## فصل

**۲٦٧.** وَ ذَكَرَ نَعِيْم فِي حَدِيْث آخَرَ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عَتِيْبَة، قَالَ:

**يَخْرُجُونَ فلا يُنَهْنِهُمْ دُونَ الْفُرَات شَيْء أَصَابَ مَـلَاحِمَهُم، وَ فُـرْسَانَ النَّاسُ يَوْمَئذٍ قَيْسُ بن عَيْلان، فَيَسْتَأْصِلَهُم، لَا تُرْكَ بَعْدَهَا**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص٦٧٧/حديث ۱۹۰٤).

Scanned by CamScanner

## فصل

**۲۶۵.** «کعب» می‌گوید: گروه ترک با خشم وارد می‌شوند و از دجله و فرات آب می‌آشامند و در جزیره فعالیت چشمگیری دارند و مسلمانان توان پایداری در برابر آنها را ندارند.

پس خداوند برف زیادی همراه با باد شدید و سرد بر آنها مسلط می‌نماید و آنها خشک می‌شوند، چند روزی که ماندند حاکم اسلام به مسلمانان می‌گوید: ای اهل اسلام آیا گروهی هست که جان خود را در راه خدا فدا کند و ببیند که خدا با این گروه چه عملی انجام داد؟ بعد از آن ده سوار پیش قدم شده و به سوی قوم ترک می‌روند و می‌بینند که بازگشت نموده و می‌گویند خداوند همراه شما بود و تا آخرین نفر از آنها هلاک کرد.

## فصل

**۲۶۶.** «کعب» می‌گوید:

بطور یقین قوم ترک وارد جزیرة العرب می‌شوند و مرکبهای خود را از فرات آب می‌دهند و خدا بیماری طاعون را بر آنها مسلط نموده و کسی جز یک نفر از آنها نجات نمی‌یابد.

## فصل

**۲۶۷.** «عتیبه» می‌گوید:

هیچ چیز نمی‌تواند مانع قوت ترک شود جز مردان جنگجوی آنها (اهل فرات) که فرمانده آنها قیس بن عیلان است دشمن را ریشه کن می‌کند و بعد از آن ترکی باقی نمی‌ماند.

Scanned by CamScanner

## فصل

**٢٦٨.** وَ ذَكَرَ نَعِيمُ فِي حَدِيْثُ آخَر عَنْ مَكْحُولِ عَنِ النَّبِي(ص):

«لِلتُّرك خَرَجَتَان: خَرَجَةُ مِنْهَا خَرَابُ آذربيجان، وَ خَرَجَةُ يَخْرُجُونَ فِي الْجَزِيرة، يَحْتَقِبُونَ (يحتملون) ذَوَاتَ الْحِجَال، فَيَنْصُرَ اللهُ الْـمُسْلِمِيْن، فِيْهُمْ ذِبْحُ الله الأَعْظَم، لَا تُرْكَ بَعْدَهَا» (كنز العمال ج ١١ / ص ٢٧٥ / حديث ٣١٥٠٤).

## فصل

**٢٦٩.** وَ ذَكَر نَعِيْم فِي حَدِيْثَ آخَرَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عُمَر، سَمِعْتُهُ يَقُول:

يُوَشَكُ بَنُو قَنِطُوراء يَسُوقُونَ أَهْلَ خُرَاسان و أَهْلَ سَـجِسْتَان سَـوْقاً عنِيْفاً حَتَى يَرْبِطُوا دَوَابَّهُم بِنَخْل الأُبُلَّة، فَيَبْعَثُونَ اِلِى أَهْلِ الْبَصْرة: أَنْ خَلُّوا لَنَا أَرْضَكُمْ أَوْ نَنْزِلُ بِكُم، فَيَفْتَرِقُونَ عَلَى ثَلَاثِ فِرَق: فِرْقَةُ تَلْحَقُ بِالْعَرَب، وَ فِرْقَةُ بِالشَام، وَ فِرْقَةُ بِعَدُوِهَا، وَ أَمَارَةُ ذلِكَ إِذَا طَبِقَتِ الأَرْض إِمَارَةَ السُفَهَاء (كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٧٧/حديث ١٩٠٦).

## فصل

**٢٧٠.** وَ ذَكَرَ نَعِيْم فِي حَدِيث آخَرَ عَنْ النبي(ص)، قَالَ:

«أَرْضُ يُقَالَ لَهَا: اَلْبُصْرة أَو البَصِيْرَة، يَأْتِيهِم بَنُو قَنْطُوراء حَتَى يَنْزِلُوا بِنَهْرٍ -يُقَالَ لَهُ: دِجْلَة- ذِي نَخْل، فَيَتْفَرَّقَ النَّاسُ ثَلاث فِرَق: فِرْقَةُ تَلْحَقُ بِأَصْلِها، فَهَلَكُوا، وَ فِرْقَةُ تَأْخُذُ عَلَى أَنْـفُسِهَا، فَكَـفَرُوا، وَ فِـرْقَةُ تَجْـعُلُ ظُهُورَهَا، فَيُقَاتِلونَهُم، فَيَفْتَحَ اللهُ عَلَى بِقِيتَهِمْ»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٧٧-٦٧٨/حديث ١٩٠٧).

Scanned by CamScanner

## فصل

۲۶۸. «مکحول» از رسول خدا روایت کرده که فرمود:

برای قوم ترک دو حمله است در حمله اول آذربایجان را ویران می‌سازند و در حمله دوم به جزیرة العرب حمله می‌نمایند و آنجا را غارت می‌کنند آنگاه خداوند مسلمین را یاری می‌کند، قربانی بزرگ خدا در میان آن گروه است و ترکی بعد از آنها نخواهد ماند.

## فصل

۲۶۹. «نعیم» می‌گوید:

از عبدالله بن عمر شنیدم که می‌گفت: به زودی بنوقنطوراء (قوم ترک یا ملت سودان) اهل خراسان و سیستان را به سرعت برانند تا اینکه مرکبهای خود را بنخل أبلّه (شهری است نزدیکی بصره) می‌بندند و نزد اهل بصره می‌فرستند که شهر خود را برای ما خالی کنید یا اینکه ما بر شما وارد خواهیم شد. اهل بصره به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروهی به عرب می‌پیوندند و گروهی به شام می‌روند و گروهی به دشمنان خود ملحق خواهند شد، علامت این حادثه هولناک حکومت جاهلان بر زمین است.

## فصل

۲۷۰. نعیم از حضرت محمد بن عبدالله(ﷺ) روایت کرده که فرمود:

بنو قنطورا در سرزمینی که آن را بصره یا بصیره می‌گویند فرود می‌آیند و وارد نهری می‌شوند که آن را دجله می‌گویند که دارای نخل است مردم(بصره) سه گروه خواهند شد: گروهی به اصل خود ملحق شده و هلاک می‌شوند و گروهی علیه خود کافر خواهند شد و گروهی خانواده خود را پشت سر خود قرار داده و با آنها(بنوقنطورا) می‌جنگند و خدا آن‌ها را پیروز می‌گرداند.

Scanned by CamScanner

## فصل

۲۷۱. وَ ذَكَرَ نَعِيمٍ فِي حَدِيثٍ آخر عَنِ النَّبِيِّ(ص)، قَالَ:

«فَيَفْتَرِقُونَ ثَلَاثَ فِرَقٍ: فِرْقَةٌ تَمْكُثُ، وَ فِرْقَةٌ تَلْحَقُ بِآبَائِهَا منَابَتِ الشِّيحِ (نبت له رايحة طيبة) و القَيْصوم (نبت من رياحين البرّ)، وَ فِرْقَة تَلْحَقُ بِالشَام، وَ هِيَ خَيْرُ الْفِرَقِ» (كتاب الفتن لابن حماد ج ۲: ص٦٧٨/ حديث ١٩٠٨).

## فصل

۲۷۲. وَ ذَكَرَ نَعِيم بِإِسْنَادِهِ فِي حَدِيثٍ آخَرَ عَنْ مُحَمَّد بْنِ كَعْب الْقُرْظِي عَنْ أَبِي هُرَيْرَة، قَالَ:

أَعْيُنُهُمْ كالوزغ، وُوُجُوهُم كَالْحَجَف (الترس من جلد بلاخشب)، لَهُم وَقْعَة بَيْنَ دِجْلَة وَ الْفُرات، وَ وَقْعَةَ بِمَرْجِ حِمَار (الارض الواسعه ذات نبات كثير)، وَ وَقْعَة بدِجْلَة حَتَى يَكُونَ الْجَواز أَوَلَ النَهار بِمَائَةَ دِينَار لِلْعُبور إِلَى الشَام ثُمّ يَزِيدُ آخَرُ النَّهار (كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص٦٧٨ حديث ١٩٠٩).

## فصل

۲۷۳. وَ ذَكَرَ نَعِيم بِإِسْنَادِهِ عَنْ بُرَيْدَة عَنْ أَبِيْهِ سَمِعَ النَّبِيَّ(ص)، يَقُول:

«يَسُوقُ أُمَّتِي قَوْمٌ عِرَاضِ الوُجُوه، صِغَارُ الأَعْيُنُ، كَأَنَّ وُجُوهَمُ الْحَجَف حَتَى يَلْحَقُوهُم بِجَزِيرَةِ الْعَرَب ثَلاثَ مَراّت. أَمَّا السَّاقَةَ الأُولى فَيَنْجوا مَنْ هَرَب، وَ الثَّانِيَةَ يَهْلِكُ بَعْض وَ يَنْجُو بَعْض؛ وَ تَصْطَلِمُ (الاصطلام الاستئصال) الثَّالِثَة، وَ هُم الْتُرْك، وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِه لَيَرْبَطَنَّ خُيُولَهُم إِلَى سَوَارِي (جمع الساريه و هو الاسطوانه) مَسْجِدِ الْمُسْلِمِيْن. فَكَانَ بُرَيْدَة لاَ يُفَارِقُهَ بَعِيْران أَوْ ثَلاثَ [و] مَتَاعُ السَّفَر؛ لِلْهَرْب مِمّا سَمِعَ مِنْ أَمْر الْتُرْك»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص٦٧٨/٦٧٩ حديث ١٩١٠)

Scanned by CamScanner

## فصل

**۲۷۱.** «نعیم» از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
اهل بصره به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروهی توقف می‌کنند و گروهی در محلی که گیاهان خوش بوئی دارد به پدران خود می‌پیوندند و گروهی به شام می‌روند که این بهترین گروه خواهند بود.

## فصل

**۲۷۲.** «ابوهریره» می‌گوید:
چشمان آن گروه مثل قورباغه است و صورتشان مانند زره چرمی بین دجله و فرات جنگ می‌کنند و جنگی در «مرج حمار» دارند و جنگی دیگر در دجله خواهند کرد بطوریکه برای عبور و رفتن به شام در اول روز صد دینار و در آخر روز بیشتر لازم است.

## فصل

**۲۷۳.** «بریده» از پدرش از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
قومی ترک که صورتشان همچون زره چرمین و چشمانی کوچک دارند امت مرا سه مرتبه تا جزیره العرب می‌رانند، در مرتبه اول، نجات می‌یابند در مرتبه دوم بعضی هلاک شده و بعضی نجات خواهند یافت و در مرتبه سوم ریشه کن می‌شوند، سوگند بآن خدائیکه جان من در دست اوست آنها جسارت را بجایی می‌رسانند که مرکبهای سواری خود را بستون‌های مسجد مسلمین می‌بندند.

Scanned by CamScanner

## فصل

**٢٧٤.** وَ ذَكَرَ نَعِيم بِاسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَمْرو، قَالَ:

يُوشَكَ بَنُو قَنْطُورَاء أَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ أَرْضِ الْعِرَاقِ، قُلْتُ: ثُمَّ نَعُود؟ قَالَ: أَنْتَ تَشْتَهِى ذَلِك؟ قُلْتُ: أَجَلْ، قَالَ: نَعِمْ تَكُونُ لَكُمْ سَلْوَةٌ مِنْ عَيْشِ

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٧٩/حديث ١٩١١).

## فصل

**٢٧٥.** وَ حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا رَشَدَيْن عَنْ ابْنِ لَهِيْعَة، حَدَّثَنِى كَعْبُ بْنُ عَلْقَمَة، حَدَّثَنِى حِسَانُ بْنُ كُرَيْب أَنَّهُ سَمِعَ ابْنُ ذِى الْكَلَاعْ يَقُول:

كُنْتُ عِنْدَ مُعَاوِيَة، فَجَاءَه بَرِيد مِنْ «أَرمينية» مِنْ صَاحِبِهَا، فَقَرَأَ الْكِتَاب، فَغَضِبَ، ثُمَ دَعَا كَاتِبَهُ فَقَالَ: أُكْتُبْ اِلَيْهِ جَوَابَ كِتَابِه، يَذْكُرُ: أَنّ الْتُرْكَ أَغَارُوا عَلَى أَطْرَافِ أَرْضِكَ فَأَصَابُوا مِنْهَا، ثُمَ بَعَثْتُ رِجَالاً فِى طَلَبِهِمْ، فَاسَتَنْقِذُوا الَّذِى أَصَابُوا، ثَكَلَتْكَ اُمُّكَ فَلَا تَعُد لِمِثْلِهَا وَ لَا تُحَرِّكَنَّهُمْ بِشَىْءِ، وَ لَا تَسْتَنْقِذُ مِنْهُم شَيْئاً، فَاِنِّى سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ(ص) يَقُولُ: «اِنَّهُمْ سَيَلْحَقُونَ بِمَنَابِتِ الشِّيح» (كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٨٢/حديث ١٩٢٢).

## فصل

**٢٧٦.** وَ ذَكَرَ نَعِيمْ بِاسْنَادِهِ عَنْ مَكْحُول عَنِ النَّبِىّ(ص)، قَالَ:

«لِلترکُ خَرَجَتَان: اِحْداهُمَا يَخْرُبُونَ أَذَرْبَيْجان، وَ الثانِيَةِ يَشْرَعُونَ مِنْهَا عَلَى شَطِّ الْفُرَات» (كنز العمال ج ١١ / ص ٢٧٦ / حديث ٣١٥١٠).

Scanned by CamScanner

## فصل

**۲۷٤.** «نعیم» از عبدالله بن عمر نقل کرده که گفت:

بزودی بنی قنطوراء (گروه ترک یا سودان) شما را از خاک عراق بیرون می‌کنند، من گفتم:

بعد از آن برمی گردیم؟ گفت: تو این آرزو را داری؟ گفتم: آری گفت: بلی برای شما زندگی خوبی خواهد بود.

## فصل

**۲۷۵.** ابن ذی الکلاع می‌گوید:

من نزد معاویه بودم که پیکی از ارمینیه آمد و نامه‌ای آورد معاویه آن را خوانده و خشمگین شد و کاتب خود را احضار کرد و گفت: جواب نامه او را بنویس! قوم ترک باطراف خاک تو حمله کرده‌اند و تو مردی را که به نزد آنها فرستاده‌ای گرفته‌اند مادر بعزایت بنشیند این عمل را تکرار مکن و آنها را بچیزی تحریک منما و چیزی از آن‌ها مگیر، زیرا من از رسول خدا(ﷺ) شنیدم که می‌فرمود:

ملت ترک بزودی به محلی که گیاه خوش‌بو دارد یورش خواهند برد.

## فصل

**۲۷٦.** «مکحول» از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:

برای قوم ترک دو شورش است: اول برای تخریب آذربایجان دوم بسرعت وارد شط فرات خواهند شد.

Scanned by CamScanner

## فصل

٢٧٧. وَ ذَكَرَ نَعِيم بِإسْنَادِهِ عَنْ كَعْب، قَالَ:

يَشْرَعُ الْتُرك عَلَى نَهْرِ الْفُرات فَكَأنّى بِذَوات الْـمُعْصَفِرَاتِ يَـصْطَفِفْنَ عَلَى نَهْرِ الْفُرات. (كتاب الفتن لابن حماد ج ٢: ص ٦٨٣/ حديث ١٩٢٦).

## فصل

٢٧٨. وَ ذَكَرَ نَعِيم بِإسْنَادِهِ عَنِ النَّبِي(ص)، قَالَ:

«فَيُرْسِلَ اللهُ عَلَى جَنْبِهِمْ الْـمَوْت - يَعْنى دَوَابّهم- فَتَرْجُلَهُمْ، فَيَكُونَ فِيْهِم ذِبْحُ اللهِ الْأَعْظَم لا تُرْكَ بَعْدَهَا»

(كنز العمّال ج ١١ / ص ٢٧٧ / ذيل حديث ٣١٥١٠).

## فصل

٢٧٩. وَ ذَكَرَ نَعِيم عَنْ ابْنِ مَسْعُود قَالَ: كَأَنّي بِالْتُرْك عَلَى بَرَاذِين مُخَذَمَّة الآذَان (دواب مقطّعه الآذان) حَتَى يَرْبِطُوهَا بِشَطِّ الْفُرَات

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٨٣/حديث ١٩٢٨).

## فصل

٢٨٠. وَ ذَكَرَ نَعِيم بِإسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ عَبْدُاللهِ بْن عَمرُو بْنِ الْعَاص:

أَوشَكَ بَنُو قَنْطُورَاء أَنْ يَخْرُجُواكُمْ مِنْ أَرْضِ الْعِرَاق، قَالَ: قُلْتُ: ثُمَ نَعُود؟ قَالَ: ذَلِكَ أَحَبَّ إلَيْك، ثُمَ تَعُودُونَ فَتَكُونَ لَكُمْ بِهَا سَلْوَةُ مِنْ عَيْش

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٨٣/حديث ١٩٢٩).

Scanned by CamScanner

## فصل

**۲۷۷.** کعب می‌گوید:

قوم ترک با سرعت وارد نهر فرات می‌شوند گویا من مرکبهای زرد رنگ آنها را می‌بینم که در کنار شط فرات صف بسته‌اند.

## فصل

**۲۷۸.** نعیم از پیغمبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:

خدا مرضی بر مالهای سواری آنها می‌فرستد تا هلاک شوند، (و خود آن‌ها بخاطر پیاده ماندن) خواهند مرد، و قربانی بزرگ خدا در میان آنهاست و پس از آن هم ترکی نخواهد بود.

## فصل

**۲۷۹.** ابن مسعود می‌گوید:

گویا قوم ترک را می‌بینم که بر اسب‌های گوش بریده ترکی نشسته و اسبهای خود را کنار شط فرات می‌بندند.

## فصل

**۲۸۰.** عبدالله عمروبن عباس گوید:

نزدیک است که بنی قنطوراء (ملت ترک) از خاک عراق بر شما خروج کنند: گفتم بعدا ما باز می‌گردیم؟ گفت: بازگشت برای شما بهتر است، شما بر می‌گردید و زندگی خوبی خواهید کرد.

Scanned by CamScanner

## فصل

**۲۸۱.** وَ ذَكَرَ نَعِيمٍ بِاسْنَادِهِ عَنْ الْحَسَن، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهُ(ص):

**«اِنَ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَة أَنْ تُقَاتِلوُا أَقْوَاماً وُجُوهُهُمْ كَالْمجان المُطْرَقة، وَ أَنْ تُقَاتِلُوا قَوْماً نِعَالُهُم مِن الشَّعْر، قَدْ رَأَيْنَا الأُوَلى، وَ هُم الْتُرك وَ رَأَيْنَا هَؤُلاء، وَ هُم الأَكْرَاد، قَالَ الْحَسَن: فَاِذَا كُنْتَ فِي أَشْرَاطِ السَّاعَةَ فَكَأَنَّكَ قَدْ عَايَنْتَهُ**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص ٦٨٤/حديث ۱۹۳۰).

## فصل

**۲۸۲.** وَ ذَكَرَ نَعِيمٍ بِاسْنَادِهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدُالله قَالَ: قَالَ حُذَيْفَة:

**يُوْشَكَ أَهْلُ الْعِرَاق أَنْ لا يُجْبَى اِلَيْهِم دِرْهَمُ وَ لا قَفْيزُ** (مكيال) **يمْنَعَهُم عَنْ ذَلِكَ الْعَجَمَ، وَ يُوَشَكُ أَهْلُ الشَّامِ أَنْ لا يُجْبى اِلَيْهِمْ دِيْنَارُ وَلا مُدْى** (مكيال لاهل الشام) **يمْنَعَهُم مِنْ ذَلِكَ الرُوم.**

(كتاب الفتن لابن حماد / ج ۲ / ص ٦٨٤ / حديث ۱۹۳۱)

## فصل

**۲۸۳.** وَ ذَكَرَ نَعِيم بِاسْنَادِ آخر – غَيْرُ مَا قَدَّمْنَاهُ– عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ النَّبِي(ص)، قَالَ:

**«لَا تَقُومُ السَّاعَة حَتَى تُقَاتِلُوا قَوْماً كَأَنَّ وُجُوهَهُمْ الْمجانُّ المُطْرَقة، وَ لَا تَقُومُ السَّاعَة حَتَى تُقَاتِلُوا قَوْماً نِعَالَهُمْ الشَّعَرْ.**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص ٦٨٤–٦٨٥/حديث ۱۹۳۳).

Scanned by CamScanner

## فصل

**۲۸۱.** حسن از حضرت محمد بن عبدالله(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:
یکی از علائم قیامت آنستکه با قومی که صورتهایشان چون سپرهای آهنین است جنگ می‌کنید و با گروهی که کفش آنها از مو است می‌جنگید طایفه اول را که ترک باشند و طایفه دوم را که کردها باشند مشاهده نمودیم.

## فصل

**۲۸۲.** حُذیفه می‌گوید:
عجم از رسیدن پول و غذای بمردم عراق جلوگیری می‌کنند. و رومیان از رسیدن پول و آذوقه بمردم شام جلوگیری می‌نمایند.

## فصل

**۲۸۳.** نعیم با سندی دیگر غیر از آنچه که گذشت از ابوهریه از پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:
قیامت فرا نمی‌رسد تا اینکه شما با قومیکه صورتهایشان چون سپر پهن است، و نیز با گروهی که کفششان از مو است بجنگید.

Scanned by CamScanner

## فصل

**٢٨٤.** وَرَوَى نَعِيمْ بِاسْنَادِ آخر عَنِ النَّبِي(ص) قَالَ:

«لَا تَقُومُ السَّاعَة حَتَى تُقَاتِلُوا قَوْماً ذُلْفَ (قصيرالانف) الْاَنْـفُ، صِـغَارَ الْأَعْيُنُ، كَأَنَ وُجُوهَهُم الْمَجانّ الْمُطْرَقَة

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٨٥/حديث ١٩٣٤).

## فصل

**٢٨٥.** فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيم، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنِ سَعِيْد عَنْ يَحْيَى بْنِ بُكَيْر عَن الْقَاسِم ابْنِ مُحَمَّد عَنْ اِبْرَاهِيْم بْنِ عَبْدُاللهِ بْنِ الْحَسَن، قَالَ:

فِي [سنة] سَبْعَ وَ سِتِيْنَ الْغَلَاء، وَ ثَمَانِ وَ سِتِيْنَ الْـمَوْت، وَ فِي تِسْـعَ وَ سِتِيْنَ الْخِلَاف، وَ فِي سَبْعِينَ وَ مَائَةَ يَسْلُبُونَ ثُمَ يَرْتَاحُ بَعْدَ السَّبْعِيْنَ بِرَجُلِ مِنْ أَهْلِي، حَتَى يَضْعَفَ الْعَطَاء، وَ تَضْعَفُ الثَّمَرَة فِي زَمَانِه، وَ يُوعَدُ النَّاسُ فِي التِجَارَة، فَقَالَ حُذَيْفَة، مَا بَالُ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَان [يا رسول الله]؟ قَالَ: «رَحمَةُ رَبّكُمْ وَ دَعْوَةُ نَبِيّكُمْ»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٩٣/حديث ١٩٦٦).

Scanned by CamScanner

## فصل

۲۸٤. نعیم با سندی دیگر از پیامبر روایت کرده که فرمود:

قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه با قومی بجنگید که بینی آنها کوتاه و پهن و چشمانشان کوچک و چهره‌ی آنها همچون سپر آهنین پهن است.

## فصل

۲۸۵. عبدالله بن حسن می‌گوید:

در سنه (٦٧) گرانی خواهد شد، در سنه (۷۸) مرگ فراوان خواهد بود. در سنه (٦٩) اختلاف پیدا می‌شود، در سنه (۷۰) مردم غارت می‌شوند پس از آن توسط مردی از اهل بیت من شادی به وجود می‌آید و درآمد و بخشش کم می‌شود و تجارت مردم با وعده انجام می‌گیرد، حذیفه گفت: حال آنمردم چگونه خواهد بود؟ فرمود: رحمت خدا و دعوت پیامبر شما شامل حال آنها باد.

Scanned by CamScanner

## فصل

**٢٨٦.** وَ ذَكَرَ نَعِيمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنِ سَعِيْد عَنْ غَالِبِ بْنِ عُبَيْدِاللهِ عَنْ يَحْيَى ابْنِ أَبِي عَمْرو السَّيْبَانِي عَنْ جُبَيْر بْنِ نَفِيرٍ، قَالَ:

قِيْلَ: يَا رَسُولَ الله أَخْبِرْنَا بِمَا يَكُونُ، فَقَالَ: «أُخْبِرُكُمْ أَنَّ بَعْدَ نَبِيِّكُمْ اِخْتِلَافاً بِسِنِينٍ يَسِيْرَة، فَأَمَّا الثَّلاثَ وَ الثَّلَاثُون وَ الْمَائَة فَالْحَلِيْمُ لَا يَفْرَحُ بِوَلَدِهِ، وَ الْخَمْسِيْنَ وَ الْمِائَةِ تَظْهَرُ الزَّنَادِقَةَ، وَ الْسِتِّينَ وَ الْمَائَةَ اِدِّخِرُوا طَعَامَ حَوْلَيْن، وَالْست وَالْسِتِيْن الْنِجَاء النِجَاء، وَ السَّبْعِيْنَ وَ الْمَائِة يُسْلَبُ الْمُلُوك مِلْكَهَا الى الثَّمَانِيْنَ، الى التِسْعِيْن الْبَلَاء عَلَى أَهْلِ الْمَعَاصِي، وَ الاْثِنَيْن وَ التِسْعِيْن وَ مَائَةَ الْحَصْبُ بِالْحِجَارَة وَ خَسْفُ وَ مَسْخُ وَ ظُهُورُ الْفَوَاحِش، وَ الْمائِتَيْن الْقَضَاء عَذَابُ يَفْجأ النَّاسُ فِي أَسْوَاقِهِمْ»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٩٤/حديث ١٩٦٧).

Scanned by CamScanner

## فصل

۲۸٦. جُبیر بن نفیر می‌گوید:

به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفتند: ما را از آینده خبر ده، فرمود: شما را آگاه می‌کنم که بعد از پیامبر چند سالی بین شما اختلاف واقع می‌شود، در سال ۱۳۳. شخص بردبار بفرزند خود خوشحال نمی‌شود، درسنه (۱۵۰) کفار ظهور می‌کنند، در سنه (۱٦۰) آذوقه دوسال را ذخیره کنید، در سنه ٦٦ سپر نجات جستجو کنید در سال (۱۷۰) تا(۱۸۰) تاج و تخت از دست ملوک گرفته می‌شود، در سنه (۱۹۰) اهل معصیت دچار بلاء خواهند شد، در سال (۱۹۲) سنگباران، فرورفتن به زمین و مسخ و زنا شروع می‌شود. در سال (۲۰۰) میان مردم بازار سکته شایع خواهد شد.

Scanned by CamScanner

## فصل

**٢٨٧.** وَ ذَكَرَ نَعِيْم، قَالَ: حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنِ سَعِيْد عَنْ فُلَانِ بْنِ حَجَّاج عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عَمْرُو عَنْ جُبَيْرِ بْنِ نَفِيْر، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله(ص):

«اِخْتِلَافُ أَصْحَابِي بَعْدِي بِخَمْس وَ عِشْرِيْنَ سَنَة، يَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضَاً، الْخَمْس وَ الْعَشْرِيْنَ وَ الْـمَائَة جَزَعُ شَدِيْد، وَ تَقْتُلُ بَنُو أُمية خَلْيِفَتَها، ثَلَاث وَ ثَلَاثِيْنَ وَ مَائَة يُربِّيَ أَحَدُكُم جِرَو كَلْب (ولد كلب) خَيْر مِنْ وَلَد يُـربِّيه، الْخَمْسِيْنَ وَ الْمائَة ظُهُورَ الزَّنَادِقَة، السِتْينَ وَ الْمِائَةِ جُوعُ سَنَة أَو سَـنَتَيْنْ، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ فَلْيَدَّخِرَ مِنَ الطَّعَام، وَ يَنْقَضُّ وَ شَهَابُ مِنَ الْـمَشْرِق اِلَى الْـمَغْرِب، وَهُدّة يَسْمَعُهَا كُلّ أَحَدٍ، سَنَةُ سِتَّ وَ سِتّينَ وَ مَائِة: مَنْ كَانَ لَهُ دِيْنَ مُتَفَرِّق فَلْيَجْمَعَهُ، وَ مَنْ كَانَتْ لَهُ بِنْتُ فَلْيُزُوِّجِها، وَ مَنْ كَـانَ عَـزَباً فَلْيَصْبِر عَلَى التَزْوِيْج، وَ مَنْ كَانَتْ لَهُ زَوْجَةُ فَلْيَعْزِلَ عَـنْهَا، اَلسَـبْعِيْنَ وَ الْمِائَة يُسْلَبُ الْـمُلُوكُ مُلْكَها، اَلْثَمَانِيْنُ: اَلبَلَاء، اَلْتِسْعِينَ: أَلْفَنَاء، الْمـائَتَيْنْ: الْقَضَاءَ» (كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٩٤/حديث ١٩٦٨).

Scanned by CamScanner

# فصل

**۲۸۷.** جبیرة بن نفیر از حضرت محمد بن عبدالله(ﷺ) روایت کرده که فرمود:

اصحاب من تا ۲۵ سال بعد از من اختلاف نموده و بعضی دیگر را می‌کشند،

در سال (۱۲۵) ناراحتی شدیدی خواهد بود و بنی امیه خلیفه‌ای را می‌کشند،

در سال (۱۳۳) اگر یکی از شما بچه سگ را تربیت کند بهتر است از اینکه(فلان) بچه را تربیت نماید،

در سال (۱۵۰) کفار ظهور می‌کننند،

در سال(۱۶۰) مردم دچار گرسنگی یک ساله یا دو ساله می‌شوند، کسی که آن موقع را درک کند لازم است که آذوقه ذخیره کند، شهابی (ستاره‌ای که جرقه می‌زند و خاموش می‌شود) از طرف مشرق بمغرب سقوط می‌کند و صدای شدیدی (بلند می‌شود) که همه کس آنرا می‌شنود،

سال(۱۶۶) کسی که از مردم طلبکار باشد باید طلب خود را به دست آورد کسی که دختری دارد باید شوهر دهد، کسی که بیزن باشد باید از ازدواج خودداری نماید کسیکه زن دارد باید از او کناره گیری کند،

در سنه(۱۷۰) تاج و تخت پادشاهان گرفته می‌شود،

در سال(۱۸۰) مردم دچار بلاء می‌شوند

در سال (۱۹۰) فتنه بپا خواهد شد،

در سال (۲۰۰) حوادث ناگوار رخ می‌دهد.

*توضیح: شاید مراد از این سالها که قمری است زمان خاصی در نظر بوده که می‌بایست حوادث ناگواری رخ می‌داده.*

Scanned by CamScanner

## الباب ٢٠٢

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم مِمَّا جَرَتْ حَالَ بَنِي أُمَيَّةَ عَلَيْه.

**٢٨٨.** حَدَّثَنا نَعِيْم، قَالَ: حَدَّثَنا عَبْدُاللهِ بْنِ مَرْوَان عَنْ أَرْطاةَ بْنِ الْـمُنْذَر، قَالَ: حَدَّثَني تَبِيْعَ عَنْ كَعْب، قَالَ:

مُلْكُ بَنِي أُمَيَّةَ مَائَةَ عَام ،لِبَنِي مَرْوَان مِنْ ذَلِكَ نَيِّف وَ سِتُّونَ عَاماً، عَلَيْهِمْ حَائِطُ مِنْ حَدِيْد لَا يَرَام حَتَّى يَنْزِعُوهُ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يُرِيدُونَ سَدَّه فَلَا يَسْتَطِيعُونهَ، كُلَّمَا سَدُّوه مَنْ نَاحِيَةِ انْهَدَم مِنْ نَاحِيَةِ أُخْرَى حَتَى يُهْلِكَهُمْ اللهُ، يُفْتَحُونَ بِمِيم وَ يُخْتَمُونَ بِمِيمَ، فَيَنْقَضِي دَوْرَانَ رَحَاهُم، وَ يَسْقُطُ مُلْكُهُم، وَ لَا يَسْقُطُ مَلْكَهُم حَتَى يَخْلَعَ خَلِيفَةَ مِنْهُم [فَيُقْتَل] وَ يَقْتُلُ جِمْلاه، وَ يَقْبَلُ جِمَارُ الْجَزِيْرَةِ الأَصْهَب - مَعَهَ الشَّيْطَان وَ شَرارُ النَّاس - مِنَ الْجَوْفِ - وَ هُوَ مَرْوَان - فَيَكُونَ عَلَى يَدَيْه هَدْمُ الْأَكَالِيْل - يعني هَدُمَ الْـمُدُن - وَ تَكَوُنُ عَلَى يَدَيْهِ الرَّجْفَة.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٩٥/حديث ١٩٧١).

## الباب ٢٠٣

### فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم فِي قَوْلِ النَّبِي ﴿صلى الله عليه وآله﴾:
### «إِنَّ أُمَّتَه تَسْلُكُ مَسْلَكَ الْأُمَم فِي ضَلَالِها مِنْ فَارْس وَ الْرُوم».

**٢٨٩.** قَالَ: حَدَّثَنا نَعِيم، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ وَهَبْ عَنْ اِبْنِ أَبِي ذِئْب عَنْ سَعِيْدِ الْـمَقْبَرِي عَنْ أَبِي هُرَيْرة عَنِ النَّبِيِّ(ص)، قَالَ:

«سَتَأْخُذَ أُمَّتِي أَخْذَ الْأُمَم قَلْبَها شِبْراً بِشِبرِ» فَقَالَ رَجُلُ: كَمَا فَعَلَتْ فَارْس وَ الْرُوم؟ فَقَالَ رَسُولُ اللهُ(ص): «وَ هَلِ النَّاسُ اِلاّ أُولَئِكِ؟!»

(كنز العمّال ج ١٤ / ص ٢٠٧ / حديث ٣٨٤١٥).

Scanned by CamScanner

## باب دویست و دوم

### آنچه که نعیم از جریانی که بر بنی‌امیه گذشته است ذکر کرده است

**۲۸۸.** «کعب» می‌گوید:

خلافت بنی امیه صد سال خواهد بود که به ساخت شهرها می‌پردازند و مدت شصت سال و اندی حکومت می‌کنند و حکومت آنها چون دیواری آهنین است که کسی نمی‌تواند از دست آنها بگیرد تا اینکه خودشان آنرا ریشه کن نمایند و بعداً که می‌خواهند آنرا بازسازی کنند نمی‌توانند، هرچه آن (دیوار) آهنین خلافت را از ناحیه‌ای می‌سازند از ناحیه دیگری ویران خواهد شد. تا اینکه خدا آنها را نابود می‌کند، بنی امیه از آغاز با میم شروع شد و با میم هم پایان خواهد پذیرفت (*زیرا حرف اول نام معاویه که اولین خلیفه بنی امیه بوده میم بوده آخرین آنها هم مروان است که میم دارد*) پس دوران گردش سنگ آسیای آنها به پایان خواهد رسید و (*ستاره*) سلطنت آنها سقوط خواهد نمود، سلطنت آنها زمانی سقوط می‌کند که خلیفه‌ای از آنها خلع شود و آن دو شتر کشته شوند، و الاغ اصهب (*الاغی که رنگش ترکیبی است از سفیدی و سرخی*) که شیطان و بدترین مردم که با او همراه‌اند ـ یعنی مروان کشته خواهد شد، (*همان مروانی که*) ویرانی شهرها و انقلاب و آشوب بدست او خواهد بود.

*توضیح: شاید مراد معصوم از بنی امیّه و بنی العباس نسل باز مانده آنهاست یا حاکمانی که شیوه و اخلاق آنها را دارند.*

## باب دویست و سوم

### آنچه که نعیم از گفتار پیامبر ذکر کرده که امتش مانند مردم فارس و روم گرفتار خواهند شد

**۲۸۹.** ابوهریره از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود: بزودی امت من نظیر امتهای گذشته گرفتار خواهد شد. مردی گفت: یعنی آنطور که فارس و روم رفتار کردند؟ فرمود: آیا مردمی غیر از آنها هستند؟!

Scanned by CamScanner

## الباب ۲۰۲

فِيْمَا ذَكَرهُ نَعِيْم مِنْ أَنَّ عِيْسَى إِذَا نَزَلَ
لَا يَشُمُّ رِيْحَهُ كَافِر إِلاّ مَاتَ، وَ يُصَلِّى وَرَاءَ الْمَهْدِى وَ لَمْ يَسُمُّه.

**۲۹۰.** حَدَّثَنا نَعِيْم، حَدَّثَنا الْحَكَمُ بْنُ نَافِع عَنْ جَرَّاح عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ كَعْب، قَالَ:

يَنْزِلُ عِيْسَى بْنِ مَرْيَم عِنْدَ الْمَنَارَةَ [التى] عِنْدَ بَاب دِمِشْقِ الشَّرقِ وَ هُوَ شَّابُ أَحْمَر مَعَهُ مَلَكَانَ قَدْ لَزِمَ مَنَاكِبَهما، لَا يَجِدُ نَفسَهُ وَ لَا رِيْحَهَ كَافِر إِلاّ مَاتَ،

وَ ذَلِكَ أَنَّ نَفْسَه يَبْلُغُ مَدَّ بَصَرَهُ فَيُدْرِكَ نَفْسَه الدَّجَّال، فَيَذُوبَ ذَوْبَان الشَّمْعَ فَيَمُوت،

وَ يَسيْر ابنُ مَرْيَم إِلى مَنْ فِى بَيْتِ الْمُقَدَّس مِنَ الْمُسْلِمَيْن فُيخْبِرَهُم بِقَتْلِهِ، وَ يُصَلِّى وَرَاءَ أَمِيرِهِمْ صَلَاةَ وَاحِدةَ،

ثُمَ يُصَلِّى لَهُم ابْنُ مَرْيَم، وَ هِىَ الْمُلْحَمَة، وَ يُسَلِّمُ بَقِيَةُ النَّصَارَى، وَ يُقيْم عِيْسَى وَ يُبَشِّرُهُمْ بِدَرجَاتِهِمْ فِى الْجَنَّة.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص ۵۷۲/حديث ۱۵۹۹).

## باب دویست و چهارم

### آنچه که نعیم ذکر کرده که وقتی عیسی آمد بوی او به هر کافری که برسد خواهد مرد و او در پشت سر مهدی به نماز می‌ایستد

**۲۹۰.** کعب می‌گوید:

عیسی بن مریم در حالیکه بصورت جوان سرخ رنگی است درب دروازه شرقی دمشق نزدیک مناره ظاهر می‌شود و دو ملک آن حضرت را با دو بازوی خود حمل می‌کنند،

نفس و بوی آن حضرت را هیچ کافری درک نمی‌کند مگر اینکه خواهد مرد، زیرا که نفس آن حضرت تا آنجا که چشم کار کند برد دارد،

موقعی که دجال نفس آنحضرت را درک نماید مثل شمع آب شده و می‌میرد.

سپس عیسی بن مریم(علیه السلام) بسوی مسلمانانی که در بیت المقدس هستند می‌رود و آنها را از قتل دجال آگاه می‌سازد و پشت سر امیر آنها به نماز می‌ایستد،

سپس حضرت عیسی پشت سر امیر آنها تنها یک نماز می‌خواند سپس خود برای آنها نماز می‌خواند در حالی که او کشنده آنهاست و بقیه نصاری تسلیم می‌شوند و عیسی در آنجا می‌ماند ولی به کار خود ادامه می‌دهد و آن‌ها را بدرجات بهشتی بشارت خواهد داد.

Scanned by CamScanner

## الباب ۲۰۵

فِيْمَا ذَكَرهُ نَعِيْم مِنْ تَنَعُّمِ
هَذِهِ الأُمَّةَ بَعْد نُزُولِ عِيْسَى عليه السلام.

**۲۹۱.** حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا أَبُو عُمَرِ النَّمرِى عَنْ إِبْن لَهِيْعَة عَنْ عَبْدِ الْوَهَّابِ بْنِ حُسَين عَنْ مُحَمَّد بْنِ ثَابِت عَنْ أَبِيْهِ عَنْ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدُالله عَنِ النَّبِي(ص) قَالَ:

«إِذَا نَزَلَ عِيْسَى بْنُ مَرْيَم وَ قَتَلَ الدَّجَّال تَمَتَّعُوا حَتَى تَحْيُوا لَيْلَة طُـلُوع الشَّمْس مِنْ مَغْرِبِهَا وَ حَتَى تَمَتَّعُوا بَعْدَ خُرُوجِ الدَّجَّال أَرْبَعِينَ سَنَة، لَا يَمُوتُ أَحَدُ وَ لَا يَمْرُضُ، وَ يَقُولُ الرَّجُل لِغَنَمِهِ وَلدَوَّابِهِ: إِذْهَبُوا فَارْعُوا فِى مَكَان كَذَا وَ كَذَا، وَ تَعَالَوُا سَاعَةَ كَذَا وَ كَذَا، وَتَمُرُّ الْمَاشِيَة بَيْنَ الزَّرْعَيْن لَا تَأْكُلُ مِنْهُ سُنْبُلَةَ وَ لَا تَكْسُر بِظُلْفِهَا عُوداً، وَ الْحَيَّات وَ الْعَقَارِب ظَاهِرَةُ لَا تُؤْذِى أَحَداً، وَ يَأْخُذُ الرَّجُل الصَاع أَوِ الْـمُد مِنَ الْقَمْح أَوْ الشَّعِيْر فَيَبْذَره عَلَى وَجْهِ الْأَرْضَ بَلَا حرات و لاكراب فَيَدْخُلَ الْـمُدّ الْوَاحِد سَبْعَمَائَةَ مُدّ».

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص ۵۷۹ /حديث ۱۶۱۹).

## الباب ۲۰۶

فُيمَا ذَكَرهُ نَعِيم مِنْ حَدِيْثِ الْحَبَشَة وَ هْدمِ الْكَعْبَةَ.

**۲۹۲.** رَوَى نَعِيْم بِاسْنَادِهِ عَنْ عَلِى، قَالَ: «اسْتَكْثِرُوا مِنَ الطَّوَاف بِهَذا الْبَيْت، فَكَأَنِّى بِرَجُلِ أَصْلَعْ أَصْمَعْ (صغيرالاذن) حَمْش السَّاقَيْن (اى دقيقهما)، مَعَهَ مِسْحَاة يَهْدِمُهَا» (كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص ۶۶۸/حديث ۱۸۷۴).

## باب دویست و پنجم

### آن‌چه که نعیم از خوشی مردم بعد از آمدن عیسی ذکر کرده است

**۲۹۱.** حارث بن عبدالله از رسول خدا﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ روایت کرده که فرمود:

عیسی بن مریم﴿علیه السلام﴾ از آسمان فرود می‌آید و دجال را می‌کشد مردم به شادمانی می‌پردازند و تا صبح بیدار می‌مانند و بعد از قیام دجال مدت چهل سال خوش‌اند، در آنزمان احدی نخواهد مرد و کسی مریض نخواهد شد، شخص بگوسفندان و حیوانات خود می‌گوید: بروید و فلان جا بچرید و در فلان ساعت بازگردید،

حیواناتی که در مزرعه دیده می‌شوند از خوشه آن نمی‌خورند و با پای خود شاخه آن‌ها را نمی‌شکنند مار و عقربها ظاهر می‌شوند و هیچکس را آزار نمی‌دهند و کسی هم مزاحم آن‌ها نمی‌شود،

حیوانات درنده درب خانه‌ها می‌آیند و غذا می‌طلبند و هیچکس را آزار نمی‌دهند.

یک من یا یک چارک گندم یا جو راکه شخص در زمین بپاشد بدون نیاز به ابزار زراعتی و زیرو رو کردن زمین یک چارک هفتصد چارک می‌دهد.

## باب دویست و ششم

### آنچه که نعیم از جریان حبشه و خراب کردن کعبه ذکر کرده است

**۲۹۲.** نعیم از علی بن ابیطالب﴿علیه السلام﴾ روایت کرده که فرمود:

این خانه (کعبه) را زیاد طواف کنید، گویا من مردی را می‌بینم که ساق پاهایش باریک و جلو سرش بی‌مو و دارای گوشی کوچک است با بیل و کلنگ به تخریب کعبه مشغول می‌شود.

Scanned by CamScanner

## فصل

**۲۹۳.** وَرَوَى نَعِيْم فِي حَدِيْث آخَرَ عَنْ أَبِي هُرَيرَة عَنِ النَّبِي(ص)، قَالَ:

**«يُخَرِّبُ الْكَعْبَة ذُو السُّوَيْقَتَيْنَ مِنَ الْحَبَشَة»**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص٦٦٨/حديث ۱۸۷۲).

## فصل

**٢٩٤.** وَرَوَى نَعِيْم فِي حَدْيثٍ آخَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَة يُحَدِّثُ أَبَا قُتَادَة عَن النَّبِي (ص) قَالَ:

**«تَأْتِي الْحَبَشَة فُيَخَرِّبُونَ الْبَيْت خَرَاباً لا يُعمّر بَعْدَه أَبَداً، وَ هُم الَّذينَ يَسْتَخْرِجُونَ كَنْزَهُ»** (كنز العمّال ج ١٤ / ص ٢٧٣ / حديث ٣٨٦٩٩).

## فصل

**۲۹٥.** وَ ذَكَرَ نَعيْم فِي حَدْيثِ آخَرَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَة عَنِ النَّبِي(ص)، قَالَ:

**«كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى أَصْلَع أَفَدُع أَفْحَج عَلَى ظَهُرِ الْكَعْبَةِ يَضْرِبُهَا بِالْكِرْزَنَة** (الفأس)**»** (كنز العمّال ج ١٢ / ص ٢٠٤ / حديث ٣٤٦٧٣).

## فصل

**۲۹٦. وَ ذَكَرَ نَعِيْم فِي حَدْيثِ آخَرِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَمْرو، قَالَ: تُهْدَمُ الْكَعْبَة مَرَّتَيْن، وَ يُرْفَعُ الْحَجَر فِي الْمَرَّةِ الثَّالثَةِ**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص٦٧١/حديث ١٨٨٤).

Scanned by CamScanner

## فصل

۲۹۳. ابوهریره از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
مردی از حبشه که ساق پاهایش باریک است کعبه را خراب می‌کند.

## فصل

۲۹۴. و نیز ابوهریره از حضرت محمد(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
مردم حبشه می‌آیند و کعبه را ویران می‌کنند به گونه‌ای که بعد از آن هیچوقت آباد نخواهد شد، آن‌ها همان مردمی هستند که گنج کعبه را استخراج می‌کنند.

## فصل

۲۹۵. ابوهریه از رسول اکرم(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
گویا مرد فلجی را که موهای سرش ریخته است بربام کعبه می‌بینم که با تیشه به جان کعبه افتاده است.

## فصل

۲۹۶. عبدالله ابن عمرو می‌گوید:
کعبه دو بار ویران می‌شود و در مرحله سوم حجر(الاسود) بلند می‌شود.

Scanned by CamScanner

## فصل

٢٩٧. وَ ذَكَرَ نَعِيمٍ فِي حَدْيثِ آخَرَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَمْرو، قَالَ: هُمُ الَّذْين يَسْتَخْرِجُونَ كُنُوزَ فِرْعَوْن بِمَدْينةَ يُقَال لَهَا: «مَنْفُ» (اسم مدينة فرعون بمصر) وَ يَخْرُجُ اِلَيْهِمُ الْـمُسْلِمُون، فَيُقَاتِلُوهُمْ، وَ يَغْنُمُونَ تِلْكَ الْكُنُوز حَتَى يُـبَاعَ الْحَبَشِي بِعَباءَةٍ

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٧٤/حديث ١٨٩٤).

## فصل

٢٩٨. وَ ذَكَرَ فِي حَديث آخَر عَنْ عَبْدِالله بْن عَمْرو، قَالَ: كَأَنِّي أَنْظُرُ اِلَى حَبَشِي أَقْرَعَ حَمْشِ السَاقِيْن جَالِسٍ عَلَى الْكَعْبَةَ بِمِسْحَاتِهِ وَ هُوَ يَهْدِم

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٧٥/حديث ١٩٠٠).

## فصل

٢٩٩. وَ ذَكَرَ فِي حَدْيثِ آخَرَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَمْرو، سَمِعَهُ يَقُول كَأَنِّي أَنْظُرُ اِلَى الْكَعْبَة يَهْدِمُهَا رَجُلُ مِنَ الْحَبَشَة أُصِيْلَعْ أُفِيْدَعُ.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٦٨/حديث ١٨٧٣).

قَالَ مُجَاهِد: فَلَمَّا هَدَمَها ابْنُ الزُبَيْر جِئْتُ لَأَنْظُرَ أَرَى مَا قَالَ فِيْه، فَلَمْ أَرَ مِمَّا قَالَ شَيْئاً

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٦٨/ذيل حديث ١٨٧٣).

Scanned by CamScanner

## فصل

**۲۹۷.** و نیز عبدالله بن عمرو می‌گوید:
آن‌ها (شاید منظور اهل حبشه باشند) هستند که گنجهای فرعون را از شهریکه می‌جنگیدند و آن را «منف» می‌گویند (شهر فرعون در مصر) استخراج می‌کنند و مسلمین خروج کرده با آن‌ها می‌جنگند و آن گنجها را بغنیمت می‌برند تا اینکه مرد حبشی بعبائی فروخته می‌شود.

## فصل

**۲۹۸.** عبدالله بن عمرو می‌گوید:
گویا مرد حبشی که ساق پاهایش باریک و موی جلو سرش ریخته است بر بام کعبه می‌بینم که با بیل و کلنگ، کعبه را خراب می‌کند.

## فصل

**۲۹۹.** و در حدیث دیگری از عبدالله بن عمرو چنین رسیده که گفت:
به مکه که می‌نگرم گویا مرد حبشی را می‌بینم که موی سرش ریخته و ساق پاهایش باریک است مشغول خراب کردن کعبه است.

مجاهد گفت: پس وقتی ویران شدن کعبه را بدست فرزند زبیر دیدم آمدم تا ببینم چه می‌گوید و او هیچ چیزی را نگفت.

Scanned by CamScanner

# الباب ۲۰۷

## فِيمَا ذَكَرَهُ نَعِيم

## مِنْ حَدِيثِ الدَّابَّةِ الْـمَذْكُورَةِ فِي الْقُرْآنِ الشَّرِيف.

**۳۰۰.** حَدَّثَنَا نَعِيم، حَدَّثَنَا ابْنُ وَهَبْ عَنْ طَلْحَةِ بْنِ عَمْرو عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عُبَيْدْ بْنِ عُمَيْر اللَّيْثِي عَنْ أَبِي الطُّفَيْل عَنْ أَبِي سَرِيحَة، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهُ(ص):

«لِلْدَابَّةِ ثَلَاث خَرجاتٍ مِنَ الدَّهْر: تَخْرُجُ خَرجَةً فِي أَقْصَى الْيَمَنْ، فَيَفْشُو ذِكْرُها (زماناً طويلاً) فِي أَهْلِ الْبَادِيَةِ، فَلَا يَدْخُلُ ذِكْرُها الْقَرْيَةَ -يَعْنِي مَكَّة- ثُمَّ تَمْكُثُ زَمَاناً طَوِيلاً بَعْدَ ذَلِكَ، ثُمَّ تَخرُجُ خَرجَة أُخْرى قَرِيْباً مِنْ مَكَّة، فَيَفْشُو ذِكْرُها بِالبَادِيَة، ثُمَ تَمْكُثُ زَمَاناً طَوِيلاً، ثُمَ بَيْنَمَا النَّاسُ ذَاتَ يَوْم فِي أَعْظَمِ الْـمَسَاجِد عِنْدَ اللهِ حُرْمَةً وَ خَيرِها وَ أَكْرَمَهَا عَـلَى اللهِ مَسْـجِداً، مَسْجِدَ الْحَرام لَمْ يَرُعْهُمْ إلاَّ نَاحِيَةُ الْـمَسْجِد تَرْبُو [ما] بَيْنَ الرُّكْن الأَسْوَدَ إِلَى بَابِ بَنِي مَخْزُوم عَنْ يَمِيْنِ الْخَارِج إِلَى الْـمَسْجِد فَانْفَضَّ النَّاسُ لَهَا شَتَّى وَ مَعَاً، وَ يَثْبتُ لَهَا عَصَابَةَ مِنَ الْـمُسْلِمَين، وَ عَرفُوا أَنَّهُم لَنْ يَـعْجِزُوا الله، خَرَجَتْ عَلَيْهِم تَنْفَضَّ عَنْ رَأْسِهَا الْتُرَاب وَ بَدَتْ لَهُم، فَجلَتْ وُجُـوهَهُم حَتَى تَرَكْتَها كَأَنَّهَا الْكَـوَاكِبُ الدُّريَّـة، ثُمَّ وُلَّتْ فِي الْأَرْض، لَا يُـدْرِكُهَا طَالِب، وَ لَا يَعْجِزُهَا هَارِب حَتَى أَنَّ الرَّجُل لِيَتَعوَّذ مِنْهَا بِالصَلَاةِ فَتَأْتِيِه مِنْ خَلْفِه، فَتَقُول: أَيُّ فُلَانِ الْآن تُصَلِّي؟!، فَيَقْبل عَلَيْهَا بِـوَجْهِهِ، فَـتَسِمُهُ فِي وَجْهِهِ، ثُمَ تَذْهَبُ، فَيَتَجَاوَرَ النَّاسُ فِي دِيَارِهِمْ، وَ يَصْطَحِبُونَ فِي أَسْفَارِهِم، وَ يَشْتَرِكُونَ فِي الأَمْوَال، وَ يُعرَفُ الْكَافِرُ مِنَ الْـمُؤْمِن، حَتَى أَنَّ الْكَـافِرَ لِيَقُولَ لِلْمُؤْمن: يَا مُؤْمن اِقْضِنِي حَقِّ، وَ يَقُول الْـمُؤْمن لِلْكَافِر: يَاكَافِر اقْضِنِي حَقِّ». (كتاب الفتن لابن حماد ج۲:ص٦٦١-٦٦٢/حديث١٨٥١).

# باب دویست و هفتم

## آن‌چه که نعیم از جریان دابه‌ای که در قرآن بیان شده ذکری به میان آورده است

۳۰۰. ابوسریحه از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود: برای دابه سه خروج است، اول از انتهای یمن خروج می‌کند و آن مدت طولانی نامش در میان مردم افشا می‌شود ولی نامش به مکه نمی‌رسد آنگاه مدتی طولانی خبری نمی‌شود سپس برای دومین بار در نزدیکی مکه خروج خواهد کرد و نامش در میان صحرانشینان فاش می‌شود و بعد از آن مدت زیادی خواهد ماند. و برای سومین دفعه در آن روزی که مردم در بزرگترین مسجدهای خداوند یعنی مسجد الحرام باشند ـ خروج می‌کند آنگاه مردم بخاطر آن پراکنده می‌شوند و گروهی از مسلمین ثابت خواهند بود تاوقتی که متوجه می‌شوند نمی‌توانند خدا را عاجز کنند و آن دابه بر آن‌ها می‌شورد و خاک را از سر خود می‌تکاند و آنها را یاری می‌کند، و صورتهای آنان چون ستاره درخشان می‌درخشد، آنگاه آن دابه بر آنها مسلط خواهد شد، هیچ طالبی آن را درک نمی‌کند و هیچ گریزانی نمی‌تواند آن را ناتوان سازد حتی اینکه اگر شخصی از دست او فرار کند و بنماز پناه ببرد او را تعقیب کرده و می‌گوید: ای فلانی الان نماز می‌خوانی؟! همینکه آن شخص صورت خود را متوجه او می‌کند داغی در صورتش می‌گذارد و می‌رود، و مردم در خانه‌های خود مجاور می‌شوند و موقع مسافرت با رفیق، بسفر می‌روند و در اموال، مشترک خواهند شد و کافر از مؤمن تشخیص داده می‌شود حتی اینکه کافر بمؤمن می‌گوید: حق مرا بپرداز و مؤمن بکافر می‌گوید: حق مرا ادا کن.

*توضیح: بر اساس نقل تفسیر صافی در ذیل آیهٔ ۲۸ از سورهٔ نمل مراد از دابه امام زمان (عج) می‌باشد و از حضرت علی (ع) نقل شده که حضرت فرمود: (مهدی) از صفا و مروة ظهور می‌کند و انگشتر سلیمان و عصای موسی با اوست.*

Scanned by CamScanner

## الباب ۲۰۸

### فِيما ذَكَرَه نَعِيْم فِى حَدِيْثِ آخَر عَنِ الدَّابَة عَنْ حُذَيْفَة.

**۳۰۱.** حَدَّثَنَا نَعِيْم بِإِسْنَادِهِ عَنْ حُذَيْفَة، قَالَ:

اِنَّ لِلْدَابَّةِ ثَلَاثَ خَرَجاتٍ: تَخْرُجُ فِى بَعْضِ الْبَوَادِى، ثُمَّ تَنْكَمِنُ - يَعْنِى تَكْمِنُ - وَ خَرَجَةٌ فِى بَعْضِ الْقُرَى حَتَى تُذْكِرَ، فَيُهْرِيقَ الأُمَرَاء فِيهَا الْدِمَاء، ثُمَ تَنْكَمِنَ، فَبَيْنَمَا النَّاسُ عِنْدَ أَشْرَفِ الْـمَسَاجِدَ وَ أَعْظَمِهَا وَ أَفْضَلِهَا حَتَى ظَنَنَّا أَنَّهُ يُسَمَّى الْـمَسْجِد الْحَرَام وَ مَا سَمَاَّهُ، اِذْ رَفَعَتْ لَهُمُ الأَرْض، فَانْطَلَقَ النَّاسُ هَرَاباً، وَ تَبْقَ عِصَابَةَ مِنَ الْـمُسْلِمينِ، فَيَقُولُونَ:

اِنَّهُ لَا يَنْجِيْنَا مِنْ أَمْرِ اللهِ شَىْء، فَتَخْرُجَ عَلَيْهِم الدَّابَّة، فَتَجْلُو وُجُوهَهَمُ مِثْلَ الْكَوكَبُ الدُّرّى،

ثُمَ تَنْطَلِقُ فَلَا يُدْرِكُهَا طَالِبُ وَ لَا يَفُوتُها هَارِبَ،

وَ تَأْتِى الرَّجُل وَ هُوَ يُصَلِّى، فَتَقُول: وَ اللهُ مَا كُنْت مِنْ أَهْـلِ الصَّـلَاة، فَيَلْتَفِتَ اِلَيْهَا، فَتَخْطِمَهُ، قَالَ: وَتَجْلُو وَجْهَ الْـمُؤْمِن وَ تَخْطِمُ الْكَافِر.

قَالَ: فَقِيْل لَهُ: مَا النَّاسُ يَوْمَئِذٍ يَا حُذَيْفَة؟ قَـالَ: جِـيْرَان فِى الرِّبَـاعِ، شُرَكَاءَ فِى الأَمْوَالَ، أَصْحَابُ فِى الأَسْفَار

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص۶۶۶-۶۶۷/حديث۱۸۶۸).

Scanned by CamScanner

# باب دویست و هشتم

## آنچه که نعیم در حدیث دیگر درباره دابه ذکر کرده است

**۳۰۱.** حذیفه بن یمان می‌گوید:

برای دابه سه خروج است:

**اول:** خروج در بعضی از بیابانها و پس از آن خواهد ماند

**دوم:** در بعضی از قریه‌ها حتی اینکه (نام آنرا) می‌گوید و پادشاهان در آن قریه‌ها خون‌ها می‌ریزند، آنگاه متوقف خواهد شد.

**سوم:** آن‌موقعی که نزد بزرگترین مساجد (گمان کردیم که می‌خواهد نام مسجد الحرام را ببرد ولی نام آن را نبرد) بقصد زمین حرکت خواهد نمود و مردم فراری می‌شوند جز یک عده‌ای از مسلمین که می‌گویند: چیزی ما را از امر خدا نجات نمی‌دهد،

آنگاه آن دابه خروج می‌نماید و صورت مسلمین چون ستاره درخشنده خواهد شد بعداً آن دابه حرکت می‌کند و هیچ طالبی آنرا درک نمی‌کند و هیچ فراری از دست آن فرار نتوان کرد.

آن دابه نزد مردی که نماز می‌خواند می‌آید و می‌گوید:

تو اهل نماز نیستی؛ آن مرد ازدست او فرار می‌کند ولی او را می‌گیرد و سرکوب می‌نماید حذیفه می‌گوید:

در آنموقع صورت مؤمن درخشنده و صورت کافر گرفته خواهد شد.

از حذیفه سؤال شد:

مردم در آن روز چگونه‌اند؟ گفت: حال خوشی دارند در اموال شریک هم و در سفرها رفیق و همراهند.

Scanned by CamScanner

# الباب ٢٠٩

## فِيمَا ذَكَرَه نَعِيم فِي عِدَّةِ أَحَادِيثِ مِنْ وَصْفِ الدابَّة

**٣٠٢.** ذَكَرَ فِي حَدْيثِ مِنْهَا عَنِ النَّبي(ص)، قَالَ:

«تَخْرَجُ الدَّابَّة(المراد صاحب العصر) وَ مَعَهَا عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَان، فَتَجْلُو وَجْهَ الْمُؤْمِن بِالْعَصَا، وَ تَخْطِمُ أَنْفُ الْكَافِرِ بِالْخَاتَم».

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٦٥/حديث ١٨٦١).

**٣٠٣.** وَ ذَكَر نَعِيم فِي حَدْيث:

أَنَّ الدابَّةَ ذَاتِ زَغَبٍ وَرِيْش، لَهَا أَرْبَعُ قَوَائِم، تَخْرُجُ فِي بَعْضِ أَوْدِيَةَ «تهامة»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٦٥/حديث ١٨٦).

**٣٠٤.** وَ ذَكَر نَعِيم فِي حِدِيثِ آخَر عَنِ الشُّعَبِي، قَالَ:

دَابَّةَ الأَرْضِ زَبَّاء ذَاتِ وَبَرٍ يَنَالُ رَأْسُهَا السَّمَاء

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٦٥/حديث ١٨٦٣).

**٣٠٥.** وَ فِي حَدْيث آخَر:

تَخْرُجُ الدَّابَّة مِنْ صَدْعٍ فِي الصَّفَا حُضْرَ الْفَرَس ثَلَاثَةَ أَيَّامِ لا يَخْرج ثُلُثُها

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٦٤/حديث ١٨٥٩).

Scanned by CamScanner

# باب دویست و نهم

## آن‌چه که نعیم در احادیثی پیرامون و صف دابه ذکر کرده است

**۳۰۲.** کعب از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:

دابه *(مراد امام زمان عج است)* در حالی خارج می‌شود که عصای موسی و انگشتر حضرت سلیمان با او خواهد بود.

صورت مؤمن را با عصا درخشنده می‌سازد و بینی کافر را با انگشتر مهر می‌کند.

**۳۰۳.** کعب در حدیث دیگر می‌گوید: دابه دارای مو و پر و چهار پا می‌باشد و از دره‌های مکه می آید

**۳۰۴.** شعبی می‌گوید: دابة الارض حیوانی است که دارای پشم و مو می‌باشد و سر آن بآسمان می‌رسد

**۳۰۵.** و در حدیث دیگر است که دابه از شکافی که در صفاست بیرون می آید.

Scanned by CamScanner

## الباب ٢١٠

### فِيْمَا ذَكَرَهُ نَعِيْم مِنْ أَنَّ مَلِكَ الأَشْرَار مَائَةَ وَ عِشْرُونَ سِنَة بَعْدَ الأَخْيَار

**٣٠٦.** قَالَ: حَدَّثَنَا نَعِيْم، حَدَّثَنَا عِيْسَى بْنُ يُونُسِ عَنِ الأَعْمَش عَنْ عَبْدِالرَّحْمَنِ بْـنِ ثَرْوَان عَنِ الْعُرْيَانِ بْنِ الْهَيْثَم، قَالَ:

**سَمِعْتُ عَبْدَاللهِ بْنِ عَمْرو، يَقُول: إِنَّ لِلأَشْرَار بَعْدَ الأَخْيَار عَـشْرِيْنَ وَ مِائَةَ سِنْةُ لَا يَدْرِى أَحَدُ مِنَ النَّاسِ مَتَى أَوَّلُها**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٤٤/حديث ١٨٠٢).

## الباب ٢١١

### فِيُمَا ذَكَرَهُ نَعِيُم فِيُمَا يُمْكِنُ أَنُ يَكُونَ الْـمُرَاد بِهَذِهِ الْـمَائَة وَ عِشْرَيْنَ سَنَةَ.

**٣٠٧.** حَدَّثَنَا نَعِيمُ، حَدَّثَنا وَكِيْع عَنْ إِسْمَاعِيْل بْنِ أَبِي خَالِد عَنْ خَيْثَمَة عَنْ عَبْدِاللهِ ابْنِ عُمَر، قَالَ:

**يَبْقَ النَّاسُ بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِها عِشْرِيْنَ وَ مِائَةَ سَنِةَ.**

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص٦٥٦/حديث ١٨٤٩).

Scanned by CamScanner

## باب دویست و دهم

### آنچه که نعیم ذکر کرده باینکه حکومت اشرار ۲۱ سال پس از خوبان است

**۳۰۶.** عبدالله بن عمر می‌گوید:

اشرار بعد از خوبان صد و بیست سال سلطنت می‌کنند و احدی اول آن را نمی‌داند.

## باب دویست و یازدهم

### آن‌چه که نعیم ذکر کرده باینکه ممکن است مراد از ۱۲۰ سال زمان خاصی باشد

**۳۰۷.** عبدالله بن عمر می‌گوید:

مردم بعد از آنکه آفتاب از طرف مغرب طلوع می‌کند صد و بیست سال باقی می‌ماند.

Scanned by CamScanner

## الباب ٢١٢

فِيمَا ذَكَرَهُ نُعيمُ مِنْ حَديْثٍ غَرِيْب فِي خُرُوج الدَابَّةِ،
وَ أَنَّهَا تَقْتُلُ إبْلِيس، وَ تَصْفُو الدُّنيا لِأَهْلِها بِالْعَدْلِ.

**٣٠٨.** قَالَ: حَدَّثَنَا نُعَيْم، حَدَّثَنَا أَبُو عُمَر عَنْ اِبْنِ لَهِيعَة عَنْ عَبْدِ الْوَهَّاب ابْنِ حُسَين عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ ثَابِت عَنْ أَبِيهِ عَنْ الْحَارِثِ عَنْ عَبْدِاللهِ عَنِ النَّبِي(ص)، قَـالَ: «خُرُوجُ الدَابَّة بَعْدَ طُلُوعَ الشَّـمْس، فَإذا خَرَجَتْ قَتَلَتِ الدَّابَّة إبْلِيس وَ هُوَ سَاجِدٌ، وَ يَتَمَتَّعُ الْـمُؤْمِنُونَ فِي الْأَرْضِ بَعدَ ذَلِكَ أَرْبَعَيْن سَنَةَ لَا يَتَمَنَّونَ شَيْئَاً إلَّا أَعْطُوه وَ وَجُدُوه، فَلَا جَوْرَ وَ لَا ظُلْمَ وَ قَدْ أَسْلَمَ الْأَشْيَاءِ لِرَبِّ الْـعَالَمِيْن طَـوْعاً وَ كَرْهاً، وَ الْـمُؤْمِنُون طَوْعاً، وَ الْكُفَّار كَرْهاً، وَالسَّبع وَ الطَّيْر كَرْهَاً حَتى أَنَّ السَّبُع لَا يُؤْذِي دَابَّةً وَ لَا طَيْراً، وَيَلِدُ الْـمُؤْمِن فَلَا يَمُوت حَتى يَتِمَّ أَرْبَعِيْنَ سَنَةَ بَعْدَ خُرُوج دَابَّةِ الْأَرْض، ثُمَ يَعُودُ فِيهِمُ الْـمَوْت، فَيَمْكُثُونَ بِذَلِكَ مَا شَاءَ اللهُ، ثُمَ يَسْرَعُ الْـمَوْت فِي الْـمُؤْمِنِين، فَلَا يَبْقَى مُؤْمِن، فَيَقُولُ الْكَافِرُ: قَدْ كُنَّا مَرْعُوبِيْنَ مِنَ الْـمُؤْمِنِينَ، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهُم أَحَدُ، وَ لَيْسَ يَقْبَلُ مِنَّا تَوْبة فَمَا لَنَا لَا نَتَهَارَجُ، فَيَتَهارَجُونَ فِي الطَّرِيق تَهَارُجَ الْبَهَائِم ثُمَ يَقُومُ أَحَدُهُم بِأُمِّهِ وَ أُخْتِهِ وَ ابْنَتِهِ، فَيَنْكِحَ فِي وَسَطِ الطَّرِيْقِ يَقُومُ عَنْهَا وَاحِدُ وَ يَـنْزِلُ عَلَيْهَا آخَرَ لَا يَنْكِرُ وَ لَا يُغَيِّر، فَأَفْضَلُهُمْ يَوْمَئذٍ مَنْ يَقُول: لَو تَنَحَيْتُم عَنِ الطَّرِيْق كَانَ أَحْسَن، فَيكُونُون بِذَلِكَ حَتَى لَايَبْقِي أَحَدُ مِنْ أَوْلَادِ الْنِكَاح، وَ يَكُونُ جَمِيْعُ أَهْلِ الْأَرْضِ اَوْلادُ السَّفَّاحَ، فَيَمْكُثُونَ بِذَلِكَ مَا شَـاءَ اللهُ ثُمَ يَعْقِمُ اللهُ أَرْحَامَ الْنِسَاءَ ثَلاثِيْنَ سَنه فَلَا تَلِدُ اِمْرَأه، وَ لَا يَكُونَ فِي الْأَرْضِ طِفْل، يَكُونُونَ كُلُّهُم أَوْلَادُ الزِنَا، شَرَارُ النَّاسِ، وَ عَلَيْهِم تَقُومُ السَّاعَةَ».

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢:ص ٦٦٣-٦٦٤/حديث ١٨٥٧).

Scanned by CamScanner

# باب دویست و دوازدهم

## آنچه که نعیم در حدیثی شگفت‌انگیز در خروج دابه آورده و اینکه ابلیس او را می‌کشد و دنیا به عدل با مردم رفتار می‌کند

**۳۰۸.** عبدالله از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود:

خروج دابه بعد از طلوع آفتاب خواهد بود، موقعی که دابه خروج کند ابلیس را در حال سجده می‌کشد و مؤمنین تا مدت چهل سال در زمین (از نعمتهای خدا) برخوردارند، هر چه را آرزو می‌کنند آن را می‌یابند و ظلم و ستمی واقع نخواهد شد و همه موجودات تسلیم خدای جهانیان خواهند بود، مؤمنی با میل و رغبت و کفار با کراهت و ناراحتی تسلیم فرمان خدا می‌شوند، درندگان و طیور مطیع خواهند شد حتی درندگان، مزاحم پرندگان نمی‌شوند، مؤمن تولید مثل می‌کند و تا چهل سال بعد از خروج دابه نخواهد مرد، بعد از آن مرگ و میر در میان آنها پیدا خواهد شد. بنحوی که مؤمنی نخواهد بود و کفار می‌گویند: ما از مؤمنین خائف و ترسان بودیم و فعلاً کسی از آن‌ها باقی نمانده است، ولی از ما کسی نمرده است زیرا که ما بیکدیگر حمله نکردیم ولی آنها یکدیگر را در بین راه همچون حیوانات درنده مورد حمله قرار می‌دادند.

سپس یکی از کفار با مادر و خواهر و دختر خود در بین راه با او همخوابگی می‌کند موقعی که او بلند شد دیگری با آن زن زنا می‌کند، این عمل، زشت و ناپسند بنظر نمی‌آید در چنین روزی خوبان آن هامی گویند: اگر این عمل زشت را در بین مسیر و راههای انجام نمی‌دادید بهتر بود.

بدیهی است که با این کارها فرزند حلال زاده‌ای باقی نمی‌ماند و بیشتر اولاد زنا می‌شوند، و آن مقداری که خدا بخواهد زندگی می‌کنند، بعد از آن خدا مدت سی سال رحم زنان را عقیم، و نازا خواهد کرد و زنی بچه نخواهد زائید و کودکی به وجود نخواهد آمد و کلیه مردم آن زمان، فرزندان زنا و بدترین مردم خواهند بود و قیامت برپا می‌شود.

Scanned by CamScanner

يَقُولُ عَلِي بْن مُوسَى بْنِ جَعْفَر بْن مُحَمَّدْ بن مُحَمَّدِ الطَّاووس: هَذَا آخَرُ مَا عَلَّقْنَاهَ مِنَ كِتَابَ الْفَتَنِ لِنَعْيم بْنِ حَمَّادِ الْـمَمْدُوحَ فِي الْاَصْدَارِ وَ الْاَيْرَاد.

وَ كَانَ آخَرُ الْفِرَاغِ مِنْهُ يَوْمَ الْاَثْنَين خَامِسُ عَشَر مِنَ الْمُحَرَّم سَنَةَ ثَلَاث وَ سِتِّيْنَ وَ سِتَّمَائَةِ فِي دَارِي بِالْحِلَّة،

وَ قَدْ حَضَرَتْ مِنْ بَغْدَادَ قَاصِداً لِزِيَارَةَ مَوْلَانَا الْحُسَيْنَ وَ مَوْلَانَا عَلِي صَلَواتُ اللهُ جَلَّ جَلَالَهُ عَلَى أَرْوَاحَهِمَا الْـمُعَظِّمَة النَّبَوِيْة،

وَ أَقَمْتَ بِالْحِلَّة أَيَّاماً لِمُهِمَّاتِ دِيْنِيهِ، فَمَنْ وَقَفَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا ذَكَرْنَاهَ وَرَآه يُخَالِفُ الْحَقَّ الَّذِي كُنَّا رَوَيْنَاهُ أَوْ عَرَفْنَاهَ فَالْدَرْك عَلَى مَنْ رَوَاهُ وَ نَحْـنُ بَرِيْئُونَ مِنَ الْـمَلَامَةِ فِي الدُّنْيا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،

فَاِنَّنَا قَصَدْنَا كَشْفَ مَا أَشَارَ اِلَيْه، فَاِنَّ الْـمُصَنِّف نَعِيْم بْنِ حَمَّاد مَا هُوَ مِنْ رِجَالِ شِيْعَةِ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِي صَلَواتُ اللهَ عَلَيْه وَ آلِهِ.

Scanned by CamScanner

آگاه باشید که طاووس یمانی می‌گوید:

این مقدار مطالبی بود که من از کتاب فتن ابن حماد استفاده کرده و آن را نگاشتم روزی که از این مبحث فراغت یافتم. ۱۵ محرم سال ۶۶۳ در خانه خود در حله بود روزی از بغداد بقصد زیارت قبر حسین و حضرت علی خارج شدم و باید توجه داشت که اقامتم در حله برای کارهای مهمی بود که می‌باید انجام می‌دادم آن‌چه را که ذکر کردم از کتاب نعیم بن حماد بود که از شخصیت‌هایی شیعی است و اگر ایرادی گرفتید ملامتی در دنیاو قیامت‌بر من نیست زیرا قصد من کشف حقایق بوده است.

Scanned by CamScanner

# بسم الله الرحمن الرحيم

اَلْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعَالَمِيْن

والصلوة والسلام عَلَى سَيد الْـمُرْسَلَيْن مُحَمَّدِ النَّبِي وَ آلِهِ الطَّاهَرِيْنَ.

يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنَ جَعْفَر بْنَ مُحَمَّدِ بْنَ مُحَمَّدِ الطَّاوُوسَ الْعَلَوى الْفَاطِمِى: أَحْمَدُ اللهُ جَلَّ جَلَالُهُ بِلِسَانِ حَالِي وَ لِسَانِ حَالِ كُلِّ حَالِ، مُنْذُ شَمَلْتَنِي نِعَمُه جَلَّ جَلَالُهُ، وَ مَعَ دَوَامِ نِعَمَائِهِ فِيْمَا لَا يَزَالُ عَلَى الدَّوَام وَالاتِصّال وَالْـمُضَاعَفَةِ إِلَى مَا لَا نِهَايَةَ لَهُ مِنَ الْحَمْد عَلَى أَبْلَغِ صِفَاتِهِ فِي الْكَمَال.

وَ أَشْهَد أَنْ لَا اِلَه اِلَّا هُوَ، شَهَادَةً مُكْمِلَةَ الاِخْلَاص، وَ مُحْمِلَةً لِمَا وَهَبَ الْـمُنْعِمُ بِهَا مِنْ خَلْعِ الاِخْتِصَاصِ.

وَ أَشْهَد أَنَّ جَدِّي مُحَمّداً صَلَواتُ الله عَلَيْه وَ آلِهِ أَشْرَف وَ أَعْرَف مَنِ اتِّصَفَ بِأَسْرَارِهَا وَ أَنْوَارِهَا وَ هُدى إِلَى عُلُوِّ مَنَارِهَا.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ نُوَّابَهُ عَلَيْهِمْ السَّلَامِ فِي حِفْظِ نَامُوسِهَا وَ شِعَارِهَا، وَصِيَانَتِهَا عَمَّنْ يَهْجُمُ عَلَى التَحْيُّلِ فِي كَشْفِ شُمُوسِهَا وَ أَقْمَارِهَا، يَجِبُ أَنْ يَكُونُوا سَائِرِينُ عَلَى مَرَاكِبِ الْقُوَّة، وَ فِي مَوَاكِبِ النُّبَوَّةُ، وَ عَلَيْهِمْ خَلَعُ الْعِصْمَة وَ الْجَلَالَة وَ سِلَاحُ صَاحِبِ الرِسَالَةِ لِتَقْوَى هِمَمُهُم عَلَى مَا قَوِىَ عَلَيْهِ، وَ يَسِيْرُوا عَلَى مِنْهَاجِهِ دَافِعَيْنِ لِخَطَرِ مَنْ يُرِيد مَنْعُهَم مِمَّا قَصَدُوا اِلَيه لِيَتِمَّ تَصْدِيقَ مَا نَطَقَ بِهِ الْقُرآنُ الْـمَصُونُ فِي قَوْلِهِ جَلَّ جَلَالَهُ:

«**وَ اللهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُون**» (سورة الصف/٨).

وَ بَعْدَ فَإِنَّنِى عَازِمُ عَلَى أَنْ أُعَلِّقَ فِي هَذِهِ الْأَورَاقَ مَا وَجَدْتُهُ عَلَى سَبِيلِ الْاِتِّفَاق فِي كِتَابِ الْفِتَنِ تَأْلِيفُ الْسْلِيلِي ابْنُ أَحْمَدِ بْنَ عَيْسَى بْنِ شَيْخِ الْحِسَائِي مُن رُوَاةِ الْجُمْهُور مِنْ نُسْخَة أَصْلُهَا فِي الْـمَدْرَسِةِ الْـمَعْرُوفَة بِالتُرْكِي بِالْجَانِبِ الْغَرْبِي مِنَ الْبِلَاد الْوَاسِطِيَّة، تَأرِيخُ كِتَابَتِهَا سَنَةُ سَبْع وَ ثَلَاثِمَائَة، وَدَرَكَ مَا تَضَمَّنَتْهُ عَلَى الرُوَاة، وَ أَنَا بَرِىءُ مِنْ خَطَرِهِ؛ لَأَنَّنِي أَحْكَى مَا أَجِدُهُ بِلَفْظِهِ وَ مَعْنَاه اِنْ شاءَ اللهُ تَعَالَى، وَ هَذَا أَولُ الْأَبْوَابِ:

Scanned by CamScanner

به نام خداوند بخشنده مهربان

با درود و صلوة بر سرور پیامبران محمّد و اهل بیت او

آگاه باشید که سید بن طاووس علوی فاطمی می‌گوید: با زبان خود اقرار بخدای با عظمتی دارم که نعمتهای او پایدار و بادوام است و شهادت می‌دهم که خدایی جز او نیست شهادتی کامل بر اینکه او بخشنده‌ای است که بخشش فراگیر است و شهادت می‌دهم که جدم محمّد (ص) آگاهترین انسانها به صفات و اسرار و انوار اوست و شهادت می‌دهم که جانشینانش که درود بر آنها باد برای حفظ و حراست از مکتب او واجب است که توانمند باشند آنها همگی دارای مدال افتخار عصمت و تقوا هستند آنها کسانی‌اند که در راه او گام برمی دارند و با هر کس که برای مکتب و قرآن او خطری داشته باشد مبارزه می‌کنند و قرآن به آنها بشارت داده که خداوند نور خود را تکمیل خواهد کرد هر چند که مشرکین خوش نداشته باشند.

سپس باید بگویم که بر این تصمیم و باورم که آنچه را که در کتاب فتن سلیلی که از رواة مهم است که نسخه اصلی آن در کتابخانه مدرسه‌ای که به مدرسه ترکی معروف بوده و در بخش غربی شهر واسطیّه عراق (بین کوفه و بصره) قرار دارد که تاریخ نگارش آن به سال سیصد و هفت هجری می‌رسد به نگارش در آورم تلاش من بر این است که با حفظ اسناد روایت از خطراتی که مربوط به راویان حدیث است که ممکن است دستی به آن برده باشند حفظ کنم من می‌کوشم که عین متن حدیث را بدون دخل و تصرف نقل کنم و امید بر این دارم که با یاری خداوند این رسالت سنگین را به پایان برسانیم ان شاء الله اینک به بیان ابواب آن می‌پردازم.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱

فِيْمَا نَذْكُرُهُ مِنْ مِقْدَارِ الزَّمَانِ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلَيْلِى.

**۳۰۹.** قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّد بْن جَرِيْرِ الطَّبَرِى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدِ بْن حَمِيْد الرَّازِى، قَالَ: أَخْبَرَنَا يَحْيَى بْنَ وَاضِحْ، قَالَ: أَخْبَرَنَا يَحْيَى بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ حَمَّادَ عَنْ سَعِيْد بْنِ جُبَيْر عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ:

أَلْدُنْيا جُمْعَة مِنْ جُمَعِ الْآخِرَةَ سَبْعَةُ آلاف سَنَة، فَقَدْ مَضَى سِتُّة آلافِ سَنَة وَ مئو سنة، وَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْهَا مِئُونَ مِنَ السِنْين لَيْسَ عَلَيْهَا مُوَحِّد

(كنز العمال ج٦:ص١٦١/حديث ١٥٢٢٢).

**۳۱۰.** وَرَوَى بِإِسنَادِهِ عَنْ كَعْبِ الْأَحْبَارِ:

أَنْ الدنْيَا سِتَّةُ آلَافِ سَنَة (تأريخ الطبرى ج١:ص١٠).

**۳۱۱.** وَرَوَى عَنْ وَهَب: أَنَّها سِتَةُ آلافِ سَنَة (تأريخ الطبرى ج١:ص١٠).

**۳۱۲.** وَرَوَى فِى حَدِيْثِ رَفَعَهُ إِلَى ابْنِ زَمَلِ الْجُهَنِى، قَال: قُلْتُ لِرَسُولِ الله:

رَأَيْتُ إِنِّى لَزِمْتُ طَرِيقاً فَمَضيتُ فِيهِ، وَ ذَلِكَ الطَّرِيقُ يَنْتَهِى عَلَى مَرْج حَتَى آتِىَ أَقْصَى الْمَرْج، فَإِذَا أَنَا بِكَ يَا رَسُولَ اللهِ عَلَى مِنْبَرٍ فِيْهِ سَبْعَ دَرَجَاتِ وَ أَنْتَ فِى أَعْلَاهَا دَرَجَةً، فَقَالَ النَّبِى(ﷺ): «أَمَّا الْمِنْبَرَ الَّذِى رَأَيْتَ فِيهِ سَبْعَ دَرَجَاتِ وَ أَنَا فِى أَعْلَاهَا دَرَجَةً، فَالْدُنْيا سَبْعَةُ آلافِ وَ أَنَا فِى آخِرِهَا».

(كنز العمال ج١٤:ص١٩١/حديث ٣٨٣٣٣).

Scanned by CamScanner

## باب اول
### آن‌چه که از مقدار زمان از کتاب فتن سلیلی بیان می‌کنیم

**۳۰۹.** ابن عباس می‌گوید:

دنیا مجموعه‌ای است از مجموعه‌های آخرت که هفت هزار سال است، مدت شش هزار و صد سال آن گذشته است و صدها سال دیگر خواهد آمد که شخص خداشناسی در روی زمین پیدا نخواهد شد.

**۳۱۰.** و چنین حدیثی از کعب الاحبار هم نقل شده که می‌گوید:

دنیا شش هزار سال خواهد بود.

**۳۱۱.** و نیز وهب نقل می‌کند که دنیا شش هزار سال است.

**۳۱۲.** ابن رمل جهنی حدیث می‌کند و می‌گوید:

برسول خدا عرض کردم: من در عالم خواب دیدم از راهی می‌رفتم که آخر آن به چراگاهی منتهی می‌شد، وقتی که تا انتهای آن جاده آمدم شما را در منبری دیدم که هفت پله داشت و شما بر هفتمین پله آن منبر قرار داشتی رسول گرامی(صلی الله علیه و آله و سلم) در جوابش فرمود: تعبیر آن منبری که دیدی هفت پله داشت و من بر هفتمین پله آن نشسته بودم این است که دنیا هفت هزار سال است و من در آخر آن واقع شده‌ام.

Scanned by CamScanner

## الباب ۲

فِيمَا نَذْكُره مِنَ كِتَابِ الْفِتْنَ لِلسَلِيَلِي فِي قَوْلِ النَّبِي ﷺ:
«اِنَّ الاِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً، وَ سَيَعُودُ كَمَا بُدِأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاء».

**۳۱۳.** رَوَاهُ بِإسنَادِهِ إِلَى عَبْدِاللهِ بْن عَبَاسٍ أَنَّ النَّبِي «ﷺ» قَالَ:

«اِنَّ الاِسْلَام بَدَأَ، غريباً فَطَوُبَى لِلْغُرَبَاء» قِيلَ: وَ مَنِ الْغَرَبَاء؟ قَالَ: «اَلَذِينَ يُصْلِحُونَ إذَا فَسَدَ النَّاسُ»

(مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۵، حديث ۱۶۲۴۹)

## الباب ۳

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنَ كِتَابِ الْفِتَن لِلْسَلِيْلِي
فِي أَنَّ الْعِلَم يَنْفُدُ، وَ لاَ نَعْنِي بَقَاءَ الْكِتَاب.

**۳۱۴.** قَالَ: حَدَّثَنا أَبُو عَلِى الْحَسَنِ بْنِ الْحَبَابَ الْمُقْرِى، قَالَ: حَدَّثَنا عَبْدُ الأَعْلَى بْنُ حَمَّاد، قَالَ: حَدَّثَنا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ عَنَ الْحَجَّاج عَنْ الْوَلِيدِ بْنِ أَبِي مَالِكِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَن عَنْ أَبِي أَمَامَة أَنْ رَسولَ اللهُ «ﷺ» قَالَ:

«خُذوا الْعِلْمَ قَبْلَ أَنْ يَنْفَدْ» قَالُوا: وَكَيْفَ يَنْفَد وَفِينا كِتَابُ الله؟ فَغَضَبَ لَا يَغْضِبُهُ اللهُ، ثُمَّ قَالَ: «ثَكَلَتْكُمْ أُمَّهَاتِكُم، أَوَلَمْ تَكُنْ التَورَاةَ وَ الاَنْجِيل فِي بَنِي اِسْرَائيل، ثُمَ لَمْ تُغْنِ عَنْهُم شَيْئاً؟ اِنَّ ذِهَاب الْعِلْم ذِهَاب حَمَلَتْهُ»
قَالَهَا ثَلاثاً

(سنن الدارمی ج ۱ ص ۱۸۹ / حديث ۲۴۰).

Scanned by CamScanner

## باب دوم

### آن‌چه که پیرامون سخن پیامبر از کتاب فتن سلیلی نقل می‌کنم که حضرت فرمود: اسلام با غربت آغاز شد و بزودی به غربت باز خواهد گشت و خوشا بحال غرباء

**۳۱۳.** ابن عباس از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
اسلام با غربت آغاز شد و بزودی به غربت بازخواهد گشت. خوشا بحال غرباء، پرسیدند:
غرباء کیانند؟
فرمود:
اشخاصی که دنبال اصلاح مردم فاسداند.

## باب سوم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی در اینکه علم به پایان می‌رسد

**۳۱۴.** «أبوامامه» از رسول الله(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
علم را دریابید قبل از آنکه از دست برود، گفتند:
چگونه از دست می‌رود در صورتیکه قرآن در میان ما است؟
آن بزرگوار با غضب فرمود:
مادران بعزای شما بنشینند مگر تورات و انجیل در میان قوم بنی اسرائیل نبود؟
از دست رفتن علم از بین رفتن علماء و حاملین آنست و این سخن را سه مرتبه تکرار فرمود.

Scanned by CamScanner

## الباب ۴

فَيْمَا نَذْكُرُه مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلْسَلِيْلِى فِى مَدْحِ الْعَقْل.

**٣١٥.** ذَكَرَ بِإِسْنَادِه، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهُ (صلى الله عليه وآله):

«لَمَّا خَلَقَ اللهُ الْعَقْل قَالَ لَهُ: قُمْ، فَقَامَ، ثُمَ قَالَ لَهُ: أَدِبْر، فَأَدْبَرَ، ثُمَ قَالَ لَهُ: أَقْبِلْ، فَأَقْبَلَ، فَقَالَ لَهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: مَا خَلَقْتُ خَلْقاً هُوَ أَحَبُّ إِلَّى مِنْكَ وَ لَا أَكْرَم عَلَىَّ مِنْك، فَبِكَ آخِذُ وَبِكَ أُعطِى وَبِكَ أُعرِفُ، لَكَ الثَوَاب وَ عَلَيْكَ العِقَابُ» (المعجم الكبير-للطبرانى-ج٨:ص٢٨٣/حديث٨٠٨٦).

## الباب ۵

فِيْمَا نَذْكُرُهُ مِنَ كِتَابَ الْفِتِنَ لِلْسَلْيِلِى أَيْضَاً
فى أَنَّهُ يَأْتِى زَمَانُ يَعْرُجُ فِيهِ بِعُقُولِ النَاسِ.

**٣١٦.** وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حُذَيْفَة، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله (صلى الله عليه وآله):

«يَأْتِى عَلَى النَّاسِ زَمَانُ يَعْرُجُ فِيْهِ بِعُقُولِ النّاسِ حَتَّى لَاتَرَى أَحَداً ذَا عَقْلٍ» (كتاب الفتن - لابن حماد - ج ١: ص ٦٢/ حديث ١٠٧).

Scanned by CamScanner

## باب چهارم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون ستایش از عقل

**۳۱۵.** سلیلی نقل می‌کند که: رسولخدا(ﷺ) فرمود:

موقعی که خدا عقل را آفرید به آن فرمود: عقب برو عقب رفت: فرمود: جلو بیا. جلو آمد، خدای تعالی فرمود: مخلوقی از تو محبوبتر و گرامیتر نیافریدم بخاطر تو، بازخواست می‌کنم و بخاطر تو می‌بخشم و توسط تو شناخته می‌شوم ثواب به نفع تو و کیفر علیه تو خواهد بود.

## باب پنجم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون آنکه روزی می‌رسد که عقلهای مردم از بین می‌رود

**۳۱۶.** سلیلی با اسناد خود از حذیفه نقل می‌کند که رسول خدا (ﷺ) فرمود: زمانی می‌آید که عقل‌های مردم بگونه از بین می‌رود که هیچ عاقل و اندیشمندی دیده نخواهد شد.

Scanned by CamScanner

## الباب ٦

### فِيمَا نَذْكُرُه مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ الْجَرِيدَتَيْنُ مَعَ الْأَمْوَاتِ مِنَ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلْسَلِيْلِى.

**٣١٧.** قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُوْ اللَّيْث، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عُمَرِ الْوَكِيْعِى، قَالَ، حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ عَنْ مُجَاهِد عَنْ طَاوُوس عَنْ ابْنِ عَبَاسٍ، قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللهِ(ﷺ) بِقَبْرَيْنَ، فَقَالَ:

«اِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ وَ مَا يُعَذَّبَان فِي كَبِيْرٍ، أَمَّا أَحَدَهُمَا فَكَانَ يَمْشِي بِالْنَّمِيْمَة، وَ أَمَّا الاخَرِ فَكَانَ لَا يَسْتَبْرِى مِنْ بَوْلِهِ» وَ أَخَذَ جَرِيدة رَطْبَة، فَشَقَّهَا بِنِصْفَيْنِ، ثُمَّ غَرَزَ فِي كُلِّ قَبْرٍ وَاحِدَةً، فَقِيْلَ: يَا رَسُولَ اللهِ لِمَ صَنَعْتَ هَذَا؟ قَالَ: «لَعلَّهُمَا أَنْ يُخَفِّفَ عَنْهُمَا مَا لَمْ تَيْبِساً».

(مسند أحمد بن حنبل، ج ١:ص ٢٧٣/حديث ١٩٨١).

## الباب ٧

### فِيْمَا نَذْكُرُه مِنْ أَنَّ الصَّحَابَة أَنْكَرُوا قُلُوبَهُم بَعْدَ دَفْنِ النَّبِى(ﷺ)، مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلْسلِيْلِى.

**٣١٨.** قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحمدُ بْنُ سُلَيْمَانِ الْبَاغَنْدِى، قَالَ: حَدَّثَنَا الصَّلْتِ بْنِ مَسْعُودِ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَان عَنْ ثَابِت عَنْ أَنَس ابْن مَالِكَ، قَالَ:

اِنَّا لَفِي دَفْنِ رَسُولِ اللهِ(ﷺ)، فَمَا نَفضنَا أَيْدِيْنَا حَتَى أَنْكَرنَا قُلُوبُنَا.

Scanned by CamScanner

## باب ششم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی در آنچه که از عذاب قبر نسبت به مردگان رسیده است

**۳۱۷.** ابن عباس می‌گوید: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از دو قبر گذشت و فرمود: صاحبان این دو قبر در عذابند زیرا یکی از آنها سخن چین بوده و دیگری در موقع ادرار کردن استبراء نمی‌کرد و به مکان خلوتی نمی‌رفته،

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شاخهٔ تری از چوب نخل را به دو نصف کرده نصف آن را در یکی از آن قبرها فرو برد و نیم دیگری را در قبر دیگری داخل نمود پرسیدند یا رسول الله این عمل را برای چه انجام دادی؟

فرمود: شاید مادامی که این شاخه‌ها خشک نشده باشند، باعث تخفیف عذاب آنها شود.

## باب هفتم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی در آنچه که صحابه بعد از دفتن پیامبر منکر شدند

**۳۱۸.** «انس بن مالک» می‌گوید:

ما، در موقع دفن رسول خدا(صلی الله علیه و آله) حضور داشتیم، (گرد و غبار) دستهای خود را نگرفته بودیم که همه قلبا منکر شدیم.

Scanned by CamScanner

# الباب ۸

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِي فِيمَا ذَكَرَ أَنَّهُ جَاءَ فِي إِمَامَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، وَ أَيَّامِهِ وَ آيَاتِهِ وَ دَلَائِلِهِ مِنْهَا فِي حَدِيثِ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَشْرِقِينَ، وَ أَنَّهُ لَا يُسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ إِلَى الْقِيَامَةِ إِلَّا أَخْبَرَ بِهِ.

**۳۱۹.** قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ عَقِيلٍ الْأَنْصَارِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عِمْرَانُ بْنُ مُوسى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا الطَّنَافِسِي، قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ حُمَيْدٍ الْمَلَائِي، قَالَ: سَمِعْتُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنِ حُمَيْدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ عَمْرو الْمَلَائِي يَقُولُ: سَمِعْتُ زِرَّ ابْنَ حُبَيْشٍ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَقُولُ:

أَنَا فَقَأْتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ، وَلَوْلَاي مَا قُوتِلَ أَهْلُ الْجَمَلِ وَ لَا أَهْلُ صِفِّينَ وَ لَا أَهْلُ النَّهْرَوَانِ،

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي: إِمَّا مَيِّتاً وَ إِمَّا مَقْتُولاً بَلْ قَتْلاً، مَا يَحْبِسُ أَشْقَاهَا أَنْ يَخْضِبَهَا بِدَمٍ مَنْ أَعْلَاهَا،

وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرأَ النَّسَمَةَ لَا تَسْأَلُونِي فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَ قِيَامِ السَّاعَةِ عَنْ فِئَةٍ تَضِلُّ مِائَةً أَوْ تَهْدِي مِائَةً إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِسَائِقِهَا وَ قَائِدِهَا وَ نَاعِقِهَا». (كتاب الفتن لابن حماد ج ۱: ص ۴۰/حديث ۴۵).

# باب هشتم
## بیانی از کتاب فتن سلیلی پیرامون آنچه در امامت علی(ع) رسیده است

**۳۱۹.** «زرّ بن حبیش» می‌گوید:

از حضرت علی بن ابیطالب(ع) شنیدم که می‌فرمود:

من بودم که ریشه فتنه را کندم. اگر نبودم، اهل جمل و اهل صفین و اهل نهروان مورد تعرض قرار نمی‌گرفتند (هر چه می‌خواهید) از من بپرسید قبل از آنکه بمیرم یا کشته شوم،

شقی‌ترین امت، محبوس نمی‌شود تا اینکه (محاسن مرا) بخون سرم رنگین نماید،

قسم بخدائی که دانه را می‌شکافد و جنبندگان را می‌آفریند راجع به گروهی که صد (نفر) راگمراه یا هدایت کند از من نمی‌پرسید مگر اینکه شما را از کننده و فرمانده و خواننده آن خبر می‌دهم.

عبدالله شریک از امیرالمؤمنین روایت کرده که فرمود: رسولخدا(ص) مرا مامور کرد که با ناکثین (طلحه و زبیر و...) و مارقین (خوارج نهروان) و قاسطین (معاویه و تابعین او) جنگ کنم، اگر مرا مأمور می‌کرد که با گروه چهارمی بجنگم این کار را می‌کردم.

## الباب ۹

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِي:
اَنَّ الاُمَّةَ سَتَغْدِرُ بِعَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

**۳۲۰.** وَ بِإِسْنَادِهِ عَن عَبْدِاللهِ بْنِ شَرِيكٍ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ:

«أَمَرَنِي رَسُولُ اللهِ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاكِثِينَ وَ الْمَارِقِينَ وَ الْقَاسِطِينَ: وَ لَوْ أَمَرَنِي بِرَابِعَةٍ لَقَاتَلْتُهُمْ». (كنز العمال ج ۱۱:ص ۲۹۲ /حديث ۳۱۵۵۲و۳۱۵۵۳).

**۳۲۱.** قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدٍ الْبُخَارِي، قَالَ: حَدَّثَنَا رَبِيعُ بْنُ سَهْلٍ الْفَزَارِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عُبَيْدٍ الطَّائِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعَةَ الْمَالِكِي، قَالَ:

سَمِعْتَ عَلِيّاً عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ وَ هُوَ يَقُولُ: «عَهِدَ اِلَيَّ النَّبِيُّ الاُمِّيُّ أَنَّ الاُمَّةَ سَتَغْدِرُ بِي» (كنزالعمال، ج ۱۱، ص ۳۹۷، حديث ۳۱۵۶۱).

وَرَوَاهُ فِي تَرْجِمَةِ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِي عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّ الْأُمَّةَ سَتَغْدِرُ بِعَلِيٍّ عليه السلام بِرِوَايَةٍ كَامِلَةٍ.

## الباب ۱۰

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِي أَيْضاً
مِنْ تَحْذِيرِ عَائِشَةَ عَمّا عَمِلَتْ بِالْبَصْرَةِ.

**۳۲۲.** بِإِسْنَادِهِ الْمُتَّصِل عَنْ ابْنِ عَبَّاس، قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللهِ ﴿صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ﴾: «لَيْتَ شِعْرِي أَيَّتَكُنَّ تُنْبِحُهَا كَلَابُ الْحَوْأَبِ؟ يَقْتُلُ عَنْ يَمِينِهَا وَ عَنْ شِمَالِهَا فِيَامُ مِنَ النَّاسِ(جماعة من الناس)».

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۸۳-۸٤ حديث ۱۸۸).

Scanned by CamScanner

## باب نهم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی در اینکه امت بزودی نسبت به علی(علیه السلام) بی‌وفائی خواهند کرد.

۳۲۰. سلیلی باسناد خود از عبدالله بن شریک و او از علی (علیه السلام) نقل کرده که حضرت فرمود: «رسول خدا به من فرمان داد تا با ناکثین و قاسطین و مارقین بجنگم و اگر به گروه چهارمی هم دستور می‌داد با آنها می جنگیدم».

۳۲۱. «علی بن ربیعه مالکی» می‌گوید: از علی بن أبیطالب شنیدم که بر منبر کوفه می‌فرمود: رسول امی با من پیمان بست که بزودی امت من با من بی‌وفائی و خیانت می‌کنند. و در ترجمه ابوموسی اشعری از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) چنین رسیده است که حضرت فرمود: بزودی امت با علی(علیه السلام) خیانت و بیوفایی خواهند کرد.

## باب دهم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی از نهی پیامبر عایشه را از جریان لشکر کشی به بصره

۳۲۲. «ابن عباس» می‌گوید: پیغمبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) بزنان خود فرمود: کاش من می‌دانستم که کدام یک از شما خواهد بود که سگهای حوأب (نام مکانی است در طریق بصره) در کنار او پارس می‌کنند و افرادی از سمت راست و چپ او کشته می‌شوند.

Scanned by CamScanner

## الباب ١١

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتْنِ لِلسَّلِيلى
مِنْ أَنَّ مَرْوَانَ قَتَلَ طَلْحَةَ يَوْمَ الْجَمَلِ.

**٣٢٣.** ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ قَيْسِ بْنِ أَبِي حَازِمٍ قَالَ:

رَمِى مَرْوَانُ بْنُ الْحَكَمِ يَوْمَ الْجَمَلِ طَلْحَةَ بِسَهْمٍ فِي رَكْبَتِهِ، فَجَعَلَ الدَّمَ يَدْفَعُ الدَّمَ وَيَسِيلُ، فَإِذَا أَمْسَكُوهُ اسْتَمْسَكَ وَ إِذَا تَرَكُوهُ سَالَ، فَقَالَ: دَعُوهُ، قَالَ: فَجَعَلُوا إِذَا أَمْسَكُوا فَمَ الْجُرْحِ انْتَفَخَتْ رَكْبَتُهُ، فَقَالَ: دَعُوهُ، فَإِنَّهُ سَهْمٌ أَرْسَلَهُ اللهُ، فَمَاتَ، فَدَفَنُوهُ عَلَى شَاطِىِ «الْكِلَاءِ» فَرَأَى بَعْضُ أَهْلِهِ أَنَّهُ قَالَ: أَلَا تُرِيحُونِي مِنْ هَذَا الاسْمِ، فَإِنِّي قَدْ غَرِقْتُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، قَالَ: فَنَبَشُوهُ فَإِذَا قَبْرُهُ أَخْضَرُّ كَأَنَّهُ السِّلْقُ، فَنَزَحُوا عَنْهُ الاسْمَ ثُمَّ اسْتَخْرَجُوه فَإِذَا مِمَّا يَلِي الْمَأَةُ مِنْ لِحْيَتِهِ وَ وَجْهِهِ قَدْ أَكَلَتْهُ الْأَرْضُ، فَاشْتَرَوْا لَهُ دَاراً مِن دُوْرِ أَبِي بَكْرَةَ، فَدَفَنُوهُ فِيهَا (الاستيعاب ج ٢: ص ٧٦٨-ص ٧٦٩ (باب طلحة).

## الباب ١٢

فِيمَا نَذْكُرُه مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلى فِيمَا رَوَاهُ مِنْ إِعْتِرَافِ الزُّبَيْرِ بِنَهْيِ النَّبِيِّ ﷺ عَنْ حَرْبِ عَلِيَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

**٣٢٤.** وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي جَرْوِ الْمَازِنِي، قَالَ:

سَمِعْتُ عَلِياً وَ هُوَ يُنَاشِدُ الزُّبَيْرَ يَوْمَ الْجَمَلِ يَوْمَ تَوَاقَعَا وَ هُوَ يَقُولُ: «أُنْشِدُكَ بِاللهِ يَا زُبَيْرُ أَمَا سَمِعْتَ رَسُولَ اللهِ يَقُولُ: أَنَّكَ تُقَاتِلُنِي وَ أَنْتَ لِي ظَالِمٌ؟» قَالَ: بَلَى وَلَكِنِّي نَسَيْتُ

(كنز العمال ج ١١: ص ٣٣٢/حديث ٣١٦٥٩ و ٣١٦٦٠).

Scanned by CamScanner

## باب یازدهم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی در مرگ طلحه بدست مروان در جنگ جمل

**۳۲۳.** «قیس بن أبی حازم» می‌گوید:

در جنگ جمل طلحه مورد هدف تیر مروان قرار گرفت و تیر به زانوی او برخورد کرد و خون جاری شد وقتی زانوی او را می‌بستند خون بند می‌آمد و وقتی که باز می‌کردند خون جاری می‌شد، و موقعی که دهان زخم را می‌بستند زانوی او باد می‌کرد،

مروان گفت: این زخم را واگذارید زیرا که این تیر را خدا انداخته است،

پس از آنکه مروان مرد و او را در ساحل گذرگاه کشتیها دفن کردند یکی از اهل خانه‌اش او را در خواب دید که سه مرتبه گفت: مرا از این آب راحت کنید، همین که قبر او را نبش کردند دیدند قبرش مانند کنار جوی آب سبز شده چون آب آن قبر را کشیدند و جنازه او را خارج کردند دیدند قسمتی که از محاسن و صورتش با آب و زمین متصل بوده زمین آن را خورده و فاسد کرده است،

بعد از آن خانه‌ای از خانه‌های أبی بکر را خریدند و او را در آن دفن کردند.

## باب دوازدهم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی از اقرار زبیر از نهی پیامبر صلی الله علیه و آله از جنگ با علی علیه السلام

**۳۲۴.** «سلیلی» می‌گوید:

امیرالمؤمنین به زبیر فرمود: تو را بخدا قسم می‌دهم آیا از رسول خدا ﴿صلی الله علیه و آله﴾ نشنیدی که می‌فرمود: تو با من می‌جنگی و در حق من ظلم خواهی کرد؟ گفت: آری ولی من فراموش کردم.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۳

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلْسَّلِيلِى
فِى أَنَّ مُعَاوِيَةَ قَالَ: اِنَّهُ مَا حَارَبَ اِلَّا لِلْوِلَايَةِ.

**۳۲۵.** وَ ذَكَرَ بِاِسْنَادِهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ سُوَيْدٍ قَالَ: جَاءَ مُعَاوِيَةُ فَخَطَبَ النَّاسَ، فَقَالَ: يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ أَلَا تَرَوْنَنِى اِنِّى مَا قَاتَلْتُكُمْ عَلَى أَنْ تَصُومُوا أَوْ عَلَى أَنْ تُصَلُّوا، اِنَّمَا قَاتَلْتُكُمْ عَلَى أَنْ أَتَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ وَ قَدْ أَمَّرَنِى اللهُ عَلَيْكُمْ عَلَى رَغْمِ أَنْفِكُمْ (شرح نهج البلاغة – لابن أبى الحديد – ج١٦: ص٤٦).

## الباب ۱۴

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ شَهَادَةِ عَائِشَةَ عَلَى مُعَاوِيَةَ
أَنَّهُ الْفِئَةُ الْبَاغِيَةُ، مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لْلسَّلِيلِى.

**۳۲۶.** وَ ذَكَرَ بِاِسْنَادِهِ عَنْ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ النَّبِىَّ ﴿ﷺ﴾، قَالَ لِعَمَّارِ: «تَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَةُ» (كنز العمال ج ١١: ص ٣٤٤/حديث ٣١٦٩٨).

## الباب ۱۵

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِى عَنْ عَدَدِ مَنْ خَرَجَ مَعَ مَوْلَانَا
عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَهْلِ بَدْرٍ وَ بَيْعَةِ الرِّضْوَانِ وَأُوَيْسِ الْقَرَنِى

**۳۲۷.** وَ ذَكَرَ بِاِسْنَادِهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، قَالَ: كَانَ مَعَ عَلِيٍّ ﴿ع﴾ ثَمَانِمِائَةُ مِنَ الْأَنْصَارِ وَ تِسْعَمِائَةٍ مِنْ [أَهْلِ] بَيْعَةِ الرِّضْوَانِ.

Scanned by CamScanner

## باب سیزدهم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی در اینکه مبارزه معاویه برای محو ولایت بود

**۳۲۵.** «سعید بن سوید» می‌گوید معاویه آمد و برای مردم خطبه‌ای خواند و گفت:

ای اهل کوفه من برای روزه گرفتن یا نماز خواندن با شما نمی‌جنگم بلکه می‌خواهم بر شما مسلط شوم و خدا مرا مأمور کرده که بر خلاف میل شما اقدام کنم.

## باب چهاردهم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی در شهادت عایشه در حضور معاویه پیرامون گروه ستمکار

**۳۲۶.** «عائشه» روایت کرده که رسول‌الله«صلی الله علیه و آله و سلم» به عمار فرمود:

تو را گروه ستمکار می‌کشند.

## باب پانزدهم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی از تعداد کسانی که با حضرت علی«علیه السلام» همراه شدند

**۳۲۷.** «سعید بن جبیر» می‌گوید:

هشتصد نفر از انصار و نهصد نفر از اهل بیعت رضوان با علی«علیه السلام» بودند.

Scanned by CamScanner

**۳۲۸.** وَرَوى فِی حَدِیثٍ آخَرَ بِإسْنَادِهِ عَنْ أَبِی إسْرَائِیلَ عَنِ الْحَكَمِ، قَالَ:
شَهِدَ مَعَ عَلِیٍّ ثَمَانُونَ بَدْرِیاً، وَ خَمْسُونَ وَ مَائِتَانِ مِمَّنْ بَایَعَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ.

**۳۲۹.** وَ ذَكَرَ فِی حَدِیثٍ بِإسْنَادِهِ أَنْ أُوَیْسَ الْقَرَنِی كَانَ مَعَ مَوْلَانَا عَلِیٍّ عليه‌السلام یَوْمَ صِفِّینَ (كتاب وقعة صفين: ص ۳۲٤).

## الباب ۱۶

فِیما نَذْكُرُهُ مِنَ كِتَابِ الفِتَنِ لِلسَّلِیلِی عَنْ ضَلَالِ الْخَوَارِجِ.

**۳۳۰.** وَ ذَكَرَ بِإسْنَادِهِ عَنْ أَبِی سَعِیدِ الْخُدْرِی، قَالَ:
بَیْنَنَما رَسُولُ اللهِ «صلى‌الله‌عليه‌وآله» یُقَسِّمُ قِسْماً، فَقَامَ ذوُ الْخُوَیْصِرَةِ رَجُلُ مِنْ بَنِی تَمِیمِ، فَقَالَ: یَا رَسُولَ اللهِ اِعْدِلْ، فَقَالَ: «یَا وَیْحَكَ، فَمَنْ یَعْدِلُ عَلَیْكَ اِذَا لَمْ أَعْدِلْ؟» فَقَالَ عُمَرُ: یَا رَسُولَ اللهِ اِئْذَنْ لِی فَأَضْرِبْ عُنُقَ الْمُنَافِقِ، قَالَ: «لَا، فَاِنَّ لَهُ أَصْحَاباً یُحَقِّرُ أَحَدُكُمْ صَلَاتَهُ مَعَ صَلَاتِهِمْ وَ صِیَامَهُ مَعَ صِیَامِهِمْ، یَمْرُقُونَ مِنَ الدِّینِ مُرُوقَ السَّهْمِ مِنَ الرَّمْیَةِ، یَنْظُرُ اِلَی نَصْلِهِ فَلَا یُوَجِدُ فِیهِ شَیْء، وَ یَنْظُرُ اِلَی رِصَافِهِ فَلَا یُوَجِدُ فِیهِ شَیْءٌ وَ یَنْظُرُ اِلَی نَضِیِّهِ فَلَا یُوَجِدُ فِیهِ شَیْء، وَ یَنْظُرُ اِلَی قُذَذِهِ (ريش السهم) فَلَا یُوجَدُ فِیهِ شَیْءٌ سَبَقَ الْفَرْثَ وَالدَّمَ، یَخْرُجُونَ عَلی حِینِ فِرْقَةٍ مِنْ النَّاسِ، آیَتُهُمْ رَجُلٌ أَدْعَجُ (رجل أسود)، اِحْدَی یَدَیْه كَثَدْی الْمَرْأَةِ وَ الْبُضْعَةُ تُدَرْدَرُ» (تتحرک) قَالَ أَبُو سَعِیدٍ: أَشْهَدُ أَنِّی سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ «صلى‌الله‌عليه‌وآله»، یَقُولُ هَذَا، وَ أَشْهَدُ أَنِّی كُنْتُ مَعَ عَلِیٍّ عليه‌السلام حِینَ قَاتَلَهُمْ، فَالْتُمِسَ فِی الْقَتْلی، فَأُوتِیَ بِهِ عَلی النَّعْتِ الَّذِی نَعَتَ رَسُولُ اللهِ «صلى‌الله‌عليه‌وآله» (كنز العمال ج ۱۱: ص ۳۰۷/حديث ۳۱۵۸۹).

Scanned by CamScanner

**۳۲۸.** در حدیث دیگر از حکم روایت کرده که گفت:
هشتاد نفر از اهل بدر و دویست و پنجاه نفر از اهل بیعت شجره با علی(علیه السلام) بودند.

**۳۲۹.** و در روایت دیگر است که اویس قرنی در روز صفین با علی(علیه السلام) بود.

## باب شانزدهم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی پیرامون گروه خوارج

**۳۳۰.** «ابوسعید خدری» می‌گوید:
در آن بین که رسول خدا مشغول تقسیم (غنیمت) بود مردی از بنی تمیم بلند شد و گفت: یا رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) در تقسیم کردن عدالت را مراعات کن آن بزرگوار در جوابش فرمود: اگر من بر تو عدالت را مراعات نکنم چه کسی خواهد کرد؟ عمر گفت یا رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه بده تا گردن این منافق را بزنم، فرمود: نه زیرا او را اصحابی است که یکی از آنها نماز و روزه خود را با نماز و روزه آنها تحقیر می‌کند و نظیر صید تیر خورده از دین خارج می‌شوند. نظر به تیر می‌کند و چیزی نمی‌بیند، نگاه به آب دهان می‌کند غیر از سرگین و خون چیزی نمی‌بیند، در آن زمان فرقه‌ای از مردم خارج می‌شوند و علامت آنها این است که در بین آنها مرد دیوانه‌ای است که نصف یکی از دستهایش مانند پستان زن و نصف دیگر چون پای انسان است. أبوسعید گوید: من این گفتار را از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم و موقعیکه علی(علیه السلام) با آنها می‌جنگید من با او بودم و آن شخصی (را که پیغمبر فرموده بود) آوردند آن شخص دارای همان صفاتی بود که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده بود.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۷

### فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِي فِي عُذْرِ مَوْلَانَا الْحَسَنِ فِي صُلْحِ مُعَاوِيَةَ، وَ بِشَارَتِهِ بِالْمَهْدِي.

**۳۳۱.** وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الشَّعْبِي عَنْ سُفْيَانَ بْنِ أَبِي لَيْلَى:

أَنَّهُ أَتَى الْحَسَنَ بْنَ عَلِيّ بِالْمَدِينَةِ حِينَ انْصَرَفَ مِنْ عِنْدِ مُعَاوِيَةَ، فَوَجَدَهُ بِفِنَاءِ دَارِهِ، فَلَمَّا انْتَهَى إِلَيْهِ قَالَ: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ: «اِنْزِلْ يَا سُفْيَانُ وَ لَا تَعْجَلْ كَيْفَ قُلْتَ يَا سُفْيَانُ؟» قَالَ: قُلْتُ: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ: «وَ مَا ذَكَّرَكَ هٰذَا؟» فَذَكَرْتَ الَّذِي كَانَ مِنْ تَرْكِهِ لِلْقِتَالِ وَ رُجُوعِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ، قَالَ: «يَا سُفْيَانُ حَمَلَنِي عَلَيْهِ أَنِّي سَمِعْتُ عَلِيّاً يَقُولُ: لَا تَذْهَبُ اللَّيَالِي وَ لَا الْأَيَّامُ حَتَّى يَجْتَمِعَ [أَمْر] هٰذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَجُلٍ وَاسِعِ السُّرْمِ ضَخْمِ الْبُلْعُومِ، يَأْكُلُ وَ لَا يَشْبَعُ، لَا يَمُوتُ حَتَّى لَا يَكُونَ لَهُ فِي الْأَرْضِ عَاذِرٍ (أثر) وَ لَا فِي السَّمَاءِ نَاصِرٌ، وَ إِنَّهُ لَمُعَاوِيَةُ، وَ إِنِّي قَدْ عَرَفْتُ أَنَّ اللهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» فَنُودِيَ بِالصَّلَاةِ، فَقَالَ: «هَلْ لَكَ يَا سُفْيَانُ فِي الْمَسْجِدِ؟» قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: فَخَرَجْنَا نَمْشِي حَتَّى مَرَرْنَا عَلى حَالِبٍ لَهُ، فَحَلَبَ نَاقَةً لَهُ، فَتَنَاوَلَ فَشَرِبَ قَائِماً، وَ سَقَانِي وَ قَالَ: «مَا جَاءَ بِكَ يَا سُفْيَانُ؟» قَالَ: قُلْتُ: حُبُّكُمْ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ، قَالَ: «فَأَبْشِرْ يَا سُفْيَانُ إِنِّي سَمِعْتُ عَلِيّاً يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللهِ (صلى الله عليه وآله): يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي مِنْ أُمَّتِي كَهَاتَيْنِ – وَ سَوَّى بَيْنَ إِصْبَعَيْهِ – وَ لَوْ شِئْتَ لَقُلْتُ: كَهَاتَيْنِ، مَا لِأَحَدِهِمَا فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِ، أَبْشِرْ يَا سُفْيَانُ، فَإِنَّ الدُّنْيَا تَسَعُ الْبَرَّ وَ الْفَاجِرَ حَتَّى يَبْعَثَ اللهُ إِمَامَ الْحَقِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله)» (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد ج۱۶:ص ٤٤-٤٥).

# باب هفدهم

## بیانی از کتاب فتن سلیلی در عذر امام حسن(ع) در صلح با معاویه

۳۳۱. سفیان بن أبی لیلا می‌گوید: وقتی که امام حسن(ع) از نزد معاویه(لع) مراجعت کرده بود من خدمت آن بزرگوار رفتم و او را در خانه‌اش یافتم. بآن حضرت گفتم: سلام بر تو ای ذلیل کننده مؤمنین فرمود: ای سفیان پیاده شو و شتاب مکن، چگونه چنین سخنی را گفتی؟ گفتم به شما عرض کردم سلام بر تو ای ذلیل کننده مؤمنین (عرض کردم) برای اینکه جنگ را ترک کردی و به مدنیه بازگشتی، فرمود: ای سفیان جریانی که مرا وادار به این کار کرد این بود، که از علی(ع) شنیدم که می‌فرمود: چند روزی بیش نمی‌گذرد که این امت بدور مردی جمع می‌شوند که سینه و حلقوم فراخی دارد، می‌خورد ولی سیر نمی‌شود آن مرد نمی‌میرد تا اینکه در زمین عذری و در آسمان یاوری نداشته باشد، آن شخص معاویه است و من می‌دانم که خدا امر خود را اجراء و عملی خواهد کرد، در این اثناء منادی برای نماز ندا کرد و آن حضرت بمن فرمود: ای سفیان با مسجد سر و کاری داری؟ گفتم: آری، راوی گوید: با آن حضرت روانه شدیم تارسیدیم بشخصی که یکی از ناقه‌های آن حضرت را می‌دوشید، آن حضرت در حال ایستادن از آن شیر آشامید و بمن هم مرحمت کرد و فرمود: سفیان چه باعث شد که نزد ما آمدی؟ گفتم قسم بآن خدائیکه حضرت محمد(ص) را بدین حق مبعوث کرده بخاطر محبتی است که بشما دارم فرمود: مژده باد تو را که من از علی(ع) شنیدم که فرمود: رسول خدا(ص) فرمود: اهل بیت من و کسیکه از امتم مرا دوست داشته باشد نزد حوض (کوثر) نظیر این دو انگشت من، بر من وارد می‌شوند، آنگاه رسول خدا(ص) دو انگشت خود را مساوی یکدیگر قرار داد و فرمود: بگو نظیر این دو انگشت من که هیچکدام بر یکدیگر برتری ندارند. ای سفیان مژده باد تو را که دنیا جای افراد نیکوکار و اشخاص بد عمل خواهد بود تا آنموقعیکه خدا امام بر حق را از آل محمد(ص) برانگیزد.

Scanned by CamScanner

**۳۳۲**. وَ ذَكَرَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ:

«إِنِّي أَرَى النَّاسَ يَقُولُونَ: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بَايَعَ مُعَاوِيَةَ طَائِعاً غَيْرَ مُكْرَهٍ، وَ أَيْمُ اللهِ مَا فَعَلْتُ حَتَّى خَذَلَنِي أَهْلُ الْعِرَاقِ، وَ لَوْلَا ذَلِكَ مَا بَايَعْتُهُ وَ لَا نِعْمَةَ عَيْنٍ». (نهاية ابن اثير ج ۵:ص ۸۴).

## الباب ۱۸

### فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِي مِنْ تَعْرِيفِ مَوْلَانَا عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِاجْتِمَاعِ النَّاسِ عَلَى مُعَاوِيَةَ، وَ أَنَّهُ يُقَاتِلُ لِيَبْلَى عُذْراً عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ.

**۳۳۳**. وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عِتَابِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مِينَا، قَالَ:

سَمِعَ عَلِيٌّ ضَوْضَاةً (اصوات الناس)، فَقَالَ: «مَا هَذَا؟» قَالُوا: هَلَكَ مُعَاوِيَةُ، قَالَ: «كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَمُوتُ حَتَّى يَجْتَمِعَ هَذَا الْأَمْرُ فِي يَدِهِ هَكَذَا، وَأَشَارَ ثَلَاثَةً وَ تِسْعِينَ. عَقَدَ عِتَابٌ بِيَدِهِ، وَ قَالَ هَكَذَا.

قَالَ عَبْدُ الرَّزَّاقِ: فَقِيلَ لِعَلِيٍّ ؈: فَعَلَى مَا نُقَاتِلُهُ؟ قَالَ: «أَبْلَى عُذْراً فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ» (مناقب ابن شهر آشوب ج ۲:ص ۲۵۹).

قُلْتُ أَنَا: فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ (ﷺ) أَمَرَ بِقِتَالِ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ. وَ مُعَاوِيَةُ أَحَدُهُمْ. فَهَلْ كَانَ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَتْرُكَ قِتَالَهُمْ كَمَا أَنْزَلَ اللهُ جَلَّ جَلَالُهُ الْقُرْآنَ وَ أَمَرَ بِالْإِيمَانِ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُؤْمِنُ؟

Scanned by CamScanner

**۳۳۲.** در روایت دیگر است که امام حسن(علیه السلام) فرمود:

من می‌بینیم که مردم می‌گویند: حسن بن علی(علیه السلام) راضی بود که با معاویه بیعت نماید و اجباری نداشت، بخدا قسم من با معاویه بیعت نکردم تا آن موقعی که اهل عراق مرا تنها گذاشتند اگر غیر از این بود من یک لحظه هم با معاویه بیعت نمی‌کردم.

## باب هجدهم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی پیرامون تجمع مردم در برابر معاویه

**۳۳۳.** «مینا» می‌گوید:

علی(علیه السلام) سر و صدایی شنید فرمود:

چه خبر است؟ گفتند: معاویه هلاک شده فرمود: قسم بآن خدائیکه جان من در دست قدرت اوست معاویه نخواهد مرد تا اینکه این امر (خلافت) بدست او بیفتد آنگاه بدست خود به علامتی اشاره کرد و فرمود: چنین خواهد بود.

عبدالرزاق گوید: بعلی(علیه السلام) گفتند: پس تو برای چه با معاویه می‌جنگی؟ فرمود: برای آن عذری که بین من و خداست. راوی می‌گوید: من گفتم: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) علی(علیه السلام) را بقتال ناکثین و قاسطین و مارقین مأمور کرد و معاویه هم یکی از آنها بود، آیا برای علی(علیه السلام) جائز است که با آنها جنگ نکند همچنانکه خدا قرآن را نازل کرد و افرادی را که می‌داند ایمان نمی‌آورند مامور به ایمان آوردن کرده است؟

Scanned by CamScanner

## الباب ١٩

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِى مِنْ أَمْرِ
رَسُولِ اللهِ(ﷺ) بِقَتْلِ مُعَاوِيَةَ إِذَا ادَّعَى الْإِمَارَةَ.

**٣٣٤.** وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مَحْمُودِ بْنِ لَبِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي نَفَرٌ مِنْ قَوْمِى مِنْ بَنِي عَبْدِ الْأَشْهَلِ شَهِدُوا بَدْراً، قَالُوا:

كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ(ﷺ)، وَ مَعَنَا مُعَاوِيَةُ، فَأَشَارَ بِإِصْبَعِهِ إِلَى بَطْنِهِ وَ قَالَ: «أَنَّ هَذَا سَيَطْلُبُ الْإِمَارَةَ يَوْماً، فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَعَلَ ذَلِكَ فَابْقَرُوا بَطْنَهُ».

**٣٣٥.** وَ ذَكَرَ حَدِيثاً آخَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ(ﷺ):

«إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَةَ عَلَى مِنْبَرِى يَخْطُبُ فَاقْتُلُوهُ» (وقعة صفين: ص٢١٦).

**٣٣٦.** وَ ذَكَرَ حَدِيثاً آخَرَ عَنْ مَوْلَانَا عَلِيٍّ(ع) أَنَّهُ قَالَ:

«مُعَاوِيَةُ فِرْعَوْنَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ هَامَانُهَا».

## الباب ٢٠

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِى فِى
ذَمِّ أَبِى مُوسَى الْأَشْعَرِى وَ مَدْحِ أَهْلِ الْبَيْتِ.

**٣٣٧.** قَالَ: وَجَدْتَ فِي كِتَابِي: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الصَّلْتُ، قَالَ: حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ مَخْلَدِ الْقَطَوانِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ بِلَالٍ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الْخَنْسَاءِ عَنْ زِيَادِ بْنِ يَزِيدِ بْنِ فَرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَمِعْتُ سَلْمَانَ الْفَارِسِى يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ(ﷺ) يَقُولُ:

«إِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرِقُ عَلَى ثَلَاثِ فِرَقٍ: فِرْقَةٌ مِنْهَا عَلى الْحَقِّ لَا يَنْقُصُ الْبَاطِلُ مِنْهُ شَيْئاً، يُحِبُّونَ أَهْلَ بَيْتِى، مَثَلُهُمْ مَثَلُ صَاحِبِ الذَّهَبَةِ الْحَمْرَاءِ أَوْقَدَ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا فَلَمْ تَزْدَدْ إِلَّا خَيْراً، وَ فِرْقَةٌ مِنْهَا عَلَى الْبَاطِلِ لَا يَنْقُصُ

Scanned by CamScanner

# باب نوزدهم

## بیانی است از کتاب فتن سلیلی در فرمان پیامبر بقتل معاویه بهنگام دعوی حکومت

**۳۳۴.** محمد بن لبید از بنی عبدالاشهل که در جنگ بدر حضور داشتند رایتکرده که گفتند: ما نزد رسول‌خدا(ﷺ) بودیم و معاویه نیز با ما بود رسول‌الله(ﷺ) با انگشت خود بشکم معاویه اشاره کرد و فرمود: روزی بیاید که این معاویه ادعای امارت و سلطنت کند وقتیکه دیدید این ادعا را کرده شکم او را پاره کنید.

**۳۳۵.** و در حدیث دیگر از أبوسعید روایت کرده که گفت: پیغمبر خدا(ﷺ) فرمود: موقعیکه معاویه را در منبر من، دیدید او را بکشید.

**۳۳۶.** در روایت دیگر است که مولای ماعلی(ع) فرمود: معاویه فرعون این امت و عمر و عاص هامان آنست.

# باب بیستم

## بیانی است از کتاب فتن سلیلی در مذمت ابوموسی اشعری و ستایش از اهل‌بیت

**۳۳۷.** سلمان فارسی می‌گوید: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: امت من سه گروه خواهند شد: یک گروه برحقند، و باطل چیزی از آن گروه را ناقص نخواهد کرد، آن گروه اهل بیت مرا دوست دارند و مثل آنها چون طلای سرخی است که صاحب آن، آن را نگه بدارد و بجز خیر چیزی در آن نخواهد بود.

گروهی دیگر بر باطلند، و حق چیزی از آن را ناقص نمی‌کند این فرقه

الْحَقُّ مِنْهُمْ شَيْئاً يُبْغِضُونِي وَ يُبْغِضُونَ أَهْلَ بَيْتِي، مَثَلُهُمْ مَثَلُ صَاحِبِ خَبَثِ الْحَدِيثِ أَوْقَدَ عَلَيْهِ فَلَمْ يَزِدْهُ إِلَّا شَراً وَ فِرْقَةٌ مِنْهُم مُدَهْدِهُونَ فِيمَا بَيْنَ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ عَلَى مِلَّةِ السَّامِرِي لَا يَقُولُونَ لَا مِسَاسَ، وَلَكِنْ يَقُولُونَ: لَا جِهَادَ، وَ إِمَامُهُمْ أَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِي.

أَقُولُ أَنَا: يَعْنِي -ﷺ- أَبَا مُوسَى وَ الْجَمَاعَةَ الَّذِينَ تَخَلَّفُوا بِالْمَدِينَةِ عَنْ بَيْعَةِ مَوْلَانَا عَلِيٍّ ﷺ، وَ لَمْ يَسِيرُوا مَعَهُ إِلَى جِهَادِ أَعْدَائِهِ.

## الباب ٢١

### فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنْ لِلسَّلِيلِي عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَنَّ الأُمَّةَ سَتَغْدِرُ بِعَلِيٍّ ﷺ بَعْدَ وَفَاتِهِ، غَيْرَ مَا قَدَّمْنَاهُ.

**٣٣٨.** وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَالِمِ الْحَنَفِي، قَالَ: قَالَ عَلِيٌّ ﷺ وَ هُوَ فِي الرَّحْبَةِ جَالِسٌ: «اِنْتَدِبُوا» فَانْتَدَبَ فِي مِائَةٍ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: «وَ رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» مَرَّتَيْنِ «لَقَدْ حَدَّثَنِي خَلِيلِي أَنَّ أُمَّتَهُ سَتَغْدِرُ بِي مِنْ بَعْدِهِ عَهْداً مَعْهُوداً وَ قَضَاءً مَقْضِياً، وَ قَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى» (كنز العمال ج ١١:ص ٢٩٧/حديث ٣١٥٦٢).

**٣٣٩.** وَرَوَى بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ:

كُنْتُ أَنَا وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مَعَ النَّبِيِّ «ﷺ» فِي بَعْضِ حِيطَانِ الْمَدِينَةِ، فَمَرَرْنَا بِحَدِيقَةٍ، فَقَالَ عَلِيٌّ: «مَا أَحْسَنَ هَذِهِ الْحَدِيقَةِ يَا نَبِيَّ اللهِ!» قَالَ: «حَدِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا» ثُمَّ وَضَعَ النَّبِيُّ رَأْسَهُ عَلَى هَا هُنَا - وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى مِنْكَبِهِ - ثُمَّ بَكَى، فَقَالَ عَلِيٌّ: مَا يُبْكِيكَ يَا رَسُولَ اللهِ؟» قَالَ: «ضَغَائِنُ فِي صُدُورِ قَوْمٍ لَا يَبْدُونَهَا لَكَ حَتَّى يُفَارِقُونِي أَوْ يَفْقِدُونِي»

(كنز العمال ج ١٣:ص ١٧٦/حديث ٣٦٥٢٣).

Scanned by CamScanner

بغض من و اهل بیت مرا دارند، مثل آنان چون آهن ناپاکی است که صاحبش آن را طعمه آتش قرار دهد زیرا که چیزی جز شر برای او نخواهد داشت. و یک فرقه این امت بر ملت سامری بوده گاهی به این طرف و گاهی بطرف دیگر مایل‌اند نمی‌گویند: چاره‌ای نیست بلکه می‌گویند: جهاد نیست و رهبر آنها أبوموسی اشعری خواهدبود.

«سید بن طاووس» می‌گوید: منظور آن حضرت: أبوموسی اشعری و جمعیتی است که با او در مدینه ماندند و با علی«علیه السلام» بجنگ دشمنان نرفتند.

## باب بیست و یکم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون سخن پیامبر که امت بعد وفاتش به علی«علیه السلام» خیانت می‌کنند

**۳۳۸.** «سالم» حنفی می‌گوید: علی«علیه السلام» در میان مردم صحبت می‌کرد سپس دو مرتبه فرمود: قسم بخدای آسمان زمین که دوست من رسول خدا«صلی الله علیه و آله و سلم» بمن خبر داد که بعد از آنحضرت این امت با من بیوفائی می‌کنند و این موضوع حتما عملی خواهد شد و کسی که تهمت زند بیچاره خواهد شد.

**۳۳۹.** «انس بن مالک» گوید: من و رسول خد«صلی الله علیه و آله و سلم» با علی«علیه السلام» در یکی از حیاطهای مدینه بودیم، موقعیکه عبور ما بباغی افتاد علی«علیه السلام» گفت: یا نبی الله«صلی الله علیه و آله و سلم» این باغ عجب منظره زیبایی دارد، پیامبر«صلی الله علیه و آله و سلم» در جوابش فرمود: باغی که تو در بهشت داری از این باغ بهتر است، بعد از آن بباغ دیگر می‌رفتم علی«علیه السلام» گفت: یا رسول الله«صلی الله علیه و آله و سلم» این باغ هم خیلی خوب است آن حضرت در جواب فرمود: یاعلی باغی که تو در بهشت داری از این باغ نیکوتر است. سپس پیامبر«صلی الله علیه و آله و سلم» سر خود را بشانه من گذاشت و گریه کرد، علی«علیه السلام» گفت: یا رسول الله چرا گریه می‌کنی؟ فرمود: بخاطر آن کینه‌هایی که گروهی از تو در دل دارند و آن‌ها کینه‌های خود را آشکار نمی‌کنند تا وقتی که من از میان شما بروم.

Scanned by CamScanner

## الباب ۲۲

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ أَيْضاً لِلسَّلِيلِى فِى تَعْرِيفِ مَوْلَانَا عَلِيٍّ عليه السلام لِأَصْحَابِهِ لَمَّا تَجْرِى الْحَالُ عَلَيْهِ مِنْ قَتْلِ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرِ، وَ الْعَسْكَرِ الَّذِى يَنْصُرُونَهُ مِنَ الْكُوفَةِ.

**۳٤۰.** وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي بَكْرِ بْنِ عَيَّاشٍ عَنِ الْأَجْلَح بْنِ عَبْدِاللهِ الْكِنْدِى عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ:

أَقْبَلْنَا مِنَ الْمَدِينَةِ وَ نَحْنُ سَبْعُمِائَةُ رَاكِبُ، فَإِنَّا لَنَسِيرُ ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ قَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ: إِنَّا أَكَلَةُ رَأْسٍ، أَيْنَ نَسِيرُ؟ إِلَى قَوْمٍ كُلُّهُمْ يُقَاتِلُ عَنْ دَمِ عُثْمَانَ، فَانْتَشَرَ الْكَلَامُ فِيهِمْ.

قَالَ ابْنُ عَبَّاس: فَأَتَيْتُ عَلِيّاً وَ قُلْتُ: أَلَا تَرَى أَنَّ النَّاسَ قَدْ فَشَا فِيهِمْ هَذَا الْكَلَامُ؟: إِنَّمَا نَحْنُ أَكَلَةُ رَأْسٍ، نَسِيرُ إِلَى مَائَةَ أَلْفٍ كُلُّهُم يُقَاتِلُ عَنْ دَمِ عُثْمَانَ، فَخَطِبَ النَّاسُ عِنْدَ ذَلِكَ، فَقَالَ فِى خُطْبَتِهِ:

«أَلَا تَرَوْنَ وَ الَّذِى نَفْسِي بِيَدِه لَيُقْتَلُنَّ طَلحَةُ وَ الزُّبَيْرُ، وَلَيُهْزَمُنَّ أَهْلُ الْبَصْرَةَ، وَ لِيُخْرِجَنَّ إِلَيْكُمْ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ خَمْسَةُ آلَافٍ وَ سِتَّمِائَةُ أَوْ خَمْسَمِائَةُ» وَ شَكَّ الْأَجْلَحُ. قَالَ: فَسِرْنَا فَوَاللهُ لِكَذَلِكَ نَسِيرُ إِذْ نَظَرْتَ إِلَى سَوَادٍ قَدْ أَقْبَلَ وَ إِلَى رَجُلٍ قَدْ شَخَصَ، فَقُلْتُ، لَوِ اسْتَقْبَلْتُ هَذَا الرَّجُلَ، فَاسْتَقْبَلْتُهُ فَسَأَلْتُهُ كَمْ أَنْتُم؟

قَالَ: خَمْسَةُ آلَافٍ وَ سِتَّمِائَةِ رَجُل،

قَالَ: وَ إِذَا رَجُلَانِ قَدْ بَرَزَا فَسَأَلْتُهُمَا فَأَخْبَرَانَا بِذَلِك.

Scanned by CamScanner

# باب بیست و دوم

## بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون گفتار حضرت علی علیه السلام با یاران خود

**۳۴۰.** ابن عباس می‌گوید:

ما هفتصد سوار بودیم که از مدینه می‌آمدیم در یکی از روزها که می‌گذشتیم شخصی از آنها گفت:

این سفر بی نتیجه است زیرا که ما بسوی مردمی می‌رویم که خواهان خون شمایند و پیرامون این مسأله بین آنها گفتگوی زیادی صورت گرفت.

ابن عباس می‌گوید:

من نزد علی«علیه السلام» آمدم و گفتم:

مگر نمی‌بینی که در میان این مردم راجع به این مسافرت اختلاف رخ داده زیرا می‌گویند: برای چه به جنگ صد هزار نفر که همه خون خواه عثمانند برویم.

علی«علیه السلام» بلند شد و خطبه‌ای خواند و فرمود:

قسم به آن خدائی که جان من در دست اوست که در این جنگ طلحه و زبیر کشته می‌شوند و اهل بصره شکست می‌خورند و از اهل کوفه پنج هزار و ششصد یا پانصد نفر با شما خروج می‌کنند.

ابن عباس می‌گوید:

ما حرکت کردیم بخدا قسم همانطور شد که علی«علیه السلام» فرموده بود زیرا که سیاهی لشکری پیدا شد و من از آنها استقبال نموده از مردی پرسیدم شما چند نفرید؟

گفت:

پنج هزار و پانصد نفر، از دو نفر دیگر پرسیدم آنها نیز همان جواب را گفتند.

Scanned by CamScanner

## الباب ٢٣

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلى فِيمَا أَخْبَرَ بِهِ مَوْلَانَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَنَّ خَالِدَ بْنَ عَرْفَطَةَ لَا يَمُوتُ حَتَّى يَحْمِلَ رَايَةَ ضَلَالَةٍ فَكَانَ كَذَلِكَ.

٣٤١. وَذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أُمِّ حَكِيمٍ بِنْتِ عَمْرِو بْنِ شَيْبَانِ الْجَدَلِّيَةِ، قَالَتْ: سَمِعْتُ عَلِيّاً وَ قَدْ جَاءَهُ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اِسْتَغْفِرْ لِخَالِدِ بْنِ عَرْفَطَةَ؛ فَإِنَّهُ قَدْ مَاتَ بِأَرْضِ تَيْمَاءَ (ارض مهلكه)، فَقَالَ: «كَذَبْتَ وَ اللهِ مَا مَاتَ وَ لَا يَمُوتُ حَتَّى يَدْخُلَ مِنْ هَذَا الْبَابِ، يَحْمِلُ رَايَةَ ضَلَالَةٍ» وَأَشَارَ إِلَى نَاحِيَةِ بَابِ الْفِيلِ.

قَالَتْ أُمّ حَكِيمٍ: فَرَأَيْتُ خَالِدَ بْنَ عَرْفَطَةَ يَحْمِلُ رَايَةَ مُعَاوِيَةَ حَتَّى دَخَلَ بِهَا مِنَ البَابِ الَّذِى أَشَارَ إِلَيْه عَلّي حَتَّى رَكَزَهَا وَسَطَ الْمَسْجِدِ وَ مُعَاوِيَةُ نَازِل بِالْقِبْلَةِ (مناقب ابن شهر آشوب ج ٢:ص ٢٧٠).

## الباب ٢٤

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِى أَيْضاً مِنْ تَعْرِيفِ اللهِ جَلَّ جَلَالُهُ لِلنَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) بِمَا جَرَتْ حَالُ مَوْلَانَا الْحُسَيْنِ (عليه السلام)

**٣٤٢.** وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) فِي بَيْتِي، قَالَ: «لَا يَدْخُلُ عَلَيَّ أَحَدٌ» فَدَخَلَ الْحُسَيْنُ، فَسَمِعْتُ نَشِيجَ (صوت مع البكاء) النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) يَبْكِى، فَدَخَلْتُ فَإِذَا حُسَيْنٌ فِي حِجْرِهِ يَمْسَحُ رَأْسَهُ وَ يَبْكِي، فَقُلْتُ: وَ اللهِ مَا عَلِمْتُ بِهِ حِينَ دَخَلَ، فَقَالَ: «إِنَّ جِبْرَئِيلَ كَانَ مَعَنَا فِي الْبَيْتِ، فَقَالَ: أَتُحِبُّهُ؟ فَقُلْتُ: أَمَّا مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَنَعَمْ، قَالَ: إِنَّ أُمَّتَكَ

Scanned by CamScanner

## باب بیست و سوم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون گفتار حضرت علی«علیه السلام» دربارهٔ خالدین عرفطه که قبل از مرگش پرچم گمراهی برافراشته خواهد کرد

**۳۴۱.** أم حکیم می‌گوید:

از علی«علیه السلام» شنیدم، در آنموقعی که مردی بآن حضرت می‌گفت: یا امیرالمؤمنین برای خالد بن عرفطه استغفار کن زیرا که در سرزمینی «تیم» از دنیا رفته است فرمود: دروغ می‌گویی بخدا قسم که او نمرده و نخواهد مرد تا اینکه از باب الفیل داخل شود و بیرق گمراهی را بدوش بگیرد، ام حکیم گوید: بعد از آن دیدم که خالد بن عرفطه بیرق معاویه را به دوش می‌کشید تا اینکه آنرا از همان دری که علی«علیه السلام» فرموده بود داخل کرد و آنرا در وسط مسجد متمرکز نمود معاویه هم از طرف قبله پیاده شد.

## باب بیست و چهارم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون خبر خداوند به پیامبر در آن‌چه که بر فرزندش حسین خواهد گذشت

**۳۴۲.** «ام سلمه» می‌گوید:

رسول خدا«علیه السلام» در خانه من بود، فرمود: کسی داخل نشود. ناگاه صدای گریه آنحضرت را شنیدم چون داخل شدم دیدم که حسین«علیه السلام» را در کنار خود نشانده و دست بسرش می‌مالد و گریه می‌کند، گفتم: یا رسول الله بخدا قسم نفهمیدم که حسین«علیه السلام» چگونه داخل حجره شد؟ در جوابم فرمود: جبرئیل در اینجا بود بمن گفت: آیا حسین را دوست داری؟ گفتم: آری

Scanned by CamScanner

سَتَقْتُلَهُ بِأَرْضٍ يُقَالُ لَهَا: كَرْبَلَاءُ» فَتَنَاوَلَ جَبْرَئِيلُ مِنْ تُرْبَتِهَا، فَأَرَاهُ النَّبِيَّ ﴿ﷺ﴾، فَلَمَّا أُحِيطُ بِالْحُسَيْنِ قَالَ: «مَا اسْمُ هٰذِهِ الْأَرْضِ؟» قَالُوا: كَرْبَلَاءُ، قَالَ: «صَدَقَ اللهُ، أَرْضُ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ»

(المعجم الكبير للطبراني ج ۳: ص۱۰۸-۱۰۹/ حديث ۲۸۱۹).

## الباب ۲۵

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنْ لِلسَّلِيلِى مِنْ تَعْرِيفِ مَوْلَانَا عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ لَمَّا اجْتَازَ بِكَرْبَلَاءَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ فِى مَوْضِعٍ مِنْهَا فَكَانَ كَذٰلِكَ.

**۳۴۳.** وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ الْمُتَّصِلِ عَنْ عَطَاءِ بْنِ السَّائِبِ عَنْ مَيْمُونَ عَنْ شَيْبَانٍ، قَالَ: أَقْبَلْنَا مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْ صِفِّينَ حَتَّى نَزَلْنَا كَرْبَلَاءَ وَ هُوَ عَلَى بَغْلَةٍ لَهُ، فَنَزَلَ عَنِ الْبَغْلَةِ فَأَخَذَ كَفّاً مِنْ تَحْتِ حَافِرِ الْبَغْلَةِ فَشَمَّهَا ثُمَّ قَبَّلَهَا وَ وَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَ بَكَى وَ قَالَ: «وَ أَيُّ حَبِيبٍ يُقْتَلُ فِى هَذَا الْمَوْضِعِ، كَأَنِّى أَنْظُرُ إِلَى ثِقْلٍ مِنْ آلِ رَسُولِ اللهِ قَدْ أَنَاخُوا بِهٰذَا الْوَادِى فَخَرَجْتُمْ إِلَيْهِم فَقَتَلْتُمُوهُمْ، وَيْلٌ لَكُمْ مِنْهُمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِنْكُم، مَا أَعْلَمُ شُهَدَاءَ أَفْضَلَ مِنْهُمْ إِلَّا شُهَدَاءَ خَلَقَهُمْ مَعَ مُحَمَّدٍ ﴿ﷺ﴾ بِبَدْرٍ» وَ قَالَ: «إِيتُونِي بِرِجْلِ حِمَارٍ أَوْ فَكِّ حِمَارٍ» فَأَتَيْتُهُ بِرِجْلِ حِمَارٍ مَيِّتٍ، فَأَوْتَدَهُ فِى مَوْضِعِ حَافِرِ الْبَغْلَةِ. فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ جِئْتُ فَاسْتَخْرَجْتُ رِجْلَ الْحِمَارِ مِنْ مَوْضِعِ دَمِهِ عليه السلام وَ إِنَّ أَصْحَابَهُ لَرِبْضَةٌ حَوْلَهُ

(شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، ج ۳،ص ۱۶۹، ۱۷۱).

Scanned by CamScanner

گفت: امت تو او را در زمینی که آنرا کربلا می‌گویند خواهند کشت پس جبرئیل از تربت کربلا آورد و به آن حضرت نشان داد موقعی که امام حسین(علیه السلام) را در کربلا محاصره کردند فرمود: اسم این زمین چیست؟ گفتند: کربلا فرمود: خدا راست می‌گوید، این زمین، زمین کرب و بلا است.

## باب بیست و پنجم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون کلام حضرت علی به یاران خود پیرامون شهادت حسین در کربلا

**۳۴۳.** شیبان می‌گوید:

با امیرالمؤمنین(علیه السلام) از صفین مراجعت می‌کردم تا اینکه بزمین کربلا رسیدیم حضرت از مرکب خود پیاده شد و کفی از خاک آن را برداشت و بوئید و بوسید و بر دو چشم خود نهاد و گریه کرد آنگاه فرمود: چه افراد دوست داشتنی در اینجا کشته می‌شوند مثل اینکه من به عده‌ای از آل رسول که در این وادی خوابیده‌اند می‌نگرم دشمنان بر آنها خروج می‌کنند و آنها را می‌کشند وای بر شما. از آنها و وای به آنها از شما، من شهدایی برتر از آنها نمی‌دانم غیر از آنهائی که در بدر با محمد(صلی الله علیه و آله) کشته شدند.

بعد از آن فرمود:

پا یا فکّ الاغی را برای من بیاورید من پای الاغ مرده‌ای را برای او آوردم، آن بزرگوار آن را در موضع سم استر فرو برد، وقتی که حسین(علیه السلام) کشته شد من آمدم و پای آن حمار را از جای خون آن حضرت خارج کردم و یاران او را (دیدم) که در اطراف آن کشته شده‌اند.

Scanned by CamScanner

## الباب ۲۶

### فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ الْـمَذْكُورِ فِى تَـعْرِيفِ مَـوْلَانَا عَـلَىٍّ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ بِمَا جَرَتْ حَالُهُ عَلَيْهِ.

**۳٤٤.** وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ الْـمُتَّصِلِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ نَجِيٍّ الْكِنْدِيِّ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ:

كُنَّا مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَرَجَعْنَا مِنْ صِفِّينَ، فَلَمَّا حَاذَى نَيْنَوى نَادَى عَلِي: «اِصْبِرْ أَبَا عَبْدِاللهِ بِشَطِّ الْفُرَاتِ» فَالْتَفَتَ اِلَيْهِ الْحُسَيْنُ، فَقَالَ: «وَ مَا ذَاكَ يَا أَمِيرَ الْـمُؤْمِنِينَ؟» قَالَ عَلِيٌّ: «دَخَلْتُ عَلَى النَّـبِيِّ (صلى الله عليه و آله) وَ عَـيْنَاهُ تَدْمَعَانِ، فَقُلْتُ: مَا بَالُ عَيْنَيْكَ تَدْمَعَانِ بِأَبِي وَ أُمِّي، فَقَالَ: قَامَ مِنْ عِنْدِي جَبْرَئِيلُ قَبْلَ سَاعَةٍ فَحَدَّثَنِي أَنَّ الْحُسَيْنَ يُقْتَلُ بِشَطِّ الْفُرَاتِ،

ثُمَّ قَالَ: هَلْ لَكَ أَنْ أُشِمَّكَ مِنْ تُرْبَتِهِ؟

قُلْتُ: نَعَمْ، فَمَدَّ يَدَهُ فَقَبَضَ قَبْضَةً مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ نَاوَلَنِيهَا، فَلَمْ أَمْلِكْ عَيْنَيَّ أَنْ فَاضَتَا». (شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، ج ۳،ص ۱۶۹، ۱۷۱)

فَذَكَرَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ جَرِيرِ الطَّبَرِيِّ صَاحِبِ التَّارِيخِ، وَ هُوَ مِنْ عُلَمَاءِ الْجُمْهُورِ، وَ قَدْ ذَكَرْتُ ثَنَائَهُمْ عَلَيْهِ فِى كِتَابِ الْأَنْوَارِ الْـبَاهِرَةِ، فَـقَالَ فِى كِتَابِ عُيُونِ أَخْبَارِ بَنِى هَاشِمٍ وَ قَدْ صَنَّفَهُ لِلْوَزِيرِ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى بْنِ الْجَرَّاحِ وَجَدْتُهُ وَرَوِيتُهُ مِنْ نُسْخَةٍ عَتِيقَةٍ ظَاهِرُ حَالِهَا أَنَّهَا كُتِبَتْ فِى حَيَاتِهِ، فَقَالَ مَا هَذَا لَفْظُهُ:

خَبَرٌ فِى ذِكْرِ الْـمَهْدِيِّ وَ الاِمَامِ.

# باب بیست و ششم

## بیانی است از کتاب فتن سلیلی از گفتار حضرت به فرزندش حسین از آنچه بر او خواهد گذشت

**۳۴٤.** عبدالله بن نجی کندی از پدرش روایت کرده که گفت:

ما با علی ابن ابیطالب(ع) از صفین باز می‌گشتیم همینکه روبروی نینوا رسیدیم علی(ع) با صدای بلند فرمود: یا اباعبدالله در شط فرات صبر کن، حسین(ع) با صدای بلند فرمود: برای چه یا امیر المؤمنین؟

فرمود: رفتم خدمت رسول خدا(ص) دیدم چشمان او پر از اشک است گفتم: پدر و مادرم فدای تو باد چرا گریه می‌کنی؟ فرمود: چند دقیقه قبل جبرئیل نزد من بود، بمن خبر داد که حسین(ع) را در کنار شط فرات کشته خواهد شد آیا مایلی که من از خاک او برای تو بیاورم تا ببوئی؟ گفتم: آری پس دست خود را دراز کرد و یکمشت خاک آورده و بمن داد چون آن خاک را دیدم چشمانم از اشک خشک نمی‌شوند.

آنگاه ابوجعفر محمد طبرسی صاحب تاریخ و یکی از علمای جمهور است و من در کتاب انوار الباهرة به ستایش و تعریف آنها پرداخته‌ام، پس در کتاب عیون اخبار بنی هاشم که آن را برای وزیر علی بن عیسی بن جراح نوشته، من آن را از نسخهٔ قدیمی که در حیات خود نوشته، یافتم و روایت کردم، و این عین خبری است که پیرامون حضرت مهدی نگاشته است و چنین است.

## الباب ۲۷

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كَوْنِ بَنِى أُمَيَّةَ كَانُوا أَعْدَاءَ بَنِى هَاشِمٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَ كَانُوا مَعَ ذَلِكَ عَارِفِينَ بِالْمَهْدِيِّ وَ مَذْكُوراً فِى أَيَّامِهِمْ وَ فِى أَيَّامِ مُعَاوِيَةَ.

**۳٤٥.** قَالَ: وَ بِإِسْنَادِهِ أَنَّ مُعَاوِيَةَ أَقْبَلَ يَوْماً عَلَى بَنِي هَاشِمٍ، فَقَالَ:

إِنَّكُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْتَحِقُّوا الْخِلَافَةَ بِمَا اسْتَحْقَقْتُمْ بِهِ النُّبُوَّةَ وَ لَمَّا تَجْتَمِعَا لِأَحَدٍ، وَلَعَمْرِى إِنَّ حُجَّتَكُمْ فِى الْخِلَافَةِ مُشْتَبِهَةٌ عَلَى النَّاسِ، إِنَّكُمْ تَقُولُونَ: نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ اللهِ، فَمَا بَالُ مَحَلِّهَا وَ نُبُوَّتُهُ فِى غَيْرِنَا، وَ هَذِهِ شُبْهَةٌ لَهَا تَمْوِيهٌ، وَ إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبْهَةُ شُبْهَةً؛ لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ حَتَّى تُعْرَفَ؛ وَ إِنَّمَا الْخِلَافَةُ تَتَقَلَّبُ فِى أَحْيَاءِ قُرَيْشٍ بِرِضَى الْعَامَّةِ وَ شُورَى الْخَاصَّةِ، فَلَمْ يَقُلِ النَّاسُ: لَيْتَ بَنِى هَاشِمٍ وَلَّوْنَا، وَ لَوْ أَنَّ بَنِى هَاشِمٍ وَلَّونَا لَكَانَ خَيْراً لَنَا فِى دِينِنا وَ دُنْيَانَا، فَلَا هُمْ اِجْتَمَعُوا عَلَيْكُمْ، وَ لَا هُمْ إِذَا اجْتَمَعُوا عَلَى غَيْرِكُمْ يَمْنَعُوكُمْ، وَ لَوْ زَهِدْتُهُمْ فِيهَا أَمْسَ لَمْ تُقَاتِلُونَنَا عَلَيْهَا الْيَوْمَ،

وَ قَدْ زَعَمْتُمْ أَنَّ لَكُمْ مُلْكاً هَاشِمِيّاً وَ مَهْدِيّاً قَائِماً وَ الْمَهْدِيُّ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، وَ هَذَا الْأَمْرُ فِى أَيْدِينا حَتَّى نُسَلِّمُهُ إِلَيْهِ،

وَ لَعَمْرِى لَئِنْ مَلَكْتُمْ مَا رِيحَ عَادٍ وَ لَا صَاعِقَةُ ثَمُودَ بِأَهْلَكَ لِلنَّاسِ مِنْكُمْ، ثُمَّ سَكَتَ. فَقَامَ فِيهِمْ عَبْدُاللهِ بْنِ عَبَّاسٍ، فَحَمَدَ اللهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ،

ثُمَّ قَالَ: أَمَّا قَوْلُكَ: إِنَّا لَا نَسْتَحِقُّ الْخِلَافَةَ بِالنُّبُوَّةِ، فَإِذَا لَمْ نَسْتَحِقَّ الْخِلَافَةَ بِالنُّبُوَّةِ فَبِمَ نَسْتَحِقُّ؟

Scanned by CamScanner

# باب بیست و هفتم

## در آنچه که باید گفت از اینکه بنی امیه دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام و بنی هاشم‌اند با این وجود به جریان کار حضرت مهدی آگاهی دارند و در زمان خود معاویه مورد بحث آنها بوده است

**۳٤٥.** محمد بن جریر طبری می‌گوید: روزی معاویه نزد بنی هاشم آمد و گفت، شما بنی‌هاشم می‌خواهید همانطور که استحقاق نبوت را داشتید لیاقت خلافت را نیز داشته باشید در صورتیکه نبوت با خلافت برای احدی جمع نشده‌اند، بجان خود سوگند که حجت و دلیل شما بر مردم مشتبه شده است، زیرا شما می‌گوئید: ما اهل بیت خدائیم پس چرا نبوت در خانواده ماست و خلافت در خانواده دیگران و این سخن مسئله رابر مردم مشتبه می‌کند و علت اینکه شبهه را شبه می‌گویند اینست که نمی‌گذارد حق شناخته شود. خلافت برضای عموم و شورای مردمی، نصیب مردان زنده قریش خواهد شد، مردم نمی‌گویند: ای کاش بنی‌هاشم سرپرست ما بودند اگر بنی هاشم سرپرست ما بودند برای دین و دنیای ما خوب بود، مردم بدور غیر شما جمع نشده‌اند که شما را از خلافت ممنوع کنند اگر شما قبل از این بخلافت مایل نبودید امروز برای آن با ما جنگ نمی‌کردید شما گمان می‌کنید که دارای سلطنت هاشمی و مهدی قائم هستید در صورتیکه مهدی عیسی بن مریم است و امر خلافت در دست ماخواهد بود تااینکه آن را به عیسی واگذاریم قسم بجان خودم اگر شما سلطنت می‌کردید خطر هلاکت برای مردم از عذاب قوم هود و ثمود بیشتر بود، آنگاه معاویه ساکت شد.

بعد از گفتگوی معاویه، عبدالله بن عباس از جای خود برخاست و حمد و ثنای خدای را بجای آورده گفت: اما اینکه گفتی: ما به وسیله نبوت مستحق خلافت نیستیم اگر بجهت نبوت استحقاق خلافت را نداشته باشیم پس بچه وسیله این استحقاق را خواهیم داشت؟

Scanned by CamScanner

وَ أَمَّا قَوْلُكَ: اِنَّ النُّبُوَّةَ وَ الْخِلَافَةَ لَمْ تَجْتَمِعَا لِأَحَدٍ، فَأَيْنَ قَوْلَ اللهِ عَزَّوَجَلّ: (فَقَدْ آتَيْنَا آلَ اِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةِ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكاً عَظِيماً)(سورة النساء/٥٤) فَالْكِتَابُ: النُّبُوَّةُ، وَ الْحِكْمَةُ: السُّنَّةُ، وَ الْمُلْكُ: الْخِلَافَةُ، نَحْنُ آلُ اِبْرَاهِيمَ، أَمْرُ اللهِ فِينَا وَ فِيهِم وَاحِدٌ، وَ السُّنَّةُ فِينَا وَ فِيهِمْ جَارِيَةٌ. وَ أَمَّا قَوْلُكَ: وَ اِنَّكَ لَتَعْلَمُ ذَلِكَ، وَ لَكِنْ ثَنى عَطْفُكَ وَصَعَّرَ خَدُّكَ، قَتَلْنَا أَخَاكَ وَجَدَّكَ وَ عَمَّكَ وَ خَالَكَ، فَلَا تَبْكِ عَلَى عِظَامٍ حَائِلَةٍ وَ أَرْوَاحٍ زَائِلَةٍ فِي الْهَاوِيَةِ وَ لَا تَغْضِبَنَّ لِدِمَاءٍ أَحَلَّهَا الشِّرْكُ وَ وَضَعَهَا الاِسْلَامُ، فَامَّا تَرْكُ النَّاسُ أَنْ يَجْتَمِعُوا عَلَيْنَا فَمَا حَرَمُوا مِنَّا أَعْظَمُ مِمَّا حَرَّمْنَا مِنْهُمْ، وَ كُلُّ أَمْرٍ اِذَا حَصَلَ حَاصِلُهُ ثَبَتَ حَقُّهُ وَ زَالَ بَاطِلُهُ.

وَ أَمَّا قَوْلُكَ: اِنَّا زَعَمْنَا أَنَّ لَنَا مُلْكاً مَهْدِيّاً، فَالزَّعْمُ فِي كِتَابِ اللهِ شَكٌّ، قَالَ اللهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى: (زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يَبْعَثُوا قُلْ بَلَى وَ رَبِّي لَتُبْعَثُنَّ) (سورة التغابن/٧)

فَكُلٌّ يَشْهَدُ أَنَّ لَنَا مُلْكاً لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا اِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ مَلَّكَهُ اللهُ فِيهِ، وَ أَنَّ لَنَا مَهْدِياً لَوْ لَمْ يَبْقَ اِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ بَعَثَهُ لِأَمْرِهِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً، لَا يَمْلِكُونَ يَوْماً اِلَّا مَلَكْنَا يَوْمَيْنِ، وَ لَا شَهْراً اِلَّا مَلَكْنَا حَوْلَيْنِ. وَ أَمَّا قَوْلَكَ: اِنَّ الْمَهْدِيَّ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، فَاِنَّمَا يَنْزِلُ عِيسَى عَلَى الدَّجَّالِ، فَاِذَا رَآهُ ذَابَ كَمَا تَذُوبُ الشَّحْمَةُ وَ الْاِمَامُ رَجُلٌ مِنَّا يُصَلِّي عِيسَى خَلْفَهُ لَوْ شِئْتَ سَمَّيْتَهُ. وَ أَمَّا رِيحُ عَادٍ وَ صَاعِقَةُ ثَمُودٍ فَاِنَّهُمَا كَانَتَا عَذَاباً وَ مُلْكُنَا رَحْمَةٌ. يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ الطَّاوُوسِ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ: وَ لَمْ يَذْكُرْ أَنَّ مُعَاوِيَةَ أَقْدَمَ عَلَى رَدِّ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبَّاسٍ عَنْ هَذَا الْجَوَابِ.

Scanned by CamScanner

اما اینکه گفتی: نبوت و خلافت برای احدی جمع نمی‌شود پس معنی این آیه چیست که خدا می‌فرماید: (فقد آتینا آل ابراهیم الکتاب و الحکمه و آتیناهم ملکا عظیما) لفظ کتاب در این آیه بمعنای نبوت و لفظ حکمت بمعنای سنت و کلمه ملک بمعنای خلافت است و ما هم آل ابراهیم هستیم و امر خدا نسبت بما و آنها یکی است و سنت در بین ما جاری خواهد بود.

اما اینکه گفتی: حجت و دلیل ما مردم را به اشتباه می‌اندازد به خدا قسم دلیل‌های ما از آفتاب روشن‌تر و از ماه نورانی‌تر است و تو هم می‌دانی ولی تو از این جهت از ما روگردانی که برادر و جد و عمو و دایی تو را کشتیم، برای استخوان و ارواحی که در دوزخ وارد شدند گریه مکن و برای خونبهایی که شرک، ریختن آنها را حلال کرده و اسلام آنها را ناچیز کرده غضب مکن. و اما اینکه مردم ما را ترک کردند اگر مردم به دور ما جمع می‌شدند آنچه را که از ما حرام می‌کردند بیشتر از آن بود که ما از آنها حرام کنیم و هر امری که محصول آن حاصل شود حقش ثابت و باطلش از بین می‌رود. اما اینکه گفتی: ما گمان می‌کنیم سلطنت هاشمی و مهدی قائم داریم، در قرآن معنی گمان شک است چنانکه خدای تعالی می‌فرماید: (آنهائی که کافر شدند گمان می‌کنند که برانگیخته نمی‌شوند بگو: بلی به خدا قسم که شما حتما برانگیخته خواهید شد.) و همه مردم می‌دانند که ما مهدی قائمی داریم که اگر از دنیا بیشتر از یک روز باقی نمانده باشد خدا او را برمی‌انگیزد تا زمین را پر از عدل و داد کند همچنانکه پر از ظلم و جور شده باشد، و شما یک روز سلطنت نمی‌کنید مگر اینکه ما دو روز سلطنت خواهیم نمود، شما یک ماه، سلطنت نخواهید کرد مگر اینکه ما دو ماه سلطنت خواهیم نمود، شما یک سال سلطنت نمی‌کنید؟ الا اینکه ما دو سال سلطنت می‌نمائیم. اما اینکه گفتی: مهدی عیسی بن مریم است (اینطور نیست) بلکه عیسی از آسمان نزول می‌کند به جهت (از بین بردن) دجال، چون عیسی را ببیند آب می‌شود آن طوری که چربی آب می‌شود و امام مردی است از ما که عیسی به او اقتداء می‌کند اگر می‌خواهی نام او را بگویم می‌گویم: اما باد و صاعقه‌ای که بر قوم عاد و ثمود مسلط شد آنها عذاب الهی‌اند و سلطنت ما رحمت خواهد بود. آنگاه سید بن طاووس رحمة الله می‌گوید: معاویه به ابن عباس جوابی نگفت:

Scanned by CamScanner

# الباب ٢٨

فِيمَا نَذْكُرُهُ أَيْضاً مِنْ كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ جَرِيرِ الْطَّبَرِيِّ، الَّذِى سَمَّاهُ عُيُونَ أَخْبَارِ بَنِى هَاشِمٍ، وَ مُنَاظِرَةُ عَبْدِاللهِ بْنِ عَبَّاسٍ لِمُعَاوِيَةَ فِى إِثْبَاتِ أَمْرِ الْمَهْدِىِّ.

فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ لِمُعَاوِيَةَ مَا هَذَا لَفْظُهُ:

٣٤٦. أَقُولُ: اِنَّهُ لَيْسَ حَىّ مِنْ قُرَيْشٍ يَفْخَرُونَ بِالنّبُوَةِ الَّتِى لَا يُشَارِكُونَ فِيهَا وَ لَا يَسَاوُونَ بِهَا وَ لَا يُدَافِعُونَ عَنْهَا،

وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللهُ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ مِنْ قُرَيْشٍ مُحَمَّداً اِلَّا وَ قُرَيْشٌ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ، وَ لَمْ يَجْعَلْهُ مِنْ بَنِى هَاشِمٍ اِلَّا وَ هَاشِمُ خَيْرُ قُرَيْشٍ، وَ لَمْ يَجْعَلْهُ مِنْ بَنِى عَبْدِ الْمُطَّلِبْ اِلَّا وَ هُمْ خَيْرُ بَنِى هَاشِمٍ، وَلَسْنَا نَفْخَرُ عَلَيْكُمْ اِلَّا بِمَا تَفْخَرُونَ بِهِ عَلَى الْعَرَبِ

وَ هَذِهِ اُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ، فَمِنْهَا نَبِيُّهَا وَ مَهْدِيُّهَا وَ مَهْدِىُّ آخِرُهَا مِنْ أَوَّلِهَا لِأَنَّ بِنَا فُتِحَ الْأَمْرُ وَ بِنَا يُخْتَمُ، وَ لَكُمْ مُلْكٌ مُعَجَّلٌ وَ لَنَا مُلْكٌ مؤَجّلٌ، فَاِنْ يَكُنْ مُلْكُكُمْ قَبْلَ مُلْكِنَا فَلَيْسَ بَعْدَ مُلْكِنَا مُلكٌ، لِأَنَّا أَهْلُ الْعَاقِبَةِ، وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

Scanned by CamScanner

# باب بیست و هشتم

## آن‌چه که نقل می‌کنیم از کتاب طبری پیرامون مناظره عبدالله بن عباس با معاویه پیرامون حضرت مهدی (عج)

**۳٤٦.** محمد بن جریر طبری در کتاب (عیون اخبار بنی هاشم) می‌نویسد:

ابن عباس به معاویه گفت:

هیچ کس از قریش نیست که راجع به امری افتخار کند مگر اینکه دیگری با او شریک خواهد بود، فقط بنی هاشم‌اند که به نبوت افتخار می‌کنند و احدی در نبوت با آنها شرکت ندارد و مساوی با آنها نیست و کسی نظیر بنی‌هاشم از نبوت دفاع نمی‌کند.

من شهادت می‌دهم که خدا حضرت محمّد ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ را از قریش قرار نداد مگر اینکه قریش را بهترین مردم قرار داد. خدا حضرت محمد﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ از بنی‌هاشم قرار نداد الا اینکه آنها از بهترین بنی هاشمند و ما به شما فضیلتی نداریم الا آن فضیلتی که عرب و این ملت به آن افتخار می‌کنند.

نبی و مهدی از این امت است و مهدی در آخر این امت خواهد بود زیرا که امر(اسلام) با ما آغاز شد و با ما هم پایان خواهد پذیرفت،

اگر سلطنت شما قبل از سلطنت ما است بعد از سلطنت ما سلطنتی نخواهد بود زیرا سرانجام برای مردم با تقوی است.

Scanned by CamScanner

## الباب ۲۹

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِأَبِى صَالِحِ السَّلِيلِى الَّذِى تَأرِيخُ كِتَابَتِهِ سَنَةُ سَبْعُ وَثَلَاثَمِائَةٍ - أَنْ كَعْباً ذَكَرَ أَنَّ الْـمَهْدِىَّ مَذْكُور فِى التَّوْرَاةِ.

فَقَالَ السَّلِيلِىُّ مَا هَذَا لَفْظُهُ:

**۳٤٧.** أَخْبَرَنَا دُوَيْرِيَّةُ الدِّيْنَورِىَّ الْحَنَّاطِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ الْـمُغَازِلِى، قَالَ: أَخْبَرَنَا ضَمُرَةُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا ابْنُ شَوْذَبٍ عَنْ أَبِي الْمِنْهَالِ عَنْ أَبِي زِيَادٍ عَنْ كَعْبٍ، قَالَ:

إِنِّى لَأَجِدُ الْـمَهْدِىَّ مَكْتُوباً فِى أَسْفَارِ التَوْرَاةِ مَا عَمِلَهُ ظُلْمٌ وَ لَا عَيْبٌ (كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۵۷/حديث ۱۰۳٤).

أَقُولُ: وَ قَدْ ذَكَرَ السَّلِيلِىُّ فِى كِتَابِهِ أَنَّ عمرَ بْنَ عَبْدِ الْعَزِيزِ كَانَ يَعْرِفُ الْـمَهْدِىَّ وَ أَنَّهُ سَأَلَ عَنْهُ بَعْضُ الدَّيْرَانِيِّينَ مِنَ النَّصَارَى،

فَصَارَ الْـمَهْدِىُّ مَذْكُوراً فِى التَّوْرَاةِ وَ الانْجِيلِ أَوْ فِى مِلَّتِهِمَا بِرِجَالِ الْجُمْهُورِ.

## فصل

فِيمَا رَأَيْتُهُ مِنْ أُصُولِ الشِّيعَةِ مِنْ مَدْح عُمَر بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ.

**۳٤٨.** قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام - وَ أَنَا عِنْدَهُ- عَنْ عُمَرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ:

أَهُوَ مِنَ الشَّجَرَةِ الْـمَلْعُونَةِ؟

فَقَالَ: «لَا تَقُلْ لِعُمَرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ إِلَّا خَيْراً، مَا صَنَعَ إِلَيْنَا أَحَدُ بَعْدَ رَسُولِ اللهِ «صلى الله عليه» وَسَلَّمَ مَا صَنَعَ إِلَيْنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ».

Scanned by CamScanner

## باب بیست و نهم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی از اینکه کعب گفته است که نـام حـضرت مهدی (عج) در تورات آمده است

سلیلی در این باره چنین می‌گوید:

**۳٤۷.** کعب می‌گوید:

من نام مهدی (عج) را در نوشته‌های تورات یافته‌ام و کارش هم آمیخته با ظلم و فساد نیست.

سید بن طاووس می‌گوید: سلیلی در کتاب خود ذکر کرده که عـمر بـن عبدالعزیز، مهدی (عج) را می‌شناخت و بعضی از صومعه نشینان نصارا راجع به مهدی (عج) از عمر بن عبدالعزیز سئوال مـی‌کردند پس بـنابرایـن (نـام آنحضرت) در تورات و انجیل مذکور و مرقوم است.

## فصل

آنچه که از اصول شیعه از مدح عمر بن عبدالعزیز دیدم.

**۳٤۸.** گفت: من نزد امام باقر بودم که مردی از حضرت درباره عمر بن عبدالعزیز پرسید که آیا او از شجرهٔ ملعونه است؟ (یعنی دودمان بنی امـیه) حضرت فرمود: خیر سخن خوب درباره عمر بن عبدالعزیز بگوئید زیرا بعد از رسول خدا (ص) هیچکس مانند او رفتار مناسب با ما نداشت.

Scanned by CamScanner

**٣٤٩.** وَ مِنَ الْأَصْلِ الْـمَذْكُورِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

«يَبْعَثُ عُمَرُ بْنَ عَبْدِ الْعَزِيزِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ».

وَ كُتِبَ فِي آخِرِ هَذَا الْأَصْلِ: تَمَّ كِتَابُ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْبِجِلِّيِّ.

وَ رَأَيْتُ فِي كِتَابِ الْفِهْرِسْتِ لِلنَّجَاشِيِّ مَا هَذَا لَفْظُهُ: مُوسَى بْنَ الْقَاسِمِ الْبِجِلِّيِّ أَبُو عَبْدِاللهِ، يُلَقَّبُ الْمُجَلِّيُّ ثِقَةٌ ثِقَةٌ جَلِيلٌ وَاضِحُ الْحَدِيثِ حَسَنُ الطَّرِيقِ لَهُ كُتُبٌ ثُمَّ سَمَّاهَا النَّجَاشِي (رجال النجاشي:ص ٤٠٥/حديث ١٠٧٣).

وَ قَدْ ذَكَرْنَا هَذَا لِنُثْبِتَ الْـمَدْحَ لِعُمَرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ جَزَاهُ اللهُ جَلَّ جَلَالُهُ عَنَّا خَيْرَ الْجَزَاءِ.

وَ ذَكَرَ ابْنُ الْأَثِيرِ فِي تَارِيخِهِ فِي تَرْجِمَةِ خَلَافَةِ عُمَرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عِنْدَ ذِكْرِ سِيرَتِهِ مَا هَذَا لَفْظُهُ:

**٣٥٠.** قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ:

«إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ نَجِيبَةً، وَ إِنَّ نَجِيبَةَ بَنِي أُمَيَّةَ عُمَرُ ابْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ، وَ إِنَّهُ يَبْعَثُ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أُمَّة وَاحِدَة» (الكامل فى التأريخ ج ٥:ص ٦٢).

## فصل

وَ رَأَيْتُ فِي كِتَابِ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ ذِي النَّابِ - وَ هُوَ مِنْ أُصُولِ أَصْحَابِنَا - فِي مَدْحِ عُمَرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ مَا هَذَا لَفْظُهُ:

**٣٥١.** وَ عَنْهُ عَنْ زُرَارَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّ عُمَرَ بْنَ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَسَّمَ غَلَّةَ فَدَكَ بَيْنَنَا، وَ أَعْطَى الْكَبِيرَ وَ الصَّغِيرَ

Scanned by CamScanner

**۳۴۹.** در آغاز اصل مذکور از امام باقر(علیه السلام) چنین رسیده که فرمود: «در قیامت عمر بن عبدالعزیز بصورت امت واحد برانگیخته خواهد شد».
در پایان این اصل نوشته شده کتاب موسی بن قاسم بجلی پایان یافت. و درکتاب فهرست نجاشی چنین دیدم: موسی بن قاسم بجلّی ابوعبدالله ملقب به ثقه مردی جلیل‌القدر دارای کتابهای فراوانی بود که بعدها به نجاشی معروف شد. ما این مطالب را بخاطر اثبات مدح عمر بن عبدالعزیز آوردیم که خداوند به او بهترین پاداشها را بدهد.
ابن اثیر در تاریخ خود، پیرامون خلافت عمر بن عبدالعزیز چنین آورده است.

**۳۵۰.** امام باقر(علیه السلام) فرمود: برای هر قومی مرد نجیبی است و نجیب بنی‌امیه عمر بن عبدالعزیز بود که روز قیامت بصورت امت واحد مبعوث خواهد شد.

## فصل

من درکتاب حماد بن عثمان ذی النّاب که از بزرگان صحابه ما است در مدح عمر بن عبدالعزیز چنین دیدم این است کلام او:

**۳۵۱.** درکتاب حماد بن عثمان از زراره روایت کرده که گفت: از امام جعفر صادق(علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: عمر بن عبدالعزیز، غله و فوائد فدک

Scanned by CamScanner

مِنَّا سَوَاءً، فَكَتَبَ اِلَيْهِ زَيْدُ بْنُ الْحَسَنِ أَنَّ أَبِي أَعْطَى كَمَا تُعْطِي أَصْغَرُ صَبِيٍّ فِينَا، فَكَتَبَ اِلَيْهِ عُمَرُ: يَا زَيْدَ بْنَ الْحَسَنِ لَقَدْ كُنْتَ مَا تَرَى اِنَّكَ تَعِيشُ حَتَّى تَرَى رَجُلاً مِنْ بَنِي اُمَيَّةَ يَصْنَعُ بِكَ هَذَا.

**٣٥٢.** وَ كَتَبَ عَامِلُ الْـمَدِينَةِ إِلَى عُمَرَ:

اِنَّ فِي وُلْدِ عَلِيٍّ مَنْ لَيْسَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ، فَكَتَبَ اِلَيْهِ عُمَرُ: لَا تُعْطِهَا اِلَّا وُلْدَ عَلِيٍّ مِنْ فَاطِمَةَ (شرح نهج البلاغة – لابن أبي الحديد – ج١٦: ص٢٧٨).

**٣٥٣.** [قَالَ:] اِنَّ سَهْلَ بْنَ عَبْدِ الْعَزِيزِ أَخَا عُمَرَ قَالَ لَهُ: أَيُّ شَيْءٍ تَصْنَعُ؟ اِنَّ هَذَا طَعْنٌ عَلَى الْخُلَفَاءِ قَبْلَكَ، فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: دَعْنِي فَاِنِّي كُنْتُ عَامِلاً عَلَى الْـمَدِينَةِ، فَسَمِعْتُ ذَلِكَ وَ سَأَلْتُ عَنْهُ حَتَّى عَلِمْتُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ] قَالَ: «مَنْ آذى فَاطِمَةَ فَقَدْ آذَانِي»

(شرح نهج البلاغة – لابن أبي الحديد – ج١٦: ص٢٧٨).

## الباب ٣٠

### فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِيِّ أَنَّ الْـمَهْدِيَّ كَانَ مَذْكُوراً فِي أُمَّةِ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

**٣٥٤.** وَ ذَكَرَ فِي تَرْجِمَةِ عُمَرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ اِبْرَاهِيمَ، قَالَ: حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ خِرَاشٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَحْيَى اِمَامُ بَنِي جَلَنْدِي بِالْـمُوصِلِ، قَالَ:

أَرْسَلَ عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنِ مَرْوَانَ اِلَى دَيْرَانِيٍّ، فَقَالَ: اُنْظُرْ هَلْ تَرى فِي وُلْدِي خَلِيفَةٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، هَذَا عُمَر بن عَبْدِ الْعَزِيزِ، قَالَ: فَلَمَّا اسْتَخْلَفَ عُمَرُ أَرْسَلَ اِلَى الدَّيْرَانِيِّ، قَالَ: فَقَالَ: اِنَّا نَقُولُ: اِنَّ مِنَّا مَهْدِيّاً فَهَلْ تَرَانِي ذَلِكَ الْـمَهْدِيَّ؟ فَقَالَ لَهُ: لَا، وَلَكِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ، فَقَالَ عُمَرُ: الْحَمْدُ للهِ الَّذِي جَعَلَنِي رَجُلاً صَالِحاً.

Scanned by CamScanner

را بین کبیر و صغیر ما علی السویه تقسیم کرد و زید بن حسن برای عمر بن عبدالعزیز نوشت: پدرم همینطور که توبه کوچک‌ترین بچه‌های ما می‌بخشی او هم می‌داد در جوابش نوشت: ای زید بن حسن تو زنده خواهی بود تاببینی مردی از بنی امیه کار خود را اینطور انجام می‌دهد.

**۳۵۲.** حاکم مدینه برای عمر بن عبدالعزیز نوشت: در بین فرزندان علی﴿علیه السلام﴾ افرادی هستند که اولاد فاطمه نیستند عمر بن عبدالعزیز در جوابش نوشت: از درآمد فدک بغیر از فرزندان فاطمه﴿علیها السلام﴾ عطاء مکن.

**۳۵۳.** راوی گوید: سهل بن عبدالعزیز بعمر گفت: این عمل تو باعث طعن بر خلفاء قبل از تو می‌شود، عمر در جوابش گفت: دست از سرم بردار، آن موقعی که در مدینه عامل بودم فهمیدم که رسول خدا﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ فرمود: کسیکه فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کرده است.

## باب سی ام

### بیانی از کتاب فتن سلیلی در اینکه حضرت مهدی در امت عیسی ذکر شده است

**۳۵٤.** ابویحیی می‌گوید عبدالعزیز نزد دیرانی (یعنی راهب) فرستاد که نظر کن و ببین از فرزندان من خلیفه خواهند شد؟ گفت:

آری این خلعت بر قامت عمر بن عبدالعزیز بریده شده، موقعیکه عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید نزد دیرانی فرستاد که ما می‌گوئیم، مهدی از ما است نگاه کن ببین مهدی از ما است؟ دیرانی در جواب گفت: خیر ولی تو مردی صالح خواهی بود، عمر گفت: الحمدلله که خدا مرا مرد صالحی قرار داده است:

Scanned by CamScanner

## الباب ٣١

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِي أَيْضاً أَنَّ مَوْلَانَا عَلِيّاً عَلَيْهِ السَّلَامُ عَرَّفَ مَنْ حَضَرَهُ بِمَا جَرَى لِزَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام

**٣٥٥.** وَ ذَكَرَ السَّلِيلِي فِي كِتَابِ الْفِتَنِ بِإِسْنَادٍ أَشَارَ إِلَيْهِ:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَقَفَ بِالْكُوفَةِ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي صُلِبَ فِيهِ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ، فَبَكَى حَتَّى اخْضَلَّتْ لِحْيَتُهُ، وَ بَكَى النَّاسُ لِبُكَائِهِ، فَقِيلَ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِمَّ بُكَاؤُكَ؟ فَقَدْ أَبْكَيْتَ أَصْحَابَكَ، فَقَالَ: «أَبْكِي إِنَّ رَجُلاً مِنْ وُلْدِي يُصْلَبُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ لَا أَرَى فِيهِ حِسه مَنْ رَضِيَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عَوْرَتِهِ». (النهاية-لابن الأثير- ج ٢:ص ٤٣)

**٣٥٦.** قَالَ: فَفِي الْخَبَرِ:

إِنَّ هُشَّامَ بْنَ عَبْدِ الْمَلِكِ صَلَبَهُ مَكْشُوفَ السَّوْأَةِ، فَنَزَلَ بَطْنُهُ فَغَطَّتْ سَوْأَتُهُ، رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ.

## الباب ٣٢

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِي مِنْ رِوَايَةِ عَبْدِاللهِ بْنِ عَمْرٍ وَ لِمَا يَكُونُ فِي الْإِسْلَامِ مِنْ أَنَّ الْقَاتِلَ وَ الْمَقْتُولَ فِي النَّارِ حَتَّى يَظْهَرَ مَنْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً.

**٣٥٧.** قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَرِير، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ حُمَيْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَكَمُ، قَالَ:

أَنْبَأَنَا خَلَّادُ بْنُ أَسْلَمَ الصَّفَّارُ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْحَارِثِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ: تَكُونُ فِتْنَةٌ يُقَالُ لَهَا: «السَّبِيطَةُ» قَتْلَاهَا فِي النَّارِ، فَقُلْتُ: وَ هُمَا مُسْلِمَانِ؟ قَالَ: وَ هُمَا مُسْلِمَانِ،

Scanned by CamScanner

## باب سی و یکم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی به اینکه حضرت علی(علیه السلام) حوادثی که بر زید خواهد گذشت بیان نموده است

**۳۵۵.** سلیلی در کتاب خود می‌نویسد. روزی امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) در کوفه در همان موضعی که زید بن علی را به دار زدند توقف کرده آنقدر گریه کرد که محاسین شریفش تر شد و مردم بجهت گریه آن حضرت گریه کردند، از آن بزرگوار پرسیدند: گریه شما برای چه بوده که یاران خود را بگریه انداختی؟ فرمود: یکی از فرزندان من در اینموضع بدار آویخته خواهد شد. و من در مکان او نگاه نمی‌کنم زیرا می‌ترسم که کسی راضی شود بعورت او نظر کند.

**۳۵۶.** راوی گوید: در خبر است که هشام بن عبدالملک زید را به دار زد در صورتیکه عورت او باز بود ولی شکم زید بطوری پائین آمد که عورت او را پوشاند.

## باب سی و دوم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی باینکه عبدالله بن عمرو گفته است در اسلام قاتل و مقتول هر دو آتش‌اند تا اینکه حضرت مهدی (عج) ظهور کند و جهان را پر از عدل و داد نماید

**۳۵۷.** عبدالله بن عمرو می‌گوید:

فتنه‌ای بر پا می‌شود که آن فتنه را «سبیطه» می‌گویند و قربانیهای آن در آتش خواهند بود راوی گوید: گفتم: آن قربانیها مسلمانند؟ گفت: آری مسلمانند، دوباره پرسیدم آن‌ها مسلمانند؟ گفت: بلی آن‌ها مسلمانند، گفتم،

Scanned by CamScanner

قُلْتُ: وَ هُمَا مُسْلِمَانِ؟ قَالَ: وَ هُمَا مُسْلِمَانِ، قُلْتُ: لِمَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُمْ تغَالَبُوا عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ لَمْ يَتَغَالَبُوا عَلَى أَمْرِ اللهِ، فَقُلْتُ: قَدْ كَانَ ذٰلِكَ، قَالَ: مَتَى لِلّٰهِ أَبُوكَ؟ فَقُلْتُ: فِتْنَةُ عُثْمَانَ، قَالَ: كَلاَّ وَ الَّذِى بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ حَتَّى يَدْخُلَ عَلَى الْعَرَبِ كُلِّهِمْ حِجْرُهَا وَ حَتَّى يَأْتِيَ الرَّجُلُ الْقَبْرَ فَيَقُولُ: يَا لَيْتَنِى كُنْتُ مَكَانَكَ، وَ حَتَّى تَمْلَأَ الْأَرْضُ ظُلْماً وَ جَوْراً، قُلْتُ: ثُمَّ مَهْ؟ قَالَ: ثُمَّ يَبْعَثُ اللهُ رَجُلاً يَمْلَئُهَا قِسْطاً وَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً، يَعِيشُ بِضْعَ سِنِينَ، فَقُلْتَ: وَ مَا الْبِضْعُ؟ قَالَ: زَعَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنَّهُ تِسْعُ أَوْ سَبْعُ.

## الباب ۳۳

### فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِى أَيْضاً فِى ذَمِّ بَنِى أُمَيَّةَ وَ أَنَّهُمْ شَرُّ الْقَبَائِلِ

**۳۵۸.** وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ(ص):

«إِنَّ شَرَّ قَبَائِلِ الْعَرَبِ بَنَوْ أُمَيَّةَ وَ بَنُو حَنِيفَةَ»

(مجمع الزوائد ج ۱۰:ص ۷۱–۷۲).

**۳۵۹.** وَرُوِىَ عِدَّةُ أَحَادِيثٍ عَنْ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ وَ عَنْ مَوْلَانَا عَلِيٍّ وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسَ فِى قَوْلِهِ تَعَالَى(أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِين بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللهِ كُفْراً وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارَ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا)(ابراهيم:۲۸و۲۹)

أَنَّهُمْ بَنُو الْمُغَيْرَةِ وَ بَنُو أُمَيَّةَ، وَ أَنَّ بَنِى الْمُغَيْرَةِ قُتِلُوا يَوْمَ بَدْرٍ، وَ أَنْ بَنِى أُمَيَّةَ مَتَّعُوا إِلَى حِينٍ. (المستدرک–للحاکم– ج ۲:ص ۳۵۲).

Scanned by CamScanner

برای چه؟ گفت: برای اینکه آنها نه بخاطر خدا بلکه بخاطر دنیا بر یکدیگر چیره می‌شوند گفتم: این فتنه قبلا هم چنین بوده، گفت: چه موقع؟ گفتم: در زمان عثمان گفت: ابداً سوگند به آن خدائیکه محمد(صلی الله علیه و آله) را بحق مبعوث کرده این موضوع عملی نمی‌شود تا آن موقعی که همه عرب در حجره‌های خود داخل شوند و شخص نزد قبر آمده بگوید: ایکاش من بجای تو بودم، و زمین پر از ظلم و جور شود، گفتم بعد از آن چه خواهد شد؟ گفت: بعد از آن خدا مردی را بر می‌انگیزد که زمین را پر از عدل و داد می‌کند همچنانکه پر از ظلم و جور شده باشد آن مرد بقدر «بضع» سنین عمر می‌کند، گفتم: بضع کدام است؟! گفت: بگمان اهل کتاب نه و یا هفت سال است.

## باب سی و سوم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی در مذمت بنی امیه به اینکه آنها بدترین گروه‌اند

**۳۵۸.** سلیلی در کتاب خود ذکر کرده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: بدترین قبیله‌های عرب بنی امیه و بنی حنیفه‌اند.

**۳۵۹.** و از مولای ما علی(علیه السلام) و ابن عباس و عمر بن خطاب روایاتی در تفسیر آیه:

(الم تر الی الذین بدلو نعمة اللّه کفراً و احلوا قومهم دار البوار جهنم یصلونها)

(آیا نمی‌دانی که عده‌ای نعمت خدا را بکفر تبدیل کردند و عذاب جهنم را برای قوم خود حلال نمودند. (ابراهیم آیه ۲۸ و ۲۹)

چنین وارد شده است که آن افراد بنی مغیره و بنی امیه بودند، بنی مغیره در جنگ بدر کشته شدند و بنی امیه تا مدت معلومی از متاع دنیا برخوردار خواهند بود.

Scanned by CamScanner

## الباب ۳۴

### فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِي فِي ذَمِّهِ لِدَوْلَةِ بَنِي أُمَيَّةَ وَ دَوْلَةِ بَنِي الْعَبَّاسِ، وَ كَشْفِهِمَا بِآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِرِوَايَةِ الْأَوْزَاعِيِّ.

**۳٦٠.** قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو سَهْلٍ عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمُؤْمِنِ أَبُوبَكْرٍ الْمَرَاغِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَجَّاجُ عَنْ أَبِي عُتْبَةَ عَنْ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ عُبَيْدَةِ بْنِ أَبِي لُبَابَةَ، قَالَ:

كَانَ ابْنُ الدَّيْلَمِيِّ مِنْ حُفَّاظِ النَّاسِ، قَالَ: سَيَمْلِكُ بَنُو أُمَيَّةَ بِضْعاً وَ ثَمَانِيْنَ سَنَةً، ثُمَّ يَسْلُبُهُم اللهُ مُلْكَهُمْ بِرَايَاتٍ تَقْبَلُ مِنَ الْمَشْرِقِ سُودٍ، فَتَمْكُثُ الرَّايَاتُ السُّودُ حَتَّى تَعُمَّ بَلِيَّتُهَا كُلَّ مُؤْمِنٍ، ثُمَّ يَكْشِفُهَا اللهُ بِآلِ مُحَمَّدٍ(ﷺ)، وَ ذَلِكَ حَيْثُ يَلْقَى اللهُ بِأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ، وَ هِيَ إِمَارَةُ السُّفَهَاءِ وَ الصِّبْيَانِ الَّتِي حَدَّثَ النَّبِيُّ(ﷺ) أَنَّهُ «لَيْسَ لَهَا حُرْمَةُ أَمْرٍ وَ لَا عَهْدٍ وَ لَا مِيثَاقٍ، زَمَانِهِمْ زَمَانُ مُدْبِرٍ جَائِرٍ». (مسند أحمد ج٤:ص٢٦٥/ حديث ١٤٠٣٢).

## الباب ۳۵

### فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِيُّ أَيْضاً فِي عَدَدِ الْأَثْنَيْ عَشَرَ إِمَاماً مِنْ قُرَيْش

**۳٦١.** قَالَ: حَدَّثَنَا الْبَاغَنْدِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٌ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ الامُلي، قَالَ: حَدَّثَنَا زُهَيْرُ بْنُ مُعَاوِيَةُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سِمَاكُ بْنُ حَرْبُ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَلِيَ مِنْ أُمَّتِي اَثْنَا عَشَرَ أَمِيراً»

يَعْنِي مِنْ قُرَيْش (مسند أحمد ج٦:ص٩٤/حديث ٢٠٣٢٥).

Scanned by CamScanner

## باب سی و چهارم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی در مذمت حکومت بنی امیه و بنی عباس و بلایای عصر آنها که سرانجام براساس روایت اوزاعی با ظهور یکی از فرزندان محمّد (ص) بر طرف خواهد شد

**۳۶۰.** ابن دیلمی می‌گوید:

بنی امیه هشتاد و هفت یا هشتاد و نه سال سلطنت می‌کنند بعد از آن خدا سلطنت آن‌ها را بوسیله بیرقهایی سیاه که از طرف مشرق می‌آیند نابود می‌کند،

آنگاه آن بیرقهای سیاه بر افراشته‌اند تا اینکه بلای آن‌ها به هر مؤمنی برسد سپس خدا آن بلاء را بوسیله شخصی از آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) برطرف می‌کند و این مصیبت در وقتی است که افراد سفیه و بچه‌ها حکومت دارند،

آن چنان حکومتی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) درباره آن فرمود: هیچگونه حرمت و عهد و میثاقی ندارند و زمان آن‌ها زمانه پر ستمی است.

## باب سی و پنجم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی باینکه هر دوازده امام از قبیله قریش‌اند

**۳۶۱.** جابر بن سمره می‌گوید:

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه دوازده نفر از قریش حکومت کنند.

Scanned by CamScanner

## الباب ۳۶

### فِى نَهْى مَوْلاَنا عَلِيٍّ ٧ أَوْلَادَهُ أَنْ يَخْرُجَ أَحَدُ مِنْهُمْ قَبْلَ الْـمَهْدِيِّ وَ أَنّ مَنْ خَرَجَ مِنْهُمْ قَبْلَهُ فَإِنَّمَا هُوَ جَزُورٌ.

**۳۶۲.** قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو سَهْلٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْـمُؤْمِنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ ابْنُ مُحَمَّدُ بْنُ غَالِبٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا هَدِيَّةُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَبْدِاللهِ ابْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ، قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ خَطِبَ بِالْكُوفَةِ، فَقَالَ:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَلْزِمُوا الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِى، وَ إِيَّاكُمْ وَ الشَّذَاذُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، فَإِنَّهُ يَخْرُجُ شَذَاذُ آلِ مُحَمَّدٍ، فَلَا يَرَوْنَ مَا يُحِبُّونَ، لِعِصْيَانِهِمْ أَمْرِى، وَ نَبْذِهِمْ عَهْدِى،

وَ تَخْرُجُ رَايَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَظْهَرُ بِالْكُوفَةِ بِدِعَايَةِ الأُمَيَّةِ، وَ يَشْمُلُ النَّاسَ الْبَلَاءُ، وَ يَبْتَلِىَ اللهُ خَيْرَ الْخَلْقِ حَتَّى يُمَيِّزُ الْخَبِيثُ مِنَ الْطَّيِّبِ،

وَ يَتَبَرَّأَ النَّاسُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ، وَ يَطُولُ ذَلِكَ حَتَّى يُفَرِّجُ اللهُ عَنْهُمْ بِرَجُلٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ،

وَ مَنْ خَرَجَ مِنْ وُلْدِى فَعَمِلَ بِغَيْرِ عَمَلِي وَ سَارَ بِغَيْرِ سِيرَتِى فَأَنَا مِنْهُ بَرِىءٌ،

وَ كُلُّ مَنْ خَرَجَ مِنْ وُلْدِى قَبْلَ الْـمَهْدِى فَإِنَّمَا هُوَ جَزُورٌ، وَ إِيَّاكُمْ وَ الدَّجَّالِينَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ. فَإِنَّ مَنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ دَجَّالِينَ وَ يَخْرُجِ دَجَالٌ مِنْ دَجْلَةِ الْبَصْرَه وَ لَيْسَ مِنِّى وَ هُوَ مُقَدمَةُ الدجَالِينَ كُلِّهُمْ».

أَقُولُ: هَذَا حَدِيثٌ صَرِيحٌ بِنَهْىِ مَوْلَانَا عَلِيٍّ ؈ وُلْدَهُ أَنْ يَخْرُجَ أَحَدُ مِنْهُمْ قَبْلَ الْـمَهْدِيِّ ؈.

## باب سی و ششم

## در نهی حضرت علی به فرزندان خود باینکه هیچیک از آنها قبل از قیام حضرت مهدی (عج) قیام نکند زیرا به هدف نخواهد رسید

**۳۶۲.** عبدالله بن عبدالعزیز می‌گوید:

علی بن ابیطالب(علیه السلام) در سخنان خود در کوفه فرمود: ایهاالناس بعد از من آرام باشید و از گروه قلیلی از آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) بر حذر باشید زیرا که تعداد اندکی از آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) خروج می‌کنند ولی بعلت مخالفت با فرمان من و پشت پازدن به پیمان من بمقصود خود نخواهند رسید و روایتی را نقل کرده که بعضی از اولاد حسین به دعوت امیه ظهور می‌کنند و بلاء، مردم را فرا خواهد گرفت و خدا بهترین خلق را مبتلا خواهد کرد تا اینکه خوبان از بدان ممتاز شوند ،مردم از یکدیگر بیزاری می‌جویند، این بلاء طولانی خواهد شد تا اینکه خدا بوسیله مردی از آل محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) برای آنها فرجی مرحمت فرماید

کسی که از فرزندان من خروج کند و عمل و رفتارش غیر از عمل و رفتار من باشد من از او بیزار خواهم بود و هر کسی از فرزندان من قبل از ظهور مهدی(علیه السلام) خروج نماید کشته خواهد شد.

بر حذر باشید از دو دجال که از فرزندان فاطمه(علیها السلام)اند، زیرا که از اولاد فاطمه(علیها السلام) دو دجال بوجود می‌آید.و دجالی هم از دجله بصره خروج می‌کند که از من نیست و او مقدمه کلیه دجالهاست.

سید بن طاووس می‌گوید:

این حدیث صراحت دارد در اینکه مولای علی(علیه السلام) فرزندان خود را از قیام قبل از ظهور مهدی(علیه السلام) نهی کرده است.

# الباب ۳۷

## فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلْسَّلِيلى فِى أَنَّ أَوْلَادَ عَلِيِّ ابْـنِ أَبِـى طَالِبٍ عليه‌السلام لَا تُصْبِحُ لَهُمْ خَلَافَةٌ وَ لَا مُلْكٌ، وَ نَهْيُهُ عليه‌السلام لَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ لِذَلِكَ.

**۳۶۳.** ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ إِسْحَاقِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ نَوْفَلٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، أَنَّهُ قَالَ لِوُلْدِهِ:

**«لَا تَطْلُبُوا هَذَا الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ لَا يَطْلُبُهُ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا قُتِلَ دُونَهُ».**

**قَالَ عِيسَى بْنُ عَبْدِاللهِ: حَدَّثْتُ بِهَذَا الْحَدِيثِ الْـمَهْدِيَّ بِـالرِّيِّ أَيَّـامَ ابْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِاللهِ، فَكَتَبَ بِهِ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ.**

**۳۶۴.** وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عُثْمَانِ بْنِ عَفَّانٍ أَنَّهُ قَالَ:

**إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَلِيهِ أَحَدٌ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ.**

**۳۶۵.** وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ عَبْدِاللهِ، قَالَ: قَالَ: سَمِعْتُ دَاوُدَ بْنَ عَلِيٍّ يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِاللهِ أَنَّ رَسُولَ اللهِ (صلى‌الله‌عليه‌وآله) قَالَ:

**«لَا يَمْلِكُ أَحَدٌ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ»** (تأريخ بغداد ج ۱۱: ص ۲۵۳).

**۳۶۶.** وَ ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ فِي حَدِيثٍ آخَرَ بِإِسْنَادِ آخَرَ:

**أَنَّ عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ (صلى‌الله‌عليه‌وآله) يَقُولُ لِـعَلِيِّ بْـنِ أَبِي طَالِبٍ: «لَنْ يَلِيَهَا أَحَدٌ مِنْ وُلْدِكَ».**

Scanned by CamScanner

## باب سی و هفتم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی باینکه حضرت علی(علیه السلام) به فرزندان خود فرمود حکومت نصیب آنها نخواهد شد از این رو آنها را از قیام علیه خلفا نهی کرد

**۳٦۳.** عبدالله بن حارث می‌گوید:

علی بن ابیطالب(علیه السلام) بفرزندان خود فرمود: این امر را (یعنی امر خلافت را) طلب نکنید، زیرا هیچیک از شما طلب اینکار را نمی‌کند مگر اینکه کشته خواهد شد.

**۳٦٤.** و نیز از عثمان بن عفّان روایت کرده که گفت: این امر خلافت را اولاد علی(علیه السلام) صاحب نخواهد شد.

**۳٦٥.** علی بن عبدالله می‌گوید: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: سلطنت نصیب فرزندان علی(علیه السلام) نخواهد شد.

**۳٦٦.** عثمان بن عفّان می‌گوید: از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شنیدم که بعلی بن ابیطالب(علیه السلام) فرمود: امر خلافت نصیب احدی از فرزندان تو نخواهد شد.

Scanned by CamScanner

**۳٦٧.** وَ ذَكَرَ فِي حُدِيثٍ آخَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ:

كُنْتُ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللهِ (ﷺ)، ذَاتَ يَوْمٍ، فَتَذَاكَرُوا الْخِلَافَةَ، فَقَالُوا: وُلْدُ فَاطِمَةَ، فَقَالَ (ﷺ): «لَنْ يَصِلُوا اِلَيْهَا أَبَداً، وَلَكِنَّهَا تَكُونُ فِي وُلْدِ عَمِّي صِنْوُ أَبِي» يَعْنِي الْعَبَّاسَ. (كنز العمال ج ۱۱:ص۷۰٦/حديث ۳۳٤۳٥).

**۳٦٨.** وَ ذَكَرَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ:

كُنَّا عِنْدَ يَزِيدِ الرُّقَاشِي، فَجَاءَةً قَتْلُ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، فَبَكَى ثُمَّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَنَسَ بْنُ مَالِكٍ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ (ﷺ) يَقُولُ: «لَا يَلِيهَا أَحَدُ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ».

## الباب ۳۸

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلْسَّلِيلِي عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ الْعَبَّاسِ فِي ذَمِّ دَوْلَتِهِمْ، وَ الْأَمْرِ بِالدُّعَاءِ عَلَيْهَا.

**۳٦٩.** قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمُؤْمِنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَجَّاجُ عَنْ هَارُونَ عَنْ مَقَاتِلَ عَنْ عَطَاءَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسَ أَنَّهُ قَالَ:

لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ رَايَاتُ سُودٍ لَا تَرِدُ حَتّى تَخْرُجَ مِنْ خُرَاسَانَ كَاللّيْلِ سَوَاداً فِي أَسِنَّتِهَا النَّصْرُ، وَ فِي أَوْسَاطِهَا اللَّعْنُ، وَ فِي أَزِجَّتِهَا الْكُفْرِ، مَنْ قَاتَلَهُمْ قَاتِلُوهُ، وَ مَنْ فَرَّ مِنْهُمْ، أَدْرَكُوهُ، وَ مَنْ تَحَصَّنَ مِنْهُمْ أَنْزَلُوهُ، وَ مَنْ شَايَعَهُمْ أَفْتَنُوهُ، وَ مَنْ خَالَفَهُمْ أَفْقَرُوهُ، الدَّاعِي عَلَيْهِمْ يَوْمَئِذٍ دَعْوَةً كَمَنْ رَمَى بِسَهْمٍ فِي سَبِيلِ اللهِ.

Scanned by CamScanner

۳٦۷. ام سلمه گوید:

من روزی خدمت رسول الله(صلی الله علیه و آله) بودم که درباره خلافت صحبتی بمیان آمد، گفتند: آیا خلافت نصیب اولاد فاطمه(علیها السلام) خواهد شد؟ پیغمبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: ابداً. هرگز فرزندان فاطمه بخلافت نخواهند رسید؛ ولی نصیب اولاد عمویم عباس خواهد شد.

۳٦۸. سهیل بن حبیب می‌گوید: ما نزد برید رقاشی بودیم که خبر قتل زید بن علی(علیه السلام) را به او دادند او پس از شنیدن اینخبر گریه کرد و گفت: انس بن مالک برای من نقل کرد که از رسول خد(صلی الله علیه و آله) شنیدم فرمود: خلافت نصیب احدی از فرزندان فاطمه(علیها السلام) نخواهد شد.

## باب سی و هشتم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی از اینکه عبدالله بن عباس از حکومت بنی عباس مذمت کرده و دستور به نفرین به آنها داده است

۳٦۹. ابن عباس می‌گوید: برای ما اهل بیت بیرقهای سیاهی خواهد بود که رد نمی‌شوند تا اینکه از خراسان بیرقهای سیاهی چون شب تاریک خروج کنند در اول آن بیرقها پیروزی و در اواسط آنها لعنت و در آخر آنها کفر خواهد بود، کسیکه با آن‌ها بجنگد او را می‌کشند و کسیکه از دست آن‌ها فرار کند او را خواهند گرفت و کسیکه متحصن شود او را پیاده می‌کنند و کسیکه آن‌ها را مشایعت کند او را دچار فتنه می‌کنند در آنروز کسیکه با آن‌ها مخالفت نماید فقیرش خواهند نمود در آنروز کسی که بر آن‌ها نفرین کند مثل آن است که تیری در راه خدا انداخته باشد.

Scanned by CamScanner

## الباب ٣٩

### فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِى عَنْ دَوْلَةِ بَنِى الْعَبَّاسِ، وَ دَوْلَةِ التُّرْكِ، وَ حَدِيثِ الَّذِى يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلاً.

**٣٧٠.** قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْخَلِيلُ بْنُ سَالِمٍ الْبَزَّازِ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي الْعَلَاءُ بْنُ رُشَيْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الْحَسَنِ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ لِابْنِ عَبَّاسٍ:

«يَا ابْنَ عَبَّاسَ قَدْسَمِعْتُ أَشْيَاءَ مُخْتَلِفَةً، وَ لَكِنْ حَدِّثْ أَنْتَ رَضِيَ اللهُ عَنْكَ» قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: أَوَّلُ فِتْنَةٍ بَعْدَ الْمِائَتَيْنِ اِمَارَةُ الصِّبْيَانِ، وَ تِجَارَاتٌ كَثِيرَةٌ وَ رِبْحٌ قَلِيلٌ، ثُمَّ مَوْتُ الْعُلَمَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، ثُمَّ قَحْطٌ شَدِيدٌ، ثُمَّ الْجَوْرُ وَ قَتْلُ أَهْلِ بَيْتِي الطِّهَاءَ بِالزَّوْرَاءِ، ثُمَّ الشِّقَاقُ نِفَاقُ الْمُلُوكِ وَ مَلْكُ الْعَجَمِ، فَإِذَا مَلَكَتْكُمْ التُّرْكُ فَعَلَيْكُمْ بِأَطْرَافِ الْبِلَادِ وَ سَوَاحِلِ الْبِحَارِ وَ الْهَرَبَ الْهَرَبَ، ثُمَّ تَكُونُ فِي سَنَةِ خَمْسِينَ وَ مَائَتَيْنِ وَ خَمْسٍ ثَلَاثُ فِتَنٍ فِي الْبِلَادِ: فِتْنَةٌ بِمِصْرَ، الْوَيْلُ لِمِصْرَ، وَ الثَّانِيَةُ بِالْكُوفَةِ، وَ الثَّالِثَةُ بِالْبَصْرَةِ فَوَيْلٌ لِلْبَصْرَةِ، وَ هَلَاكُ الْبَصْرَةِ مِنْ رَجُلٍ يَنْتَدِبُ لَهَا لَا أَصْلُ لَهُ وَ لَا فَرْعٌ، فَيَصِيرُ النَّاسُ فِرْقَتَيْنِ: فِرْقَةٍ مَعَهُ، وَ فِرْقَةٍ عَلَيْهِ، فَيَمْكُثُ فَيَدُومُ عَلَيْهِم سِنِينَ، ثُمَّ يَوَلِّى عَلَيْكُمْ خَلِيفَةُ فَظٌّ غَلِيظٍ يُسَمَّى فِي السَّمَاءِ: الْقَتَّالَ، وَ فِي الْأَرْضِ الْجَبَّارَ، فَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ ثُمَّ يُمْزِجُ الدِّمَاءَ بِالاسْمِ، فَلَا يَقْدِرُ عَلَى شُرْبِهِ، وَيَهْجِمُ عَلَيْهِمُ الْأَعْرَابُ، وَ عِنْدَ هُجُوم الْأَعْرَابِ قُتِلَ الْخَلِيفَةِ، فَيَفْشُو الْجَوْرُ وَ الْفُجُورُ بَيْنَ النَّاسِ، وَ تَجِيئُكُمْ آيَاتٌ مُتَتَابِعَاتٌ كَأَنَّهُنَّ نِظَامٌ

Scanned by CamScanner

## باب سی و نهم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی پیرامون حکومت بنی عباس و حکومت ترک و کسی که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد

**۳۷۰.** عبدالواحد بن زید از قول حسن روایت کرده که گفت:

علی بن ابی طالب(علیه السلام) به ابن عباس فرمود: ای ابن عباس اخبار متفاوتی شنیده‌ام آیا تو که خداوند از تو خوشنود باد حدیثی را گفته‌ای؟ گفتم بلی فرمود: فتنه نخست حکومت بچه‌ها، تجارتهای و استفاده کم، موت علماء و مردم نیکوکار، قحطی شدید، ظلم و ستم نفاق ملوک و ملک عجم خواهد بود،

موقعی که گروه ترک بر شما مسلط شدند بر شما لازم است که به اطراف شهرها و دریاها فرار کنید، فرار فرار، بعد از آن در سنه (۲۵۵) سه فتنه بوقوع خواهد پیوست، فتنه‌ای در مصر، وای بر مصر، فتنه دوم در کوفه، و فتنه سوم در بصره و هلاکت اهل بصره به دست مردی است که بی‌ریشه است و در بصره درگیریهای زیادی خواهد شد و مردم بصره به دو فرقه تقسیم می‌شوند،

فرقه‌ای بر او و فرقه‌های علیه او خواهند بود، آن مرد، چند سالی زندگی خواهد کرد، بعد از او خلیفه سنگ دلی بر شما مسلط می‌شود که در آسمانها به کشتار کننده و در زمین به ستمکار معروف است خون‌های ریخته را با آب مخلوط می‌کند که نمی‌تواند آن را بنوشد.

آنگاه اعراب به آنها هجوم خواهند آورد در آن گیر و دار خلیفه کشته می‌شود و جور و فسق و فجور بین مردم فاش خواهد شد و بیرقهایی پشت

Scanned by CamScanner

مُنْظُومَاتٌ اِنْقَطَعْنَ فَتَتَابِعْنَ، فَاِذَا قُتِلَ الْخَلِيفَةُ الَّذِى عَلَيْكُمْ فَتَوَقَّعُوا خُرُوجَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ، وَ أَمَارَتَهُ عِنْدَ هَلَاكِ مِصْرَ، وَ عِنْدَ هَلَاكِ مِصَرَ يَخْسِفُ بِالْبَصْرَةِ خَسْفٌ بِكُلَائِهَا وَ بِأَرْجَائِهَا، وَ خَسْفَانِ آخَرَانِ بِسُوقِهَا وَ مَسْجِدِ جَامِعِهَا، ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ طُوفَانُ الاسْمِ‍ءِ، فَمَنْ نَجىٰ مِنَ السَّيْفِ لَمْ يَنْجِ مِنَ الاسْمِ‍ءِ اِلَّا مَنْ سَكَنَ ضَوَاحِيهَا وَ تَرَكَ بَاطِنَهَا، وَ بِمِصْرَ ثَلَاثَ خُسُوفٍ وَسِتُّ زَلَازِلَ وَقَذْفٌ مِنَ السَّمَاءِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ الْكُوفَةُ، وَ يَكُونُ السُّفْيَانِيُّ بِالشَّامِ، فَاِذَا صَارَ جَيْشُهُ بِالْكُوفَةِ بُويِعَ لِخَيْرِ آلِ مُحَمَّدٍ ﴿صلى الله عليه وآله﴾ تَحْتَ الْكَعْبَةِ، فَيَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ عِنْدَ ذَلِكَ أَنَّ أَمْوَاتَهُمْ فِى الْحَيَاةِ، يَمْلَأُهَا عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً.

وَ قَدْ ذَكَرَ مُصَنِّفُ كِتَابِ الْفِتَنِ، السَّلِيلِيُّ: أَنَّ هَذِهِ الْفِتَنَ جَمِيعَهَا كَانَتْ فِى خِلَافَةِ بَنِى الْعَبَّاسِ، وَ لَعَمْرِى قَدْ كَانَ مَا يُقَارِبُهَا، وَ قَدْ حَدَثَ بَعْدَ وَفَاتِهِ فِتَنٌ مَا يَقْتَضِى أَنْ يَكُونَ الْحَدِيثُ أَشَارَ اِلَيْهَا، وَ بَقِىَ مِنْهَا مَا لَمْ يَقَعْ اِلَى الْآنَ، أَجْرَاهَا اللهُ جَلَّ جَلَالُهُ عَلَى السَّلَامَةِ وَ الْأَمَانِ.

## الباب ۴۰

### فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلْسَّلِيلِى مِنْ نَهْيِ مَوْلَانَا عَلِيٍّ ﴿عليه السلام﴾ عَنْ سُكْنَى الْبَصْرَةِ.

**۳۷۱.** قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدُ الْوَهَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عِمْرَانِ عَنْ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ، قَالَ: لَا تَرْغَبُوا فِى سُكْنَى الْبَصْرَةِ، فَاِنَّهَا تَظْهَرُ بِهَا عَيْنٌ تَغْرِقُهَا وَ مَا حَوْلَهَا حَتَّى لَا يُرى مِنْهَا اِلَّا مَسْجِدُهَا كَأَنَّهُ جُؤْجُؤُ سَفِينَةٍ

(شرح نهج البلاغة-لابن أبي الحديد-ج ٤:ص ٥٣).

Scanned by CamScanner

سر یکدیگر نظیر دانه‌های تسبیحی که نخ آن قطع شده باشد و دانه‌های آن پشت سرهم شروع به ریزش نمایند نزد شما می‌آیند.

پس موقعی که خلیفه شما کشته شد انتظار خروج آل ابوسفیان را داشته باشید، دلیل آن خروج هلاکت اهل مصر است که بهنگام هلاکت آنها بصره در زمین فرو می‌رود و دو زلزله دیگر در بازار و مسجد بصره اتفاق می‌افتد و بعد از آن دچار طوفان خواهند شد.

کسیکه از مرگ نجات پیدا کند از طوفان نجات نخواهد یافت مگر کسیکه در اطراف بصره زندگی کند و وسط آن را ترک نماید و در شهر مصر سه خسوف و شش زلزله بوقوع خواهد پیوست.

بعد از آن کوفه *(دچار انقلاب می‌شود)* و سفیانی در شام خواهد بود، موقعی که لشگر سفیانی بکوفه آمد با بهترین فرد از آل محمد(علیهم‌السلام) بیعت خواهد شد که در کعبه خواهد بود، در آن موقع افراد زنده تمنا دارند که مرده‌های آنها زنده شوند و آنحضرت زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همانطور که پر از ظلم و جور شده باشد.

## باب چهلم

**بیانی از کتاب فتن سلیلی پیرامون نهی حضرت علی از سکونت در بصره**

**۳۷۱.** محمد بن علی از پدرش از جدش(صلی‌الله‌علیه‌وآله) روایت کرده که فرمود:

تمایلی به زندگی در بصره نکنید، زیرا که بصره و اطراف آن بنحوی غرق خواهد شد که مسجد آن چون سینه کشتی خواهد بود که در روی آب قرار گرفته است.

# الباب ۴۱

## فِيما نَذْكُرُهُ مِنْ كِتابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِى أَيْضاً

## فِيمَا جَرى عَلَى الْبَصْرة وَ يَجْرِى.

وَ نَحْنُ نَذْكُرُ مِنْهُ مَا بَقِيَ فِي الْحَدِيثِ مِنْ حَوَادِثِها.

**۳۷۲.** يَقُولُ فِيهِ: ثُمَّ قَالَ الحَسَنُ:

وَقَعَ السَّيْفُ وَقَعَ السَّيْفُ، فَكَمْ مَنْ عَيْنٍ بَاكِيَةٍ وَكَمْ مِنْ حُرْمَةٍ مُسْتَحِلَّةٍ وَكَمْ مِنْ غَمٍّ نَازِلٍ،

ثُمَّ قَالَ: هَلَكَ الضَّعِيفُ هَلَكَ الضَّعِيفُ،

ثُمَّ قَالَ: تَجِيئُكُمْ رِيحٌ صَفْرَاءُ مِنْ قِبَلِ الْقِبْلَةِ، فَتَدُومَ ثَلاثَةِ أَيَّام وَلَيْلَتَيْنِ حَتَّى يَصِيرَ اللَّيْلُ مِنْ شِدَّةِ الصُّفْرَةِ مِثْلِ النَّهَارِ الْـمُضِيءِ، وَ بَعْدَهُ يَكُونُ غَرْقُ الْبَصْرَةِ،

ثُمَّ تَوَقَّعُوا آيَاتِ مُتَوالِيَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ مَنْظُومَاتٍ كَنَظْمِ الْخَـرَزِ، فَأَوَّلَ الْآيَاتِ: الصَّوَاعِقُ، ثُمَّ الرِّيحُ الصَّفْرَاءُ، ثُمَّ رِيحٌ دَائِمٌ وَ صَوْتٌ مِنَ السَّمَاءِ يَمُوتُ فِيهِ خَلْقٌ، وَ يَكُونُ بِوَاسِطِ هَلَاكِ كَثِيرٍ،

وَ تَكُونُ بِالْكُوفَةِ عَجَائِبُ، وَ بِالْأَهْوَازِ زَلازِلُ، فَتَكُونُ بُيُوتُهُمْ قُبُورَهُمْ، ثُمَّ تَنْقَطِعُ السُّبُلُ، فَلَا يَخْرُجُ أَحَدٌ مِنْ مَدِينَةٍ إِلَى مَدِينَةٍ.

# باب چهل و یکم

## بیانی از کتاب فتن سلیلی در حوادثی که بر بصره خواهد گذشت

سلیلی می‌گوید: ما دنباله حدیث را که بیان کننده حوادث است بیان می‌کنیم

**۳۷۲.** حسن می‌گوید:

شمشیر در کار است و چقدر چشمهای گریان که دیده خواهد شد، چقدر حرام که حلال خواهد شد و چقدر ناراحتی که وارد می‌شود سپس دوبار گفت: ضعیف هلاک خواهد شد سپس گفت:

بادی زرد از جانب قبله می‌وزد و سه روز و دو شب طول می‌کشد تا آنکه شب از شدت زردی مثل روز روشن می‌شود.

آنگاه بصره غرق خواهد شد، سپس نشانه‌های پشت سر هم حلقه وار ظاهر می‌شود اولین علامت فریاد است سپس زردی، بعد باد پیوسته.

آنگاه صدایی از آسمان بلند می‌شود که مردم بخاطر آن صدا میمیرند.

و در کوفه حوادث عجیبی ظاهر می‌شود و در اهواز زلزله می‌آید و خانه‌های مردم قبرهای ایشان می‌شود و راهها نابود می‌شود.

آنگاه هیچکس از شهری به شهر دیگر نمی‌تواند برود.

Scanned by CamScanner

# الباب ۴۲

## فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلْسَّلِيلى فِيمَا ذَكَرُوهُ عَنْ بَنِى قَنْطُوراء، وَ مَا يَجْرِى عَلَى الْبَصْرَةِ مِنْهُم.

**۳۷۳.** قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْـمُؤْمِنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدُ الْعَظِيمِ الْعَنْبَرِى، قَالَ: حَدَّثَنَا رَوْحُ بْنُ عِبَادَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُيينَةُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جَوْشَنٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَخِيهِ رَبِيعَةِ بْنَ جَوْشَنَ أَنَّهُ لَقِيَ عَبْدَاللهِ بْنِ عَمْرو فِى بَيْتِ الْـمَقْدِسِ، فَقَالَ:

مِمَّنْ أَنْتُمْ؟ فَقُلْنَا: مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ؛ فَقَالَ: مِنْ أَيِّهِـمْ؟ قُـلْنَا: مِـنْ أَهْـلِ الْبَصْرَةِ، قَالَ: أَمَّا فَاسْتَعِدُّوا يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ،

قُلْنَا: مِمَّا نَسْتَعِدُّ؟ قَالَ: الْـمُزَاوِدُ (ما يجعل فيه الزاد) وَ الْقِرَبِ، وَ خَيْرُ الْـمَالِ يَوْمَئِذٍ أَجْمَالُ مُصَالُ (يتزايل لبنها) يَحْمِلُ عَلَيْهَا الرَّجُلُ أَهْلَهُ، وَ يَمِيرُهُمْ عَلَيْهِ، وَ فَرَسٌ وِقَاحٌ (صلبٌ) شَدِيدٌ، فَوَ اللهِ لَيُوشَكَنَّ أَنْ يَغْبِطُ الرَّجُلُ بِخِفَّةِ الْحَالِ كَمَا يَغْبِطُ الْيَوْمَ بِكَثْرَةِ الْأَهْلِ وَ الْـمَالِ،

فَقُلْنَا: مِمَّ ذَلِكَ؟ قَالَ: يُوشَكُ أَنْ يُنْزِلَ بِكُـمْ بَـنُو قَـنطُورَاء يَـنْزِلُونَ بِشَاطِىءِ دِجْلَةَ فَيَرْبِطُونَ بِكُلِّ نَخْلَةِ فَرَساً، فَيُخْرِجُونَكُمْ حَتَّى يَـلْحَقُونَكُمْ بِرُكْبَةٍ (بين المكة و العراق) وَ الثَّنْي (قرب البصرة)، قَالَ: فَقُلْنَا: مَا بَنُو قَنْطُورَاء؟ قَالَ: فَقَالَ: اللهُ أَعْلَمُ، أَمَّا الْاسِمُ فَهَكَذَا نَجِدُهُ فِى الْكِتَابِ، وَ أَمَّـا النَّـعْتُ فَنَعْتُ التُّرْكِ.

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۲:ص ۶۸۰–ص ۶۸۱).

# باب چهل و دوم:

## بیانی از کتاب فتن سلیلی پیرامون بنی قنطور و آنچه که از طرف آنها بر سر بصره خواهد آمد

**۳۷۳.** عبدالوهاب با سلسله سند از ربیعة بن جوشن نقل می‌کند که:
روزی با عبدالله بن عمر در بیت المقدس برخورد کرد و از او پرسید اهل کجائی؟

گفت اهل عراقم گفت: از کدام شهر؟

گفت اهل بصره آنگاه گفت: ای مردم بصره آماده باشید بر شما باد به مواد غذایی و آب و بهترین ثروت در این روز شترانی است که مردم، خانواده خود را بر آنها سوار کنند و از آنجا دور شوند.

سوگند بخدا که مرد به سبکی وضع و حال دیگران غبطه می‌خورد همینطور که امروز عده‌ای بخاطر ثروت به ثروتمندان غبطه می‌خورند.

گفت: از کجا این وضع به وجود می‌آید گفت نژاد ترک در ساحل دجله پیاده می‌شوند و به هر درخت نخلی اسب خود را می‌بندند.

آنگاه در نزدیکی بصره با شما برخورد می‌کنند و شما را از خانه‌های خود بیرون می‌کشند.

آنگاه پرسیدم بنی قنطورا کیانند؟

گفت خدا به این امر آگاهتر است آنچه که ما در کتاب یافته‌ایم آنها از نژاد ترک‌اند.

Scanned by CamScanner

## الباب ۴۳

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِى مِنْ حَدِيثِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ مَعَ بَنِى قَنْطُورَاء نَذْكُرُ إِسْنَادَهُ لِيَكُونَ دَرَكُهُ عَلَيْهِ.

**۳۷٤.** قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا فُضَيْلُ ابْنُ عَبْدِاللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيى الْأَزْدِى وَ سَيَّارِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ يَزِيدِ بْنِ هَارُونَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْعَوَامُ بْنُ حَوْشَبَ، قَالَ: حَدَّثَنِي سَعِيدُ بْنُ جَمْهَانُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةٍ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ:

ذَكَرَ رَسُولُ اللهِ (صلى الله عليه وآله)، أَرْضاً يُقَالُ لَهَا: الْبَصْرَةُ إِلَى جَنْبِهَا نَهْرٌ يُقَالُ لَهُ: دِجْلَةُ، وَ نَخْلُ كَثِيرٌ فَيَنْزِلُ بِهِمْ بَنُو قُنْطُوراءَ، فَيَفْتَرِقُ النَّاسُ: فِرْقَةٌ تَلْحَقُ بِأَصْلِهَا فَيَهْلِكُونَ، وَ فِرْقَةٌ تَأْخُذُ عَلَى أَنْفُسِهَا فَيَكْفُرُونَ، وَ فِرْقَةٌ يَجْعَلُونَ ذَرَارِيهِم خَلْفَ ظُهُورِهِمْ يُقَاتِلُونَ، قُتْلَاهُمْ شُهَدَاءُ، يَفْتَحُ اللهُ عَلَى أَيْدِيهِمْ.

(مسند أحمد ج٦:ص ٢٠/حديث ١٩٩٠٠).

## الباب ۴۴

فِيمَا نَذْكُرهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِى أَيْضاً مِنْ التَّحْذِيرِ مِنَ الطَّمَاطِمِ.

**۳۷٥.** قَالَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ أَنَّهُ قَالَ:

جَاءَتِ الطَّمَاطِمُ، جَاءَتِ الطَّمَاطِمُ، جَاءَتِ الطَّمَاطِمُ، يَضْرِبُونَ رِقَابَكُمْ، وَ يَأْكُلُونَ فَيْئَكُمْ، وَ يَسْتَوْطِنُونَ بِلَادَكُمْ، وَ يَهْتِكُونَ سُتُورَكُمْ، وَ يَسْتَعْبِدُونَ خِيَارَكُم، وَ يَذِلُّونَ أَشْرَافَكُمْ، خَابَ الْعَبِيدُ، جَارَتِ الْعَبِيدُ، تَرَفَّلُ فِي الْحَدِيدِ، مُشَوَّهَةً أَلْوَانُهُمْ، غَلِيظَةً رِقَابُهُمْ، سُيُوفُهُمْ مَذَكَّرَةٌ، وَ عِصِيُّهُمْ مُبَشَّرةٌ، وَ أَسْيَاطُهُمْ مُثْمِرَةٌ، لَهُمْ أَشَدُّ عَلَى أُمَّتِي مِنْ فِرْعَوْنَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ.

Scanned by CamScanner

## باب چهل و سوم:

### بیانی از کتاب فتن سلیلی از حوادثی که بر مردم بصره از طرف بنی قنطورا خواهد گذشت

**۳۷٤.** عمر گفت:

محمّد با سلسله حدیث از ابابکر نقل کرد که رسول خدا(ص) فرمود: سرزمینی است که آن را بصره می‌گویند و در کنار او نهری است بنام دجله که دارای نخل زیادی است.

در آنجا قوم ترک وارد می‌شوند و مردم به گروه متفاوتی تقسیم می‌شوند.

گروهی به اصل خودباز می‌گردند که کشته می‌شوند.

گروهی دیگر به کفر، رومی آورند.

گروه دیگر به همراه فرزندان می‌جنگند و کشته می‌شوند اینها شهداء پیروزمندند.

## باب چهل و چهارم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی پیرامون حوادث و رویدادهائی که از طرف طماطم بر مردم خواهد گذشت

**۳۷۵.** حدیثی از حسن بن ابی الحسن نقل شده که فرمود:

طماطم خواهند آمد آنها کسانی‌اند که گردنهای شما را می‌زنند و مواد غذایی شما را می‌خورند و وطن شما را اشغال می‌کنند و حرمت شما را از بین می‌برند و بزرگان شما را به بردگی می‌کشانند و خانواده‌های شریف را ذلیل می‌کنند، مردم برده آنهایند، آنها با تکیه بر سلاح خود با بالندگی راه می‌روند و گردن کلفتی می‌کنند، شمشیرهای ایشان تیز و عصاهای آنها تراشیده و آماده زدن و شلاقهای ایشان دارای گره است ستم آنها به امت من از ستم فرعون به قوم بنی‌اسرائیل سخت‌تر و شدیدتر است است.

Scanned by CamScanner

## الباب ۲۵

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِي فِى طُولِ دَوْلَةِ التُّرْكِ كَدَوَامِهَا لِفِرْعَوْنَ، وَ أَنَّ زَوَالَهُمْ لِمَا يَقَعُ بَيْنَهُمْ، وَ أَنَّهُمْ يُوصِلُونَ أَمْرَهُمْ إِلَى وُلْدِ النَّبِى (صلى الله عليه و آله).

**۳۷۶.** قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمُؤْمِنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَجَّاجُ عَنِ الْهُذَيْلِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنَ مَعْدَانَ عَنْ عِمْرَانَ بْنَ سَلِيمَ قَالَ:

يُوشَكُ بَنُو حَفْصَةَ - يَعْنِى الْأَتْرَاكَ - أَنْ يَخْرُجُوا إِلَى الْعَرَاقِ فَيَقْهُرُونَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَ أَسْوَدَ، وَ تَدُومُ لَهُمُ الدُّنْيَا كَدُوامِهَا لِفِرْعَوْنَ حَتّى إِذَا اسْتَمْكَنُوا وَامْتَنَعُوا وَ تَعَزَّزُوا وَ تَجَبَّرُوا مَنَعَ اللهُ عَنْهُمُ الْقَطْرَ،

فَانْتَقَمَ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ لِسُوءِ رَعِيَّتِهِمْ وَ قَتْلِهِمْ الْمُسْلِمِينَ،

لِبَاسُهُمْ لِبَاسُ أَهْلِ الْكُفْرِ حَتَّى تُلْقَى بَيْنَهُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ حَتَّى تُبْتَرَهُمْ وَ تَشْرِدَهُمْ حَتَّى يَضَعَ الْمُلْكُ فِى وُلْدِ النَّبِى (صلى الله عليه و آله)، وَ هُمْ أَوْلَى النَّاسِ بِهِ، وَ أَحَقُّ أَنْ يَقُومُوا بِالْعَدْلِ مِنْ غَيْرِهِمْ.

## فصل

وَ رَأَيْتُ فِى كِتَابِ الْمُبْتَدأ تَأْلِيفِ وَهَبِ بْنِ مُنَبِّهٍ عِنْدَ ذِكْرِ مُوسَى وَ فِرْعَوْنَ مَا يَقْتَضِى أَنَّ دَوْلَةَ فِرْعَوْنَ نَحْوَ أَرْبَعَمِائَةَ سَنَةً، وَ أَنَّ بَنِى إِسْرَائِيلَ كَانُوا مِنْهَا مِائَةً وَ خَمْسِينَ سَنَةً فِى بَلَاءٍ مَعَ فِرْعَوْنَ قَبْلَ نُبُوَّةِ مُوسى (عليه السلام).

Scanned by CamScanner

# باب چهل و پنجم

## بیانی از کتاب فتن سلیلی در دوام حکومت ترکها همانند دوام حکومت فرعون و زوال آنها و تسلط یکی از فرزندان پیامبر بر آن‌ها

**۳۷۶.** عمران بن سلیم می‌گوید:

بزودی بنی حفصه یعنی ترکها بر کشور عراق مسلط می‌شوند و هر سفید و سیاهی را محکوم می‌نمایند، و دنیا برای آنها ادامه خواهد داشت نظیر ادامه آن برای فرعون تا وقتی که توانایی این کار را داشته باشند به مردم زور می‌گویند و جلوگیر آنهایند و به آنها تکبر می‌ورزند و ستم می‌نمایند.

آنگاه خداوند باران را از آنها منع خواهد کرد و انتقام بعضی را از بعض دیگر بجهت عدم رعایت و کشتار آنها خواهد گرفت.

لباس مسلمین لباس کفار خواهد شد دشمنی و عداوت در بین مسلمانها ظاهر می‌شود تا اینکه آنها را به زانو درآورد و آنها را پراکنده سازد، آنگاه حکومت به یکی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسد زیرا آنها به سلطنت از دیگران اولی‌تر و از اقامه عدل نسبت به دیگران سزاوارترند.

### فصل

در کتاب مبتدأ تألیف وهب دیدم که داستان موسی و فرعون بدینگونه است که دولت فرعون ۴۰۰ سال دوام داشت و بنی اسرائیل حدود ۱۵۰ سال پیش از ظهور موسی در دست فرعون اسیر بودند.

Scanned by CamScanner

## فصل

وَ رَأَيْتُ فِي مَجْمُوعٍ قَالِبُهُ طَوِيلٌ يُسَمَّى السَّفِينَةَ أَحْضَرَهُ عِنْدَنَا السَّيِّدُ أَحْمَدُ ابْنُ مُهَنَّا فِي عُمْرِ فِرْعَوْنَ مَا هَذَا لَفْظُهُ:

عَاشَ فِرْعَوْنُ ثَلَاثَمِائَةِ سَنَةً مِنْهَا مَائَتَانِ وَ عِشْرُونَ سَنَةً لَا يَرى فِيهَا مَا يُقْذِي عَيْنَهُ، وَ دَعَاهُ مُوسى عليه السلام ثَمَانِينَ سَنَةً.

## فصل

وَ ذَكَرَ يَاقُوتُ الْحِمَوِي فِي الْمُجَلَّدِ الرَّابِعِ عَشَرَ مِنْ مُعْجَمِ الْبُلْدَانِ مَا هَذَا لَفْظُهُ: فَلَمَّا هَلَكَ كَانَ بَعْدَهُ فِرْعَوْنُ مُوسى عليه السلام، وَ قِيلَ: كَانَ مِنَ الْعَرَبِ مِنْ بَلِيٍّ، وَ كَانَ أَبْرَشَ قَصِيراً يَطَأُ فِي لِحْيَتِهِ ،مُلْكُها خَمْسَمِائَةِ عَامٍ ثُمَّ غَرَّقَهُ اللهُ وَ أَهْلَكَهُ، وَ هُوَ الْوَلِيدُ بْنُ مَصْعَبَ وَ زَعَمَ قَوْمٌ أَنَّهُ كَانَ مَنْ قِبْطِ مِصْرَ وَ لَمْ يَكُنْ مِنِ الْعَمالِقَةِ (معجم البلدان ج ۵:ص ۱٤۰).

## فصل

وَ رَأَيْتُ فِي حَدِيثِ أَبِي بَكْرِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْقَاضِي بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقٍ عَنِ الْأَسْوَدِ، قَالَ: قُلْتُ لِعَائِشَةَ: يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ أَلَا تَعْجَبِينَ مِنْ رَجُلٍ مِنَ الطُّلَقَاءِ يُنَازِعُ رَجُلاً مِنْ أَهْلِ بَدْرَ الْخِلَافَةَ؟

فَقَالَتْ: لَا تَعْجَبْ إِنَّ فِرْعَوْنَ قَدْ مَلَّكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَرْبَعمِائَةَ سَنَةً، وَ الْمُلْكُ يُعْطِيهِ اللهُ الْبِرَّ وَ الْفَاجِرِ.

وَ أَحَادِيثُ الْقَاضِي عِنْدَنَا فِي آخَرَ مُجَلَّدٍ أَوَّلُهُ كِتَابُ الدِّيَاتِ لِظَرِيفِ ابْنِ نَاصِحٍ.

Scanned by CamScanner

## فصل

دیدم که سید احمد بن مهنا درباره عمر فرعون چنین می‌گوید: فرعون ۳۰۰ سال عمر کرد و ۲۲۰ سال نمی‌دید که در چشمانش خار خلیده و موسی ۸۰ سال او را به هدایت و روشنی دعوت کرد.

## فصل

یاقوت حموی در جلد چهاردهم معجم البلدان خود چنین می‌گوید: چون فرعون نابود شد موسی پس از او به زندگی خود ادامه داد چنین گفته شده که او عرب بود و کوتاه قد با ریشی صاف و مرتب حکومتش ۵۰ سال دوام داشت سپس خداوند او را غرق کرد و نابود ساخت.

گروهی بر این باورند که او مصری بودو از عمالقه نبود.

## فصل

در حدیثی از ابی بکر دیدم که نقل کرده که اسود به عایشه گفت: ای امالمؤمنین

آیا در شگفت نیستی از مردی از آزاد شده‌ها که با مردی از اهل بدر بر سر خلافت کشمکش داشت؟

گفت شگفتی مکن که فرعون ۴۰۰ سال مالک زندگی قوم بنی اسرائیل بود و خداوند حکومت را هم به نیکوکار می‌دهد و هم به گنهکار.

Scanned by CamScanner

## الباب ۴۶

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ مَعْرِفَةِ وَقْتِ هَلَاكِ الْعَرَبِ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ أَيْضاً.

**۳۷۷.** بِإِسْنَادِهِ قَالَ:

وَ اللهِ لَقَدْ عَلِمْتُ مَتَى يُهْلَكُ الْعَرَبُ، يُهْلَكُ الْعَرَبُ يُهْلَكُ الْعَرَبُ إِذَا سَاسَ أُمُورَهُمْ مَنْ لَمْ يُدْرِكْ مُحَمّداً(ﷺ)، فَيَصُدَّهُ الْإِسْلَامَ.

## الباب ۴۷

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِن الْكِتَابِ
فِي أَنَّ هَلَاكَ الْأُمَّةِ إِذَا أَحْدَثُوا أَعْمَالاً

**۳۷۸.** بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ، قَالَ:

كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللهِ(ﷺ)، فَقَالَ: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَزَالُ فِيكُمْ وَ أَنْتُمْ وُلَاتُهُ مَا لَمْ تَحْدِثُوا أَعْمَالاً،

فَإِذَا أَحْدَثْتُمُوهَا بَعَثَ اللهُ عَلَيْكُمْ أَقْوَاماً، أَوْ قَالَ: شَرَّ خَلْقِهِ، فَيَلْتَحُوكُمْ كَمَا يَلْتَحى الْقَضِيبُ». (كنز العمال ج ۱۴:ص ۸۰/حديث ۳۷۹۹۰).

Scanned by CamScanner

## باب چهل و ششم

### بیانی است از شناخت وقت هلاکت عرب از کتاب فتن

**۳۷۷.** سلیلی گوید:

می‌دانم که عرب به موقع هلاک خواهد شد: وقتی که اختیارشان به دست کسی بیفتد که زمان جاهلیت و اهل آنرا درک نکرده تا رفتاری همانند آنها داشته باشد و حضرت محمد ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ را هم درک نکرده که اسلام مانع او باشد.

## باب چهل و هفتم

### بیانی است از خداوند باینکه هلاکت امت درگرو رفتارهائی است که انجام می‌دهند

**۳۷۸.** ابن مسعود می‌گوید:

ما نزد رسولخدا﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ بودیم که فرمود: این امر همیشه در بین شما خواهد بود و شما سرپرست آن هستید تا آنموقعی که اعمال (ناپسندی) را انجام نداده‌اید.

و موقعی که رفتار زشتی از شما سرزد خدا گروهی را از بدترین مخلوقات خود را بر شما مسلط می‌کند تا شما را نظیر شاخه درخت پوست بکنند.

Scanned by CamScanner

# الباب ۴۸

## فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ مُعْجِزٍ لِلنَّبِىِّ (ﷺ)، لَمَّا يَجْرِى عَلَى جَامِعِ بَرَاثَا.

**۳۷۹.** قَالَ: حَدَّثَنِى الْحَسَنُ بْنُ جَعْفَرٍ الصَّيْمَرِىُّ قَالَ: حَدَّثَنِى طَرْخَانُ ابْنُ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو خَلِيفَةَ الْفَضْلُ بْنُ حَبَابٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَعْنَبِى عَنْ مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ عَنْ نَافِعٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ:

هَدَمَ الْمُنَافِقُونَ مَسْجِداً بِالْمَدِينَةِ لَيْلاً، فَاسْتَعْظَمَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللهِ (ﷺ) ذَلِكَ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ (ﷺ): «لَا تُنْكِرُوا ذَلِكَ فَإِنَّ هَذَا الْمَسْجِدَ يَعْمَرُ، وَ لَكِنْ إِذَا هَدَمَ مَسْجِدُ بُرَاثَا بَطَلَ الْحَجُّ»

قِيلَ لَهُ: وَ أَيْنَ مَسْجِدُ بَرَاثَا هَذَا؟ قَالَ: «فِى غَرْبِىِّ الزَّوْرَاءِ مِنْ أَرْضِ الْعِرَاقِ صَلَّى فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيّاً وَ وَصِيّاً، وَ آخِرُ مَنْ يُصَلِّى فِيهِ هَذَا» وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى مَوْلَانَا عَلِىِّ بْنِ أَبِى طَالِبٍ (ع).

قَالَ السَّلِيلِى مُصَنِّفُ الْكِتَابِ: فَرَأَيْتُ مَسْجِدَ بَرَاثَا وَ قَدْ هَدَمَهُ الْحَنْبَلِيُّونَ، وَ حَفَرُوا قُبُوراً فِيهِ، وَ أَخَذُوا أَقْوَاماً قَدْ حَفَرَ لَهُمْ قُبُورٌ فَغَلَبُوا أَهْلُ الْمَيِّتِ وَ دَفَنُوهُمْ فِيهِ إِرَادَةَ تَعْطِيلِ الْمَسْجِدِ وَ تَصْيِيرِهِ مَقْبَرَةً وَ كَانَ فِيهِ نَخْلٌ فَقُطِعَ، وَأُحْرِقَ جُذُوعُهُ وَ سُقُوفُهُ، وَ ذَلِكَ فِى سَنَةِ اثْنَتَىْ عَشْرَةَ وَ ثَلَاثَمِائَةَ، فَعُطِّلَ مِنْ سَنَتِهِ الْحَجُّ،

وَ قَدْ كَانَ خَرَجَ سُلَيْمَانُ بْنُ الْحَسَنِ -يَعْنِى الْقَرْمَطِىّ- فِى أَوَّلِ هَذِهِ سِنَةِ، فَقَطَعَ عَلَى الْحَاجِّ وَ قَتَلَهُمْ وَ عَطَّلَ الْحَاجَّ، وَ وَقَعَ الثَّلْجُ بِبَغْدَادَ فَاحْتَرَقَ نَخْلُهُمْ مِنَ الْبَرْدِ فَهَلَكَ (تاريخ الطبرى ج ۱۱: ص ۱۰۲-ص ۱۰۷).

Scanned by CamScanner

# باب چهل و هشتم

## در آن‌چه که از معجزه پیامبر می‌گوئیم جریانی است که بر مسجد براثای منافقان خواهد گذشت

**۳۷۹.** ابن عمر می‌گوید:

در شبی مسجدی را در مدینه خراب کردند و این عمل بر اصحاب پیامبر(صلی الله علیه و آله) ناگوار آمد، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: ناراحت نباشید بزودی این مسجد تعمیر خواهد شد

ولی موقعی که مسجد بر اثا خراب شد حج باطل می‌شود( یعنی ممنوع می‌شود؟) گفتند:

مسجد براثا در کجاست؟

فرمود: در قسمت غربی عراق واقع شده است، و در آن مسجد هفتاد نبی و وصی نماز خوانده‌اند و آخرین آنها این شخص است و اشاره به علی بن ابیطالب(علیه السلام) فرمود:

سلیلی می‌گوید:

خودم دیدم که مسجد براثا را حنبیلیها *(یکی از فرقه‌های اهل سنت)* خراب کردند و قبرهای را شکافته و جنازه‌ها را بیرون آوردند و اهل و عیال آنها را دستگیر کردند و آنها را در قبر نهادند و مسجد را تعطیل نموده و آنرا مقبره قرار دادند و درخت خرمائی که در آن مسجد بود قطع کردند و شاخ و برگ آن را سوزاندند،

این جنایت در سال (۳۱۲) اتفاق افتاد، در این سال بود که حج تعطیل شد و سلیمان بن حسین یعنی قرمطی در اول این سال خروج کرد و راه حجاج را قطع نموده و آنها را کشت و حج را تعطیل کرد و برفی در بغداد آمد که درخت خرمای آنها از شدت سرما خشک شد و او هم هلاک گردید.

Scanned by CamScanner

فَأَخْبَرَنِی مَوْلَایَ نَاقِدُ أَنَّ أَبَا عَمْرٍو قَاضِی بَغْدَادَ قَالَ لَـهُ: اِحْـتَرِقْ لِی بِقْرِیَةٍ عَلَی ثَلَاثِ فَرَاسِخَ بِبَغْدَادَ یُقَالُ لَهَا: «صَرْصَرُ»مَائَةَ أَلْفِ نَخْلَةً.

قَالَ السَّلِیلِی: فَأَیُّ شَأْنٍ أَحْسَنُ. أَیُّ أَمْرٍ أَوْضَحُ مِنْ هَذَا؟

## الباب ۴۹

فِیمَا نَذْکُرُهُ مِنْ کِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِیلی عَنِ النَّبِیِّ صَلَّی اللهُ عَـلَیْهِ وَ آلِهِ: أَنَّ أُمَّتَهُ تَسْلُكُ سَبِیلَ فَارْس وَ الرُّومِ.

وَ فِیهِ عِدَّةُ أَحَادِیثَ:

**۳۸۰.** قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُاللهِ بْنِ الصَّقْرِ أَبُو الْعَبَّاسِ السَّیَّارِی، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ اِسْحَاقَ الْـمُسَیِّبِی، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُاللهِ بْنِ نَافِعٍ عَنِ ابْنِ أَبِی ذِئْبٍ عَنْ سَعِیدِ الْـمَقْبرِی عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ أَنْ رَسُولَ اللهِ(صلی الله علیه و آله) قَالَ:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّی تَأْخُذُ أُمَّتِی مَأْخَذَ الأُمَمِ وَ الْقُرُونِ الْـمَاضِیَةِ قَبْلَهَا شِبْراً بِشِبْرٍ وَ ذِرَاعاً بِذِرَاعٍ» فَقَالَ رَجُلٌ: یَا رَسُولَ اللهِ کَمَا فَعَلَتْ فَارْسُ وَ الرُّومُ؟ قَالَ رَسُولُ اللهِ(صلی الله علیه و آله): «وَ هَلِ النَّاسُ اِلَّا أُولَئِكَ؟!»

(کنز العمال ج ۱٤:ص۲۰۷/حدیث ۳۸٤۱۵).

**۳۸۱.** وَرَوَاهُ السَّلِیلِی بِطَرِیقٍ آخَرَ أَنَّ النَّبِیَّ(صلی الله علیه و آله) قَالَ:

«لِتَتَّبِعَنَّ سُنَنَ مَنْ کَانَ قَبْلَکُمْ شِبْراً بِشِبْرٍ وَ ذَرَاعاً بِذِرَاعٍ حَتّی لَوْ دَخَلُوا جُحْرَ ضَبٍّ لَا تَبْعْتُمُوهُمْ» قَـالَ: قُـلْتُ: یَـا رَسُـولَ اللهِ مِـنَ الْـیَهُودِ وَ النَّصَارَی؟ قَالَ: «فَمَنْ اِلَّا الْیَهُودُ وَ النَّصَارَی»

(صحیح البخاری ج ٤ / ص ۱۷٤ / حدیث ۳٤٥٦).

وَرَوَاهُ مِنْ أَرْبَع طُرُقٍ غَیْرَ مَا ذَکَرْنَاهُ بِأَسَانِیدٍ مُخْتَلِفَةٍ اِلَی النَّبِیِّ(صلی الله علیه و آله)، وَ مَعْنَاهَا مُتَّفِقٌ.

Scanned by CamScanner

نافذ مولای من به من خبر داد که ابوعمر، قاضی بغداد گفت: در قریه صرصر که سه فرسخی بغداد است صد هزار درخت خرما خشک شد

سلیلی گوید: چه شأنی از این نیکوتر و چه امری از این (پیش گویی) واضح‌تر است.

## باب چهل و نهم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی باینکه پیامبر فرمود: امت او راه مردم فارس و روم را در پیش دارند

**۳۸۰.** ابوهریره گوید: رسولخدا(ﷺ) فرمود: قیامت برپا نخواهد شد تا اینکه امت من بدون کم و زیاد به سرنوشت ملتهای قبلی دچار شوند، مردی گفت: یا رسول الله یعنی آنطور که فارس و روم رفتار کردند؟ فرمود: مگر مردم غیر از اینها هستند؟

**۳۸۱.** سلیلی بروایت دیگر روایت کرده که پیامبر خدا(ﷺ) فرمود: شما بدون کم و زیاد از مردم قبل از خود اطاعت خواهید کرد حتی اگر آنها داخل سوراخ سوسمار شده باشند شما هم داخل آن خواهید شد.

راوی گوید: گفتم: یا رسول(ﷺ) از یهود و نصارا هم هستند؟

فرمود: غیر از یهود و نصارا کسی نیست.

و این روایت از چهار طرق دیگر غیر از آن که ما ذکر کردیم با سندهای متفاوت از پیامبر نقل کرده که همه آنها در معنا مانند هم‌اند.

Scanned by CamScanner

## الباب ۵۰

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِى
عَنْ كَعْبٍ فِى الْـمَلَاحِمِ بِالْبَصْرَةِ.
وَ هُوَ طَوِيلٌ نَقْتَصِرُ مِنْهُ عَلَى حَدِيثِ بَنِى قَنْطُورَاءَ.

**۳۸۲.** قَالَ: وَ يَخْرِقُ أَكْبَرُهَا بِرَايَةٍ وَ دَعْوَةٍ تُخَالِفُ الرَّايَاتِ وَ الدَّعَوَاتِ، فَيَسِيرُ قَوْمٌ عِرَاضُ الْوُجُوهِ صِغَارُ الْأَعْيُنِ يُقَالُ لَهُمْ: بَنُو قَنْطُورَاءَ بْنِ كَنْكَر، فَيَجِلُّونَ أَهْلَهَا اِلَى مَنَابِتِ الشِّيحِ، ثُمَّ تَدَاعى الْعَرَبُ بِآبَائِهَا، فَيَكُونُ لَهُمْ غَيْرُ وَقْعَةٍ، ثُمَّ اِنَّ السِّبَاعَ لَتَخْتَرِقُ فِى الطَّرِيقِ مِنْ قِلَّةِ مَنْ بِهَا مِنَ النَّاسِ، ثُمَّ يَكُونُ خَسْفٌ وَ قَذَفٌ وَ زِلَازِلُ بِبَغْدَادَ، وَ هِىَ أَسْرَعُ الْأَرْضِينَ خَرَاباً، ثُمَّ يَبْتَدِئُ الْخَرَابُ بِمِصْرَ، فَاِذَا رَأَيْتَ الْفِتْنَةَ بِالشَّامِ الْـمَوْتَ، وَ يَتَحَرَّكُ بَنُو الْأَصْفَرِ، فَيَصِيرُونَ اِلَى بِلَادِ الْعَرَبِ، فَتَكُونُ بَيْنَهُمْ وَقَائِعُ.

## الباب ۵۱

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ مَلَاحِمِ الْبَصْرَةِ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلِى

**۳۸۳.** بِاِسْنَادِهِ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ، قَالَ:

كَأَنِّى أَنْظُرُ اِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ مُرْدِفَاتٍ وَ قَدْ شَدَّت ذُؤَابَتَيْهَا بِنَخْلِ الْعِرَاقِ مِمَّا يَلِى الْبَصْرَةَ، يُنَادِينَ بِالْوَيْلِ وَ الْعَوِيلِ، وَيَقَعُ السَّبْىُ فِى الْأَطْرَافِ، فَالْوَيْلُ لِأَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ مَاذَا يَمُرُّ عَلَيْهِمْ مِنَ الْأَهْوَالِ وَ الْأَفْزَاعِ وَ الزَّلَازِلِ، وَ الْوَيْلِ خَاصَّةً لِمَنْ كَانَ لَهُ مَالٌ ظَاهِرٌ، وَ طُوبَى لِمَنْ رَاضَ نَفْسَهُ وَ عِيَالَهُ وَ لَمْ يَعْرِفْ أَنَّهُ صَاحِبُ ذَهَبٍ وَ فِضَّةٍ.

Scanned by CamScanner

## باب پنجاهم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون حوادثی که در بصره پیش خواهد آمد

**۳۸۲.** کعب می‌گوید: گروهی که صورتهای عریض و پهن و چشمهای کوچک دارند و آنها را بنوقنطورا بن کنکر می‌گویند مردم بصره را از منزلهای خود به نقطه خشک آواره خواهند نمود و از اعراب بجرم پدرانشان بازخواست خواهند کرد و برای عرب آسیبهای زیادی خواهد بود، سپس درندگان در جاده‌ها رفت و آمد می‌کنند زیرا جز عده قلیلی کسی از جاده‌ها عبور نمی‌کند بعد از آن زلزله‌هایی در بغداد بوجود خواهد آمد و بغداد به زمین فرو خواهد رفت و از هر زمینی زودتر خراب خواهد شد، آنگاه خرابی مصر آغاز می‌شود وقتی در شام فتنه برپا شد مرگ و میر بدنبال خواهد داشت آنگاه بنی اصفر حرکت می‌کنند و در بلاد عرب گردش می‌نمایند و در میان ایشان حوادثی بوقوع خواهد پیوست.

## باب پنجاه و یکم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی درباره فتنه‌های بزرگی که بر سر بصره خواهد آمد

**۳۸۳.** «حذیفة بن یمان» می‌گوید: گویا می‌بینم که زنان قریش را بصف کرده‌اند

و موهای آنها را به درخت خرمای عراق که پهلوی بصره است بسته‌اند، آنها صدا را به واویلا بلند می‌کنند و در اطراف (بصره) اسارت شروع خواهد شد، وای بر اهل آنزمان که چقدر هول و ترس و زلزله دچار آنها خواهد شد مخصوصاً افرادی که مال و ثروتشان آشکار است، خوشا بحال کسیکه خود و اهل و عیالش را پنهان نماید و معلوم نشود که طلا و نقره و ثروت دارد.

## الباب ۵۲

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ مَلَاحِمِ عَظِيمَةٍ تَجْرِى عَلَى الاِسْلَامِ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ نَذْكُرُ إِسْنَادَهَا وَ مَا نَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْهَا، وَ حَدِيثَ الْـمَهْدِى.

**۳۸٤.** فَقَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْـمُؤْمِنِ، قَـالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدُ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَمْرٍو عَنْ عَبْدِاللهِ ابْنِ مَنْصُورِ الْعَبَسِى عَـنْ عِـبَادِ الْعَمْرِى عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ الْجَزَرِى عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي الْجَعْدِ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانِ، قَـالَ: قَـالَ رَسُولُ اللهُ (ﷺ)، ثُمَّ ذَكَرَ الْـمَلَاحِمِ، وَ قَالَ فِي آخِرِهَا:

«وَ يُبَاعُ الْأَحْرَارُ لِلْجُهْدِ الَّذِى يُحِلُّ بِهِمْ، يَقِرُّونَ بِالْعُبُودِيَّةِ الرِّجَالُ وَ النِسَاءُ، وَ يَسْتَخْدِم الْمُشْرِكُونَ الْـمُسْلِمِينَ، وَ يَبِيعُونَهُمْ فِي الْأَمْـصَارِ، لَا يَتَحَاشَىْء لِذَلِكِ بِرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ، يَا حُذَيْفَةُ لَا يَزَالُ ذَلِكَ الْبَلَاءُ عَلَى أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ حَتّى إِذَا أَيِسَوا وَ قَنَطُوا وَ أَسَاؤُا الظَّنَّ أَنَّ لَا يُفَرَّجَ عَنْهُمْ إِذْ بَعَثَ اللهُ رَجُلاً مِنْ أَطَائِبِ عِتْرَتِى وَ أَبْرَارِ ذُرِّيَتِى عَدْلاً مُبَارَكاً زَكِيّاً لَا يُغَادِرُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ، يُعِزُّ اللهُ بِهِ الدِّينَ وَ الْقُرْآنَ وَ الاِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ، وَ يُذِلُّ بِهِ الشِّرْكَ وَ أَهْلَهُ، يَكُونُ مِنَ اللهِ عَلَى حَذَرٍ، لَا يَغْتَرُّ بِقَرَابَتِهِ، لَا يَضَعُ حَجَراً عَلَى حَجَرٍ وَ لَا يَقْرَعُ أَحَداً فِي وَلَايَتِهِ بِسَوْطٍ إِلَّا فِي حَدٍّ، يَمْحُو اللهُ بِهِ الْبِدَعَ كُلَّهَا، وَ يُمِيتُ بِهِ الْفِتَنَ كُلَّهَا يَفْتَحُ اللهُ بِهِ كُلَّ بَابِ حَقٍّ: وَ يَغْلِقُ بِهِ كُلَّ بَابِ بَاطِلٍ، يَرُدُّ اللهُ بِهِ سَبْىَ الْـمُسْلِمِينَ حَيْثُ كَانُوا» قُلْتُ: فَسَمِّ لَنَا هَذَا الْعَبْدَ الَّذِى قَدِ اخْتَارَهُ اللهُ لأُمَّتِكَ وَ ذُرِّيَّتِكَ، فَقَالَ: «إِسْمُهُ كَاسْمِى، وَ اسْمُ أَبِيهِ كَاسْمِ أَبِى، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَعَجَّلَ اللهُ مِقْدَارَ مَا يَكُونُ فِيهِ جَمِيعَ مَا ذَكَرْتُ».

Scanned by CamScanner

## باب پنجاه و دوم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون فتنه‌های بزرگی که به اسلام هجوم خواهد کرد و جریان ظهور مهدی

**۳۸۴.** حذیفة بن یمان از رسول گرامی(صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود:

افرادی که آزادند (یعنی زر خرید نیستند) فروخته خواهند شد، از بس که به مرد و زنها رنج و مشقت می‌رسد بغلام و کنیزی خود اقرار می‌کنند و مشرکین، مسلمین را استخدام نموده و در شهرها می‌فروشند و خوب و بد از این بلاء رهایی نمی‌یابند.

ای حذیفه آن بلاء همیشه دچار اهل آنزمان خواهد بود تا اینکه آنها دچار بد گمانی شده و از نجات مأیوس و ناامید خواهند شد در آنموقع خداوند مردی را از پاکیزگان و بهترین فرزندان من برانگیزد که عادل و مبارک و زکی است و بکسی ذره‌ای خیانت نمی‌کند و خدا بوسیله او دین و قرآن و اسلام و اهل آن را عزیز خواهد کرد و بواسطه او است که خدا شرک و اهل آنرا ذلیل می‌نماید او از خدا می‌ترسد و به واسطه قرابتی که بمن دارد مغرور نخواهد شد.حرمتی را بحرمتی ضایع نمی‌کند، در زمان حکمفرمائی خود کسی را با تازیانه نمی‌زند مگر اینکه حد جاری کند، خدا بوسیله آن بزرگوار کلیه بدعتها را محو و نابود می‌سازد فتنه را ریشه کن می‌کند، خدا بواسطه آن حضرت درب حق را باز و درب باطل را می‌بندد و اسرای مسلمین را هر جا که باشند بوسیله او بمکان خود باز می‌گرداند.

حذیفه گوید: عرض کردم: نام آن بنده‌ای را که خدا از ذریه تو برای امت تو برگزیده است برای ما بگو؟ فرمود: اسم او چون اسم من و اسم پدرش چون اسم پدر من است، اگر از دنیا بیشتر از یک روز باقی نباشد خدا آنروز را طولانی می‌کند تا ظهور تحقق یابد.

Scanned by CamScanner

## الباب ٥٣

فِيمَا نَذْكُرُهُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَلْمَانَ: أَنْ النَّاسَ يَخْرُجُونَ مِنَ الدِّينِ أَفْواجاً كَمَا دَخَلُوا فِيهِ أَفْوَاجاً، مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلِيلى.

**٣٨٥.** قَالَ، حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْعَبَّاسِ الْبِجِلّى بِالْكُوفَةِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عُثْمَانُ بْنُ حَكِيمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ شَرِيكٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ الْجُعْفِي عَنْ يَزِيدِ بْنِ مُرَّةَ عَنْ سُوَيْدِ بْنِ غَفْلَةَ، قَالَ:

**قَالَ سَلْمَانُ يَوْمَ الْقَادِسِيَّةِ - وَ أَبْصَرَ كَثْرَةَ النَّاسِ -: تَرَوْنَهُمْ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللهِ أَفْوَاجاً، وَ الَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ لَيَخْرُجَنَّ مِنْهُ أَفْواجاً كَمَا دَخَلُوا فِيه أَفْوَاجاً.**

## الباب ٥٤

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنَ الْمَلَاحِمِ عَنْ مَوْلَانَا عَلِيٍّ عليه السلام، مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ أَيْضاً نَقْتَصِرُ عَلَى مَا قَدْ تَخَلَّفَ مِنْهَا، وَ حَدِيثَ الْمَهْدِى.

**٣٨٦.** قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ ابْنُ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام أَنَّهُ قَالَ:

**«اِنَّ لَنَا بِالْبَصْرَةِ وَقْعَةً عَظِيمةً، وَ قَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنينَ عَلَى ابْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام» وَ ذَكَرَ مَا جَرَى مِنْ حَدِيثِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ صَاحِبِ الزَّنْجِ وَ غَيْرِهِ، ثُمَّ قَالَ: «وَ تَعُودُ دَارُ الْمُلْكِ اِلَى الزَّوْرَاءَ، وَ تَصِيرُ الأُمُورُ شُورى، مِنْ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ فَعَلَهُ، فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ السُّفْيَانِى، فَيَرْكَبُ فِى الْأَرْضِ تِسْعَةَ أَشْهرٍ يَسُومُهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ، فَوَيْلٌ لِمِصْرٍ وَ وَيْلٌ لِلزَّوْرَاءَ وَ وَيْلٌ**

Scanned by CamScanner

## باب پنجاه و سوم

### بیانی است از سلمان از کتاب فتن سلیلی در اینکه در عصر غیبت مردم گروه گروه از اسلام خارج می‌شوند همانطور که در آغاز دسته دسته وارد می‌شدند

**۳۸۵.** سوید بن غفله می‌گوید: سلمان در روز قادسیه گفت:

این مردم را می‌بینی که فوج فوج در دین خدا داخل می‌شوند.

قسم به آن خدائی که جان من در دست قدرت اوست همینها فوج فوج از دین خدا خارج می‌شوند همانطور که در آغاز داخل شدند.

## باب پنجاه و چهارم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی از رویدادها و فتنه‌هائی که بر علی می‌گذرد و نیز حدیث مهدی (عج)

**۳۸۶.** محمد بن عبدالرحمن از صادق آل محمد﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ روایت کرده که فرمود:

برای ما، در شهر بصره مصیبت بزرگی خواهد بود زیرا که امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب﴿علیه السلام﴾ فرمود:

محل و جایگاه سلطان در زوراء یعنی بغداد خواهد بود و کارها توسط شورا انجام خواهد شد و کسی که بر کار مسلط شد آن را اجرا خواهد کرد. در آن شرائط سفیانی خروج می‌کند و مدت نه ماه در زمین می‌گردد و مردم را به بدترین وضع کیفر می‌کند وای بر مردم مصر و بغداد و کوفه و واسط که (یکی از شهرهای عراق) است

Scanned by CamScanner

لِلْكُوفَةِ وَ الْوَيْلُ لِوَاسِطَ. كَأَنِّى أَنْظُرُ إِلَى وَاسِطَ وَ مَا فِيهَا مُخَبِّرٌ يَخْبِرُ، وَ عِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ السُّفْيَانِى، وَ يَقِلُّ الطَّعَامُ، وَ يَقْحَطُ النَّاسُ، وَ يَقِلُّ الْمَطَرُ، فَلَا أَرْضٌ تَنْبُتُ، وَ لَا سَمَاءٌ تَنْزِلُ، ثُمَّ يَخْرُجُ الْمَهْدِىُّ الْهَادِى الْمُهْتَدِى الَّذِى يَأْخُذُ الرَّايَةَ مِنْ يَدِ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ ثُمَّ خُرُوجُ الدَّجَّالِ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ يَخْرُجُ الدَّجَّالِ مِنْ «مَيْسَانَ» نَوَاحِى الْبَصْرَةِ فَيَأْتِى «سَفْوَانُ» (منطقه مائى فى البصرة) وَ يَأْتِى «سَنَامُ» (جبل مشرف بالبصرة) فَيُسْحِرُهُمَا وَ يُسْحِرُ النَّاسَ فَيُمَثِّلَانِ كَالثَّرِيدِ - وَ مَا هُمَا بِثَرِيدَ - مِنَ الْجُوعِ وَ الْقَحْطِ. إِنَّ ذَلِكَ لَشَدِيدٌ، ثُمَّ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ أَرْبَعِينَ عَاماً وَ اللهُ أَعْلَمُ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ».

## الباب ۵۵

### فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسُّلِيلى أَيضاً عِدَّةَ أَحَادِيثٍ هِىَ مُعْجِزَاتٌ لِخَاتَمِ النُّبُوَّاتِ عَلَيْهِ أَفْضَلُ السَّلَامِ، فِى تَعْرِيفِ أَهْلِ الإِسْلَامِ: أَنَّهُمْ يُقَاتِلُونَ قَوْماً صِفَاتُهُمْ التُّرْكُ.

**۳۸۷.** قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو اللَّيْثِ الْفَرَائِضِى، قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَيْدُاللهِ بْنِ عُمَرِ الْقَوَارِيرِى، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّد، قَالَ: حَدَّثَنَا جَرِيرُ بْنُ حَازِم، قَالَ: سَمِعْتُ الْحَسَنَ يَقُولُ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ تَغْلِبَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﴿صلى الله عليه و آله﴾:

«تُقَاتِلُونَ بَيْنَ يَدَى السَّاعَةِ قَوْماً نِعَالُهُمُ الشَّعْرُ، تُقَاتِلُونَ قَوْماً صِغَارَ الأَعْيُنِ عِرَاضَ الْوُجُوهِ، كَأَنَّ وُجُوهَهُمُ الْمَجَانُّ الْمُطْرَقَةُ»

(كنز العمال ج ۱۴:ص ۲۰۶/حديث ۳۸۴۱۰).

Scanned by CamScanner

گویا می‌بینم، حوادثی را که در این شهر واقع خواهد شد در آنوقت سفیانی خروج می‌کند و مواد غذایی کمیاب شده و مردم دچار قحطی خواهند شد و باران کم می‌شود نه زمینی خواهد بود که گیاه برویاند و نه آسمانی که ببارد.

بعد از آن مهدی (عج) خروج نموده و بیرق را از دست عیسی ابن مریم«علیه السلام» می‌گیرد.

آنگاه دجال از «میسیان» که در نواحی مصر است خروج می‌کند و نزد سفوان و سنام *(نام آب وکوهی است در بصره)* می‌آید و آنها را تصرف می‌کند سپس پس از آن، خورشید تا چهل سال از طرف مغرب طلوع می‌کند.

## باب پنجاه و پنجم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی پیرامون معجزات پیامبر اسلام و بیان آنحضرت در اینکه مسلمین با اقوام ترک می‌جنگند

**۳۸۷.** عمرو بن تغلب می‌گوید:

رسول خدا«صلی الله علیه و آله و سلم» فرمود: شما در موقع قیام قیامت با گروهی که نعلینشان از مو باشد خواهید جنگید و با قومی جنگ می‌کنید که دارای چشمان کوچک و صورتهای عریض و پهنی چون سپرهای آهنین باشند.

Scanned by CamScanner

۳۸۸. وَرَوَاهُ بِإسْنَادٍ آخَرَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ (صلى الله عليه وآله): «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تُقَاتِلُوا قَوْماً نِعَالُهُمْ الشَّعَرُ، يَتَخِذُونَ الدَّرَقَ جُنَناً؛ صِغَارَ الْأَعْيُنِ عِرَاضَ الْوُجُوهِ، كَأَنَّ وُجُوهَهُمْ الْمَجَانُّ الْمُطْرَقَةُ»

(صحيح البخارى ج ٤:ص ٢١٠).

۳۸۹. وَرَوَاهُ بِإسْنَادٍ آخَرَ قَالَ: صَحِبْتُ رَسُولَ اللهِ (صلى الله عليه وآله) سِتَّ سَنَواتٍ أَعْقِلُ مَا كُنْتُ أَسْمَعُهُ، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «قَرِيباً بَيْنَ يَدَىْ السَّاعَةِ تُقَاتِلُونَ قَوْماً نِعَالُهُمُ الشَّعَرُ صِغَارَ الْأَعْيُنِ حُمْرُ الْوُجُوهِ كَأَنَّ وُجُوهَهُمْ الْمَجَانُّ الْمُطْرَقَة» (الترمذى ج ١٤:ص٤٩٧/حديث ٢٢١٥).

أَقُولُ، فِى هَذِهِ الْأَحَادِيثِ مِنَ الْمُعْجِزَاتِ مَا تَجَدَّدَ بَيْنَ أَهْلِ الإِسْلَامِ وَ بَيْنَ التُّرْكِ مِنْ الْحَادِثَاتِ، وَ فِيهَا صِفَتُهُمْ كَأَنَّهُ مُشَاهِدٌ لَهُمْ، عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَوَاتِ، وَ فِيهَا أَنَّ ذَلِكَ يَكُونُ قَرِيباً مِنَ السَّاعَةِ، فَلْيَغْتَنِمْ كُلُّ مَنْ صَدَّقَهُ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، الطَّاعَةَ بِغَايَةِ الْأَسْتِطَاعَةِ.

## الباب ٥٦

### فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ مُعْجِزَةٍ لِلنَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله)

### فِيمَا جَرَتْ حَالُ الْعَجَمِ وَ الْعَرَبِ عَلَيْهِ، وَ أَنَّ الْعَرَبَ تَمْلِكُهُمْ ثُمَّ يَمْلِكُهُمْ الْعَجَمُ كَمَا انْتَهَتْ حَالُهُمْ إِلَيْهِ، مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ أَيْضاً.

۳۹۰. قَالَ: فَحَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الوَهَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا هُدْبَةُ بْنُ خَالِدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ عُبَيْدٌ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ سَمُرَةِ بْنِ جُنْدَبٍ: أَنَّ رَسُولَ اللهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ:

«يُوشَكُ أَنْ تَمْلَأَ أَيْدِيكُمْ مِنَ الْعَجَمِ، ثُمَّ يَجْعَلُهُمُ اللهُ أَسَداً لَا يَفِرُّونَ، فَيَقْتُلُونَ مُقَاتِلَتَكُمْ وَ يَأْكُلُونَ فَيْئَكُمْ» (حلية الاولياء، ج ٣، ص ٢٤ و ٢٥)

Scanned by CamScanner

۳۸۸. و بروایت دیگر پیامبر خدا(ﷺ) فرمود: قیامت برپا نمی‌شود تااینکه شما با قومی جنگ کنید که نعلینشان از مو باشد و کلاهخود بر سر گذارند و دارای چشمان کوچک و صورتهای عریض چون سپرهای آهنین باشند.

۳۸۹. و بسندهای دیگر روایت کرده که راوی گفت: من شش سال با رسول خدا(ﷺ) بودم و خوب فهمیدم که چه می‌فرمود یک روز شنیدم که می‌فرمود: بهمین زودی شما با گروهی می‌جنگید که نعلینشان از مو و دارای چشمانی کوچک و صورتی سرخ باشند در حالی که صورتهایشان مانند سپرهای آهنین است.

من می‌گویم در این احادیث معجزاتی وجود دارد که بین اسلام و ترک حوادثی رخ خواهد داد که همه آن حوادث، خود نموداری از نزدیکی قیامت است در این شرایط هر کسی باید به اندازه توان خود وظیفه خویش را انجام دهد.

## باب پنجاه و ششم

### بیانی است از معجزه پیامبر (ص) از کتاب فتن پیرامون حوادثی که بر عرب و عجم می‌گذرد و اینکه عرب مالک آنها می‌شود آنگاه عجم مالک آنها می‌گردد

۳۹۰. سمرة بن جندب می‌گوید:

پیامبر اکرم(ﷺ) فرمود: بزودی جلو شما پر از عجم شود و خدا آنها را چون شیری پرجرئت کند که فرار نکنند و با شما بجنگند و اموال شما را به غنیمت ببرند و بخورند.

Scanned by CamScanner

## الباب ۵۷

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ مُعْجِزَةٍ لِلنَّبِيِّ ﴿ﷺ﴾ فِيمَا ذَكَرَهُ مِنْ غَلَبَةِ الْعَجَمِ عَلى دَخْلِ الْعِرَاقِ، مِنْ كِتَابِ السَّلِيلِي فِي الْفِتَنِ.

**۳۹۱.** فَقَالَ: حَدَّثَنِي عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُاللهِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ عَنْ عَبْدِ الْوَهَّابِ عَنِ الْجَرِيرِي عَنْ أَبِي نَضْرَةٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِاللهِ عَنْ حُذَيْفَةَ، قَالَ:

يُوشَكُ أَهْلُ الْعِرَاقِ أَنْ لَا يُجْبِى اِلَيْهِمْ دِرْهَمٌ وَ لَا قَفِيزٌ، يَمْنَعُهُمْ مِنْ ذَلِكَ الْعَجَمُ، وَ يُوشَكُ أَهْلُ الشَّامِ أَنْ لَا يُجْبِى اِلَيْهِمْ دِرْهَمٌ وَ لَا قَفِيزٌ، يَمْنَعُهُمْ مِنْ ذَلِكَ الرُّومُ (مسند احمد حنبل، ج ٤، ص ٢٥٩، حديث ١٣٩٩٧).

## الباب ۵۸

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ خُطْبَةِ مَوْلَانَا عَلِيٍّ ﴿ع﴾، الْمَعْرُوفَةِ بِاللُّؤْلُؤَةِ، ذَكَرَ السَّلِيلِى أَنَّهُ خَطَبَ بِهَا قَبْلَ خُرُوجِهِ مِنَ الْبَصْرَةِ بِخَمْسَةَ عَشَرَ يَوْماً؛ يَذْكُرُ فِيهَا مُلُوكُ بَنِى العَبَّاسِ وَ مَا بَعْدَهُمْ، نَقْتَصِرُ مِنْهَا عَلَى مَا بَعْدَهُمْ، وَ فِيهِ ذِكْرُ الْمَهْدِى.

**۳۹۲.** فَقَالَ فِيهَا بَعْدَ تَسْمِيَةِ مُلُوكِ بَنِي الْعَبَّاسِ:

«وَ تَمَّتِ الْفِتْنَةُ الْغَبْرَاءُ وَ الْقِلَادَةُ الْحَمْرَاءُ، وَ فِي عُنُقِهَا قَائِمُ الْحَقِّ، ثُمَّ أَسْفَرَ عَنْ وَجْهٍ بَيْنَ أَجْنِحَةِ الْأَقَالِيمِ كَالْقَمَرِ الْمُضِيءِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ الدُّرَارِى، أَلَا وَ اِنَّ لِخُرُوجِهِ عَلَامَاتٍ عَشْرَةٍ، فَأَوَّلُهُنَّ طُلُوعُ الْكَوْكَبِ الْمُذَنَّبِ، وَ يُقَارِبُ مِنَ الْحَاذِى، وَ أَىُّ قُرْبٍ، وَ يَتْبَعُ بِهِ هَرَجٌ وَشَغَبٌ، فَتِلْكَ أَوَّلُ عَلَامَاتِ الْمُغَيِّبِ، وَ مِنَ الْعَلَامَةِ إِلَى الْعَلَامَةِ عَجَبٌ، فَاِذَا انْقَضَتِ الْعَلَامَاتُ الْعَشْرُ ظَهَرَ فِيهَا الْقَمَرُ الْأَزْهَرُ، وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ الإِخْلَاصِ عَلَى التَّوحِيدِ بِاللهِ رَبِّ الْعَالَمِين» هَذَا آخِرُ مَا ذَكَرَهُ مِنْهَا. (كفاية الأثر: ص ٢١٣-٢١٧)

Scanned by CamScanner

## باب پنجاه و هفتم

### بیانی است از معجزهٔ پیامبر (ص) از کتاب فتن سلیلی به اینکه عجم بر عراق پیروز خواهد شد

**۳۹۱.** حُذیفه می‌گوید:

بزودی که عجم از پول و غذا برای مردم عراق جلوگیری می‌کند و در آن روز برای آن مردم ثروت و غذایی نباشد و نیز رومیان از ثروت و غذا برای مردم شام جلوگیری کنند.

## باب پنجاه و هشتم

### بیانی است که خطبه مولا علی«علیه السلام» که به لؤلؤ معروف است و سلیلی در کتاب خود آورده به اینکه حضرت پانزده روز پیش از خارج شدنش از بصره بیان فرموده و در آن به بیان حکام بنی عباس و بعد از آنها پرداخته که ما بصورت کوتاه بیان می‌کنیم و در آن از امام مهدی نام برده شده است

**۳۹۲.** سلیلی می‌گوید:

پانزده روز قبل از اینکه امیرالمؤمنین علی«صلوات الله علیه» از بصره خارج شود خطبه‌ای خواند و در آن خطبه پس از آنکه از خلفای بنی عباس نام برد، فرمود: فتنه ظلمانی و گردن بند قرمز تمام شد و قائم حق در بین آن است، بعد از آن هفت اقلیم چون ماه نورانی و چون ستاره درخشنده خواهند شد، آگاه باشید که برای خروج مهدی (عج) ده علامت خواهد بود:

طلوع ستاره دنباله دار که از روبرو، نزدیک خواهد شد و بعد از آن فتنه و آشوبهائی بر پا می‌شود و این اول آن علامتها بود، و از آن علامت تا علامت دیگر عجائبی پیدا خواهد شد و ماه نورانی در بین این علائم ده گانه خواهد بود.

Scanned by CamScanner

## الباب ۵۹

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ خُطْبَةٍ أُخْرَى لِمَوْلَانَا عَلِيٍّ ؈،
ذَكَرَهَا السَّلِيلِى عَقِيبَ هَذِهِ الْخُطْبَةِ.
نَقْتَصِرُ مِنْهَا عَلَى مَا بَقِيَ مِنَ الْـمَلَاحِمِ، خَطَبَ بِهَا عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ.

**۳۹۳.** فَقَالَ ؈ بَعْدَ التَّحْمِيدِ الْعَظِيمِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى الرَّسُولِ الْكَرِيمِ:

«سَلُونِي، سَلُونِي فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» ثُمَّ ذَكَرَ الْحَوَادِثَ بَعْدَهُ، وَ قَتْلَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ، وَ قَتْلَ زَيْدِ ابْنِ عَلِيٍّ رِضْوَانُ اللهِ عَلَيْهِ، وَ إِحْرَاقِهِ وَ تَذْرِيَتِهِ فِي الرِّيَاحِ، ثُمَّ بَكَى ؈ وَ ذَكَرَ زَوَالَ مُلْكِ بَنِي أُمَيَّةَ وَ مُلْكُ بَنِي الْعَبَّاسِ ثُمَّ ذَكَرَ مَا يَحْدِثُ بَعْدَهُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَ قَالَ: «أَوَّلُهَا السُّفْيَانِي وَ آخِرُهَا السُّفْيَانِي» فَقِيلَ لَهُ: وَ مَا السُّفْيَانِي وَ السُّفْيَانِي؟ فَقَالَ: «السُّفْيَانِي صَاحِبُ هَجْرٍ، السُّفْيَانِي صَاحِبُ الشَّامِ».

وَ ذَكَرَ السَّلِيلِي أَنَّ السُّفْيَانِيَ الْأَوَّلِ أَبُو طَاهِرٍ سُلَيْمَانَ بْنَ الْحَسَنِ الْقِرْمَطِي.

ثُمَّ ذَكَرَ مُلُوكَ بَنِي الْعَبَّاسِ، وَ ذَكَرَ أَنَّ الَّذِي يَخْبِرُ بِهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ ذَكَرَ شِيعَتَهُ وَ مُحِبِّيهِ وَ مَدْحَهُمْ، وَ قَالَ: «هُمْ عِنْدَ النَّاسِ كُفَّارٌ وَ عِنْدَ اللهِ أَبْرَارٌ، وَ عِنْدَ النَّاسِ مَلَاعِينُ وَ عِنْدَاللهِ بَارُّونَ، وَ عِنْدَ النَّاسِ ظَالِمُونَ وَ عِنْدَ اللهِ عَادِلُونَ، فَازُوا بِالايمَانِ وَ خَسِرَ الْـمُنَافِقُونَ»

وَ هَذَا صُورَةُ مَا جَرى حَالُ شِيعَتِهِ عَلَيْهِ.

## باب پنجاه و نهم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون خطبه حضرت علی(ع) که بدنبال خطبه قبل ایراد فرموده است و این خطبه در منبر کوفه برای مردم بیان فرموده که ما بصورت کوتاهی آن‌را نقل می‌کنیم

**۳۹۳.** سلیلی نیز گوید:

امیرالمؤمنین(ع) بر منبر کوفه خطبه‌ای خواند و بعد از ستایش از خداوند و پیامبر(ص) فرمود: هر چه می‌خواهید از من بپرسید زیرا که من در اواخر ماه رمضان از میان شما می‌روم، پس حوادث بعد از خود را ذکر کرد و شهادت حسین(ع) و زید بن علی رضوان الله علیه و سوزاندن جنازه او و بباد دادن خاکستر او بیان فرمود آنگاه گریه کرد، سپس زوال بنی امیه و بنی عباس را بمردم تذکر داد و حوادث بعد از آنها را خاطر نشان ساخت و فرمود: اول آن فتنه‌ها سفیانی و آخر آن سفیانی خواهد بود، از آن حضرت پرسیدند: سفیانی اول و دوم کدامند؟

فرمود: سفیانی اول: حاکم هجر است *(شهری است نزدیک مدینه)* و سفیانی دوم حاکم شام.

سلیلی گوید: سفیانی اول ابوطاهر سلیمان بن حسن قرمطی بود آنگاه آن حضرت ذکر پادشاهان بنی عباس را از قول رسول الله(ص) تجدید کرد، و مدحی از شیعیان و محبین خود، گوش زد نمود و فرمود: شیعیان من نزد مردم کافر و نزد خدا از خوبانند، پیش مردم دروغگو ولی نزد خدا راست گویانند در نزد مردم پلید اما نزد خدا پاکیزه‌اند، پیش مردم ملعون و پیش خدا از نیکانند پیش مردم، ظالم اما نزد خدا عادلند، شیعیان من بوسیله ایمان رستگار ند اما منافقون زیان کارند، این جریان و شرح حال شیعه آن حضرت است.

Scanned by CamScanner

## الباب ٦٠

### فِيْمَا نَذْكُرُهُ مِنْ حَدْيث عَنْ رَسُولِ الله (ﷺ)، وَ فِتْنَةِ الْزَوْرَاء وَ الْكُوفَة وَ الْمَدْينة، وَ شُعَيْبِ بْنِ صَالِحٍ، وَ الْمَهْدِى.

٣٩٤. وَ ذَكَرَ إِسْنَادَ هَذَا الْحَدِيْثِ إِلَى مَعَاذ بْن جبَلٍ، ثُمّ قَالَ:

بَيْنَا أَنَا وَ أَبُو عُبَيْدَة ابْنِ الْجَرَّاح وَ سَلْمَان جُلُوسُ نَنْتَظِرُ رَسُولَ اللهَ (ﷺ)، إِذْ خَرَجَ عَلَيْنَا فِى الْحُجَيْر مَرْعُوباً مُتَغَيِّرِ الْلَوْنَ، فَقَالَ: «مَنْ ذا؟

أَبُو عُبَيْدَةَ، مَعَاذ، سَلْمَانَ؟»

قُلْنَا: نِعَم يَا رَسُولَ الله، فَذَكَرَ الْفِتَنَ، ثُمّ قَالَ:

«تَدْخُلُ مَدِيْنَةَ الزَّوْرَاء، فَكَمْ مِنْ قَتِيْلٍ وَ قَتِيْلَةَ وَ مَالِ مُنْتَهَبَ وَ فَرْجٍ مُسْتَحَلٍّ، رَحِمَ اللهُ مَنْ آوَى نِسَاءَ بَنِى هَاشِمٍ يَوْمَئَذٍ وَ هُنَّ حُرْمتِىَ، ثُمّ تَنْتَهِى إِلى وَكْرِ الشَّيْطَان بذى الْعَرْشِن، فَيخْرُج إِلَيْهِمْ فَتيَانَ مِنْ مَجَالِسِهم، عَلَيْهِم رَجُلَ يُقَالَ لَهُ: صَالِحَ، فَتَكُونَ الدَابِرَة عَلَى أَهْلِ الْكُوفَةِ ثُمّ تَنْتَهِى إِلَى الْمَدِينَة فَتَقْتُلَ الرِجَالِ وَ تَبْقَرُ بُطُونَ الْنِسَاء مِنْ بَنِى هَاشِمَ، فَإِذَا حَضَرَ ذَلِكَ فَعَلَيْكُمَ بِالشَوَاهِقَ أَوْ خَلْفُ الدَّرُوب، وَ إِنَّمَا ذَلِكَ حَمَلَ امْرَأَةَ ثُمّ يَقْبَلِ الرَّجُلِ التَمِيمَى شُعَيْب بْنِ صَالِحَ سَقَى اللهُ بِلَادَ شُعَيْبُ -بِالرَايَةُ السَّوَدَاء الْمَهْدِية بِنَصْرِ الله وَكَلَمَتِهِ حَتَى يُبَايِعَ الْمَهْدِى بَيْنَ الرُكْن وَ الْمَقَام».

قَالَ السَّلِيلِى: وَ ذَكَرَ الْحَدِيث، وَ لَمْ يَنْقُلْه فِى كِتَابِ الْفِتَن.

Scanned by CamScanner

# باب شصتم

## بیانی است از حدیث پیامبر و فتنه‌ای است در زوراء و کوفه و مدینه پیرامون شعیب بن صالح و مهدی

**۳۹۴.** معاذ بن جبل گوید:

من و ابوعبیده جراح و سلمان نشسته بودیم و منتظر رسول خدا(ﷺ) بودیم ناگاه دیدیم که آن حضرت با رنگ پریده نزدیک ظهر بر ما وارد شد و فرمود:

کیست در اینجا آیا شما ابوعبید و معاذ و سلمان نیستید؟ گفتیم:

چرا یا رسول الله آنگاه آنحضرت فتنه‌ها را ذکر کرد و فرمود: در شهر زوراء (یعنی بغداد) فتنه‌ای بر پا می‌شود و چقدر از زنان و مردان کشته خواهند شد و چه مالهائیکه به غارت می‌رود و ناموسهائیکه مورد تجاوز قرار می‌گیرند خدا رحمت کند آنکسی را که در آن روز زنان بنی هاشم را پناه دهد زیرا که آنها حرم منند. سپس فتنه به لانه شیطان منتهی خواهد شد که آن محل «عرسن» نام دارد سپس جوانانی از مجلسشان بر آنها خروج می‌کنند که نام یکی از آنها صالح است و اهل کوفه را محاصره می‌کنند، بعد از آن فتنه بمدینه منتهی خواهد شد و مردها راکشته و شکم زنان را پاره می‌کنند موقعیکه این بلاء بوجود آمد بر شما لازم است که به روم و کوههای بلند فرار کنید و آن جوان (که صالح نام دارد) فرزند زنی است، پس از آن، مرد تمیمی که شعیب بن صالح نام دارد که خداوند شهرهای شعیب را آباد کند با بیرق سیاه بنصرت دین خدا می‌آید تا اینکه بین رکن و مقام با مهدی (عج) بیعت می‌نماید.

Scanned by CamScanner

## الباب ۶۱

فِيمَا نَذْكُرُهُ عَنِ السَّلِيلِى مِنْ كِتَابِ الْفِتَن فِى تَحْقِيق حَدِيثِ الْمَهْدى فِى الْكُتُبِ السَّالِفَة، وَ عَنْ جَدِّهِ مُحَمّد صَلَواتُ الله عَلَيْهِمَا.

فَقَالَ السَّلِيْلى فِى كِتَابَ الْفِتَن:

**۳۹۵.** حَدَّثَنا عُمَر، قَالَ: حَدَّثَنَا هَارُون السُّهْروَرْدِى، قَال: حَدَّثِنَى شَفَاعَة بْنِ نَهْشَلٍ، قَالَ أَخْبَرَنَا سُوَيْدِ بْنِ سَعْيدٍ عَنْ هَمَّامِ بْنَ اِسْمَاعِيْلِ عَنْ أَبِى قَبِيلُ الْمَعَافِرِى عَنْ شُعَيْبِ الْحَنَّائى

وَ كَانَ قَدْ قَرَأَ الْكُتُبِ، قَالَ، وَ اللهُ لَوْ شِئْتَ لَحَدَّثْتُكُمْ بِاِسْمِ الْمَهْدِى وَ صِفَتِهِ وَ مِنْ أَيْنَ يَخْرُج، وَ لَكِن أَجدُ فِى الْكِتَابِ: مَلْعُون مَنْ أَخْبَرَ بِهِ قَبْلِ أَنْ يَخْرُجَ.

وَ أَمَّا الْحَدِيث عَنْ جَدِّهِ مُحَمَّدَ صَلَواتُ اللهُ عَلَيْهِما، فَذَكَر أَيْضاً السلِيْلِى فِى كِتَابِ الْفِتَن:

**۳۹۶.** قَالَ: حَدَّثَنا الْحُسَن بْنِ عَلِى، قَالَ: أَخْبِرْنَا هَدِيَّة، حَدَّثَنا عُمَرُ ابْنُ عَبْدُالوهَّاب، حَدَّثَنا خَالِد، حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةٍ عَنْ أَبِى هَارُون الْعَبْدِى وَ مَطَرَ عَنْ أَبِى الْصِدّيقِ عَنْ أَبِى سَعِيْد الْخُدْرِى عَنْ النَّبِيّ (صلى الله عليه و آله) أَنَّهُ ذَكَرَ الْمَهْدى، فَقَالَ:

«تَمْلأُ الأَرْضَ ظُلْماً وَ جَوْراً، ثُمَ يَخْرُجُ رَجُلُ مِنْ عِتْرَتِى يَمْلِكُها سَبْعاً أَوْ تِسْعاً فَيَمْلأُهَا قِسْطاً وَ عَدْلاً» (مسند أحمد حنبل ج ۳:ص ۴۱۰/حديث ۱۰۸۳۹).

Scanned by CamScanner

## باب شصت و یکم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی در تحقیق حدیث مهدی در کتابهای گذشتگان و از جد او حضرت محمّد (ص)

**۳۹۵.** «شعیب حنّائی» که کتابهای زیادی را خوانده است می‌گوید:
سوگند بخدا که اگر بخواهی می‌توانم از نام و صفت مهدی برایت بگویم و اینکه او از کجا خروج خواهد کرد ولی در کتاب چنین یافتم که هر کس که قبل از خروج حضرت این مطلب را بگوید ملعون است.

**۳۹۶.** ابوسعید خدری از رسولخدا(صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود:
زمین پر از ظلم و جور خواهد شد و بعد از آن مردی از عترت من خروج می‌کند و هفت یا نه سال مالک زمین می‌شود و آنرا پر از عدل و داد خواهد کرد.

Scanned by CamScanner

## الباب ۶۲

فِيمَا نَذْكُرُه مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَّلْيلِى

فِى صِفَةِ الْـمَهْدِى بِرِوَايَةِ رِجَالِهِم.

**۳۹۷.** قَالَ: حَدَّثَنا أَحْمَدِ بْنِ الْحَسَنِ الْبَصْرى، قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَر بْن أَبِى عُثْمَانْ بْنِ مُسْلِم قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَوَامِ الْعَطَّار عَنْ قُتَادَة عَنْ أَبِى نَضْرَةَ عَنْ أَبِى سَعِيْد الْخُدْرِى، قَالَ: قَـالَ رَسُولُ اللهُ(ﷺ):

«يَخْرُجُ رَجُلُ مِنْ عِتْرَتِى أَجْلَى الْجَبْهَةِ أَقْنَى الْأَنْف، يَمْلَأُ الْأَرْضِ قِسْطاً وَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً، يَعْيِشُ سَبْعَ سِنِينَ»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ۱:ص ۳۵۹/حديث ۱۰۴۱).

**۳۹۸.** قَالَ: وَ سَمِعْتُ عُفَّان مَرَّةَ أُخْرَى يَقُول:

يَعْيِشُ هَكَذَا. وَ أَشَارَ بِخَمْسِ مِنَ الْيُسْرى وَ اِصْبَعِيْنَ مِنَ الْيُمْنَى

(مستدرک الحاکم ج ۴، ص ۵۵۷).

## الباب ۶۳

فِيمَا ذَكَرُهُ السَّلِيْلِى فِى كِتَابِ الْفِتَنِ

مِنْ دَلَائِلِ خُرُوجِهِ عليه السلام.

**۳۹۹.** قَالَ: حَدَّثَنَا خَالِدِ بْن شُعَيْبِ الْبَلْخِى، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ صَالِحِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَبْدُاللهِ بنِ نُمَيْر عَنْ مُوسى الْجُهَنِى، قَالَ: حَدَّثَنِى عَمروْ ابْنِ قَيْس الْـمَاصِر، قَـالَ: حَـدَّثَنِى مُجَـاهِد عَـنْ رَجُـلٍ مِـنْ أَصْحَابِ النَّبِىّ(ﷺ)، قَالَ: «لَا يَخْرُجِ الْـمَهْدِى حَتَّى تُقْتَلَ النَّفْسُ الزَّكِيَّة، فَاِذَا قُتِلَت

Scanned by CamScanner

## باب شصت و دوم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون صفت حضرت مهدی

**۳۹۷.** ابوسعید خدری از حضرت محمد بن عبدالله(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:

مردی از دودمان من که پیشانی روشن و بینی باریک و کشیده‌ای دارد خروج خواهد کرد و زمین راپر از عدل و داد خواهد نمود همانطور که پر از ظلم و ستم شده باشد و آنحضرت هفت سال عمر خواهد کرد.

**۳۹۸.** گفت: و شنیدم که عفان بار دیگر می‌گوید: چنین زندگی خواهد کرد آنگاه اشاره کرد به پنج انگشت از دست چپ و دو انگشت از دست راست.

## باب شصت و سوم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی از دلایل خروج حضرت مهدی

**۳۹۹.** یکی از اصحاب رسولخدا(صلی الله علیه و آله و سلم) از آنحضرت روایت کرده که فرمود:

مهدی (عج) خروج نمی‌کند تا اینکه نفس زکیه کشته شود. موقعیکه نفس زکیه کشته شد اهل آسمان و زمین بر آنها غضب می‌کنند. بعد از آن،

Scanned by CamScanner

النَّفْسُ الزَّكِيَةِ غَضَبَ عَلَيْهِم أَهْلُ الْأَرْضْ، فَأَتَى النَّاسَ الْـمَهْدِي وَ زَفُّوهَا اِلَيْهُ كَمَا تُزَفُّ الْعَرُوس اِلَى زَوْجِهَا لَيْلَةَ عَـرْسِهَا، فَـيَمْلَأُ الْأَرْض قِسْطاً وَ عَدْلاً .. تَمْطُرُ السَّمَاءِ مَطَراً، وَ تَخْرُجُ الْأَرْض نَبَاتَهَا، وَ تَنْعِمُ أُمَّتِي فِي وِلَايَتِهِ نِعْمَةَ لَمْ تَنْعِمْ بِمِثْلِهَا قَطُّ» (مصنف ابن أبي شيبة ج۸:ص۶۷۹،حديث ۱۹۹)

## الباب ۶۴

فِيمَا ذَكَرَهُ السَّلِيلِي فِي كِتَابِ الْفِتَنِ
مِنْ اِسْمِ الْـمَهْدِي وَ عَدْلِهِ، بِرِجَالِهِمْ.

۴۰۰. قَالَ: حَدَّثَنَا الْهَيْثَمِ بْنِ خَلَفِ الدَوْرِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِي بْنِ الْـمُنْذَر، قَالَ: حَدَّثَنَا ابنُ فُضَيْل، قَالَ: حَدَّثَنَا عُثْمَان [بن عبدالله] بن شَبْرَمَة عَنْ عَاصِمْ بْنِ أَبِي النُّجُود عَنْ زِرّ عَنْ عَبْدِالله، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله(صلى الله عليه وآله):

«يَخْرُجُ رَجُلُ مِنْ عِتْرَتِي يُوَاطِئُ اِسْمُهُ اِسْمِي، وَ خُلْقُهُ خُلْقِي، يَمْلَأُهَا عَدْلاً وَ قِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً» (كنز العمال ج ۱۴:ص۲۷۳حديث ۳۸۷۰۲).

## الباب ۶۵

فِيمَا نَذْكُرَهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَلِيلِي بِرِجَالِهِمْ: فِي أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَـبْقَ مِنَ الدُنْيَا اِلاّ يَوْمُ وَاحِد يَتَضَمَّنُ مَلِكُ الَّذِي يَمْلَأُهَا عَدُلاً وَ قِسْطاً.
فَقَالَ مَا هَذَا لَفْظُهُ:

۴۰۱. حَدَّثَنَا الْقَاسِمْ بْنِ خَلَفْ، قَالَ: أَخْبَرَنَا وَاصِلْ بْنِ عَبْدُ الأَعْلَى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ فُضَيْلِ عَنْ عُثْمَان بْن عَبْدُالله، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله(صلى الله عليه وآله):

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُنْيَا اِلَّا يَوْمُ وَاحِد لَطَوَّلَ الله ذُلَكَ الْيَوْم حَتَى يَمْلِكَ رَجُلُ يُوَاطِي اِسْمُهُ اِسْمِي، وَ خُلْقُه خُلْقِي، وَ اِسْمُ أَبِيهِ اسِمُ أَبِي، يَمْلَأَهَا عَدُلاً وَ قِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً» (كنزالعمال ،ج ۱۴ ،ص ۲۶۷، حديث ۳۸۶۷۶).

Scanned by CamScanner

مردم آنطور نزد مهدی (عج) می‌آیند که عروس در شب عروسی پیش داماد می‌آید، آنگاه مهدی (عج) زمین را پر از عدل و داد می‌کند و آسمان باران می‌بارد و زمین گیاه می‌رویاند و امت من در جوار آن حضرت خوش خواهند بود بطوریکه تابحال چنین خوشی برایشان پیش نیامده است.

## باب شصت و چهارم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی درباره نام حضرت مهدی (عج) و عدالت او نسبت بمردم خود

۴۰۰. عبدالله می‌گوید: رسولخدا﴿صلی الله علیه و آله﴾ فرمود: مردی از عترت من خروج می‌کند که نامش نام من و اخلاقش اخلاق من است زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد.

## باب شصت و پنجم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی از اینکه اگر دنیا تنها یک روز از عمرش باقی مانده باشد حاکمی خواهد آمد که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد

۴۰۱. عثمان بن عبدالله از رسول خدا﴿صلی الله علیه و آله﴾ روایت کرده که فرمود: اگر از دنیا بیشتر از یک روز باقی نمانده باشد خداوند آنروز را طولانی می‌کند تا آنکه مردی که نامش نام من و اخلاقش اخلاق من و نام پدرش همنام پدر من است ظاهر شود و مالک زمین گردد و زمین را پر از عدل و داد کند همانطور که پر از ظلم و ستم شده باشد.

Scanned by CamScanner

## الباب ۶۶

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَلِيلِى
بِرِجَالِهِمْ عَنْ مُنَادِى السَّمَاءِ.

**فَقَالَ مَا هَذَا لَفْظُهُ:**

**٤٠٢.** حَدَّثَنَامُحَمَّدُبْنُ جَرِيْر،قَالَ: حَدَّثَنِي يُونُس بْنُ عَبْدُ الْأَعْلَى،قَالَ: أَخْبَرَنَا ابْنُ وَهَب، قَالَ: أَخْبَرَنَا إِسْحَاقُ بْنُ يَحْيى عَنِ الْمُغَيْرَة بْنِ عَبْدُ الرَّحْمَن عَنْ أُمِّه وَ كَانَتُ إِمْرأة قَدِيْمَة، قَالَ: **قُلْتُ لَهَا لَمَّا كَانَتْ فِتْنَةُ ابْنُ الزُّبَيْرِ: وَ اللهُ إِنَّ هَذِهِ لَفِتْنَةٌ يَهْلِكُ فِيهَا النَّاسَ، قَالَتْ: كَلاَّ يَا بُنَى وَ لَكِنْ تَكُونَ بَعْدَهَا فِتْنَةُ يَهْلِكُ فِيهَا النَّاسُ لَا يَسْتَقِيمُ أَمْرُهُم عَلَى أَحَدٍ حَتَى يُنَادِى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءَ: عَلَيْكُم بِفُلَانِ بْنِ فُلَان**

(كتاب الفتن لابن حماد، ج ١، ص ٣٣٨، حديث ٩٧٦).

## الباب ۶۷

فِيمَا نَذْكُرُه مِنَ الْوَقْتِ الَذِى يَخْرُجُ فِيْهِ الْمَهْدِى، وَ الْمَوْضِعُ الَّذِى يَكُونُ مِنْهُ خُرُوجُهُ ﷺ، مُن كِتَابِ الْفِتَنِ لِلسَلِيْلِى

**فَقَالَ مَا هَذَا لَفْظُهُ:**

**٤٠٣.** حَدَّثَنَا مُحَمَدُ بْنَ جَرِيْر، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَان الْأَسَدِى، قَالَ: أَخبَرَنَا عَبْدُاللهِ بْنِ مُوسى، قَالَ: اَخبَرَنَا عَنْبَسَةِ بْن سَعِيْدُ عَنْ سُمَيْر، قَالَ:

**يَظْهَرُ فِى رَمَضَانٍ صَوْتُ، وَ فِى شَوَّالِ هَمْهَمَةَ، أَوْ مُهِمَّة، وَ فِى ذِى الْقَعْدَة تَحَارُب الْقَبَائِل، وَ فِى ذِى الْحِجَّةِ يُسْلَبُ الْحَاج، وَ فِى الْمُحَرَّم، وَ لَوْ أَخْبَرتُكُم بِمَا فِى الْمُحَرَّم، قُلْنَا لَهُ: وَ مَا بِالْمُحَرِّم؟ قَالَ: يُنَادِى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءَ، أَلَا إِنّ فُلَاناً خِيَرَةُ اللهِ مِنْ خَلْقِهِ، أَلَا فَاسْمَعُوا لَهَ وَ أَطِيعُوا**

(كتاب الفتن لابن حماد، ج ١، ص٢٢٦، حديث ٦٣٠).

Scanned by CamScanner

## باب شصت و ششم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون ندای آسمانی

**۴۰۲.** مغیره بن عبدالرحمان می‌گوید:

در موقع فتنه ابن زبیر بمادرم که زن سالخورده و قدیمی بود گفتم: بخدا قسم که مردم در این فتنه هلاک خواهند شد، گفت: ابدا اینطور نیست که تو می‌گویی بلکه بعد از این فتنه‌ای برپا می‌شود که مردم در آن هلاک می‌شوند و کار آنها با هیچکس درست نمی‌شود تا اینکه منادی از آسمان فریاد زند: بر شما لازم است که نزد فلان بن فلان بروید.

## باب شصت و هفتم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون زمان خروج حضرت مهدی و محلی که از آنجا خروج خواهد کرد

**۴۰۳.** سمیر گوید:

در ماه رمضان صدائی شنیده می‌شود، و در ماه شوال آشوب برپا خواهد شد، و در ماه ذیقعده قبیله‌ها باهم می‌جنگند و در ذی‌حجه حاجیها را غارت می‌کنند، و اگر بخواهید آنچه را که در محرم اتفاق خواهد افتاد بشما خبر دهم خواهیم گفت: در محرم چه اتفاقی می‌افتد؟ گفت: منادی از آسمان فریاد می‌زند آگاه باشید که فلانی برگزیده خلق خداست حرف او را گوش کنید و از او فرمان برید.

Scanned by CamScanner

**٤٠٤.** وَ قَالَ: حَدَّثَ بَعْضَ أَصْحَابِنَا، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنِ أَحْمَدِ الْــمَالِكى، قَــالَ: أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنِ الْضَحَّاك، قَالَ: أَخْبَرَنَا اِسْمَاعِيل بْنِ عَيَّاش عَنْ صَفْوَانِ بْنِ عَمْرو عَنْ عَبْدُ الرَّحْمَن بْنِ جُبَيْر بْنِ نَفِيرُ عَنْ كَثِيرْ بْنِ مُرَةً عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَمْرو، قَالَ: قَــالَ رَسُــولُ الله ﴿ﷺ﴾:

«يَخْرُجُ الْــمَهْدِى مِنْ قَرْيَةِ يُقَالُ لَهَا: كَرْعَة»

(الكامل لابن عدى، ج ٥، ص ٢٩٥).

## الباب ٦٨

## فِيمَا ذَكَرَهُ السَّلِيْلِى فِى كِتَابِ الْفِتَنِ مِمَّا جَاءَ فِى دَوْلَةِ الْــمَهْدِى، وَ ذَكَر مُدَّةَ عُمْرِهِ.

**فَقَالَ مَا هَذَا لَفْظُهُ:**

**٤٠٥.** حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيْر، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ حَمِيْد، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْحِكَم قَالَ: أَخْبَرَنَا خَلَادِ بْنِ مُسْلِم الصَفَّار وَ عَمْرِو بْنِ قَيْس عَنْ زَيْدِ الْعُمّى عَنْ أَبِى الْصِدّيقِ النَّاجِى عَنْ أَبِى سَعِيْدِ الْخُدْرِى عَنْ النَّبِيّ ﴿ﷺ﴾: قَالَ:

«يَكُونُ الْــمَهْدِى فِى عُمُرِه اِنْ قَصُرَ عُمُرُه فَسَبْعَ وَ اِلَّا فَثَمَانَ وَ اِلَّا فَتِسْع، تَنْعِمُ أُمَّتى فِى دُنْيَاهُ نِعَماً لَمْ تُنْعَمُ مِثْلُهُ قَطُّ، الْبِرُّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرُ تُرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِم مِدْرَاراً، وَ لَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَيْئاً مِنْ نَبَاتِهَا، وَ الْــمَالُ كُدُوس يَأْتِيه الرَّجُلَ فَيْحثُو لَهُ.

(سنن أبى داود ج ٤: ص ١٠٧، حديث ٤٢٨٦).

٤٠٤. عبدالله بن عمر می‌گوید:
رسول خدا فرمود: مهدی (عج) از قریه‌ای خروج می‌کند که آنرا کرعه می‌گویند.(کرعه = روستایی است در یمن)

## باب شصت و هشتم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون دولت و حکومت مهدی (عج) و بیان مدت عمر آن حضرت

٤٠٥. ابوسعید خدری از حضرت محمد بن عبداللّه روایت کرده که فرمود:
عمر مهدی (عج) هفت یا هشت یا نه سال خواهد بود، امت من چه خوب و چه بد در زمان آنحضرت بگونه‌ای خوشند که هرگز چنین خوشی ندیده باشند از آسمان باران می‌بارد و زمین می‌رویاند و ثروت طوری میان مردم پخش گردیده که هر وقت به شخصی مالی بدهند آنرا نمی‌پذیرد و به دور می‌ریزد.

Scanned by CamScanner

## الباب ۶۹

فِيمَا ذَكَرُه السَّلْيلِى فِى كِتَابِ الْفَتنِ مِنْ أَنَّ الْـمَهْدِى
مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النُبُوّةَ يَمْلَأَهَا قِسْطاً وَ عَدْلاً،

قَالَ مَا هَذَا لَفْظُه:

٤٠٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدِ الدَّانِي الْبِجِّلى، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَلَفِ الْعَطَّار، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْروِبْنِ عَبْدِالْغَفَّار عَنْ شَعْبَةَ عَنْ عَاصِمٍ عَنْ زَرّ عَنْ عَبْدِالله، قَالَ: قَالَ رَسُولَ الله﴿صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِه﴾:

**«لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامَ وَ الْلَيَالِي حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً»**

(المعجم الكبير للطبرانى، ج ١٠، ص ١٣٤، حديث ١٠٢٢٠)

## الباب ۷۰

فِيمَا ذَكَرَهَ أَبُو صَالِح السَّلِيلى فِى كِتَابِ الْفِتَنِ
مِنْ فُتُوحِ الْـمَهْدِى(عج).

٤٠٧. قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدْ بْن جَرِير، قَالَ: أَخْبَرَنَا عِصَامِ بْن رَوَّادِ بْنِ الجَرَّاحِ الْعَسْقَلَانِي، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبِي، قَالَ: أَخْبَرَنَا سُفْيانُ بْنُ سَعِيْد الثُورى، قَالَ: حَدَّثَنَا الْـمَنْصُورُ بْنِ الْمُعْتَمِر عَنْ رِبعى بْنِ حِراش، قَالَ: سَمِعْتُ حُذَيْفَة بْنِ الْيَمَانِ يَقُول: قَالَ رَسُولُ الله﴿صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِه﴾:

**«اِذَا كَانَ رَأْسُ الْخَمْسَينِ وَ الثَّلَاثَمِائَة - وَ ذَكَر كَلِمَة - نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاء، أَلَا يَا أَيُهَا النَّاسُ اِنَّ اللهَ قَدْ قَطَعَ مُدَّةَ الْجَـبَّارِيْن وَ الْـمُنَافِقِين وَ أَتْبَاعِهِم، وَوَلَّاكُمْ الْجَابِر خَيْرُ أُمّة مُحَمّد، الْحِقُوه بِمَكَة فَاِنَّهُ الْـمَهْدِى، وَاسْمُهُ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِالله».**

**قَالَ عِمْرَانُ بْنُ الْحَصْينَ: صِفْ لَنَا يَا رَسُولَ اللهَ هَذَا الرَّجُلْ وَ مَا حَالُهُ**

Scanned by CamScanner

## باب شصت و نهم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی از اینکه مهدی (عج) از اهل بیت پیامبر است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد

٤٠٦. عبدالله از رسول‌خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
شب و روزهایی نمی‌گذرد تا اینکه مردی از اهل بیت من زمین را پر از عدل خواهد کرد همانطور که پر از ظلم و ستم شده باشد.

## باب هفتادم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون‌فتوحات حضرت مهدی(عج)

٤٠٧. «حُذیفه بن یمان» از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
وقتی که سنه سیصد و پنجاه ۳۵۰ تمام شد منادی از آسمان ندا می‌کند: ایها الناس خدایتعالی مدت سلطنت ستمکاران و منافقین و تابعین آنها را به پایان رسانده و بهترین امت محمد(ﷺ) را سرپرست امت قرار داده در اینصورت خود را در مکه به او ملحق کنید، زیرا که او مهدی است و نامش احمد بن عبدالله است،
عمران بن حصین گفت: یا رسول الله(ﷺ) اوصاف و احوال آن مرد را

فَقَالَ النَّبِي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «اِنَّهُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِى، كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ بَنِى اِسْرائيل، يَخْرُجُ عِنْدَ جَهْدٍ مِنْ أُمَّتِي وَ بَلَاءٍ، عَرَبِيُّ اللَّوْنِ ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً، كَأَنَّ وَجْهَهُ كَوْكَبٌ دُرّى يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً، يَمْلِكُ عِشْرِينَ سَنَة وَ هُوَ صَاحِبُ مَدائِنِ الْكُفْرِ كُلِّهَا: قُسْطَنْطِينية وَ رومِيَة، يَخْرُجُ إِلَيْهِ الْأَبْدال مِنْ الشَام أَشْبَاهِهِمْ، كَأَنَّ قُلُوبَهُم زُبَر الْحَدِيد رُهْبان بِاللَّيْل، لُيُوث بِالنَّهَارِ، وَ أَهْلَ الْيَمَن حَتَى يَأْتُونَهُ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَام، فَيَخْرَجَ مِنْ مَكَّةَ مُتَوَجِّهاً إِلَى الشَّام، يَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ وَ الْحِيتَانَ فِي الْبَحْرِ».

(كنزالعمال، ج ١٤، ص ٥٨٦، حديث ٣٩٦٦٠).

## فصل

قَوْلَهُ فِي الْحَدِيْث: «اِنَّ الْمُنَادِى يَكُونُ عَلَى رَأْسِ خَمْسَيْنَ وَ ثَلَاثَمَائَةَ» خِلَافَ لِمَا وَقَفْنَا عَلَيْهِ، وَ لَمْ نَجِدُ تَعْيِين سَنَة مُنَادِى السَّمَاءَ.

وَ كَذلِكَ اِنَّ اِسْمَهُ اَحْمَدُ بْنُ عَبْدِاللهِ ؛ فَاِنَّهُ مُخَالِفُ لِلْمُحَقِّق من الرِوَايَات، وَ لَهُ مَدْخَلُ فِي التَأْوِيلات، وَ لكِنَّنَا نَقَلْنَاهُ كَمَا وَجَدْنَاهُ ؛ تَأْدِيَةً لِلْأَمَانَاتِ وَ سِيَاَقِ الْحَدْيْث خَالِياً مِنْ تَعْيِين سَنَةِ لِلنِدَاءِ.

## الباب ٧١

### فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِلْسَلْيلِي قُرى اَنْطَاكِيَةَ وَ الْمَهْدِي

٤٠٨. بِإِسْنَادِهِ عَنْ الشَعْبِي عَنْ تَمِيم الدَّارِى، قَالَ:

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ اِنِّى مَرَرْتُ بِمَدِينَةٍ مِنْ مَدِينَةِ الْأَعَاجِمْ يُقَالُ لَهَا: أَنْطَاكِيَة، فَلَمْ أَرَ مَدِينَةً اَكْبَرُ مِنْهَا، مَا تَمُرُّبِهَا سَحابَةً اِلاّ اَفْرَغَتْ عَلَيْهَا، قَالَ:

برای ما بیان کن فرمود: آن حضرت مردی از فرزندان من است که چون مردان بنی اسرائیل خواهد بود. در موقع گرفتاری امت من خروج می‌کند، عربی رنگ و چهل ساله است صورتش مثل ستاره می‌درخشد زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد، مدت بیست سال حکومت خواهد کرد در صورتیکه صاحب کلیه شهرهای کفر قسطنطنیه و رومیه خواهد بود، مردان صالح و نیکوکار و گروهی از شامیان، به او ملحق می‌شوند، دلهای آنها مثل پاره‌های آهن است، در شب خائف و در روز چون شیرند. و اهل یمن می‌آیند و با آن حضرت در بین رکن و مقام بیعت می‌کنند آنگاه از مکه بقصد شام خارج می‌شود، و اهل آسمان و زمین مرغان هوا و ماهیان دریا بوسیله آنحضرت خوشحال خواهند شد.

## فصل

سید بن طاووسی می‌گوید:

در حدیث گفته شده که در پایان سال ۳۵۰ منادی از آسمان فریاد زند، ما آنرا نیافتیم و اینکه گفته شده اسم او احمد بن عبدالله است بر خلاف روایات محقق و معتبره شیعه است، جا دارد که این جمله‌های مذکوره را تاویل نمود ولی چون نباید در روایات تصرف کرد ما عین روایات را آوردیم.

## باب هفتاد و یکم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون انطاکیه و حضرت مهدی(عج)

۴۰۸. «تمیم داری» می‌گوید:

به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) گفتم: من از یکی از شهرهای عجم گذشتم که آنرا انطاکیه می‌گفتند و من شهری از آن بزرگتر ندیده‌ام، هیچ ابری از آن شهر عبور نمی‌کرد مگر اینکه مدتی بالای آن می‌ماند.

Scanned by CamScanner

قَالَ رَسُولُ اللهِ (صلى الله عليه وآله): «اِنَّ فِي غَارٍ فِي جَبَلِهَا رِضْرَاضاً مِنْ أَلْوَاحِ مُوسى وَ كَسْرُ عَصَاهُ وَ رِضْرَاضاً مِنْ تَابُوتِ السَّكِينَة، فَلَيْسَ تَمُرُّ بِهَا سَحَابَة شَرْقِيَّة وَ لاَ غَرْبِيَّةٍ وَ لاَ جَوْفِيَة وَ لاَ قِبْلِيةَ اِلَّا أَحَبَّتْ أَنْ تَلْقَ مِنْ بَرَكَتِهَا، وَ لاَ تَمْضِي الْأَيَّامُ وَ اللَيَالِي حَتَى يَأْتِيَهَا رَجُلُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، اِسْمُهُ عَلَى اِسْمِي، وَ اِسْم أَبِيهُ عَلَى اِسْمُ أَبِي، خَلْقُه خَلْقِي وَ خُلْقه خُلْقِي، يَمْلَأَهَا عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً» (تأريخ بغداد ج ٩:ص ٤٧١، حديث ٥١٠١)

## الباب ۷۲

فِيمَا ذَكَرَهَ السَّليلى:أَنَّ الْخِزْىَ فِى الدُنْيَا
لِأَعْدَاءِ اللهِ، وَ قَتَلَ الْمَهْدِى لَهُم.

٤٠٩. قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَرِير، قَالَ: أَخْبَرَنا مُوسى بْنَ هَارُون، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَمْرو، قَالَ: حَدَّثَنا أَسْبَاطُ عَنِ السُّدِّى فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (لَهُمْ فِى الدُّنْيَا خِزْىُ)(بقره: ١١٤) أَمَّا خِزْيُهْم فِي الدُّنْيا فَاِنَّهُ اِذَا قَامَ الْمَهْدِى وَ فُتِحَتْ قُسْطَنْطَينَة قَتَلَهُم، فَذَلِكَ الْخِزْى (تفسير القرطبى ج ٢: ص ٧٩).

## الباب ۷۳

فِيْمَا ذَكَرَهُ السَّلِيْلِى مِنْ خَرَابِ الْزَوْرَاء.

٤١٠. بِاِسْنَادِهِ عَنْ ابْنِ عَبَاس، قَالَ: تَهِيْجُ رِيحُ حَمْرَاء بِالْزَوْرَاء يُنْكِرُها النَّاسُ، فَيَفْزَعُونَ اِلَى عُلَمَائِهِمْ، فَيَجِدُونَهُم قَدْ مَسَخُوا قِرَدةً وَ خَنَازِير تَسَودُّ وُجُوهُهُم وَ تَزرِقُ أَعْيُنُهُمْ.

Scanned by CamScanner

پیغمبر خدا «صلی الله علیه و آله» فرمود: در غار ثور که در کوه آن شهر است ریزه‌هایی از الواح (یعنی کتابها) و عصای موسی«علیه السلام» و ریزه‌ای از تابوت آن حضرت موجود است هیچ ابر شرقی و غربی و کوفی و قبله‌ای از آن نمی‌گذارد مگر اینکه دوست دارد از برکت آن برخوردار شود و چند شب و روزی نمی‌گذرد که مردی از اهل بیت من که نام او نام من و نام پدرش نام پدر من و خلقت او خلقت من و اخلاق او اخلاق من است به آن شهر می‌آید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند پس از آنکه پر از ظلم شده باشد.

## باب هفتاد و دوم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی باینکه ذلت و خواری در دنیا برای دشمنان خدا و کشنده مهدی است

**۴۰۹.** «سُدی» در تفسیر آیه (لهم فی الدنیا خزی) می‌گوید: اما رسوایی دشمنان دین در دنیا موقعی است که مهدی (عج) در قسطنطنیه قیام کند و آنها را بکشد این خود برای آنها رسوایی است.

## باب هفتاد و سوم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون ویرانی زوراء

**۴۱۰.** ابن عباس گوید: باد سرخی در زوراء (یعنی بغداد) خواهد وزید که تا آن موقع آنرا ندیده‌اند پس به علمای خود پناه می‌برند و می‌بینند که آنها همه از شکل انسانی بشکل میمون درآمده و صورتها و چشمانشان کبود است.

Scanned by CamScanner

# الباب ۷۴

فِيمَا ذَكَرَهُ السَّلِيْلِى فِى كِتَابِ الْفِتَنِ

فِيمَا يَتَجَدَّدُ مِنَ الْـمَلَاحِمِ فِى شَهْرِ رَمَضَانِ.

٤١١. قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنْ بْنَ عَلى، قَالَ: حَدَّثَنَا كَامِلْ بْنِ طَلْحَة، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنِ لِهِيْعة، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَهَّابِ بْن حُسَيْن عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ ثَابِت الْبَنَانِى عَنْ أَبِيهِ عَنْ الْحَارِثِ الْهَمْدانى عَنْ ابْنِ مَسْعُود عَنِ النَّبِى «صلى الله عليه وآله»، قَالَ: «اِذَا كَانَتْ صَيْحَةٌ فِى رَمَضَان فَإِنَّهَا تَكُونُ مَعْمَعَةُ فِى شَوَالِ، وَ تَمَيَّزُ الْقَبَائِل فِى ذِى الْقِعْدَة، وَ تُسْفَكُ الْدِمَاء فِى ذِى الْحِجَّة وَ الْمُحَرِّم، وَ مَا الْمُحَرِّم، هَيْهَات هَيْهَاتْ يُقْتَلُ النَّاسُ فِيهِ قَتْلاً» قِيلَ: يَا رَسُولَ اللهُ وَ مَا الصَّيْحَة؟ قَالَ: «هَدَّةٌ تَكُونُ فِى الْنِصْف مِنْ شَهْر رَمَضَان يَوْمَ الْجَمْعَة ضُحى، وَ ذَلِكَ إِذَا وَافَقَ شَهْرُ رَمَضَان لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ، فَتَكُونَ هِدَّةَ تُوقَظ النَّائِم وَ تَقْعَدُ الْقَائِم وَ تَخْرُجُ الْعَوَاتِقِ مِنْ خُدُورِهِنَّ فِى لَيْلَةِ جُمْعَة فِى سِنَةِ كَثِيرَةُ الزَّلَازِلَ وَ الْبَرْد، فَإِذَا وَافَقَ شَهْرُ رَمَضَان فِى تِلْكَ السَّنَة فِى لَيْلَةِ جُمْعَةِ، فَإِذَا صَلَّيْتُمْ الْفَجْر مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فِى الْنِصْفِ مِنْ شَهْر رَمَضَان فَادْخُلُوا بُيُوتَكُم، وَ أَغْلِقُوا أَبْوَابَكَم، وَ سَدُّوا الْكُوى، وَ دَثِّروا أَنْفُسَكُم، وَ سَدُّوا آذَانَكُم، وَ إِذَا أَحسَسْتُمْ بِالْصَيْحَة فَخَرُّوا لله سُجّداً، وَ قُولُوا: سُبْحَانَ الْقُدُّوس سُبْحَان الْقُدُّوس رَبَّنَا؛ فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ نَجِىٰ، وَ مَنْ بَرَزَ لَهَا هَلَكَ» (کتاب الفتن لابن حماد، ج۱، ص ۲۲۸ حدیث ۶۳۸).

Scanned by CamScanner

## باب هفتاد و چهارم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی پیرامون رویدادهای ماه رمضان

**۴۱۱.** ابن مسعود از پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:

موقعی که صیحه و صدایی در ماه رمضان پیدا شد و در ماه شوال جنگ و جدالی درگرفت و قبیله‌ها در ماه ذی قعده از بین می‌روند و در ماه ذی الحجه و محرم خونها ریخته می‌شود، هیهات هیهات چه محرمی که مردم در آن کشته خواهند شد؟!

پرسیدند یا رسول اللّه آن صیحه چه موقعی خواهد بود؟ فرمود: صدائی است در نیمه روز جمعه ماه رمضان وقت ظهر، این حادثه در وقتی اتفاق می‌افتد که شب اول ماه رمضان جمعه باشد، آن صدا صدایی است که شخص خواب را بیدار نموده و شخص ایستاده را بزانو در می‌آورد و دختران باکره را از پشت پرده و حجله‌خانه خارج می‌سازد و این واقعه در شب جمعه آن سالی که زلزله و سرما در آن زیاد باشد آنها را از مکان خود بیرون می‌آورد.

پس وقتی که شب اول ماه رمضان آن سال با شب جمعه مصادف شد و شما نماز صبح روز جمعه نیمه ماه رمضان را خواندید داخل خانه‌های خود شده درب خانه‌ها و پنجره‌های اطاق خود را ببندید و خود را پوشانده و درب گوشهای خود را بگیرید و موقعی که آن صدا را شنیدید خود را به زمین بیندازید و سجده کنان بگویید:

(سبحان القدوس سبحان القدوس ربنا)

زیرا کسی که این عمل را انجام دهد نجات خواهد یافت و کسی که انجام ندهد خواهد مرد.

Scanned by CamScanner

## الباب ۷۵

فِيمَا ذَكَرَهُ السَّلَيْلِى فِى الْهُدَّة فِى شَهْرِ رَمَضَان.

٤١٢. قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَن، قَالَ: حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ عُمَرِ الدَّبَّاغ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَبْدُاللهِ ابْنِ وَهَبْ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مُسْلِمَةُ بْنُ عَلِي عَنْ قُتَادَة عَنْ سَعِيْد ابْنِ الْمُسَيِّب عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنْ رَسُولَ اللهُ (صلی الله علیه وآله)، قَالَ:

«تَكُونُ هُدَّةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَان، تُوقِظُ النَّائِمِ وَ تَفْزَعُ الْيَقْظَان، ثُمَ تَظْهَرُ عِصَابَةَ فِى شَوَّالِ، ثُمَّ تَكُونَ مَعْمَعَهَ فِي ذِي الْقَعْدَه، يُسْلَبُ الْحَاجِ، وَ تُنْتَهِكُ الْمَحَارِمِ فِي الْمُحَرّم، ثُمَ يَكُونُ صَوْتُ فِي صَفَر، ثُمَ تَتَنَازَعُ الْقَبَائِل فِي شَهْرِ رَبِيعُ، وَ الْعَجَبَ كُلُّ الْعَجَبَ بَيْنَ جِمَادِى وَ رَجَبْ».

(كنز العمال ج ١٤:ص ٢٧٩. حديث ٣٨٧٢٤).

## الباب ۷۶

فِيمَا رَوَاهُ السَّلِيْلِى عَنْ مَوْلاَنَا عَلِى (عليه السلام) فِى الْمَهْدِى.

٤١٣. قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ الْوَهَّابَ الْآدَمِى، قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّد ابْنُ هَارُون السُّهْرَوَردِى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عِلَى الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ الأَنْصَارِى مِنْ وُلْدِ عُمَيْر بْنِ الْحَمَام، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِي بْنِ شَهْرَام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْن إبْرَاهِيم، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنِ جَعْفَر، عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ، قَالَ: «دَخَلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلّي عَلَى عَلّي بْنِ أَبِي طَالَب (عليه السلام) وَ عِنْدَهُ جُلَسَاؤُه، فَقَالَ: هَذَا سَيِّدُكُمْ سَماّهُ رَسُولُ الله (صلی الله علیه وآله) سَيِّداً، وَ لِيَخْرُجَنَّ رَجُلُ مِنْ صُلْبِهِ شَبَهِى، شَبَهَه فِي الْخَلْق وَ الْخُلُق، يَمْلأُ الأَرْض عَدْلاً وَ قَسِطاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً، قِيلَ لَهُ: وَ مَتَى ذلِكَ يَا أَمِير الْمُؤْمِنِين؟ فَقَالَ: هَيْهَات إِذَا خَرَجْتُم عَنْ دِينِكُمْ كَمَا تَخْرُجُ الْمَرأَة عَنْ وَرَكَيْها لِبَعْلِهَا»

(كنزالعمال ،ج ١٣، ص ٦٤٧، حديث ٣٧٦٣٦).

Scanned by CamScanner

## باب هفتاد و پنجم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی پیرامون صدای مهیبی که در ماه رمضان بلند خواهد شد

**۴۱۲.** ابوهریره از رسولخدا (عج) روایت کرده که فرمود: سر و صدایی در ماه رمضان بر پا می‌شود که شخص خواب را، بیدار می‌کند و شخص بیدار را می‌ترساند، بعد از آن گروهی در ماه شوال ظاهر می‌شوند، و در ماه ذی قعده جنگ خواهد شد، و در ماه ذی الحجه حجاج را غارت می‌کنند و در ماه محرم هتک حرمتهایی می‌شود و در ماه صفر صدایی بلند می‌شود. و قبیله‌ها در ماه ربیع به جنگ می‌پردازند.

## باب هفتاد و ششم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی پیرامون گفتار حضرت علی(ع) راجع به مهدی (عج)

**۴۱۳.** موسی بن جعفر از پدرش از جد بزرگوارش روایت کرده که فرمود: امام حسین(ع) آمد خدمت علی بن ابیطالب(ع) و عده‌ای خدمت آنحضرت بودند، او فرمود: این حسین سید و مولای شماست رسول خدا او را سید و آقا نامیده، و بزودی مردی از صلب او خارج می‌شود که اخلاق او شبیه من است، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد.

پرسیدند: یا امیرالمؤمنین آنحضرت در چه موقعی خواهد بود؟ فرمود: هیهات آن موقعی که شما از دین خود خارج شوید آنطور که زن از ورک خود برای شوهرش خارج می‌شود *(مراد از ورک قسمت ران ببالاست)*

Scanned by CamScanner

## الباب ٧٧

فِيمَا ذَكَرَهَ أَبُو صَالِحِ السَّلِيلِی
فِی صِفَةِ أَصْحَابِ الْـمَهْدِی عليه السلام.

**٤١٤.** فَقَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِی الثَّلْجِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عِيسَى بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ مُوسَى الْجَوِّی، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَمرِو بْنِ أَبِی الْمِقْدَام عَنْ عِمْرَانِ بْنِ ظَبْيَانٍ عَنْ أَبِی تُحيى الحَكِيمِ بْن سَعْدٍ، قَالَ: سَمِعْتَ عَلِيّاً عليه السلام يَقُولُ:

«أَصْحَابُ الْـمَهْدِی شَبَابُ لَا كَهْلَ فِيهِمِ»

(كتاب الغيبة للطوسی، ص ٤٧٦، حديث ٥٠١).

## الباب ٧٨

فِيمَا ذَكَرَهُ أَبُو صَالِحِ الْسَلِيْلی فِی كِتَابِ الْفِتَنِ
مِنْ فُتُوحِ الْـمَهْدِی أَيْضاً، وَ مُنَادِی الْسَمَاء، وَ ذِبْحِ السُّفْيَانِی.

**٤١٥.** فَقَالَ: حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ خَلَفْ، قَالَ: أَخبَرَنَا عَلِيُ بْنُ الْـمُنْذَر، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مَنْصُور، قَالَ: أَخبَرَنَا قَيْس عَنْ أَبِی الْحَصِيْنَ عَنْ أَبِی صَالِحٍ عَنُ أَبِی هُرْيرَة، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهُ(صلى الله عليه وآله):

«لَا تَذْهَبِ الْدُنْيا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلُ مِنّی، وَ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيا اِلاّ يَوْمُ وَاحِد لَطَوَّلَ اللهُ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوم حَتَى يُفْتَحُ الْقُسْطَنْطِينَية وَ الدَّيْلِم

(سنن ابن ماجة ج ٢:ص٩٢٨-٩٢٩ حديث ٢٧٧٩).

وَرَوَى حَدُيثاً آخَر بِظُهُورِه وَ مَبَايِعَتِهِ وَ فُتُوحِه.

Scanned by CamScanner

## باب هفتاد و هفتم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی پیرامون صفت یاران حضرت مهدی (عج)

۴۱۴. حکیم بن سعید می‌گوید:
از امیرالمؤمنین(علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود:
اصحاب مهدی (عج) همه جوانند و در بین آنان پیر پیدا نمی‌شود.

## باب هفتاد و هشتم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی پیرامون فرزندان حضرت مهدی (عج) و منادی آسمان و ذبح سفیانی

۴۱۵. ابوهریره از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود:
دنیا تمام نمی‌شود تا اینکه مردی از اهل بیت من قیام کند گرچه از دنیا بیش از یک روز باقی نمانده باشد خدا آنروز را طولانی خواهد کرد تا اینکه آن حضرت قسطنطنیه و دیلم را فتح نماید.

Scanned by CamScanner

٤١٦. وَ ذَكَرَ حَدِيثاً آخَرِ، فَقَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِّي، قَالَ: أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا دَاوُدُ الْعَسْقَلَانِي، قَالَ: أَخْبَرَنَا سُفْيَانُ بْنُ سَعِيْد عَنْ مَنْصُور بْنِ الْمُعْتَمَر عَنْ رِبْعِي بْنِ حَرَاش، قَالَ: سَمِعْتُ حُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمان فِي حَدِيْث قَدْ تَقَدَّمَ. قَالَ: ثُمَ ذَكَرَ السُّفْيَانِي وَ ذَكَرَ خُرُوجَهُ وَ قِصَصَهُ، اِلَى أَنْ يَبْلُغَ: فَيَضْرِبَ أَعْنَاقَ مَنْ فَرَّ اِلَى بَلَدِ الرُوم بِبَابِ دَمِشْق، فَاِذَا كَانَ ذَلِكَ نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاَء: أَلَا أَيُّهَا النَّاسَ اِنَّ اللهَ قَدْ قَطَعَ عَنْكُم مُدَّةَ الْجَبَّارِيْنَ وَ الْمُنَافِقِيْنِ وَ أَشْيَاعَهُم، وَوَلاَّكُم خَيْرَ اُمّةِ مُحَمّد، فَالْحِقُوه بِمَكّة فَاِنَّهُ الْمَهْدِى، وَاِسْمُهُ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدُالله. ثُمَ ذَكَرَ أَنَّهُم يَجْتَمِعُونَ بِالْسُفْيَانِى اِلَى جَانِب بُحَيْرَةِ الطَّبَرِيَّة، فَمَا يَكُونُ اِلَّا كَأَكْلَة رَأْسِ حَتَى يَهْزِمُوا أَصْحَابَ السُّفْيَانِي، فَيَقْتُلُونَهُمْ، وَ يُذْبَح السُّفْيَانِي اِلَى جَانِبِ بُحَيْرَة الطَّبَرِيَةِ، وَ ذَكَرَ نَحْوُ ثَلاثُ قَوَائِم فِي فُتُوحِهِ عليه السلام مَنْ أَرَادَهَا وَقَفَ عَلَيْهَا مِنْ كِتَابِ الْأَصْل، فَفِيْهَا أَشْيَاء عَجِيْبَة جَلِيلَةُ تَقْتَضِي أَنَّ مُدَّةَ مُلْكِ الْمَهْدِى طَوِيْلَة أَضْعَاف مَا ذَكَرُوه.

## الباب ٧٩

### فِيْمَا ذَكَرَهُ أَبُو صَالِحِ السَّلْيلِى فِى كِتَابِ الْفِتَن مِنْ عَدَدِ رِجَالِ الْمَهْدِى عليه السلام بِذِكرِ بِلَادِهِمْ.

٤١٧. فَقَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْن عَلِي الْمَالِكِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو النَّضْر عَنْ ابْنِ حَمِيْدالرَّافِعِي، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْهَيْثَم الْبَصْرِى، قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ عُثْمَانِ النَّخَعِى، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيْدُ بْنُ طَارِقْ عَنْ سَلْمَةِ بْنِ أَنَس عَنْ الْأَصْبَغ بْنِ نُبَاتَةَ، قَالَ:

خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنينَ عَلِي عليه السلام خُطْبَةً، فَذَكَرَ الْمَهْدِى وَ خُرُوج مَنْ

**٤١٦.** حدیث دیگری بر همین منوال نقل شده که حسن علی﴿علیه السلام﴾ فرمود: سلیمان بن داود از عسقلانی و او از سفیان و او از منصور و او از ربعی بن حراش نقل کرده که گفت: شنیدم که حذیفه یمان همان حدیثی که گذشت نقل کرده است آنگاه گفت: سفیانی خروج خواهد کرد و هر کس که بخواهد به روم بگریزد گردنش را می‌زند و او را می‌کشد. در این وقت منادی از آسمان فریاد می‌زند ای مردم! بدانید که دوران ستم و تجاوز سپری گشته و منافقین نابود خواهند گردید بر شما باد که به مکه روی آورید که در آنجا مهدی امت قیام کرده است در این وقت سپاه سفیانی به کنار دریاچه طبریه می‌روند، همه آنها کشته می‌شوند و حتما خود سفیانی نابود می‌شود در این وقت حکومت مهدی پابرجا می‌شود و مدت حکومتش طول می‌کشد.

## باب هفتاد و نهم

### بیانی از کتاب فتن سلیلی از تعداد لشکریان حضرت مهدی با یادآوری شهرهای آنها

**٤١٧.** «اصبغ بن نباته» می‌گوید:

امیرالمؤمنین﴿علیه السلام﴾ خطبه‌ای خواند و نامی از خروج مهدی (عج) و یاران او برد.

يَخْرُج مَعَه وَ أَسْمَاءَهُم، فَقَالَ لَهُ أَبُو خَالِدِ الْكَلْبِي: صِفْهُ لَنَا يَا أَمِيْرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ عَلِي عليه السلام: «أَلَا إِنَّهَ أَشْبَهُ النَّاسَ خَلْقاً وَ خُلُقاً وَ حُسْناً بِرَسُولِ اللهِ (صلى الله عليه وآله) وَ سَلَّمْ، أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى رِجَالِهِ وَ عَدَدِهِمْ؟ قُلْنَا: بَلَى يَا أَمِيرَالْمُؤْمِنِين، قَالَ: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، قَالَ: أَوْلُهُم مِنَ الْبَصْرَهَ، وَ آخِرُهُمْ مِنْ الْيَمَامَةِ» وَ جَعَلَ عَلى عليه السلام يُعَدِّدُ رِجَالُ الْمَهْدِى، وَ النَّاسُ يَكْتُبُونَ، فَقَالَ: «رَجُلَان مِنَ الْبَصْرَة، وَ رَجُلَ مِنَ الْأَهْوَاز، وَ رَجُل مِنْ عَسْكَر مُكْرَم (بلد معروف من نواحى خوزستان)، وَ رَجُلُ مِنَ مَدْينَةِ تُسْتَر، وَ رَجُل مِنْ دَوْرَق (محل فى خوزستان)، وَ رَجُلُ مِنْ البَاسِيَان (قرية بخوزستان)، وَ إِسْمُهُ عَلِي، وَ ثَلَاثَةُ مِنْ بَشْمِ (موضع بين الرىّ و طبرستان شديد البرد): أَحْمد وَ عَبْدُالله وَ جَعْفَر، وَ رَجُلَان مِنْ عُمَان: مُحَمَّد وَ الْحَسَن، وَ رَجُلان مِنْ سِيراف: شَداد و شديد، وَ ثَلَاثةَ مِنْ شِيْرَاز: حَفْص وَ يَعْقُوب وَ عَلِي، وَ أَرْبَعَةَ مِنْ إِصْفِهَان: مُوسى وَ عَلِي وَ عَبْدِالله وَ غِلْفَان، وَ رَجُلَ مِنْ ايذَج (ايذه) (بلدين الخوزستان و الاصبهان) وَإِسْمِهِ يَحْيَى، وَ رَجُل مِنَ الْمَرج الْعَرَجْ، وَإِسْمَهَ داود، وَ رَجُلَ مِنَ الْكَرْخ، وَإِسْمُهُ عَبْدُالله وَ رَجُل مِنْ بُرُوجِس، إِسْمُه قديم، وَ رَجُل مِنْ نَهَاوَنْد، وَإِسْمُهُ عَبْدُ الرَّزَّاق، وَ رَجُلَانِ مِنْ الدْيـنَوَر: عَبْدُالله وَ عَبْدَ الصَّمَد، وَ ثَلَاثَةَ مِنْ هَمَدَان: جَعْفَر وَ إِسْحَاقَ وَ مُوسَى، وَ عَشْرَةِ مِنْ قُمْ أَسْمَاؤُهُمْ عَلَى أَسْمَاءِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللهِ (صلى الله عليه وآله)، وَ رَجُلَ مِنْ خَرَاسان إِسْمُهُ دُرَيْد، وَ خَمْسَة مِنَ الْدِنَنِ، أَسْمَاؤُهُمْ عَلَى أَسْمَاءِ أَهْلَ الْكَهْف، وَرَجُل مِنْ آمَد، وَرَجُلُ مِنْ آمُل وَرَجُل مِنْ جُرْجَان، وَ رَجَلُ مِنْ هَرَاةِ، وَ رَجُلُ مِنْ بَلْخِ، وَ رَجُلُ مِنْ قَرَاح، وَ رَجُلُ مِنْ عَانَة (مكان بين رقّه و هيت)، وَ

ابوخالد حلبی یا کابلی گفت: یا علی اوصاف او را برای ما بگو، فرمود: آنحضرت از نظر خلق و خلق و نیکویی شبیه‌ترین مردم به رسول خداست آیا می‌خواهید شما را از یاران او آگاه نمایم؟

گفتند: آری یا امیرالمؤمنین فرمود: از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمود:

اول آنها از بصره و آخر آنها از یمامه خواهد بود،

آنگاه آن حضرت شروع کرد بشماره کردن اصحاب مهدی (عج) و مردم گریه می‌کردند، فرمود:

از بصره دونفر، از اهواز یک نفر، از منا یک نفر،

از شوشتر یک نفر، از دورق یک نفر، از باستان یک نفر

نام او: علی و سه نفر دیگر: احمد، عبدالله و جعفر،

+

از عمان دو نفر: محمد و حسن، از سیراف دو نفر: شداد و شدید،

از شیراز سه نفر: حفص و یعقوب و علی، از اصفهان چهار نفر: موسی و علی و عبدالله و غلفان، از ایذج یک نفر: به نام یحیی -

از مرج العرج یکنفر: بنام داود، از کرخ یک نفر: بنام عبدالله،

از بروجرد یک نفر: بنام قدیم، از نهاوند یکنفر: به نام عبدالرزاق،

از دینور دو نفر: به نامهای عبدالله و عبدالصمد،

از همدان سه نفر: به نامهای جعفر، اسحاق و موسی،

از قم ده نفر که نام آنها مطابق با نام اهل بیت رسول‌خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) است،

از خراسان یکنفر: به نام درید و پنج نفر دیگر که نامشان بانام اصحاب کهف تطبیق می‌کند،

از آمل یک نفر، از جرجان یک نفر، از هراة یک نفر،

از بلخ یک نفر، از قراح یک نفر، از عانه یک نفر،

Scanned by CamScanner

رَجُلُ مِنْ دَامْغَان، وَ رَجُلُ مِنْ حَرَحَسْ، وَ ثَلَاثَةُ مِنْ السِعَارَ، وَ رَجُل مِنْ سَاوَةَ، وَ رَجُلُ مِنْ سَمَرْقَنْد، وَ أَرْبَعَةَ وَ عِشْرُونَ مِنْ الطَالِقَانِ، وَ هُم الَذِينَ ذَكَرَهُمْ رَسُولُ اللهُ(ﷺ) فِي خُرَاسَان كُنُوز لَا ذَهَبَ وَ لَا فِضَة وَ لَكِنَ رِجالُ يَجْمَعَهُم اللهُ وَ رَسُولُه، وَ رَجُلَان مِنْ قَزْوِين، وَرَجُل مِنْ فَارْس، وَرَجُلُ مِنْ أَبْهَر، وَرَجُلُ مِنْ بُرْجان (بلد فى نواحى الخزر) مِنْ جُمُوح، وَرَجُلُ مِنْ سَاج (مدينة مشهور بين الكابل و الغزنين)، وَرَجُلُ مِنْ صُرَيحَ، وَرَجُلُ مِنْ أَرْدَبِيلِ، وَرَجُلُ مِنْ بِرْيل (مدينة بالاندلس)، وَرَجُلُ مِنْ تَدْمُر (مدينة بين البرية الشام والحلب)، وَرَجُل مِنْ أَرْمِينِية، وَ ثَلَاثَة مِنْ الْمَرَاغَة، وَرَجُل مِنْ خوى، وَرَجُلُ مِنَ سَلمَاس، وَرَجُلُ مِنْ دَبِيل (مكان بين اليمامة و اليمن)، وَرَجُلُ مِنَ اَنْدُلس (بلدة من نواحى أرمينيه)، وَرَجُل مِنْ نَشُور (قرية من قراء دينور)، وَرجُلَ مِنْ بُرِكْرَى، وَرَجُل مِنْ أَرْجِيْش (مدينة من نواحى أرمينية الكبرى)، وَ رَجُل مِنْ مُنَازْجرد (بلد مشهور بين الخلاط و الروم)، وَرَجُلُ مِن خِلَاط (قصبة من خلاط)، وَ رَجَلُ مِنْ قَاليقَلَا (مدينة من نواحى الخلاط)، وَ ثَلَاثَةُ مِنْ وَاسِطْ وَ عَشْرَةَ مِنَ الزَّوْرَاة وَ أَرْبَعَة مِنَ الْكُوفة، وَرَجُلَ مِنَ الْقَادِسّية، وَرَجَلُ مِنْ سُورا (مكان فى العراق من ارض بابل)، وَرَجُلَ مِنَ الصُرَاة (مكان فى العراق)، وَرَجُل مِنَ الْنيلِ، وَرَجَل مِنْ صَيْدَاء، وَ رَجُل مِنْ جُرْجَانَ، وَ رَجُلُ مِنَ الْقُصُور، وَ رَجُلُ مِنَ الْأَنْبَار، وَرَجُلُ مِنْ عُكبرى، وَرَجُلُ مِنْ حَبَار، وَ رَجُلُ مِنْ تَبوكُ، وَرَجُلَ مِنَ الْجَامِدَة (قرية بين الواسط و البصرة)، وَ ثَلَاثَة مِنْ عُبَّادَان، (آبادان) وَ سِتَّةُ مِنْ حَدْيثَة الْمُوصِلْ (مكان صغيرة فى جانب شرق دجلة)، وَرَجُلُ مِنْ الْمُوصِل، وَرَجُلُ مِنْ مَعْلَثَايا (مكان صغيرة من جانب الموصل)، وَرَجُلُ مِنْ نَصْيْبَيْن (نصيبين: مكان فى الاطراف الموصل)، وَرَجُلُ مِنْ أُرْدُن،

از دامغان یک نفر، از سرخس یک نفر، از سعار سه نفر،
از ساوه یک نفر، از سمرقند یک نفر، از طالقان ۲۴ نفر،
اینها همان کسانی هستند که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) درباره آنها فرمود:
در خراسان گنجهایی است که طلا و نقره نیستند ولی مردانی هستند که خدا و رسول آن‌ها را جمع می‌کند

از قزوین دو نفر، از فارس یک نفر، از ابهر یک نفر،
از برجان یک نفر، از ساج یک نفر، از صریح یک نفر،
از اردبیل یک نفر، از تدمر یکنفر، از ارمینیه یکنفر،
از مراغه یک نفر، از خوی یکنفر، از سلماس یکنفر،
از اندلس یک نفر، از نشور یک نفر، از برکری یک نفر، از
ارجیش یک نفر، از منارجرد یکنفر، از خلاط یک نفر از
قالیقلا یک نفر، از واسط سه نفر، از بغداد ده نفر،
از کوفه چهار نفر، از قادسیه یکنفر، از سوراء یک نفر،
از صراة یک نفر از نیل یک نفر، از صیداء یکنفر،
از جرجان یکنفر، از قصور یکنفر، از انبار یک نفر،
از عکبری یک نفر، از حار یک نفر، از تبوک یک نفر،
از جامده یک نفر، از آبادان سه نفر، ازحدیثه‌موصل ٦ نفر،
از موصل یک نفر از معلیا یک نفر از نصیبین یک نفر
از اردن یک نفر

Scanned by CamScanner

وَرَجُل مِنْ فَارِقِين؛ وَرَجُلَ مِنْ لامد، وَرَجَلُ مِـنُ رَأْسِ عَـيْن (مـدينة الكبيرة الحرّان و النصيبين)، وَرَجُلَ مِنَ الرَّقّة (مدينة مشهورة الى الفرات)، وَرَجُلُ مِنْ حَرَان (مدينة عظيمة بين الموصل و الشام)، وَرَجُل مِنْ بالِس (بلدة بين الحلب و رقّه)، وَرَجُل مِنْ مَنْبج، [و]ثَلَاثَةَ مِنْ طَرَسُوس (مدينة بين الانطاكية و الحلب و بلاد الروم)، وَرَجُلُ مِنَ الْقَصْر، وَرَجُلْ مِنْ أذَنَةَ، وَرَجُلُ مِنْ خَمْرى، وَرَجُل مِنْ عَرَار، وَرَجُلُ مِنْ قُورَص، وَرَجُلْ مِنْ أَنْطَاكِيةَ، وَ ثَلَاثَةَ مِنْ حَلَبْ، وَ رَجُلَان مِنْ حَمْص وَ أَرْبَعَةَ مِنْ دَمِشْقْ، وَرَجُلْ مِنْ سُورِيَة، وَ رَجُلَان مِنْ قَسْوان، وَرَجُلُ مِنْ قيْمُون، وَرَجُلْ مِنْ اصوريه، وَرَجُـلُ مِـنْ كَـرَار، وَرَجُلُ مِنْ أَذْرَح (اسم البلدة فى الاطراف الشام)، وَرَجُلُ مِـنْ عَـائِر (جـبل فـى المدينة)، وَرَجُلُ مِنْ لَاكَار، وَ رَجُلَان مِنْ بَيْت الْـمُقَدَّسَ، وَرَجُـلُ مِـنْ الرَّمْلَة (مدينة فى فلسطين)، وَرَجُلُ مِنْ بَالِس، وَ رَجُلَان مِنْ عكار، وَرَجُل مِنْ صُور، وَرَجُلُ مِنْ بَس، وَرَجُلُ مِنْ دِمياط (مدينة القديمة بين تنيّس و مصر)، وَرَجُلُ مِنَ الْأَسْكَنْدَرِيَّة، وَ رَجُلُ مِنْ بَرْقَة (مكان بين الاسكندرية و الافريقية)، وَرَجُلُ مِنْ طَنْجَة (بلدة على ساحل بحر المغرب)، وَرَجُلُ مِـنْ أَفْـرَنْجة (مـدينة العظيمة فى شمال الاندلس)، وَرَجُلُ مِنَ الْقَيْرَوان (مدينة عظيمة فى افريقية)، وَ خَمْسَةُ مِنَ السُوسِ الْأَقْصَى، وَ رَجُلَان مِنْ قِبْرِس، وَ ثَلَاثَةَ مِنْ حَمِيْم، وَ رَجُلُ مِنْ قُوس (واد من اودية الحجاز)، وَرَجُلُ مِنْ عَدَن، وَرَجُلُ مِنَ عَلاَّقِي (محل فى جنوب ارض مصر)، وَ عَشَرَة مِنْ مَدْينَةِ الرسَوُل﴿صلى الله عليه و آله﴾، وَ أَرْبَعَةَ مِنْ مَكَّة، وَ رَجُلُ مِنْ الطَّائِف، وَرَجُل مِنَ الدُّبْر(قرية من نواحى صنعاء فى اليمن)، وَرَجُلُ مِنَ الشِيْرَوان، وَرَجُلُ مِنْ زَبِيد (مكان فى اليمن)، وَ عَشْرَةَ مِنْ صرا، وَرَجُلُ مِنَ الْأَحْساء وَرَجُلُ مِنَ الْقَطِيفْ، وَرَجُلُ مِنْ هِجر، وَرَجُل مِنَ الْيَمَامَةَ».

Scanned by CamScanner

از فارقین، یک نفر، از راس العین یک نفر، از رقه یک نفر،
از حران یک نفر، از بالس یک نفر، از منبج یک نفر،
از طرطوس سه نفر، از قصر یک نفر، از اذنه یک نفر،
از خمری یک نفر، از عرار یک نفر از قورص یک نفر
از انطاکیه یک نفر، از حلب سه نفر ، از حمص دو نفر،
از دمشق چهار نفر از سوریه یک نفر، از قسوان دو نفر
از قیمون یک نفر از اصوریه یک نفر از کرار یک نفر
از اذرح یک نفر از عائر یک نفر از لاکار یک نفر
از بیت‌المقدس دو نفر، از رمله یکنفر، از بالس یک نفر،
از عکار دو نفر، از صور یک نفر از بس یک نفر
از دمیاط یک نفر، از اسکندریه یک نفر، از برقه یکنفر،
از طنجه یک نفر، از افرنجه یک نفر، از قیروان یک نفر،
از سوس اقصی پنج نفر از قبرس دو نفر، از حمیم سه نفر،
از قوس یک نفر، از عدن یک نفر، از علاقی یک نفر،
از مدینه رسول‌خدا(ص) ده نفر، از مکه چهار نفر،
از طائف یک نفر از دبر یک نفر، از شیروان یک نفر،
از زبید یک نفر، از صرا ده نفر، از احساء یک نفر،
از قطیف یک نفر، از هجر یک نفر، از یمامه یک نفر.

Scanned by CamScanner

قَالَ عَلَيْهِ الصلاة و السلام: «أَحْصَاهُمْ لِي رَسُولُ اللهَ(صلى الله عليه وآله)، ثَلَاثَمِائَةٍ وَ ثَلَاثَة عَشَرَ رَجُلاً بِعَدَدِ أَصْحَابِ بَدْر يَجْمَعُهُم اللهُ مِنْ مَشْرِقِها إِلَى مَغْرِبِها فِي أَقَلِّ مِمَّا يَتِمُّ الرَّجُل، عِشَاءَةَ عِنْدَ بَيْتِ اللهِ الْحَرَامَ، فَبَيْنَا أَهْلَ مَكَّة كَذَلِكَ فَيَقُولُونَ أَهْلَ مَكَة: قَدْ كَبَسْنَا السُفْيَانِي، فَيَشْرَفُونَ أَهْلَ مَكَّة، فَيَنْظُرُونَ إِلَى قَوْمَ حَوْلَ بَيْتِ الْحَرَام، وَ قَدْ انْجَلَى عَنْهُمْ الظُّلَام وَلَاحَ لَهُمْ الصُبْح وَصَاحَ بَعْضُهُم بِبَعْضِ النَّجَاح، وَ أَشْرَفَ النَّاسُ يَنْظُرُونَ وَ قُرّأَؤْهُمْ يُفَكِّرُونَ».

قَالَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ(عليه السلام): «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِم وَالزِّي وَاحِد، وَالْقِّد وَاحِد، وَ الْحُسنِ وَاحِد، وَ الْجَمَالُ وَاحِد، وَ الْلِبَاسُ وَاحِدَ، كَأَنَّمَا يَطْلُبُونَ شَيْئاً ضَاعَ مِنْهُمْ، فَهُمْ مُتَحِيِّرُونَ فِي أَمْرِهِم حَتَّى يَخْرُجَ إِلَيْهِم مِنْ تَحْتِ سَتَارَةِ الْكَعْبَةَ فِي آخِرِهَا رَجُلُ أَشْبَهُ النَّاس بِرَسُولِ اللهِ(صلى الله عليه وآله) خُلْقاً وَ حُسْناً وَ جَمَالاً، فَيَقُولُونَ: أَنْتَ الْمَهْدى؟ فَيُخرجُهُمْ وَ يَقُولُ: أَنَا الْمَهْدِي، فَيَقُولَ: بَايِعُوا عَلَى أَرْبَعِينَ خِصْلَةَ وَاشتَرطُوا عَشَرَ خِصَالِ».

قَالَ الْأَحْنَف: بِأَبِينَا وَ مَا تِلْكَ الْخِصَال؟ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ الصَلَاةُ وَالسَّلام: «يَبَايَعُونَ عَلَى أَنْ لَا يَسْرِقُوا، وَ لَا يَزْنُوا، وَ لَا يَقْتُلُوا، وَ لَا يَنْتَهِكُوا حَرِيْماً، وَ لَا يَشْتِمُوا مُسْلِماً، وَ لَا يَهْجُمُوا مَنْزِلاً، وَ لَا يَضْرِبُوا أَحَداً إِلَّا بِالْحَقِّ، وَ لَا يَرْكِبُوا الْخَيْل الْهَمَالِيجْ، وَ لَا يَتَمَنْطِقُوا بِالْذَهَب، وَ لَا يَلْبِسُوا الْخَزّ، وَ لَا يَلْبِسُوا الْحَرِيْر، وَ لَا يَلْبِسُوا الْنِعَال الصَرَّارَةَ، وَ لَا يَخْرِبُوا مَسْجِداً، وَ لَا يَقْطَعُوا طَرِيْقاً وَ لَا يَظْلِمُوا يَتِيْماً، وَ لَا يَخِيفُوا سَبِيْلاً، وَ لَا يَحْبِسُوا بَكْراً، وَ لَا يَأْكُلُوا مَالَ الْيَتِيْم، وَ لَا يَفْسِقُوا بِغُلَام، وَ لَا يَشْرِبُوا الْخَمْرِ، وَ لَا يخنوا أَمَانَةً، وَ لَا يَخْلِفُوا الْعَهْد، وَ لَا يَسْفِكُوا دَماً، وَ لَا يَجْهَزُوا

Scanned by CamScanner

علی(ع) فرمود: پیغمبر(ص) آن‌ها را برای من شماره کرد (۳۱۳) نفر شدند مطابق عدد اصحاب بدر. خدا آنها را از مشرق و مغرب زمین به یک چشم به‌هم زدن نزد خانه کعبه جمع می‌کند، چون اهل مکه آن‌ها را مشاهده می‌کنند می‌گویند: سفیانی ما را به دور خود جمع کرده آنگاه چون بر اهل مکه وارد می‌شوند گروهی را می‌بینند که به دور کعبه اجتماع کرده و تاریکی و ظلمت از میان آنان رخت بر بسته و صبح امید آن‌ها را طلوع کرده و بیکدیگر صدا زده و می‌گویند: ما نجات یافتیم مردمان شریف نگاه می‌کنند و امراء آنها غرق در فکرند.

امیرالمؤمنین(ع) فرمود: مثل اینکه من می‌بینم که شکل و زّی آن‌ها یکی، قد و قامت یکی. صورت و جمال یکی: لباس یکی، مثل اینکه چیزی را از دست داده باشند می‌طلبند و درباره آن متحیر و متفکرند مردی از پشت پرده کعبه نزد آن‌ها می‌آید به او گویند: تو مهدی (عج) هستی؟ می‌گوید: آری مهدی موعود منم، آنگاه آن حضرت به آن‌ها می‌فرماید: درباره چهل خصلت با من بیعت کنید و راجع به ده خصلت با من شرط نمائید.

احنف پرسید: یا علی آن خصلتها کدامند؟ علی(ع) فرمود: با آن حضرت بیعت می‌کنند که: ۱ ـ دزدی نکنند ۲ ـ زنا نکنند ۳ ـ کسی را (بناحق) نکشند ۴ ـ هتک حرمت محترمی را نکنند

۵ـ به مسلمانی فحش ندهند ۶ـ به منزلی هجوم نکنند ۷ـ کسی را به غیر حق نزنند ۸ ـ مالهای سواری لاغر و ضعیف را سوار نشوند ۹ ـ خود را با طلا زینت نکنند (یعنی طلا نپوشند) ۱۰ ـ خز نپوشند ۱۱ ـ ابریشم نپوشند ۱۲ ـ نعلین‌های صراره نپوشند ۱۳ ـ از مسجدی خروج نکنند ۱۴ ـ راه را بر کسی نبندند ۱۵ ـ در حق یتیمی ظلم نکنند ۱۶ ـ راهی را ناامن نکنند ۱۷ـ مکر و حیله ننمایند ۱۸ ـ مال یتیم را نخورند ۱۹ ـ لواط ننمایند ۲۰ ـ شراب نخورند ۲۱ ـ امانت را خیانت نکنند ۲۲ ـ خلف وعده نکنند ۲۳ ـ خونی را (بناحق) نریزند.

Scanned by CamScanner

عَلَى جَرِيحٍ، وَ يَلْبِسُونَ الْخَشِنَ مِنَ الثِّيابِ، وَ يُوَسِّدُونَ التُّرَابَ عَلَى الْخُدُودِ، وَ يَأْكُلُونَ الشَّعِيرَ، وَ يَرْضُونَ بِالْقَلِيلِ، وَ يُجَاهِدُونَ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَ يَشُمُّونَ الطِّيبَ، وَ يَكْرَهُونَ النَّجَاسَةَ، وَ يَشْرُطُ لَهُمْ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَتَّخِذَ حَاجِباً، وَ يَمْشِيَ حَيْثُ يَمْشُونَ، وَ يَكُونَ مِنْ حَيْثُ يُرِيدُونَ، وَ يَرضَى بِالْقَلِيلِ، وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ بِعَوْنِ اللهِ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً، يَعْبُدُ اللهُ حَقَّ عِبَادَتِهِ، يَفْتَحُ لَهُ خُرَاسَانَ، وَ يُطِيعُهُ أَهْلُ الْيَمَنِ، وَ تُقْبِلُ الْجُيُوشِ أَمَامَهُ مِنَ الْيَمَنِ فُرْسَانُ هَمَدَانِ وَ خَوْلانَ، وَ جَدَّهُ يَمُدُّهُ بِالْأَوسِ وَ الْخَزْرَجِ، وَ يَشُدُّ عَضُدَهُ بِسُلَيْمَانَ، عَلَى مُقَدَّمَتِهِ عَقِيلٌ، وَ عَلَى سَاقَتِهِ الْحَارِثُ، وَ يَكْثُرُ اللهَ جَمْعَهُ بِهِمْ، وَ يَشُدُّ ظَهْرَهُ بِمُضَرَ، يَسِيرُونَ أَمَامَهُ الْفِتَنِ، وَ تُحَالِفُهُ بَجِيلَةِ وَ ثَقِيفٌ وَ نَخَعٌ وَ عَلَافَ (أبوا القبيلة)، وَ يَسِيرُ بِالْجُيُوشِ حَتَّى يَنْزِلَ وَادِي الْعِنَى، وَ يَلْحَقُهُ الْحَسَنِي فِي اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفاً، فَيَقُولُ لَهُ: أَنَا أَحَقُّ مِنْكَ بِهَذَا الْأَمْرِ، فَيَقُولُونَ لَهُ: هَاتَ عَلَامَةً، هَاتَ دَلَالَةً، فَيُومِي إِلَى الطَّيْرِ فَيَسْقُطُ عَلَى كَتِفِهِ، وَ يَغْرُسَ الْقَضِيبَ الَّذِي بِيَدِهِ فَيَخْضُرُ وَ يَعْشَوشَبُ، فَيُسَلِّمُ إِلَيْهِ الْحَسَنِي الْجَيْشَ، وَ يَكُونَ الْحَسَنِي عَلَى مُقَدَّمَتِهِ، وَ تَقَعُ الصَّيْحَةَ بِدِمَشْقَ إِنَّ أَعْرَابَ الْحِجَازِ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ، فَيَقُولَ السُّفْيَانِي لِأَصْحَابِهِ: مَا يَقُولُ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ؟ فَيُقَالَ لَهُ: هؤلاء أَصْحَابَ تَرْكَ وَ إِبِلٍ وَ نَحْنُ أَصْحَابُ خَيْلٍ وَ سِلَاحٍ، فَأَخْرَجَ بِنَا إِلَيْهِم».

قَالَ الْأَحْنَفُ: وَ مِنْ أَيِّ قَوْمِ السَّفْيَانِي؟ قَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «هُوَ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَ أَخْوَالِهِ كَلْبَ وَ هُوَ عَنْبَسَةَ بْنِ مُرَّةَ بْنِ كَلِيبِ بْنِ سَلَمَةِ بْنِ عَبْدُاللهِ ابْنِ عَبْدِ الْمُقْتَدِرِ بْنِ عُثْمَانِ بْنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانِ بْنِ حَرْبِ بْنِ أُمَيَّةَ بْنِ عَبْدِ شَمْسٍ، أَشَدُّ خَلْقِ اللهِ شَرّاً، وَأَلْعَنْ خَلْقَ اللهِ جَدّاً، وَ أَكْثَرَ خَلْقَ

۲۴ ـ کسی که به آن‌ها پناه می‌برد؛ نکشند ۲۵ ـ شکست خورده را تعقیب نکنند ۲۶ ـ گندم و جو را احتکار نکنند ۲۷ ـ بکشتن شخص مجروح اقدام ننمایند ۲۸ ـ لباس زبر و خشن بپوشند ۲۹ ـ متکای خود را خاک قرار دهند ۳۰ ـ نان جو بخورند ۳۱ ـ به چیز کم راضی باشند ۳۲ ـ برای خدا آنطور که باید و شاید جهاد نمایند ۳۳ ـ مشک و بوی خوش ببویند ۳۴ ـ از نجاست دوری کنند. و آن حضرت هم با آن‌ها شرط می‌کند که معاشر و ملازمی انتخاب نکند، مکان و زمانی که آنها بروند او هم برود، بچیز کم قانع باشد زمین را پر از عدل و داد نماید پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد خدا را آن طور که باید و شاید عبادت کند، خراسان برای آن حضرت فتح خواهد شد. اهل یمن مطیع او خواهند شد، لشگرهائی از یمن به استقبال او می‌آیند شهسوار همدان و خولان او را بطرف اوس و خزرج می‌برد، بازوی او بوسیله سلیمان تقویت می‌شود، جلو او عقیل و کنار او حارث طایفه مضر پشتیبان او خواهد بود که جلو می‌روند قبیله بجیله و ثقیف و مجمع و غداف با او مخالفت می‌کنند با لشگرها حرکت می‌کند تا اینکه به وادی غنی می‌رسد حسنی با دوازده هزار نفر بآن حضرت ملحق می‌شود آن بزرگوار بحسنی می‌گوید: من از تو به این امور سزاوارترم، او در جواب گوید: دلیل و برهان تو چیست؟ پس آن حضرت به پرنده اشاره می‌کند بر کتف مبارکش فرود می‌آید، عصای خود را می‌کارد و سبز می‌شود، آنگاه حسنی لشگر را تسلیم آن حضرت نموده و خود در جلو لشگر قرار می‌گیرد، بعد از آن سر و صدایی در دمشق بر پا می‌شود که می‌گویند: اعراب حجاز برای شما جمع شده‌اند، سفیانی به اصحاب خود می‌گوید: این گروه چه می‌گویند؟ در جوابش گویند: این‌ها اصحابی هستند ناتوان و غیر فعال و ما اصحابی هستیم با حیله و اسلحه تو با ما بیا تا بر آنها خروج کنیم.

احنف پرسید یا امیرالمؤمنین سفیانی از چه گروهی است؟ حضرت فرمود: از بنی امیه است و دائی‌های او کلب می‌باشد، نام او عنبسه بن مرة بن کلیب بن سلمة بن عبدالله بن عبدالمقتدر بن عثمان بن معاویه بن ابی سفیان بن حرب بن امیه بن عبد شمس است که شریرترین و ملعون‌ترین و ظالم‌ترین خلق خدا است.

Scanned by CamScanner

اللهِ ظُلْماً فَيَخْرُجَ بِخَيْلِهِ وَ قَوْمِهِ وَ رَجْلِه وَ جَيْشِه وَ مَعَهُ مَائَةَ أَلْفَ وَ سَبْعُونَ أَلْفاً فَيَنْزِلَ بُحَيْرة طَبَرِيّة وَ يَسِيرَ اِلَيْهِ الْمَهْدِى عَنْ يَمِيْنِه جِبْرَئِيل، وَ عَنْ شِمَالِهِ مِيكَائِيلْ، وَ عِزْرَائِيل أَمَامَهُ، فَيَسِيْر بِهِمْ فِي اللَيْلِ، وَ يَكْمِنُ بِالنَهارِ، وَ النَّاسُ يَتَبَعُونَهُ مِنَ الافَاقِ حَتَى يُوَاقِعَ السُّفْيَانِى عَلى بُحَيْرة الطَبَرِيةَ، فَيَغْضَبِ اللهُ عَلَى السُفْيَانِي وَ يَغْضِبَ خَلْقَ اللهُ لِغَضَبِ اللهِ تَعَالى، فَتَرْشِقُهُم الطَّيْر بِأَجْنحَتِهَا وَ الْجِبَالِ بِصُخُورِهَا وَ الْمَلَائكة بِأَصْوَاتِهَا، وَ لاَ تَكُونُ سَاعَةَ حَتَى يَهْلِكَ اللهُ اَصْحَابَ السُفْيَانِي كُلُّهُمْ وَ لاَ يَبْقِى عَلَى الْاَرْضِ غَيْرهُ وَحْدَه، فَيَأْخُذهُ الْمَهْدِى فَيَذْبَحَهَ تَحْتَ الشَجَرَةِ الَّتِى أَغْصَانَهَا مُدِلاَةَ عَلَى بُحَيْرَةِ الطَّبَرِيَةِ، وَ يَمْلِكُ مَدِينَةَ دَمِشْق، وَ يَخْرُجَ مُلْكَ الرُوم فِي مَائِةَ أَلْف صَلِيْب تَحْتَ كُلِّ صَلِيْبِ عَشْرَةَ آلاَفَ، فَيَفتَحَ «طَرسُوساً» بِأَسنه الرِمَاحَ وَ يَنْهَبُ مَا فِيهَا مِنَ الْاَمْوَالِ وَ النَّاسِ، وَ يَبْعَثُ اللهَ جِبْرِئيلَ عليه السلام اِلَى «الْمَصيْصَةِ» وَ مَنَازِلَهَا وَ جَمِيعَ مَا فِيهَا فَيُعَلِّقَهَا بَيِنَ السَّمَاَءِ وَ الْاَرْضِ، وَ يَأْتِى مُلْكَ الرُوم بِجَيشِه حَتَّى يَنْزِلَ تَحْتَ «الْمُصَيْصَةَ» فَيَقُولَ: أَيْنَ الْمَدِينَةَ الَّتِى كَانَ يَتَخَوَّفُ الرُومَ مِنْهَا وَ النَّصْرَانِيَةِ؟ فَيَسْمَعَ فِيهَا صَعْق الدُيوك وَ نِبَاحَ الْكَلَاب وَ صُهَيْل الْخَيْل فَوْقَ رُؤوسِهِم» وَ ذَكَرِ الْحَدِيثِ.

اَقُولَ اَنَا: وَ هَذاَ لَفْظِ مَا ذَكَرهُ السَّلِيلِى نَقْلَنَاهُ كَمَا وَجَدْنَاهُ.

Scanned by CamScanner

سفیانی با لشگر و مرکب‌های سواری خود خروج می‌کند و تعداد صد و هفتاد هزار نفر با او خواهند بود و در بحیره طبریه فرود می‌آید آنگاه مهدی (عج) در حالی که جبرئیل(ع) در جلو او است بسوی سفیانی حرکت می‌کند و در شب راه می‌روند و روز پنهان می‌شوند و مردم هم از آن حضرت پیروی می‌کنند تا اینکه در بحیره طبریه با سفیانی برخورد می‌کند و خدا به سفیانی غضب می‌کند خلق خدا هم به جهت غضب خدا به او غضب می‌کنند پرنده‌ها آنها را با پر و بال خود سنگباران می‌کنند و کوهها با سنگ‌های خود و ملائکه با صداهای خود آن‌ها را مورد حمله قرار می‌دهند، ساعتی طول نمی‌کشد که خدا کلیه اصحاب سفیانی را هلاک می‌نماید و غیر از سفیانی کسی از آن‌ها باقی نمی‌ماند، آنگاه مهدی (عج) او را گرفته در زیر درختی که شاخه‌های آن بطرف بحیره طبریه متمایل است سر می‌برد شهر دمشق را تصرف می‌نماید، بعد از آن پادشاه روم با صد هزار صلیب که در زیر هر صلیبی ده هزار نفر قرار دارد قیام می‌کند و «طرسوسا» را با نیزه فتح نموده و اموال مردم را غارت می‌نماید.

آنگاه خدای عالم جبرئیل را می‌فرستد تا شهر مصیصه (شهری است در شام) و منزلها و آنچه در آن است از جا کنده در بین آسمان و زمین معلق می‌نماید و پادشاه روم با لشگر خود حرکت کرده در جای شهر مصیصه نزول کرده و می‌گوید: چه شد آن شهری که روم و نصرانیت از آن می‌ترسیدند؟ در جواب صدای خروسها و سگها و حیوانات را از بالای سر خود می‌شنوند.

سید بن طاووس می‌گوید: این عین عبارتی بود که ما از کتاب سلیلی یافتیم و ذکر کردیم.

Scanned by CamScanner

## الباب ٨٠

فِيمَا ذَكَرَه السَّلِيْلِى مِنْ حَدِيْث آخَرَ بَدُولَةِ الْـمَهْدِى وَ بَذْلِهِ لِلْاَمْوَال

٤١٨. قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّد بْنَ جَرِيْر، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ حَمِيْد، قَالَ. حَدَّثَنَا هَارُون عَنْ عَمْرو بْنِ أَبِي قَيْس عَنْ عَاصِمْ عَنْ زِرّ عَنْ عَبْدُاللهِ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﴿ﷺ﴾ :

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنْ الدُّنْيا الَّا لَيْلَةً لَطَوَّلَ اللهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ حَتَى يَمْلِكَ هَذِه الأُمَّةَ رَجُلُ مِنَ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِى اِسْمُهُ اِسْمِى اسْمُ اَبِيْهِ و اِسْمُ أَبِى، يَمْلَأَهَا قِسْطاً وَ عَدْلاً ، كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً، يُقَسِّمُ الْـمَالَ بِالْسَوِيَة، وَ يُعِيْدُ اللهِ الْغَنِى فِي قُلُوب هَذِهِ الْأُمَّةُ، فَيَجِىءُ الرَّجُل فَيَسْأَلَهُ، فَيَقُول: اِنْطَلِقَا بِه اِلَى السَّـادِنَ -يَعْنِى الْخَازِن- فَيَحْثُو لَهُ فِى حُجْره، قَالَ: يَقُول: حَسْبِى، مَا وَسَـعَ أُمَّـةَ مُحَمَّد، فَيَرُدُّهَ، فَيَقُولَ: لَا حَاجَةَ لِى فِيْهِ، فَيُقَالُ لَـهُ: اَنَّـا لَانَـرْجِعَ فِى شَيْءٍ أَمْضَيْنَاه، فَيَمْكُثَ تِسْعاً اَوْ سَبْعاً ثُمَ لاَ خَيْرُ فِى عَيْشِ الْحَيَاة بَعْدَهُ»

(مسند أحمد حنبل ج ٣ / ص ٤٢٦ و ٤٢٧ حديث ١٠٩٣٣)

٤١٩. وَ ذَكَرَ فِى حَديث أَسْنَدَهَ اِلَى مَعَاذِ بن جَبَل عَنْ اَلنَّبِيّ ﴿ﷺ﴾ قَالَ: «اَلْمِلْحَمَةَ الْعُظْمى فَتْحُ قُسْطَنْطَنِيّة وَ خُرُوجُ الدجَّالَ فِى سَبْعَةَ اَشْهُر»

(سنن الترمذی، ج ٤،ص ٥٠٩، حديث ٢٢٣٨)

Scanned by CamScanner

# باب هشتادم

## بیانی از کتاب فتن سلیلی پیرامون حکومت مهدی و بخشش‌های آن حضرت

۴۱۸. عبدالله از رسول خدا (ﷺ) روایت کرده که فرمود: اگر از دنیا بیشتر از یک شب باقی نمانده باشد خدا آن شب را طولانی می‌کند تا مردی از اهل بیت من که نام او نام من و نام پدرش نام پدر من است مالک این امت شود و زمین را پر از عدل و داد نماید پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد مال را بطور مساوی تقسیم کند و خدا بطوری بی نیازی را در دل این امت جای دهد که شخص می‌آید.

خدمت آن حضرت و می‌گوید: پولی بمن بده آن بزرگوار می‌فرماید: آن وسعتی که به امت محمد(ﷺ) داده شده مرا بس است و آنچه که به او عطا شده بر می‌گرداند و می‌گوید: من احتیاجی بآن ندارم: به او می‌گوید: ما چیزی که بخشیدیم پس نمی‌گیریم آن حضرت نه یاهفت سال زندگی می‌کند، بعد از آن بزرگوار، خیری در زندگی نخواهد بود.

۴۱۹. در روایت دیگر از معاذ بن جبل از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود: فتنه و آشوب بزرگ و فتح قسطنطنیه و خروج دجال در مدت هفت ماه است.

Scanned by CamScanner

## الباب ٨١

### فِيْمَا نَذْكُرَهَ مِنْ أَحَادِيْثِ الدَجَّال وَ مِنْ أَيِّ مَوْضِعٍ يَخْرُجَ وَ خُرُوجُه وَ نُزُولُ عِيْسَى بْنُ مَرْيَم وَ صَلَاتُهُ خَلْفَ الْـمَهْدِى

أقول: اِنَّ الْذِى رَوَاهُ السَّلِيْلِى فِي أَحَادِيْثِ الدَّجَّالُ مِنْ الْفِتَن فَاِنَّهَا اِنَّمَا تُحْدَثُ وَ قَدْ ظَهَرَ الْـمَهْدِى عليه السلام وَ يَكُون عِيْسَى عليه السلام، وَ فِيْهِمَا كِفَايَة عَنْ ذِكْرِ كُلِّ مَا يُقَال، وَ لِكَنَّا نَذْكُرَ مَا يَنْتَهِى أَمْرُ الدَّجَّال اِلَيْه مَعَ الْـمَهْدِى وَ عِيْسَى بْنَ مَرْيَم عَلَيْهِما السَّلَام.

فَنَقُولَ: ذَكَرَ اَبُو صَالِحُ السَّلِيْلِى فِى كِتَابِ الْفِتْنَ، حَدَّثَنَا، هَذَا اَسْنَادُهُ.

**٤٢٠.** أَخْبَرَنَا ديرويه الْحَنَّاطَ الدُّينَوَرِي، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدَ بْنَ وِرْدَان الْـمَغَازِلى، قَالَ: أَخبَرَنَا ضَمْرَةُ بْنِ رَبِيْعَة الْفِلِسْطِيْنِى، قَالَ: أَخبَرَنَا يَحْيَى بن أَبِي عَمْرو الشَّيْبَانِي عَنْ عَمْرُو بْنِ عَبْدُاللهِ الْحَضْرَمِى عَنْ أَبِي أَمَامَةَ الْبَاهِلِي، قَالَ:

خَطَبْنَا رَسُولُ الله «صلى الله عليه وآله» ذَاتَ يَوْمَ خِطْبَة، فَكَانَ آخرَ خُطْبَتِهِ، وَ ذَكَرَ مَا حَدَّثَهُم عَنَ الدَّجَّال.

ثُمَ قَالَ: «وَ اِمَامُ النَّاسِ يَوْمَئذ رَجُلُ صَالِحُ، فَيُقَالَ لَهُ: صَلِّ الْصُبْح، فَاذَا كَبَّرَ وَ دَخَلَ فِى الصَّلَاةِ نَزَلَ عِيْسَى بْنُ مَرْيَم، فَاِذَا رَآهُ ذَلْكَ الرَّجُل عَرَفَهَ، فَيَرْجِعَ يَمْشِى الْقَهْقَرِى لِيَتَقَدَّم عِيْسَى بْنَ مَرْيَم عَلَيْهِمَا السَّلَام، فَيَضَعَ عِيْسَى يَدَهُ بَيْنَ كِتْفَيْه، فَيَقُول لَهُ: صَلِّ فَاِنَّمَا أُقِيْمَتْ لَكَ الصَّلَاة، فَيُصَلِّى عِيْسَى وَرَاءَهُ، ثُمَ يَقُولُ: فَيَفْتَحُونَ الْبَابَ وَ مَعَ الدَجَّالَ يَوْمَئِذٍ سَبْعُونَ أَلْفَ يَهُودِى ذُو سَاج وَ سَيْف مُحَلّى، فَاِذَا نَظَرَ اِلَى عِيْسَى ذَابَ كَمَا يَذُوبُ الرَّصَاصْ فِى النَّارِ أوِ الثَّلْجَ فِى الاـمْءِ، ثُمَ يَخْرُج هَارِباً، فَيَقُولَ عِيْسَى: اِنَّ

Scanned by CamScanner

# باب هشتاد و یکم

## بیانی است پیرامون احادیث دجال و محل خروج و نزول حضرت عیسی و نماز خواندنش پشت سر حضرت مهدی (عج)

سید بن طاووس می‌گوید: آنچه که سلیلی در جریان دجال نقل کرده از فتنه‌هایی است که واقع خواهد شد، در حالی که حضرت مهدی ظهور کرده و عیسی بن مریم با او همراه است و ما در اینجا جریان دجال و آن حوادثی که بر او می‌گذرد بیان می‌کنیم پس می‌گوئیم آنچه را که سلیلی در این باره از کتاب فتن خود بیان کرده است.

**۴۲۰.** «ابوامامه باهلی» روایت کرده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روزی خطبه‌ای خواند و در آخر آن خطبه نامی از دجال برد. و بعد از آن فرمود:

در آن روز امام مردم شخص صالحی است، از او تقاضا می‌کنند که نماز صبح را شروع نماید چون بنماز صبح مشغول می‌شود عیسی بن مریم(علیه السلام) وارد می‌شود. همین که حضرت عیسی را می‌بیند او را می‌شناسد آنگاه او عقب می‌رود که عیسی(علیه السلام) برای نماز جلو بایستد ولی عیسی دست خود را بین دو کتف او می‌گذارد و می‌گوید: تو نماز را بخوان زیرا که اقامه نماز برای تو گفته شده و عیسی(علیه السلام) به او اقتداء می‌کند، پس می‌گوید: درب را باز کنند، در آن روز با دجال هفتاد هزار یهودی مسلح و با شمشیر خواهد بود، همین که دجال به عیسی نظر می‌کند آب می‌شود آنطور که پاره‌های آهن در آتش یا برف در آب ذوب می‌شود عیسی قیام می‌کند نزدیک درب

Scanned by CamScanner

لِى فِيْكَ ضَرْبَةَ لَنْ تَفُوتَنِي بِهَا، فَيُدْرِكَهُ عِنْدَ بَابِ اللُّدِّ الْشَرْقِ فَيَقْتُلَه وَ لَا يَبْقَ شَيْء مِمَّا خَلَقَ اللهُ يَتَوَارَى بِه يَهُودِى اِلَّا أَنْطَقَ اللهُ ذَلِكَ الشى لَا شَجَرَ وَ لَا حَجَرَ وَ لَا دَابَّةَ اِلَّا قَالَ:

يَا عَبْدَاللهِ الْـمُسْلِم هَذَا كَافِرُ فَاقْتُلُهُ، اِلَّا الْغَرقَدَة فَاِنَّهَا مِنَ شَجَرِهْم وَ لَا تَنْطِقُ،

وَ يَكُونَ عِيْسَى فِي أُمَّتِي حَكَماً عَدْلاً وَ اِمَاماً مُقْسِطاً، فَيَدُقَّ الصَّلِيْب وَ يَقْتُل الْخِنْزِيْر وَ يَضَعَ الْجِزْيَة وَ يَتْرُكَ الصَّدَقة وَ لَا يَسْعَى عَلَى شَاةٍ، وَ لَا تَبْقَ بَقَرَهِ، وَ تُرْفَعُ الشَّحْنَاء وَ التَبَاغُض، وَ تَنْزِعَ حُمَة كُلُّ دَابَّة حَتَى يَدْخُلَ الْوِلَيْد يَدَهُ فِي فَم الْحَنَش فَلَا يَضُرّه، وَ تَلْقَ الْوَلِيْدَةَ الْاَسد فَلَا يَضُرَّهَا، وَ يَكُونَ فِي الْاَبِلِ كَاَنَّهُ كَلْبهَا، وَ يَكُونَ الْذِئب فِي الْغَنَمِ كَأَنَّه كَـلْبهَا، وَ تَمْـلَأُ الْاَرْضُ مِنَ الْاِسْلَامِ، وَ يَسْلُبُ الْكُفَّارُ مُلْكَهُم، وَ لَا يَكُونَ الْـمُلْك اِلا للهِ وَ لِلْاِسْلَامِ،

وَ تَكُونَ الْاَرْضُ كَفَاثُور الْفِضَّة تَنْبتُ نَبَاتَها كَمَا كَانَت عَلَى عَهْدِ آدَم، يَجْتَمِعُ النَّفَر عَلَى الْقِثَاء فَتَشْبِعَهُمْ، وَ يَجْتَمِعُ النَّفَر عَلَى الرُّمَانَةِ فَتَشْبَعُهم، وَ يَكُونَ الْفُرس بِدُرَيْهِمات» (سنن ابن ماجة ج ٢، حديث ١٣٥٩ - ١٣٦٢ / ٤٠٧٧).

هَذَا آخَرَ الْحَدِيْث، يَعْنِي أَنّ النَّاسَ يَسْتَغْنُونَ عَنِ الْجِهَاد، وَ يَرْغَبُونَ فِي صِفَاتِ الزُّهَّاد.

Scanned by CamScanner

شرقی او را گرفته بیک ضربت می‌کشد و چیزی از مخلوقات خدا از قبیل درخت، سنگ و جنبنده‌ای نیست که یهودی بآن پناهنده شود مگر اینکه می‌گوید: ای بنده مسلمان خدا این کسی که به من پناهنده شده یهودی است او را بقتل برسان ولی درخت غرقده که درخت یهود است سخن نمی‌گوید: عیسی در میان امت من حاکم و امام عادلی خواهد بود، صلیب را می‌کوبد، جزیه را از بین می‌برد، صدقه را متروک می‌نماید و بر گوسفندی و گاوی ظلم نمی‌کند، کینه و دشمنی را برطرف می‌نماید، آزار جنبندگان طوری از بین می‌رود که اگر طفل نوزاد دست خود را در دهان مار کند به او ضرری نمی‌رساند، شیر درنده بچه را می‌بیند و او را اذیت نمی‌کند، شیر در میان شتران چون سگ گله خواهد بود، گرگ در میان گله چون سگ گله می‌باشد،

زمین از مسلمین پر می‌شود و سلطنت کفار از بین می‌رود، ملک برای غیر از خدا و مسلمین نخواهد بود،

زمین چون یک پارچه نقره خواهد شد و گیاه خود را آن طور می‌رویاند که در زمان حضرت آدم(علیه السلام) بوده. چند نفر که از یک خیار بخورند همه آنها سیر می‌شوند، یک انار چند نفر را سیر می‌نماید،

قیمت اسب به مختصر درهمی خواهد رسید، یعنی مردم از جهاد مستغنی شده و در صفات زهاد رغبت پیدا می‌کنند.

Scanned by CamScanner

## الباب ۸۲

### فِى أَنَّ الدَجَّالَ يَخْرُجُ مِنْ خُرَاسان

رَوَيْنَا مِنْ كِتَابِ تَذْيِيل مُحَمَّدِ بْنِ النَّجَّارِ شَيْخُ الْمُحَدِّثِين بِبَغْدَادِ فِيْمَا نَقَلْتُهُ فِى الْمُجَلَّدِ الْاَول مِنْ كِتَابِ «التَحْصِيلَ» فِى تَرْجُمَةِ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْزَة بْنِ مُحَمَّد ابْنِ أَحْمَد بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْد بْنِ عَلِي بْن الْحُسَيْن بْنِ عَلِي بْنِ اَبِى طَالِب عَلَيْهِمَا السَّلام، أَبِى سُلَيْمَان الْعَلَوِىَ مِنْ أَهْلِ قَزْوِيْن قَدِمَ بَغْدَاد حَاجّاً.

الدَّجَّال مِنْ قِبَل الْـمَشْرِق مِنْ مَدِيْنَةٍ يُقَالَ لَهَا: خُرَاسان، يَتْبَعُهُ أَقْوَامَ كَأَنَّ وُجُوهَهُم الْمِجانُّ الْـمُطْرَقَة» (كتاب الفتن لابن حماد، ج ۲، ص ۵۳۳ حديث ۱۵۰۸)

**۴۲۱.** ثُمَ ذَكَرَ بِاسْنَادِهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولَ اللهُ (صلى الله عليه وآله):

يَخْرُجُ الدّجال مِن قَبلِ الْـمَشْرق مِن مَدينة يُقَالُ لها: خراسان يـتبعه اَقوامُ كَانَّ وُجُوهَهُم اَلمجالُ الْـمُطْرَقه اَقُـول: وَ قَـدْ مَـضَى فِى الْكَـرَّاس الْخَامِس مِنْ كِتَابِ نَعِيْم بْن حَمَّادِ عَنِ النَّبِى (صلى الله عليه وآله): «لَيَهْبِطَنَّ الدَّجَّال خُوز وَ كِرْمَان فِى ثَمَانِيْنَ أَلْفاً كَانَّ وُجُوهُهم الْمَجانُّ الْـمُطْرَقَة يَلْبِسُونَ الطَّيَالِسَة وَ يَنْتَعِلُونَ الشَّعْر».

## الباب ۸۳

### فِيْمَا ذَكَرَهُ أَبُو صَالِح السَّلِيْلِى فِى أَنَّ الرَّجُلَ الَذِى يُصَلِّى عِيْسَى بْنُ مَرْيَم خَلَفَهُ مِنْ وُلْدِ النَّبِىَ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

**۴۲۲.** قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنَ بْنُ عَلِي، قَالَ: اَخْبَرَنا سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُد الْبَصْرِى قَالَ اَخْبَرَنَا دَاوُد الْعَسْقَلَانِى، قَالَ: اَخْبَرَنَا سُفْيَانُ بْنُ سَعِيْد الثَّوْرِى عَنْ مَنْصُور بْنِ الْـمُعْتَمَر عَنْ رِبْعى بْن حِراش، قَالَ: سَمِعْتُ حُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمان، قَالَ:

قَالَ رَسُولَ اللهَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله، فَذَكَر حَدِيْثَ الْفِتَنِ بِطُولِه.

ثُمَ قَالَ: «قَدْ أَفْلَحَتْ أُمَة أَنَا اَوَّلَهَا وَ عِيْسَى آخِرُهَا. فَيُصَلِّى خَلْفَ رَجِلِ

Scanned by CamScanner

## باب هشتاد و دوم

### بیانی است در اینکه دجال از خراسان خروج می‌کند

ابوسلیمان از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:

دجال از طرف مشرق از شهری که آن را خراسان می‌گویند خروج می‌کند و گروهی تابع او می‌شوند که صورتهایشان چون سپرهای آهنین است.

**۴۲۱.** رسول خدا فرمود: دجال از سمت مشرق خراسان می‌آید و گروهی که طرفدار و همراه اویند چهره‌های سرخ گونه و بر افروخته دارند».

من می‌گویم: از کتاب فتن ابن حماد گذشت که در آنجا از قول پیامبر گفته شده بود که دجال بر خوزستان و کرمان مسلط می‌شود جمعیت آنها حدود هشتاد هزار نفرند چهره‌ی آنها چکش خورده و همچون سپر است و کفششان از موبافته شده است.

## باب هشتاد و سوم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی در اینکه شخصی که حضرت عیسی(ع) در پشت سر او به نماز می‌ایستد از فرزندان پیامبر است

**۴۲۲.** حسن بن علی(ع) فرمود:

سلیمان بن داوود بصری به ما خبر داد از سفیان ثوری از ربعی بن حراش و او از حذیفه که گفت: رسول خدا چنین فرمود آنگاه اصل روایت را نقل می‌کند. حذیفه بن یمان از حضرت رسول الله(ﷺ) روایت کرده که فرمود:

مِنْ وُلْدِي فَإِذَا صُلّيت الْغَدَاة، قَامَ عِيْسَى حَتَى يَجْلِسَ فِي الْــمَقَامِ» وَ ذَكَرَ مُتَابعَتَهُ وَ أَنَّ مَقَامَهُ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعُونَ سَنَةً.

(سنن الداني: الجزء الخامس، باب ما روى فى الوقيعة التى تكون بالزوراء و ما يتصل بها من الوقائع و الملاحم و الآيات و الطوّام).

## الباب ۸۴

فِيْمَا ذَكَرَه السَّلِيْلِى مِنْ حَدِيْثِ النَّار بِالْحِجَاز مِنْ كِتَابِ الْفِتَن.

**٤٢٣.** فَقَال: حَدَّثَنَا ابْنَ أَبِي دَاوُد السَّجِسْتَانِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ صَالِحٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَنْبَسَة، قَالَ: أَخْبَرَنا يُونُس عَنْ ابْنِ شَهَابٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي سَعِيْدِ بن الْـمُسَيِّب عَنْ أَبِي هُرَيْرَةِ أَخْبَرَهُ رَسُولُ اللهِ (ﷺ) قَالَ:

«إِنَّهَا لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَى تَظْهَرَ نَارُ بِأَرْضِ الْحِجَاز تَضِئُ لَهَا أَعْــنَاقَ الْإِبلِ بِبُصْرَى». (صحيح البخارى ج ۸ ص ۱۲۸ حديث ۷۱۱۸).

يَقُول عَلِي بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدْ بن مُحَمَّد بْن الطَّاوُس: هَـذَا آخَرُ مَا رَأَيْنَا ذَكَرَهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتْنِ لِأَبِي صَالِحِ السَّلِيْلِي،

وَ كَانَ آخَرُ تَعْلِيْقِهِ يَوْمَ الْخَمِيْس الثَّالِث عَشَر مِنْ ذِي الْحَجَة سَنَة اِثْنَتَيْنْ وَ سِتِيْنِ وَ سِتَمِائَةَ، وَ صَلَّى اللهُ عَلَى سَيدِ الْبَرّيَة مُحَمَّدِ النَّبيّ وَ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرَة الْهَادَية الْـمَهْدِيَة.

Scanned by CamScanner

حقا که رستگارند آن امتی که من اول آنهاباشم و عیسی آخر آنها باشد، پس عیسی پشت سر مردی از فرزندان من نماز می‌خواند، وقتی که نماز صبح را خواند عیسی بلند می‌شود و خود را تابع او معرفی می‌کند و زندگی او در دنیا چهل سال خواهد بود.

## باب هشتاد و چهارم

### بیانی است از کتاب فتن سلیلی از حدیث آتش حجاز

**٤٢٣.** ابوهریره از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه آتشی از زمین حجاز ظاهر شود و گردن‌های شترهای بصری به وسیله آن نورانی شود.
سید بن طاووس می‌گوید:
این آخرین مطلبی است که در کتاب فتن سلیلی دیده‌ایم و آخرین تعلیقی است که روز پنجشنبه سیزدهم ذیحجه سال ٦٦٢ نگاشته شده است درود خداوند بر پیامبر و آل او باد.

Scanned by CamScanner

## بسم الله الرحمن الرحيم

اَلْحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العَالَمِين وَ الصَّلَوة وَالْسَلاٰم عَلَى سَـيد الْـمُرْسَلِيْن مُحَمَّد النَّبِيّ وَ آلِه الطَّاهِرِيْن.

يَقُولُ عَلِيُ بْنُ مُوسَى بْن جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ الطَاوُوس الْـعَلَوى الْفَاطِمِى: اَحْمَد الله جَلَّ جَلاَلَهُ الَّذِى اِبْتَدَأَ جَلَّ جَلاَلُهُ بِالْمِنَن، وَ الْهِدَايَةَ اِلَى الدَّرُوع الْوَاقِيةَ وَ الْجُنَنْ، وَ مَنَّ عَلَيْنَا بِجَدِّنَا مُحَمَّدَ رَسُـولَهُ صَـلَوَاتُ الله عَلَيْهِ فِى أِحْيَاءِ مَا دَرَسَ مِنَ الْسُّنن، وَ جَعَلَ مِنْ جُمْلَةِ مُعْجِزَاتِهِ وَ كِرَامَاته تَعْرِيْفه ﷺ بِمَا حَدَثَ بَعْدَهُ مِنَ الْفِتَن، وَ مَا يَخْتَصُّ بِهِ عِتْرَتَهُ عَلَيْهِمُ السَّلَام مِنَ الْعَدَاوَةِ وَ الْحَسَد وَ الْمِحَن، وَوَعَدَهم عَلَى الصَّبْر وَ الرِضَى عَلَى أَجَمَالَ أَهْل الْاَحْقَادَ وَ الْاِحَن، بِالْاَعْلَى وَ الْاَعْلَى مِنَ الَّثمَـن، وَ السُّكْـنَى مَـعَهُ فِى جَوَارِهِ فِى دَارِ قَرَارِه وَ مَسَارِه، ﴿عليهم السلام﴾ الْحَافِظِيْن لِاَسْرَارِه صَلَاة تَزِيْدُ فِى عُلِوِّ مَنَارِه، وَضِيَاء أَنْوَارِه.

اَمَّا بَعْد: فَاِنَّنِى ذَكَرْتُ فِى خُطْبَهِ هَـذَا الْكِـتَابِ «التَـشْرِيْف بِـالْمِنَن فِى التَعْرِيْف بِالْفِتَن» مَا حَضَرِنِى مِنَ السَّبَبِ الْبَاعِثِ عَلَى جَمْع جَـوَاهِـرِه وَ اَظْهَارِ سَرَائِره، وَ حَيْثُ قَدْ تَكَمَّل مَا هَدَانَا اللهُ جَلَّ جَلاَلُهُ اِلَيْه، وَ دَلَّنَا عَلَيْه مِنْ كِتَابِ «الْفِتَن» لِنَعِيْم بْن حَمَّاد، وَ كِتَابِ «الفِتَن» لاَبِى صَالِحِ السَّلِيْلِى كَمَا قَدَّمْنَاهُ فَهَا نَحْن نَذْكُرَ مَا نَخْتَارُه بِاللهِ جَلَّ جَلاَله مِنْ كِتَابِ الْفِتَن لاَبِى يَحْيَى زَكَرِيَّا و تاريخ كتابته يوم الاربعاء، مسلخ ربـيع الاول سـنته احـدى و تسعين و ثلاثمأمة من وقف النظاميه وَنْقصُدَ نَقْلَ لَفْظِهِ وَ مَعْنَاه، فَنَقُولَ:

Scanned by CamScanner

بنام خداوند بخشنده مهربان

درود بر سرور پیامبران محمد (ص) و آل او باد سید بن طاووس علوی فاطمی چنین می‌گوید:

خدای بزرگ را شکرگزارم که بر ما منت نهاد و توسط جدم پیامبر خدا حضرت محمد (ص) هدایتمان کرد که ما را در سایه سنتهای خود زنده ساخت و ما را با معجزات و اخبار غیبی خود از اینکه بعد از او فتنه‌هایی به وجود خواهد آمد آگاه ساخت و حوادث ناگواری به عترت و فرزندان او خواهد رسید و دستور داد به صبر و بردباری آنها تا زمانی که از این جهان رخت بربندند و در کنار حضرتش تا قیامت بمانند.

اما بعد من در خطبه این کتاب مطالبی را بیان نمودم که عامل و سبب گردآوری مطالبی گردید که خداوند مرا بر آن هدایت و راهنمایی کرد و مرا به کتاب فتن ابن حماد و سلیلی و ابن یحیی زکریا آشنا ساخت و مرا وادار نمود که مطالبی از آن برای شما بنگارم و شما را به اسراری آشنا سازم که قبلاً آگاهی نداشتید.

Scanned by CamScanner

## الباب ١

فِيمَا نَذْكُرَهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَن تَأْلِيف أَبِى يَحْيَى
زَكَرِيّا بْنِ يَحْيَى بْنِ الْحَارِثِ الْبَزَّازِ.

٤٢٤. بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي زَيْدٍ قَالَ:

صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللهِ(ص) الْفَجْر وَ صَعد الْمِنْبَر، فَخَطَبْنَا حَتَى حَضَرَتِ الظُّهْر، فَنَزَل فَصَلَّى، ثُمَ صَعَدَ الْمِنْبَر، فَخَطَبْنَا حَتَى حَضَرَتِ الْعَصْر، ثُمَ نَزَلَ فَصَلَّى، ثُمَ صَعَدَ الْمِنْبَر، فَخَطَبْنَا حَتَى غَرَبَتِ الشَّمْس، فَأَخْبَرَنَا بِمَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِن فَاعْلَمْنَا أَحْفَظُنَا» (كتاب الفتن لابن حماد ج ١: ص ٢٧، حديث ١)

## الباب ٢

فِى أَنَّ خَيْرَ الْأَوْلَادِ الْبَنَات بَعْدَ أَرْبَع وَ خَمْسِيْن وَ مَائَة،
وَ خَيْرَ الْنِسَاءِ بَعْدَ تِسْع وَ سِتِيْن وَ مَائَة الْعَوَاقِر.

٤٢٥. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حُذَيْفة عَنِ النَّبِيّ(ص) قَالَ:

«خَيْرُ أَوْلَادِكُم بَعْد أَرْبع وَ خَمْسِين وَ مَائِةَ الْبَنَات، وَ خَيْر نِسَائِكُمْ بَعْدَ تِسْع وَ سِتْين وَ مَائَةَ الْعَوَاقِر، و سَنة ثمَان وَ سِتِيْنَ وَ مَائَة تُقَاضِى دَيْنَك، وَ سَنَة تِسْع وَ سِتْين وَ مَائِةَ اقْض دَيْنَك، وَ سنة تسعين الْهَرَج» فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْم: يَا رَسُول الله مَا الْنجاة وَ مَا الْخَلَاص؟

قَالَ: «الْهَرْب حَتَى تَقُومَ السَّاعَة»

(كتاب الفتن لابن حماد ج ٢: ص ٧١١ - ٧١٠، حديث ١٩٩٢)

Scanned by CamScanner

## باب اول

### بیانی است از کتاب فتن ابن یحیی زکریا بن یحیی بن حارث بزاز

**٤٢٤.** ابوزید می‌گوید:

روزی پیامبر خدا(ﷺ) نماز صبح را با ما خواند و بر منبر رفت و برایمان خطبه‌ای خواند که تا ظهر طول کشید و برای نماز ظهر از منبر پائین آمد و نماز ظهر را خواند و دوباره بالای منبر رفته خطبه‌ای ادا کرد که تا عصر طولانی شد سپس از منبر بزیر آمد و نماز عصر را خواند و برای سومین بار به منبر رفت و خطبه‌ای خواند و تا غروب طول کشید آنگاه ما را از آنچه که در عالم واقع شده و واقع خواهد شد خبر داد و اعلام کرد که گفته‌های او را بخاطر بسپاریم.

## باب دوم

### بیانی است در اینکه پس از ۱۵۴ سال بهترین فرزندان دخترانند و بعد از ۱۶۹ سال بهترین زنان آنهایی‌اند. که بچه‌دار نمی‌شوند

**٤٢٥.** حذیفه از پیامبر(ﷺ) روایت کرده که فرمود:

در سال (۱۵۴) بهترین فرزندان شما دخترانند و بهترین زنان شما زنانی‌اند که نازایند، و در سنه (١٦٨) قرض خود را طلب کن، و در سنه (١٦٩) قرض خود را بپرداز، و در سنه (٩٠) کشت و کشتار می‌شود، یکی از آن گروه گفت: یا رسول الله(ﷺ) در آن موقع راه نجات چیست؟ فرمود: تا قیام قیامت فتنه و آشوب خواهد بود.

Scanned by CamScanner

## الباب ٣

فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِی كِتَابِ الْفِتَنِ فِی ذِهَابِ عُقُول الرِجَال.

٤٢٦. فَرَوَى بِاسْنَادِهِ اِنَّ رَسُولَ اللهَ (ص) قَالَ:

«اِنَّ بَيْنَ يَدِى السَّاعَةِ الْهَرْج» قَالُوا: وَ مَا الْهَرجُ يَا رَسُولَ اللهُ؟ قَـالَ: «الْقَتْلِ» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللهُ أَكْثَرُ مِمَّا يُقْتَلُ الان؟ قَالَ: «اِنَّهُ لَيْسَ بِقَتْلِكُمْ الْكُفَّار، وَ لَكِن يَقْتُلُ الرَّجُل جَارَهُ وَ يَقْتل أَخَاهُ وَ يَقْتُل ابُن عَمِّهِ» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللهَ وَ مَعَنَا عُقُولُنَا؟ قَالَ: «تُنْزَعُ عُقُولُ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَان، وَ يَخْلِفُ لَهُم مِنَ النَّاسِ قَوْمُ يَحْسَبُ أَكْثَرُهُمْ أَنَّهُم عَلَى شَىْ».

(كتاب الفتن لابن حماد، ج ١: ص ٤٧ – ٤٨، حديث ٦٨)

قَالَ اَبُومُوسَى: وَ اَيَمُ اللهَ مَا أَرَى لِى وَلَكُم مِنْهَا مَخْرَجاً اِلاّ نَخْرُجَ مِـنْهَا كَمَا نغخَلْنَاهَا.

## الباب ۴

فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِی كِتَابِ الْفِتَنِ: أَنَّ النَّاسَ
يَصِيْرُون كَالْبَهَائِم وَ تَكُون خَمْسُ فِتَن

٤٢٧. قَالَ: حَدَّثَنَا اِسْحَاقُ بْنُ اِبْرَاهِيْمَ الْحَنْظَلِى، قَـالَ: قُـلْتَ لِاَبِى اُسَـامَة: حَـدَّثَكُم الْاَعْمَش عَنِ مُنْذَرِ الثَّوْرِى عَنْ عَاصِمِ بْنِ ضَمُرَة عَنْ عَلِى(ع) قَالَ:

«جَعَلَ اللهُ فِى هَذِهِ الْاُمَّة خَمْسَ فِتَنٍ: فِتْنَةُ خَاصَةَ وَ فِتْنَةُ عَامَّة ثُمَ فِـتْنَةُ خَاصَةَ ثُمَ فِتْنَةُ عَامَّة ثُمَ تَجِىْء فِتْنَةُ سَوْدَاءُ مُـظْلِمَة يَـصِيْرُ النَّـاسُ فِـيهَا كَالْبَهَائِم» فَأَقَرّ بِهِ أَبُو اُسَامَه وَ قَالَ: نَعِمَ. (المستدرک للحاکم، ج ٤،ص ٤٣٧).

وَ رَوَاهُ بِاسْنَادِ آخَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَةَ عَنْ مولَانَا عَلِى عليه السلام

(المستدرک – للحاکم – ج ٤: ص ٥٠٤ – ٥٠٥)

Scanned by CamScanner

## باب سوم

### بیانی است از زکریا بن یحیی در کتاب فتن پیرامون زایل شدن عقل مردان

۴۲۶. زکریا در کتاب فتن از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: قبل از قیامت فتنه بر پا خواهد شد، پرسیدند: چه فتنه‌ای؟ فرمود: کشته شدن، گفتند: یا رسول الله از زمان فعلی ما بیشتر کشته می‌شوند؟ فرمود: نه اینکه کفار، شما را بکشند بلکه همسایه همسایه و برادر برادر و پسر عمه او را می‌کشد، گفتند: یا رسول الله مگر عقل نداریم؟ فرمود: عقل مردم در آن زمان گرفته می‌شود و (بجای عاقلان) افرادی می‌نشینند که گمان می‌کنند مردمی با شخصیت‌اند.

ابوموسی گفت: قسم بخدا برای من و شما چاره‌ای جز این نیست که همانطور که در دین وارد شدیم از آن خارج گردیم.

## باب چهارم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن در اینکه مردم مانند حیوانات می‌شوند و پنج فتنه به وقوع می‌پیوندد

۴۲۷. عاصم بن ضمره از علی(علیه السلام) روایت کرده که فرمود: خدا در این امت پنج فتنه قرار داده:

۱ ـ فتنه خصوصی ۲ ـ فتنه عمومی ۳ ـ سپس فتنه خصوصی ۴ ـ سپس فتنه عمومی ۵ ـ فتنه تاریک و سیاهی برپا می‌شود که مردم چون حیوانات خواهند شد.

آنگاه اسامه به آن اعتراف کرد و گفت آری همین روایت از طریق دیگری محمد بن حنفیه از حضرت علی(علیه السلام) نقل کرده است.

Scanned by CamScanner

## الباب ۷

فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَا عَنِ النَّبِيِّ (ﷺ)
مِنْ اِفْتِرَاقِ اُمَّتِه ثَلَاثاً وَ سَبْعِيْنَ فِرْقَةَ، مِنْهَا فِرْقَةٌ وَاحِدَةَ نَاجِيَة

**٤٣٠.** قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيى. قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُوسُف، قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيان، وَ حَدَّثَنَا عَلَى بْنِ سَلَمَة اللَبْقِى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو داود الحصرى، قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَان الثَّورِى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَن بْنِ زِيَادِ بْنِ أَنْعُم الاَفْرِيْقِى عَنْ عَبْدِالله بْنِ يَزِيْد عَنْ عَبْدِالله بْنِ عَمْرو، قَالَ رَسُولُ الله (ص): «لَيَأْتِيَنَّ عَلَى أُمَّتِي مَا أَتَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيْل حَذْوَ النَّعْلِ بِالْنَعْلِ حَتَّى لَوْ كَانَ مَنْ اَتَى اُمَّه عَلَانِيَةً لَكَانَ فِي أُمَّتِي مَنْ يَصْنَعُ ذَلِكَ، وَ اِنَّ بَنِي اِسْرَائِيْلَ تَفَرَّقَتْ عَلَى ثِنْتَيْن وَ سِبْعِيْنَ فِرْقَةَ، وَ اَنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرِقَ عَلَى ثَلَاث وَ سَبْعِيْنَ فِرْقَة كُلُّهُمْ فِي النَّار اِلَّا مِلَّةٌ وَاحِدَة) قِيْلَ: مِنْ هُمْ يَا رَسُولَ الله؟ قَالَ: «مَا أَنَا عَلَيْهُ وَ أَصْحَابِى» (كنزالعمال ج ۱۱، ص ۱۱۵ / حديث ۳۰۸۳۷)

**٤٣١.** وَ فِي حَدِيْثِ آخَر: «مَنْ كَانَ عَلَى مِثْلَ مَا أَنَا عَلَيْهِ وَ أَصْحَابِي الْيَوْم».

## الباب ۸

فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِي كِتَابِ الْفِتَنِ مِنْ أَحَادِيْثِ النَّار ذَكَرَ عِدَّةَ
أَحَادِيْثِ فِي الْنِيْرَان الَّتِي تَكُون قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَة

**٤٣٢.** وَ ذَكَرَ حَدِيْثاً آخَرَ بِاسْنَادِهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله (ص):

«يُوشَكُ أَنْ تَخْرُجَ نَارُ مِنْ «حبس سَيَل» (اسم موضع بحرة بنى سليم) تَضِيُء بِهَا اَعْنَاقَ الْاِبل بُبصْرى، وَ تَسِيْر سَيْرَ بُطْءِ الْاِبل، تُقِيْمَ بِالْلَيْلِ وَ تَسِيْرُ بِالْنَهَارِ حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ: غَدَتِ النَّار فَاغْدُوا، وَ رَاحَتِ النَّار فَرَوَحُوا، مَنْ أَدْرَكَتْهُ أَكَلَتْهُ (مسندأحمد بن حنبل ج ٤، ص ٤٦٩، حديث ١٥٢٣١)

## باب پنجم

### بیانی از زکریا در کتاب فتن درباره سخنان پیامبر پیرامون حوادثی که بر امتش خواهد گذشت

۴۲۸. ثوبان غلام پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) از آن حضرت روایت کرده که فرمود: بزودی کلیه امتها به دور شما جمع می‌شوند آنطور که به دور غذا جمع می‌شوند، یکی از شنوندگان پرسید:

آیا بخاطر کمی جمعیت ماست؟ فرمود: نه، جمعیت شما در آن وقت زیاد است ولی همچون خاشاکی هستید که بر سر راه سیلاب گرد آمده‌اید، خداوند ترس را از دل دشمنان شما برداشته و وهن و سستی در دل شما قرار داده است.

راوی پرسید وهن و سستی چیست؟ فرمود: محبت دنیا و ترس از مرگ».

چنین حدیثی باز «انس بن مالک» از پیامبر نقل کرده است.

## باب ششم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن پیرامون نهی از پیروی از اصحاب رأی

۴۲۹. زکریا از عمر بن خطاب روایت کرده که گفت: ایها‌الناس از اصحاب رأی، خود را دور نگه دارید زیرا آنها کسانی‌اند که به رأی خود عمل می‌کنند و تابع سنت نیستند چون آنها دشمنان سنت اند این افراد غافل و جاهلند از اینکه سنت را حفظ کنند و سنت هم از آنها بری و بیزار است تا اینکه اگر راجع بسنت از آنها سؤال کنند: حیا می‌کنند که بگویند: نمی‌دانیم پس از آنها برحذر باشید.

Scanned by CamScanner

## الباب ۷

### فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَا عَنِ النَّبِيِّ (ﷺ) مِنْ اِفْتِرَاقِ اُمَّتِه ثَلَاثاً وَ سَبْعِيْنَ فِرْقَةَ، مِنْهَا فِرْقَةٌ وَاحِدَةَ نَاجِيَة

٤٣٠. قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُوسُف، قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيان، وَ حَدَّثَنَا عَلَى بْنِ سَلَمَة اللَبْقِى، قَالَ: حَدَّثَنَا اَبُو داود الحصرى، قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَان الثَّورِى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زِيَادِ بْنِ أَنْعُمِ الْإِفْرِيْقِى عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ يَزِيْد عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَمْرو، قَالَ رَسُولُ اللهُ (ص): «لَيَأْتِيَنَّ عَلَى أُمَّتِى مَا أَتَى عَلَى بَنِى اِسْرَائِيْل حَذْوَ النَّعْلِ بِالْنَعْلِ حَتَّى لَوْ كَانَ مَنْ اَتَى اُمَّه عَلَانِيَةً لَكَانَ فِى أُمَّتِى مَنْ يَصْنَعُ ذَلِكَ، وَ اِنَّ بَنِى اِسْرَائِيْل تَفَرَّقَتْ عَلَى ثِنْتَيْنِ وَ سِبْعِيْنَ فِرْقَةَ، وَ اَنَّ أُمَّتِى سَتَفْتَرِقَ عَلَى ثَلَاثَ وَ سَبْعِيْنَ فِرْقَه كُلُّهُمْ فِى النَّار اِلَّا مِلَّةٌ وَاحِدَة) قِيْلَ: مِنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللهُ؟ قَالَ: «مَا أَنَا عَلَيْهُ وَ أَصْحَابِى» (كنزالعمال ج ۱۱، ص ۱۱۵ / حديث ۳۰۸۳۷)

٤٣١. وَ فِى حَدِيْثِ آخَرَ: «مَنْ كَانَ عَلَى مِثْلَ مَا أَنَا عَلَيْهِ وَ أَصْحَابِى الْيَوْم».

## الباب ۸

### فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِى كِتَابِ الْفِتَنِ مِنْ أَحَادِيْثِ النَّار ذَكَرَ عِدَّةُ أَحَادِيْثِ فِى الْنِيْرَان الَّتِى تَكُون قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَة

٤٣٢. وَ ذَكَرَ حَدِيْثاً آخَرَ بِاسْنَادِهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله (ص):

«يُوشَكُ أَنْ تَخْرُجَ نَارُ مِنْ «حبس سَيَل» (اسم موضع بحرة بنى سليم) تَضِيُء بِهَا اَعْنَاقَ الْاِبل بُبصْرى، وَ تَسِيْر سَيْرَ بُطْءِ الْاِبل، تُقِيْمَ بِالْلَيْلِ وَ تَسِيْرُ بِالْنَهَارِ حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ: غَدَتِ النَّار فَاغْدُوا، وَ رَاحَتِ النَّارُ فَرَوَحُوُا، مَنْ أَدْرَكَتْهُ أَكَلَتْهُ (مسندأحمد بن حنبل ج ٤، ص ٤٦٩، حديث ١٥٢٣١).

Scanned by CamScanner

## باب هفتم

### بیانی است از زکریا درباره سخنان پیامبر به اینکه امتش ۷۳ فرقه خواهند شد که تنها یک فرقه آن بر حق و پیروزند

۴۳۰. عبدالله بن عمر از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
آنچه برای بنی اسرائیل پیش آمد برای امت من هم پیش خواهد آمد حتی اینکه اگر کسی از آنها بطور علنی زنا کرده باشد از امت من هم این کار را انجام خواهد داد، بنی‌اسرائیل هفتاد و دو فرقه شدند، امت من نیز هفتاد و دو فرقه خواهند شد که غیر از یک فرقه کلیه آن‌ها اهل دوزخ اند پرسیدند:
فرقه پیروزمند کدامند یا رسول الله؟!
فرمود: آن فرقه‌ای که تابع من و اصحاب منند

۴۳۱. در حدیث دیگری است که فرمود: هر کس بر راه من و اصحاب من باشد از آتش جهنم بدور باشد.

## باب هشتم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن پیرامون احادیث آتش که قبل از قیامت ظاهر خواهد شد

۴۳۲. زکریا از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:
بزودی آتشی ظاهر شود که گردن شتران در بصری (نام شهری در شام) دیده می‌شوند و نظیر شتر کندروی که شب مـی‌خوابـد و روز راه مـی‌رود حرکت می‌کند بطوری که مردم می‌گویند: هر وقت آتش راه افتاد شما هم راه بیفتید و هر وقت آتش استراحت کرد شما هم استراحت کنید، هـر کس بچنگال آن بیفتد او رامی خورد و نابود می‌کند

٤٣٣. وَرَوَى حَدِيْثاً عَنْ عُمرَ بْنِ الْخَطَّاب أَنَّهُ سَمِعَ النَّبيّ(ص) يَقُولُ:
«لاتَقُومُ السَّاعَةُ حَتَى يَسِيْلُ وَادٍ مِنْ أَوْدِيَةِ الْحِجَاز بِالْنَار تَضِئُ لَهَا أَعْنَاق الْاِبِلِ بِبُصْرى». (الكامل لابن عدی، ج ۵،ص ۶۳)

٤٣٤. وَرَوَىَ حَدِيْثاً آخَرَ عَنْ حُذَيْفَة، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهُ(ص) يَقُولُ:
«لَا تَقُومُ السَّاعَة حَتَى تَبْعَثُ نَارَ مِنْ رُومَان (موضع فی بلاد العرب) فَتْضِيَء مِنْهَا أَعْنَاقَ الْاِبِلِ بِبُصْرى». (معجم الکبیر للطبرانی، ج ۳،ص ۱۷۳، حدیث ۳۰۳۲)

## الباب ۹

فیما ذکره من الهدّة فی شهر رمضان

٤٣٥. بِاِسْنَادِهِ عَنْ سَعِيْدِ بْنِ الْـمَسَيِّب عَنْ أَبِي هُرَيْرَة عَن النَّبِيّ(ص) قَالَ:
تَكُونُ هُدَّة فِي شَهْرِ رَمَضَانِ، تُوقَظُ النَّائِم، وَ تَفْزَعُ الْيَقْظَان، ثُمَ تَظْهَرُ عِصَابَة فِي شَوّال، ثُمَ تَكُونُ مَعْمَعَة فِي ذِي الْقِعْدَة، ثُمَ يُسْلَبُ الْحَاج فِي ذِي الْحِجَة، ثُمَ تُنْتَهَكُ الْمحَارِم فِي الْمُحَرَّم، ثُمَ يَكُونُ صَوْتُ فِي صَفَر، ثُمَّ تَتَنَازَعُ الْقَبَائِل فِي رَبِيْع، ثُمَ الْعَجَبْ كُلَّ الْعَجَبَ بَيْنَ جَمَادِي وَ رَجَبْ، ثُمَ نَاقَةُ مُقَتَّبَة خَيْرُ مِنْ دَسْكَرَةٍ تَغِلّ مَائِةَ أَلْفْ» (کنز العمال، ج ۱۴: ص ۳۷۹ حدیث ۳۸۷۲۴)

٤٣٦. وَرُوِى بِاِسْنَادِ آخَرَ اِلى حَمَّادِ بْنِ سَلَمَة عَنْ أَبِي الْحِكَمْ، قَالَ:
تَكُونُ هُدَّة فِي رمضان، و فِي شوّالَ تَحَارَبَ الْقَبَائِلَ، وَ فِي ذِي الْحَجَّةِ يُسْلَبُ الْحَاج، وَ فِي الْمُحَرَّم وَ مَا الْمُحَرَّمِ - حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتَ - يُقْتَلُ كُلَّ جَبَّارِ عَنِيْدَ عِنْدَ مُجْتَمعَ الْاَنْهَار، وَ الْعَجَب كُلُّ الْعَجَب بَيْنَ جِمَادى وَ رَجَبْ.

Scanned by CamScanner

**۴۳۳.** و نیز از عمر بن خطاب روایت کرده که از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) شنید که می‌فرمود: قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه آتش از یکی از وادی‌های حجاز حرکت کند و گردن شتر در بصری بوسیله آن نورانی شود.

**۴۳۴.** حذیفه از حضرت محمد بن عبدالله روایت کرده که فرمود:
قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه آتشی از رومان روشن شود و بوسیله آن گردن شتران بُصری نورانی شود.

## باب نهم

### بیانی است در اینکه صدای مهیبی در رمضان واقع خواهد شد

**۴۳۵.** ابوهریره از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: در ماه رمضان سر و صدایی بر پا می‌شود که خفتگان را بیدار می‌کند و بیداران را می‌ترساند و ناراحت می‌کند پس از آن در ماه شوال گروهی ظاهر می‌شوند و در ذی‌قعده جنگ و جدالی بوجود می‌آید، در ذیحجه حجاج غارت می‌شوند در ماه محرم هتک حرمتهایی صورت خواهد گرفت در ماه صفر نیز سر و صدایی خواهد شد، در ماه ربیع قبیله‌ها به جنگ می‌پردازند.
بعد از آن شتری که روده بار آن کنند بهتر است از شهری که صد هزار نفر در آن جای گزین شوند (کنایه از آن است که انسان خانواده خود را سوار بر شتری سازد و فرار کند).

**۴۳۶.** در روایت دیگر از ابوالحکم روایت کرده که گفت: در ماه رمضانی فتنه و انقلابی برپا می‌شود. در شوال قبیله‌های بجنگ مشغول خواهند شد، در ذی الحجه حجاج را غارت می‌کنند، در محرم چه محرمی؟! این سخن را سه مرتبه تکرار فرمود: و گفت: کلیه افراد ستمکار کشته خواهند شد.

Scanned by CamScanner

٤٣٧. وَرُوِیَ فِی حَدِیْثٍ آخَرَ عَنْ أَنَس بْنِ مَالِك، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ(ص):
«رَمَضَانُ قَلْبُ السَّنَة، فَإِذَا سَلُمَ رَمَضَان سَلَمَتِ السَّنَة كُلُّهَا».

٤٣٨. وَرُوِی بِإِسْنَادِهِ عَنْ كَثِیر بْنِ مُرَّةِ الْحَضْرَمِی، قَالَ:
آیَةُ الْحَدَث فِی رَمَضَان، قِیْلَ: وَ مَا آیَةِ الْحدث؟ قَالَ: عَمُودُ مِنْ نَـارٍ تَطْلُعُ مِنْ قِبَل الْـمَشْرِق فِی السَّمَاءِ، فَإِذَا رَأَیْتَها فَاعِدّ لاهْلِكَ طَعَامَ سَنَةٍ.

(كتاب الفتن لابن حماد، ج ١ ص ٢٢٧ - حدیث ٦٢٨)

## الباب ١٠

## فِیمَا ذَكَرَهَ زَكَرِیّا مِنْ اِنْتِفَاخِ الْاَهِلَّة عِنْدَ اِقْتِرَابِ السَّاعَة

٤٣٩. رُوِی بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِاللهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهُ(ص):
«مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ انْتِفَاخُ الْاَهِلَّة»

(كنزالعمال: ج ١٤: ص ٢٢٠، حدث ٣٨٤٦٩)

٤٤٠. وَ فِی حَدْیثٍ اَخَرَ، قَالَ: قَالَ النَّبِی(ص):
«اِنَّ مِنْ اِقْتَرَابِ السَّاعَةِ أَنْ یُرَى الْهِلَال لَیْلَته، فَیُقَال: لِلَیْلَتَیْن ،وَ أَنْ یَمُرَّ الرَّجُل الْـمَسْجدَ فَلَا یُصَلِّی فِیْه رَكْعَتَیْن»

(كنزالعمال، ج ٩، ص ١٢٩، حدیث ٢٥٣٣٥)

Scanned by CamScanner

**۴۳۷.** و در روایت دیگر از انس بن مالک از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:

رمضان قلب سال است؛ موقعیکه رمضان سالم و بی سر و صدا باشد همه سال در آرامش خواهد بود.

**۴۳۸.** کثیر بن مره حضر می‌گوید:

برای حادثه ماه رمضان علامتی خواهد بود گفتند: آن علامت کدامست؟ گفت: عمود آتشیکه از طرف مشرق در آسمان دیده می‌شود، موقعیکه آن عمود آتش را دیدید غذای یک سال را برای خانواده خود فراهم و ذخیره نمائید.

## باب دهم

### بیانی است از زکریا به بالا آمدن هلال وقت اقتراب ساعة

**۴۳۹.** عبدالله از رسول خدا(ﷺ) روایت کرده که فرمود:

از علائم قیامت بلند شدن ماهها است (یعنی ماه شب اول مثل ماه شب دوم است)

**۴۴۰.** در روایت دیگر است که آن حضرت فرمود:

از علائم قیامت این است که ماه یکشنبه نظیر ماه دوشنبه است و فرقی ندارند و شخص در مسجد عبور می‌کند ولی دو رکعت نماز در آن نمی‌خواند. *(شاید مراد نماز تحیت باشد که مثل نماز صبح دو رکعت است.)*

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۱

فِيمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا مِنْ هَدْمِ الْكَعْبَةِ وَ مَنْعِ الْحَجِّ

٤٤١. وَرُوِى بإسْنَادِهِ عَنْ سُوَيْد، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيّاً يَقُولُ: «حِجُّوا قَبْلَ أَنْ لَا تَحِجُّوا، فَكَأَنِّى أَنْظُرُ إِلَى حَبَشِى أَصْمَعْ أَقْرَع بِيَدِهِ مِعْوَلٌ يَهْدِمُهَا حَجَراً حَجَراً» قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: شَيْئاً بِرَأْيِكَ تَقُولُ، أَوْ شَيْئاً سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللهِ(ص)؟ قَالَ: لَا وَ الَّذِى فَلِقَ الْحَبَّة وَبَرأَ النَّسَمَة، وَلِكَنْ سَمِعْتُهُ مِنْ نَبِيِّكم(ص)» (كنزالعمال، ج ٥، ص ٩، حديث ١١٨١٩)

## الباب ۱۲

فِيمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِى كِتَابِ الْفِتَنِ

فِى فَتْح قُسْطَنْطَنِيّة عَلَى يَدِ رَجُلِ مِنْ أَهْلِ الْبَيْت عَلَيْهِمُ السَّلَامَ

٤٤٢. بِإسْنَادِهِ عَنْ النَّبِى(ص) قَالَ:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إلَّا يَوْمُ لَطَوَّلَهُ اللهُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِى يَمْلِكُ الْقُسْطَنْطَنيةِ» (كنزالعمال، ج ١٤، ص ٢٦٦، حديث ٣٨٦٧٤).

٤٤٣. وَرَوَاهُ بِإسْنَادِ آخَرَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهُ(ص):

«لَا تَذْهَبِ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِى، يُوَاطِىءُ إِسْمُهُ إِسْمِى وَ إِسْمُ أَبِيْهِ إِسْمُ أَبِى، يَفْتَح الْقُسْطَنْطَنِّية وَ جَبَلُ الدَّيْلَمْ»

(مستدرک حاکم، ج ٤، ص ٤٤٢).

Scanned by CamScanner

## باب یازدهم

### بیانی از زکریا در کتاب فتن از ویران کردن کعبه و جلوگیری از مراسم حج

**٤٤١.** سوید از حضرت علی بن ابیطالب(علیه السلام) روایت کرده که فرمود:
حج بجا آورید قبل از آنکه موفق به انجام آن نشوید.
گویا یک حبشی را می‌بینم که گوشهای کوچک و سری بی مو دارد و با کلنگ سنگ‌های کعبه را می‌کَنَد.
سوید می‌گوید: به آنحضرت گفتم: این رأی خود شماست یا از رسول الله شنیدی؟
فرمود: سوگند بآن خدائیکه دانه را می‌شکافد و جنبندگان را می‌آفریند که من از خود نمی‌گویم بلکه از پیامبر شنیدم.

## باب دوازدهم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن در بیان فتح قسطنطنیه بر دست مردی از اهل بیت

**٤٤٢.** زکریا از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود:
اگر از دنیا بیشتر از یک روز باقی نماند خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از اهل بیت من مالک قسطنطنیه شود.

**٤٤٣.** در روایت دیگر از آن حضرت روایت کرده که فرمود:
دنیا تمام نمی‌شود تا اینکه مردی از اهل بیت من که نامش نام من و نام پدرش نام پدر من است قسطنطنیه و کوه دیلم را فتح می‌کند.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۳

فِیمَا ذکره زَکَرِیَّا فِی کِتَابِ الْفِتَنِ
مِنْ اَتْبَاعِ اُمَّه النَّبِی (ﷺ) لِبَنِی اِسْرَائِیلْ فِی الْضَلَالِ

٤٤٤ بِاِسْنَادِهِ عَنْ کَثِیْرِ بْنِ عَبْدِاللهَ عَنْ أَبِیْه عَنْ جَدِّهِ، قَالَ: کُنَّا قُعُوداً حَـوْلَ رَسُـولِ اللهِ(ص) فِی مَسْجِدِهِ بِالْـمَدِینَة، فَقَالَ:

«لِتَسْلُکَنَّ سُنَنَ مَنْ کَانَ قَبْلَکُم حَذْوَ النَّعْلِ بِـالْنَعْل، وَ لَـتَأْخُذَنَّ بِمِـثْلِ أَخْذِهِمْ، أَنْ شِبْراً فَشِبْر، وَ اِنْ ذِرَاعَاً فَذَراع، وَ اِنْ بَاعَاً (مصافة بین الکفین اذا بسطهما) فَبَاعَ حَتَی لَوْ دَخَلُو جُحْر ضَبّ دَخَلْتُمْ فِیهِ

(مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۱۲۹)

## الباب ۱۴

فِیمَا ذَکَرَهُ زَکَرِیَّا فِی کِتَابِ الْفِتَنِ مِنَ الرَّایَاتِ السُّود وَ الَّذِی یَمْلَأُ الْاَرْضَ عَدْلاً کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً مِنْ اَهْلِ بَیْتِهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلَام

٤٤٥. بِاِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِاللهِ، قَالَ:

بَیْنَا نَحْنُ جُلُوسُ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ(ص)، اِذْ مَرَّ فِتیَةُ مِنْ قُـرَیْش فَـتَغَّیرَ لَوْنُهُ، فَقُلْنَا: یَا رَسُولَ اللهَ اِنَّا لَا نَزَالَ نَرَی فِی وَجْهِكَ شَیْئاً نَکْرَهُهُ، قَـالَ: «اِنَّا اَهْلُ بَیْت اِخْتَارَ اللهُ لَنَا اْلاٰخِرة عَلَی الدُّنْیا، وَ اَنَّ أَهْـلَ بَـیْتِی هَـؤُلَاء سَیُصِیْبَهُمُ بَعْدِی بَلَاءُ وَ تَطْرَیْدُ وَ تَشْرِیْد یَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا یُـعْطُونَهُ، وَ یَسْأَلُونَ فَلَا یُعْطُون، فَیُقَاتِلُونَ وَ یَصْبِرُونَ، فَیُعْطُونَ مَا سَأَلُوا، فَلَا یَقْبِلُونَهُ حَتَی یَدْفُعوهَا اِلَی رَجُل مِنْ أَهْلِ بَیْتِی یَمْلَأَهَا قِسطاً وَ عَدْلاً کَمَا مُلِئَتُ ظُلْماً وَ جَوْراً، فَمَن أَدَرکَهَم فَلْیَأْتِهِمْ وَ لَوْ حَبْواً عَلَی الثَّلْج».

(کنزل العمال، ج ١٤، ص ٢٦٧ – ٢٦٨، حدیث ٣٨٦٧٧)

Scanned by CamScanner

## باب سیزدهم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن پیرامون پیروی امت پیامبر اسلام از بنی اسرائیل و گمراهی ایشان

**٤٤٤.** کثر بن عبدالله از جد خود نقل می‌کند که گفت:

در مسجد مدینه در حضور رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته بودیم، آن بزرگوار فرمود: شما بدون کم و زیاد در مسلک امم سابقه خواهید رفت حتی اگر آنها در سوراخ سوسمار داخل شده باشند شما هم داخل خواهید شد.

## باب چهاردهم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن پیرامون پرچمهای سیاه و آمدن شخصی از اهل بیت پیامبر که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد همانطور که پر از ظلم و ستم شده است

**٤٤٥.** عبدالله می‌گوید:

ما نزد رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته بودیم که چند نفر جوان از آنجا عبور کردند و رنگ آنحضرت تغییر کرد گفتم: یا رسول الله ما ناراحتیم از اینکه همیشه شما را نگران و گرفته می‌بینیم؟ فرمود: ما اهل بیتی هستیم که خدا آخرت را برای ما انتخاب کرده و اهل بیت من بعد از من دچار بلا و مصیبت خواهند شد تا اینکه قومی از طرف مشرق با بیرقهای سیاهی خروج کنند و حق را مطالبه نمایند و به آنها ندهند دوباره مطالبه می‌کنند و حق را نخواهند داد پس جنگ خواهند کرد تا اینکه حق را به آنها بدهند ولی آنها قبول نمی‌کنند بلکه حق را به مردی از اهل بیت من می‌دهند که زمین را پر از عدل و داد کند آن طور که پر از ظلم و ستم شده باشد،

کسی که آن‌ها را درک کند لازم است که خود را به آنها برساند اگر چه با سینه از روی برف بگذرد.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۵

فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِي كِتَابِ الْفِتَن
عَنِ النَّبِي (ﷺ) مِنْ طُلُوعِ الْجَوْرِ بَعْدَه

٤٤٦. وَ ذَكَرَ بِاسْنَادِهِ عَنْ مَعْقَلِ بْنِ يَسَار، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ (ص):

«لَا يَمْكُثُ الْجَوْرِ بَعْدِي اِلَّا قَلِيْلاً حَتَى يَظْهَرَ، فَكُلَّمَا ظَهَرَ مِنْ الْجَوْرِ شَيْءُ ذَهَبَ مِنَ الْعَدْلِ مِثْلُهُ حَتَى يَلِدَ الرَّجُلَ فِي الْجَوْر فَلَا يَعْرِفُ غَيْرَه» قِيْلَ: يَا رَسُولَ اللهَ فَمَنْ أَهْلُ الْعَدْل؟

قَالَ: «نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْت» قِيْلَ: فَمَنْ أَهْلُ الْجَوْر؟ قَالَ. «هُمْ اِخْوَتُنا مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ الْذِيْنَ بَسَطَتْ لَهُمُ الدُّنْيَا» (مسند احمد حنبل، ج ٥، ص ٦٦٢، حديث ١٩٧١٩٧)

٤٤٧. وَرَوَى حَدِيْثاً آخَرَ بِاسْنَادِ آخَرَ عَنْ مَعْقَلَ بْنِ يَسَار، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ (ص):

«يَطْلَعُ قَرْنُ الْجَوْرِ بَعْدِي قَرِيْباً، فَلَا يَطْلَعُ مِنْ قَرْنِ الْجَوْر شَيْءُ اِلاّ مَاتَ مِنَ الْعَدْل مِثْلَه،

ثُمَ لَا يَطَّلِعُ مِنْ قَرْنِ الْجَوْر شَيْء اِلاّ مَاتَ مِنَ الْعَدْل مِثْلَهُ، ثُمَ لَا يَطْلَعُ مِنْ قَرْنِ الْجَوْر شَيْ اِلاّ مَاتَ مِنَ الْعَدْل حَتَى يُولَدَوا لَا يَعْرِفُونَ اِلاّ الْجَوْر، وَ لَا يَعْمَلُونَ اِلَا بِهِ،

ثُمَّ اِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالِي يَعْطِفُ عَلَى خَلْقِهِ، فَيَأْمُرُ قَرْنَ الْعَدْلِ أَنْ يَطَلَعَ رَأْسُه. فَلَا يَطْلَعُ مِنْ قَرْنِ الْعَدْلِ شَيْ اِلَّا مَاتَ مِنَ الْجَوْرِ مِثْلَهُ، ثُمَ لَا يَطْلَعُ مِنْ قَرْنِ الْعَدْلِ شَيْ اِلَّا مَاتَ مِنَ الْجَوْر مِثْلَه حَتَى يُولَدُ قَوْمَ لَا يَعْرِفُونَ اِلَّا الْعَدْل وَ لَا يَعْمَلُونَ اِلَّا بِهِ».

Scanned by CamScanner

# باب پانزدهم

## بیانی است از زکریا در کتاب فتن پیرامون کلام رسول خدا که فرمود: پس از او ظلم و ستم بر مردم سایه خواهد افکند

**٤٤٦.** «معقل بن یسار» از حضرت محمد بن عبدالله (ص) روایت کرده که فرمود:

پس از من مقدار کمی ظلم و ستم نخواهد بود. سپس ستم آشکار خواهد شد آنگاه بآن مقداریکه ستم ظاهر می‌شود عدل از بین می‌رود تا اینکه عنصر مرد، با ستم آمیخته می‌شود و غیر از ستم چیزی را نخواهد شناخت.

پرسیدند یا رسول الله پس اهل عدل چه کسانی خواهند بود؟

فرمود: ما اهل بیت، گفتند: پس اهل ستم کیانند؟

فرمود: بنی امیه که دنیا بکام آنها خواهد شد.

**٤٤٧.** و نیز «معقل بن یسار» از آنحضرت روایت کرده که فرمود: بعد از من بزودی زمان ستم فرا خواهد رسید. و به همان مقداری که ستم ظاهر می‌شود عدل از بین می‌رود و وضع بگونه‌ای خواهد شد که مردمی که در آن زمان متولد می‌شوند غیر از ظلم و ستم چیزی را نشناخته و بغیر آن عمل نخواهند کرد.

پس از آن خدای مهربان بمردم لطف می‌کند و به عدل دستور می‌دهد که خود را ظاهر سازد و به همان مقدار که عدل خود را آشکار می‌سازد ستم از بین می‌رود سپس عدل زنده نمی‌شود مگر اینکه از ستم نظیر آن بمیرد. بطوریکه مردم آن زمان غیر از عدل چیزی را نشناخته و بغیر از آن عمل نخواهند کرد.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۶

### فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيا مِنْ غَلَبَةِ الْأَعَاجِمِ عَلَى الْعَرَبِ

٤٤٨. وَ ذَكَر بِاسْنَادِهِ عَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدَب: أَنَّ رَسُولَ اللهِ(ص)، قَالَ:

«يُوشَكُ أَنْ يَمْلَأَ اللهُ أَيْدِيْكُمْ مِنَ الْأَعَاجِمِ ثُمَّ يَجْعَلَهُم أَسَداً لَا يَفِرُّونَ، فَيَقْتِلُونَ مَقَاتِلَتِكُمْ وَ يَأْكُلُونَ فَيْئَكُم» (مسند أحمد، ج ۵، ص ۶۳۸، حديث ۱۹۶۵).

٤٤٩. وَ رَوَاهُ بِاسْنَادِ آخَرَ عَنْ حُذَيْفَةِ بْنِ الْيَمَان، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ(ص):

«يُوشَكُ الله أَنْ يَمْلَأَ أَيْدِيْكَمْ مِنَ الْعَجَمْ وَ يَجْعَلَهُم أَسَداً لَا يَفِرُّونَ فَيَضْرِبُونُ رِقَابَكُم وَ يَأْكُلُونَ فَيْئَكَمْ»(كنزالعمال، ج ۱۱، ص ۱۸۸، حديث ۳۱۱۶۵).

## الباب ۱۷

### فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِي كِتَابِ الْفِتَنِ

### مِنْ ذَمِّ بَنِي أُمَيَّة، وَ أَنَّهُمْ يُغَيِّرُونَ سُنَّةَ النَّبِيﷺ.

٤٥٠. رُوِيَ بِاسْنَادِهِ عَنْ أَبِي ذَرْ، قَالَ سَمِعْتَ النَّبِي(ص) يَقُولُ:

«اَنَّ اَوَّلَ مَنْ يُبَدِّلَ سُنَّتِي رَجُلُ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ»

(كنزالعمال، ج ۱۴، ص ۱۹۸، حديث ۳۸۳۶۸)

٤٥١. وَرَوَى حَدِيْثاً آخَرَ عَنْ عَبْدِاللهِ، اَنَّ لِكُلِّ دِيْنِ آفَةً، وَ آفَةُ هَذَا الدِيْن بَنُو أُمَيَّة.

وَرَوَى فِي ذَمِّهِمْ أَحَادِيْث جَمَاعَة يُغْنِيَ عَنْهَا ثُبُوتَها مَا وَقَعَ مِنْهُمْ، وَ ذَمُّ الْقُرآنِ الشَّرِيْف لَهُم فِي قَوْلِهْ تَعَالَى: «وَ الشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَة فِي الْقُرآن»(اسراء، ۶۰)

## باب شانزدهم

### بیانی است از زکریا در اینکه عجمها بر عربها پیروز خواهند شد

**٤٤٨.** «سمرة بن جندب» نقل می‌کند که رسول خدا فرمود:
بزودی خداوند دست عجمها را بر شما چیره خواهد کرد. و آنها را همچون شیری قرار خواهد داد که فرار نمی‌کنند سپس به کشتار شما اقدام می‌کنند و ثروتهای شما را می‌خورند.

**٤٤٩.** «حذیفة یمان» از رسول خدا نقل می‌کند که حضرت فرمود: بزودی خداوند قرارگاه را پر از عجم خواهد کرد و آنها را همچون شیر قرار خواهد داد که فرار نمی‌کنند، آنها گردنهای شما را می‌زنند و اموال و ثروتهای شما را می‌خورند.

## باب هفدهم

### بیانی است اززکریا در کتاب فتن پیرامون مذمت بنی امیه در اینکه سنت پیامبر اسلام را تغییر خواهند داد

**٤٥٠.** ابوذر از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود: اول کسی که سنت مرا تغییر خواهد داد مردی است از بنی امیه.

**٤٥١.** در روایت دیگر از عبدالله روایت کرده که: هر دینی آفتی دارد و آفت این دین، بنی امیه‌اند غیر از روایاتی که در مذمت بنی امیه وارد شده قرآن هم از آن دودمان به زشتی و ناپاکی یاد می‌کند و آنها را نفرین و لعن می‌نماید.

Scanned by CamScanner

## الباب ۱۸

### فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِى كِتَابِ الْفِتَنِ
### مِنْ خُرُوجِ الْـمَهْدِى وَ مَا بَشَّرَ رَسُولُ الله (ﷺ)، بِهِ

**٤٥٢.** قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَيْدِ بْنِ اَسْبَاطِ بْن مُحَمَّد الْقُرشِى بِالْكُوفَة، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِى، قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانَ الثَّورِى عَنْ عَاصِمٍ عَنْ زِرّ عَنْ عَبْدالله، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله:

**«لَا تَذْهَبِ الدُّنْيَا حَتَى يَمْلِكَ الْعَرَب رَجُلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِى يُوَاطِئُ اِسْمُهُ اِسْمِى»** (كنزالعمال، ج ١٤، ص ٢٦٣، حديث ٣٨٦٥٥)

**٤٥٣.** وَرَوَاهَ مِنْ طَرِيْق آخرَ عَنْ النَّبِى (ﷺ):

**أَنَهُ قَالَ: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا اِلَّا يَوْمُ لَطَّولَ اللهُ ذَلِكَ الْيَوْم حَتَى يَبْعَثَ فِيْهِ رَجُلاً مِنِى» أَوْ قَالَ: «مِنْ اَهْلِ بَيْتِى، يُوَاطِئُ اِسْمُهُ اِسْمِى، وَاسْمُ أَبِيْهِ اِسْمُ أَبِى»).** (كنزالعمال، ج ١٤، ص ٢٦٧، حديث ٣٨٦٧٦)

**٤٥٤.** وَرَوَاهُ مِنْ طَرِيْقِ آخرَ عَنِ النَّبِى (ﷺ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُالله (ﷺ):

**«لَا تَذْهَبِ الدُّنْيَا حَتَى يَمْلِكَ رُجُلُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِى يُوَافِقُ اِسْمُهُ اِسْمِى.»**

(الكامل - لابن عدى، ج ٧، ص ١٦٨، حديث ٢٠٧٤)

## الباب ۱۹

### فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا مِنْ أَنَّ الْـمَهْدِى
### وَ أَئِمَّةَ الْهُدَى مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النُّبوَّة وَ بِهِم يُخْتَم

**٤٥٥.** قَالَ زَكَرِيَّا فِى كِتَابِ الْفِتَنِ: حَدَّثَنَا مُحَمَّد بْنَ يَحْيَى، قَالَ حَدَّثَنَا نَعِيْمُ بْنُ حَمَّاد، قَالَ: حَدَّثَنَا الْوَلِيْدُ عَنْ عِلِى بْنِ حُوشَب سَمِعَ مَكْحُولاً يُحَدِّثُ عَنْ عَلَيّ بْنِ أَبِى طَالِب: قَالَ:

**قُلْتُ يَا رَسُولَ اللهَ مِنَّا أَئِمَةُ الْهُدَى اَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟ قَالَ: بَلْ مِنَّا، بِنَا يُخْتَمُ**

Scanned by CamScanner

## باب هجدهم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن پیرامون بشارت پیامبر به آمدن حضرت مهدی (عج)

**۴۵۲.** ابوذر از عبدالله از رسول خدا روایت کرده که فرمود:

دنیا تمام نخواهد شد تا اینکه مردی از اهل بیت من که نامش نام من است مالک زمین شود.

**۴۵۳.** در روایت دیگر است که آن حضرت فرمود:

اگر از دنیا بیشتر از یک روز باقی نمانده باشد خدا آن روز را طولانی می‌کند تا اینکه مردی از من یا از اهل بیت من که نام او نام من و نام پدرش نام پدر من است برانگیخته شود

**۴۵۴.** باز راوی روایت کرده که آن بزرگوار فرمود:

دنیا بپایان نمی‌رسد تا اینکه مردی از اهل بیت من که هم نام من است حکومت نماید.

## باب نوزدهم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن در اینکه حضرت مهدی (عج) و ائمه هدی از اهل بیت پیامبرند

**۴۵۵.** «علی بن حُوشب» از علی بن ابیطالب(علیه السلام) روایت کرده که گفت: به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کردم: ائمه هدی از ما یا غیر از ما خواهند بود؟

فرمود: بلکه از ما خواهند بود، دین بما ختم می‌شود همان طور که با ما شروع شد.

Scanned by CamScanner

الْدِيْن كَمَا بِنَا فُتِحَ وَ بِنَا يَسْتَنْقِذُونَ مِنْ ضَلَالَهِ الْفِتَنِ كَمَا اسْتَنْقِذُوا مِنْ ضَلَالَه الْشِرْكِ، وَ بِنَا يُؤَلِّفُ اللهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ فِي الْدِيْن بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَة كَمَا أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِم وَ دِيْنِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةَ الْشِرْك»

(كنزالعمال، ج ١٤، ص ٥٩٨، حديث ٣٩٦٨٢)

**٤٥٦.** وَرَوَى زَكَرِيَّا حَدِيْثاً آخَرَ، فَقَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّد بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُالرَّزَّاق، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَان، قَالَ: حَدَّثَنِي الْـمُعَلَى بْنَ زِيَاد، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَلَاءُ بْنُ بَشِيْر عَنْ أَبِي الْصِدِّيْقِ النَّاجِي عَنْ أَبِي سَعِيْد الْخُدْرِي، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ(ﷺ):

«أُبَشِّرَكُمْ بِالْـمَهْدِي يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافِ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِلَ»

(مسند احمد بن حنبل، ج ٣، ص ٤٥١، حديث ١١٠٩٢)

## الباب ٢٠

### فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِي كِتَابِ الْفِتَنِ فِي أَنَّ الْـمَهْدِي مِنْ أَهْلِ الْبَيْت عَلَيْهِمُ السَّلَام

**٤٥٧.** قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيْمِ الْحَنْظَلِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُد الْحَفْرِي وَ أَبُو نَعِيْمْ الْـمَلَائِي: أَنَّ يَاسِيْنُ الْعِجْلِي حَدَّثَهُم، وَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو نَـعِيْم، قَـالَ: حَدَّثَنَا يَاسِيْنُ الْعِجْلِي عَنْ إِبْرَاهِيْم بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةَ عَنْ أَبِيْهِ عَلَى ابْنِ أَبِي طَالِبْ، قَالَ:

«أَلْـمَهْـدِي مِـنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يُصْلِحُهُ اللهُ فِي لَيْلَة».

(حلية الاولياء ج ٣ ص ١٧٧)

Scanned by CamScanner

مردم، بوسیله ما از گمراهی فتنه‌ها نجات می‌یابند همان طور که از گمراهی شرک نجات یافتند،

بواسطه ما است که خدا الفت و مهربانی در دین را بعد از دشمنی بمردم عنایت فرمود

**٤٥٦.** ابوسعید خدری از پیامبر اسلام روایت کرده که فرمود:

شما را بشارت می‌دهم که مهدی(علیه السلام) در موقع اختلاف و انقلاب امت من ظهور خواهد کرد.

## باب بیستم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن در اینکه مهدی (عج) از اهل بیت پیامبر است

**٤٥٧.** محمد بن حنفیه از پدر بزرگوارش حضرت علی(علیه السلام) روایت کرده که فرمود:

مهدی عجل الله تعالی فرجه از ما اهل بیت است، خدا (کار) او را در یک شب اصلاح خواهد کرد.

Scanned by CamScanner

**٤٥٨.** قَالَ زَكَرِيَّا فِي كِتَابِ الفِتَنْ: وَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْقُدُّوسُ الْعَطَّار، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنِ عاَصِمْ، قَالَ: حَدَّثَنَا عِمْرَانُ الْقَطَّانْ، قَالَ: حَدَّثَنَا قُتَادَةَ عَنْ أَبِي نَضْرَة عَنْ أَبِي سَعِيْد، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهُ(ص):

«اَلْمَهْدِي مِنَّا أَهْلَ الْبَيْت» (كتاب الفتن لابن حماد، ج ۱، ص ۳۷٦، حديث ۱۱۱۸)

**٤٥٩.** وَ قَالَ زَكَرِيَّا أَيْضاً فِي كِتَابِ الْفِتَنِ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى: قَالَ: حَدَّثَنَا نَعِيْمُ ابْنُ حِمَّاد، قَالَ: حَدَّثَنَا وَهَب عَنِ ابْنِ لَهِيْعَة عَنِ الْحَارِثِ بْنِ يَزِيْدِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ زُرَيْرِ الْغَافِقِي سَمِعَ عَلِيّاً يَقُولُ: هُوَ رَجُلُ مِنْ عِتْرَةِ النَّبِي(ص) (كتاب الفتن لابن حماد، ج ۱، ص ۳۷۳، حديث ١١٠٤)

**٤٦٠.** وَ ذَكَرَ زَكَرِيَّا فِي كِتَابِ الْفِتَنِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو زَائِدَه زَكَرِيَّا بْنُ يَحْيَى بْنُ أَبِي زَائِدَةِ الْكُوفِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَوْنُ بْنِ عِمَارَة عَنْ سُلَيْمَانِ التَيْمِي عَنْ سَعِيْد بْنِ الْمُسَيِّبُ عَنْ ابْنِ عَبَّاس، قَالَ: الْمَهْدِي مِنْ قُرَيْش، قَالُوا: مِنْ أَيِّ قُرَيْش؟

قَالَ: مِنْ بَنِي هَاشِم مِنْ وُلْدِ فَاطِمَة

(كتاب الفتن لابن حماد،ص ۳٦۸، حديث ١٠٨٢)

## الباب ۲۱

### فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِي كِتَابِ الْفِتَنِ مِنْ صِفَةِ الْمَهْدِي

**٤٦١.** قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْقُدُّوس بْنِ مُحَمَّد، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْن غَاصِم، قَالَ: حَدَّثَنَا عِمْرَانُ الْقَطَّان، قَالَ: حَدَّثَنَا قُتَادَة عَن أَبِي نَضْرَة عَنْ أَبِي سَعِيْد الْخُدْرِي، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهُ(صلى الله عليه وآله وسلم): «اَلْمَهْدِي رَجُلُ اَشَّمُ الاَنْف أَقْنَى أَجْلَى»

(سنن أبي داود، ج ٤، ص ١٠٧، حديث ٢٤٨٥)

٤٥٨. ابوسعید خدری از رسول خدا(ص) روایت کرده که حضرت فرمود:

«مهدی از ما اهل بیت است».

٤٥٩. عبدالله بن زریر غافقی گوید: از علی بن ابیطالب(ع) شنیدم که فرمود: مهدی از عترت پیامبر است.

٤٦٠. «سعید بن مسیب» گوید: ابن عباس گفت: مهدی(ع) از قریش است گفتند: از کدام قریش؟

گفت از بنی هاشم از فرزندان فاطمه(س)

## باب بیست و یکم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن پیرامون صفت حضرت مهدی(عج)

٤٦١. ابوسعید خدری می‌گوید: رسول الله(ص) فرمود:

مهدی (عج) مردی است که بینی کشیده و بلندی دارد، بسیار خوش صورت است و موی دو طرف پیشانی او ریخته است.

Scanned by CamScanner

## الباب ۲۲

### فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِي كِتَابِ الْفِتَنِ مِمَّا يَكُونُ مَكْتُوباً فِي رَأْيَةِ الْـمَهْدِي

**٤٦٢.** قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّد بْنُ الْحَسَنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُوهَاشِمِ الرِفَاعِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ عَنْ سُفْيَانِ عَنْ أَبِي اِسْحَاقِ عَنْ نُوف، قَالَ:

**مَكْتُوبُ فِي رَأْيَة الْـمَهْدِي: الْبَيْعَةُ لله**

(كتاب الفتن لابن حماد، ج ١، ص ٣٥٦، حديث ١٠٢٦)

## الباب ۲۳

### فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِي كِتَابِ الْفِتَنِ أَيْضاً: أَنَّ النَّبِي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله، قَالَ: «بِنَا يُفْتَحُ وَ بِنَا يُخْتَمُ، وَ أَنَّهُ يَكُونُ مِنْهُ مَنْ يَمْلَأُ الْاَرْضَ عَدْلا» وَ ذَكَرَ صِفَتَهُ

**٤٦٣.** حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ السَّرِي، قَالَ: حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنَ خَالِدِ الْاَزْرَقَ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْوَلِيْد عَنِ ابْنِ لَهِيْعَة، قَالَ: أَخْبَرَنِي اِسْرَائِيْل بْنِ عِبَاد عَنْ مَيْمُون عَنْ أَبِي الْـطُفَيْل اَنَّ رَسُولَ اللهَ (صلى الله عليه وآله) قَالَ:

**«بِنَا فُتحَ الْاَمْرَ وَ بِنَا يُخْتَم، وَ بِنَا اسْتَنْقَذَ اللهُ النَّاسَ فِي أَوَلِ الزَّمَان، وَ بِنَا يَكُونَ الْعَدْلَ فِي آخِرِ الزَّمَان، وَ بِنَأَ تُمْلَأُ الْاَرْضُ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ جُوْراً، تُرَدُّ الْـمَظَالِمُ اِلَى اَهْلِهَا بِرَجُلِ اِسْمُهُ اِسْمِي وَ اسْمِ أَبِيهِ اِسْمُ أَبِي» وَ وَصَفَ صِفَتَهُ، وَ ذَكَرَ ثِقْلاً فِي لِسَانِهِ وَ ضَرَبَ فَخِذَهُ الْيَسْرَى بِيَدِهِ الْيُمْنَى اِذَا اَبْطَأَ عَلَيْهِ الْكَلَام.**

Scanned by CamScanner

## باب بیست و دوم

**بیانی است از زکریا در کتاب فتن پیرامون چیزی که بر پرچم حضرت مهدی نوشته شده است**

**٤٦٢.** نوف می‌گوید:

بر بیرق مهدی (عج) نوشته شده است بیعت فقط برای خدا است.

## باب بیست و سوم

**بیانی است از زکریا در کتاب فتن باینکه پیامبر فرمود: اسلام با ما آغاز شد و با ما پایان می‌پذیرد و این که از ما است کسی که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، آنگاه صفت او را برشمرد**

**٤٦٣.** ابوطفیل از حضرت محمد بن عبداللّه(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:

کار (دین) توسط ما آغاز شد و به ما هم پایان خواهد پذیرفت در آغاز مردم را نجات داد و بواسطه ما در آخر الزمان عدل اجراء خواهد شد، بوسیله ما است که زمین پر از عدل و داد می‌شود آن طور که پر از ظلم و ستم شده باشد، حق مردم بواسطه مردیکه همنام من است و نام پدرش همنام پدر من است بمردم بازگشت داده خواهد شد.

آنگاه آن حضرت اوصاف مهدی(علیه السلام) رابیان فرمود و موقعی که زبان آن حضرت از شدت هیجان سنگینی می‌کرد دست راست خود را بزانوی چپ می‌زد. و کلام خود را ادامه می‌داد.

Scanned by CamScanner

# الباب ۲۴

## فِيمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَا فِي كِتَابِ الْفِتَنِ أَيْضاً مِنْ صِفَةِ الْعَدْلِ فِي زَمَانِ الْمَهْدِي

**٤٦٤.** قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيانُ بْنُ وَكِيْعٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا اَبُو مُعَاوِيَة عَنْ مُوسَى الْجُهَنِي عَنْ زِيْد الْعمِّى عَنْ أَبِي الْصِدِّيْقِ عَنْ أَبِي سَعِيْدِ الْخُدْرِى عَنِ النَّبِي(ص) قَالَ:

«يَكُونَ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِى يَمْلَأَهَا قِسْطاً وَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً، وَ تَمْطَرُ السَّمَاءُ مَطَراً كَعَهْدِ آدمَ، وَ تُخرُجُ الاَرْضُ بَرَكَتِهَا، وَ تَعِيْشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشاً لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِك فِي زَمَانٍ قَطُّ»

(كنزالعمال، ج ١٤، ص ٢٧٤، حديث ٣٨٧٠٦)

**٤٦٥.** وَ ذَكَرَ زَكَرِيَا اَيْضاً، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُعَلَّى بْنِ زِيَاد، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَلَاءُ بْنُ بَشِيْرٍ الْمَزنِي عَنْ أَبِي الْصِدّيقِ النَّاجِى عَنْ أَبِي سَعِيْدِ الْخُدْرِى، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ(ص):

«أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِى يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَيْهِ اِخْتِلَافُ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِل، فَيَمْلَأُ الاَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً، يَرْضَى بِهِ سَاكِنُ السَّمَاءِ، يُقَسِّمُ الْمَالَ صَحَاحاً» قُلْنَا: وَ مَا الصَّحَاح؟ قَالَ: «بِالْسَوِيةَ بَيْنَ النَّاسِ، فَيَمْلَأُ اللهُ قُلُوبَ اُمَّةِ مُحَمَّد غِنَى، وَ يَسَعَهُمْ عَدْلَهُ حَتَى يَأْمُرَ مُنَادِياً فَيُنَادِى مَنْ لَهُ فِي مَالٍ حَاجَة؟» قَالَ: «فَلَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ اِلَّا رَجُل فَيَقُولَ: أَنَـا، فَيَقُولَ لَهُ: اِئْتِ السَّادِن - يَعْنِي الْخَازِن - فَقُلْ لَه: اِنَّ الْمَهْدِى يَأْمُرُك أَنْ تُعْطِيَنِي مَالاً، فَيَقولَ لَهُ: أُحْثُ يَعْنِي خُذْ - حَتَّى اِذَا جَعَلَه فِي حُجْرِه وَ أَبْرَزَه (ندم) فَيَقُولَ: كُنْتُ أَجْشَعُ اُمَّة مُحَمَّدِ نَفْسا اَوْ عَجَزَ عَنِّى مَا وَسِعَهُم» قَالَ:

Scanned by CamScanner

# باب بیست و چهارم

## بیانی است از زکریا در کتاب فتن از وجود عدالت در زمان حضرت مهدی (عج)

٤٦٤. ابوسعید خدری از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: مهدی(علیه السلام) در بین امت من خواهد بود و زمین راپر از عدل و داد خواهد کرد آن طور که پر از ظلم و ستم شده باشد و آسمان نظیر زمان حضرت آدم(علیه السلام) باران می‌بارد و زمین برکت خود را برای خلق بیرون می‌ریزد مردم در زمان آن حضرت طوری زندگی می‌کنند که قبل از آن، هرگز چنین زندگی نکرده باشند.

٤٦٥. و نیز ابوسعید خدری از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: شما را مژده می‌دهم بمهدی(علیه السلام) که در زمان انقلاب و اختلاف امت من ظهور می‌کند و زمین راپر از عدل و داد خواهد کرد آن طور که پر از ظلم و ستم شده باشد، ساکنین آسمان از او راضی هستند و مال را بطور صحاح تقسیم می‌کند گفتیم صحاح یعنی چه؟
قرمود: یعنی مال را میان مردم بطور مساوی تقسیم می‌کند و خداوند دل امت عجم را آن چنان بی نیاز و پر از عدل خواهد کرد که منادی فریاد می‌زند آیا کسی به مال احتیاجی دارد؟ کسی جز یک نفر اظهار حاجت نمی‌کند، حضرت به او می‌گوید: برو نزد خزانه‌دار و بگو: مهدی می‌گوید: مالی بمن عطا کن خازن گوید بگیر و دامن او را پر می‌کند آنگاه می‌گوید: تو شجاعترین امت محمدی، بعد از آن مال را بر می‌گرداند ولی خزانه دار قبول نمی‌کند

Scanned by CamScanner

«فَيُرِدَّهَ فَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ، فُيقالُ لَهُ: اِنَّا لَا نَأْخُذُ شَيْئاً اَعْطَيْنَاه» قَالَ: «فَيَكُونَ ذَلِكَ سَبْعَ سِنِيْنَ اَوْ ثِمَان سِنِيْنَ اَوْ تُسِعَ سِنِيْنَ ثُمَّ لَا خَيْرَ فِي الْعَيْشِ بَعْدَه» اَوْ قَالَ: «لَا خَيْرَ فِي الْحَيَاةِ بَعْدَه».

(كنزالعمال، ج ١٤، ص ٢٦١ – ٢٦٢، حديث ٣٨٦٥٣).

## الباب ۲۵

فِيمَا ذَكَرَه زَكَرِيَّا فِي كِتَابِ الْفِتَنِ فِي صِفَةِ عُمْرِ الْمَهْدِي وَ مَوْتِهِ

**٤٦٦.** قَالَ: حَدَّثَنا عَبْدُ الْقُدُّوسِ بْنِ مُحَمَّد، قَالَ: حَدَّثَنا عَمْرو بْنِ عَاصِم، قَالَ: حَدَّثَنا عِمْرَان الْقَطَّان، قَالَ: حَدَّثَنَا قُتَادَة عَنْ أَبِي نَضْرَةِ عَنْ أَبِي سَعِيْدَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله (صلى الله عليه وآله): «الْمَهْدِي مِنَّا يَعْيشُ هَكَذَا» وَ بَسطَ يَسَارُه وَ اِصْبَعِينَ مِنْ يَمِينِه: الْمُشِيرَة وَ الاِبْهَام، وَ عَقَد ثَلَاثَةً (المستدرک –للحاكم،ج ٤،ص ٥٥٧)

**٤٦٧.** وَ ذَكَر زَكَرِيَا اَيْضاً، قَالَ: حَدَّثَنا سُفْيَانُ بْن وَكِيْع، قَالَ: حَدَّثَنا أَبُو مُعَاوِيَة عَنْ مُوسى الْجُهَنِي عَنْ زَيْدِ الْعِمّى عَنْ أَبِي الْصِدِّيقِ عَنْ أَبِي سَعِيْد الْخُدْرِى عَنِ النَّبِي (صلى الله عليه وآله)، قَالَ: «يَكُونُ فِي اُمَّتِي الْمَهْدِي اِنْ طَالَ عُمْرُهُ مَلِكَ عَشْرَ سِنْين، وَ اِنْ قَصُرَ عُمْرَه مَلِكَ سَبْعَ سِنْين اَوْ ثِمَانَ سِنْين».

**٤٦٨.** وَ ذَكَرَ زَكَرِيَا أَيْضاً فِي كِتَابِ الْفِتَن، قَالَ: حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنا جَعْفَرُ بْنُ عَوْن، قَالَ: حَدَّثَنا مُوسَى عَنْ زَيْدِ الْعَمِّى عَنْ أَبِي الْصِدِّيقِ النَّاجِى عَنْ أَبِي سَعِيْدِ الْخُدْرِى عَنْ النَّبِي (ص)، قَالَ:

«مِنْ أُمَّتِي الْمَهْدِى، فَاِنْ قَصُرَ عُمْرُهُ اَوْ طَالَ عُمْرُه عَاشَ سَبْعَ سِنْين اَوْ ثِمَانَ سِنْين اَوْ تِسْعَ سِنْين، يَمْلأُ الْاَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً، وَ تَنْبُتُ الْاَرْضِ نَبَاتَها، وَ تَمْطُرُ السَّمَاءَ مَطَرَها، وَ تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي وِلَايَتِهِ نِعْمَة لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا» (كتاب الفتن لابن حماد، ج ١، ص ٣٧٧، حديث ١١٢٧)

Scanned by CamScanner

و می‌گوید: ما چیزی راکه بخشیدیم دیگر پس نمی‌گیریم.
فرمود: مدت عمر آنحضرت هفت یا هشت یا نه سال خواهد بود و بعد از آن بزرگوار دیگر خیری در زندگی و حیات نیست.

## باب بیست و پنجم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن پیرامون صفت حضرت مهدی (عج) و مرگ او

٤٦٦. ابوسعید خدری از رسول بزرگوار «صلی الله علیه و آله و سلم» روایت کرده‌که فرمود: مهدی (عج) در میان امت من خواهد بود اگر عمرش طولانی شود ده سال خلافت می‌کند و اگر کوتاه باشد هفت یا هشت سال حکومت خواهد نمود.

٤٦٧. و باز زکریا نقل کرده که ابوسعید خدری از پیامبر نقل کرده که فرمود: طول عمر مهدی در میان امتم ده سال و اگر کوتاه باشد هفت یا هشت سال خواهد بود.

٤٦٨. و نیز ابوسعید خدری از آن حضرت روایت کرده‌که فرمود:
اگر عمر مهدی امت من کوتاه باشد هفت یاهشت یا نه سال است زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد و زمین گیاهان خود را می‌رویاند و آسمان باران می‌بارد امت من در آن زمان در سایه ولایت و حکومت او به نعمتی رسیده‌اند که تاکنون به چنین نعمتی دست نیافته‌اند.

Scanned by CamScanner

٤٦٩. وَ ذَكَرَ زَكَرِيا أَيْضاً فِي كِتَابِ الْفِتَنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بِكْرِ الْبُرْسَانِي عَنْ عِمْرَانِ بْن حُدَيْر، قَالَ: حَدَّثَنِي السَّمِيْط عَنْ كَعْب عَنِ النَّبِي(ص)، قَالَ: «الْـمَهْدِي اِسْمُهُ اِسْمِي، وَ يَخْرُجُ وَ هُوَ ابْنُ اِحْدَى وَ خَمْسِيْنَ اَوْ ثِنْتَيْن وَ خَمْسِيْن، يَكُونُ عَلَى النَّاسِ سَبْعَ سِنِيْن».

(کتاب الفتن لابن حماد، ج ۱ / ص ٣٦٥ و حديث ١٠٦٦).

## الباب ۲۶

### فِيمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا عَنْ صِفَةِ عَطَاءِ الْـمَهْدِي

٤٧٠. قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَانَ بْن وَكِيْع، قَالَ: حَدَّثَنَا جَرِيْرُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيْد عَنِ الْاَعْمَش عَنْ عَطِيَة عَنْ اَبِي سَعِيْدِ الْخُدْرِي، قَالَ: قَالَ النَّبِي(ﷺ): «يَخْرُجُ عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَان وَ ظُهُورُ مِنَ الْفِتَنِ رَجُـلُ يُـقَالُ لَـهُ، اَلْسَفَّاحِ، وَ يَكُونُ عَطَاوُهُ الْـمَال حَثياً».

(کتاب الفتن لابن حماد، ج ١، ص ٣٦٢ حديث ١٠٥٦)

أَقُولُ: قَوْلُهُ: «اَلْسَفَاحَ» خِلَافُ أَحَادِيْثِ كَثِيْرَة رَوَاهَا هُو وَ غَـيْرُه، وَ عَسَىَ يَكُونُ ذِكْرُ السَّفَّاح نَفْسُهُ وَ مَا عَرَفْنَا أَنْ السَّفَّاح مِنْ بَنِي الْعَبَّاسَ كَانَ يَعْطِي الْـمَالَ حَثياً.

٤٧١. وَ ذَكَرَ زَكَرِيَّا، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الشَّيْبَانِي، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُاللهِ ابْنِ الْحُسَين، قَالَ: حَدَّثَنَا الْهَيْثَم عَنْ شَرِيْك عَنْ لَيْث عَنْ طَاوُوسِ، قَالَ: الْـمَهْدِي سَمِحَ بِالْـمَالِ شَدِيْد عَلَى الْعُمَّال رَحِيْم بِالْـمَسَاكِيْن.

(کتاب الفتن لابن حماد، ج ١، ص ٣٥٦، حديث١٠٣١٨)

Scanned by CamScanner

٤٦٩. کعب می‌گوید: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: نام مهدی(علیه السلام) نام من است و سن آن بزرگوار در موقع خروج (۵۱) ساله می‌نمایاند و هفت سال در بین مردم خواهد بود.

## باب بیست و ششم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن پیرامون صفت بخششهای حضرت مهدی (عج)

٤٧٠. ابوسعید خدری از حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود:

به هنگام ظهور مهدی(علیه السلام) فتنه هایی واقع می‌شود و مردی که او را سفّاح می‌گویند مال فراوانی را می‌دهد.

سید بن طاووس می‌گوید:

لفظ سفاح در این حدیث بر خلاف آن روایاتی است که زکریا و غیر او روایت کرده‌اند، شاید لفظ سفاح را خود زکریا ذکر کرده باشد زیرا ما سفاحی که از بنی عباس باشد و مالی را بخشیده باشد سراغ نداریم

٤٧١. لیث از طاووس روایت کرده که گفت:

مهدی(علیه السلام) مال را می‌بخشد و در کار کارگزاران خود، سخت‌گیری می‌کند (که مال را تلف نکنند) و با مستمندان مهربان خواهد بود.

Scanned by CamScanner

## الباب ۲۷

### فِی طُلُوعِ آیَةَ مَعَ الشَّمْس قَبْلَ ظُهُورِ الْـمَهْدِی

**٤٧٢.** وَ ذَکَرَ زَکَرِیّا فِی کِتَابِ الْفِتَن، قَالَ: حَدَّثَنَا اِبْرَاهِیمُ بْنُ أَحْمَد الْخُزَاعِی، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو وَهَبْ عَنْ اِبْنِ الْـمُبَارَكَ عَنْ مُعَمَر عَنْ ابْنِ طَاوُوسِ عَنْ عَلِی بْن عَبْدُاللهَ بْنِ عَبَاس، قَالَ:

**لَا يَخْرُجُ الْـمَهْدِی حَتَى تَطْلَعُ مَعَ الشَّمْسَ آيَةَ.**

(کتاب الفتن لابن حماد، ج ۱، ص ۳۳۲،حدیث ۹۵۱)

## الباب ۲۸

### فِیمَا ذَکَرَهَ زَکَرِیّا: أَنْ الْـمَهْدِی هُوَ اَلَذِی یَنْزِلُ عَلَیْهِ عِیْسَی بْنُ مَرْیَم

**٤٧٣.** قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْقُدُّوسِ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَصرِی، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عَاصِم، قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْن سَلَمَة عَنْ عَلِي بْنِ زَيْد أَنَّ عَبْدَاللهِ بْنِ عَمْرو ذَكَرَ الْـمَهْدِی، فَقَالَ أَعْرَابِی:

**هُوَ مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ، فَقَالَ عَبْدُاللهَ بْنُ عَمْرو: لَا وَ لَاكَرَامَةَ بَلْ هُوَ اَلَّذِّى يَنْزِلُ عَلَيْهِ عِيْسَى بْنُ مَرْيَمَ.**

(کتاب الفتن لابن حماد، ج ۱، ص ۳۷۳، حدیث ۱۱۰۳)

## الباب ۲۹

### فِیمَا ذَکَرهُ زَکَرِیّا فِی کِتَابِ الْفِتَن: أَنَّ مَنْ مَاتَ وَ لَیْسَ فِی عُنُقِهِ بَیْعَةُ لِلاْمَامِ مَاتَ مِیْتَةً جَاهِلِیَّة

**رُوِی فِی هَذَا الْـمَعْنَی سَبْعةُ أَحَادِیْث بِاَسَانِیْدِ مُـتَّصِلَة، نَـذْكُـرُ مِـنْهَا بِاِسْنَادِهِ حَدِیْثَیْن: أَحَدَهُمَا عَنْ مَوْلَانَا عَـلِیﷺ، وَ الاخَـرُ عَـنْ مُـعَاوِیَة عَنِ النَّبیّ(ﷺ).**

**اَمَّا الْحَدِیْثُ الَّذِی رَوَاهُ عَنْ مَوْلَانَا عَلِیﷺ، فَاِنَّهُ قَالَ:**

Scanned by CamScanner

## باب بیست و هفتم

### بیانی است پیرامون ظهور علامتی از خورشید قبل از ظهور حضرت مهدی (عج)

**٤٧٢.** ابن عباس می‌گوید: مهدی(علیه السلام) خروج نمی‌کند تا اینکه آفتاب با علامتی طلوع کند.

## باب بیست و هشتم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن در اینکه مهدی همان کسی است که عیسی بن مریم بر او نازل می‌شود

**٤٧٣.** علی بن زید گوید: عبدالله بن عمر نامی از مهدی(علیه السلام) برد اعرابی (که در آن جا بود) گفت: مهدی معاویه بن ابی سفیان است، ابن عمر گفت: اینطور نیست که تو می‌گویی بلکه مهدی (عج) آن است که عیسی پشت سر او نماز می‌خواند.

## باب بیست و نهم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن که هر کس که بمیرد و در گردن او بیعت با امام نباشد به مرگ جاهلیت مرده است

در این باره هفت حدیث به سندهای متصل بیان شده است که ما به بیان دو نمونه آن اکتفا می‌کنیم،

حدیثی است از مولا علی(علیه السلام) و حدیثی است از معاویه از قول پیامبر اما حدیثی که از طرف مولا نقل شده چنین است.

Scanned by CamScanner

٤٧٤. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْوَحِيْد، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْأَزْهَر عَنْ يَزِيْد عَنِ الْعَوَّام عَنْ أَبِي صَادِقٍ، قَالَ: قَالَ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ:

«مَنْ مَاتَ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَة».

وَ أَمَّا الْحَدِيْثُ الَّذِي رَوَاهُ عَنْ مُعَاوِيَةِ بْنِ أَبِي سُفْيَان عَنِ النَّبِي«ﷺ»، فَإِنَّهُ قَالَ:

٤٧٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الذُّهَلِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيْدُ بْنُ سُلَيْمَان، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُوبَكْر بْنِ عَيَاشٍ عَنْ عَاصِم عَنْ أَبِي صَالِحِ عن معاوية قال: قَالَ رَسُولُ اللهُ(ﷺ):

«من مات بغير امام مات ميتةً جاهلّيه»

(مسند احمد بن حنبل ،ج ٥، ص ٦١ حديث ١٦٤٣٤)

وَ رَوَاهُ كَمَا ذَكَرنا الإشَارة إلَيْهِ عَنْ مُعَاوِيَة

(المعجم الكبير - للطبرانی - ج ١٩، ص ٣٨٨، حديث ٩١٠) أَيْضا بِطَرِيْقِ آخَر.

وَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ النَّبِي«ﷺ» وَ عَنْ بْنِ عُمَر

(كنزالعمال، ج ٦، ص ٦٥، ١٤٨٦٣) وَ عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلَ، وَ عَنْ أَبِي ذَرْ.

## الباب ٣٠

## فِيمَا ذكَرَه زَكَرِيَّا مِنْ أَمْرِ النَّبِي«ﷺ»
## بِقِتَالِ النَّاكِثِيْنِ وَ الْقَاسِطِيْن وَ الْمَارِقِيْن

وَ قَدْ ذَكَرَ فِيْهِ أَحَادِيْثُ جَمَاعَةِ نَذْكُرُ مِنْهَا حَدِيْثاً وَاحِداً بِإسْنَادِهِ

٤٧٦. قَالَ: حَدَّثَنا عِبادُ بْنِ يَعْقُوب الرَّوَاجِنِي بِالْكُوفَة، قَالَ: حَدَّثَنا الرَّبِيْعِ بْنِ سَهْلِ الْفَزَارِي عَنْ سَعِيْدِ بْنِ عَبِيد الطَّائي عَنْ عَلِي بْنِ رَبِيْعَة الْوَالِبِي عَنْ عَلِيَ، قَالَ:

«عَهَدَ إِلَيَّ النَّبِيَ الأُمِّـی(ﷺ) إِنِّي مُقَاتِلُ بَعْدَهُ ثَلَاثَه: اَلْقَاسِطِيْن وَ النَّاكِثِيْن وَ الْمَارِقِيْن» (مستدرک حاكم، ج ٣، ص ١٣٩ - ١٤٠).

Scanned by CamScanner

٤٧٤. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْوَحِيْد، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْأَزْهَر عَنْ يَزِيْد عَنِ الْعَوَّام عَنْ أَبِي صَادِقٍ، قَالَ: قَالَ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ:

«مَنْ مَاتَ وَ لَا اِمَامَ لَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَة».

وَ أَمَّا الْحَدِيْثُ الَّذِى رَوَاهُ عَنْ مُعَاوِيَةِ بْنِ أَبِي سُفْيَان عَنِ النَّبِي ﴿ﷺ﴾، فَاِنَّهُ قَالَ:

٤٧٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الذُّهَلِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيْدُ بْنُ سُلَيْمَان، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُوبَكْر بْنِ عَيَاشٍ عَنْ عَاصِم عَنْ أَبِي صَالِح عن معاوية قال: قَالَ رَسُولُ اللهِ (ﷺ):

«من مات بغير امام مات ميتةً جاهلّيه»

(مسند احمد بن حنبل ،ج ۵، ص ٦١ حديث ١٦٤٣٤)

وَ رَوَاهُ كَمَا ذَكَرْنا الإشَارة اِلَيْهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ

(المعجم الكبير – للطبرانی – ج ١٩، ص ٣٨٨، حديث ٩١٠) أَيْضا بِطَرِيْقِ آخَر.

وَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسِ عَنْ النَّبِي ﴿ﷺ﴾ وَ عَنْ بْنِ عُمَر

(كنزالعمال، ج ٦، ص ٦٥، ١٤٨٦٣) وَ عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلَ، وَ عَنْ أَبِي ذَرّ.

## الباب ٣٠

### فِيمَا ذَكَرَه زَكَرِيَّا مِنْ أَمْرِ النَّبِى ﴿ﷺ﴾ بِقَتالِ النَّاكِثِيْنِ وَ الْقَاسِطِيْن وَ الْمَارِقِيْن

وَ قَدْ ذَكَرَ فِيْهِ أَحَادِيْثُ جَمَاعَةِ نَذْكُرُ مِنْهَا حَدِيْثاً وَاحِداً بِاِسْنَادِهِ

٤٧٦. قَالَ: حَدَّثَنا عِبَادُ بْنِ يَعْقُوب الرَّوَاجِنِي بِالْكُوفَة، قَالَ: حَدَّثَنَا الرَّبِيْع بْنِ سَهْلِ الْفَزَارِى عَنْ سَعِيْدِ بْنِ عَبِيد الطَّائِي عَنْ عَلِي بْنِ رَبِيْعَة الْوَالِبِي عَنْ عَلِيَ، قَالَ:

«عَهِدَ اِلَيَّ النَّبِيَ الأُمِّـى (ﷺ) اِنِّي مُقَاتِلُ بَعْدَهُ ثَلَاثَه: اَلْقَاسِطِيْن وَ النَّاكِثِيْن وَ الْمَارِقِيْن» (مستدرک حاکم، ج ٣، ص ١٣٩ – ١٤٠).

Scanned by CamScanner

**٤٧٤.** علی ﴿علیه السلام﴾ فرمود:

«هر کس که بمیرد و امام و مقتدایی نداشته باشد بمرگ جاهلیت مرده است».

و اما حدیثی که معاویه از پیامبر نقل کرده است چنین است.

**٤٧٥.** معاویه گفت: رسول خدا فرمود:

«هر کس بدون امام و رهبر بمیرد بمرگ جاهلیت مرده است».

همانطور که اشاره رفت از معاویه باز بطریقی دیگر نقل شده است و ابن عباس از قول پیامبر ﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ چنین نقل کرده است و نیز معاذ بن جبل از ابی‌ذر نقل نموده است.

## باب سی‌ام

## بیانی است از زکریا در کتاب فتن در اینکه پیامبر فرمان داد که باید با ناکثین و قاسطین و مارقین بجنگید

**٤٧٦.** علی ربیعه می‌گوید: علی بن ابیطالب﴿علیه السلام﴾ فرمود:

پیغمبر خدا﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ با من عهد کرد که (بعد از آنحضرت) با سه طایفه بجنگم:

۱ـ ناکثین (پیمان شکنان طلحه و زبیر و اطرافیان آنها).

۲ـ قاسطین (ستم پیشگان معاویه و عمروعاص و هواداران آنها).

۳ ـ مارقین (از دین به در رفته‌ها مثل خوارج و غیره).

Scanned by CamScanner

## الباب ۳۱

فِيمَا ذَكَرَه زَكَرِيَّا فِی كِتَابِ الْفِتَنِ مِن أَمْرِ النَّبی
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِقَتْلِ مُعَاوِيَة إِذَا صَعَدَ مَنْبَرَهُ الشَّرِيْف

**٤٧٧.** قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَان بْنَ وَكِيْع، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بُشْر عَنْ مُجَالِد عَنْ أَبِی الْوَدَاك عَنْ أَبِی سَعْيدِ الْخُدْرِی عَنِ النَّبِی(ص)، قَالَ:

**«إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَةَ يَخْطِبُ عَلَى مَنْبَرِی فَاقْرَعُوا رَأْسَه بِالسَّيف»**

(الكامل - لابن عدی - ج ۵، ص ۳۰۰).

**وَ ذَكَرَ أَيْضاء حَدُيْثاً آخَرَ مُنِ أَمْرِ النَّبِی«ﷺ» بِقَتْلِ مُعَاوِيَة إِذَا صَـعَدَ مَنْبَرَهُ:**

**٤٧٨.** قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ وَكِيَعْ قَالَ: حَدَّثَنَی أَبِی عَنِ الْحَكَمْ بْنِ ظَهِيْر عَنْ عَاصِمْ عَنْ زِرّ عَن عَبْدِالله، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهُ(ص):

**«إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَة عَلَى مَنْبَرِی فَاقْتُلُوهُ»** (الكامل لابن عدی ج ۲،ص ۲۰۹)

**وَ ذَكَرَ حَدْيثاً ثَالِثاً فِی أَمْرِ النَّبِی«ﷺ» الأُمَّتَهُ بِقَتْلِ مُـعَاوِيَة إِذَا صَـعَدَ مَنْبَرهُ**

**٤٧٩.** فَقَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، قَالَ: حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سُفْيَانِ الثُّورِی عَنْ يُونُس أَوْ إِسْمَاعِيْل بْنِ مُسْلِم عَنْ الْحَسَن، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهُ(ص):

**«إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَة عَلَى مَنْبَرِی فَاقْتُلُوهُ»**.

(الكامل، لابن عدی، ج ۵، ص۹۸ و ۱۰۳)

Scanned by CamScanner

## باب سی و یکم

**بیانی است از زکریا در کتاب فتن باینکه پیامبر(ص) فرمان قتل معاویه را صادر کرد وقتی که مردم او را بالای منبر پیامبر ببینند**

**۴۷۷.** ابوسعید خدری از رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:
وقتی که دیدید معاویه در بالای منبر خطبه می‌خواند سر او رابا شمشیر جدا سازید.

**۴۷۸.** عبدالله از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند که حضرت فرمود: هرگاه معاویه را بالای منبر من دیدید او را بکشید.
باز از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:
وقتی که معاویه را بر منبر من دیدید او را بکشید.
باز حدیث دیگری از پیامبر نقل شده که به امت خود دستور داده که هر وقت معاویه را بالای منبر او دیدند بکشند.

**۴۷۹.** امام حسن از آنحضرت روایت کرده که فرمود:
موقعی که معاویه را بر منبر من دیدید او را بقتل برسانید.

Scanned by CamScanner

# الباب ۳۲

## فِيمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا مِنْ اَمْرِ النَّبِي لِعَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَام بِقِتَالِ مَنْ قَاتَلَه مِنْ أَهْلِ الاِسْلام

## رُوِیَ فِی ذَلِكَ أَحَادِيْثُ كَثِيْرَةٌ نَذْكُرُ بَعْضَهَا

**٤٨٠.** قَالَ: حَدَّثَنَا اِسْحَاقُ بْنُ اِبْرَاهِيم، قَالَ: حَدَّثِنَا جَرِيْرٍ عَنْ الْاَعْمَش، قَالَ وَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ وَكيعٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَرِيْر عَنِ الْاَعَمْشَ وَ أَبِي عَنْ فَطَر عَنْ اِسْمَاعِيْل ابْنِ رَجَاء عَنَ أَبِيْهِ عَنْ أَبِی سَعِيْدِ الْخُدْرِی، قَالَ: قَالَ النَّبِي(ص):

«اِنَّ مِنْكُمْ مَنْ يُقَاتِلُ عَلَی تَأْوِيلَ الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتَ عَلَی تَنْزِيْلِه» قَالَ: فَقَالَوْا: مَنْ هُوَ يَا رَسُولَ الله؟ قَالَ: «خَاصِفُ النَّعْل» وَ كَانَ قَدْ أَعْطَاهَا عَلِيّاً يُصْلِحُهَا (كنزالعمال، ج ۱۱،ص۶۱۳،حديث ۳۲۹۶۷)

قَالَ اِسْمَاعِيْل عَنْ أَبِيْهِ: قَالَ رَجُلُ لِعَلِّي بْنِ أَبِي طَالِب: أُنْشِدُكَ بِاللهِ أَكَانَ فِي النَّعْل حَدْيث؟ قَالَ: «اَللّهُمَ اِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ كَانَ مِمَّا يَسُرُّ اِلیَّ نَبِيّكَ».

وَ ذَكَرَ حَدْيثَ السَّبْعَ حَدَائِقِ، وَ أَنْ النَّبِي﴿ﷺ﴾ قَالَ لِعَلِيّ﵇: «لَكَ فِي الْجَنَّةِ خَيْر مِنْهَا» وَبَكَى﵇، فَقَالَ: «مِمَّ بَكَاؤُكَ؟» قَالَ: لِضَغَائِنِ فِی صُدُورِ قَوْمِ لَا يَبْدُونَها لَكَ اِلَّا مِنْ بَعْدِی».

(كنزالعمال، ج ۱۳، ص ۱۷۶، حديث ۳۶۵۲۳).

وَ ذَكَرَ مِنْهَا حَدْيثَ نَهْی النَّبِی﵇ لِعَائِشَة عَنْ قِتَالِ مَوْلَانَا عَلِی﵇، وَ أَنَّهَا تَنْبَحُهَا كِلَابُ الْحَوْأَب (كنزالعمال، ج ۱۱، ص ۳۳٤، حديث ۳۱۶۶۸)

وَذَكَرَ حَدْيثُ قِتَالِ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرِ وَ اِعْتَرافِ الزُّبَيْر بِخَطَئِهِ وَ رَجُوعِه

(مروج‌الذهب مسعودی، ج ۲،ص ۳۷۱)

Scanned by CamScanner

# باب سی و دوم

## بیانی است از زکریا پیرامون فرمان پیامبر(ص) به علی(علیه السلام) در جنگ با مسلمانانی که با آنها جنگ دارند

در این باره احادیث زیادی نقل شده که ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

**۴۸۰.** ابوسعید خدری از رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود: بعضی از شما برای تأویل قرآن می‌جنگید آن طور که برای نزول آن جنگید پرسیدند: او کیست یا رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

آنکسی که نعل را بدوزد و نعلین را به علی(علیه السلام) داد که آن را بدوزد و اصلاح کند.

اسماعیل از پدرش روایت کرده که گفت: مردی به علی بن أبی طالب گفت: تو را بخدا سوگند می‌دهم آیا برای نعل حدیثی است؟ فرمود:

خدایا تو می‌دانی که رسول تو پیوسته مرا خوشحال می‌ساخت سپس حدیث هفت باغ را نقل کرد و اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمود: ای علی برای تو در بهشت از آن هفت باغ بهتر است پیامبر گریه کرد سپس حضرت علی پرسید یا رسول الله برای چه گریه می‌کنی؟ فرمود:

بخاطر کینه‌هائی که در دل قومی نهفته است که جز بعد از من آشکار نخواهند کرد.

سپس رسول خدا عایشه را از جنگ با علی نهی کرد و فرمود بترس از وقتی که سگان حوئب تو را پارس کنند.

آنگاه حدیث جنگ طلحه و زبیر بیان فرمود به اینکه زبیر بخطای خود اعتراف خواهد کرد و از راه خود باز خواهد گشت.

Scanned by CamScanner

وَ ذَكَرَ عِدَّةَ أَحَادِيْثِ فِي ذَمِّ الْخَوَارِجِ، وَ مَدْحِ مَنْ قَتَلَهُمْ، وَ كَرَامَاتِ لِمَوْلَانَا عَلِي عَلَيْهِ السَّلَام، وَ أَنْ الْخَوَارِجِ كِلَابُ أَهْلِ النَّارِ

(كنزالعمال، ج ١١: ص ١٩٦، حديث ٣١٢٠٣)

وَ ذَكَرَ الاِحْتِجَاجُ عَلَى الْخَوارِج، وَ هُوَ شَيُ قَدْ أَجْمَعَ الْـمُسْلِمُونِ عَلَيْهِ، فَلَا حَاجَةَ الْآنَ إِلَى ذِكرِ اَحَادِيْثِهِ وَ الْـمُبَالِغَةِ فِيْمَا اِشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ، وَ قَدْ صَنَّفْنَا كِتَاباً سَمَّيْنَاهُ كِتَابُ «الْيَقِين فِي اِخْتِصَاصِ مَوْلَانَا عَلِيٍ عليه السلام بِأَمْرَةِ الْـمُؤْمِنِيْنِ» ضَمَّنَّاهُ عَنْ رِجَالِهِمْ اَوْ شُيُوخِهِمْ مَائَةً وَ سَبْعَةَ وَ تِسْعِيْنَ حَدِيْثاً وَ نُكَمِّلُ بَعْدَ ذَلِكَ مِائَتَى حَدْيث وَ سِتَّةَ عَشَرَ حَدِيْثاً وَ فِي تَسْمِيَتِهِ يَعْسُوبُ الْـمُؤْمِنِين خَمْسَةً وَ عَشْرِيْنَ حَدِيْثاً وَ انْكَشَفَ مَا كَانَ مَسْتُوراً مِـنْ ثُـبُوتِ اِمَـامَةِ مَوْلَانَا عَلِي عليه السلام بَعْدَ سَيِّدِ الْـمُرْسَلِيْنَ عَلَى الْـمُسْلِمِيْنَ، وَ فِيْهِ بَلَاغُ إِلَى حِيْنِ وَ الْحَمْدُ للهِ رَبِّ الْعَالَمِيْن.

## الباب ۳۲

فِيْمَا ذَكَره زَكَرِيَّا مِنْ أَحَادِيْث بَنِي قَنْطُورَاءَ، وَ حَدِيْثُ الْبَصْرة

٤٨١. ذَكَرَ بِإِسْنَادِهِ فِي كِتَابِ الْفِتَن قَالَ: ذَكَرَ رَسُولُ اللهِ (ص) أَرْضـاً يُقَالُ لَهَا: الْبَصْرَة اَوِ الْبُصَيْرَة إِلَى جَنْبِها نَهْر يُقَالُ لَهُ: دِجْلَة ذُو نَخْلِ كَثِيْر، فَيَنْزِلَ بِهِ بَنُو قَنْطُورَاء فَيَفْتَرِقُ النَّاسُ ثَلَاثَ فِرَق: فِرْقَةُ تَلْحَقَ بَاَصْلِها وَ هَلَكُوا، وَ فِرْقَةٌ تَأْخُذُ عَلَى نَفْسِهَا وَ كَفَرُوا وَ فِرْقَةً يَجْعَلُونَ ذَرَارِيْهِم خَلْفَ ظُهُورِهِمْ فَيُقَاتِلُونَ، قَتْلاهُم شُهَدَاء يَفْتَحُ اللهُ عَلَى اَنْفُسِهِمْ

(كنزالعمال، ج ١٤، ص ٢١٨، حديث ٣٨٤٦١)

وَ ذَكَرَ حَدْيِثاً آخَرَ نَذْكُرَهَ بِإِسْنَادِهِ؛ لِاَنَّهُ مُعْجِزَة لِلنَّبِي صَلَواتُ اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

Scanned by CamScanner

و احادیث زیادی درباره مذمت خوارج و مدح کسی که آن‌ها را بکشد و کرامت‌های علی(علیه السلام) و اینکه خوارج سگ‌های اهل جهنمند ذکر کرده است.

آنگاه به استدلال علیه خوارج پرداخته که هم مسلمین به آن معتقدند

سید بن طاووس می‌گوید: ما کتابی که نامش: کتاب الیقین فی اختصاص مولانا أمیرالمؤمنین نوشته‌ایم و از شیوخ و بزرگان اهل تسنن تعداد (۱۹۷) حدیث نگاشته‌ایم و بعد از آن تعداد (۲۱٦) حدیث راجع باینکه آنحضرت را أمیرالمؤمنین گفته‌اند آورده و تعداد (۱۸) حدیث درباره اینکه آن بزرگوار را امام متقین می‌گویند ذکر کرده‌ایم و تعداد (۲۵) حدیث راجع باینکه آنحضرت را یعسوب دین گفته‌اند نگاشته‌ایم.

## باب سی و سوم

### بیانی از زکریا پیرامون جریان بنی قنطوراء و حدیث بصره

**٤٨١.** زکریا در کتاب فتن از پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود: زمینی است که آن را بصره یا بصیره می‌گویند و در کنار آن نهری است که آن را دجله گویند که دارای نخل زیادی است، بنوقنطورا در آن شهر وارد می‌شوند و هلاک خواهند شد در این وقت سه فرقه و گروه به وجود می آید. ۱ـ فرقه‌ای که به اصل خود بازگشت می‌کنند و نابود می‌شوند. ۲ـ فرقه ایکه بعظمت خود مغرور شده و کافر می‌شوند ۳ـ فرقه‌ای که فرزندان خود در پشت سر خود قرار می‌دهند و می‌جنگند تا کشته شوند. کشته‌های آنان از شهداء خواهند بود و خدا فتح و پیروزی را بهره‌ی آنها خواهد ساخت.

Scanned by CamScanner

٤٨٢. قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا الْخُزَاعِي، قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَّادُ عَنْ عَلِي بْنِ زَيْد عَنْ وِرْدَانِ بْنِ عَبْدُالله، قَالَ: كُنَّا فِي آخِرَ غَزْوَةِ سَلَمَةِ بْنِ زِيَادوَفِينَا رَجُلُ مِنَ الاَنْصَار مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ الله(صلی الله علیه وآله)، قَالَ: يُوشَكُ أَنْ يَطْوِىَ مَلِكُ الْعَرَب، قَالَهَا ثَلَاثاً، فَقِيْل: وَ مَنْ يَطْوِيْهِ؟ قَالَ: بَنُو قَنْطُورَاءِ، قَوْم عَرَاضُ الْوُجُوه، فُطْسُ الاُنُوف، صِغَارُ الاَعْيُنْ، كَاَنَّ وُجُوهُهُم الْمَجَانُّ الْمُطْرَقَةَ حَتَى يَنْزِلُوا قَرْيَةً قَرِيْبَه مِنْ أَرْضِ الْعَرَبِ بَلْ هِىَ مِنْ أَرْضِ الْعَرَب يُقَالَ لَهَا: جَبَّانَة الْلُوز، فَيُقَاتِلَهَمُ الْعَرَبْ قِتَالاً شَدِيْداً، فَيَقُولُ الْتُرْك: اِدْفَعُوا اِلَيْنَا اِخْوَانَنَا مِنَ الْعَجَمْ وَ لَا نُقَاتِلُكُمْ، فَتَقُولَ الْعَرْب لِلْمَوَالِي: اَلْحِقُوا بِاِخْوَانِكُمُ، فَيَقُولَ الْمَوَالِيَ: وَ يَحْكُمُ اِلَى الْكُفْر بَعْدَ الاِسْلَامِ؟ قَالَ: فَيَأتِيهُمُ الْمَوَالِي، فَتُقَاتِلَهُم قِتَالاً شَدِيْداً فَيَهْزِمَهُم اللهُ حَتَى لَا يَبْقَ مِنْهُم مُخْبِر، وَ يَجِيءُ الْمَوَالِي بِالْغَنَائِم، فَتَقُولَ الْعَرَبْ لِلْمَوَالِيَ: أُحْذُونَا (أعطانی) مِمَّا غَنْمِتُم، فَيَقُولُونَ: وَ اللهُ لَا نَحْذِيْكُمْ وَ قَدْ خَذَلْتُمُونَا.

## الباب ۳۴

فِيمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِى كِتَابِ الْفِتَن مِنْ تَعْرِيْفِ جَبْرَئِيل
لِلنَبِى عَلَيْهِمَا السَّلَامَ بِقَتْلِ الْحُسَيْن(علیه السلام)، وَ تُرْبَتِهِ

رُوِىَ أَحَادِيْثُ مُتَفَرِّقَه، وَ يَحِيْلُ بِاِسْنَادِهِ عَلَى كِتَابِ الْفِتَنِ الْعَتِيق فَاِنَّهَا فِيْه، اِلَّا مَا يَكُونَ حَدِيْثاً مُسْتَطْرِفا.

٤٨٣. فَقَالَ: بِاِسْنَادِهِ عَنْ صَالِحْ بْنِ أَرْبُد النَّخَعِى، قَالَ: قَالْت أُمُّ سَلَمَة: دَخَلَ الْحُسَيْنُ بْن عَلِي عَلَى النَّبِى (صلی الله علیه وآله) وَ أَنَا جَالِسَةُ عَلَى الْبَاب فَتَطَلَّعْتُ فَرَأْيتُ فِي كَفِّ النَّبِي(صلی الله علیه وآله) شَيْئاً وَ هُوَ نَائِمُ عَلَى بَطْنِهِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ

Scanned by CamScanner

**۴۸۲.** مردی از انصار رسول الله(صلی الله علیه و آله) می‌گوید: طولی نمی‌کشد که ملک عرب در هم پیچیده شود، سه مرتبه اینسخن را گفت: پرسیدند: چه کسی ملک عرب را درهم می‌پیچد؟ فرمود: بنوقنطورا، مردمی که صورتی عریض با بینی بزرگ و پهن و چشمانی کوچک دارند.

آن قومی که دارای صورتهای عریض و بینی‌های پهن و چشمان کوچک‌اند آنان مانند سپرهای آهنین هستند.

آنان پیشروی می‌کنند تا بقریه‌ای که نامش «جبانة اللون» است می‌رسند، از مرکبهای خود پیاده می‌شوند و اعراب با آنها جنگ سختی می‌کنند. آنگاه طایفه ترک می‌گویند: برادران عجمی ما را به ما برگردانید تا با شما بجنگیم، اعراب به آنها می‌گویند: به برادران خود ملحق شوید، آنها می‌گویند: وای بر شما بعد از اسلام وارد کفر شویم؟؟

راوی گوید: آنگاه ایشان با گروه بنوقنطورا بشدت می‌جنگند و آن‌ها را بقدرت الهی شکست می‌دهند بطوری که هیچیک از آن‌ها باقی نمی‌ماند بندگان غنیمتها را تصرف می‌کنند و عرب می‌گوید: از این غنیمتها بما بدهید در جواب می‌گویند: بخدا قسم بشما چیزی نخواهیم داد زیرا شما ما را یاری نکردید. و خوار گذاشتید.

## باب سی و چهارم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن پیرامون تعریف جبرئیل برای پیامبر درباره شهادت حسین(علیه السلام) و تربت او

**۴۸۳.** ام سلمه می‌گوید:

من درب اطاق نشسته بودم که امام حسین(علیه السلام) بر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) وارد شد نگاه کردم دیدم که پیغمبر(صلی الله علیه و آله) چیزی را در کف دست گرفته و می‌بوسد و امام حسین(علیه السلام) هم در دامن آن حضرت بخواب رفته بود گفتم:

Scanned by CamScanner

فَتَطَلِعْتُ فَرَأَيْتُ فِي كَفِّكَ شَيْئاً تُقَلِّبُهُ وَ الصَّبِيَ نَائِمُ عَلَى بَطْنِكَ وَ دُمُوعِكَ تَسِيْلَ، فَقَالَ: «اِنَّ جِبْرَئِيلَ أَتَانِي بِالْتُرْبَةِ الَتِي يُقْتَلُ عَلَيْهَا وَ أَخْبَرَنِي أَنَّ اُمَّتِي يَقْتُلُونَهُ». (كنزالعمال، ج ١٣،ص ٦٥٧، حديث ٣٧٦٦٨)

٤٨٤. وَ رَوَى زَكَرِيّا اَيْضَا بِاِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ نُجِي عَنْ أَبِيْهِ أَنَّهُ سَافَرَ مَعَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبِ، وَكَانَ صَاحِبُ مَطْهَرِته، فَلَمَّا حَاذَى نَيْنَوَى وَ هُوَ مُنْطَلِقَ اِلَى صِفِّيْنَ، فَنَادَى عَلِي: «صَـبْراً اَبَـا عَـبْدِالله صَـبْراً بِشَـطِ الْفِرَاتِ» قُلْتُ: وَ مَنْ ذَا اَبُوعَبْدالله؟ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى النَّـبِي(ص) ذَاتَ يَوْمِ وَ عَيْنَاهُ تَفِيْضَان، فَقُلْتُ: يَا نَبِّيَ اللهُ أَغْضَبَكَ أَحَـدٌ مَـاشَأْنُ عَـيْنَيْكَ تَفِيْضَان؟ قَالَ: بَلْ قَامَ مِنْ عِنْدى جِبْرِئِيْلَ قَبلُ، فَحَدَّثَنِي أَنَّ الْحُسَيْن يُقْتَلُ بِشَطِّ الْفُرَات، قَالَ: فَقَالَ: هَلْ لَكَ أَنْ اُشمُّكَ مِنْ تُرْبِتِهِ؟ قُلْتُ: نِعَم، فَمَدَّ يَدَهُ فَقَبَضَ قَبْضَةً مِنْ تُرَابِ فَأَعْطَانِيْهَا، فَلَمْ أَمْلِكُ عَيْنِي اَنْ فَاضَتَا»

(مسند احمدبن حنبل، ج ١/ ص ١٣٧، حديث ٤٩)

وَ نَذَكُرَ حَدِيْثَ كَعْب بِاِسْنَادِهِ؛ لَاَنَّهَ غَرِيْب.

٤٨٥. وَ ذَكَرَ زَكَرِيّا، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُ بْنُ الْحَسَن، قَالَ: حَدَّثَنَا لِفَضْلِ بْنِ دَكْيِنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْجَبَّارِ بْنِ الْعَبَاسُ عَنْ عَمَّارِ الدَّهْنِي، قَالَ مَرَّ عَلِيٌّ عَلَى كَعْب، فَقَالَ: اِنَّ مِنْ وُلْد هَذَا رَجُلاً يُقْتَلُ فِي عِصَابَةِ لَا يَجُـفُّ عَـرَقَ خُيُولُهُم حَتَى يَرِدُوا عَلَى مُحَمَّد(ص)، فَمَرَّ حَسَن فَقَالُوا: هُوَ هَذَا، قَالَ: لَا، فَمَرَّ حُسَيْنِ، فَقَالُوا: هُوَ هَذَا، فَقَال: نِعَم.

(مسند احمد بن حنبل، ج ١، ص ١٣٧، حديث ٤٩)

Scanned by CamScanner

یا رسول اللّه من نگاه کردم دیدم که شما چیزی را در کف گرفته‌اید و می‌بوسید و حسین«علیه‌السلام» در دامنت بخواب رفته و شما گریه می‌کنی؟ فرمود: جبرئیل از خاکی که حسینم راروی آن می‌کشند برای من آورد و مرا خبر داد که امتم او را خواهند کشت.

**٤٨٤.** عبدالله بن نجی از پدرش روایت کرده که گفت: با علی بن ابی طالب مسافرت کردم و من آفتابه دار آنحضرت بودم و آنحضرت بسوی صفین می‌رفت وقتیکه روبروی نینوا رسیدیم آن حضرت فرمود: یا اباعبداللّه در شط فرات صبر کن، پرسیدم: اباعبداللّه کیست؟ فرمود: یک روز خدمت پیامبر خدا رفتم دیدم که چشمان آنحضرت گریان است گفتم: یا رسول اللّه برای چه گریه می‌کنی آیا کسی بتو غضب کرده، چرا چشمهای تو گریانند؟! فرمود: ساعتی قبل جبرئیل نزد من بود بمن خبر داد: حسینم را در کنار شط فرات می‌کشند، آنگاه بمن گفت: مایلی که تربت او را برای تو بیاورم تا ببوئی گفتم: آری پس دست خود را دراز کرد و یک مشت خاک برای من آورد بعد از آن دیگر چشمم از اشک خشک نشد.

**٤٨٥.** عمار دهنی می‌گوید: علی بن ابیطالب«علیه‌السلام» از نزد کعب عبور کرد و فرمود: یکی از فرزندان این کعب در آن گروهی است که با رنج و درد کشته می‌شود در حالیکه عرق اسبهایشان خشک نمی‌شود تا بر حضرت محمد«صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» وارد شوند و در آن موقع امام حسن«علیه‌السلام» از آنجا عبور کرد پس گفتند آیا این مرد است؟ فرمود: نه، بعد از آن امام حسین«علیه‌السلام» از آن جا عبور کرد گفتند: آیا این مرد است. فرمود: آری.

Scanned by CamScanner

٤٨٦. وَ ذَكَر زَكَرِيَا فِي كِتَابِ الْفِتَنِ اَيْضاً، قَالَ: حَدَّثَنَا اِسْحَاقُ بْنُ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنا الْمَقْدَمِي، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَر، قَالَ: حَدَّثَتْنِي خَالَتِي أُمَّ سَالِمِ بِنْتَ مُسْلِم، قَالَتْ: لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِي مَطَرْنَا كَالْدَم عَلَى الْبُيُوت وَ الْجُدُرْ، فَبَلَغْنَا أَنَّهُ كَانَ بِالْشَامِ وَ الْكُوفَة وَ خَرَاسَان.

(مختصر تاريخ دمشق،ج ٧،ص ١٥٠،)

٤٨٧. وَ ذَكَر زَكَرِيَا حَدِيثَيْن عَنْ ابْنِ عَبَاسِ اَنَّهُ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِي(ص) فِي الْمَنَامِ وَ مَعَهُ قَارُورَةٌ فِيْهَا دَمُ، قُلْتُ: مَا هَذَا الدَّمْ يَا رَسُولَ اللهَ؟ قَالَ: «دَمْ الْحُسَيْن وَ أَصْحَابُه قَدْ اَتْعَبَنِي مِنْذُ الْيَوم وَ أَنَا التَقِطُهُ».

قَالَ ابْنُ عَبَاس: فَحَفَظْتُ وَ عَدَّدْتُ فَإذَا هُوَ الْيَوْم الَّذِي قُتِلَ الْحُسَيْنِ

(مختصر تاريخ دمشق / ج ٧ / ص١٥٢)

٤٨٨. وَ ذَكَرَ حَدِيثاً آخَر بِإسْنَادِهِ عَنْ هُرْثَمَة بْنِ سَلْمِى، قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ عَلَى مُخْرِجه اِلَى صَفِّيْن، فَمَرُّوا بِكَرْبَلَا، فَصَلَّى بِنَا الْعَصْر اِلَى شَجرَةِ، فَلَمَّا اِنْصَرَفَ رَفَعَ تُرَاباً اِلَى أَنْفِهِ فَشَمَّهُ، ثُمَ قَالَ: «وَ يُحَكَ مِنْ تُرْبَهِ لِيَقْتُلَنَّ عَلَيْكَ اَقْوَامَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّة بِغَيْر حِسَابِ» فَلَمَّا اِنْصَرَف اِنْصَرَفْتُ مَعَهُ، وَ كَانَتْ اِمْرأَتِي شِيُعَةً لِعَلىّ، فَقُلْتُ لَهَا: يَا هَذِهِ اَلاَ تَعْجَبِيْنَ مِنْ صَدِيْقِك أَبِي الْحَسَن، مَرَّ بِكَرْبَلَا فَصَلَّى بِنَا الْعَصْر فَلَمَّا اِنْصَرَفَ رَفَعَ تُرَاباً اِلَى اَنْفِهِ فَشَمَّهُ، ثُمَ قَالَ: «وَ يُحَكَ مِنْ تُرْبَةِ لِيَقْتُلُنَّ عَلَيْك اَقْوامُ يَدْخُلُونَ الْجَنَّة بِغَيْر حِسَابِ» فَقَالَتْ: وَ اللهُ مَا قَالَ اِلَّا مَا قَدْ قِيْلَ لَهُ، ثُمَ قُضِيَ اِنِّي خَرَجْتُ مَعَ عُبَيْدِاللهِ عَلَى الْخَيْلِ وَ نَسَيْتُ الْحَدِيْث حَتَى مَرَرْتُ بِالْشَجرَةِ الَّتِي صَلَّى اِلَيْهَا عَلِيّ،

٤٨٦. جعفر می‌گوید: خاله‌ام ام سالم دختر مسلم برای من گفت: وقتیکه امام حسین(علیه السلام) کشته شد آسمان بر خانه و دیوارهای ما خون بارید، بعد از آن بما خبر رسید که این حادثه در شام و کوفه و خراسان هم رخ داده است.

٤٨٧. زکریا دو حدیث از ابن عباس نقل کرده که هر دو مثل هم‌اند. ابن عباس می‌گوید:

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را در خواب دیدم که شیشه‌ای پر از خون بدست دارد، پرسیدم یا رسول الله این چه خونی است؟! فرمود: این خون حسین و اصحاب او است که از آن روزی که کشته شده مرا عزادار کرده است. ابن عباس گفت: من کلام پیامبر را بخاطر سپردم و دانستم همان روزی بوده که حسین کشته شده است.

٤٨٨. «هرثمة بن سلمی» می‌گوید:

با علی(علیه السلام) بسوی صفین خارج شدیم تا اینکه بکربلاء عبور کردیم و نماز عصر را نزدیک درختی با آنحضرت خواندیم، وقتیکه برگشت خاکی برداشت و بوئید و فرمود: وای بر تو ای خاک، زیرا گروهی بر روی تو کشته می‌شوند که بدون حساب داخل بهشت خواهند شد. وقتی که علی(علیه السلام) برگشت منهم با او برگشتم، و به زنم که از شیعیان علی بود گفتم: تعجب نمی‌کنی از مولای خود علی که عبورش بکربلا افتاد و با ما نماز عصر را خواند و موقعی که برگشت خاکی را مقابل بینی خود آورده آن را بوئید و فرمود: وای بر تو ای خاک زیرا گروهی روی تو کشته می‌شوند که بدون حساب داخل بهشت می‌شوند؟! زنم در جواب گفت: بخدا قسم که علی بی جهت چیزی را نمی‌گوید بلکه (خدا و رسول باو گفته‌اند.) راوی گوید: چند صباحی که گذشت من با عبیدالله و مالهای سواری او (بسوی کربلا) خارج شدیم و حدیث علی(علیه السلام) را فراموش کرده بودم تا اینکه عبور من بهمان درخت افتاد و من بیاد آن موضوع افتادم و اسب خود را راندم تا نزد

Scanned by CamScanner

فَكَاَنِى أَنْظُر اِلَيْهِ فَضَرَبْتُ خَاصِرَة فَرَسِى حَتَى صِرْتُ اِلَى الْحُسَيْنِ فَقَصَصْتُ عَلَيهْ الْقِصّة، فَقَالَ: «يَا هَرْثَمَة عَلَيْنَا اَمُ مَعَنَا؟» قُلْتُ: لَا عَلَيْكَ وَ لَا مَعَكَ، قَالَ: «وِلَمَ؟» قُلْتُ: اِنِّى تَرَكْتُ خَلْفِى ذُرِيَة ضُعَفَاء أَخَافُ مِنْ ابْنِ زِيَادِ عَلَيْهِم، فَقَالَ: «أَمَا فَالْحَقُ بِهِمْ فَاِنَّهُ لَا يَسْمَعُ وَاعِيَتَنَا رَجُلُ لَا يُجِيْبُنَا اِلَّا اَكَبَّهُ اللهُ فِى النَّار» (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید - ج ۳/ ص ۱٦۹، ۱۷۰)

٤٨٩. وَ ذَكَرَ زَكَرِيَا فِى كِتَابِ الْفِتَن حَدِيْثاً فَقَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَمْرو الْعَنْقَزى، قَالَ: حَدَّثَنَا اَبُو غَسَانَ عَنْ عَبْدِالسَّلَامَ بْنِ حَرْب عَنْ عَبْدِ الْمَلِكْ بْنِ كَرْدوُس حَاجِبُ عُبَيْدِاللهِ بْنِ زِيَاد، قَالَ: دَخَلْتُ الْقَصْر مَعَ عُبَيْدِاللهِ ابْنِ زِيَادِ، فَاَضْطَرَمَ الْقَصْر نَاراً، فَجَعَلَ عُبَيْدُاللهَ يَتَّقِى بِكُمِّهِ عَنْ وَجْهِهِ، ثُمَ قَالَ: لَا تَخْبِرُ بِهَذَا أَحَداً (مجمع الزوائد / ج ۹ / ص۱۹٦)

٤٩٠. وَ ذَكَر حَدِيْثاً آَخَر، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَنْقَزى، قَالَ: حَدَّثَنَا شِهَابُ ابْنُ عِبَاد، قَالَ: حَدَّثَنَا اَبُو مُعَاوِيَةَ عَنْ الْاَعْمَش عَنْ عُمارَةِ بْنِ عُمير، قَالَ: رَأَيْتُ رُؤسَ عُبَيْدِاللهَ وَ أَصْحَابِهِ قَدْ نَصبْتُ فِى الرَّحْبَةَ، فَجَائَتْ حَيَّةُ تُخَلِّلُ الرُؤوس حَتَى دَخَلَتْ فِى مَنْخَرى عُبَيْدِالله ثُمَ خَرَجْتْ ثُمَ جَاءَتْ، فَقَالُوا: قَدْ جَاءَتْ قَدْ جَاءَتْ، فَدَخَلَتْ فَلَمْ تخرُج

(سنن الترمذی، ج ۵، ص ٦٦٠، حدیث ۳۷۸۰)

Scanned by CamScanner

حسین«علیه السلام» آمدم و قصه را به عرض آن حضرت رساندم، فرمود: هرثمه تو به نفع مائی یا به ضرر ما؟ گفتم بر هیچکدام، فرمود: چرا؟ گفتم من دارای بچه‌های کوچکی هستم و می‌ترسم که ابن زیاد آنها را از بین ببرد، فرمود: برگرد به آنها ملحق شو زیرا کسی که صدای غریبی مرا بشنود و مرا یاری نکند خداوند او را بصورت در آتش دوزخ خواهد انداخت.

**۴۸۹.** عبدالملک بن کردوس دربان عبیدالله بن زیاد می‌گوید:
با عبیدالله داخل قصر شدیم که ناگاه آتشی در قصر شعله ور شد و عبیدالله بوسیله آستین خود آن آتش را از صورت دور می‌کرد و بمن می‌گفت: این موضوع را جائی نگوئی.

**۴۹۰.** عمارة بن عمیر می‌گوید:
سر عبیدالله و یاران او را دیدم که در رحبه بالای نیزه زده بودند و ماری آمد در بین سرها گردش کرد تا آمد نزد سر عبیدالله و داخل سوراخ بینی او شد، آنگاه بیرون آمد و در مرتبه دوم - در حالیکه مردم می‌گفتند - آمد آمد - داخل بینی او شد و بیرون نیامد.

Scanned by CamScanner

٤٩١. وَ ذَكَرَ زَكَرِيَّا فِی كِتَابِ الْفِتَنِ حَدِيْثاً آخَرَ، فَقَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ ابْنُ سَعِيْد الدَّارِمِی، قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ حَرْب، قَالَ: حَدَّثَنَا مَهْدِیُّ بْنُ مَيْمُونَ، قَالَ: حَدَّثَنِی مَرْوَانَ مَوْلی هِنْد، قَالَ: حَدَّثَنِی بَوَّابُ بْنُ زِيَادِ قَالَ: لَقَدْ نَظَرْتُ اِلَی حَيْطان دَارِ الْاِمَارَة يَوْمُ جِیَ بِرَأْسِ الْحُسَيْن وَ كَانَّهَا تَسِيْلُ دَمَا (مختصر تاریخ دمشق ج ٧، ص ١٥٠).

وَ ذَكَرَ حَدِيْثاً فِی أَحْجَارِ بَيْتِ الْمُقَدّس بَعْدَ قَتْلِ الْحُسَيْن صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْه، قَالَ:

٤٩٢. حَدَّثَنَا اَحْمَدُ بْنِ سَعِيْد، قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَيْمَان، قَالَ: حَدَّثَنَا حِمَّادُ عَنْ مَعْمَرٍ، قَالَ: اِنَّ اَوَّلَ مَا عَرَفَ الزُّهَرِی أَنَّهُ كَانَ عِنْدَ عَبْدِالْمَلِكِ بْن مَرْوَان، فَسَأَلَ جَلَسَاءَه مَنْ مِنْكُم مَنْ يَعْلَمُ مَا صَنَعْتَ أَحْجَارُ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ يَوْمَ قُتِلَ الْحُسَيْن؟ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَ أَحَدِ مِنْهُ عِلْمُ، فَقَال الزُّهَرِی: بَلَغَنِی أَنَّهُ لَمْ يُقَلَبْ يومَئذ مِنْها حَجَرُ اِلَّا وَجَدُوا تَحْتَهُ دَماً عَبِيْطاً (مختصر تاريخ دمشق ج ٧،ص ١٥٠).

٤٩٣. وَ ذَكَرَ زَكَرِيَّا حَدِيْثاً آخَرَ فِی ذَلِكَ، فَقَالَ: حَدَّثَنَا عَلِیُّ بْنُ سَلَمَة قَالَ: حَدَّثَنَا اَسْبَاطُ عَنْ أَبِی بَكْرِ الْهُذَلِی عَنِ الزُّهَرِی، قَالَ: لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْن ابْنُ عَلِی لَمْ تُقْلَبْ بِبَيْتِ الْمُقَدَس حِصَاةُ اِلَّا وُجِدَ تَحْتَهَا دَمُ عَبِيْط (دم المذبوح) (مختصر تاریخ دمشق، ج ٧، ص ١٥٠)

٤٩٤. وَ ذَكَرَ زَكَرِيَّا، قَالَ: حَدَّثَنَا اِبْرَاهِيْمُ بْنُ عَبْدِالله السَّعْدِی، قَالَ: حَدَّثَنَا اَبُوعَاصِمُ عَنِ ابْنِ جُرَيْج عَنِ ابْنِ شَهَاب، قَالَ: مَا قُلِبَ حَجَرَ بِالْشَام يَوْمُ قُتِلَ الْحُسَيْن اِلَّا عَنْ دَم (مجمع الزوائد: ج ٩، ص ١٩٦)

Scanned by CamScanner

**۴۹۱.** دربان ابن زیاد می‌گوید:

روزی که سر حسین(علیه السلام) را در حیاط‌های دارالاماره آوردند من نگاه می‌کردم و می‌دیدم مثل اینکه از سر آن حضرت خون جاری است. وی این حدیث را بعد از شهادت امام حسین علیه السلام در کنار سنگ‌های بیت المقدس می‌گفت.

**۴۹۲.** حماد از معمر نقل کرده که می‌گفت:

روزی عبدالملک مروان از اهل مجلس خود پرسید کدام یک از شماها می‌دانید که در روز قتل حسین(علیه السلام) سنگ‌های بیت المقدس چه عملی کردند؟ هیچکس را درباره این موضوع اطلاعی نداشت ولی زهری در جواب گفت: به من خبر رسیده که در آن روز هیچ سنگی را بلند نمی‌کردند مگر اینکه خون تازه در زیر آن می‌یافتند.

**۴۹۳.** ابوبکر هذلی از زهری نقل کرده که گفت:

وقتی که حسین بن علی(علیه السلام) کشته شد هیچ سنگ ریزه‌ای را در بیت‌المقدس بلند نمی‌کردند مگر اینکه خون تازه در زیر آن یافت می‌شد.

**۴۹۴.** ابن شهاب گوید:

روز قتل امام حسین(علیه السلام) هیچ سنگی را حرکت نمی‌دادند مگر اینکه زیر آن خون بود.

Scanned by CamScanner

**۴۹۵.** وَ ذَكَرَ زَكَرِيَّا اَيضاً، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنِ الْحَسَن، قَالَ: حَـدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَعْد عَمَّنْ حَدَّثَهَ عَنْ سَعِيْد بْـنِ الْـمُسَيِب: أَنَّ عَبْدَالْـمَلِك بْنِ مَرْوَان كَتَبَ اِلَيه: هَلْ تَعْلَم آيةً كَانَتْ يَوْمَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِي؟ قَالَ سَعِيْد: نِعَم، مَا قُلِبَتْ حِصَاةٌ فِي بَيْتِ الْـمُقَدَّس يَوْمَ قُتِلَ الْحُسَيْنِ اِلَّا وُجِدَ تَحْتَها دَمٌ عَبِيْط (دم المذبوح)

(مختصر تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۱۵۰)

**۴۹۶.** وَرَوَى زَكَرِيَا فِي «بَابُ جَوَامِعُ فِي الْفِتَن» قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْقُوبَ بْن اِبْرَاهِيْم الدَّوْرَقِي، قَالَ: حَدَّثَنَا اَبُو تُمَيلة عَنِ الْحُسَيْن بْنِ وَاقِـد، وَ حَـدَّثَنَا الدَّوْرِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَن عَنِ الْحُسَيْن بْنِ وَاقِد عَنْ عَـبْدِالله ابْنِ بُرَيْدَة عَنْ أَبِيْه أَنَّ رَسُولَ الله (ص) كَانَ يَخْطِبُ اِذَا أَقْـبَلَ الْحَسَـن وَ رَفَعَهُمَا، ثُمَ قَالَ: «صَدَقَ اللهُ اِنَّمَا اَمْوَالُكُمْ وَ اَوْلَادُكُم فِـتْنَة) نَـظَرْتُ اِلَى هَذِيْن الصَّـبِيَيْن يَمْشِـيَان وَ يَـعْثِرَان فَـلَمْ اَصْـبِرْ حَـتَى قَـطَعْتُ حَمْـدِي وَ رَفَعْتُهُمَا». (مختصر تاریخ دمشق: ج ۷، ص ۱۲۲)

## الباب ۳۵

فِيْمَا نَذْكَرَهُ مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ لِزَكَرِيَا عَنِ النَّبِي صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَنَّ النَّاسَ دَخَلُوا فِي دِينِ اللهِ أَفْواجاً وَ سَيَخْرُجُونَ مِنْهُ أَفْوَاجاً قَالَ مَا هَذَا لَفْظُهُ

**۴۹۷.** قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِّي بْنُ سَلَمَةِ اللَّبْقِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو اُسَامَه قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو اِسْحَاقِ الْفَزَارِي، قَالَ: حَدَّثَنَا الْاَوْزَاعِي، قَالَ: حَدَّثَنَا اَبُو عَمَّارِ، قَالَ: حَدَّثَنِي جَارٌ كَـانَ لِجَـابِر بْـنِ عَبْدِالله، قَالَ:

قَدِمْتُ مِنْ سَفَرٍ فَجَاءَنِي جَابِر، فَسَلَّمَ عَلَيَّ، فَجَعَلْتُ اُحَدِّثُهُ عَنْ اِفْتِرَاقِ

Scanned by CamScanner

**۴۹۵.** «سعید بن مسیب» گوید:

عبدالملک مروان نامه‌ای بمن نوشت: آیا در روز قتل امام حسین﴿علیه السلام﴾ علامتی در کار بود؟ سعید بن مسیب در جوابش نوشت: آری در بیت المقدس هیچ سنگی را حرکت نمی‌دادند مگر اینکه خون تازه در زیر آن یافت می‌شد.

**۴۹۶.** عبداللّه بن بریدة از پدرش روایت کرده که روزی رسول اللّه﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ خطبه می‌خواند که ناگاه امام حسن و امام حسین﴿علیهما السلام﴾ در حالیکه هر کدام پیراهن قرمزی پوشیده بودند می‌آمدند و بزمین می‌خوردند. راوی گوید: پیغمبر خدا﴿صلی الله علیه و آله و سلم﴾ از منبر بزیر آمد و آن دو بزرگوار را بغل کرد و فرمود: خدا راست فرموده که: «جز این نیست که ثروت و فرزندان شما فتنه‌اند»

من به ایندو کودک نظر کردم که می‌آمدند و بزمین می‌خورند نتوانستم صبر کنم تا اینکه حمدم را قطع کردم و ایشان را بلند کردم.

## باب سی و پنجم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن پیرامون سخن پیامبر که فرمود: مردمی‌که گروه گروه در دین الهی وارد می‌شدند بزودی دسته دسته خارج می‌شوند

**۴۹۷.** ابوعمار می‌گوید: همسایه جابر بن عبداللّه برای من نقل کرد که من از سفر آمده بودم و جابر بدیدن من آمده سلام کرد و سپس از بی وفایی مردم برایش گفتم او شروع به گریه کرد و گفت:

Scanned by CamScanner

النَّاسِ وَ مَا أُحَدِّثُوا، فَجَعَلَ جَابِر يَبْكِي، ثُمَّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولُ اللهِ(ص)، يَقُولُ: «اِنَّ النَّاسَ دَخَلُوا فِي دِينِ اللهِ اَفْوَاجاً، وَ سَيَخْرِجُونَ مِنْهُ افواجاً» (كنزالعمال ج ١١: ص ١٢٤، حديث ٣٠٨٧٤)

## الباب ٣٦

فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنْ كِتَابِ زَكَرِيَا فِي الْفِتَنِ فِي أَنَّ
أَهْلَ مَكَّةَ يَخْرُجُونَ مِنْهَا فَلَا يَعُودُونَ اِلَيْهَا أَبَداً

٤٩٨. قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ عَفَّانٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ لَهِيْعَةِ عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ عَنْ جَابِرٍ أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولُ اللهِ(ص)، يَقُولُ:

«سَيَخْرُجَ أَهْلُ مَكَّةَ مِنْهَا ثُمَّ لَا يُعَبِّرُ بَعْدَهُمْ اِلَّا قَلِيْلِ حَتَّى تُعْمَرُ وَ تُمْتَلَى ثُمَّ يَخْرُجُونَ مِنْهَا وَ لَا يَعُودُونَ فِيْهَا أَبَداً».

(كنزالعمال: ج ١٤، ص ٢١٨، حديث ٣٨٤٥٩)

وَ رَوَاهُ بِطَرِيْقٍ آخرٍ فِي تَرْجُمَةِ أَخْبَارِ جَوَامِع عُنِ النَّبِي ﴿صلى الله عليه وآله﴾.

## الباب ٣٧

فِيمَا نَذْكَرَهُ عَنْ زَكَرِيَّا مِنْ كِتَابِ الْفِتَنِ أَنَّ مَوْلَانَا عَلِيّاً عليه السلام لَمَّا أَخْبَر اَصْحَابَهُ بِحَالِهِ وَ غَلَبَةِ بَنِي اُمَيَّه رَحَلَ جَمَاعَةُ مِنْهُمْ اِلَى مُعَاوِيَة

٤٩٩. قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّد بْنَ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُوصَالِحْ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَرْمَلَةُ بْنِ عِمْرَان عَنْ سَعِيْدِ بْنِ أَبِي سَالِمِ الْجَيْشَانِي، قَالَ: سَمِعْت أَبَا سَالِمِ يَقُول:

كُنَّا مَعَ عَلَى ابْنِ أَبِي طَالِبَ بِالْكُوفَةِ، فَقَالَ يَوْماً مِنَ الْاَيَامَ وَ نَحْنُ عِنْدَهُ: «أَنِّي سِبْطُ مِنَ الْاَسْبَاطِ أُقَاتِلُ عَلَى حَقِّ لِيَقُومَ وَ لَنْ يَقُومَ وَ الْاَمْرُ لَهُمْ، فَإِذَا

Scanned by CamScanner

از رسول خدا(ﷺ) شنیدم که فرمود: همانطور که مردم در آغاز گروه گروه مسلمان می‌شدند به همان صورت هم از دین خارج خواهند شد.

## باب سی و ششم

**بیانی است از کتاب فتن زکریا که اهل مکه از شهر خارج شده و هیچگاه باز نخواهند گشت**

**۴۹۸.** عمر بن خطاب از حضرت محمد بن عبدالله(ﷺ) روایت کرده که فرمود: بزودی اهل مکه از مکه خارج می‌شوند و پس از آن تغییر چندانی واقع نخواهد شد تا اینکه دوباره به مکه پناهنده شوند آنگاه از مکه خارج می‌شوند و هیچگاه بر نمی‌گردند.

## باب سی و هفتم

**بیانی است از زکریا در کتاب فتن خود پیرامون سخنان حضرت علی(ع) به یاران خود که فرمود: زمانی نخواهد گذشت که‌بنی امیه بر شما چیره خواهند شد و گروهی بسوی اندیشه معاویه خواهند رفت**

**۴۹۹.** ابوسالم می‌گوید:

ما در کوفه در خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) بودیم، یکی از روزها که در خدمتش بودیم فرمود:

کدام سبط از اسباط است که برای حق می‌جنگد تا حق را اقامه کند ولی حق اقامه نخواهد شد و امر خلافت برای آن‌ها (بنی امیه) خواهد بود و

Scanned by CamScanner

كَثِرُوا فَتَنَافَسُوا فَتَتَلُوا قَتِيْلَهُم بَعَثَ اللهُ عَلَيْهِم أَقْوَاماً مِنْ أَهْلِ الْمَشْرِق، فَقَتَلَهُم بَدَداً وَ أَحْصَاهُمْ عَدَداً، وَ اللهُ لَا يَمْلِكُونَ سَنَةً اِلَّا مَلَكْنَا سَنَتَيْن، وَ لَا يَمْلِكُونَ سَنَتَيْنِ اِلَّا مَلَكْنَا أَرْبَعاً، وَ مَا مِنْ ثَلَاثَمَائِةَ تَخْرُجُ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةْ، اِلَا لَوْ شِئْتَ لَسَمَّيْتَ لَكُم سَائِقَهَا وَ نَاعِقَهَا». قَالَ: فَقُلْتَ لِبَعْضِ أَصْحَابِي: فَمَا الْمَقَام وَ قَدْ أَخْبَرَ أَنَّ الْاَمْر لَهُم، قَالُوا: لَا شَيْء قَالَ: فَاسْتَأْذَنَّا اِلَى مِصْر، فَاَذِنَ لِمَنْ شَاءَ، وَ أَعْطَى كُلَّ رَجُلٍ مِنَّا أَلْفَ دِرْهَم، وَ أَقَام مَعَهُ طَائِفَةً مِنَّا. (کتاب الفتن لابن حماد، ج ۱، ص ۱۲۷، حدیث ۳۰۴)

## الباب ۳۸

### فِيْمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِي تَرْجُمَةِ أَخْبَارِ جَوَامِع عَنْ مَوْلَانَا عَلِيٍّ عليه السلام، فِي الْاِشَارَةِ اِلَى الْمَهْدِي عليه السلام

۵۰۰. قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنَ الْحَسَن الذُّهلی، قَالَ: حَدَّثَنَا اَبُو مُعَاوِيَة عَنِ الْاَعْمَش عَنْ اِبْرَاهِيْم التَيْمِی عَنِ الْحَارِثِ بْنِ سُوَيد عَنْ عَلِيِ بْنِ أَبِي طَالب، قَالَ: «يَنْقُصُ الْاِسْلَامِ حَتَى لَا يُقَال: لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ، فَاذَا فَعَلَ ذَلِك ضَرَبَ يَعْسُوبُ الْدِيْن بِذَنَبِه، فَاِذَا فَعَل ذَلِك بَعَثَ اللهُ قَوْماً يَجْتَمِعُونَ كَمَا تَجْتَمِعَ قَزَع الْخَرِيْف، وَ الله اِنِّي لَاَعْرِفُ اِسْمَ اَمِيْرِهِم وَ مَنَاخِ رِكَابِهِم» (کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۵۵۷، حدیث ۳۹۵۹۱).

موقعی که (بنی امیه) زیاد شدند و بدنیا میل پیدا کردند و قربانی خود را کشتند خدا قومی را از مشرق می‌فرستد تا هر یک از آنها را بکشد بخدا سوگند که آن‌ها یک سال سلطنت نمی‌کنند مگر اینکه ما دو سال سلطنت می‌کنیم و آن‌ها دو سال سلطنت نمی‌کنند مگر اینکه ما چهار سال سلطنت خواهیم کرد، راوی گوید: ببعضی از یاران خود گفتم: جای ماندن ما نیست زیرا علی(علیه السلام) می‌گوید: امر خلافت برای بنی امیه خواهد بود، یاران من گفتند: پس دیگر چیزی در کار نیست آنگاه از آن حضرت اجازه گرفتیم برای مصر، آن بزرگوار بهرکسیکه خواست اجازه داد و به هرکدام از آن‌ها دو هزار درهم داد و عده‌ای هم با آن حضرت ماندند.

## باب سی و هشتم

### بیانی است از زکریا پیرامون روایاتی که از علی(علیه السلام) رسیده که در آنها به ظهور حضرت مهدی (عج) اشاره شده است

**۵۰۰.** حارث بن سوید از علی بن ابیطالب(علیه السلام) روایت کرده که فرمود:

اسلام بطوری ضعیف و ناتوان می‌شود که شهادت به یگانگی خدا نتوان داد موقعی که کار به اینجا رسید حاکم دینی با تابعین خود حرکت می‌کند و بهنگام حرکت خداوند قومی را بر می‌انگیزد که بدور او اجتماع کنند آنطور که بدور قزع الخریف اجتماع می‌کنند بخدا قسم که من اسم امیر و محل خواباندن شتران آنها را می‌دانم.

Scanned by CamScanner

# الباب ۳۹

## مِن كِتَابِ الْفِتَنِ فِيْمَا رَوَاهُ مِنْ خُلُوِّ الْـمَدِيْنَة مِنْ أَهْلِهَا، عَنِ النَّبِي (ﷺ)

**۵۰۱.** قَالَ: حَدَّثَنَا اَيُّوبُ عَنِ الْحَسَنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ وَ مُوسَى عَنْ ابْنِ لَهِيْعَة عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ عَنْ جَابِرٍ أَنَّ رَسُولَ اللهِ(ص) قَالَ:

«لَيَسِيْرُنَّ رَاكِبُ فِي جَنْبِ وَادِي الْـمَدِيْنَة فَلَيَقُولَنَّ: لَقَدْ كَانَ فِي هَـذِهِ مَرَّةً حَاضِرٍ مِنَ الْـمُؤْمِنِينِ كَثِيرُ»

(مسند أحمدبن حنبل / ج ٤ / ص ٣٠٠ حديث ١٤٢٦٨)

**۵۰۲.** وَ قَالَ رَسُولُ اللهِ(ص):

«لَيَتْرُكَنَّ أَهْلَها مَرْطَبَة» قَالُوا: فَمَنْ يَأْكُلُهَا؟ قَـالَ: «عَـافِيَة الطَّـيْرِ وَ الْسِبَاعِ». (مسند أحمدبن حنبل، ج ٤ / ص ٣٠٠، حديث ١٤٢٦٩)

**۵۰۳.** وَ قَالَ رَسُولُ اللهِ(ص):

«لِيَأْتِيَنَّ عَلَى الْـمَدِيْنَةِ زَمَانُ يَنْطَلِقُ النَّاسُ مِنْهَا اِلَى الآفَاقِ يَلْتَمِسُونَ الرَّخَاءِ فَيَجِدُونَ الرَّخَـاءَ ثُمَّ يَأْتُـونَ فَـيَحْمِلُونَ أَهَـالِيْهِمِ اِلَى الرَّخَـاء، وَ الْـمَدِيْنَة خَيْرٌ لَهُم لَوْ كَانُوا يَعْلَمُون، وَ اِنَّمَا الْـمَدِيْنَةِ كَالْكِيرِ(هو الزق الذى ينفخ به النار) لَا يَقْرِبُهَا اِنِ شَاءَ اللهُ الطَّاعُونَ وَ الدَّجَّال، وَ الْـمَلَائِكَة يَحْرِسُونَهَا عَلَى نِقَابِهَا وَ أَبْوَابِهَا».

قَالَ جَابِر: وَ سَمِعْتُ رَسُولَ الله(ص)، يَقُول: «لَا يَحِلُّ لِاَحَدِ أَنْ يَحْمِلَ فِيْهَا سِلَاحاً لِقِتَالٍ». (مسند أحمد بن حنبل ج ٤، ص ٣٠١، حديث ١٤٢٧٠)

Scanned by CamScanner

## باب سی و نهم

### حدیثی است از پیامبر که زکریا در کتاب فتن خود، آورده به اینکه در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) شهر مدینه از سکنه خالی خواهد شد

**۵۰۱.** جابر از پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود:

بزودی سواری به کنار مدینه می‌آید و می‌گوید: زندگی در این شهر تلخ خواهد بود و گروه زیادی از مؤمنین هم حضور دارند.

**۵۰۲.** رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: اهل مدینه شهر را ترک خواهند کرد گفتند: پس چه کسی مواد غذایی مدینه را می‌خورد؟ فرمود: پرندگان و چرندگانی که در طلب روزیند.

**۵۰۳.** و نیز رسول خدا فرمود:

زمانی بیاید که مردم بخاطر گشایش زندگی شهر را ترک نمایند و باطراف روند و زندگی آنها هم توسعه خواهد یافت و اهل و عیال خود را هم می‌برند، ولی اگر بتوانند شهر را ترک نکنند برای آنها بهتر است. زیرا مدینه نظیر کوره (آهنگران) است (که جز آهن خالص چیزی در آن نخواهد ماند) طاعون و وبا و دجال در مدینه نمی‌آیند فرشتگان مدینه را حفظ می‌کنند.

جابر می‌گوید:

از آنحضرت شنیدم که می‌فرمود:برای هیچکس روا نیست که به مدینه اسلحه بیاورد و بجنگند.

Scanned by CamScanner

## الباب ۴۰

فِيْمَا رَوَاهَ زَكَرِيَّا فِى خَرَابِ مَصْر مِنْ كِتَابِ الْفِتَن

**٥٠٤.** عَنْ ابن عمر أَنَّهُ قَالَ:

وَ اللهُ إِنِّى لَأَعْلَمُ السَّبَبَ الَّذِى تَخْرُجُونَ بِهِ مِنْ مِصْر، فَقُلْتُ لَهُ: مَا يُخْرِجُنَا مِنْهَا؟ أَعَدُوٌّ؟ فَقَالَ: لَا، وَلٰكِنَّ يُخْرِجُكُمْ نَيْلُكُمْ هَذَا يَغُورُ فَلَا تَبْقَ مِنْهُ قَطْرَة حَتَى يَكُونَ فِيْهَ الْكَثْبَانَ (تلّ) مِنَ الرَّمَل.

## الباب ۴۱

فِيمَا رَوَاهُ مِنْ خُرُوجِ أَهْلِ الْكُوفَة

مِنْهَا حَتَى لَا يَمْلِكُونَ صَاعاً وَ لَا مُدّا

**٥٠٥.** قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مَنْصُورُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَقَبةُ عَنْ عَطَاءِ بْنِ السَّائِب عَنْ أَبِيْه، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عَبْدِاللهِ بْنِ عُمر فِى حَائِطِه، فَقَالَ: مِمَّنْ أَنْتَ؟ فَقُلْتُ: مِنْ أَهْل الْكُوفَة، أَوْ مِنْ أَهْلِ الْعَرَاقَ، قَالَ: فَحَلَفَ وَ اللهُ لَا يَسْتَثْنَى لَيُخْرَجُنَّ مِنْهَا حَتَّى لَا يَمْلِكُونَ مِنْهَا صَاعاً وَ لَا مُدّاً.

## الباب ۴۲

فِيمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِى كِتَابِ الْفِتَنِ فِى تَرْجُمَةِ أَخْبَارِ جَوَامِع

فِى الْمَهْدِى، وَ أَنَّهُ يَمْكِنُ أَنْ يَأْتِى مِنَ الْمَشْرِقُ أَوْ مِنَ الْمَغْرِب

**٥٠٦.** قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو نَعِيْم، قَالَ: حَدَّثَنَا الْوَلِيْدُ بْنُ جَمِيعُ، قَالَ: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنَفِيَّةِ:

يَا أَبَا الطُّفَيْل اَلْزِمُ هَذَا الْمَسْجِدِ، وَ كَنْ حَمَامَةً مِنُ حَمَامِه حَتَى يَأْتِيَكَ أَمْرُنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا إِذَا جَاءَ لَيْسَ بِهِ خِفَاءُ كَمَا لَيْسَ بِالشَّمْسِ إِذَا طَلَعَتْ خِفَاء،

Scanned by CamScanner

## باب چهلم

**بیانی است از زکریا در کتاب فتن خود، از خرابی مصر در زمان ظهور حضرت مهدی (عج)**

**۵۰۴.** ابن عمر می‌گوید:

بخدا سوگند من می‌دانم که چرا شما از مصر خارج می‌شوید راوی گوید: من گفتم: دشمن ما را خارج می‌کند؟ گفت: نه بلکه شما را رود نیل به خاطر خشکی خارج می‌کند، زیرا که آب نیل بطوری خشک می‌شود که قطره آبی در آن باقی نمی‌ماند ولی در عوض آب در تپه‌های شنی باقی خواهد ماند.

## باب چهل و یکم

**بیانی است از زکریا در کتاب فتن خود، پیرامون خروج مردم کوفه که در آن زمان هیچکس مالک ظرف غذائی نخواهد بود**

**۵۰۵.** عطاء بن سائب از پدرش روایت می‌کند که گفت: عبدالله بن عمر کنار دیواری قرار داشت من بنزد او رفتم و از من پرسید: اهل کجائی؟ گفتم: اهل کوفه راوی می‌گوید: ابن عمر قسم خورد و گفت: بدون استثناء اهل کوفه از شهر بیرون رانده می‌شوند در حالی که از مواد غذایی چیزی ندارند.

## باب چهل و دوم

**بیانی است از زکریا در کتاب فتن خود، پیرامون روایاتی که حضرت مهدی (عج) ممکن است از سمت مشرق یا از مغرب ظهور نماید**

**۵۰۶.** ولید می‌گوید: محمد بن حنفیه بمن گفت: ای اباطفیل در این مسجد همانند یکی از کبوترهای آن بمان تا اینکه امام زمان بیاید و او پنهان

Scanned by CamScanner

وَ مَا يَدْرِيْكَ اِنْ قَالَ النَّاسُ، اِنَهُ يأْتِيَ مِنَ الْـمَشْرِق فَيَأْتِيَ اللهِ بِهِ مِـنَ الْـمَغْرِب، وَ مَا يُدْرِيك اِنْ قَالَ النَّاسُ: اِنَهُ يَأْتِيَ مِنَ الْـمَغْرِب فَيَأْتِيَ اللهَ بِهِ مِنَ الْـمَشْرِق، وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهَ سَيُهْدَى اِلَيْنا كَمَا تُهدَى الْعَرُوس.

## الباب ۴۳

فِيمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِى كِتَابِ الْفِتَنِ فِى تَرْجُمَة
أَخْبَارِ جَوَامِع عَنْ ثُبُوتِ أَمْرِ الْـمَهْدِى

**۵۰۷.** قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقَ عَنْ ابْنِ عَيْينَة عَنْ عَمْرِو بْنِ دِيْنَارَ عَنْ أَبِى مَعْبَد مَوْلَى اِبْنُ عَبَاسِ، قَالَ:

وَافَقْتُ مِنْ اِبْنِ عَبَاسَ يَوْماً طَابَتْ فَيه نَفْسُهُ، قَالَ: قُلْتُ: يَا أَبَا عَبَاس حَدَّثنِي عَنِ الْـمَهْدِى قَالَ: أَنِّى لَارْجُو أَنْ لاَ تَنْقَضِيَ اللَّيَالِى وَ الْاَيَام حَتَى يَبْعَثَ اللهُ مِنَّا اَهْلَ الْبَيْتُ غُلَاماً شَابَّاً، اَوْ قَالَ: فَتَى شَابّاً لَمْ يَلْبِسْ الْفِتَن وَ لَمْ تَلْبِسْهُ، فَيُقِيْمَ اَمْرَ اللهِ قَالَ: قُلْتُ: يَا أَبَا عَبَّاس أَعْـجَزَ عَـنْها كُـهُولُكُم وَ تَرْجُوها لِشَبابِكُمْ؟ قَالَ: اِنَّ اللهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ.

(کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۵۸۵و۵۸۶، حدیث ۳۹۶۵۸).

## الباب ۴۴

فِيمَا ذَكَّرَهُ زَكَرِيَّا بِاِسْنَادِهِ عَنُ سَعِيْد بْنِ الْـمُسَيِّب:
اِنَّ الْـمَهْدِى مِنْ وُلْدِ فَاطِمَة عَلَيْهِما السّلاَم.

**۵۰۸.** قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثنَا عَبْدُ الرَّزَّاق، قَالَ: حَدَّثنَا مُـعَمِّر عَـنْ قُتَادَةَ، قَالَ: قُلْتُ لِابْنِ الْـمُسَيِّب:

اَلْمَهْدِى حَقٌّ؟ قَالَ: حَقٌّ، قُلْتُ: مِنْ قُرَيْش هُوَ؟ قَالَ: نِعَمْ، قُلْتُ: مِنْ أَيِّ قُرَيْش؟ قَالَ: مِنْ بَنِي هَـاشِمْ، قُـلْتُ: مِـنْ أَيَّ بَـنِي هَـاشِمْ؟ قَـالَ: مِـنْ

نیست همانطور که خورشید پنهان نمی‌باشد اگر مردم بگویند از مشرق طلوع می‌کند خداوند او را از مغرب می‌فرستد و اگر بگویند از مغرب طلوع می‌کند خداوند او را از مشرق می‌فرستد شاید به سوی ما هدایت شود همانطور که عروس هدایت می‌شود.

## باب چهل و سوم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن خود، پیرامون اخباری که امر حضرت مهدی (عج) اثبات می‌کند

**۵۰۷.** ابومعبد غلام ابن عباس می‌گوید:

روزی بر ابن عباس وارد شدم و گفتم: یابن عباس از مهدی برای من چیزی بگو، گفت: من امیدوارم که زمانی نگذرد که خدا جوانی را از ما خانواده برانگیزد آن جوان فتنه و فساد را از بین می‌برد و خود از فتنه‌ها محفوظ می‌ماند اوست که فرمان خدا را اجرا خواهد کرد، گفتم: یابن عباس پیران شما از اجرای این کار ناتوان شدند و آن را به جوانان خود واگذار کردند؟ گفت: خدا هر کاری را که بخواهد می‌کند.

## باب چهل و چهارم

### بیانی است از زکریا که از سعید بن مسیب نقل می‌کند به اینکه حضرت مهدی (عج) از فرزندان فاطمه است

**۵۰۸.** قتاده می‌گوید: به فرزند مسیب گفتم: کار مهدی حق است؟ گفت: بلی حق است گفتم: او از قریش است؟ گفت: آری، گفتم: از کدام قریش؟ گفت: از بنی هاشم گفتم: از کدام بنی هاشم؟ گفت:

Scanned by CamScanner

عَبْدِالْـمُطَلِبْ، قُلْتُ: مِنْ أَیِّ عَبْدِالْـمُطَلِبِ؟ قَالَ: مِنْ وُلْدِ فَاطِمَة

(کتاب الفتن -لابن حماد- ج ۱: ص۳۶۸/حدیث ۱۰۸۲).

## الباب ۴۵

فِیمَا ذَکَرَهُ زَکَرِیَّا فِی تَرْجُمَةِ أَخْبَارِ جَوَامِع مِنْ کِتَابِ الْفِتَن.

**۵۰۹.** قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنَ یَحْیَی، قَالَ: حَدَّثَنَا یَزِیْدُ بْنُ هَارُونَ، قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَیْمَانُ التَیْمِی عَنْ سَیَّار عَنْ اِبْنِ عَبَاس، قَالَ:

لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیَا اِلَّا لَیْلَةٌ، أَوْ قَالَ: یَوْم، لَخَرَجَ الْـمَهْدِی.

## الباب ۴۶

فِیمَا ذَکَرَهُ زَکَرِیَّا فِی کِتَابِ الْفِتَنِ فِی تَرْجُمَةِ أَخْبَارِ جَوَامِع مِنْ تَعیینِ النَّبِی ﷺ اثْنَی عَشَرَ خَلْیفَة.

**۵۱۰.** قَالَ: حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِی الْجَهْضَمِی، قَالَ:حَدَّثَنَا یَزِیدُ بْنُ زُرِیع، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُاللهِ بْنِ عَوْن عَنُ الشَّعْبِی عَنُ جَابِر بْنِ سَمُرَة، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهَ(ص):

«لَا یَزَالُ هَذَا الْدِیْن عَزِیْزاً مَنِیْعاً اِلَی اثْنَی عَشَرَ خَلِیْفَة یَنْصُرُونَ عَلَی مَنْ نَاوَأَهُمَّ» ثُمَ تَکَلَّم بِکَلَمَةِ خَفِیَّة صَمَّنِیها النَّاسُ سَأَلْتُ أَبِی عَنْهَا، قَالَ: فَقَالَ: «کُلُّهُمْ مِنْ قُرَیْش» (کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۳۲، حدیث ۳۳۸۵۰)

## الباب ۴۷

فِیمَا ذَکَرُه أَیْضاً مِنْ تَعْیینِ اثْنَی عَشَرَ خَلِیفَة

**۵۱۱.** قَالَ: حَدَّثَنَا مُسْلِمِ بْنِ الْحَجَّاج، قَالَ: حَدَّثَنَا هَدَّابُ بْنُ خَالِدِ الْأَزْدِی، قَالَ: حَدَّثَنَاحَمَّادُ بْنُ سَلَمَة عَنْ سَمَاکِ بْنِ حَرْبِ، قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرْ سَمُرَة یَقُول: سَمِعْتُ رَسُولَ اللهَ(ص) یَقُولُ:

«لَا یَزَالُ الاِسْلَام عَزِیزاً اِلَی اِثْنَی عَشَر خَلِیْفَة» ثُمَ قَالَ کَلِمَةً لَمْ اَفْهِمْهَا، فَقُلْتَ لَابِی: مَا قَالَ؟ قَالَ: «کُلَّهُمْ مِنْ قُرَیْش».

(مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۹۵، حدیث ۲۰۳۲۷)

از عبدالمطلب گفتم: از کدام عبدالمطلب؟ گفت: از فرزندان فاطمه علیهاالسلام

## باب چهل و پنجم

### بیانی است از زکریا پیرامون اخبار جوامع از کتاب فتن

**۵۰۹.** ابن عباس می‌گوید:

اگر از دنیا بیشتر از یک شب یا یک روز باقی نمانده باشد مهدی(عج) خروج خواهد کرد.

## باب چهل و ششم

### بیانی است از زکریا در کتاب فتن، در ترجمه اخبار جوامع که پیامبر دوازده خلیفه را بعد از خود معین فرمود

**۵۱۰.** جابر بن سمره از رسول اللّه(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روایت کرده که فرمود:

این دین همیشه عزیز و باارزش خواهد بود تا آنکه دوازده خلیفه به یاری کسی برخیزند که پشتیبان آنهاست. آنگاه پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کلمه‌ای را گفت که مردم آن را نشنیدند، من از پدرم پرسیدم که چه می‌گفت؟ گفت: می‌فرمود: آن دوازده نفر از قریش خواهند بود.

## باب چهل و هفتم

### و نیز زکریا ذکر کرده است که پیامبر بعد از خود دوازده خلیفه را تعیین فرمود

**۵۱۱.** جابر بن سمره می‌گوید:

از رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شنیدم که می‌فرمود:

اسلام همه وقت عزیز است تا دوازدهمین خلیفه (ظهور کند) آنگاه کلمه‌ای گفت که من نفهمیدم از پدرم پرسیدم که چه گفت؟ گفت: می‌فرماید: همه آنها از قریشند.

Scanned by CamScanner

## الباب ۴۸

### فِيمَا ذَكَرُه اَيْضا زَكَرِيا فِي تَرْجُمَهِ أَخْبَارِ جَوَامِعْ فِي اثْنى عَشَرَ أَمِيْراً

**۵۱۲.** قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُالرَّحْمَن بْنِ الْـمَهْدِى عَنِ سُفْيَان عَنِ عَبْدِالْـمَلِكَ - يَعْنِى ابْنِ عُمَيْر- عَنُ جَابِرُ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: جِئْتُ أَنَا وَ أَبِي إِلَى النَّـبِي(ص)، فَقَالَ:

**«لَا يَزَالُ هَذَا الْاَمْر صَالِحاً حَتَى يَكُونَ اثْنَا عَشَرَ اَمِيْراً» ثُمَ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَفْهَمُهَا، فَقُلْتُ لَابِي: مَا قَالَ؟ قَالَ: كُلَّهُمْ مِنْ قُرَيْش»**

(مسند احمد بن حنبل، ج٦،ص١٠٦، حديث ٢٠٤١٦)

## الباب ۴۹

### فِيمَا ذَكَرهُ زَكَرِيّا عَنِ الْـمَهْدِى وَ خُرُوجِه

**۵۱۳.** قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنِ عُبَيْد الطَّنَافِسِى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى الْجُهَنِي عَنْ عَمْرو بْنِ قَيْسِ الْـمَاصِر، قَالَ: قُلْتُ لِمُجَاهِد: عِنْدَكَ فِي شَأْنِ الْـمَهْدِى شَئ؟ فَإِنَّ هؤُلَاءِ الْشِيْعَة لَا نُصَدِّقُهُمْ، قَالَ: نِعَم عِنْدِى فِيْهِ شَىْء مُثْبَتِ، حَدَّثَنِي رَجُلُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِي(ص): **أَنَّ الْـمَهْدِى لَا يَخْرُجُ حَتَى تُقْتَلُ النَّفْسُ الزَّكِيَةِ، فَإِذَا قُتِلَتِ النَّفْسُ الزَّكِيَةِ غَضَبَ عَـلَيْهِم مَـنْ فِي السَّمَاءِ وَ مَـنْ فِي الْاَرْضِ، فَـيَأْتِي النَّـاسَ الْـمَهْدِى فَيُزَفُّونَهُ كَمَا تُزَفُّ الْعَرُوس لَيْلَة عَرَسِهَا، فَهُوَ يَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطَاً وَ عَدْلاً وَ تَخْرُج الْاَرْض نَبَاتَها، وَ تَمْطَرُ السَّمَاءَ مَطَرهَا.**

(مصنف ابن ابى شيبة، ج ٨، ص ٦٧٩ ،حديث ١٩٩)

Scanned by CamScanner

## باب چهل و هشتم

### و نیز زکریا ذکر کرده است که پیامبر (ص) به دوازده نفر فرمانروا پس از خود اشاره کرده است

**۵۱۲.** و نیز جابر بن سمره می‌گوید: من و پدرم خدمت رسول خدا﴿ﷺ﴾ رفتیم و آن بزرگوار فرمود: سرنوشت اسلام همیشه نیکو خواهد بود تا دوازده خلیفه بیایند آنگاه آهسته کلمه‌ای را گفت که من آن را نشنیدم از پدرم پرسیدم چه گفت؟ گفت: فرمود: همه آنها از قریشند.

## باب چهل و نهم

### و نیز زکریا درباره مهدی و خروج آن بیانی دارد

**۵۱۳.** مردی از یاران پیامبرﷺ حضرت روایت می‌کند که فرمود:

مهدی خروج نمی‌کند مگر زمانی که نفس زکیّه کشته شود، زمانی که نفس زکیّه کشته شد موجوداتی آسمانی و زمینی بر مردم خشم می‌برند تا وقتی به همراه مردم خروج می‌کند و مردم درست مانند شب عروسی خوشحال و شاد، اطراف حضرت را می‌گیرند، پس او دنیا را پر از عدل می‌سازد و زمین رویدنیهای خود را می‌رویاند و آسمان می‌بارد، و جهان سبز خرم می‌شود.

Scanned by CamScanner

## الباب ۵۰

فِيمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا ايْضاً فِي كِتَابِ الْفِتَنِ
فِي أَخْبَارِ جَوَامَعِ مِنْ ذِكْرِ الْـمَهْدِي

۵۱٤. قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْلِي بْـنِ عُـبَيْدِ قَـالَ: حَدَّثَنَا الْأَجْلَح عَنْ عَمَّارِ بْنِ أَبِي مُعَاوِيَة عَنْ سَالِمِ بْـنِ أَبِي الْجَـعْدَ، قَـالَ: جَلَسْتُ إِلَى عَبْدِاللهِ بْنِ عُمر وَ عَبْدِاللهِ بْنِ صَفْوَان وَ هُمَا جَالِسَان فِي الْحَجَر، فَقَالَ عَبْدُالله بْنِ عُمَر: مِمَّن الرَّجُل؟ قَالَ: قُلْتُ: مِنْ أَهْلِ الْعَرَاقِ، قَالَ: فَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، قَالَ: قُلْتُ: فَإِنِّي مِنْهُم قَالَ: هُمْ أَسْعَدُ النَّاسُ بِالْـمَهْدِي، فَقَالَ: عَبْدُاللهِ بْنِ صَفْوَان: وَ اللهُ مَا جَهِلَهُمْ

(مصنفا ابن ابی شیبه، ج ۷، ص ۵۵٤، حدیث ۱٤).

## الباب ۵۱

فِيمَا ذَكَرَهُ زَكَرِيَّا فِي تَرْجُمَهِ بَابِ الْجَوَاسِيْس

۵۱۵. فَقَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنْ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَا، حَدَّثَنَا عُبَيْدِاللهُ بْنُ مُوسَى بْنِ عُبَيْدة عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبِ الْقُرَظِي عَنْ حُذَيْفَةِ بْنِ الْيَمَان: أَنَّ النَّبِي(ص)، قَالَ:

«مَنْ يَطْلَعُ الْقَوْم أَدْخَلَهُ اللهُ الْجَنَةِ» قَالَ: فَمَا قَامَ مِنَّا رَجُلُ، ثُمَ عَادَ، فَقَالَ مِثْلُهَا، فَمَا قَامَ مِنَّا رَجُلُ، ثُمَ عَادَ الثَّالَثِةَ فَقَالَ مِثْلُ مَا قَالَ، ثُمَ قَالَ: «الاّ رَجُلُ يَجْعَلُهُ اللهُ رَفِيْقِي فِي الْجَنَّةِ يَطْلَعُ الْقَوْم فَإِنِّي لَا آمرُهُ أَنْ يُقَاتِلُ» فَمَا قَامَ مِنَّا رَجُلُ، اِجْتَمَع عَلَيْنَا الْخَوْفَ وَ الْجُوع وَ الْبَرْد وَ الْعُرَى، فَقَالَ لِي: «قُمْ يَـا حَذَيْفَة وَ لَا تُحَدِثَنَّ شَيْئاً حَتَى تَأْتِيَنِي» قَالَ: فَقُمْتُ فَجَلْستُ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِم وَ هُمْ حَوْلَ نَارِ لَهُم، فَقَالَ أَبُوسُفْيان: لِيَنْظُرَ رَجُلُ مَنْ جَـلْيسِهِ، فَأَخَـذْتُ بِيَدِي الَّذِي عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ يَسَارِي، فَقُلْتُ: مَنْ أَنْتُمَا؟ فَقَالَا: فُلَانَ وَ فُلَانَ،

Scanned by CamScanner

# باب پنجاهم

## آن‌چه که زکریا در کتاب فتن خود، به بیان اخبار جوامع پرداخته که از حضرت مهدی (عج) نام برده‌اند

**۵۱٤.** سالم می‌گوید:

نزد عبدالله بن عمر رفتم: گفت: اهل کجائی گفتم: اهل عراق گفت: بگو اهل کوفه، گفتم: آری گفت: اهل کوفه نسبت بمهدی﴿ؑ﴾ با سعادت‌ترین مردم هستند.

# باب پنجاه و یکم

## آنچه که زکریا در ترجمه باب جواسیس بیان شده است

**۵۱۵.** «حذیفة بن یمان» از حضرت محمد بن عبدالله﴿ﷺ﴾ روایت کرده که فرمود: کسی که از این قوم (قوم ابوسفیان) خبری بیاورد داخل بهشت خواهد شد ولی هیچکس این کار را انجام نداد تا اینکه آنحضرت سه بار این حرف را تکرار کرد آنگاه فرمود: آگاه باشید کسیکه از اینقوم خبری بیاورد در بهشت رفیق من است و کسی از جای خود بلند نشد آن بزرگوار به من فرمود: ای حذیفه برخیز و برو و با احدی سخن مگو تا نزد من بیائی من بلند شدم و رفتم پشت سر آنها نشستم و آنها بدور آتش جمع شده بودند.

ابوسفیان گفت: هر کسی باید بنگرد و ببیند که چه کسی کنار او نشسته است؟ من خودم را جمع کردم و به آنها گفتم: شما چه کسی هستید گفتند: فلان و فلان، بعد از آن، خدا بادی را فرستاد تا کلیه خیمه‌ها و نیزه‌های آنها

Scanned by CamScanner

قَالَ: وَ بَعَثَ اللهُ عَلَيْهِم الرِيْحُ فَلَمْ تَدعْ لَهُم خِباءً وَ لَا رُمحاً اِلّا وَضَعْتُه فِى الْاَرْض، ثُمَ رَمَتْ وُجُوهَهُم بِالْحِصَى وَ النَّارَ الَّتِى كَانُوا عَلَيْهَا، ثُمَ قَامَ أَبُو سُفْيَانَ فَرَكِبَ جَملَهُ فَجَعَل يَزْجُرِهُ وَ هُوَ يَحْسَبُ أَنَّهُ مُطْلق وَ هُوَ مَعْقُول، قَالَ حُذَيْفَة: فَمَا أَشَاءَ أَنْ أَضعَهُ حَيْثُ شِئْتُ اِلّا وَضَعْتُه، فَذَكَرتُ عَهْدَ رَسُولِ اللهِ(ص)، فَكَفَفْتُ عَنْهُ حَتى صَاحَ فِيهِم: اِلّا تَرْحَلُ الْاَثْقَالَ وَ تَعْقِبُ الْخَيْلِ، قَالَ: فَجِئْتُ رَسُولَ اللهِ(ص)، فَأَخْبَرْتُهُ فَلَمْ يَصْبَحْ بِهَا دَيّار.

(مسند أحمد بن حنبل ،ج٦، ص ٥٤٣، حديث ٢٢٨٢٣)

## الباب ۵۲

فِيمَا ذَكَرهُ زَكَرِيّا فِى كِتَابِ الْفِتَنِ مِنْ
دُعَاءِ يَسْلِمُ مَنْ دَعَا بِهِ من الاخطار

**۵۱۶.** رَوَى بِإِسْنَادِهِ عَنْ اِبْنِ عَبَاسَ، قَالَ:

مَنْ نَزَلَ بِهِ غمٌّ اَوْ هَمٌّ اَوْ كَرْبُ، أَوْ خَافَ مِنْ سُلْطَانٍ ظُلُماً فَدَعَا بِهذِهِ الدَّعَوَات اسْتُجيب لَهُ، قَالَ: تَقُولُ: «أَسْأَلُكَ بِلَا اِلَهِ اِلّا أَنْتَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْع وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمُ وَ أَسْأَلُكَ بِلَا اِلَهِ اِلّا أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمُ، وَ أَسْأَلُكَ بَلَا اِلَه اِلّا اَنْتُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْع وَ مَا فِيهِنَّ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْر» ثُمَ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ

(سنن الترمذی، ج ۵، ص ٤٩٥، حديث ٣٤٣٥)

يَقُولُ عَلِيُّ بْنَ مُوسَىَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الطَّاوُوس الْعَلَوِى الْفَاطِمِى: وَ هَذَا آخرَ مَا عَلَّقْنَاهُ مِنَ الثَّلَاثِ الْمُجَلَّدَاتِ فِى الْفِتَنِ وَ مَا يَتَجَدَّدُ مِنْ الْمِحَنِ وَ الاِحَن، فَكُلَّ مَا صَدَّقَ فِيهَا الْخُبْرُ الْخَبَرَ وَ العِيانُ الْاَثَر، فَهُوَ مِنْ آيَاتِ الله جَلَّ جَلَالُه الْبَاهِرَةَ وَ مُعْجِزَاتِ رَسُولِه صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

Scanned by CamScanner

را به زمین زد و شن و ریگ و آتشی که بدور آن جمع شده بودند بصورت آنها ریخت. ابوسفیان بلند شد و سوار شتر خود شد و آن را میراند بخیال اینکه دست و پای شتر باز است غافل از اینکه دست و پای آن بسته است.
*(شاید این جریان اشاره به جنگ احزاب باشد که مشرکین با عوامل طبیعی پراکنده شدند).*

حذیفه می‌گوید: در آن موقع من هر کاری می‌توانستم انجام دادم ولی بیاد عهد و پیمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله) افتادم که به من وعده‌ی بهشت داده بود آمدم و از اموال آنها چیزی برنداشتم،

ابوسفیان در بین آنها فریاد می‌زد، که چرا بارها و اسبان خود را حرکت نمی‌دهید، پس آمدم خدمت رسول خدا و جریان را بعرض رساندم و کسی از آنها باقی نماند.

## باب پنجاه و دوم

### بیانی است از زکریا پیرامون دعا

**۵۱۶.** از ابن عباس روایت شده که:

اگر کسی غمزده شود یا از ظلم پادشاهی بترسد این دعاء را بخواند مستجاب خواهد شد.

آنگاه حاجت خود را طلب کن که مستجاب خواهد شد.

سید بن طاووس علوی فاطمی می‌گوید:

این آخرین بخش سه گانه‌ای است که از کتاب فتن زکریا نقل می‌کنم و آنچه که از خیر و آثار بر آن مترتب‌است از آیات‌الهی و معجزات پیامبر(صلی الله علیه و آله)

مُتَظاهِرَة. وَ تَعْظِيماً لِعِتْرَتِهِ الطَّاهِرَة. وَ زِيادَةً فِي دَلَائِلِ سَعادَةِ الدَّارِ الْآخِرَةِ وَ مَا ظَهَرَ أَنَّ الْخَبَرَ خِلافُ مَا تَضَمَّنَهُ مَعْنَاهُ فَيَكُونَ الدَّرْكُ عَلَى مَنِ ابْتَدَا الْغَلَطَ فِيمَا رَوَاهُ، إِنْ كَانَ تَعَمَّد. فَعَلَيْهِ دَرْكُ الاعتِمَاد. وَ خَشْيَةَ خَطَرِ يَوْمِ الْمَعَاد. وَ غَضَبِ الْمُطَّلِعِ عَلَى أَسْرَارِ الْعِبَاد. وَ إِنْ كَانَ عَنْ غَيْرِ عَمْدٍ مِنْهُ. فَعَسَى اللهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَنْ يَعْفُو عَنْهُ فَمَنْ وَقَفَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا ذَكَرْنَاهُ فَلْيَعلَم أَنَّنَا قَصَدْنَا كَشْفَ مَا رَأَيْنَاهُ، وَ لَا دَرْكَ عَلَيْنَا فِيمَا عَلَّقْنَاهُ. وَ صَلَّى اللهُ عَلَى جَدِّنَا مُحَمَّد رَسُولِهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَلَاةً تَبْلُغُ مِنْ حَقِّهِ وَ رِضَاهُ وَ رِضَى مَنِ اصْطَفَاهُ. وَ صَلَّى اللهُ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِين. وَ الْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعَالَمِين.

«أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، وَ أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و عظمت عترت اوست که سبب سعادت آخرت است.

اگر روایت از روی عمد خلاف آنچه که بیان کننده واقعیت است نشان دهد پس برای صاحب او کیفر و عذاب آخرت است،

و اگر از روی عمد نباشد امید این می‌رود که خداوند ببخشد زیرا هدف آن است که حقایق کشف شود و اسرار از پرده برافتد.

باید درود فرستاد بر محمد و آل او که خداوند آنها را برای هدایت خلق برگزید و بر این نعمت خدا را شکرگزار بود.

Scanned by CamScanner

طلوع خورشید ملکوتی

[illegible]

سروده: سید مهدی آیت اللهی

بسمه تعالی

کتابی که پیش رو دارید مجموعه احادیث و روایاتی است که توسط محدث بزرگ مرحوم سید بن طاووس علیه الرحمه گردآوری شده و نام الملاحم والفتن نام گذاری کرده است این کتاب توسط محقق و مترجم گرانقدر جناب آقای سید مهدی دادور معروف به آیت اللهی ترجمه و توضیح داده شده است، خوانندگان محترم اگر بخواهند به مقام علمی و اجتماعی گردآورنده آشنایی بیشتری پیدا کنند به شرح حال ایشان که در اول همین کتاب آمده است مراجعه فرمایند.

گروه فرهنگی جهان آرا

شابک: ۹-۷۸-۶۴۴۰-۹۶۴
ISBN: 964-6440-78-9

ناشر: انتشارات جهان آرا
تهران: ناصرخسرو کوچه حاج نایب، تلفن ۳۹۰۷۳۱۲